

احوال و آثار

تفاشان قدیم ایران

و برخی

از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی

تألیف :

محمد علی کریم زاده تبریزی

لندن ۱۲۶۲

کتابخانه ملی ایران
تألیف محمد علی کریم زاده تبریزی
چاپخانه ملی ایران
۱۳۰۲

All rights reserved. No part of this work,
including photographs may be
reproduced or transmitted in any form,
nor translated into any language,
whether by any means electronic or
mechanical, including photocopying,
recording and storing in any storage or
retrieval system without the prior written
permission from the writer and
publisher.

First Edition
June 1985

IS B N 0 9510430 0 5

© by M. A. Karimzadeh Tabrizi 1985

بامداد، صدهی «در شرح حال رجال ایران» -

در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری

کتاب - فروغی زواری
تهران: شام آباد

All rights reserved. No part of this work, including photographs may be reproduced or transmitted in any form, nor translated into any language, whether by any means electronic or mechanical, including photocopying, recording and storing in any storage or retrieval system without the prior written permission from the writer and publisher.

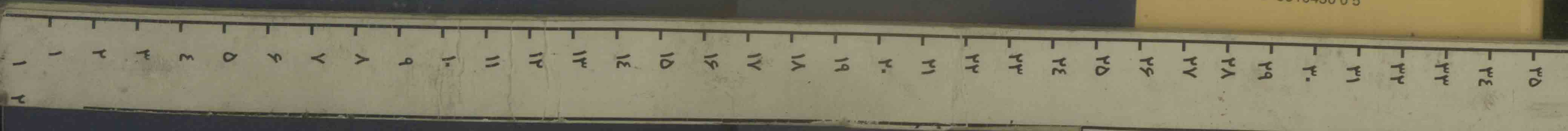
بامدار، مهدی «شرح حال رجال ایران» -

در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری

کتاب - فروغی زواری
تهران: شاه آباد

First Edition
June 1985

IS B N 0 9510430 0 5



۱
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

All rights reserved. No part of this work, including photographs may be reproduced or transmitted in any form, nor translated into any language, whether by any means electronic or mechanical, including photocopying, recording and storing in any storage or retrieval system without the prior written permission from the writer and publisher.

First Edition
June 1985

ISBN 0 9510430 0 5

© by M. A. Karimzadeh Tabrizi 1985

بامداد، مهدی در شرح حال رجال ایران -
در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری
کتاب - فروغی زواری
تهران - شهناز آباد

۵۶۳ گ

۱۰۸

ن ۴۰

احوال و آثار

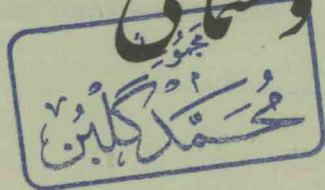
تفاشان قدیم ایران

۶۶۵۹۱

و برخی



از مشاهیر نگارگر مهند و عثمانی



تألیف: محمد علی کریم زاده تبریزی

لندن ۱۳۶۳

جلد اول

First Edition
June 1985

ISBN 0 9510430 0 5

© by M. A. Karimzadeh Tabrizi 1985

All rights reserved. No part of this work, including photographs may be reproduced or transmitted in any form, nor translated into any language, whether by any means electronic or mechanical, including photocopying, recording and storing in any storage or retrieval system without the prior written permission from the writer and publisher.

Printed by Interlink Longraph Ltd., 45 Mitchell Street, London E.C.1.

حق ترجمه - اقتباس و چاپ و انتشار برای نویسنده و ناشر محمد علی کریم زاده تبریزی محفوظ است.

یادداشت
نویسنده: محمد علی کریم زاده تبریزی
مترجم: دکتر محمد علی کریم زاده
ناشر: انتشارات چشم سبز
تبریز
۱۳۶۰

یادداشت

بعد از کتاب شناسی نگارگری، تألیف و تدوین
نگارنده، نگارنده نگار از زحمات و فایده‌های که در باره نگارگری
ایران تألیف و تدوین کرد و در همین کتاب بر تقدیرات
امید است. حباب و رسم زرافه تبریزی هم خود را حرف
اسلام این کار کنند و محمد و دیگران کتاب را به چاپ
برسانند از دست نگارنده و مستوفی سپید گزاف
که به یاد من بود و این کتاب را بر سر من نگارنده و تصویر

یادداشت نگارنده و یاد نمود با عفو ادب

محمد علی کریم زاده

۱۳۶۰/۱۲/۱۷ طهران



سپاس فراوان خدای باریتعالی را باد که این حقیر را در چاپ و نشر این کتاب یاری نمود. سالیان متمادی آرزو داشتم از عظمت و فخامت پرمایه و فریبنده هنر ایرانی که بحق دیده بخردان و اذهان هوشیاران را بسوی خود معطوف داشته و علم و اندیشه خود را به جهانیان ارمغان فرستاده بازگو نمایم.

در تلاش و دستیابی به آمال دیرین خود، هر اندازه که در دریای بیکران و افسانه‌ای این کمالات پای مینهادم، در عمق پرغنای آن مغروق گشته و خود را در زرفنای رویائی آن زیون و درمانده مییافتم. لحظه‌ای در مقابل فضای پرآذین مینیاتورها می‌ایستادم، غرق تحیر و حیران می‌گشتم، بر تذهیب‌ها و آرایش مصاحف و کتابها نظر می‌انداختم، مفتون ریزه کاریها و حلاوت استادانه آنها شده مات و مبهوت می‌ماندم، بمهارت و تردستی خطاطان سحرآثار و قلمدان سازان و مجلدان بلند اشتها و نقوش بی‌قرینه فرشها و زربفت‌ها و قدرت قلم حکاکان و نگین تراشان و خلاصه بهر حال و اندیشه‌ای به آثار بی‌قرینه سایر ارباب حرف و صنایع که بگونه‌ای احساس و خواسته‌های آدمی را مهار مینمود توجه میکردم، خود را در فضای لایتناهی هنر ملتی میدیدم که با نبوغ جاودانی و عشق بحیات واقعی، جهان را فتح کرده و هنر و کمال خود را بدنیا سرازیر کرده است. بدنبال این خواسته‌ها، امید داشتم احوال و آثار این هنرمندان آتش دست را که عاملین واقعی امتیازها بوده و با هنر سحرآسای خود افتخارها آفریده و روی در نقاب خاک کشیده‌اند، بهر طریقی که بر غنا تر باشد، بازگو نموده و خدمات آنانرا قدر نهم. ولی چون بمرحله عمل میرسیدم و عمق مطلب را بررسی مینمودم، مشکلات کار عریان گشته، از فعالیت باز می‌ماندم، و یا بهتر بگویم بعید میدانستم که بتوانم بسط و شرح مخازن کم نظیر و یادگارهای متعالی هنر ایرانی را بگونه‌ای که ارز اندام کرده و چه بسا در لفافه احساس و تخیلات آدمی نیز نمی‌گنجد بازگو نمایم.

چندین مرتبه از اجرای امر منصرف گشته و از مقصود بدور افتادم، ولی در همه حال ندای غیبی مرا بانجام این امر نهیب میزد که اگر جسارت و بازگوئی این همه کمالات معنوی را نداری و بسر چشمه مقصود نمیرسی، لااقل میتوانی جرعه‌ای سر کشیده و بههدف نایل گردی.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

در پی دستیابی باین جرعه گوارا که مدت‌ها مرارت نیز بهمراه داشت، لحظه‌ای فارغ ننشسته و همیشه در تلاش بدست آوردن منابع گوناگون و مستندات تاریخی بودم که تا حد امکان احوال صحیح هنرمندان را بطریقی که باید و شاید بازگو نموده و نام نامی شانرا در تاریخ هنری ایران ثبت نمایم.

بدین ترتیب، هر اندازه که گسترش تحقیق وسیع تر میشد، موانع کار سبکتر گشته وبمقصد نزدیکتر میشدم.

عمده سعی بیشترم در این بود که در جوار ارائه و معرفی هنرمندان معروف، یادی نیز از یادرفتنگان گمنام هنری کرده و آنانرا بدوستاناران علاقمند معرفی نمایم.

اگر آثار مهجور و مکتوم نقش آفرینان گمنامی را می یافتم، بمثابه گنج پر بهائی می پنداشتم که بلطف باریتعالی نصیبم گشته و سعی میکردم به اندازهیکه شان و شایستگی داشته باشند حق مطلب را ادا کرده و مقام و منزلت حقیقی آنها را عریان سازم.

از مشاهیر و نوادر هنرهای تزئینی، از قبیل قلمدان سازان و مجلدان و فرشباغان و زربفت دوزان و کاشی کاران و منبت سازان و حکاکان و نگین تراشان و حل کاران و طلا سازان و حتی فلز کاران و شمشیر سازان و در مواردی معماران و طراحان و سایر نقش آفرینان پرمایه‌ای که بنحوی در آرایش و پیرایش هنری سهمی داشته‌اند، یاد کرده و رشته تخصص و درجه مهارت وی را بیان نمایم.

در ابتدا به موزه‌ها و کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی و نمایشگاههای هنری داخل و خارج کشور که دیدار آنها مشکلاتی داشته و ندرتا" با ناملایمات و کم لطفی نیز همراه بوده سر میکشیدم و ساعتها در مقابل آثاریکه مورد نظرم بوده قرار گرفته و با حوصله و دقت بیشتری امتیازات اثر را بررسی مینمودم، و در این بازدیدها تاکید داشتم از ارقامی که در ذیل آثار گوناگون و بوسیله هنرمندان درج شده و تاریخ اجرا و امضای اصیل نقاش را در بر داشت قرائت کرده و بطور وضوح برای دوستداران بازگو نمایم.

بطوریکه اهل فن مستحضرند، اغلب این امضاها با قلم‌های بسیار ریز و خط غباری قلم موئی و در مواردی بسیار بد خط و گاهگاهی مخدوش و رنگ رفته انجام یافته که ارائه و بازخوانی آنها، ساعتها وقت و مقدار کافی تجربه و تبحر لازم دارد که خوشبختانه این مشکل نیز با شکیبائی و وسواس کامل فرجام پذیرفته و موفق شدم ارقام و امضاها ی یادرفته هنرمندان را که تاکنون در بستر فراموشی افتاده و نامعلوم مانده‌اند عیان ساخته و بدیدار هنرشناسان برسانم.

در ارائه احوال صحیح و مستند استادان سعی داشتم از کتابها و منابع نزدیک بحیات هنرمندان استفاده نموده و در بعضی موارد از اطلاعات و ارقامی که در ذیل آثارشان، چه بوسیله خود نقاش و چه توسط صاحب ذوقی هنرشناس که مختصر کورسوئی را از احوال هنرمند نشان داده، برخوردار گشته و در صورت فقدان این مزایا به بررسی کامل اثر پرداخته بحکم و برداشت تحقیقی خود، درجه مهارت و شیوه نگارگری هنرمند را مشخص میساختم.

در پی این مقصود آنچه در قدرت تهیه بود از کتابهای نایاب چاپی و دست نویسه‌های خطی و انحصاری، در مجموعه خود گردآوری کرده و در غیر این صورت از کتابخانه‌های معروف داخلی و خارجی استمداد جسته و سعی داشتم که از میان مدارک موجود، نکاتی را که از لحاظ سندیت تاریخی واجد ارزش و شایسته تتبع باشند انتخاب نموده و نظریات سست و بی‌مایه را بدور اندازم.

چون قاطع ترین وسایل شناخت و تجزیه و تحلیل امتیازات هنری، با درک مکاتیب گوناگون تصویر سازی ایرانی و بهره‌یابی کافی از هنر نقاشی میسر است و نگارنده نیز با ممارست پی گیر و مداومت طولانی که در امر ترسیم و شناسائی پیرایش هنری و بصیرت و آگاهی استمراری از مراحل تکمیلی خطوط و سایر رشته‌های تزئینی داشته و همیشه در جریان تفحصات و مطالعات پژوهشی آن آثار بوده و جزو افرادی هستم که اغلب این آثار را از نزدیک دیده و بآنها عشق ورزیده و حتی بعضی از آنها را در مجموعه خود گردآوری نموده‌ام، روی این اصل، در تعیین مزیت و ارزش هنری استادان،

ذوق و سلیقه هنری خود را حاکم دانسته و در مواردی از عقاید هنرشناسان نامی نیز استمداد جسته و آنچه را که در کمترین پایه نگارگری بوده بی بهره و متوسط و برتر از آن را خوش رقم و خوب و فراترین را عالی و پرمایه و استادان طراز اول نامی را که آثار آنها کم نظیر و یا بی نظیر بوده است با لفظ پر پیرایه ممتاز و نفیس توصیف کردم.

برای تسهیل و شناخت سریع پژوهندگان، اسامی معروف و مصطلح هر استاد را که بین مردم باب بوده یاد کرده و اسامی و القاب اصلی آنها در متن مطلب ارائه نمودم. از مشاهیر هنرمندان نامی هند و عثمانی که بعلت همجواری و علاقمندی، با آثار هنری میهن ما بستگی پیدا کرده و نسخ گوناگونی را بقلم خوش نگار خود مزین کرده‌اند، جهت درج مقام هنری آنان، مختصری از احوال و آثارشان را یاد کرده و در موارد ضروری در زیر نویس تشریح نمودم.

بسیار علاقمند و بلکه آرزو داشتم در مقابل احوال هر هنرمند، نمونه‌ای نیز از آثار شایسته استاد را که مبین ارزش هنری وی باشد ارائه دهم، ولی اشکالات فراوان مالی و گرانی روز افزون چاپ رنگی مرا از انجام این مقصود باز داشت و بچاپ سیاه سفید بعضی از آن آثار در آخر کتاب اکتفا کردم.

جلد حاضر که حاوی بیش از پانصد صفحه و هفتصد ترجمه است از حرف (الف) شروع شده و به حرف (غ) پایان یافته و دنباله مطالب جلد اول که بقیه تراجم را دربر خواهد داشت با شماره مسلسل در جلد دوم بطبع خواهد رسید.

در خاتمه جایز میدانم از روسای موزه‌ها و کتابخانه‌های ملی و خصوصی و مجموعه‌داران محترم که آثار ذی قیمت خود را جهت تحقیق در اختیارم گذاشته و همچنین از خانم ویدا زمانی که با دقت و علاقه تمام این کتاب را ماشین کرده‌اند تشکر و سپاسگزاری نمایم.

امید است این خدمت ناچیز که در غربت و دست تنهائی انجام پذیرفته، مقبول طبع دوستداران هنر و موافق سلیقه و ذوق مطالعه کنندگان گرامی قرار گیرد.

لندن اول مهر ماه ۱۳۶۳

محمد علی کریم زاده تبریزی



۱۔ آبا قان میرزا

۲-آبان محمد

۳- آجهه

رقم دارد. (عمل کمترین مریدان آچھے)

۴-آذر

نقاش شیرین قلم اوایل قرن ۱۲ ه.ق. بود که در مناظر و مایا و اجرای صحیح آن دست داشت و در سایه پردازی و آرایش چهره‌ها، استاد تام العیار بود. از یگانه آثار رقم دار این هنرمند که حاکی از قدرت قلم و غنای هنری وی بشمار می‌آید، قلمدان نقل شده استادانه‌ای بود که در رویه آن، تصویر حضرت مسیح به استادی نقش بسته و زن و مردی با احترام در حضورش ایستاده بودند، در قسمت پائین و نشیمن قلمدان که تذهیب شیوایی نیز داشت، جماعتی را بحال خضوع و احترام به قادر متعال نشان میداد. از گوشه راست قلمدان، نور روشن و خیره کننده‌ای که در ضمیر نقاش، هاله‌ای از نور ایزدی بود، به چهره مومنین تابیده و مجلس را روحانی‌تر نموده بود. رقم نقاش، در بطن تصویر چنین بود: (رقم کمترین آذر ۱۱۲۸) مجموعه خصوصی ۱

۵-آسی کهر

نقاش شیرین قلم مغولی هند بود که آثار وی، در کتاب معروف با برنامه جلب نظر مینماید.

۶-آقا - استاد آقا

نقاش و آرایشگر جلد روغنی چهارمین جلد، از کتاب الف و لیل مشهور موجود در کتابخانه گلستان تهران میباشد. استاد آقا، تزئین جلد را با همکاری غلامعلی نقاش بیایان رسانده و به قوی دستی از عهده انجام آن برآمده است. در رویه جلد کتاب که مجلس بزم پر حلاوتی نیز دارد، استادی و مهارت خود را به نیکوترین ترتیبی ارائه داده و رقم گذاشته (بدستیاری استاد کل فی الكل جان نثار درگاه جهان پناه استاد آقا سمت اتمام پذیرفت) (العبد غلامعلی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۵)

آقا ابراهیم در ابراهیم آمده

۷-آقا البرز - میرزا - میرزا آقا خان البرز

در تهران نشو و نما کرده و به فرنگی سازی و کپی از روی آثار استادان معروف بوده است. از دو اثر رنگ و روغنی ساده و متفاوتی که از این نقاش دیده‌ام، معلوم میدارد، نقاش رنگ و روغن کار متوسطی بوده و در شبیه سازی عاجز بوده است. در یکی از این آثار که مجلس درباری سلاطین قدیم رومی را نشان میداد، تا حدی موضوع و رنگ‌ها را خوب عمل آورده و رقم داشت. (رقم کمترین میرزا آقا خان البرز) دیگر اثر رنگ و روغنی نقاش، صورت نیم تنه امین السلطان اتابک معروف بود که در داخل کادر بیضی شکلی، تصویر شده و رقم داشت. (کمترین میرزا آقا خان البرز)

آقا باقر در محمد باقر آمده

۸-آقا بالا

نقاش زیبا نگار و آبرنگ و رنگ و روغن کار دوره ناصری بود. این هنرمند بعلت مسافرت بنواحی قفقاز، در رشته فرنگی سازی مهارت پیدا کرده و بمراحل و انجام قوانین مناظر و مایا (پرسپکتیو) آشنا گشته بود.

آثار رقم دار آقا بالا عبارتند از:

۱- تصویر جماعتی از ملل و فرق مختلف، از قبیل چینی و زنگی و روس و تاتار که در زمینه زرد نقاشی شده و بسیار جالب و تماشایی بود. و در زیر اثر، امضاء داشت. (رقم کمترین آقا بالا ۱۳۰۰)

۲- دیگر اثر این هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران است، تصویر مردی با ریش بلند حنائی است که کلاه بوقی دوره ناصری بسر گذاشته و پالتو کرکی مخصوص قرمز رنگی بتن کرده و دو زانو نشسته و دست خود را بزرگ شال فرو برده است.

۳- آثار دیگر نقاش در این موزه، تصویر آبرنگی سردار کل عزیزخان است که کلاه بوقی بسر گذاشته و لباسهای مختلفی بروی هم پوشیده و حمایل طلائی بدوش انداخته است. شلوارش رگه دار قرمز و جبه زیبایش بوته جیقه‌ای و ریش و سبیلش تویی است.

رقم دارد. (هو، رقم بنده درگاه آقا بالا نقاش، فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۲)

۹-آقا بالای ایرانی

از نقاشان آبرنگ ساز ایرانی مقیم قفقاز بود که آبرنگ را بشیوه فرنگی زیبا میساخت. از آثار رقم دار وی، تصویر عباس میرزا در کودکی است که بسیار شیرین و پسندیده می‌باشد. در این اثر زیبا که عباس میرزا را در سنین صباوت نشان میدهد، شاهزاده قاجار، کلاه بوقی دولبه‌ای که در وسط آن الماس درشتی جلوه‌گر است، بسر گذاشته و موهای خود را از پشت سر نمایان ساخته است. جوراب رنگی و شلوار معمولی بتن کرده و کرکی ضخیمی بروی لباسها انداخته و در عقب و پشت سر وی، دو متکای بزرگ دیده میشود.

رقم دارد، شبیه عباس میرزا، عمل آقا بالای ایرانی سنه ۱۲۵۵. در طرف راست به خط لاتین امضاء داشت. AGA BALLA

۱۰-آقا بزرگ شیرازی - نقاش باشی

شیرازی و از نقاشان درجه اول دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار بوده. در مجمع الصنایعی که خود ترتیب داده بود، به تربیت شاگردان اشتغال داشت و فن تصویر را بآنها تعلیم میداد. از درج لقب نقاشی که در اغلب آثارش بیادگار گذاشته، معلوم میداشت، از نقاش باشیهای دوره ناصری و مورد توجه و محبت مخصوص شاه قاجار بوده است. آقا بزرگ، در رشته‌های مختلف نقاشی، خصوصا "در رنگ و روغن و آبرنگ و سیاه قلم و کارهای روغنی (لاکی) مخصوصا" قلمدان سازی

در شبیه سازی، وسواس زیاده از حدی می داشت و با پردازشهای ساحرانهای که به تصویر میزد حالات و سکنت صاحب چهره را بخوبی آشکار می نمود. آثار متنوع و استادانه ای که از این هنرمند پدیدار است، عبارتند از:

۱- تصویر رنگ و روغنی نیم تنه یکی از رجال دوره قاجاری که در کمال استادی ترسیم شده ورقم داشت. (رقم میرزا آقا بزرگ نقاشباشی) تصویر شماره (۱۰)

۲- نقاشی صورت نواب والا سیف اله میرزا در چهل سالگی، باندازه ۲۲ × ۳۴ سانتی متر. در این اثر، سیف اله میرزا، کلاه معمولی زمان بسر گذاشته و لباس بلند بوته جیقه‌ای پوشیده و ریشش بلند و پریشان است. در قسمت چپ و راست بالای تصویر، بخط شکسته زیبا رقم دارد.

(صورت نواب سیف اله میرزا در چهل سالگی - رقم مشهدی آقا بزرگ شیرازی)

۳- قلمدان زیبا و تکراری آقا بزرگ که نگارنده بیش از ۵ عدد از آنها را مشاهده کرده‌ام، در این اثر تکراری، مناظر مختلفی از قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا را بحالات گوناگون ترسیم نموده که از هر نظر پسندیده می‌باشد. در یکی از صحنه‌ها، شیخ صنعان را در کمال پریشانی و دل‌باختگی در حضور پرتمنای دختر ترسا، تصویر کرده و در حواشی و نشیمن قلمدان، مجالس رقص و سماع و سایر قضایای قصه مزبور را به نیکوترین وجهی ارائه داده و جوانب و حواشی مجالس را با تذهیب و حل کاری تزیین کرده که از هر نظر شایسته تحسین می‌باشد.

۴- دیگر اثر آقا بزرگ، قلمدان بزرگ و زیبائی است که زمینه زرک زرد صدفی داشته و در عین سادگی بسیار پر مهارت انجام یافته است. در رویه قلمدان، سه تک گل پر طراوت در اندازه‌های بزرگتری نقش بسته که معرف زبردستی و وحدت قلم نقاش می‌باشد.

این اثر استادانه که در موزه هنرهای تزیینی تهران مضبوط است، رقم دارد. (آقا بزرگ شیرازی)

اما بهترین و نفیس‌ترین اثر هنرمند که از شاهکارهای وی میباشد، قلمدان تصویری بی‌همتایی است که در موزه هنرهای تزیینی تهران قرار دارد. در رویه و حواشی قلمدان، تصاویر رجال و مشاهیر زمان شهر شیراز، در کمال شباهت و اصالت نقاشی شده که واقعا "ستودنی است". انتخاب رنگها و سایه پردازه‌های پر مهارت و شبیه سازی نفرت و نقش خطوط زیبا و سایر عوامل آرایشی و تزیینی نشانگر کمال و بیانگر چابکدستی نقاش میباشد. این قلمدان منحصر بفرد، بفرمایش و سفارش نصرة الدوله فیروز میرزا فرمانفرما، والی فارس تصویر شده و رجال و مشاهیر آن سامان را در کمال مهارت نشان میدهد. داخل قلمدان، برنگ سرخ زیبا رنگین شده و شرح تصاویر قلمدان، بخط شیوای نستعلیق، نقاشی کتابت شده است.

در این قلمدان، تصویر بیست و سه نفر از اعظم و اشراف آن دوره و حتی قیافه نقاش ارائه شده که از جهت شناسائی رجال آن دوره، شایان اهمیت است. نگارنده جهت شناسائی بیشتر و درج نام افراد کرویکی ساده‌ای از این قلمدان ترسیم کرده که در شکل **نمودار ۱** ارائه میگردد.

ع- اثر ممتاز و ارزنده دیگر این نقاش، تصویر نیم تنه ناصرالدین شاه بشیوه صنایع الملک غفاری است که کلاه جیقه‌دار پرتاوسی بسر گذاشته و ته ریش مختصر و سبیل‌های بلند مردانه دارد، پاگونها و ریس‌های مروارید و حمایل و لباس سلطنتی و مدالیون مرصع شیر و خورشیدی بزیر یقه آویزان است. در زمینه

↑
کتابت است

↑
از سمت چپ

↑
رویه مله ان

کناره های داخل قلمدان

و افق دوره، منظره کوهها و پل قدیمی و آب روان جلب نظر میکند. در بالا بخط نستعلیق زیبا نوشته (السلطان ناصرالدین شاه قاجار خلداله ملکه و دولت سنه ۱۲۷۸) در گوشه چپ رقم دارد (چاکر درگاه آقا بزرگ) معلوم میگردد، در سالهای ۱۲۷۸ هنوز ملقب به نقاشی نبوده است.

۷- اثر دیگر نقاش که جزو مجموعه نگارنده است، گرده استادانه هنرمند است که در اغلب آثار آن بندرت دیده شده است. تصویر شماره (۱۹)

۸- اثر رنگ و روغنی دیگر این نقاش، تصویر مردی با ریش انبوه و کلاه مخصوص است که پالتو بوته جیقه‌ای پوشیده و روی فرش نشسته و کتابی بدست گرفته است. منظره یک ساختمان قدیمی، در زمینه نقاشی جلوه‌گر بوده و در سمت راست رقم دارد. (میرزا آقا بزرگ نقاش باشی) این اثر در نمایشگاه یکن سال ۱۳۵۶ عرضه شده و مورد توجه قرار گرفته است.

۹- دیگر اثر آقا بزرگ در این نمایشگاه، قطعه نقاشی زیبایی از چهره حاج محمد رحیم امین التجار شیرازی بود که رقم نقاش را داشته و از هر نظر جلب توجه می‌نمود.

۱۰- اثر پر مهارت دیگر آبرنگ سازی آقا بزرگ، تصاویر هشت نفر فرماندهان لشکر ایران در زمان ناصر الدین شاه است که در کتابخانه موزه گلستان مضبوط بوده و یکی از بهترین نمونه‌های چهره سازی نقاش بشمار می‌رود و رقم دارد. (مشق کمترین خانزاد، میرزا بزرگ شیرازی سنه ۱۲۸۱)

۱۱- دیگر از آثار ارزنده و منحصر بفرد آقا بزرگ که در روی کاسه و بشقاب چینی بوده و در مجموعه مهندس خلیلی مضبوط میباشد، کاسه و بشقاب مینائی ساخت شیراز است که رویه آن بسیاق چینی تزیین شده و در حاشیه آن، اشعاری بخط نستعلیق دیده میشود. (رقم دارد زیر کاسه) (طیاری میرزا بزرگ شیرازی سنه ۱۲۶۰) (رقم روی بشقاب) (العبد الاقل المحتاج میرزا بزرگ شیرازی سنه ۱۲۶۰)

۱۱- آقا بیک لرافشار- بیگلر خان

فرزند محمد حسن افشار نقاشی لال بود و در آبرنگ مهارت داشت. آقا بیک بیقین در مکتب پدر هنرمندش، درس هنری آموخته و در آبرنگ و تصویر و چهره‌پردازی استادی شیرین کارگشته است. از آثار رقم دار این هنرمند که بسال ۱۹۷۸ در لندن بفروش رسید، تصویر خداقلی بیک یاور توپخانه بود که به نیکوترین وجهی تزیین و تصویر شده بود. در این اثر زیبا، کلاه بلند و لباس مخصوص نظامی و پاگونها و حمایل و شمشیر و قیافه مصمم و شاداب او، در کمال استادی عرضه شده و قابل تحسین بود و رقم داشت. (رقم کمترین آقا بیک ولد عالیجاه محمد حسن آقای نقاشی لال افشار فی شهر شوال ۱۲۶۳) (صورت عالیجاه خداقلی بیک یاور توپخانه است)

ضمناً در یک کتاب روسی که در کتابخانه لندن دیدم، گویا احوال این هنرمند را برشته تحریر در آورده و مقداری از آثار وی را ارائه داده بود. متأسفانه ترجمه احوال هنرمند میسر نگردید و فقط ارقام مختلفی که ذیل آثار هنرمند، در آن کتاب چاپ شده بود، جهت علاقمندان درج میگردد.

۱- صورت سرکار مقرب الخاقان خداوندگاری فتح‌المخان سرتیب دام اجلاله عمل ابوالفیض ابن محمد حسن خان نقاشی افشار فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۷

۲- عمل بیگلر خان نقاشی افشار

۳- صورت مقرب الخاقان میرزا علیخان، در سن سی و یک سالگی عمل عالیجاه بیگلر خان لال

نقاشی افشار سنه ۱۲۸۴

۴- رقم کمترین ذره بیمقدار آقا بیگلر، پسر محمد حسن خان نقاشی افشار سنه ۱۲۷۹

۵- شبیه امام قلیخان سرتیب افشار، در سن سی و هفت سالگی، رقم آقا بیگلر نقاش سنه ۱۲۷۷

۶- عمل بنده چاکرزاده ظل‌الیه، بیگلر نقاشی لال ۱۲۷۲

۷- هو - فتبارک اله احسن الخالقین، رقم کمترین بنده درگاه خلائق امید گاه بیگلر آقا ولد الصدق عالیجاه مجدت همراه مقرب الحضرت السلطانی، محمد حسن خان نقاش یاشی افشار در شهر شوال در ولایت ارومی مصور گردید سنه ۱۲۷۷

۱۲- آقا جان

استاد زرکش جدول بند ماهر اواخر دوران صفوی بود.

۱۳- آقا جان اصفهانی

طراح نقش آفرین و معمار و رسام دوره فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود. او در طرح نقشه و ایجاد ساختمانهای آن دوره، صاحب ابتکار بود و در آرایش و پیرایش داخلی و خارجی قصور و ابنيه، دست پر کمال داشت.

آقا رضا در رضا کاشانی آمده

آقا زمان در محمد زمان ۳ آمده

آقا صادق در صادق آمده

۱۴- آقا صاحب الزمان

از نقاشان طبیعت ساز و پرنده نگار قرن ۱۷ میلادی مغول هند است. این هنرمند در پرنده سازی و آرایش و ریزه کاریها وسواس و دقت بخصوصی داشت. از بهترین آثار پرنده سازی وی که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن مضبوط بوده و کارت پستال رنگی آن نیز منتشر گشته است، تصویر پرنده‌ای در مرداب است که با استادی تمام نقاشی شده و رقم دارد. (عمل بنده درگاه آقا صاحب الزمان) اگر تذهیب کناره‌ها و کتابت خطوط اطراف نیز بدست نقاش انجام یافته باشد، باید او را جزو شایسته‌ترین مذهبان و خطاطان خط نستعلیق نیز بحساب آورد. تصویر شماره ۲

۱۵- آقا کوچک- استاد آقا کوچک نقاش شیرازی

نقاش گمنام و آبرنگ ساز ساده شیرازی بود. فرصت در کتاب خود، نقاش را چنین توصیف میکند "استاد آقا کوچک از عهد کودکی تاکنون به آقا محمد حسین نقاش انباز است و بنقاشی ممتاز" از تنها اثر رقم داری که از نزدیک دیده‌ام، چندان امتیازی در هنر نقاشی نداشت و شاید فرصت شیرازی، مقام هم شهری‌گری را بر ارائه حقایق برتر دانسته و او را نقاشی ممتاز توصیف کرده است. در تصویر رقم داری که زن فربه و چاقی را به آبرنگ نشان داده بود. زن، بر روی دوشکی دراز کشیده و به

متکا تکیه داده، پسرک خدمتکاری صراحی بدست، بالای سر او نشسته بود. در سمت راست تصویر، دختران آماده به خدمت، نظاره‌گر این منظره بودند، آرایش داخلی خانه و پنجره‌های اطاق ساده بود و بخط بد رقم داشت. (رقم کمترین آقا کوچک نقاش)

آقا میرزا اصفهانی در میرزا آقا اصفهانی آمده
آقا میرزا اصفهانی در میرزا آقا محمد مهدی امامی اصفهانی نقاشی آمده
آقا میرزا شیرازی در میرزا آقا شیرازی آمده
آقا میرزا موسی در موسی آمده
آقا میرک اول در روح الله میرک هروی آمده
آقا میرک دوم در جلال الدین میرک آمده

۱۶- آقا میر گلستان تبریزی

بنوشته مرحوم تربیت در دانشمندان آذربایجان:
(از مشاهیر نقاشان قرن ۱۴ ه. ق. ۴۰ نامش سید محسن و تخلص او سید بود و در حدود سنه ۱۳۳۰ مرحوم شده است. از آثار او، منظومه‌ای بعنوان مرآت البکاء در مراثی حضرت سید الشهداء علیه السلام در تبریز چاپ شده و فراوان است.
آقا میر مصور و برادرش ارژنگ و رسام، هر سه برادر زاده‌های مشار الیه میباشند.

آقا نجف در نجفلی نقاشی آمده

۱۷- آقا نویان - پیر بیک

کلمه آقا نویان در حقیقت نام اصلی نقاش نبوده، بلکه یک نام توصیفی و یا لقب مرسوم درباری بوده که در آن زمانها به شاهزاده‌های پیر، اطلاق میگشته است.
این نقاش که بنام آقا نویان، در تاریخ هنری ایران مشخص میباشد، بعقیده (جاکسون و یوهانان) جز نقاش پر مایه‌ای، بنام (پیر بیک یا غلام پارماک) نمی‌تواند باشد که چند اثر و از جمله یک میناتور رقم دار وی را، در شاهنامه مضبوط در موزه متروپولیتن نیویورک سراغ داریم. این شاهنامه که در نوع خود از نفایس هنری اوایل قرن ۱۲ هجری ایران است، بتاریخ ۱۰۷۹ - (۱) کتابت شده و تصاویر آن چنانکه از سنوات مرقوم، در ذیل نقاشی‌ها بر می‌آید ۲۵ سال بعد، یعنی بین سالهای ۱۱۰۴ و ۱۱۰۹ توسط مشاهیر نقاشان عصر، از قبیل محمد زمان - فضل علی - علی نقی بن شیخ زاده و پیر بیک غلام (آقا نویان) اجرا گشته است. تنها میناتوری که رقم پیر بیک غلام را دارد، تصویر زیبایی است که زال سوار اسب شده و شکاری را نشانه گرفته و آماده تیراندازی است. منوچهر که در هیئت پادشاهی نظاره‌گر این ماجراست، باستادی مصور گشته است. خیل دلیران و رزم آوران که در اطراف صحنه، تصویر گشته‌اند، ستودنی است. درخت بلندی در پیشاپیش آنها جلب نظر میکند. در وسط، این دو بیت شعر که در پائین صفحه نوشته شده (ز بالا همی دید شاه جهان - ز گردان پیر آشکار رو نهان)

۱- رقم آخر شاهنامه چنین است

تمام شد کتاب شاهنامه بعون الله تعالی و حسن توفیقه بتاریخ سلخ شهر شوال ختم بالخیر و الاقبال سنه تسع و سبعین بعد الف الهجریه النبویه ۱۰۷۹ کتبه العبد الاقل ابن شمس الدین شیخ محمد عفی عنهما

بخط باریک قلم موئی نوشته شده. (پیر بیک غلام ۱۱۰۹)

۱۸- آلتون تاش

حکاک و نگین تراش و خطاط نامی عثمانی دوره تیموری بود. این استاد، نگین‌های عقیق و سنگهای سخت را استادانه می‌تراشید و خطوط را بشیوه یاقوت روی آن مینوشت.

۱۹- آنزل - نقاش هلندی مقیم دربار صفوی

نقاش هلندی الاصل مقیم ایران بود که در زمان شاه عباس دوم، به‌مهرای نقاش دیگری بنام لوکاردو بمعرفی نماینده شرکت هلندی اصفهان، بخدمت دربار در آمد و مشغول کار گردید. از آثار باقی مانده این هنرمندان که در کناره انتهائی ایوان کاخ چهل ستون دیده میشود، تصاویر زیبایی از فرنگیان زن و مرد است که در لباس فرنگی، نقاشی شده و در گوشه‌های دیگر عمارت، مجالس مختلف بزم و شکار است که بسیاق و شیوه اروپائی، ارائه گشته و در حد خود زیبا میباشند.

۲۰- آننت

از نقاشان چابکدست و هنرمند هند بود و در میناتور سازی دست پر حلاوت داشت. این نقاش در ارائه حالات مختلف، مخصوصاً "در تصویر و جانور سازی و انتخاب رنگها و منظره پردازی پر وسواس و با مهارت بوده است.

از بهترین آثار بجا مانده وی، پنج تصویر در کتاب نفیس انوار سهیلی تالیف مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری است که بشماره ۱۸۵۷۹ در موزه بریتانیا مضبوط است. در این اثر، بیشترین تصاویر کتاب، یعنی ۵ مجلس از جمع تصاویر را آننت انجام داده که در نوع خود بسیار پر ارزش میباشند. کتاب انوار سهیلی که به تحقیق از نفایس هنری دوره اکبری و جهانگیری می‌باشد، در سال ۱۰۱۸ برای جهانگیر شاه و زیر نظر و مدیریت آقا رضا کاشانی که رئیس تهیه و سرپرست گروه ۱۶ نفری نقاشان معروف آن دوره مقیم کتابخانه دربار هند و ایرانی بود، تصویر شده است.

اکبر شاه فرزند بزرگ بابر که از نسل مآدر ایرانی، تولد یافته بود، خود نقاشی میداد. در مدت ۵۰ سال سلطنت خود، در قوام و اعتلای هنر تصویری هند، کوشش بسزائی میدول داشته و پس از مرگ وی نیز که بسال ۱۰۱۴ اتفاق افتاد، پسرش جهانگیر آمال پدر را گرامی داشته و دنباله رو مکتب پدر گردید. در کتاب مزبور که بزمان جهانگیر شاه و با کمک نقاشان دوره اکبری و جهانگیری تصویر شده، چهار میناتور، دارای امضای نقاش بوده و بقیه بدست آقا رضا کاشانی یا فرد مسئول دیگری نام گذاری گشته است. این نقاشان به ترتیب شماره و تعداد عبارتند (شماره ۲۹ آقا رضا) (ش ۲۲ رحمان قلی) (ش ۲۱ - ۲۶ دهر مدارس) (ش ۱۳ و ۱۰ درگه) (ش ۱۶ - ۱۹ استاد حسین) (ش ۲۸ بشنداس) (ش ۴ نانها) (ش ۳۶ موهن) (ش ۸ مدو) (ش ۲ - و ۲۷ میرزا غلام) (ش ۳۲ عبدالسلیم) (ش ۳۰ کهرداس) (ش ۳۴ - ۳۱ سلیم قلی) (ش ۱۵ هریا) (ش ۱ - ۱۴ - ۱۷ - ۱۸ - ۲۴ آننت) دو اثر رنگی دیگر از میناتورهای کتاب انوار سهیلی به روی جلد مجله روزگارنو چاپ شده که بترتیب عبارت است از:

۱- میناتور نفیس، با رقم ابوالحسن نادر الزمان که رای دابشلیم و بید پای حکیم را تصویر کرده است.

بشماره ۱ و سال ۱۹۴۳

۲- میناتور زیبا، از میرزا غلام که موضوع آن (در تفرج گاه سلطان بخدمت شاهزاده ایستاده و تدبیر

می انگیزد که او را بر باید) می باشد. بشماره ۲ و سال ۱۹۴۴.

آثار نقاشی آننت در کتاب انوار سهیلی، عبارتند از:

۱- ابوجعفر که یکی از خلفای عباسی است، به تبعیت از انوشیروان عادل برای بدست آوردن کتابی علاقه نشان میدهد. در این مجلس، ابوجعفر روی تخت نشسته و حضار کتابی را جهت رویت خلیفه تقدیم مینمایند. در زیر جدول پائینی رقم دارد. (آننت)

۲- این اثر که بشماره ۱۴ در کتاب قرار گرفته در بالای صفحه چنین درج شده است.

(کتاب دریافتی و ببرکت متابعت سخنان دل نشاس)

در این نقاشی پادشاه و زاهد پیری مقابل هم نشسته و بطوریکه از متن کتاب برمی آید، شاه از قضاوت زاهد در امر مهمی خوشحال است. در حوالی آنها جماعت حضار و ندیمهها دست بدعا بطرف آسمان ایستاده اند، در گوشه دیگر، تصویر درخت زیبایی که در داخل مسجد قرار گرفته جلب نظر مینماید. رقم نقاش بزیر جدول و بخط قرمز چنین است. (عمل آننت)

۳- نقاشی شماره ۱۷ در کتاب اصلی که در قسمت بالای صفحه چنین رقم رفته است.

(مار زبان بگشاد که ای گاومیش جزای نیکی چیست)

در این اثر، فرد صاحب مقامی سوار بر شتر شده و مار کبرای وحشتناکی، در مقابل گاو قرار گرفته است. در زمینه نقاشی، کوهها و درخت خشکیده و جمع پرندگان گوناگون بمهارت نقاشی شده و زیر جدول رقم دارد. (آننت)

۴- تصویر زیبایی (پادشاه و دختر جوان و غلام خدمتکار) که بشماره ۱۸ در کتاب معرفی شده و در بالای صفحه چنین رقم رفته است.

(که خط سبزش مانند خضر بر لب آب حیات رسیده بود)

در این صحنه، شاه در اطاق مخصوص بروی تخت نشسته و بجمال زیبای دختران فتانی حیران گشته است. خدمه مخصوص که در پشت سر پادشاه بخدمت ایستاده است، نظاره گر این صحنه است. رقم دارد (آننت)

۵- آخرین اثر آننت در این کتاب که بشماره ۲۴ مشخص میگردد. جملات بالای صفحه چنین است.

(روی بر وزنه دماغه او نهاده و عقل از تیرگی)

در این مجلس، زاهدی از در آمده و فرزند خود را صحیح و سالم در گهواره دیده و خیلی خوشحال بنظر میرسد. در گوشه اطاق، حیوانی دیده میشود که گویا در غیبت زاهد با مار مهاجم ستیز کرده و او را از پای درآورده است. وضع خانه و درختهای پربرگ آن فوق العاده است. رقم دارد (آننت)

۲۱- ابوالقاسم

نقاش نازک قلم و مذهب زبردست اواسط قرن ۱۳ ه.ق. بود. عمده آثار او در نقاشیهای روغنی (لاکی) ارائه شده و آثار زیبایی را نیز از خود بیادگار گذاشته است. از آثار رقم دار او دیده ام.

۱- جعبه مذهب و استادانهای که زمینه مشکی داشت و بانواع نقوش تذهیبی آرایش شده و در کمال دلپذیری بود.

این اثر زیبا که در حراج خارج از ایران بفروش رسیده رقم داشت. (عمل ابوالقاسم ۱۲۳۸) مجموعه

مهندس ناصر خلیلی تصویر (۱۱)

دومین اثر نقاش، جلد روغنی قرآنی بخط اشرف الکتاب اصفهانی بود که از آثار ممتاز ابوالقاسم بود و

رویه آن به انواع تذهیب و تشعیر آرایش شده و رقم داشت (ابوالقاسم)

۲۲- ابدال بیک- نقاش باشی

فرزند علی قلی بیک جباردار فرنگی است که در دوره سلاطین صفوی بشف اسلام مشرف گردید. تنها فرزند ابدال بیک، علی یا محمد علی بیک نقاش باشی زمان شاه طهماسب ثانی و نادر شاه بود که شرح حال آن در (محمد علی) خواهد آمد.

یگانه ماخذ معتبری که اسم این نقاش را یاد کرده، کتاب آتشکده آذر تالیف لطفعلی بیک آذر است. او در شرح حال محمد علی فرزند ابدال بیک چنین نوشته است. (اسمش علی - محمد علی بیک خلف ابدال بیک نقاش باشی است و جد ایشان علی قلی بیک فرنگی است و در فن نقاشی ثانی مانی است و در دولت سلاطین صفویه بشف اسلام مشرف شده)

ابدال بیک در رشته نقاشی، شاگرد و دنباله رو شیوه پدرش علیقلی جباردار است که مخطوطی از شیوههای ایرانی و هندی و اروپائی می باشد. این سبک تصویر سازی که اساس آنرا محمد زمان و علیقلی بیک بنا نهاده اند، بعدها بوسیله محمد ابراهیم، برادر محمد زمان - محمد رفیع - محمد محسن رضوی - محمد قاسم و سایرین دنبال شده، آثار باشکوه و ممتازی را نیز بعالم هنر ایرانی علاوه نموده اند. سال دریافت لقب نقاشباشی ابدال بیک، معلوم نیست، ولی آنچه مسلم است، فرزندش محمد علی بیک، در اواسط سلطنت شاه طهماسب ثانی، بسال ۱۱۴۵ این سمت را کسب کرده و به لقب نقاشباشی مفتخر گشته است.

۲۳- ابراهیم

نقاش نازک قلم قرن ۱۱ ه.ق. بود. از آثار رقم دار وی، تصویر مرد اسیری بقیافه چینیها دیدم که کوسه ریشی داشت و در پالهنک سنگینی گرفتار بود. از نوشته نقاش که در ذیل اثر دیده میشود، معلوم بود، شخصی بنام کوسج مراد است که بطن قوی، همان شاهزاده مراد آق قویونلو بوده که به بند دشمنان گرفتار آمده است. رقم داشت. (کوسج مراد، راقم، ابراهیم)

۲۴- ابراهیم (باسج سلام علی ابراهیم)

از نقاشان زبر دست و تصویرگر پر مهارت اواخر صفویه بود که در کارهای روغنی (لاکی) دستی بکمال داشت. این هنرمند نام خود را باسج (سلام علی ابراهیم) مشخص کرده و در زیر آثار خود بیادگار گذاشته است. استاد ابراهیم در تذهیب و منظره پردازی و چهره نگاری چیره دست و پر توان و در گل و مرغ و جانورسازی و ارائه مجالس گوناگون، شیرین قلم و پر ابتکار بوده است.

آثار گوناگونی که از این هنرمند دیده ام عبارت است از:

۱- جلد قرآن بی نظیر و دلپذیر گل و مرغ که بزبانی تمام تصویر شده و رقم داشت (سلام علی ابراهیم)

۲- دیگر اثر رقم دار این هنرمند که در موزه ویکتوریا یا آلبرت لندن قرار دارد، قاب آینه گل و مرغی

ابراهیم معمار - طراح و اجراکننده دیوار جنوبی صفا صائب در اصفهان است که رقم دارد (عمل استاد ابراهیم بن استاد اسماعیل بناء اصفهانی)

و دیگر کاشی کاری خانقاه شیخ عبدالصمد است که رقم دارد.

ساخت این اسیر بتوفیق خدا - شیخ اسمعیل کلب مرتضی

(عمل ابراهیم بن اسمعیل بناء اصفهانی)

شیوای استادانه ایست که در شیوه محمد مسیح نقاشی کرده و طوطی بسیار زیبایی را در وسط قلمدان قرار داده است. در گوشه قاب آینه رقم دارد. (سلام علی ابراهیم سنه ۱۱۳۲)

۳- سومین اثر رقم دار ابراهیم، جلد شاخه انگوری تذهیبی نفیسی بود که رقم داشت. (سلام علی ابراهیم تاریخ ۱۱۳۰)

۴- چهارمین یادگار استادانه ابراهیم، جلد گل و مرغی دلربای کتابی، بنام مهج الدعوات بود که تذهیب فوق العاده داشت و رقم نقاش چنین بود. (سلام علی ابراهیم ۱۱۲۶)

۵- اثر پرارزش دیگر، که قلمدان نفیسی بود و در حراج سال ۱۹۷۶ حراج ساتبی لندن بفروش رسید؛ از هر نظر شایسته تحسین بود. در این اثر روغنی، مناظر مختلفی ارائه شده و در رویه آن تصویر زن و مرد زیبای فرنگی به مهارت و دلیذیری نقاشی شده بود. در زمینه و دورنمای این صحنه، تصاویر مختلف واسب سواری و مناظر رودخانه و افق زیبا و ابرهای فشرده به بهترین وجهی عرضه شده و استادی نقاش را آشکار می ساخت.

در طرف دیگر قلمدان، مجلس شیخ صنعان و دختر ترسا بود که زن جوان، بیک دست صلیبی گرفته و بدست دیگر، پیاله شرابی را به درویش تعارف می کرد. در حالات و قیافه وی چنین مشهود بود که شیخ را بقبول مسیحیت و نوشیدن شراب تشویق مینماید، در حوالی دختر ترسا، زن زیبا و جذابی که یکی از آنها طفل خردسال لختی را به بغل گرفته، به استادی نقش بسته بود. در قسمتهای دیگر قلمدان نیز، مجالس و صحنه های مختلفی از محفل درویشان و زن و مرد لخت و مخمور و دختران طناز بود که آرایش استادانه داشت. در صحنه دیگر قلمدان، جماعت حیران و وامانده پیروان شیخ صنعان بود که قدرت تحمل مرشد را در مقابل عشق ظاهری نظاره میکردند. این قلمدان به استادی تمام نقاشی شده و رقم داشت. (سلام علی ابراهیم) تصویر شماره

۲۵- ابراهیم

از نقاشان قرن ۱۴ ه. ق. تبریز بود که به آقا میرزا معروف می باشد. او برادر سید محسن (آقا میر گلستان تبریزی) است که شاعر بوده و سید تخلص می کرده است. بروایتی این دو برادر از اعقاب آقا میرک (جلال الدین میرک اصفهانی) معاصر بهزاد می باشند. سید ابراهیم برای تحصیل هنر نقاشی بروسیه رفته و پس از کسب معلومات کافی به ایران برگشته و در تبریز مقیم شده است. او نقاش مخصوص مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز بود، ولی از ولیعهد خوشش نمی آمد و اغلب او را هجو میکرد.

۲۶- ابراهیم (آقا ابراهیم نقاشباشی)

آقا ابراهیم - محمد ابراهیم نقاشباشی - باسجع ابراهیم یا سلام علی ابراهیم، زاده شهر هنر پرور اصفهان و در منظره و چهره سازی و تذهیب و رنگ پردازی و ترتیب مجالس بزمی و رزمی شهره زمان خود بود.

او شاگرد نقاش شهیر عباس شیرازی و بعقیده بعضی بروسیه رفته و فنون هنری و تجربی این فن را از استادان آن دیار فرا گرفته بود. این هنرمند در کارهای مینائی و پخت آن نیز دست داشت و این صنعت را نیکو میدانست. عمده آثار هنری آقا ابراهیم، بسبک نقاشی روغنی (لاکی) و در رویه قلمدان ها و جلدها و قاب آینه ها عرضه و حالیه زینت بخش موزه ها و مجموعه های خصوصی می باشد. علاوه بر هنرهای یاد شده، در مصور ساختن کتابها و مرقعات استادی با ابتکار بود و در شبیه سازی و

تصویر پارچه های قلم کار، دست پر حلاوت داشت.

آقا ابراهیم آثار خود را بنام های، رقم ابراهیم، یا سلام علی ابراهیم ارائه داده و بخط مخصوص خود رقم می زده است. از شاگردان معروف و هنرمندش، هادی تجویدی است که بسن ۱۹ سالگی و در حدود سال ۱۲۸۷ شمسی با استاد خود محمد ابراهیم نقاشباشی از اصفهان خارج شده و در مجمع الصنایع تهران، بکارهای هنری پرداخته است. تاریخ تولد و سال مرگ و مدت عمر نقاش دقیقاً "معلوم نیست، ولی فعالیت هنری وی بین سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۳۳۰ بمدت ۴۰ سال محرز و آشکار می باشد. بگفته مرحوم اسلامیان هنرمند معروف، فرزندان او که اغلب بعد از اسم خود نعمت الهی اضافه میکردند عبارتند از: میرزا کریم - میرزا محمود نعمت الهی - میرزا علی - نجات علی که همگی مرحوم شده اند و یگانه فرزند باقی مانده آقا ابراهیم، استاد محب علی است که حالیه (سال ۱۳۵۴ شمسی) در اصفهان مقیم بوده و در تذهیب و مینا کاری دست دارد.

از آثار فراوان او دیده ام:

۱- قلمدان نیمه کاره و پر مهارت وی که جنگ ایران و روس را تصویر کرده و رقم گذاشته.

(رقم ابراهیم ۱۳۲۵) مطبوع در مجموعه شماره ۱

۲- در موزه هنرهای تزیینی تهران، دو قطعه نقاشی زیبا که در کادر بیضی شکل خوش تناسبی تصویر شده که یکی از آنها تصویر سه دختر زیبای ایرانی است که به نواختن تار و تنبک و دف مشغولند و تصویر دیگری که رقم (عمل ابراهیم) را دارد، تصویر مادر و طفلی خردسال است که گربه اش را بکنار گرفته و زن همراه دیگر مشغول نظاره است. هر دو اثر استادانه بوده و بسیار شیرین قلم می باشد.

۳- اثر دیگر این هنرمند، تصاویر آبرنگی کتاب کلیات سعدی بخط فتح اله جلالی فرزند افسر خطاط است که در نوع خود از بهترین آثار رقم دار آقا ابراهیم می باشد. در این کتاب نفیس ۱۶ قطعه آبرنگ که چهار اثر آن رقم نقاش را دارد، در کمال مهارت و خوشرنگی و سایه پردازی های استادانه عرضه شده که واقعا "ستودنی است. این کتاب که از لحاظ جلد و تذهیب و خط و نقاشی ممتاز است، یکی از آثار ارزنده هنری اوایل قرن چهارده ایران بشمار می آید.

۴- اثر برجسته دیگر هنرمند، تصویر نشسته عباس میرزا به آبرنگ است که روی جلد کتابی بنام (سفر نامه خسرو میرزا) از نشریات کتابخانه مستوفی در تهران چاپ شده و بسیار پسندیده است. در این آبرنگ، عباس میرزا پوستین کلفت بپوشیده و بپوشه های بتن کرده و بمتکای مروارید دوزی تکیه داده است. ریش توبی و کلاه مخصوص و خنجر مرصع وی جالب و دیدنی است.

رقم دارد. (رقم ابراهیم اصفهانی) مجموعه شماره ۱

۵- یادگار دیگر هنرمند، قلمدان زیبایی بود که در حراج ساتبی لندن بسال ۱۹۷۶ بفروش رسید. در این قلمدان استادانه که تصاویر آن بشیوه فرنگی سازی ارائه شده، مردی بروی اسب نشسته به مصاحبه زنان زیبا روی با پیرمردی مسن نظاره میکند. در طرف دیگر قلمدان نیز صحنه ای از مردان تنومند و نیمه لختی می باشد که با چند درویش بصحبت مشغول می باشد. رقم داشت. (سلام علی ابراهیم)

۶- آثار مینائی آقا ابراهیم، سرقلیان پر نقش و نگار گل و مرغی بود که در یک طرف تصویر، مادر جوانی ارائه شده که بچه خود را در بغل گرفته است. این اثر نفیس که بسال ۱۹۷۶ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید. رقم داشت. (ابراهیم) تصویر شماره (۶) و تصویر شماره (۲۰)

۷- دیگر از آثار قلمدانی این هنرمند، اثر دلربای دیگری است که تصاویر زنان قاجاری، بروی آن نقش بسته است. در مدالیون بالا، دختران جذاب و پر حالتی را با لباس محلی قدیمی تصویر کرده و در مدالیون پائینی، زنان زیبا روی دیگری، قیچی بدست مشغول بریدن پارچه می باشند. در مدالیون وسط،

که شاهکار هنر تصویر سازی نقاش است، چهار دختر زیبا بحالات گوناگون تصویر شده و رقم دارد. (رقم ابراهیم) مضبوط در مجموعه شماره ۲

۲۷- ابراهیم آقا قاری

مرحوم بامداد در کتاب رجال خود در مورد این هنرمند چنین مینویسد:
"حاج میرزا ابراهیم آقا قاری نماینده ۵ دوره اول مجلس شورای ملی بوده او مردی - شاعر - نقاش و مذهب و ذوقن بود و در جفر و رمل نیز مهارت داشت، نامبرده در سال ۱۲۹۳ در تبریز متولد شد و در سال ۱۳۲۶ در سن ۳۳ سالگی بوسیله‌ای در پارک اتابک کشته شد."

۲۸- ابراهیم ایلچی

بنوشته میرزا عبدالمحمدخان ایرانی:
از اجله فضلا واعزه ادبای عهد شاه محمد صفوی و در شهر معصومه قم حکمرانی داشت. این هنرمند در فن خط نسخ و تعلیق و رسامی و نقاشی و مذهب کاری یگانه زمان و نادره دوران بود. شاه محمد صفوی او را برای عرض تهنیت بدربار سلطان مرادخان سوم عثمانی باسلامبول فرستاد. ابراهیم خان چون بدربار عثمانی رسید و رسالت خود را گذرانید، سلطان او را گنجینه فضایل و مناقب یافت، بی اندازه مسرور شد و از دولت ایران بخواست تا او در اسلامبول مانده، برخی کتب بجهت پادشاه عثمانی بنویسد.

وهمو مینویسد: ابراهیم خان صحیفه سجادیه‌ای بخط نسخ زیبا برای سلطان نوشته و بانواع تذهیبات و نقوش زیبا آرایش داد که سلطان عثمانی خلعت و جایزه گران قیمتی باو عطا نمود.

۲۹- ابراهیم بلوچ

نقاش زیبا نگار بلوچی بود که در استرآباد اقامت داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، تصویری در یک کتاب چاپی آلمانی بنام DIE ARABER دیدم که مرد ترکمنی بنام ولی، با ادوات جنگی و کلاه ترکمانی، بروی اسب نشسته و بجداش مشغول بود. نقاش باستانی، حالت یورش و وضع جنگی سوارکار را بوضوح مصور ساخته و بخط شکسته زیبا رقم نهاده بود.
رقم کمترین خلق الله ابراهیم بلوچ سنه ۱۱۳۲
در استرآباد مشق شد. (شبهه ولی کافر ترکمان است)

۳۰- ابراهیم چلبی

بنوشته مناقب هنروران:
"مصور نازک مشرب و شاگرد استاد نادر العصر، حسن مصری مذهب بود"

۳۱- ابراهیم بن حبیب بن فرازی

۱- نخستین کس از علمای اسلام است که اولین مرتبه بساختن اسطرلاب و نقوش آن همت گماشته است. این استاد در حدود سالهای ۱۳۶ - ۱۵۸ ه.ق. می‌زیسته و سال مرگش معلوم نمی‌باشد.

۳۲- ابراهیم حسینی

از نقاشان پر توان دوره ناصری بود و در آبرنگ و قلمدان سازی دست داشت. یگانه اثر رقم دار وی، قلمدانی موجود در موزه نگارستان تهران است که در زمینه مرغش سیر نقاشی شده و رویه آن گل و مرغ استادانه دارد. در طرف راست رویه قلمدان، تصویر پر مهارت دو آهو نقش بسته که حتی نقطه‌های سفید بدن آنها نیز، بوضوح دیده میشود. در سمت چپ نیز غزالانی بهمان مهارت و ترتیب نقاشی شده که از هر حیث زیبا میباشند. حواشی گل و مرغی قلمدان با تصویر دو جفت آهو، در حاشیه انتهائی آن باستانی نقاشی شده و رقم دارد. مشقه ابراهیم حسینی ۱۳۱۰

۳۳- ابراهیم حسینی

نقاش دوره احمد شاه قاجار بود و اغلب تصاویر کتابهای چاپی را انجام میداد. تصاویر وی مرکبی با پردازهای درشت بود. از آثار وی، تصاویر کتاب کلیله و دمنه چاپ ماه رجب سال ۱۳۴۵ میباشند که بخط حسین خوئی کتابت شده است. این هنرمند، نام خود را اغلب بخط شکسته و گاهی به لاتین در زیر آثار خود بیادگار میگذاشت.

۳۴- ابراهیم دردی - میر ابراهیم

صادق بیک افشار، در مجمع الخواص خود، راجع به ابراهیم چنین مینویسد:
"از قصبه موسوم به (سرکان)، از توابع همدان، شخصی است بسیار با حیا و مودب. در عنفوان جوانی برای تحصیل بهمدان آمد و با حقیر ارتباط یافته بآموختن شعر و نقاشی پرداخت، در اندک زمانی تحصیل زیادی کرد و نقاشی خوب و شاعری مقبول شد. گویند در کرمان در آستانه شاه ولی، گوشه نشین شده است، خدا توفیق دهد."

۳۵- ابراهیم زرین قلم

مردی دانش پیشه و در آبرنگ و سیاه قلم دست داشت. از آثار سیاه قلم وی، تصویر زیبا و استادانه‌ای دیدم که بقلم پرداز نقاشی شده و در نوع خود شیرین قلم بود. در این اثر سیاه قلم که تصاویری از مریم و مسیح و کودکی خردسال بود، اشعاری در حواشی نوشته و رقم داشت.
خواست تا بگذارد از خود یادگاری زد رقم
کلک ابراهیم، دانش پیشه زرین قلم
(تقدیمی به جناب صابر علی ۱۳۴۳)

۳۶- ابراهیم زیور

طغرا ساز پر ابتکار و مذهب اواخر قرن ۱۲ ه.ق. بود. از آثار رقم دار وی، طغرای زیبایی بود که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید و رقم داشت. (ابراهیم زیور)

۳۷- ابراهیم علی

از نقاشان گمنام اواخر صفویه بود و در قاب آینه و قلمدان سازی مهارت داشت. از تنها اثر رقم دار وی قاب آینه زیبایی در موزه ویکتوریا آلبرت لندن است که رقم دارد. (ابراهیم علی ۱۱۳۲)
ابراهیم صغیر - بروایتی از مذهبان و طلاکاران قرن دوم ه.ق. است.

۳۸- ابراهیم کهر هندی

از نقاشان هندی با برنامه زمان اکبر شاه هندی بود.

۳۹- ابراهیم لاهوری

اهل لاهور بود و در مینیاتور سازی و ارائه مجالس رزمی و بزمی دست داشت. اثر رقم دار این هنرمند، تصویری در کتاب طوطی نامه هندی بود که در نوع خود پر حلاوت بود. در این آبرنگ زیبا، پادشاه بروی تخت نشسته و جماعت رجال و شاهزادگان در حضور وی ایستاده اند. در پیش وی، پسرک کم سن و سالی قرار گرفته، عریضه‌ای بشاه تقدیم میدارد. از مطالب کتاب چنین معلوم است که نامه از طرف داراب بوده و بوسیله فرزندش بعرض شاه رسیده است. تصویر همراهان و نقوش زیبای ساختمان استادانه بوده و رقم داشت. (علی ابراهیم لاهوری)

۴۰- ابراهیم بن محمد باقر

بروایتی اهل بهبهان و از مجلدان و مذهبیان و حل کاران قرن ۱۲ ه. ق. بود. از این هنرمند جلد سوخت قرآنی دیدم که سوخت قالبی با سمای طلائی بود و بخط زیبای نستعلیق رقم داشت. (ابراهیم بن محمد باقر) خود کتاب که قرآنی بسال ۱۱۳۰ و خط محمد بن علی نقی کاتب بهبهانی بود، معلوم میداشت که این جلد در همان سنوات و همان شهر بدست استاد ابراهیم انجام یافته است.

۴۱- ابراهیم مذهب عثمانی

بنوشته مستقیم زاده در صفحه ۵۶ کتاب تحفه خطاطین "اهل بورس" بود و در حسن خط و تذهیب از شاگردان نازک قلم مصطفی افندی (توز بازاری) بشمار میرفت. وفات وی بسال ۱۱۶۰ اتفاق افتاده و در آن دیار بخاک رفته است.

۴۲- ابراهیم میرزا - سلطان ابراهیم میرزای صفوی متخلص به جاهی

از شاهزادگان با کمال و هنرمند صفوی بود و در شعر جاهی تخلص میکرد. بنوشته تاریخ نویسان آن دوره، خود از علم و هنر خط و نقاشی و موسیقی پر بهره بود و اغلب با هنرمندان همکاری و مراوده داشت. ابراهیم میرزا علاقمند بتشویق هنرمندان بود و آنها را عزیز و محترم میشمرد. به امر وی مرقعی در نهایت نفاست و ممتازی از آثار برجسته خطاطان و نقاشان و مذهبیان ترتیب گردید که در نوع خود منحصر بود. متأسفانه پس از قتل وی، این مرقع نفیس به امر گوهر شاد بیگم عیال وفادارش به آب شست و شو شده نابود گردید.

علت قتل این شاهزاده فاضل، به خوااهی ولیعهدی حیدر میرزای ۲۲ ساله بوده که توسط شاه اسماعیل دوم در کمال قساوت اجرا گردید. مرحوم رضا قلی خان هدایت در مجمع الفصاحد این باره چنین مینویسد: «لاسمش سلطان ابراهیم ابن بهرام میرزا ابن شاه اسماعیل صفوی نور الله مرقد و بعد از رحلت شاه صفوی که اسماعیل میرزا پسرش از محبس قلعه قهقهه بیرون آمد و سلطنت بر وی مسلم شد، از عنایت قساوت قلب، ابقا بر شاهزادگان صفوی نکرد.»

از جمله آنها این شاهزاده آزاده که بنی عم و داماد او بود، در دارالسلطنه قزوین، بیگانه در اول شباب بشکنجه طناب کشته شد. وی به انواع فضایل آراسته و از اجناس رذایل پیراسته و در حسن خط و نقاشی و موسیقی و کمالات دیگر معروف بود. شهادتش در سنه ۹۸۵ اتفاق افتاده است. قاضی احمد

در گلستان هنر، بیشتر از همه تاریخ نویسان در مورد این شاهزاده هنرپرور سخن رانده و چنین نگاشته است: «در خیل سروان دنیا ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا آن اعلیحضرت در این فن نیز استاد بودند و در تصویر ید بیضا داشتند، بفکر دقیق و رای ثاقب و خیال عمیق تصرفات نیکو در آن مینمودند. موی قلمش ز اوستادی جان داده بصورت جمادی

در مشهد مقدس معلی انوار، مرقعی ترتیب دادند، از خطوط استادان و تصویر استاد بهزاد و دیگر نقاشان و آن مرقع بدستکاری استادان نادر و هنرمندان قادر و خط شناسان بی بدل و خوشنویسان بی مثل اتمام یافت، فی الواقع ترتیبی روی نمود و مرقعی چهره گشود که هر صفحهاش سزاوار صد تحسین بلکه هر قطعهاش لایق صد هزار آفرین، مع هذا اگر صحافی روزگار حرف تعلیق اوصاف حسن خطش شود، هنوز ثلثی از خامه دوران به بیاض بیان نیامده باشد، اگر صفایح فلک دوار مملو از تعریف صور و اشکال غریبه‌اش گردد، هنوز عשרی از اعشار محسناتش بر آینه ظهور جلوه‌گر نشده باشد و صور پاکیزه‌اش نمی‌نماید. بعد از رحلت آن شاهزاده کثیر الافاده که شاه اسماعیل آن فعل قبیح نمود، حلیله جلیله آن اعلیحضرت، گوهر سلطان خانم بنت شاه جم جاه جنت بارگاه، آن مرقع را به آب کشید که بنظر شاه اسمعیل نرسد، قیمتش بخراج اقلیمی برابری می‌نمود، القصه که کارهای تصویر آن شاهزاده سعید شهید بسیار و در هر اقلیمی بی شمار است.» (۱)

او بسال ۹۴۶ تولد یافته و در جوانی داماد شاه طهماسب گردید. تاریخ قتل او که بامر شاه اسماعیل ثانی صورت گرفت ۹۸۴ می‌باشد. عیدی جنابندی در این مورد گوید - گفت تاریخ سال قتل مرا - بنویسد کشته ابراهیم.

از آثار زیبای دوران سلطان ابراهیم میرزا، دو اثر زیبا در کتاب ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS چاپ شده که مختصراً "در اینجا اشاره میشود.

تصویر اولی که از آثار منسوب به شیخ محمد می‌باشد، قصه حضرت یوسف است که گویا بخواستگاری زلیخا آمده و در جمع فامیل و اقربای او جلوس کرده است، در طاق نمای بالای شاه نشین عمارت بخط طلائی زیبا نوشته شده (ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا) که به یقین دنباله جمله (برسم کتابخانه ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا) بوده و مختصری از آن حروف زیر سایه‌بان قرار گرفته و دیده نمیشود. تصویر دیگری که در صفحه ۹۸ این کتاب چاپ شده و منسوب به میرزا علی نقاش است، حراج حیوانات است که در میدان شهر برپا شده است. در این اثر نفیس که در طاق نمای ساختمان حاشیه میدان نام (ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی) بر طلای درخشان نقش بسته است، در بالای درب ورودی بخط رقاع زیبای طلائی چنین نوشته است. (برسم کتابخانه ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا) از این دو اثر زیبا که نام ابراهیم میرزا قید شده معلوم میگردد، تصاویر و آثار بیهمتای دیگری نیز چپساقلم و یا همکاری وی سامان یافته که متأسفانه اکنون در میان نبوده و یا اگر هست اطلاع دقیقی از محل و مشخصات آن نداریم.

۴۳- ابراهیم میرزا - ابن محمد بن فتحعلیشاه قاجار

از شاهزادگان هنرمند قاجار و فرزند محمود میرزا ابن فتحعلیشاه قاجار بود، او برادر کوچکتری

۱- گلستان هنر اول دفعه در سال ۱۹۴۷ با مقدمه‌ای از روی نسخه اصل موجود در مسکو انتشار یافت و آقای مینو ریسکی در سال ۱۹۵۹ از روسی به انگلیسی ترجمه کرد و سپس بتاريخ ۱۳۵۲ خورشیدی برای اولین مرتبه در ایران بسعی و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری طبع و منتشر گردید.

بنام مبارک میرزا داشت که در هنر آبرنگ سازی و چهره پردازی استاد مسلم بشمار میرفت. ابراهیم میرزا چهره ساز معروف بود. و پردازهای ماهرانه بصورت میزد. چند اثر آبرنگی وی را که از نزدیک دیده‌ام معرف زبردستی و چابک قلمی وی بشمار می‌آید. این آثار عبارتند از:

۱- تصویر زیبا و استادانه ناصرالدین شاه بود که روی صندلی نشسته و پاها را بروی هم انداخته بود. این اثر آبرنگ که در حراج ساتی لندن بفروش رسید، رقم داشت.

(رقم ابراهیم میرزا ولد نواب محمود میرزای قاجار)

۲- دیگر اثر آبرنگی هنرمند که معرف استادی وی می‌باشد، تصویر دیگری از ناصرالدین شاه قاجار در کتابخانه و موزه گلستان تهران است که رقم دارد.

(کمترین ابراهیم میرزا قاجار ۱۲۷۵)

۳- سومین اثر بجا مانده‌اش که آن نیز از ناصرالدین شاه بوده و عکس آن در صفحه ۳۱۰ جلد ۱۶ راهنمای کتاب چاپ رنگی شده است، تصویر ایستاده پادشاه قاجار است که با کلاه جیقه و پرداز سلطنتی و نیم تنه منقش بر جلال که زیر آن لباس قرمز رنگی جلب نظر میکند ترسیم یافته و یکی از دستها را بجیب فرو برده است، ریشش کم پشت و سیل‌های بلند مردانه دارد، شلوار آبی با کناره‌های زرد پوشیده و در مقابل ایوان سلطنتی با صلابت ایستاده است، بخط شکسته زیبا رقم دارد.

السلطان ابن سلطان ابن سلطان ناصرالدین شاه قاجار - عمل بنده درگاه ابراهیم میرزا خلف نواب محمود میرزا ۱۲۶۸

۴۴- ابراهیم نقاش

در کتاب مآثر رحیمی در مورد این نقاش چنین می‌نویسد:

"مولانا ابراهیم نقاش و خوشنویس و مذهب و صحاف و حکاک بی‌نظیر و همال بود. و اکثری از صنایع را خوب میدانست. و بکمال حیثیات و استعداد آراسته بود و در احمد نگر دکن بشرف ملازمت و بندگی ایشان رسید. و مدتی در کتابخانه عالی بامر کتابداری ممتاز بود. و تصویر و تذهیب و خط او در این مکتب خانه دانشمندان بسیارست. بی‌شایبه تکلف هر یک ازین حیثیات او زیب و زینت کتابخانه اهل روزگار می‌تواند شد. و گاهی متوجه شعر گفتن نیز میشده است. و درین فن نیز طبع عالی داشته. و در میانه مستعدان هندستان بی‌مثل و مانند بوده. و بوسیله که بر راقم ظاهر نیست از سعادت بندگی ایشان محروم مانده بقیه عمر در هندستان بسر برد. و بتکاپوی هر چه تمام‌تر اینچنین صاحب و مخدومی می‌جست نمی‌یافت. و همیشه نادم و پشیمان بود. تا متقاضی اجل بساط عمرش در نوشت. و اشعار او در سفاین اهل دکن خصوصا "مردم احمد نگر بسیارست. و با استعداد وی درین جزو زمان کم بهم می‌رسد بلکه نایابست. و حالت و تحریر مسوده اشعار ایشان در نظر نبود که ثبت شود."

۴۵- ابراهیم نگین تراش

در کتاب خطی اکبرنامه موجود در مجموعه نگارنده در مورد این هنرمند چنین مینویسد:

"در عقیق نگاری هم طراز برادر خود شریف هروی است، لیکن کار از باستانی اوستادان در گذرانید و رقا و نستعلیق او از کارنامه خوش‌نویسان جدا نتوان ساخت، لعل‌های گران ارج شاهنشاهی بنقش لعل جلالی آرایش داده اوست."

۴۶- ابوبکر بن محمد خلیل - ساعت ساز یزدی

هنرمند با ابتکار و مخترع گمنام یزدی بود که در قرن ۸ هجری در آن شهر زندگی می‌نمود. از آثار وی، اختراع و ساخت ساعت عجیبی بود که بطرز استادانه‌ای ساخته شده و در مدرسه رکنیه یزد بسال ۷۲۵ نصب شده و مشغول کار بوده است.

۴۷- ابوتراب اسدآبادی

اهل اسد آباد و نقاش گمنام رنگ و روغن بود. او بشیوه مهدی نقاش باشی چهره می‌ساخت و تا حدی نیز موفق بود تنها اثر رقم داروی که از نزدیک دیده‌ام، تصویر یکی از رجال قاجاری بود که برنگ و روغن نقاشی شده و رقم داشت. (ابوتراب اسدآبادی ۱۲۸۰)

۴۸- ابوتراب غفاری

بنوشته بامداد در کتاب رجال خود: "او برادر بزرگ محمد خان غفاری کمال الملک معروف و برادرزاده میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری نقاشباشی معروف بود که در سال ۱۲۸۰ در کاشان متولد شده و پس از مدتی بتهران آمده وارد مدرسه دارالفنون گردید و زمان انتشار روزنامه شرف که بسال ۱۳۰۰ بود ابوتراب خان صورتها را میکشید و در رجب سال ۱۳۰۷ در سن ۲۷ سالگی در گذشت" اعتماد السلطنه در یادداشت‌های خود در این مورد چنین می‌نویسد.

سه‌شنبه ۱۹ جمادی الثانی صبح که از اندرون بیرون رفتم هنوز دست و رو نشسته کاغذی از میرزا علی محمد خان مجیر الدوله شیبانی رسید که نوشته بود میرزا ابو ترانجان نقاش دارالطباعه خود را به تریاک مسموم کرده و مرده است، عصر با سلطان ابراهیم میرزا خانه میرزا ابوتراب خان رفتم معلوم شد دیروز عصر خانه ابوالحسن خان یحیی پسر صنیع الملک که بنی‌عم خودش بود رفته و باو گفته است. من از دنیا سیر شدم خودم را خواهم گشت و تریاکی از جیب بیرون آورده و میخورد، آن بنی‌عم پدر سوخته‌اش هم او را مانع نمی‌شود او را سه بغروب مانده خانه خودش می‌آورند کسانش جمعیت نموده و هر چند بفجر و التماس می‌خواهند او را معالجه نمایند نمی‌گذارد، تا اینکه سه و نیم از شب رفته فوت می‌نماید، جوان قابل و از صنعت گران ایران بود، بواسطه سوء رفتار زنش انتحار نمود.

بگفته کمال الملک، (۱) میرزا ابوتراب، برادر بزرگ من در زمان اعتماد السلطنه محمد حسن خان روزنامه شرف را نقاشی میکرد و میرزا رضای کلهر هم مینوشت، از میرزا ابوتراب جز روزنامه چندان کار دیگری نمانده است. میرزا ابوتراب منصب سرهنگی داشته در انطباعات بود و دو دختر داشت یکی مرحومه شد و دیگری آسیه خانم که حالا نزد من است و حالا چند اولاد دارد.

بمصادق گفته‌های مرحوم کمال الملک، در جنگ مجموعه نگارنده که احوال بعضی از رجال قاجاری را درج نموده، در مورد ابوتراب در صفحه ۱۳۴ چنین می‌نویسد. "در اداره انطباعات میرزا ابوتراب خان سرهنگ و نقاش باشی وزارت انطباعات و مدیر چرخ حروف است"

از آثار او دیده‌ام:

۱- یک نقاشی چاپی مدادی خوب، از فتح اله خان شیبانی که شباهت تام داشت، با رقم ابوتراب عکس در مجله آینده صفحه ۷۴۸ بهمن ۱۳۰۶ شمسی

۱- یادداشت‌های دکتر قاسم غنی جلد پنجم، نامه‌های کمال الملک و محمد قزوینی

- ۲- نقاشی از صورت مرحوم اعتماد السلطنه صفحه ۳۷۵ کتاب رجال مرحوم بامداد با رقم ابوتراب.
- ۳- سه تصویر در جنب یکدیگر چاپ شده در صفحه ۴۷۹ رجال مرحوم بامداد با رقم ابوتراب غفاری
- ۴- تصویر علی نقی حکیم الممالک با رقم ابوتراب
- ۵- تصویر ناصرالدین شاه با رقم ابوتراب که چاپ شده است.
- ۶- تمام تصاویری که در روزنامه شرف امضاء دارد و قسمت‌هایی از روزنامه وقایع اتفاقیه که امضاء او را دارد تماما "اثر این نقاش است."
- ۷- سه تصویر استادانه با پرداز غنی و ممتاز به اندازه‌های مختلف از صورت ناصرالدین شاه قاجار به رقم ابوتراب
- ۸- تصویر مدادی ساختمانی در وسط باغ و جوی آب که گویا از صفحات شمال ایران نقاشی شده است در نهایت استادی و زیبایی با رقم میرزا تراب خاکپای اقدام فقرا سنه ۱۳۰۲ در مجموعه نگارنده
- ۹- نقاشی‌های خانه قدیمی معروف به خانه حکیم باشی در کاشان که در محله مسجد آقا بوده و سالم و دست نخورده و امضای نقاش را نیز دارد. بروایت آقای محمد تقی مصطفوی در مجله نقش و نگار شماره ۷ همه اثر این نقاش است.
- ۱۰- نقاشی سیاه قلم آبرنگ از صورت ناصرالدین شاه قاجار، در بالای فرمانی بسیار زیبا که فعالیت دولت ناصرالدین شاه را در مدت عمر طولانی او نوشته و جواشی آن فرمان و در متن او گل‌های بسیار زیبایی از آقا رحیم داشت و خطوط آن بوسیله شکرالله نامه نگار کتابت شده بود. رقم ابوتراب داشت.
- ۱۱- نقاشی فوق‌العاده عالی آبرنگ از صورت ناصرالدین شاه قاجار که در نهایت ممتازی و استادی تصویر شده بود رقم داشت. خانه زاد ابوتراب در یک مجموعه خصوصی
- ۱۲- تصویر محمود خان ملک الشعراء که اثر ابوتراب بود و بخط خود در ذیل نقاشی نوشته است جناب ملک الشعراء
- ۱۳- صورت مرحوم اعتماد السلطنه حاجی علیخان غفرالله له با رقم ابوتراب تصویر شاه (۱۶)

۴۹- ابوالحسن

- نقاش قلمدان ساز بود و در رنگ آمیزی و انتخاب موضوع و حسن نظر و ابتکار بخصوص داشت. آثار او دیده‌ام
- ۱- قلمدان تصویری شکار حیوانات بود که دشت و دمن و حرکات حیوانات، بزیبائی مجسم گشته و بخط نسخ زیبا رقم داشت. (ابوالحسن ۱۳۱۵)
- ۲- دیگر اثر این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبایی با همان شیوه انحصاری و ابتکاری خود که بسادگی انجام میداد، دیدم که رقم داشت. (جهت نصرالدوله ساخته شد ۱۳۱۵ ابوالحسن)

۵۰- ابوالحسن اصفهانی

- نقاش ممتاز و برجسته اصفهانی بود و در آبرنگ و نقطه پرداز و شبیه سازی دست پر حلاوت داشت. آثار برجسته و نفیس وی، تصویر جوانی‌های ناصرالدین شاه است که بسال ۱۲۶۶ انجام یافته است، در این آبرنگ، صورت شاه قاجار بنحو پر مهارتی پرداز شده و سبیل‌های کمائی و ابروان پرپشت و زلف‌های برآمده‌اش به مهارت تصویر شده که بحق بهترین نمونه صورت سازی در این سنوات میباشد.
- کلاهش بسان جیقه کلاه‌های محمد شاهی بود و پاگون‌ها و حمایل و ریس‌های مرواریدی که از چپ و راست بروی لباس قرار میگرفت، ابهت خاصی به تصویر میداد و رقم نقاش، بخط شکسته زیبا چنین بود.
- (السلطان ناصرالدین شاه قاجار خلدلله ملکه و سلطانه)
- (رقم کمترین ابوالحسن نقاش اصفهانی فی ۱۲۶۶) مجموعه خصوصی ۲

۵۱- ابوالحسن افشار ارومی

- علی اشرف نقاش زبردست اواسط قرن ه. ق. که باسجع انحصاری خود (ز بعد محمد علی اشرف است) معروف گشته، از طوایف افشار ارومیه بود و در دستگاه احمد خان دنبلی فعالیت هنری می‌نمود. این هنرمند، برادری بنام الله وردی داشت که او نیز درحد خود استاد وارسته‌ای بشمار میرفت. از الله وردی فرزندی به وجود آمد که بنام ابوالحسن افشار ارومی معروف و مشهور گردید. این هنرمند، در گل و بوته و پرده سازی و انواع تذهیب‌ها دست پرتوان داشت و در آرایش مجالس قوی دست بود.
- گو اینکه از این استاد، بیش از چند اثر ارزنده بیادگار نمانده، ولی ارائه همین آثار اندک نیز، مقام شامخ و والای هنری وی را برملا ساخته و او را در مقام یکی از اساتید هنری نقاشی ایران، تثبیت کرده است. قدیمیترین مدرک و اسنادیکه به زندگی این هنرمند، مختصر اشاره کرده، کتاب المآثر و الآثار مرحوم اعتماد السلطنه است که در صفحه ۲۱۹ آن چنین می‌نویسد:
- "ابوالحسن افشار، خلف استاد الله وردی نقاش بود و در صنعت نقاشی و گل و بوته سازی و رنگ آمیزی بین کارهای او و عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور تمیزی ممکن نبود، عزیز خان سردار کل، از کارهای او برسم ارمغان بتهران فرستاده و تا ۵۰ تومان فروش میرفت. (۱) در اواسط سنین اربعین یعنی سال چهلم سلطنت ناصرالدین شاه یعنی ۱۳۰۴ وفات یافت."
- از طرفی عده‌ای عقیده دارند، این نقاش لال بوده و او را با محمد حسن بیک نقاشی، پدر آقا بیک لر افشار که از طایفه افشار ارومی بوده و لال و کر نیز بوده است، باشتباه یکی دانسته و راه خطا پیموده‌اند، در صورتیکه این دو هنرمند، هر یک بشخصه احوال جداگانهای داشته‌اند که در جای خود آمده و خواهد آمد.
- از آثار او دیده‌ام.

- ۱- قلمدان گل و مرغ عالی که به طرز بدیع و پرامتیازی نقاشی شده و رقم داشت.

(ابوالحسن افشار ارومیه ۱۲۸۰)

- ۲- قلمدان سالم و پرآذین گل و مرغ بی همتا، که با رنگهای روشن و پر حلاوتی تصویر شده و رقم داشت. (ابوالحسن افشار ارومیه)
- ۳- یک عدد، جلد عالی گل و برگ افشان و ریز که در زمینه مشکی، با طلا اندود شده و رقم داشت. (رقم ابوالحسن افشار ارومیه ۱۲۷۰)
- ۴- ارائه اثری با رقم، هو، ابوالحسن افشار سرباز قدیمی، بتاریخ ۱۲۹۶، که دو مرغی را در نهایت استادی بروی شاخه درختی نشان میدهد. و عکس آن در (صفحه ۶۳ هنر و مردم شماره ۱۷) بچاپ رسیده است.

۵۲- ابوالحسن ثالث (یحیی خان) یا ابوالحسن خان

- از میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری، سه پسر باقی مانده که همه نقاش بوده و بنام‌های:

- ۱- ناگفته نماند که هدیه قلمدان در آن روزگار از امتیازات معنوی پرجای برخوردار بوده و کما اینکه روزنامه شرافت شماره ۳۹ سال ۱۳۱۷ در مورد هدیه قلمدان بیکی از وزراء آن دوره چنین مینویسد:
- میرزا مهدی خان وزیر همایون پست (در سال ۱۳۱۶) باعطای یک عدد قلمدان دوات مرصع که از امتیازات نبیله فاخره این دولت روز افزون است نایل شد.

اسدالله خان - سیف الله - یحیی خان معروف بوده‌اند.

پسر کوچکتر که نامش یحیی خان بود و صورتاً " به پدر شباهت داشت، بتمایل ناصرالدین شاه به ابوالحسن ثالث ملقب گردید.

یحیی خان که در خانواده هنری تولد یافته و هنر نقاشی را از پدر و منسوبان هنرمندش بارث برده بود، بمرور اسم و رسمی پیدا کرده و به گروه هنرمندان پیوست. ابوالحسن ثالث، در آبرنگ و رنگ و روغن شیرین قلم بود. او علاقه زیادی به کپی کردن آثار مشاهیر داشت، از جمله کارهای مشهورش، کپی تابلوی معروف آتش سوزی رافائیل میباشد که اصل آن در موزه واتیکان قرار دارد.

از احوال و زندگی آخر عمر یحیی خان، اطلاع بیشتری نداریم ولی آنچه مسلم است تا سالیان ۱۳۲۴ ه.ق. در قید حیات بوده است.

از جمله اتفاقات دوران حیاتش، خودکشی میرزا ابوتراب خان برادر کمال الملک است که در خانه او صورت گرفته و اعتماد السلطنه در خاطرات خود، وی را پدر سوخته خوانده و فوت ابوتراب را دلیل سهل انگاری میرزا یحیی دانسته است، از آثار او دیده‌ام:

۱- نقاشی میدان ارک است که حوض و توپ مروارید را باستادی تصویر کرده و ساختمان زمینه و قیافه چند زن چادری را بزبانی ارائه داده است. رقم دارد.

(رقم خانزاد میرزا ابوالحسن خان پسر صنیع الملک فی سنه ۱۳۰۳) موزه گلستان

۲- اثر دیگر نقاش، منظره داخلی تالار مخصوص همایونی است که باستادی نقاشی شده و رقم دارد. (حسب الامر بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ارواح العالمین فداه اطاق مبارکه برلیان) (بدست خانه زاد ابوالحسن خان تشکل یافت ۱۳۰۵)

۳- دیگر اثر آبرنگی هنرمند، صورت حاجی میرزا عبدالمطلب ادیب خالوی نقاش است که به مهارت نقاشی شده و رقم نقاش را دارا میباشد.

ابوالحسن ثانی در ابوالحسن بن محمد غفاری آمده

۵۳- ابوالحسن شیرازی - شمشیر ساز

از شمشیر سازان و نگارگران فلزات اواخر قرن ۱۰ ه.ق. است، از آثار رقم دار این هنرمند، شمشیری با آرایش طلائی دیدم که رقم داشت. عمل ابوالحسن شیرازی ۹۹۹

۵۴- ابوالحسن شیرازی - نقاش باشی سرکاری

اهل شیراز بود و از مظفرالدین شاه لقب نقاشباشی داشت. این هنرمند در آبرنگ و تذهیب و جانور سازی دست داشت و در نوشتن خطوط مختلف، مخصوصاً "نسخ و طغرا استاد بود. از آثار او دیده‌ام:

۱- تصویر دسته جمعی حیوانات مختلف را بشکل شتر که در آن زمان به تفنن بین نقاشان مرسوم بوده نقاشی کرده و افسار او را بدست حیوان بوزینه مانندی که لباس رزمی پوشیده و زره به تن دارد قرار داده است. رقم اثر بخط زیبای نسخ چنین است. (رقم ابوالحسن شیرازی نقاشباشی سرکاری ۱۳۱۴)

۲- اثر دیگر این هنرمند، تصویر استادانه و پر پیرایه یکی از رجال قاجاری است که تمام قد و ایستاده تصور شده است. ترسیم ملایم‌های طلائی و حمایل لباس، صورت و اجزاء آن به استادی نقاشی شده و رقم دارد. (کلب آستان ولایت ابوالحسن نقاشباشی سرکاری ۱۳۲۰) مجموعه خصوصی ۲

۳- اثر رقم دار دیگر نقاش که بخط طغرائی زیبا و رنگ لاجوردی انجام یافته است، شمایل مبارک

پیغمبر اسلام ص، با کلاه و شل و پرچم مخصوص است که باستادی تصویر شده و در سمت چپ آن، تمثال مولای متقیان علی علیه السلام نقش بسته است. امضای نقاش، بخط رقاع زیبا چنین است.

(ابوالحسن شیرازی سرکاری ۱۳۲۴)

۴- اثر رنگی دیگری که در صفحه ۱۳ کتاب خانم امینه پاکروان دیده‌ام، تصویر پر جلال حاجی میرزا آقاسی، صدر اعظم معروف دوره محمد شاهی، در صحن قورخانه دولتی است. در این آبرنگ، حاجی با کلاه بوقی و لباس و عبای مخصوص، در وسط کارخانه توپ ریزی ایستاده و کار آنها را بازدید مینماید.

منظره و عظمت توپها و شعله‌های آتش و دود که زبانه کشیده و صحنه را پر کرده، معرف مهارت نقاش میباشد. در گوشه‌ای، بخط رقاع زیبا رقم دارد. (رقم کمترین ابوالحسن شیرازی نقاشباشی همایونی ۱۳۲۵ - شبیه وزیر ایران جناب حاجی میرزا آقاسی ۱۲۶۱)

۵۵- ابوالحسن ابن علی نقی افشار

فرزند علینقی از دودمان افشار بود. از تنها اثر رقم دار این هنرمند که از نزدیک دیده‌ام، کتاب خطی و تصویری زیبایی است که در مورد جغرافیا نگارش یافته و چهارده اثر، در موضوعات مختلف دارد. در برابر یکی از ترسیمات، بخط شکسته زیبا چنین نوشته.

(ابوالحسن چاکرزاده ابن مرحوم علی نقی افشار ۱۳۰۵)

۵۶- ابوالحسن ابن محمد غفاری کاشانی - ابوالحسن ثانی -

ابوالحسن خان غفاری صنیع الملک

میرزا ابوالحسن فرزند میرزا محمد که شجره خاندان او را در ابوالحسن مستوفی کاشانی یاد کرده‌ام، در حدود سال ۱۲۲۹ تولد یافت. از دوران صباوت و زندگی اولیه این هنرمند اطلاع دقیقی بدست نداریم. ولی آنچه مسلم است در حدود سال ۱۲۵۸ و زمان سلطنت محمد شاه که جوانی ۲۹ ساله بوده، تابلوی رنگ و روغنی خوبی ساخته و بخاطر ارائه آن اثر، جزو نقاشان دربار گشته است.

ابوالحسن خان در حدود سال ۱۲۶۲ ه.ق. بتشویق و مساعدت حسینعلی خان نظام الدوله مشیر الممالک و بدستور ناصرالدین شاه رهسپار ایتالیا گردید. در ایتالیا چند سالی در موزه‌های فلورانس و رم مشغول هنر اندوژی گشته و اغلب بکار کپی کردن آثار اساتید فن مشغول گردید. از جمله تابلوهای کپی دوره مسافرت وی، کپی تابلوی معروف رافائیل موسوم به (مادونای فولین لو) (۱) میباشد که در حد خود قابل تمجید بوده و اینکه بعضی‌ها گفته‌اند کپی او از اصل بهتر بوده گراف احماقانه و مبالغه آمیز میباشد. ابوالحسن پس از مدتی به ایران بازگشت و وسایل نقاشی و مدل‌های مختلف و طراحی‌های زیادی که از آثار استادان تهیه کرده بود، جهت تاسیس مدرسه نقاشی که مدتها آرزوی تاسیس آنرا در اندیشه داشت، بآرمغان آورد. در سال ۱۲۷۳ صورتهای تالار نظامیه را که چند سال پیش به عمارت لقانطه معروف شده بود، برای میرزا آقا خان نوری اعتماد الدوله باتمام رسانید، در این سالها بود که شهره خاص و عام گشته و از ناصرالدین شاه یک جعبه رنگ طلا که در وسط آن یک گل الماس گران بهای ثمین، نصب شده بود، بعنوان جایزه دریافت نمود.

۱- گویا این تابلو متعلق به میرزا علی اصفرخان اتابک بوده و در غائله غارت خانه وی این تابلو مورد اصابت گلوله واقع شده و بوسیله میرزا علی اکبر خان مزین الدوله تعمیر گردیده است. کپی دیگری که از روی شاهکار رافائیل انجام یافته و بنام عروج حضرت مسیح و بابعاد ۶۹ x ۴۹ سانتی بوده، بنوشته مرحوم دوستعلی خان معیر الممالک جزو مجموعه آن مرحوم بوده است.

در سال ۱۲۷۷ بموجب فرمان ناصرالدین شاه، شاهزاده علینقی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم رسماً "طبع و نشر روزنامه را به ابوالحسن خان داد" او در هر شماره تصاویری از رجال و شخصیت‌های مملکتی و بعضی وقایع روز را تصویر کرده و منتشر مینمود.

از شماره ۴۷۱ مورخ ۲۸ محرم سال ۱۲۷۷ وقایع اتفاقیه را روزنامه وقایع نام گذاشته و آرم شیر و خورشید آنرا بنحو آبرومندی عوض کرد و از شماره ۴۷۲ مورخ ۵ صفر ۱۲۷۷ اسم روزنامه به روزنامه دولت علیه ایران تغییر نام داد، از شماره ۴۷۲ پنجشنبه ۱۹ شهر صفر المظفر مطابق پیچی ثیل سنه ۱۲۷۷ مردم با شمایل و ماشین چاپ او که در این شماره چاپ شده بود آشنا گشتند و باز در همین شماره بود که مطالب زیر در مورد ابوالحسن خان انتشار یافت.

چون میرزا ابوالحسن خان نقاشی در فن نقاشی مهارت کامل حاصل کرده و لیاقت و قابلیت خود را در حضور مهر ظهور همایون بدرجه شهود و وضوح رسانیده خاصه درباره تصویر که از جمله فنون معظمه است مهارت دارد، رای جهان آرای همایون شاهنشاهی علاقه یافت که این فن بدیع شریف نیز در ایران معمول و زیاد شود، لهذا طبع روزنامه دارالخلافة را بعهده او محول و مرجوع فرمودند که باقتضای موقع در هر روزنامه چند مجلس تصویر چاپ شود، چنانکه در روزنامه هفته گذشته و این هفته معلوم میشود و فرمان همایون شرف صدور یافته در حق او خلعت مرحمت گردید و نیز در همین صفحه صورت ابوالحسن خان بقلم خود او بچاپ رسیده است. پس از مدتی فعالیت و نشر مداوم روزنامه، مورد تشویق ناصر الدین شاه واقع شده به لقب صنیع الملکی مفتخر گردید. در صفحه ۳ شماره ۴۹۱ ۱۰ ذیقعدة سال ۱۲۷۷ روزنامه دولت علیه ایران که از نیمه سطر ۵ شروع شده و جمعا "۱۱ سطر است چنین می نویسد. (۲)

چون میرزا ابوالحسن خان نقاشی، از ابتدای عهد شباب الی الان دقیقه از دقایق ارادت و خدمتگزاری را مهمل و متروک نگذاشته است، از جمله بعد از احداث صنعت چاپ تصویر که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه برجوع خدمت طبع روز نامجات دولتی سرافراز آمد، در صورت دادن این خدمت نیز نهایت اهتمام و مراقبت بعمل آورده، چاپ تصویر را در این دولت متداول ساخت، و در نظرانور اقدس همایون شاهنشاهی مستحسن افتاد، رای جهان آرای اقدس همایون اقتضاء فرمود که او را مشمول عنایتی خاص قرین عز اختصاص فرمایند که موجب تشویق او و امیدواری عموم ارباب صنایع بوده باشد، لهذا مشار الیه را باعطای لقب صنیع الملکی (۳) سرافراز و چهار صد تومان بر مواجب سابق او اضافه فرموده و یک ثوب جبه ترمه خلعت مرحمت

۲- در احوال صنیع الملک علاوه بر اطلاعات و مدارک قدیمی نگارنده که از جنگها و یادداشتهای زمان بیادگار مانده از مدارک زیر نیز استفاده شده است.

الف - جمیع روزنامه‌های دولت علیه ایران و سایر مدارک زمان حیات نقاش. ب - رجال عصر ناصری تالیف معیر الممالک. پ - تاریخ کاشان نوشته عبدالرحیم کلانتر ضرابی. ت - فرهنگ ایران زمین ث - مجلات اطلاعات ماهانه مجله نقش و نگار - مجله هنر و مردم شماره ۱۰ و ۱۱ مجله مهر بهمن سال ۱۳۱۲ شمسی.

۳- بنوشته مرحوم بامداد در جلد اول کتاب رجال - حاج ابوالحسن اصفهانی که در سال ۱۳۰۵ ه.ق. مرحوم شده دختر خود ربابه خانم را به زنی ناصرالدین شاه داده بود از شاه لقب صنیع الملکی گرفته و معمار باشی مشهور بود.

فرمودند، فرمان همایون بشرف نفاد مقرون و امر قدر قدرت مقرر شد که نقاشخانه و چاپخانه دولتی معین دارند که مشارالیه پرده‌ها و اسباب مرغوبه نقاشی را که از سفر ایتالیا بهمراه خود آورده یا در این مدت جمع آوری نموده با اتباع روزنامه و کارخانه در آنجا برده، شاگردان عدیده نیز در این صنعت تربیت نمایند.

پس از دریافت لقب و فرمان شاهانه، بواسطه علاقه مفرطی که به تاسیس هنرستان نقاشی داشت، با رخصت از ناصرالدین شاه، اثاث و لوازم نقاشی و طراحی‌ها و مدل‌ها و رنگ‌های مختلف و سایر ادوات و ابزار هنری را به جنب ارک دولتی و عمارات سلطنتی که از هر حیث برای این کار تناسب داشت نقل مکان داده و رسماً "بافتتاح هنرستان نقاشی همت گماشت. در جریان این فعالیت‌ها، در یکی از شماره‌های روزنامه دولت علیه ایران شماره ۵۱۸ مورخ ۳ شوال ۱۲۷۸، افتتاح مدرسه هنری را چنین توصیف مینماید.

در روزنامه‌های قبل نوشته شده بود که حسب الامر مقرر گردیده است، صنیع الملک نقاشی خاصه کارخانه باسمة تصویر و نقاشخانه دولتی ترتیب داده و در آنجا پرده‌های کار استادان مشهور را با بعضی از باسمة‌های معتبر که از روی عمل استادان معتبر کشیده و طبع نموده‌اند، با سایر اسباب و اوضاع یک مکتب خانه نقاشی، بطوریکه در فرنگستان دیده بوده است و اسباب لازمه آنرا حسب الحکم با خود آورده است، ترتیب داده، بطوریکه هر کس طالب آموختن این صنعت باشد، بهیچ وجه نقی در اسباب تحصیل نباشد، بلکه سایر صاحب صنعت‌ها هم، در هر طرح و هر کار که محتاج به نمونه و امتیاز و سلیقه باشند، معطل نباشند، و همچنین کارخانه باسمة تصویر را متداول نماید که همه روزه تصاویر مختلفه از کارخانه بیرون آید و این صنایع را رواج کامل بدهد، در این مدت مشغول انجام این خدمت بوده و در ارک سلطانی در جنب دیوانخانه مبارکه نقاش خانه و کارخانه را ترتیب داده، بنحویکه در کارخانه باسمة چهار چرخ در کار است و بعلاوه خدمت طبع روزنامجات و احکامات دولتی و طبع باسمة تصاویر را چنان ممتاز نموده است که هر کس طالب چاپ نمودن شبیه خود یا مجلسی باشد، بفاصله چند روز یکهاز صورت او در کاغذهای ضخیم طبع میگردد که نهایت امتیاز را داشته باشد، و ترتیب نقاشی از این قرار است که چند پرده که خود مشارالیه در سفر ایتالیا از روی عمل استاد مشهور رافائیل کشیده و از صحنه جمیع استادان گذرانیده بود، در آنجا نصب نموده و از باسمة و صورتهای گچ و سایر کارهائی که از روی عمل میکائیل و رافائیل و تیسبانه و سایر استادان که اسامی آنها در کتاب آموختن نقاشی ذکر شده است کشیده و چاپ نموده‌اند، نصب نموده از هر قبیل اسباب و آلات کار را در آنجا فراهم آورده قریب باتمام است، و بعد از اینکه ایام رمضان المبارک منقضی شد ثانیاً اعلان خواهد نمود که جوانان قابل در ایام هفته در آنجا جمع شده مشغول تحصیل باشند و هفته‌ای یک روز هم خود مشارالیه مشغول تعلیم خواهد بود و هفته‌ای دو روز هم در آنجا قراری داده خواهد شد که مردم جهت تماشای آنجا مأذون باشند و این اول نقاش خانه و کارخانه باسمة تصویر است که در دولت ایران حسب الامر معمول و متداول میگردد، بطور و طرز فرنگستان، در نتیجه این عمل، صنیع الملک مورد استقبال عامه گشته و حتی ناصرالدین شاه نیز شخصا از مدرسه دیدار کرده و وی را مورد محبت و الطاف خود قرار داد.

جریان این بازدید در روزنامه دولتی آن دوره چنین درج شده است.

عصر روز دوشنبه ۱۲ شوال ۱۲۷۸ که مراجعت می فرمودند، به نقاشخانه دولتی که صنیع الملک در عمارت دیوانخانه مبارکه بطور خوب و وضع مرغوب ترتیب داده است، تشریف شریف همایونی ارزانی داشته، صنیع الملک هم پیش کش و قربانی و شیرینی مهیا نموده، مدتی سیاحت نقاش خانه و چاپ تصویر را فرموده، زاید الوصف طرز و وضع نقاش خانه در نظر همایون مستحسن و مقبول افتاده، اظهار

مرحمت و عطوفت بسیار در حق صنیع الملک فرمودند.

و باز در این شماره به اعلان هنرستان نقاشی صنیع الملک بر میخوریم که در آن اعلان سعی شده بهر ترتیبی که امکان دارد علاقمندان فن نقاشی و دانش آموزان پر مایه را به یادگیری این فن و صنعت بدیع تشویق و تحریص نماید. (چون در روزنامه سابق قلمی شده بود که بعد از اتمام عمل نقاش خانه بجهت اطلاع مردم اعلان جدید خواهد شد، که هر کس خواسته باشد طفل خود را بنقاش خانه ببرد که تحصیل این صنعت لطیف نماید، دانسته باشد، لهذا چون این اوقات عمل ترتیب نقاش خانه از هر حیث پرداخته شده است، اعلان و اعلام میشود که از این تاریخ به بعد هر کس خواسته باشد، طفل خود را بمکتب نقاشخانه ببرد، نقاشخانه دولتی باز است و صنیع الملک روزهای شنبه را خود به تعلیم شاگردان خواهد پرداخت و سایر ایام شاگردان در همان نقاشخانه از روی پرده‌های کار استاد و صورتها و باسمه‌های فرنگستان و غیره بمشق نقاشی و تحصیل این صنعت بدیع می‌پردازند و روز جمعه را که از ایام تعطیل ملت و دولت است بجهت آمد و شد تماشاخانه قرار شده است که از نوکران درباری و سایر اصناف امم، هر کس طالب تماشای نقاشخانه باشد بیایند و تماشا نمایند، بجهت ناظرین اعلان شد). بدین ترتیب صنیع الملک توانست کلاس مخصوص نقاشی و شبیه سازی را در ایران رواج داده و چاپ روزنامه و تصویر را در نهایت استادی ارائه دهد، و از طرفی با چاپ عکس هر یک از شخصیت‌ها و رجال آن دوره و نوشتن احوالات آنان خدمت ارزنده‌ای به شناسائی افراد و رجال آن دوره که حالیه جهت درج در تاریخ رجال ایران از مهمترین اسناد ارزنده بشمار میرود بنماید. (۴)

مرحوم اعتماد السلطنه در کتاب المآثر و الآثار در خصوص نقاش چنین مینویسد:

ایجاد جریده مصوره - زمانیکه دایره انطباعات و روزنامجات در تحت نظر میرزا ابوالحسنخان غفاری نقاشباشی کاشانی صنیع الملک بود، باین کار شروع شد، مشارالیه که در صنعت خاصه خویش اولین شخص این دولت بود و شبیه سازی و چهره پردازی را بدون معاونت عکس کسی بدرجه او نتوانست نمود، در تضاعیف جریده و رسمیه تصاویر رجال دولت علیه و مجالس انعقاد سلام شاهنشاه اسلام و امثال ذلک را میکشید و بطبع میرسانید، ولی فوت آن مرحوم موجب فوات این فایده گردیده بود، تا از همین سنوات، مولف باحیاء موات و استدراک مافات پرداخته روزنامه مصور تجدید نمود و چون جریده رسمیه موسوم بایران را باخبار درباری و سایر مطالبی که بدولت علیه و ممالک محروسه راجع است منحصر ساختن تخصیصی بجا بود، لاجرم جریده جداگانه برای رسم تصاویر و تماثل دایر ساخت و آنرا روزنامه شرف نام نهاد و از آنجا که صنعت عکس بفن شبیه سازی تکمیل و تسهیلا " خدمتی سخت بزرگ نموده است، جریده شرف را از امتیاز صور و اشکال و اشتغال بر تراجم رجال و خصایص دیگر بران روزنامهها مصور بسی شرف و مزیت است کما یخفی علی اهله

میرزا ظاهر دیباچه نگار در مورد صنیع الملک چنین می‌نویسد:

"..... که در حقیقت نقش نی، بلکه سمر از او ناشی است و سالهای بسیار و روزگار بی شمار از پی تکمیل این فن مشقتها دیده و صدمه‌ها خورده و رنج سفر اروپا و افرنج برده و حالیا هفتم سال است که از ایتالیا معاودت نموده و اکنون به تصدیق و اتفاق کل استادان ایران و فرنگ، در رنگ

۴- در جنگ خطی زمان این نقاش، که جزو مجموعه نگارنده است، در صفحه ۲۲۰ می‌نویسد (ایجاد جریده مصوره دایره انطباعات و روزنامجات در تحت نظر میرزا ابوالحسن غفاری نقاشباشی کاشانی صنیع الملک بود، مشارالیه که در نقاشی اولین شخص این دولت بود و بی معاونت عکس، شبیه سازی و چهره پردازی را بدرجه اتم می‌توانست و در جریده رسمیه، تصاویر رجال دولت علیه و مجالس انعقاد سلام و غیره را می‌کشید، ولی فوت او موجب فوات این قاعده گردید.

آمیزی و نیرنگ خاصه در شبیه سازی کارش از حد سمر گذشته و به معجزه پردازی رسیده

آنچه کلکش میکند بر صفحه هنگام طراز هرگز اندر صفحه کلک مانی و آذر نکرد

تفصیل حال و توصیف کمال وی زیاده بر اینهاست

از فعالیت آخرین سالهای عمر و حتی تاریخ صحیح مرگ وی بدرستی اطلاعی نداریم، تنها فرهاد میرزا در ص ۱۵۵ کتاب زنبیل خود در سطر ۹ نوشته (نقاش باشی چرسی بمرد) ۱۲۸۲، بغیر از این تاریخ یعنی یکسال بعد، در روزنامه شماره ۵۹۱ تاریخ ۱۲۸۳ حکمی صادر شده که در این شماره به حکم اعتضاد السلطنه (میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک نایب نشر چهار روزنامه است که در هر ماه باید طبع و نشر یابد). گویا در همین سنوات ۱۲۸۳ ه. ق. است که چراغ عمر هنرمندی توانا و پر ابتکار که بهترین دوران عمر خود را در هنر تصویر سازی و ارائه بهترین روزنامه‌های تصویری وطن خود صرف کرده خاموش گشته و به افسانه‌ها پیوسته است. پس از فوت صنیع الملک، ناصرالدین شاه از راه بزرگداشت و قدردانی بگردآوری آثار وی همت گماشت و ماحصل را با آنچه که در نزد خود داشت اضافه کرد و کلیه آثار جمع‌آوری شده را در جنب تالار برلیان بسیاق موزه کوچکی ترتیب نمایش داد. صنیع الملک بی شک یکی از ستارگان پر فروغ آسمان هنری ایران بود که با قدرتی توانا، هنر کلاسیک اروپائی را که ارمغان مسافرتش بخارج بود، با هنر تصویری پر غنا و چشم نواز ایرانی بحسن سلیقه و مهارت ذاتی در آمیخت و آثاری را بیادگار گذاشت که بعدها مایه تحسین و ستایش بینندگان قرار گرفت. طراحی‌های وی استادانه و مهارتش در امر صورت سازی و سایه‌پردازی و شبیه سازی بی‌رقیب و ستودنی است. در شبیه سازی نهایت وسواس را داشت و حالات و سکنت شخص مورد نظر را به بهترین وجهی ارائه میداد، دستها را در کمال قدرت پسندیده میساخت ولی بدن و لباس را بعبار هنرمندان مشهور، نادیده می‌انگاشت و بطرح صحیح و دقیق آن بسنده می‌نمود.

سایه پردازها و دقایق آن را که در حقیقت عیار توانائی و قدرت قلم هر نقاش بشمار می‌آید، بجا بکدستی وجودت قلم نقش می‌نمود، صنعت کپی سازی وی فوق العاده بود، و تمام دقایق و جزئیات پرده اصلی را بعینه بروی بوم نقل داده و با مهارت و دقت وافی بشکل اول در می‌آورد.

در رنگ شناسی و رنگ سازی و کاربرد بجا و متناسب آن شیرین دست و پر ابتکار بود، با اینکه رنگها را بسادگی و ملایم و پریده می‌آراست، ولی چشم نواز و پر آذین بود و اصول و قوانین بوم سازی و عیار وزنه تابلوها بحد تعارف وارد بود.

معلوم نیست بچه علت و تحت چه عواملی این نقاش ذوفنون که در ایتالیا بقوانین پرسپکتیو کاملاً آشنا شده بود، در ترسیم بعضی مراحل مناظر و مایا از خود سستی نشان داده و احیاناً " غلط ترسیم کرده است، گویا خواسته است نقش مورد نظر را بدنای افسانه‌ای هنر تزیینی ایرانی برده و قوانین نوظهور پرسپکتیو را ندیده بگیرد. مثلاً" در کتاب هزار و یکشب، موجود در کتابخانه گلستان، در موضوع (آمدن خواجه بخانه - و زن خود را میزند) در قسمت چپ نقاشی، آجرهای انتهائی شکسته بنظر میرسد و اندازه آنها از لحاظ عمق نقاشی بزرگتر است.

و یا در نقاشی (نورالدین داخل کاروانسرا شده) آجر فرش ساده پله‌کان، از لحاظ قوانین پرسپکتیو غلط و ابتدائی بنظر میرسد و باصطلاح با همدیگر نمی‌خواند.

و یا در تصویر (ملک برقان بر تخت نشسته قوم او را تهنیت میگویند) مبداء پله‌های تخت معلوم نیست و نقطه شروع پرسپکتیو نامعلوم است.

و آجر فرشها در نقاشی (نسیم خواهر زن - به سرور نگاه میکند) فوق العاده نارسا است.

حال می‌پردازیم به معرفی آثار باقی مانده مرحوم صنیع الملک که در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی

داخل و خارج ایران بیادگار مانده و نام ویرا جاودانی ساخته است. در این نوشته‌ها با ارائه شرح مختصر اثر اکتفا کرده و از اطاله کلام خودداری مینمائیم.

۱- عالی‌ترین و شاهکار بی‌نظیر صنیع الملک، کتاب معروف (الف لیل و لیله) مضبوط در کتابخانه گلستان است. بطوریکه معروف است، محمد شاه در نظر داشت، نسخه‌ای از این کتاب را با خط زیبا و تصویر و تذهیب عالی بدست استادان زمان تهیه کننده، ولی اجل مهلت نداد و در حین آماده ساختن مقدمات آن، درگذشت. ناصرالدین شاه که علاقمند بود آرزوی پدر را برآورده نماید، به حسین خان معیرالممالک دستور داد که برای اجرای کار و برآورد هزینه با هنرمندان مشورت نماید، قرار چنین شد که کتاب بخط آقا میرزا محمد حسین وزیر، خطاط نامی آن دوره و تصویرهای آن بقلم صنیع الملک غفاری باشد و آرایش جلد و تذهیبات نیز بدست استادان فن انجام پذیرد، مخارج کل کتاب نیز در هفت هزار تومان برآورد شد و مسئله مورد پذیرش شاه نیز قرار گرفت.

کتاب در شش جلد نوشته و اتمام یافت و با تصویرهای گوناگون آراسته گردید. شاه از اجرای کامل کتاب خوشحال گشت و نویسنده و نقاش و مذهب را مورد تقدیر و انعام قرار داده و خلعت خاصی به آنها بخشید. مشخصات کتاب بدین قرار است:

متن و حاشیه، متن خانبالغ - حاشیه کاغذ دولت آبادی آهار مهره
خط - نستعلیق و رقاع

خطاط - محمد حسین تهرانی بتاريخ ۱۲۶۹ - ۱۲۷۶ ه. ق.

نقاش - میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک

مترجم - عبداللطیف طسوجی التبریزی (از عربی به فارسی)

سراینده اشعار - میرزا سروش (افصح الشعرا) اصفهانی

جلد سازان - غلامعلی - میرزا احمد - میرزا جانی بتاريخ جمادی الثانی ۱۲۷۰

مدت انجام - هفت سال

جلد اول قطع $۳۰/۳ \times ۴۵/۵$ سانتی متر دارای ۲۱۴ صفحه نقاشی

جلد دوم قطع $۳۰/۸ \times ۴۵$ سانتی متر دارای ۱۷۰ صفحه نقاشی

جلد سوم قطع $۲۹/۵ \times ۴۴/۵$ سانتی متر دارای ۲۰۴ صفحه نقاشی

جلد چهارم قطع $۲۹/۵ \times ۴۴/۱$ سانتی متر دارای ۱۶۰ صفحه نقاشی

جلد پنجم قطع ۲۹×۴۵ سانتی متر دارای ۲۱۸ صفحه نقاشی

جلد ششم قطع $۲۹/۵ \times ۴۳/۵$ سانتی متر دارای ۱۶۸ صفحه نقاشی

۲- پنج تصویر آبرنگ در کتاب مثنوی شیرین و فرهاد وحشی بافقی مضبوط در کتابخانه گلستان تهران که از آثار ارزنده نقاش بشمار میرود.

۳- شمایل مولای متقیان علی علیه السلام. ماحصل قضیه چنین است که بدستور ناصرالدین شاه قرار شد شمایل مولا را مطابق شرحی که در کتابهای اخبار روایت شده باستادی تهیه کرده و چون جواهر گرانبهائی بسینه نصب نماید، صنیع الملک شمایل را در کمال نفاست انجام داده و تقدیم نمود. فردای آن روز شاه سلام عام نشست و آن تمثال را با یک بسته تربت که خود شاه از سرداب حضرت سید الشهداء، علیه السلام بیرون آورده بود زیارت کرد، بطوریکه معروف است شاه تربت مطهر را در یک جعبه سپرده به صندوق خانه همایون تحویل داده و شب اول هر ماه شمایل و جعبه مزبور را میخواست و پس از دیدن هلال ماه آن تمثال و تربت را زیارت میکرد.

۴- اثر آبرنگی زن جوان، با صورتی طنز و دلفریب که در زیر گردن وی طوق مرواریدی جواهر نشان جلب نظر میکرد، زن زیبا در کمال آراستگی پشت به متکا کرده و به نظاره مشغول بود و رقم داشت.

(رقم ابوالحسن غفاری نقاشباشی کاشانی در دارالسلطنه اصفهان سمت ترسیم پذیرفت
فی شهر شوال ۱۲۶۷)

۵- مجلس بزم زیبایی بود که عده‌ای مشغول طرب بودند. زن و مرد صاحب خانه که بحال میگزاری و مخموری دیده میشدند مشغول پذیرائی مهمانان بودند. منظره داخل خانه و آرایش و تزئین لباس افراد و نقوش خیره کننده فرش اطاق تحسین انگیز بود.

ورقم داشت. (خانه زاد ابوالحسن غفاری ۱۲۷۶)

۶- نقاشی چهره حاجی میرزا آقاسی که بروی کارت پستال بچاپ سیاه و سفید انجام یافته است. عکس رنگی این کارت پستال را که در کتاب روسی تالیف S. MASLENITSYNA دیدم رنگ کلاشه آبی سیر و عبایش سفید حاشیه قرمز و عصا و تسبیح سفید و لباسهای زیر عبا برنگهای قرمز و زرد و سبز بود و رقم داشت.

(شبه جناب جلالت مآب اجل اعظم حاجی میرزا آقاسی سلمه الله تعالی)

(عمل ابوالحسن غفاری نقاشباشی کاشانی سنه ۱۲۶۲)

۷- تصویر خورشید خانم، از بانوان مجلله و محترمه خاندان غفاری که بنام حاجی عمه میخواندند با رقم (مشق ابوالحسن ثانی غفاری) عکس در مجله نقش و نگار شماره ۷

۸- تصویر فرخ خان امین الدوله که صنیع الملک پسر عموی پدرش بوده است، با رقم ابوالحسن نقاش باشی، عکس در مجله نقش و نگار شماره ۷

۹- سه تصویر بروایت آقای محمد تقی مصطفوی (در نقش و نگار شماره ۷) که فرزندان امین الدوله می‌باشند بنامهای محمد حسین خان - نصراله خان - محمد حسن خان در مجموعه حسینعلی غفاری.

۱۰- صورت رنگ و روغنی محمد شاه که قبل از مسافرت فرنگ تصویر شده با رقم (چاکر جان نثار ابوالحسن ثانی غفاری تاریخ ۱۲۵۸) حوضخانه موزه گلستان

۱۱- تصویر آبرنگ شاهزاده با ندیمان که گویا برای حفاظت شاهزاده او را احاطه کرده‌اند و جانب داری میکنند، قیافه اطرافیان بطرز مضحکی نقاشی شده و از لحاظ هنری استادانه است رقم دارد.

چاکر درگاه ابوالحسن کاشانی غفاری سنه ۱۲۶۰ موزه گلستان

۱۲- تابلو رنگ و روغنی بزرگ که زن زیبا و جوانی بتمام قد ایستاده با جوانی که دست بدست داده‌اند در حال معاشقه هستند. پیر زنی در گوشه راست، مشغول نظاره است. رقم دارد (اثر ابوالحسن خان ۱۲۵۹) موزه سلطنتی انگلستان

۱۳- تصویر آبرنگ، عزت الله خان شاهسون دوبرن با رقم (چاکر درگاه ابوالحسن غفاری کاشانی سنه ۱۲۶۱) موزه گلستان

۱۴- عروج حضرت مسیح، یکی از کارهای رافائیل بقطع ۶۹×۴۷ سانتی متر.

۱۵- تصویر آبرنگی شاهزاده قاجاری که با دوستان خود در چمن سلطانیه بسیاحت و گردش مشغولند رقم دارد (حسب الامر مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری ارواحنافداه در چمن سلطانیه بعهدده اتمام پذیرفت)

۱۶- تصویر آبرنگ پدر بزرگ معیرالممالک، سوار بر اسب مجموعه آقای مقدم

۱۷- شبیه کودکی معیرالممالک، مجموعه آقای مقدم

۱۸- شبیه حکیم باشی آبرنگ، مجموعه آقای مقدم

۱۹- شبیه معین الدین میرزا پسر ناصرالدین شاه که قبلاً "ولیعهد بوده است.

۲۰- شمایل حضرت امیرع موجود در موزه هنرهای تزئینی تهران

۲۱- ده تک صورت مختلف آبرنگ. ۲۲- میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی و مریض که عکس رنگی

آن روی جلد هنر و مردم شماره ۹۲ چاپ شده است. اصل در موزه تزینی.

۲۳- تصویر ایشیک آقاسی محمد ناصر خان قاجار به آبرنگ، در حوض خانه کاخ گلستان.

۲۴- آبرنگ در حوضخانه کاخ گلستان. نوشته دارد (این شکلها را هنگامیکه سرکاربندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحی و روح العالمین فداه در چمن سلطانیه تشریف فرما بودند در سنه ۱۲۷۶ حسب الامر میرزا ابوالحسن صنیع الملک کشیدهاند. رقم ابوالحسن

۲۵- آبرنگ در موزه گلستان (تصویر عظیم خان اصفهان با جماعتی از لوطیان و منازعه ایشان با رقم چاکر درگاه شاهنشاه ابوالحسن غفاری نقاشباشی کاشانی در ۲۶ ماه مبارک رمضان صورت اتمام پذیرفت ۱۲۶۸)

۲۶- تمام تصاویر روزنامه دولت علیه ایران که بنحوی در مجلات و نشریات معاصر نیز منتشر شده است، در این روزنامه در دو یا سه جا امضای ابوالحسن را دیده‌ام یکی در نمره ۴۷۵ صفحه ۲ ناصر الدین شاه و رجال با رقم ابوالحسن. دیگر در عمارت سلطنت آباد چاپ شده در شماره ۴۹۷ ۱۰۶ صفر ۱۲۷۸ رقم دارد ابوالحسن

۲۷- تصویر نشسته ناصرالدین شاه که در دست چپ نوشته السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار، تصویر رنگی روی جلد اطلاعات ماهانه شماره ۲ از مجموعه خانم معصومیان

۲۸- تصویر ناصرالدین شاه که روی صندلی نشسته و سمت چپ رقم دارد. رقم کمترین چاکر درگاه ابوالحسن غفاری ۱۲۷۶ در کتابخانه ملی.

۲۹- تصویر عمادالدوله بشماره 7. 4938P در بریتیش میوزیوم. در این اثر، عمادالدوله با ریش کم پشت و سبیل مردانه دو زانو روی کلمی نشسته و دست بر روی شمشیر نهاده است، کلاه بوقی زمان بسر دارد و کمربند مخصوص با گل‌های جیفه‌ای جواهر نشان جلب نظر مینماید، بروی لباسها جبه خرداری پوشیده و مدالها و نشان مخصوص را بگردن آویخته است. صورت و پرداز آن استادانه است.

۳۰- تصویر محمد شاه به آبرنگ بود که در حراج ساتبی ۹ جولای ۱۹۷۹ لندن به 56 lat بفروش رفت. در این اثر، محمد شاه در لباس و آرایش سلطنتی به نیکوترین وجهی ارائه شده و رقم داشت (هواله تعالی السلطان ابن السلطان محمد شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه)

(رقم ابوالحسن نقاشباشی کاشانی سنه ۱۲۶۳)

۳۱- نقاشی بزرگ و پر جلال رنگ و روغنی سلام نوروزی که ناصرالدین شاه در تخت طاووس جلوس کرده و رجال درباری در اطراف وی ایستاده‌اند، (مضبوط در موزه ایران باستان) این تابلوی عظیم که از بهترین کارهای نقاش است، در زیر نویس شماره ۵ مشخصات ساختمان و اسامی افراد موجود در تابلو، باختصار جهت علاقمندان ارائه شده است.

۵- به تصمیم میرزا آقا خان اعتماد الدوله صدر اعظم ناصری بسال ۱۲۷۰ ه.ق. بنا شد عمارت پر جلالی در ضلع شمالی باغ نظامیه جهت فرزند خود نظام الملک بسازد. در حدود ۲ سال و اندی طول کشید که ساختمان مزبور باتمام رسید و عمارت نظامیه یکی از بهترین نمونه شاهکارهای آن دوره شد. این عمارت که باصطلاح سر با سمان می‌سود و مورد رشک فردوس برین بود، در حقیقت موزه کاملی از نقاشی - حجاری - معماری - آینه‌کاری - گچ بری - منبت کاری و طلا کاری بشمار میرفت. این عمارت در دو طبقه ساخته شده بود که طبقه اول آن حوضخانه زیبائی بود که سنگهای آن از مرمر شفاف و سماق مخصوص تهیه گشته بود.

طالار بزرگ طبقه دوم که ۱۰ متر طول و ۶ متر عرض و ۶ متر بلندی داشت بانواع نقوش و آینه‌کاری

مزمین گشته بود. در متن سقفها و بعضی دیوارهای آن نقوشی استادانه با طلای اشرفی خالص بقلم میرزا فتح‌الله شیرازی انجام یافته بود که مورد تمجید بود، در کتیبه‌های عمارت اشعاری از شمس الشعرا میرزا محمد علی خان سروش اصفهانی در وصف عمارت و تاریخ ختم بنا بچشم می‌خورد که بیت آخر آن چنین است. کلک مشکین سروش از پی تاریخ نوشت - ای نظامیه طربزای آباد بیای ۱۲۷۰ ه.ق.

دیوارهای وسیع تالار بزرگ از هفت تابلوی بزرگ رنگ روغنی اثر دست صنیع الملک غفاری منقوش شده بود که باستادی و شباهت تمام انجام یافته بود، این تابلوها که قیافه تمام قدهشتاد و چهار نفر از معارف - وزراء - امرای لشکر - شاهزادگان - ایلخانان - اعیان - سفرا را بنحو پر مهرتی نشان میداد نمونه شاهکار رنگ و روغنی نقاش‌نشانگر فرم و آرایش لباس و القاب آن دوره بشمار می‌آمد. این عمارت که بعدها به عمارت لقانطه معروف شد و جنبه انتفاعی پیدا کرد، آثار هنری و تزئینات آن نیز بمرور از بین رفت، ولی تابلوی بزرگ و ارزنده آن، در موزه ایران باستان جای گرفت. ما در اینجا اسامی و القاب بعضی از رجال آن دوره را که در تابلوهای عمارت نظامیه (لقانطه) بدست صنیع الملک انجام یافته، جهت اطلاع بیشتر علاقمندان درج مینمائیم، افرادی که مایل باطلاع بیشتر و تحقیق مفصل‌تر می‌باشند، به مجله مهر شماره ۹ بهمن ماه ۱۳۱۲ سال اول نوشته آقای خواجه نوری مراجعه نمایند. اسامی افراد تابلو:

از راست به چپ:

- ۱- موسی خان. ۲- سردار علیخان سیستانی. ۳- اسدالله خان معتمدالملک. ۴- میرزا علیخان. ۵- اصلان خان. ۶- انوشیروان خان ناظر عین الملک. ۷- نصرالله خان نظام العلماء. ۸- محسن میرزا میراخور. ۹- عیسی خان والی. ۱۰- حاجی آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام.

تابلوی دیگر از راست بچپ: ۱- میرزا سعید خان وزیر خارجه. ۲- حیدر افندی شارژ دافر عثمانی. ۳- لاقسفی شارژ دافر روس. ۴- مسیو گوبینو شارژ دافر فرانسه. ۵- میرزا عباس خان منشی وزارت خارجه.

تابلوی دیگر از راست بچپ: ۱- میرزا زمان خان امیر دیوانخانه. ۲- میرزا عبدالله مستوفی. ۳- میرزا فتح‌الله لشکر نویس باشی. ۴- میرزا عنایت امین لشکر. ۵- میرزا محمد قوام الدوله. ۶- میرزا احمد خان مشیر الدوله. ۷- میرزا صادق قائم مقام. ۸- میرزا موسی. ۹- میرزا فضل اله وزیر نظام. ۱۰- حاج قوام الملک شیرازی.

تابلوی دیگر از راست بچپ: ۱- موید الدوله. ۲- امامقلی میرزا عماد الدوله. ۳- احمد میرزا. ۴- ایلدرم میرزا. ۵- لطف الله میرزا شعاع السلطنه. ۶- حمزه میرزا حشمت الدوله. ۷- نصرالدوله. ۸- خانلر میرزا احتشام الدوله. ۹- فرهاد میرزا نایب الایاله. ۱۰- سلطان مراد میرزا حسام السلطنه. ۱۱- اردشیر میرزا رکن الدوله. ۱۲- بهرام میرزا معز الدوله.

تابلوی دیگر از راست بچپ: ۱- میرزا محمد خان قاجار دولو کشیکچی باشی. ۲- عزیز خان مکری سردار کل. ۳- محمد خان امیر تومان. ۴- حسینعلی خان معیر الممالک. ۵- جعفر قلی خان قراجه داغی امیر تومان. ۶- آقا محمد حسن مهرداد. ۷- فضا آقا امیر توپخانه. ۸- حاج علی خان حاجب الدوله. ۹- محمود خان ناصر الملک. ۱۰- ذوالفقار خان مستوفی. ۱۱- علیخان امیر پنجه قراگزلو نصره الملک. ۱۲- میرزا محمد حسین دبیر الملک. ۱۳- جعفر قلی خان. ۱۴- یوسف خان سرتیپ. ۱۵- میرزا محمد حسین عضدالملک. ۱۶- عباسقلی خان سیف الملک. ۱۷- فرخ خان امین

الدوله . ۱۸- میرزا ابراهیم خان نوری سهام الملک .

در تابلوی دیگر از راست بچپ : ۱- میرزا داود خان پسر صدراعظم نوری . ۲- عبدالصمد میرزا عزالدوله . ۳- محمد تقی میرزا رکن الدوله . ۴- سلطان مسعود میرزا یمین الدوله . ۵- مظفرالدین میرزا . ۶- سلطان معین الدین میرزا ولیعهد .

در تابلوی دیگر جناب مستطاب اشرف امجد افخم میرزا آقاخان صدراعظم شخص اول دولت علیه ایران

۳۲- تصویر آبرنگی زیبا و استادانه از میرزا آقاخان نوری بسال ۱۲۷۱ مجموعه خانم گدار .

۳۳- تصویر آبرنگی آقاخان نوری متعلق بخانم معصومیان .

۳۴- تصویری از میرزا آقاخان نوری با رقم . تصویر شما ره (۵)

(تصویر میرزا آقا خان اعتماد الدوله صدر اعظم نوری رقم ابوالحسن غفاری نقاشباشی رجب ۱۲۷۰)

۳۵- تصویر عباسقلی خان معتمدالدوله مضبوط در مجموعه‌ای در تهران .

۳۶- نقاشی صحنه شکار که طرح آنرا صنیع الملک ساخته و استاد بهرام اصفهانی رنگ آمیزی نموده‌اند، موجود در مرقعات کتابخانه گلستان .

۳۷- تصویر آبرنگی (شبیه عالیجاه مقرب الخاقان میرزا عبدالله خان مستوفی خاصه)

(اثر ابوالحسن نقاشباشی کاشانی غفاری ۱۲۷۳)

۳۸- عکس تصویر بسیار زیبایی را در دست فروشنده‌ای دیده و از او فتوکی گرفته‌ام. در این تصویر بسیار زیبا و استادانه، ناصرالدین شاه در سمت چپ تصویر نشسته و میزی و گلدانی در دست چپ دارد. میرزا آقاخان نوری با همان هیبت خاص و کلاه و مدال، کرکی ضخیم پوشیده و نشسته است و در مقابل ناصرالدین شاه، فرد صاحب مقامی بناهلیخان، مامور دولت علیه روسیه ایستاده و گزارش میدهد (۶) اصل نقاشی فوق العاده زیبا بوده و مطالب آن که بوسیله دره بین قرائت شده در زیر نویس ارائه میگردد . ۳۹- تابلوی ملک الاطباء و شاهزاده مؤید الدوله (بنوشته اطلاعات ماهانه شماره ۲ متعلق به کتابخانه مرحوم خان ملک)

۴۰- دو تابلو، با عکس صورت محمد رضا مستوفی - و مرحوم مستوفی الممالک بزرگ (میرزا یوسف) در اطلاعات ماهانه شماره ۲

۴۱- کارت پستال چاپی از عمله طرب که میرزا علی اکبر تار زن در وسط تاز میزند و عده‌ای در اطراف دیده میشوند . رقم دارد . (صورت مجلس مرحوم آقا علی اکبر است که در سال ۱۲۷۳ میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک کشیده) . اسامی افراد بدین ترتیب است

۶- تصویر ناصرالدین شاه در سمت چپ قرار گرفته و پابرهنه و کاغذ بدست نشسته و شمشیری روی زانوان دارد، در وسط نقاشی نوشته است، تمثال خورشید جلوس اعلیحضرت جم جاه السلطان بن السلطان ابن سلطان ابن سلطان ناصرالدین شاه غازی خلدالله ملکه و سلطانه در دارالسلطنه، از روی عمل جان نثار میرزا ابوالحسن نقاشباشی، عالیجاه پالکو نیک نقاش اعلیحضرت امپراطور اعظم قلمی نموده است سنه ۱۲۸۱ .

و برای تصویر آقا خان نوری نوشته - تصویر جناب نواب اجل اعظم امجد ارفع اعتماد السلطنه میرزا آقا خان صدر اعظم . در سمت راست برای شخص ایستاده نوشته - تصویر جناب امجد مقرب دربار همایون علیخان از جانب دولت علیه ایران مامور دولت علیه روسیه .

۱- میرزا عبدالله خان علاءالملک . ۲- مسعود میرزا . ۳- حسن خان . ۴- میرزا حیدر علی سرهنگ . ۵- علی اکبر بازگیر . ۶- سلطان خانم . ۷- کوکب خانم .

۴۲- تصویر زیبا و استادانه آبرنگ تکه‌ای که جوان مستوفی روی کلیمی نشسته و کلاه بلندی بسر گذاشته است این اثر که در کادر بیضی شکلی تصویر شده رقم دارد (خلف مهین میرزا محمد تقی میرزا محمد زکی در سن هفده سالگی) و در سمت چپ و بالا رقم دارد .

(ابوالحسن خان نقاشباشی ۱۲۷۳) مضبوط در مجموعه شماره ۴

۴۳- تصویر فوق العاده زیبای آبرنگ میرزا محمد تقی پدر . مستوفی با کلاه بلند و ریش انبوه پوستین بوته جیقه‌ای بتن کرده و دستهارا بکمر نهاده است بخط نستعلیق زیبا رقم دارد .

(مقرب دربار گردون اقتدار میرزا محمد تقی در سن چهل و هشت سالگی)

(رقم میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی سنه ۱۲۷۳)

۴۴- تصویر بسیار زیبا و استادانه درویش، با رنگهای پریده و کلاه و موهای بلند افتاده رقم دارد .

(رقم میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی سنه ۱۲۷۳) ۲۵ x ۳۵ سانتی متر مضبوط در مجموعه شماره ۴ ۴۵- اثر ارزنده دیگری که حالیه جزو مجموعه شماره ۲ است و این تصویر مربوط به واقعه‌ایست که در استرآباد اتفاق افتاده و تفصیل آن در شماره ۴۹۴ روزنامه دولت علیه ایران مورخ محرم ۱۲۷۸ درج شده است و آن اینکه یک نفر از اهالی مدعی درویشی شد که دندان او را شکسته است و درویش منکر بود. کار بمحاکمه در محضر آقا سید محمد صادق مجتهد کشید و چون در آن مجلس قسم دروغ خورد، موقعی که درویش در مسجد نماز می‌گذارد، همانجا وفات یافت. در این تصویر ۲۰ نفر ایستاده‌اند که به گرد جسد درویش گرد آمده‌اند و کلاه درویش از سرافتاده و بروی زمین در غلطیده است. این اثر در نوع خود منحصر بوده و تقریباً "اولین کاریکاتور روزنامه‌ایست که بدست صنیع الملک انجام یافته است . ۴۶- اثر بی نظیر دیگر صنیع الملک که واقعا "منحصر بفرد است، تصویر علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه است که در نوع خود از نفایس است. در این آبرنگ، علیقلی میرزا، میرزا عبدالله پیشخدمت باشی و میرزا اسمعیل در یک جا ترسیم شده است . در وسط نقاشی، تصویر شاهزاده علی قلی میرزا در سن سی و سه سالگی است که صورت او با پرداز استادانه بی همتائی نقاشی شده و کلاه بوقی بلند مشکی بسر دارد و ریش و سبیل او کم پشت بوده و زلف‌های بلندش از پشت سر و زیر کلاه نمایان است. لباس ترمهای بوته جقه‌ای پوشیده و عبای آبی راه راه سفید و الوان بتن کرده است .

شلوار سبز رنگ او جالب است و جوراب سفید بپا دارد، در بالای سر تصویر و زیر پا، بخط زیبایی نستعلیق نوشته است (نواب مستطاب اعظم افخم علیقلی میرزا دام اقباله در سن سی و سه سالگی) (رقم میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی غفاری کاشانی)

تصویر دست راست که میرزا عبدالله پیشخدمت باشی است مرد میان سالی است که ریش و سبیل داشته و کلاه بلندی بسر دارد. روی لباس ترمهای الوانش قبای بلند مغز پستهای پوشیده و دستهارا بروی شال کمر رویهم نهاده و آماده خدمت است. تصویر سمت چپ، جوان بالا بلندی است که سبیل زیبایی بصورت داشته و کلاه بلند بسر دارد، او نیز دستها را روی شال کمر گذاشته و لوله کاغذی بشال نصب کرده است. در زیر پای جوان نوشته است. میرزا اسمعیل منشی کتابدار . هر سه نفر، جوراب سفید بپا کرده و روی فرش قرمز قرار گرفته‌اند. آرایش داخلی اطاق و پنجره قرمز رنگ دست راستی اطاق جالب است. این اثر که در اندازه تقریبی ۲۵ x ۳۵ سانتی متر است بچیره دستی نقاشی شده و از آثار ارزنده آبرنگ سازی در ایران می‌باشد .

۴۷- دیگر آثار صنیع الملک که بصورت چاپ در کتابها و نقاشی‌های مجزا و یا اینکه در روزنامه‌های زمان، از جمله علائم رسمی ادارات دولتی ارائه شده، نمونه ذوق و استعداد نقاش است که بگونه‌ای

دیگر تجلی یافته است. ما در اینجا چند نمونه چاپی رسمی که در مجموعه نگارنده است، جهت شناسائی بیشتر علاقمندان ارائه میدهیم.

الف - حکم نظامی، با علائم وسایل جنگی، از قبیل توپ و تفنگ و شمشیر و سر نیزه که در قسمت بالای آن شیر و خورشید جلب نظر مینماید.

ب - آرم فرمان‌های عمومی که در وسط آن جمله (فرمان‌های ۱۲۷۷) و در بالا (الملك الله) و در قسمت دیگر شیر و خورشید و حواشی گل و تصویر دو ملائکه.

پ - حکم عدلیه - در وسط نوشته (حکم دیوان عدلیه اعظم ۱۲۷۷) در طرفین تصویر دو فرشته نیمه برهنه و در بالای آن شیری بحالت نشسته دیده میشود.

۵۷- ابوالحسن بن محمد حسن نقاش

بروایتی فرزند محمد حسن نقاش نامی دوره فتحعلیشاه است که احوال آن در جای خود خواهد آمد. از آثار رقم‌دار این نقاش، قلمدان تابوتی زیبا بود که به مهارت نقاشی شده و با سلیقه بود. تصویر محمد شاه در آرایش سلطنتی بروی آن نقش بسته و تزیینات لباس و نمایش جواهرات به نیکوترین وجهی مجسم گشته بود، حواشی و کلاه قلمدان، شکارگاه با صفائی بود که سواران شکارچی با اسبان خود به گشت و شکار مشغول بودند. در قسمت درون نیز، تصویر مردی جلب نظر میکرد و رقم داشت. (رقم ابوالحسن ۱۲۵۸) مجموعه خصوصی ۵

۵۸- ابوالحسن مستوفی غفاری کاشانی

میرزا ابوالحسن مستوفی غفاری کاشانی، عموی پدر صنیع الملک و فرزند میرزا معزالدین محمد حکمران کاشان و نطنز بود و بنقاشی و تصویرگری علاقه زیادی داشت. خاندان این دودمان، طی قرون متمادی شاغل امور قضا و از زمان نادر شاه افشار و دوره کریم خان زند عهده دار مناصب و مشاغل حساس بوده‌اند. ۱ ۱

کتاب گلشن مراد که بنام علی مرادخان زند تالیف شده و از منابع معتبر قرن ۱۲ ه.ق. بشمار میرود از تحریرات ابوالحسن و محمد باقر غفاری میباید. بروایت از مرحوم کمال الملک (پدرش میرزا ابوالحسن را عاق کرد، بواسطه همین که نقاش بود ولی نادر شاه و کریمخان وی را تشویق کرده‌اند) ولی با مطالعه آثار محدود و اندک وی با اینکه پدر او را از نقش تصویر منع کرده هنرمند شیرین قلمی بوده که در آبرنگ و سیاه قلم دست داشته و در ارائه مجالس تصویری و چهره پردازی و شبیه سازی پر قدرت بوده است.

قامیل معظم غفاری، بحق از معدود خانواده‌های انگشت شمار و هنرمند میهن عزیزمان ایران میباشند که در اعصار مختلف، بنحو شایسته‌ای در ترقی و تجلی هنر ملی زحمتهای کشیده و مرارت‌ها دیده‌اند. نگارنده جهت شناسائی بیشتر علاقمندان، شجره کوتاهی از این خاندان ترسیم کرده که در صفحه ۳۶ در معرض دید علاقمندان قرار میگیرد.

آثار بجا مانده وی عبارت است:

۱- تصویر میرزا معزالدین محمد است که قلبان بدست گرفته و کلیجه زری طلائی پوشیده و بروی زمین نشسته است. بر حاشیه بالای طاقچه بخط زیبای ثلث نوشته است. (آرایش این منزل سعادت

۱ (تصویر رنگی در مجله نقش و نگار شماره ۷)

مقرون، از نگارش همایون عالیجاه و حکومت پناه امیر الامراء العظام میرزائی میرزا معزالدین محمد) در سمت راست (رقم بنده درگاه خلائق امید گاه ابو الحسن غفاری المستوفی کاشانی ۱۱۹۶) تصویر ۲ تصویر دیگری از میرزا معزالدین محمد است که با لباس آبی کم رنگ نقاشی شده و قلبانی بدست گرفته و به متکائی که روپوش زری زیبائی دارد تکیه داده است.

این اثر، بدون تاریخ و رقم میباید.

۳- تصویر قاضی عبدالمطلب جد پدری میرزا معزالدین محمد سابق الذکر است که در شورای دشت مغان بعنوان نماینده رسمی مردم کاشان و نطنز شرکت داشته است. در این آبرنگ او سوار بر استر شده و منشوری بدست گرفته و عازم مقصد می‌باشد. رقم دارد (۲)

شبیه اقصی القضا و المتشرعین زایر بیت الله رب العالمین شمس فلک فضیلت شعاری قاضی عبدالمطلب الغفاری الكاشانی که حسب الامر نادری بهجت شوری کبری مغان از منتزعات خلخال عبور فرمودند، میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی محرم الحرام ۱۲۰۹

۴- تصویر کریم خان زند در میدان نقش جهان اصفهان است. در این آبرنگ، کریم خان در هیئت و آرایش سلطنتی عرضه شده و بازو بندهای پهن جواهر نشان ببازو بسته و کمربند و خنجر مرصع بکمر آویخته است. مهتر مخصوص، مشغول تیمار اسب است و در پشت سر منظره عالی‌قاپو و میدان نقش جهان جلب نظر میکند. بخط نستعلیق رقم دارد.

(شبیه اعلیحضرت شاهنشاه گیتی ستان و خاقان ظل‌اله علین آشیان ابوالنصر کریمخان زند) (رقم بنده درگاه خلائق امید گاه ابوالحسن الغفاری المستوفی فی شهر ۱۲۰۹)

۵- اثر دیگر نقاش، شمایل قاضی احمد جد نقاش است که با قیافه نورانی و ریش سفید، قبای سبز پوشیده و عمامه سفید بسر گذاشته و تسبیح بدست بروی سجاده‌ای در وسط باغ نشسته است، نوجوانی که او هم عمامه سفید بسر دارد، پشت سر پیر مرد بخواب رفته. رقم دارد. (رقم کمترین ابوالحسن الغفاری المستوفی سنه ۱۲۱۲)

تصویر شماره ۶، قیافه زیبا و استادانه شاه صفی است که دو زانو نشسته و به مخده تکیه داده است. عمامه پهن و ظریفش که بریسه‌های مروارید و جیقه پرپر زیبا مزین است جلوه ممتازی دارد در حاشیه کناره تصویر رقم دارد.

(هو - شبیه جلوس شاه رضوان بارگاه شاه صفی انار الله)

(رقم بنده درگاه خلائق امید گاه ابوالحسن الغفاری المستوفی الكاشانی ۱۲۰۸)

۷- اثر ارزنده دیگر این نقاش، تصویر قهرمانان افسانه‌ای رم قدیم بود که در کمال استادی و رنگ سرخ دلنواز نقاشی شده و رقم داشت.

(مشق کمترین ابوالحسن فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۸۸)

۸- دیگر از آثار بجا مانده و رقم‌دار استاد که شاید آخرین نقاشی وی نیز بوده باشد، تصویر شیر پر مهاتبی است که بزنجیر بسته و بدرخت مهار شده است. رقم دارد.

۲- باستاناد اسناد قدیمی مجموعه نگارنده

الف - نادر شاه اولین نامه را بحکام ولایات روز ۸ رمضان سال ۱۱۴۸ ه.ق. ارسال داشته است.

ب - این شورا روز جمعه ۴ شوال ۱۱۴۸ مطابق ۱۷ فوریه ۱۷۳۶ میلادی پنج ساعت از روز گذشته بحضور نادر شرفیاب شده و این اثر ۶۰ سال بعد ترسیم یافته است.

پ - چون در رقم زیر اثر زایر بیت اله نوشته بعید نیست که جهت سفر حج عازم بوده است.

ستوده‌اند. زندگی اولیه نادرالزمان بر ما مکتوم است ولی آنچه از قرائن بدست می‌آید معلوم می‌دارد، در بدایت حال، پدر هنرمندش بعلل بی اعتباری در دربار صفویه بار سفر بسته و به همراه فرزند خردسالش در حدود سالهای ۱۰۰۷، عازم دیار هندوستان گشته است، علت این پیش آمد ناگوار بنوشته قاضی احمد، همانا اختلاط وی با جماعت نامردان و لوندان بوده که بمرور بکاهلی افتاده و اوقات خود را ضایع ساخته و مفلس و پریشان حال گشته بود.

از سن اصلی پدر و پسر هنگام ورود به هندوستان، اطلاعی نداریم ولی در ذیل اثری از رضا کاشانی که بسال ۱۰۳۰ انجام داده، خود را مردی ۶۰ ساله خوانده و چنین نوشته است.

(در سن ۶۰ سالگی ساخته شد ۱۰۳۰ عمل مرید باخلاص آقا رضا جمهانگیر پادشاهی)

از طرفی قید مشهدی بودن نادرالزمان، در یکی از آثار بجا مانده اش معلوم می‌دارد که او در مشهد زاده شده و این زمانی است که پدرش از دستگاه شاه عباس طرد شده و بمشهد آمده تا عازم هندوستان گردد و اگر قدیمترین اثر تاریخ دار آقا رضا را در هندوستان که می‌نویسد (غلام باخلاص شاه سلیم آقا رضای مصور فی تاریخ ۱۰۰۸) مدرک قرار داده و حدس بزنیم یک یا دو سال قبل از این تاریخ از مشهد کوچ کرده و به هندوستان رفته‌اند، سال تاریخ حرکت آنها بحدس قوی سال ۱۰۰۷ خواهد بود.

نکته مستند دیگری که ما را در آگاهی احوال ابوالحسن یاری می‌دهد، دریافت لقب نادر الزمانی بسال ۱۰۲۷ می‌باشد و اگر تحقیقا و حدسا در این زمانها او را مردی ۳۰ ساله که شایسته دریافت این لقب والا باشد بدانیم، به ترتیب سال تولد وی حدود سالهای ۹۹۷ خواهد بود. پس با این اطلاعات، استاد ابوالحسن سال ۹۹۷ تولد یافته و در ده سالگی بسال ۱۰۰۷ عازم هندوستان شده و در ۳۰ سالگی به لقب نادرالزمانی مفتخر گشته است.

در کتاب تزوک جهانگیری و در صفحه ۲۳۵ (جشن سیزدهمین نوروز) واقعه دریافت لقب را چنین نوشته است: از کتاب تزوک جهانگیری، جشن سیزدهمین نوروز

در این تاریخ، ابوالحسن مصور بخطاب نادرالزمانی سرفراز گشته مجلس جلوس مرا در دیباچه جهانگیر نامه کشیده بنظر در آورد، چون سزاوار تحسین و آفرین بود مورد الطاف بیکران گشت، کارش بعیار کامل رسیده و تصویر او از کارنامه‌های روزگار است، در این عصر نظیر و عدیل خود ندارد، اگر در این روز اوستاد عبدالحی و اوستاد بهزاد در صفحه روزگاری بودند انصاف کار او می‌دادند، پدرش آقا رضائی مروی در زمان شاهزادگی من بخدمت من پیوسته او را نسبت خانزادی باین درگاه است، غایتا " او را هیچ آشنائی و مناسبت بکار پدرش نیست، بلکه از یک عالم نمیتوان گفت و مرا نسبت باو حقوق تربیت بسیار است، از صغر سن تا حال خاطر همیشه متوجه تربیت او بوده تا کارش بدین درجه رسیده، الحق نادره زمان خود بوده.

در این زمانها، او هنرمند با اعتبار و پر مهارت دربار هند بود و جهانگیر شاه او را مثل فرزندی گرانمایه عزیز میداشت و همیشه او را در کنف خود قرار داشت و حتی در یکی از آثار باقی مانده اش، بخط خود اشارتی کرده و از مهارت نادرالزمان توصیف کرده است.

این هنرمند برادر کوچکی بنام عبید داشته که نقاش بوده و در چند اثر بجا مانده از جمله در دو اثر

۱- (تصویر شاه جهان در پادشاه نامه با رقم (ولد آقا رضا عبید) ۲۳ شعبان)

۲- (تصویر شاه جهان در دربار با رقم (رقم عبید برادر نادرالزمان مشهدی باتمام رسید) صراحتا " نام پدر و برادر خود را یاد کرده و نسبت خود را بیان نموده است.

نادرالزمان بر پایه ذوق و استعداد وافر که از دوران طفولیت وزیر نظر و آموزش مستقیم پدر

هنرمندش رشد و قوام یافته بود، بسرعت هر چه تمامتری مدارج ترقی و تعالی را پیموده و در حقیقت نادره زمان و افتخار دوران گردید.

با غور و بررسی‌های بیشتری که در آثارش بعمل می‌آوریم، عمق و حلاوت و عظمت و گیرائی هنر وی پیش از پیش تجلی کرده و بیننده را به تحسین وامیدارد. نادرالزمان در ارائه مجالس رزمی و بزمی باندازه‌ای مسلط و پر وسواس بود که کوچکترین نکته‌ای را از نظر تیز بین خود دور نمی‌داشت. در شبیه سازی و آرایش لباس و انتخاب رنگها و تشریح حالات و سکنات افراد و ارائه هر چه بیشتر زیباییها و لطافت تصویر بحد ایده آل چابکدست و شیرین قلم بود. در منظره سازی و نمود جانوران و پرندگان و تذهیب و تشعیر و آرایش جوانب تصویر، قوی دست و نازک قلم بود.

در صنعت شعر نیز دست داشت، سروده‌های خود را ندرتا " در ذیل آثارش درج می‌نمود. از تنها تصویر دوره جوانی هنرمند که بوسیله دولت نقاش، در کنار یکی از صفحات مرقع گلشن بیادگار است، لباس راه راه زیبا پوشیده و روی زمین نشسته و بتصویر سازی مشغول است. روی روی وی بساط و لوازم و ادوات نقاشی بچشم میخورد، او بسیاق هندیان کلاه مخصوص بسر گذاشته روی کاغذیکه بدست دارد نوشته شده. (شبیه ابوالحسن عمل دولت) تصویر شماره (۹)

از آثار فراوان او آنچه در کتابها و موزه‌ها دیده‌ام، عبارتند از:

۱- هفت تصویر استادانه، چاپ شده در آلبوم آکادمی علوم شوروی در لنین گراد، بترتیب:

الف - (شماره ۷ آلبوم) منظره بتخت نشستن جهانگیر در سال ۱۰۱۴ ه. است، که آیتی از زیبایی بوده و فوق العاده با حلاوت است. در قسمت بالای نقاشی، بخط نستعلیق زیبا چنین نوشته:

الله اکبر، اقلیم گرفتن تو بادا مسعود، بر تخت نشستنت مبارک بادا سنه ۱۰۱۴ رقم نقاش بروی یکی از ظروف طلائی است بدین مضمون: (عمل کمترین خاکسران ابوالحسن جهانگیر شاهی)

ب - (شماره ۹ آلبوم) در این اثر چشم نواز، جهانگیر و شاه جهان را در محضر سه عالم روحانی نشان می‌دهد، آصف خان در کنار ایستاده و همه دست بدعا برداشته‌اند، در قسمت بالا، پیر زنی خمیده و پیر مردی با ریش انبوه سفید در کنار دخمه‌ای بانتظار ایستاده‌اند. روی یکی از پایه‌های دخمه رقم دارد. (عمل نادرالزمان)

پ - (شماره ۱۰ و ۱۱ آلبوم که فقط شماره ۱۰ آن رقم دارد)

در این اثر پر جلال، شاه جهان در دو تصویر مشغول بازدید و سان لشگریان خود می‌باشد رقم دارد. (رقم خانه زاد تمام اخلاص نادرالزمان)

ت - (شماره ۱۲ آلبوم) در این اثر، مردی با لباس فرنگی نشسته و حیوانات باطراف وی جمع گشته‌اند. در انتهای تصویر، یک مرد تنها دیده میشود. منظره زیبایی ساختمان جانوران قابل تحسین است، رقم دارد. (رقم ابوالحسن نادرالزمان بن آقا رضا)

ث - (شماره ۱۳ آلبوم لنین گراد) زنی در قیافه زنان فرنگی است که پستان راست خود را بدست دارد. در افق تابلو، منظره صحرا و درخت و حیواناتی از قبیل خرگوش و خاریشت و جماعتی با البسه اروپائی و ساختمانی بشکل کلیسا دیده میشود. رقم دارد، در دو محل مختلف (عمل ابوالحسن ابن نادرالزمان آقا مرید) (شاهنشاه سلطان سلیم پادشاه) ۲

ج - (نقاشی شماره ۱۴ آلبوم لنین گراد) شاهزاده بلند قامت هندی است که بر اسب سوار شده و بازدار مخصوصش که به سپر و کمان مسلح است با او در حال صحبت است. سگ سوارکار، به باز تیز پرواز

۲- نام سلطان سلیم پادشاه بغیر از اسم جهانگیر، در زمان ولی عهدی است، در آئینان به (شیخ سلیم شاه چشتی) که از صوفیان معروف هند بود نیز شیخ سلیم پادشاه می‌گفتند.

نگاه میکند، زمینه تصویر منظره کوه و درختان و رودخانه است که در نهایت استادی ترسیم شده و به خط شکسته رقم دارد. (عمل نادرالزمان)

چ - (نقاشی شماره ۸ آلبوم لنین گراد) جلوس آصف خان است که جماعتی در حدود پنج نفر در پائین و دو نفر در بالا دیده میشوند، در حواشی اثر، رقم دارد. (رقم فدوی قدیم نادرالزمان در سنه اول جلوس) شبیه باصلاح آرنده فساد جمله جهان رساننده چتر و تاج بشاهنشاه نواب کامکار کامیاب آصف خان

۲- تصویر کاملاً شبیه شاه جهان در کمال استادی است که در نمایشگاه آثار هندی موزه ویکتوریا آلبرت لندن ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ از نزدیک دیدم. در این اثر شاه جهان، لباس زرد نارنجی خوشرنگ بلند بتن کرده و جیقه جواهر نشان بدست گرفته و بخط نستعلیق در طرفین نوشته.

شبیه مبارک قبله و صاحب عالمیان
در حواشی اثر، شعاری بخط نستعلیق زیبا کتابت شده که چنین است:

بغیر از او نبود زیر چرخ شاهنشاه
تهمتتی که بیک حمله حاجبان درش
در طرف راست:

هزار صف پی خدمت ستاده پیش ویند
گر آن ملک بصد گونه شوق و ذوق مدام
۳- دیگر اثر نادرالزمان که در این نمایشگاه از نزدیک دیدم، مردی در قیافه ازبکی بود که با لباس زرد بروی اسب نشسته و در مقابلش مردی که لباس سفید پوشیده و بدست خود باز شکاری و در کنارش سگ تازی دارد ایستاده است. منظره کوه و درختان فوق العاده بود و در زیر جدول رقم داشت:

(شبیه عبدالله خان اوزبک عمل نادرالزمان)
۴- شاهکار دیگر ابوالحسن که اصل آن در لنین گراد و اندازه اش $23/8 \times 15/4$ سانتی متر است، شاه عباس و جهانگیر بعنوان اتحاد و یگانگی روی کره زمین ایستاده و همدیگر را در بغل گرفته اند. پشت سرشان نور خیره کننده ای نمایان شده که نشانه ای از حمایت خدای لاینتناهی است. در بطن نقشه مدرجه و روی کره، اسامی شهرهای تبریز و اردبیل بوضوح دیده میشود. حاشیه این اثر، دو رده تذهیب و حل کاری قرمز تیره ای میباشد. کناره بیرونی اثر بعد از تذهیب آرایش گل و مرغی که در حد خود بسیار زیباست بدست استاد هنرمند ایرانی محمد صادق، در سنه ۱۱۶۰ هـ. ترسیم شده و حواشی نقاشی، نوشته های مختلفی دارد که اینجا پاکنویس میشود.

الف - مضمون خوابی که حضرت اعلی در چشمه نور مشاهده فرموده بودند.

ب - شاه ما در خواب آمد پس مرا خوشوقت کرد - دشمن خواب من است آنکس که از خوابم ربود.

پ - شاه ما در خواب آمد و این بیت را بزبان معجز بیان فرموده.

ت - چون نوروز قریب بود از روی تعجیل ساخته شد.

ث - عمل مرید زاده باخلاص نادرالزمان - بن آقا رضا.

ج - و صورت مبارک شاهرا (یعنی شاه عباس کبیر را) از جمعی که دیده بودند تحقیق نموده بحدس و قیاس و قرینه هنروری، فی الجمله صورتی داده که اکثر براینند که مانند هست، هوالمصور الاعلم.

۵- دیگر اثر رقم دار این هنرمند، تصویر امیر حمزه است که کلاه کله شیری بسر نهاده و اسبش در دام ازدها افتاده است. امیر حمزه با شجاعت و قدرت تمام، شمشیری بسر ازدها زده، خود و اسبش را رها کرده است. رقم های پراکنده دارد.

(شبیه حضرت امیر حمزه - رضی الله عنه - مشق فقیر نادرالزمان - فی بلده برهانپور)

ع - دیگر اثر هنرمند، تصویر جهانگیر شاه است که صورت اکبر شاه پدر خود را نگاه میکند. در این مینیاتور، کره زمین در دست اکبر شاه است و روی کره نوشته شده:

(شبیه حضرت اکبر شاه عمل نادرالزمان)

اصل نقاشی، تصویر جهانگیر است و در زمینه و زیر دست چپ تصویر نوشته است: (شبیه حضرت جهانگیر پادشاه است که در سن سی سالگی ساخته اند، عمل قاسم چهره گشا، اصلاح نادرالزمان) اصل در موزه گیومه پاریس

۷- دربار جهانگیر است که شاه روی تختی نشسته و پاهای خود را روی کره کوچکی قرار داده است، در مقابل او، سلطان پرویز، دومین فرزندش ایستاده و سلطان خرم (شاه جهان) با لباس راه راه زیبا جلب نظر میکند.

در اطراف آن، اعیان و رجال از قبیل آصف خان - مهابت خان - میرزا رستم خان و سایرین صف کشیده و ایستاده اند. در انتهای اثر - مردی، بنام پرنس کاران سینک قرار گرفته و در طرف دیگر مردیکه کاغذ بدست گرفته، پهلوی نواب اعتماد الدوله ایستاده و روی کاغذ این جمله بچشم میخورد: (صورت است که بخواندن مشغول است)

امضاء نقاش، روی کره کوچک و زیر پای شاه دیده میشود که نوشته: (رقم کمترین ابوالحسن نادرالزمان) روی کمریکی از حاضران که لباس زرد پوشیده، دنباله مطلب را نوشته است (صورت تمام پذیرفت)

۸- تصویر پر فخامت و مجلل شاه جهان است که روی تخت سلطنتی جلوس کرده و سفرا و وزرا و رجال و اعیان در کنار وی دیده میشوند. وزیر اعظم که پیر مرد مرشدی است، عمامه سفیدی بسر گذاشته و روی تخت کوچکی بالا رفته و گویا هدایای روز عیدی و یا تحف سلاطین دیگر کشورها را به حضور شاه عرضه میدارد. کیسه های پول و سکه های فراوان بروی سینی ها دیده میشود. نفر اول مقابل شاه ایستاده و مشغول دریافت جایزه تقدیمی است. بالای تخت نوشته (شاه جهان)، پهلوی یکی از رجال درج کرده (شبیه سید مظفر خان) پسر بچه ای که لباس فاخر درباری پوشیده و در حضور ایستاده است ولیعهد شاه جهان میباشد. زیر چهار پایه تخت رقم دارد. (رقم خاندانزاده نادرالزمان مشهدی در سنه ...)

۹- شاهکار دیگری از ابوالحسن در موزه (والتر آرت گالری بالتیمور) است که در این اثر بی عدیل نقاش پر ابتکار، گذشت زمان را فراموش کرده و قیافه سعدی را بمدد حدس ترسیم نموده. که کلیات را بدست گرفته و به جهانگیر شاه هدیه مینماید. شمایل سعدی که پیر مردی تنومند و کوتاه قد ارائه شده در کمال استادی نقش بسته و عمامه سفید و عبای بلند بنفش بتن کرده و کفش سبز رنگ بپا کرده و رقم دارد. (صورت شیخ سعدی شیرازی عمل ابوالحسن)

دیگر میرزا صادق حسینی است که لباس هندی راه راه پوشیده و قلم و کاغذ بدست گرفته است. روی صفحه کاغذ نوشته شده (شبیه میرزا صادق حسینی) نفرات دیگر که رویهمرفته ۹ نفر از مشاهیر شعرای مختلف است، در لباس های ترکان عثمانی و یکی در لباس درویشی و یکی از آنها در شمایل

۳- این تصویر بشماره ۲۲۹ در کتاب MINIATURES PERSANES که بسال ۱۹۱۳ در پاریس چاپ شده منعکس گردیده است در این کتاب بشماره ۲۳۴ اثر نفیس دیگری از این هنرمند چاپ شده که رقم دارد. (عمل کمترین زادن نادرالزمان) در این اثر استادانه و بی نظیر اسامی تمام همراهان شرف حضوری را درج کرده است.

فردوسی دیده میشود. این اثر زیبا که یکی از شاهکارهای شبیه سازی و تخیلی نادرالزمان است یکی از بهترین آثار ارزنده هنرمند بشمار می آید.

۱۰- تصویر کودکی دومین پسر شاه جهان است که نشسته و بروی دامن خود میوه های مختلفی ریخته است، او کلاه پارچهای مخصوصی که از کناره هایش مروارید آویزان است بسر گذاشته و رقم دارد. (رقم بنده با اخلاص نادرالزمان) اندازه $5/3 \times 9/3$ سانتی متر

۱۱- دیگر اثر رقم دار این هنرمند در موزه والتر آلبرت گالری

تصویر پر مهارت و استادانه شاه جهان است که بروی تخت سلطنتی نشسته و دستها را بحالت دعا و احترام رویهم گذاشته و روبرو را نظاره میکند. در چهار نقطه داخل و خارج تخت، این کلمات نوشته شده است:

۱) پادشاه زمانه شاه جهان	۲) حکم او بر خلائق عالم
۲) خرم و شاد و کامران باشد	همچو حکم خدا روان باشد
۳) بهر سال جلوس او گفتم	۴) عمل العبد الحقیق نادرالزمان
تا جهان هست در جهان باشد	ابوالحسن مشهدی شاه جهانی

۱۲- زیبا ترین اثر دیگر نادرالزمان، که به عکس رنگی در شماره ۲۷ PLATE 27 در کتابی بنام: STUDIES IN INDIAN PAINTING که بسال ۱۹۲۶ در بمبئی چاپ شده است.

تصویر کالسکه ای است که بدو گاو بسته شده و بتذهیب استادانه ای مزین شده است. در روی کالسکه، شاهزاده باوقاری با لباس سرخ و کلاه طلائی پرداز قرار گرفته و راننده مخصوص، چوب بدست مشغول هدایت کالسکه است. گاوها یکی برنگ فیلی و دیگری برنگ حنائی قرمز که دارای گردن های کوهانی می باشند تصویر شده و روی شاخها آذین گشته است، در بالای تصویر بخط زیبا چنین نوشته:

گشاده باد بدولت همیشه این درگاه - بحق اشهدان لا اله الا الله

رقم نقاشی بخط رقاع ریز در پشت راننده کالسکه دیده میشود که چنین است: (راقمه ابوالحسن)

۱۳- اثری از این هنرمند در مرقع جهانگیر است که زیبایی تمام آرایش یافته و در نوع خود تحسین انگیز است. در این اثر، جهانگیر شاه روی کره زمین سوار شده و سر ملک عنبر حبشی را نشانه گرفته و تیر دوم را بطرف او رها میسازد.

این کلمات در روی نقاشی نوشته شده است:

خانه بوم شده کله شیرنگ نما

باطن که عدوت را چو خوک است

باطن که عدوت را چو خوک است

از خونش سپرسان تو سیر

از خونش سپرسان تو سیر

الله اکبر

خطا نبود در او چون حکم تقدیر

زمین بوسی پلنگ و شیر بچتر

زمین گشته سبک بر گاو ماهی

تفنگ شاه نورالدین جهانگیر

کنند ار سهم جان سپورش بمردم

زمین مقدم ظل آلهی

روبروی کمان نوشته:

هر گاه که در کمال در آئی

عنبر بوم که از نور گریزان می بود

رنگ از رخ دشمنان ربائی

تیر دشمن فکنت کرد ز عالم بیرون

در زیر ترازوی عدل بخط ریز نوشته:

ز عدل شاه نورالدین جهانگیر مکیده شیر از پستان بر شیر

مطابق عقاید قدما، کره زمین روی شاخ گاوی قرار گرفته و آن نیز روی نهنگ دریا ایستاده است. این موضوع را ابوالحسن در این تصویر به مهارت ارائه داده است. در قسمت فضا نیز دو فرشته زیبا از ابرها بیرون آمده و نیزه و شمشیر خود را بطرف جهانگیر گرفته اند. بغل کره زمین یک دسته فولادی است که در بالای آن، مهر اکبر شاه نقاشی شده که چنین است: در این مهر دایره ای شکل، در وسط نام جهانگیر و در حواشی آن در ۸ دایره کوچکتر، اسامی اجداد وی را ثبت کرده است. نوشته های متن مهر چنین است:

در بالا بخط ریز نوشته است (نه پشت تو تاجور ز یزدان) بعد در مرکز مهر نوشته (نورالدین محمد جهانگیر پادشاه غازی) بعد به ترتیب در دوایر کوچکتر اطراف نوشته شده (ابن اکبر شاه) (ابن همایون پادشاه) (ابن بابر پادشاه) (ابن شیخ عمر میرزا) (ابن سلطان ابو سعید) (ابن سلطان میرزا محمد) (ابن میران شاه) (ابن امیر تیمور صاحب قرآن)

۱۳- اثر رقم دار دیگر، تصویر جهانگیر شاه است که روی چهار پایه ایستاده و کره ای بدست راست گرفته است. جلال کلاه و زیبایی لباسهای سلطنتی و لوازم جنگی، در خور تحسین و تمجید میباشد. در قسمت بالا نوشته شده:

یارب مباد بعد جهانگیر این زمان - ماند ز دهر شاه جهانگیر یادگار

و در روی چهار پایه رقم گذاشته (عمل کمترین مرید زاده با خلاص نادرالزمان).

چون در چند مورد، اسمی از آلبوم جهانگیر بمیان آمده این مختصر توضیحا علاوه میگردد.

در کتاب هائی بنام:

THE LIBRARY OF A. CHESTER BEATTY

A CATALOGUE OF THE INDIAN MINIATURES BY: SIR THOMAS W. ARNOLD,

C.I.E. F. B.A., LITT.D.

REVISED AND EDITED BY: J.V.S. WILKINSON 1936.

که جلد سوم آن مخصوص آلبوم جهانگیر و اکبر نامه است، این مشخصات دیده میشود. آلبوم مزبور توسط جهانگیر پادشاه تهیه شده و شامل نقاشی هائی در سبک مغول - ایرانی - دکنی - اروپائی و هندی و راج پوت میباشد. یکی از آلبوم ها، بنام مرقع گلشن در ایران است و دیگری که تصاویر و خطوط آن از آلبوم اصلی جدا گشته و بصورت پراکنده، در موزه ها و مجموعه های خصوصی قرار گرفته که عبارتند از:

۱- مجلس شکار، توسط شریف سال ۹۹۹ . ۲- خط میر علی سلطانی . ۳- جنگ گاو سوار با شیر شاید اثر فرخ بیک . ۴- تصویر شاهزاده جوان با پیر مرد (خط میر علی) . ۵- تصویر زنی که بچه خود را شیر میدهد . ۶- تصویر حضرت مریم و مسیح، حاشیه عالی و مرغان ریز . ۷- حضرت یوسف خواب خود را بپدرش میگوید، شاید کار گیسو داش (حاشیه حیوانات و مرغان ریز) .

۸- خط میر علی کاتب که از اشعار سروده خود نوشته (حاشیه گل و برگ تحریر) .

۹- خط میر علی واقعا "حاشیه گل و درخت و انسان و حضرت مریم و مسیح" .

۱۰- خط میر علی (حاشیه درخت و کوه) کوردهن (سلطان پرویز و زنش) . ۲. از کوردهن (میگویند شبیه حضرت صاحب قرآن جهانگیر است) . ۳. از کوردهن (سلطان پرویز با رفقا) - بچتر (با رقم بنده درگاه بچتر) که نوشته، کلید فتح دو عالم بدست شست من است (شبیه محمد رضای کشمیری عمل بچتر) تصویر شاه جهان، از بچتر.

اثری از دیلوارت نقاش (که شبیه شیخ دولت که در کجرات لاهور می باشد)

اثری از هونهار (شبهه رستم خان بهادر)
جلد دوم، همانا اکبر نامه است که باختصار از آثار نقاشان در آن کتاب یاد میشود. مادهو - منظره (جشن عالی ترتیب دادن و نشستن حضرت بر تخت سلطنت)
لعل - دواثر از دستگیری ابوالمعالی که در زیر آن بخطر ریز چنین نوشته:
(فرمودن حضرت بسی عظیم شاه ابوالمعالی را راست نشستن او و حاضر ساختن مائده و متوجه شدن شاه ابوالمعالی بدست شستن و از عقب در آمدن تولک خان قوچی و هر دو دست او را از پس بستن - در صفحه بامر خواجه - اسیر شد) شماره ۶۳ از لعل
سنگر - در زیر صفحه نقاشی نوشته شده: (محاربه نمودن میرزا سلیمان با منعم خان که در کابل متحصن بود و جنگ صف برپا کردن منعم خان از بالای قلعه توپ و تفنگ را کار فرموده مظفر و منصور برگشتن) این آثار شیوا اثر نقاشان مغول هندی نیز در اکبرنامه (جلد ۳ کتاب آکسفورد) دیده میشود که باختصار یاد میگردد.

شماره ۱ اثر دهنراج (اکبر در مقابل مادر)
شماره ۶۷ اثر منوهر (اکبر روی فیل سوار شده راه میرود)
شماره ۷۳ اثر کوردن (اکبر بهرام خان را بحضور پذیرفته و ۱۳۹ آمدن سرداران جوق)
شماره ۷۹ اثر سورداس (اکبر سفیر را می پذیرد و ۱۱۱ اکبر به کجرات رسیده)
شماره ۸۱ اثر منوهر (عدهای منتظر سلامتی اکبر هستند)
شماره ۱۰۲ اثر سانوله (علیقلی سایبانی در مقابل اکبر است)
شماره ۹۶ اثر دهر مداس (علیقلی سایبانی در مقابل اکبر بزمین افتاده)
شماره ۱۱۰ اثر دهر مداس (مجلس تبریک تولد مراد)
شماره ۱۱۲ اثر بالچند (قصر در فتح پور)
شماره ۱۳۱ و ۱۳۲ اثر سورداس (جنگ احمد آباد)
شماره ۱۵۳ اثر دهر مداس (منظره فتح بوسيله شهباز خان و دیگر عبو شهباز خان)
شماره ۱۶۰ اثر مکند (بخشش اکبر شاه بخادمین خود)
شماره ۱۵۳ اثر تقی (اکبر سوار فیل شده به پیش میتازد)
شماره ۱۶۷ اثر سنگ (علمای مسیحی در حضور اکبر صحبت میکنند)
شماره ۱۶۹ اثر عنایت (مظفر خان بپا بوسی آمده)
_____ اثر دولت (خشمگین شدن اکبر از مان سنگ و تنبیه او)

ابوالحسن نقاش لال در محمد حسن بیک افشار ارومی آمده

۶۱- ابوزید

طراح و نقاش و کاشی تراش معروف اواخر قرن ۷ ه.ق. است. ابوزید همکار کاشی تراش و کج کار نامی استاد محمد بن ابی طاهر (۶۷۰ ه.ق.) بود و آثارش در مساجد و بقاع متبرکه اصفهان بیادگار میباشد.

۶۲- ابوطالب شیخ

بنوشته میرزا طاهر در گنج شایگان:

((شیخ ابوطالب فرزند شیخ محمد از مشایخ و مجتهدین بود و هفت قلم خط را نیکو مینوشت او در نقاشی و تذهیب نیز دست داشته و بسال ۱۲۵۳ وفات یافته است.))

۶۳- ابوطالب مدرس همدانی

اهل همدان و مدرس علوم دینی بود. تمام خطوط مخصوصاً "نسخ و رقاع را استادانه می نوشت. در نقاشی ابری و قلمدان سازی استاد بود و ابتکارات جالبی نیز در رشته تذهیب و ابری داشت. او اسکلت مقوایی قلمدان را نیز خود می ساخت و بدین جهت قلمدانهای وی از لحاظ زیبایی و استحکام نظیر ندارد.

میرزا ابوطالب امضای خود را اغلب به طلا و خط رقاع مینوشت و حواشی اثر را بزبانی تزیین می نمود. او جلدها و قلمدانها را در سبک ابر و بادی مخصوصی که خود اختراع کرده و بنام قیامت مشهور بوده است تصویر کرده و ارائه علاقمندان می نمود. استاد محمد علی بهار شاعر و مذهب مشهور که در تذهیب استاد کارآمدی بوده، فرزند پیر آوازه این هنرمند است. از آثار رقم دار وی دیده ام:

۱- قلمدان ساده و خوش قواره، با زمینه سبز رنگ پریده و خطوط تزیینی سفید که بخطر رقاع رقم داشت: (ابو طالب مدرس ۱۲۷۹) (در موزه هنرهای تزیینی تهران)
۲- قلمدان ابری فوق العاده زیبا، با رقم ابوطالب مدرس ۱۲۶۰. در دست فروشنده.
۳- قلمدان بسیار زیبای ابری رنگ جگری، در زمینه مرغش آلبالوئی و حنائی که حواشی آن با تشعیر نقطه چینی دندانه‌ای، بشکل گل و برگ تزیین یافته و یکی از بهترین آثار این هنرمند است. این قلمدان زیبا که جزو مجموعه نگارنده است. بخطر رقاع طلائی رقم دارد. ابوطالب المدرس ۱۲۷۱ از این هنرمند بیش از ۲۰ عدد قلمدان و جعبه و جلد رقم دار و بی رقم که اغلب زیبا و در حد خود استادانه بوده اند دیده ام که از تشریح و ارائه یکایک آنها صرف نظر مینمایم. تصویر شماره (۲۱)

۶۴- ابوطالب مقیمی

مرحوم مقیمی فرزند حاج محمد حسین تاجر آذربایجان بود که بسال ۱۲۹۱ شمسی در تهران تولد و نشو و نما یافته است. ابوطالب از دوران کودکی علاقه بخط و نقاشی داشت و روی این علاقه پس از آنکه مقدمات کار و مراحل اولیه هنر را یاد گرفت، برای تکمیل آن وارد مدرسه کمال الملک گردید. مرحوم مقیمی در میناتور سازی بشیوه‌های گوناگون شیرین قلم بود و آثار زیادی از خود بیادگار دارد.

۶۵- ابوطاهر بن محمد حمزه بن الحسن

نقاش و طراح ظروف سفالین و تزئینات کاشی حدود قرن ۷ ه.ق. بود که در کاشان می زیست. از آثار رقم دار وی، بشقاب حنائی زیبایی دیدم که با پیرایش ساده نقاشی شده و بخط کوفی پیرآموز تزیینی آرایش شده بود. رقم نقاش که بخط پیرآموز زیبا نوشته شده بود چنین بود:
(عمل ابوطاهر بن محمد حمزه بن الحسن)

۶۶- ابوالقاسم

نقاش رنگ و روغن کار دوره فتحعلیشاه بود و در شبهه سازی و چهره پردازی دست پر توان داشت. او تصویر زنان را با مهارت میکشید و لوندی و لطافت زنانه نوازندگان مطرب، به دلربائی هر چه

بهتری ارائه میداد.

در اندک آثار باقی مانده وی که حالیه جزو نقاشیهای موزه نگارستان است، قریحه زیبانگاری وی بخوبی جلوهگر مییابد. در این تصاویر، گردی صورت و لبان تنگ شکر شکن و چشمان خمار و ابروان پر پشت و حرکات دست و انگشتان به طنازی پر جلالی تصویر گشته است.

آثار رقم دار وی عبارت است از:

۱- تصویر رنگ روغنی موزه نگارستان بابعاد ۶۹×۱۲۰ سانتی متر که بشماره ۱۹ در کاتالک موزه معرفی شده است. در این اثر طناز، مطربی دایره بدست گرفته و لباس مزین به جواهرات پوشیده و تاج مرصع مرواریدی بسر نهاده و مشغول هنرنمایی است. دستهای حنا بسته نوازنده حالت دلربایی دارد. رقم دارد. (رقم کمترین ابوالقاسم سنه ۱۲۳۷)

۲- تصویر دوم که بشماره ۲۰ و ابعاد ۷۰×۱۱۶ سانتی متر در موزه مزبور قرار دارد، نقاشی رنگ و روغنی دلربایی است که باستادی تصویر شده است. در این اثر رنگ و روغنی، تاج کلاه پره دار و گردنبند زیبای نوازنده که بجواهرات گوناگون آراسته است، جلب نظر میکند. رقاصه زیبا لباس قرمز خوشرنگی پوشیده و ریسهای مروارید از اطراف نمایان مییابد.

دست بندها و نقش بوته جیقه دامن و ارائه سینه باز و دستهای حنا بسته اش، باستادی ترسیم شده و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد. (رقم کمترین ابوالقاسم ۱۲۳۷)

۳- اثر دیگر ابوالقاسم در این موزه که اندازه آن ۴۵×۷۴ سانتی متر مییابد، تصویر سینه عریان همان رقاصه قبلی است که بطرز و حرکات دیگری نشان داده است، منگوله های مرواریدی و آرایش تمام عیار لباس مخصوصش که با انبوهی از جواهرات و منگوله های مرصع آذین گشته تحسین آمیز است. این اثر رقم نقاش نداشته ولی طرز قلم و رنگ آمیزی آن نشان میدهد که از بهترین آثار ابوالقاسم مییابد.

۶۷- ابوالقاسم

نقاش جلد و قلمدان ساز اواخر قرن ۱۳ ه. ق. است. با اینکه بنوشته نقاش، صاحب کارخانه های نیز در این رشته بوده است، بیش از یک اثر معمولی بزمی اثر دیگری از وی ندیده ام. در این اثر رقم دار که تابلوی بزرگ روغنی است، جوانی در وسط نشسته و بخوردن غذا مشغول مییابد در مقابل وی میز بزرگی که پر از اطعمه و اشربه گوناگون است دیده میشود. در اطراف وی دختران جوان بمعاشقه و طرب مشغولند. این اثر بزمی که تا حدودی پر مهارت بوده و با رنگهای زنده و شاد آرایش شده است رقم دارد. (در کارخانه آقا ابوالقاسم سنه ۱۲۷۲)

۶۸- ابوالقاسم بن احمد

از احوال خصوصی این هنرمند اطلاع زیادی نداریم، فقط در سنوات حدود ۱۲۹۰، بهمراه اسمعیل جلایر، جزو شاگردان اول نقاشی مدرسه دارالفنون بوده است.

۶۹- ابوالقاسم انجدانی فراهانی

اهل فراهان بود و در تذهیب نقش و گل و مرغ دست داشت. از آثار او دیده ام:

۱- قلمدان تذهیبی زیبا با زمینه قرمز بود که در رویه آن گل و مرغ طلائی و حل کاری افشان تصویر کرده و رقم داشت. رقم حقیر فانی. ابوالقاسم انجدانی فراهانی ۱۳۱۲ مضبوط در موزه هنرهای تزیینی تهران.

۷۰- ابوالقاسم

نقاش و مذهب دیگری، غیر از ابوالقاسم اصفهانی مذهب باشی بود. از آثار این نقاش دیده ام:

۱- قلمدان ساده گل و مرغی بود که در حواشی تذهیب زیبایی داشت. در میان حواشی طلائی و تذهیب کناره آن، گل سرخ ریزی نقاشی شده و رقم داشت. (رقم کمترین اقل السادات ابوالقاسم الحسینی ۱۲۹۷)

۲- دیگر اثر این هنرمند، قلمدان گل و مرغی بود که با حلاوت و استادی نقاشی شده و رقم داشت: (ابوالقاسم الحسینی ۱۲۵۷)

۷۱- ابوالقاسم الحسینی الاصفهانی

بغیر از ابوالقاسم حسینی موسوی اصفهانی، نقاش و مذهب باشی اصفهانی است که احوال آن در جای خود خواهد آمد. این هنرمند نیز از سادات حسینی اصفهان بود و در نقاشی روغنی (لاکی) دست داشت. او نقاش پرکاری بود که اغلب آثار وی را بروی قلمدان - قاب آینه - قاب عکس - میز تحریر - جلد - سپر - حتی کاسه و بشقاب و سایر اشیاء تزیینی نیز مشاهده کرده ایم. آثار رقم دار او را دیده ام:

۱- در تنها اثریکه خود را حسینی اصفهانی خوانده، جلد گل و مرغی قرآن مجید بود که در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۸۱ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید. در این اثر پرکار، تمام جلد به گل و مرغ آراسته گشته بخط طلائی شکسته، رقم داشت (ابوالقاسم الحسینی اصفهانی سنه ۱۳۰۴) با اندازه $۱۵ \times ۸ \times ۱۳$ سانتی متر

۲- قاب عکس گل و مرغی شیرین و زیبا با رقم (عمل ابوالقاسم اصفهانی)

۳- دو قاب عکس گل و مرغ متوسط، بخط نسخ رقم داشت: (ابوالقاسم اصفهانی ۱۳۱۸)

۴- میز خوب، با تصاویر گل و مرغ که برای ناصرالدین شاه ساخته شده و رقم داشت: (رقم میرزا ابوالقاسم اصفهانی)

۵- دو جعبه بزرگ با گل و مرغ زیبا و درشت، رقم داشت: (عمل کمترین ابوالقاسم اصفهانی سنه ۱۳۲۰)

۶- گل و بوته ممتاز و دلنواز که برای ناصرالدین شاه ساخته بود، با رقم (رقم میرزا ابوالقاسم اصفهانی)

۷۲- ابوالقاسم الحسینی الموسوی الاصفهانی - ملقب به میرزا کوچک

از سادات جلیل القدر اصفهان بود و در خط شکسته و تعلیق استاد و در تذهیب و تصویر از نوادر دوران فتحعلیشاه و بلقب مذهب باشی مفتخر بوده است.

این استاد، در تمام مراحل طلا کاری نازک قلم بود و در ارائه نقوش زیبا پر هنر بود. از شاگردان معروف وی، میرزا محمد تقی مذهب اصفهانی است که بنفسه از استادان ممتاز تذهیب دوره خود بوده است. از آثار او دیده ام:

۱- اثر خط و حلاوت و استادی تذهیب وی را در فرمانی دیده ام که تمام متن و حواشی آن و کناره مهر پادشاه را در نهایت استادی تذهیب کرده و بخط خود امضاء کرده است. این فرمان، مربوط به سید حسین صفاهانی متخلص به مجمر بود که بلقب مجتهد الشعرائی مفتخر گشته بود. (۱) در قسمت

۱- صورت فرمان مجتهد الشعرائی آقا سید حسین مجمر، از منشآت معتمدالدوله نشاط اصفهانی بوده و در صفحه ۴۸۲ مجله آرمغان سال دوازدهم شماره ۷، ارائه شده است.

بالای فرمان، مهر فتحعلیشاه جلوه خاصی داشته و در قسمت پائینی و زیر تذهیب سمت راست بخط تعلیق فوق العاده زیبا رقم داشت. (مذهب سرکار دیوان اشرف خاقانی ابوالقاسم الحسینی الموسوی الاصفهانی ۱۲۲۳) مجموعه مهندس خلیلی.

۲- اثر دیگر هنرمند، جلد مقوائی روغنی طلائی با حواشی متن زرک که به طرح کتیبه‌ای و برگ انگوری تذهیب شده و در آخر صفحه بعد از رقم خطاط که تاریخ ۱۲۲۲ را داشت، بخط زیبای سفیدایی نوشته بود (حسب الامر الاشرف الاعلی مطاع بزیور لفظ و معنی کلام اله مجید صورت تزیین و اتمام یافت) (ذهبه اقل السادات ابوالقاسم الحسینی اصفهانی)

۳- محمد تقی مذهب باشی در یکی از آثار خود که نقل یکی از آثار استاد می‌باشد، هنر او را ستوده و چنین نوشته است.

(نقل من عمل الاستاد الاجل الاکرم سید ابوالقاسم مذهب باشی)

۷۳- ابوالقاسم مذهب باشی شیرازی - میرزا ابوالقاسم

مذهب باشی پر آوازه شهر شیراز بود و در تذهیب و حل کاری قلم پر هنر داشت. از آثار رقم دار و نفیس وی، جلد مذهب و ادعیه خوش خط سراپا طلائی دیدم که رویه آن بطرز پر مهارتی تذهیب شده و داخل آن نیز با شمشه و بوته اندازی و جدول کمند کشی طلائی محصور گشته بود. داخل جزوه که آیتی از زیبایی بود، شروع صفحات اول و دوم مرصع و مذهب و طلا اندازی نفیس داشت. حواشی کتیبه، برنگ لاجوردی پر نقشی زمینه سازی شده و با تذهیب و کمند زرین آرایش شده بود.

این ادعیه علاوه بر خط زیبا و استادانه‌ای که داشت، متن و حواشی تمام صفحات بطرز بارزی تذهیب و ترصیع گشته، سر لوحها و خواص صور نیز تحریر طلائی شده بود.

این اثر که در نوع خود شاهکار مذهب باشی شیرازی بود، در داخل یکی از ترنج‌های صفحات اول رقم (ابوالقاسم) داشت.

در آخر جزوه، رضی صنیع همایون که خود از مشاهیر تذهیب زمان بشمار میرفت، بخط خود نوشته بود: «این تذهیب، از کارهای ممتاز میرزا ابوالقاسم مذهب باشی است که از تعریف مستغنی است و من قیمت و ارزش برای او نمی‌توانم تعیین بکنم» رضی مذهب

و بعد زیر نوشته را مهر زده که سجع مهری، چنین بود (صنیع همایون ۱۳۱۴) مجموعه مهندس ناصر خلیلی

۷۴- ابوالقاسم مذهب یزدی - سید ابوالقاسم

یزدی بود و در تذهیب دست قوی داشت. این هنرمند با اینکه در هنر حل کاری و آرایش طلائی شیرین قلم بود، چهره را نیز خوب می‌ساخت و پرداز را نیکو می‌زد. از آثار باقی مانده وی که از نزدیک دیده‌ام - شامیل مولای متقیان علی علیه السلام بآب و رنگ بود که باستادی تصویر کرده و حواشی آنرا با دقت پر و سواسی تذهیب کرده و رقم داشت. (سید ابوالقاسم مذهب یزدی)

۷۵- ابوالقاسم ابن میرزا محمد - مینا ساز

فرزند میرزا محمد و از نقاشان شیرین قلم و مینا کار قرن ۱۳ هجری است. از بهترین آثار ارزنده این هنرمند که در موزه نگارستان مضبوط است:

کوزه قلیان مینائی قشنگی است که بطلا و نقره تهیه شده و تصاویر پر حلاوتی بروی آن نقش بسته است. در قسمت گردی شکم کوزه قلیان و در داخل چهار مدالیون مختلف، تصاویری ارائه شده که در

نوع خود بسیار شیوا می‌باشند. در مدالیون اول، نقش سه دختر زیبا با لباس و آرایش و حالات مختلف مجسم شده و در آن یکی نقش پیر مردی است که با حسرت بسیار بدختر جوان نظاره میکند و در مدالیون سومی، دو نفر مشغول نواختن فلوت و ماندلین هستند و در مدالیون چهارم، مرد جوانی است که یکی از دختران را بغل گرفته و مشغول بوسیدن است.

در زمینه طلائی بالای کوزه قلیان، گل و مرغ پراکنده و رنگارنگی نقاشی شده که بسیار دلچسب است، در قسمت پائینی نیز که بسان گردن بطری جلوه‌گر است، در چهار مدالیون گوناگون، اشکالی نقش بسته که عبارتند از:

در مدالیون اول، تصویر ملکه ایست که تاج مرصع بسر نهاده و در دومی، دختری با کلاه عمامه ایست که گلدانی بدست دارد. در مدالیون سوم، دختر نشسته زیبایی است که گل بدست گرفته، در مدالیون چهارم، تصویر مرد جوانی است که سر قلیان را حمل میکند و زمینه پائینی کوزه قلیان نیز بسیاق تزئینات بالا طلائی و تصاویری از گل و مرغ می‌باشد. رقم داشت. (ابن میرزا محمد ابوالقاسم)

۲- دومین اثر مینائی این هنرمند که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید، سر قلیان مینائی قشنگی بود که در وسط مدالیون بزرگ آن تصویر زن و مردی بود که بنواختن تار و فلوت مشغولند، حواشی سر قلیان نیز به تزئینات گل و مرغی آراسته شده و رقم داشت. (ابوالقاسم)

۷۶- ابوالمعصوم میرزا

بنقل از کتاب گلستان هنر:

((خالوزاده نواب سلطان محمد پادشاه است.

ولد سلطان موصولو است در تصویر دست داشته و در طراحی قرینه ندارد، همیشه اوقات او صرف هنر می‌گردد. در نقاشی و وصالی و نقالی - فصالی و افشانگری و صحافی و مقوا سازی و حکاکی و خوان تراشی و قاشق تراشی و لاجورد شوئی و سند روس تراشی و دیگر صنایع عدیل و نظیر ندارد. او در سنه ۱۰۵۵ در قم رحلت نمود و در آستانه منوره مدفون است.))

۷۷- ابو محمد

نقاش و مجلد او آخر زندیه و اوایل قاجاریه بود.

از یگانه اثر رقم دار وی که دیده‌ام، جلد کتاب گلستان سعدی مندرسی بود که احتیاج مبرمی به تعمیر داشت. در این اثر دلربا که زمینه آن مرغش آلبالوئی قشنگ بود، تصاویر گل و بلبل و پیچک‌های ریز طلائی باستادی نقاشی شده و رقم داشت. (عمل ابو محمد سنه ۱۲۰۱)

۷۸- ابونصر عراقی

بروایت کتاب (چهار مقاله عروضی)

اولین نقاش شبیه ساز ایرانی بود که تصویر ابن سینا را کشیده و در اثر مهارت نقاش، بوعلی سینا شناخته شده گرفتار آمده است. قصه این تصویر باختصار از کتاب مزبور چنین می‌باشد.

((بفرمود تا صورت ابوعلی بر کاغذ نگاشت - و نقاشان را بخواند تا بر آن مثال چهل صورت نگاشتند و با مناشیر باطراف فرستادند و از اصحاب اطراف درخواست که مردی است بدین صورت و او را بوعلی سینا گویند طلب کنند و او را بمن فرستند))

شرح مفصل این قضیه در تاریخ نگارستان احمد بن قاضی کاشانی نیز یاد شده و چنین آمده است.

ابوموسی - فرزند عمار و از مذهبان شیرین قلم قرن دوم ه. ق. است.

((سلطان محمود شنید، در خوارزم نزد مامون خوارزمشاهی عده‌ای از حکما از جمله ابن سینا مجتمع گشته‌اند، سلطان محمد بطلب ابن سینا امر کرد که در روز موعود پیش او بیاید ولی او بعلت گرفتاری نتوانست در بارگاه سلطان حاضر شود، در این وقت بنوشته کتاب .

(از ابونصر که بقدر کافی از علم تصویر خبیر بود صورت ابن سینا را خواسته و مصوران آنرا تکثیر نموده و ملازمان سلطان او را به اطراف و جوانب بردند و بمردم هشیار سپردند که چون بدین هیئت شخصی ببینند آنرا گرفته بدرگاه رسانند .)

عاقبت بو علی سینا در خفا بگراگان آمده مشغول طبابت شد و شهرت او به قابوس والی آنجا رسید و قابوس فرزند مریض داشت که از علاج آن عاجز بودند، او پی ابن سینا فرستاد، پس از آنکه بو علی آمد و تشخیص مرض را درد عشق دانست گفت علاج این درد منحصر به وصال فلانه است، چون ابن سخن بقابوس بردند حیرت کرده او را به مجلس خود طلبید، چون او را دید از دور بشناخت چه از آن صورتهای ترسیمی ابونصر یکی نیز باو ارسال شده بود. فریاد بر آورد که تو ابن سینا نیستی؟ مطلب برملا گردید.

از آثار ابن هنرمند که عکس آن در صفحه ۲۷ کتاب گلستان هنر (به اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری) چاپ شده جام مفرغی زیبایی است که در نوع خود بسیار زیبا و منحصر بفرد می باشد.

۷۹- احد الحسینی بن عبدالله - شمشیر ساز

فرزند عبدالله و نگارگر فلزات و شمشیر ساز پر مهارت اوایل قرن ۱۳ هجری است .
از آثار رقم دار ابن هنرمند، قمه زیبا و استادانه‌ای در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که رقم داشت . (ابن عبدالله احد الحسینی)

۸۰- احمد

نقاش قلمدان ساز گمنامی، بغیر از احمد ابن آقاجف است .
یگانه قلمدان رقم داری که از این نقاش دیده‌ام، قلمدان جنگی پر نقش و نگاری بود که به رنگهای زنده و حالت استثنائی نقاشی شده و در نوع خود منحصر بود- قیافه افراد رزمی و حالت سوار کاران تا حدودی شبیه شیوه آقا ابراهیم بود و رقم داشت . (یسمی من بعد اسم احمد تاریخ ۱۲۷۰)
مجموعه مهندس ناصر خلیلی

۸۱- احمد

نقاش شیرین قلم و استاد پر مهارت اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ ایران است. از زندگی و خصوصیات خانوادگی وی کوچکترین اطلاعی بدست نداریم، ولی با مشاهده آثار بجا مانده‌اش در می‌یابیم که ابن هنرمند توانا در چهره پردازی و شبیه سازی و بکار برد رنگها و ارائه پرندگان و مجالس مختلف بزمی دست پر توان داشته و در هنر نگارگری شهره زمان خود بوده است .
ابن هنرمند، در زیبا نگاری و پرداخت رنگها بسان نقاشان زیر دست اروپائی صورتهای را چنان ساخته که گوئی تصویر زنده ایست که ساکت و حیران بروی قلمدان نقش بسته است .

در پرداز و آرایش مجالس، مخصوصاً " تذهیب و طلا کاری نیز پر استعداد و قابل تحسین بود، او امضای خود را باسج (فخر انبیا احمد) رقم میزد و به نستعلیق نیکو مینوشت . از آثار رقم دار وی دیده‌ام:
۱- قلمدان تصویری ممتازی بود که چندین صورت زیبای زن و مرد بروی آن نقش بسته بود . در وسط

قلمدان و در داخل یک کادر بیضی شکل، صورت زن لوند و طنازی که بعیار فرنگی‌ها لباس پوشیده و آرایش نموده بود جلب نظر میکرد . زن جوان کودکی به بغل گرفته و رشته‌های مروارید را به زلفهای خود آویزان میکرد . کناره وی، چند دختر جوان و یک پیر مرد که کلاه قرمزی بسر داشت، ناظر صحنه بود . در کناره‌های این تصویر و در داخل دو بیضی کوچکتر، تصاویر دیگری از دختران و زنان زیبا و جذاب فرنگی بود که باستادی نقاشی شده و واقعا " قابل تحسین بود .

در دماغه بالا و نشیمن پائینی قلمدان، تصاویر دل پسندی بهمین عیار نقش بسته و در حواشی نیز، منظره بزم و سماع درویشان و تصاویری از شیخ صنعان و دختر ترسا و مناظر دل انگیز رویائی و تذهیب و طلا کاری استادانه بود که ستودن داشت. رقم نقاش، بخط زیبای نستعلیق در رویه قلم دان چنین بود . (فخر انبیا احمد ۱۳۱۷)

۲- قلمدان دیگری که بهمین اندازه و همان فرم و بهمین استادی نقاشی شده، قلمدان بزمی پر حلاوتی است که در رویه آن، مجلس سماع و عیش و عشرت نوازندگان زن و تار و دنبک است که به نیکوترین حالتی مجسم گشته است . در کناره مجلس بزمی، تصاویر پر نقش و نگار و پرندگانی از قبیل طوطی و پرستو و کبوتر و بلدرچین ارائه شده که روی شاخه‌های شکوفه نشسته و بجست و خیز مشغول میباشند . طرفین و کناره قلمدان نیز تصاویری از مجالس متنوع عشق و طرب و پرندگان زیبا و مناظر دلفریب و تذهیب و طلاکاری روشن ارائه شده که معرف زبردستی و شیرین قلمی استاد می باشد . مجموعه خصوصی ۲

۳- دیگر اثر استاد احمد، قلمدان جذاب گل و مرغی بود که با تذهیب پر قدرتی آرایش شده و قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا نیز به نیکوترین حالتی عریان گشته بود . متأسفانه بعضی نقوش رویه و کناره قلمدان از بین رفته و احتیاج به تعمیر داشت و رقم نقاش بخط طلائی نستعلیق چنین بود . (فخر انبیا احمد ۱۳۱۴)

۴- قلمدان زیبایی دیگری با همان تصاویر و جذابیت و البسه فرنگی و گل‌های متنوع رنگی که بهمین مهارت و کاردانی نقاشی شده و تذهیب گشته بود رقم داشت، بخط نستعلیق زیبا (فخر انبیا احمد ۱۳۱۷) مجموعه خصوصی ۱

احمد هم دوره بهزاد در شیخ احمد آمده

۸۲- احمد

مینا ساز اواسط قرن ۱۳ ه.ق . ایرانی مقیم هند بود که در ترسیم گل و مرغی دست داشت .
از آثار رقم دار این مینا ساز، دسته خنجر و غلاف مینائی در زمینه سفید بود که در رویه آن گل‌های تزیینی یک دست و خوش فرمی مینا شده و در وسط ترنجی، بخط رقاع رقم داشت . احمد سنه ۱۲۳۵ در این موزه، غلاف شمشیر دیگری نیز بهمین سیاق و آرایش گوناگون نقاشی شده و بخط رقاع رقم محمود را داشت. از طرز کار و شیوه مینائی این دواثر، چنین بر می‌آید که این دو هنرمند برادر بوده و در هند می‌زیست‌ه‌اند .

۸۳- احمد (قلمدان ساز دوره فتحعلیشاهی)

از نقاشان آبرنگ ساز دوره فتحعلیشاه قاجار بود و در شعر و خط نیز دست داشت. استاد احمد در چهره سازی و منظره پردازی و ارائه مجالس بزمی و رزمی قوی دست بود و خط نستعلیق را نیز نیکو مینوشت . از آثار رقم دار وی دیده‌ام :

۱- قلمدان جنگی دشت چالدران بود که سپاهیان دو طرف را به استادی و عظمت تمام نشان داده بود. در وسط رویه قلمدان، شاه اسماعیل با هیئت مردانه، سوار بر اسب ارائه شده و یکی از سرداران عثمانی را از پا در آورده است. حواشی قلمدان نیز مناظر متنوع شکار و صحنه‌های خونین نبرد بود که باستادی تمام تصویر گشته و رقم داشت. (احمد ۱۲۱۱)

۲- قلمدان دیگر استاد که جماعتی از فقها و صوفیان را آراسته بود. در حواشی، گل و مرغ زیبا و مناظر دل‌پسند بود و بخط طلائی نستعلیق رقم داشت. (کمترین احمد ۱۲۲۵)

۳- سومین اثر رقم‌دار هنرمند، جلد روغنی نفیس کتابی موجود در کتابخانه گلستان ایران است که مجلس شعرا را تصویر کرده است. در این اثر تخیلی، فردوسی در وسط صحنه قرار گرفته و شعرای نامی از قبیل کمال اسماعیل و سعدی و نظامی و غیره که هر یک جزوه‌ای بدست گرفته و گویا مشاعره می‌نمایند در اطراف او نشسته‌اند.

در بیرون صحنه و کنار پنجره، دو درویش جوان ایستاده و در حواشی جلد، بخط نستعلیق زیبا ابیاتی درج شده که چنین است:

تاریخ روزگار، نگارش چو خواست شاه کش روزگار دولت جاوید باد
افکنده سر، به محفلشان زد صبا رقم زبینه مجلس شعرای بزرگوار

(رقم داشت احمد ۱۲۳۱)

۴- از آثار آبرنگی نقاش، تصاویر فتحعلیشاه و محمد شاه در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان ایران است که سوار بر اسب بوده و بشکار مشغول می‌باشند.

۵- آبرنگ دیگر این مرقع، تصویر محمد شاه در لباس سلطنتی است که رقم نقاش را داشته و بسیار شبیه و استادانه می‌باشد.

۶- دیگر اثر زیبا و ارزنده این هنرمند، جلد پربها و استادانه مرقعی بود که در حراج پاریس بفروش رسید. کاتالک رنگی از این حراج در دست داریم که اغلب کار استادان نامی ایرانی و هندی را به‌همراه دارد. در رویه این جلد، تصاویری از شعرای نامی ایرانی باستادی درج شده که در حالت مشاعره دیده میشوند و رقم دارد.

رقم به صفحه به فرمان شاه گیتی زد غلامزاده شاهنشاه جهان، احمد

(بتاریخ بیستم شهر - شوال الملکرم ۱۲۳۷)

۸۴- احمد (نقاش فتحعلیشاهی - رنگ و روغن کار)

نقاش زبر دست و پرکار رنگ و روغنی دوره فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود، از آثار بجا مانده وی چنین معلوم است که این هنرمند در شبیه سازی و چهره پردازی و انتخاب رنگها و مجالس رزمی و بزمی، چابک‌دست و در ارائه ریزه کاریها و اجزاء آن، وسواس بخصوصی داشته است.

رقم نقاش بخط زیبای نستعلیق کشیده و خوش تراش کتابت شده و معلوم مینمود که در خط نستعلیق نیز دست داشته است.

از آثار گرانب قدر و ارزشمندی که از این هنرمند بدست آمده، گویا نقاش درباری بوده و موضوعات انتخابی خود را از بین تصاویر سلاطین و مجالس رزمی و بزمی مربوط بآنها انتخاب کرده است. آثار رقم‌دار معروف وی عبارت است از:

۱- صورت رقاصه زیبای زنگوله بدست که مشغول هنرنمایی است. این اثر در صفحه ۱۲۱ کتاب نقاشی لنین گراد روسی چاپ شده که معرف استادی نقاش می‌باشد. در این اثر، رقاصه فتان سینه بند طلائی بسته و دامن پارچه‌ای گل درشت بتن کرده و دو آویز بلند سرخ رنگ که یکی را بدست گرفته

و دیگری در حال افتادن است به استادی تصویر شده است.

کفشهای مرواریدی بازیگر رقاص و پرده‌های قرمز رنگ پنجره اطاق بسیار جالب و ستودنی می‌باشد. رقم نقاش بخط سفید نستعلیق چنین است: (رقم کمترین احمد ۱۲۳۱)

۲- صورت فتحعلی شاه قاجار، نشسته بروی صندلی و اندازه ۱۲۶ × ۲۴۰ سانتی‌متر، موجود در گالری کل‌ناقی لندن. در این نقاشی گرانبها، فتحعلیشاه با کلاه و لباس رزمی و گرز بدست، روی صندلی مرصعی نشسته و شمشیر و خنجر بکمر بسته و سپر بیغل گرفته است. تمام اجزاء نقاشی یعنی صندلی و لباس و ادوات رزمی، کلاه، بجواهرات و سنگهای قیمتی آرایش یافته و بسیار با شکوه و مجلل می‌باشد. اجرای قوانین پرسپکتیو در صندلی مرصع شاه غلط ارائه شده و معلوم میدارد، نقاش از این هنر بی‌بهره بوده است. در زمینه آبی بالا نوشته، السلطان فتحعلی شاه قاجار. در زیر گوشه پائینی سمت راست بخط تیره نستعلیق رقم دارد. (رقم کمترین غلام احمد در سنه ۱۲۳۰)

۳- اثر دیگر احمد که در یکی از شاه نشین‌های موزه گلستان بنمایش است، تابلوی با عظمت رنگ و روغنی جنگ غوریان است که محمد شاه سوار بر اسب شده و صدر اعظم و شاهزادگان و رجال و فرماندهان در اطراف او جمع شده‌اند. این اثر زیبا که میدان رزم آن دوره را نشان میدهد، مهارت نقاش را در ارائه مجالس رزمی آشکار ساخته و شایسته تحسین می‌باشد.

این اثر که بسال ۱۲۶۰ ه. ق. انجام یافته رقم احمد را دارد.

(تمثال شهنشه جهانست - هنگامه جنگ غوریان است)

۴- تصویر رقاصه‌ای زیبا و ابعاد تقریبی ۱۱۰ × ۱۴۰ سانتی‌متر که احتیاج به تعمیر داشت، با رقم (کمترین احمد ۱۲۳۸)

۵- تصویر محمد شاه در هیبت پادشاهی و غرق جواهرات گوناگون که صندلی مزین و مرصع را در کنار داشت، با رقم نستعلیق. (غلام کمترین احمد ۱۲۶۰)

۶- در موزه هنرهای تزئینی تهران، نقاشی رنگ و روغنی زن طناز و نوازنده‌ای است که به زدن سه‌تار مشغول می‌باشد. رقم دارد بخط نستعلیق. (رقم کمترین احمد ۱۲) که شاید، حدود سالهای ۱۲۳۰ باشد.

۷- تصویر فتحعلیشاه در سفارت انگلیس تهران که بکشیدن قلیان مشغول است رقم دارد.

(رقم کمترین احمد ۱۲۳۸)

۸- نقاشی نیم تنه رنگ و روغنی محمد شاه، با ابعاد تقریبی ۷۰ × ۹۰ سانتی‌متر که کلاه مشکی نوک تیزی بسر گذاشته. در رویه آن، نشان مرصع و آراسته‌ای جلب نظر میکند. ریش و سبیل شاه تویی و صورت وی گرد است، لباس و پاگون‌ها و حمایل، همه مرصع و جواهر نشان بوده و رقم دارد. (رقم کمترین احمد ۱۲۶) که همان ۱۲۶۰ می‌باشد.

۸۵- احمد (سیدی احمد نقاش)

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا در مورد سیدی احمد نقاش چنین می‌نویسد:

((بایسنقر، سیدی احمد نقاش را از تبریز آورده بود که بر اسلوب مرغوب جنگ سلطان احمد بغداد بهمان قطع و مسطر و مواضع تصویر بعین‌ها کتاب ترتیب دهد و کتابت آنها بعهد مولانا فرید الدین جعفر باشد و ترتیب جلد بندی آنرا نیز بدست قوام الدین مجلد تبریزی سپرد))

۸۶- احمد (نقاش شیرازی)

بروایتی اهل شیراز بود که در تصویر گری و ارائه مجالس بزمی و رزمی دستی پر هنر داشت. او

گل و مرغ را نیکو میکشید و در انتخاب رنگ و بکار برد آن توانا بود.
از آثار او دیده‌ام:

- ۱- قاب آینه هشت گوش بسیار زیبایی بود که رویه آن تصویر گل و مرغ درشت داشت. داخل آن، تصویری از شیخ صنعان و دختر ترسا بود که با ندیمان و همراهان خود بگفت و شنود مشغول بودند، در قسمت بالا و در زمینه تیره‌ای آن بخاروشن رقم داشت. (رقم کمترین احمد ۱۲۷۲)
- ۲- دیگر اثر رقم‌دار هنرمند، تصاویر جلد ممتاز و بی‌نظیر کتاب الف لیل است که در مجموعه کتابخانه گلستان می‌باشد. در این یادگار گرانبها، میرزا احمد با دوبیت شعر نام خود را در ذیل جلد به ترتیب زیر ارائه داده است.

رقم جلد اول: (هم از مانوی خامه احمد آمد بجلدش ریاحین مینو مصور)

رقم جلد دوم: (هم از خامه میرزا احمد آمد بجلدش ریاحین جنت مصور)

- ۳- از تنها قلمدان رقم‌دار این هنرمند که دیده‌ام، قلمدان لولائی و زنجیره‌ای بسیار عالی در موزه ایران باستان است که در عیار و سبک قدیمی زمان صفویه تصویر شده و از هر حیث زیبا و دلربا می‌باشد. حواشی قلمدان در زمینه مرغش لکه ابری سیاه و قرمز و زرد بود و در اطراف آن گل‌های دلپسند و متنوعی ترسیم کرده بود.

در رویه قلمدان نبرد محمد شاه در هرات بود که بنظر نگارنده یکی از شاهکارهای هنری این نقاش می‌باشد. در این صحنه پر جلال، محمد شاه بروی آب ایستاده و میدان جنگ را نظاره میکند.

فرمانده سپاه که رزم آور جوانی است، بالباس طلائی و کلاه مخصوص در مقابل شاه قرار گرفته و منتظر فرمان است. در کناره و حوالی، فرماندهان و سربازان و سواران ایرانی که همه به لباس و لوازم جنگی مجهزند، بنظم و آرایش جنگی گوش بفرمان ایستاده‌اند. رده توپها و خیل اسبان، منظره پر ابهتی دارد. رقم دارد. (رقم کمترین احمد ۱۲۵۶)

۴- قاب آینه دیگر این هنرمند که در حراج ساتبی آپریل ۱۹۸۲ بفروش رسید، قاب آینه شیرین و دلنوازی بود که در رویه آن داستان قدیمی شیرین در حمام به استادی تصویر شده و رقم داشت.

(رقم کمترین احمد ۱۲۷۶) تصویر شماره

۸۷- احمد

نگارگر نقاش بروی فلزات بود. تنها اثر رقم‌دار این استاد را که از نزدیک دیده‌ام، رویه ساعت فولادی طلائی بود که داخل شش ترنج زیبا، اسامی ائمه اطهار علیه السلام، بخط ثلث استادانه‌ای تراش شده و بمهارت پرداخت گشته بود.

رقم هنرمند در ذیل صفحه ساعت چنین بود: (بنده شاه ولایت احمد ۱۱۲۴)

۸۸- احمد بن ابی نصر - مذهب

احمد بن ابی نصر بن العمرین عتیق از مذهبان اوایل قرن ۷ هجری بود. از آثار رقم‌دار این استاد، تذهیب تفسیر قرآنی بخط اسعد بن محمد بن ابی الحسین یزدی است که بسال ۶۰۶ کتابت شده و مضبوط در کتابخانه گلستان می‌باشد. رقم مذهب که بجداول طلائی نیز آرایش شده، در آخر کتاب چنین است: (فرغ من تذهیب هذا المصحف و تنقیشه ضحوه یوم السبت العاشر من شهر الله الاصم رجب من سنه ثمان و ستمائه العبد المذنب الراجی الی رحمہ الہ و غفرانہ)

احمد بن ابی نصر بن الغمر عتیق - حامدا لله تبارک و تعالی

مصلیا علی نبیه غفرالہ لمن نظر فیہ و استغفراللہ لصاحبه وکاتبه و مذهبہ

۸۹- احمد (ابن آقا نجف علی نقاشباشی اصفهانی)

زاده شهر اصفهان و فرزند هنرمند استاد آقا نجفعلی نقاشباشی اصفهانی است. آقا احمد از دوران صباوت در خدمت پدر به فراگیری فنون تصویر سازی آشنا گشته و بمدد استعداد و فعالیت ذاتی خود ریزه‌کاریها و افسونهای ناشناخته نقاشی را دریافته و در هنر خود کامیاب گشته است.

او در گل و مرغ و تزیین مجالس مختلف پر آوازه بوده و در شبیه سازی و چهره پردازی و حتی تذهیب و حل کاری و مینا سازی و پخت آن نیز استادی توانا بوده است. در ارقام بجا مانده ذیل آثارش، با درج نام پدر بشاگردی و قرابت وی مفتخر بوده است.
از آثار فراوان وی دیده‌ام:

- ۱- قلمدان بسیار زیبا که بشیوه میرک و در زمینه مشکی کار کرده و حواشی تصاویر را بطلا اصلاح کرده است. این قلمدان که تصاویر آن برنگ حنائی قرمز ترسیم شده یکی از شاهکارهای استاد می‌باشد. جوانب و حواشی قلمدان نیز به انواع ریاحین و پروانه آراسته گشته و در زیر و داخل آن، گل‌های افشان انگوری زیبا مجسم شده بخط طلائی ریز رقم داشت.

(حسب الامر حضرت اشرف ارفع والا حشمت الدوله امیر جنگ روحی فداه ۱۲۸۵)

(بنده درگاه احمد بن نجفعلی)

- ۲- اثر آبرنگی استاد، صورت نیم تنه ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه در کادر بیضی شکلی بود که با کلاه ناصری و کت مخصوص نظامی نقاشی شده و به چهار گوشه‌های آن، گل‌های زیبای سرخ علاوه گشته بود. صورت ظل السلطان پرداز پر مهارت داشت و فوق العاده شبیه بود و رقم داشت.

(رقم دعاگوی غلام درگاه احمد بن نجفعلی ۱۳۰۳)

- ۳- اثر مینائی هنرمند، سرقلیان شیوا و استادانه‌ای بود که در زمینه سفید، گل و مرغ آراسته داشت و رقم نقاش چنین بود:

(احمد بن نجفعلی)

- ۴- قدیمیترین اثر تاریخ‌دار نقاش، قلمدان گل و مرغ زیبا بود که حواشی گل‌های تزیینی داشت و رقم نقاش چنین بود:

(احمد بن نجفعلی ۱۲۷۹)

- ۵- دیگر اثر مینائی استاد احمد، سرقلیان زیبایی در زمینه طلائی بود که در داخل چهار ترنج گوناگون، تصاویری از مہر و بان فرنگی شراب بدست‌ارائه شده و حواشی کناره دهانه سرقلیان نیز به گل و مرغ و سایر شکوفه‌ها آراسته گشته بود و رقم داشت. (احمد بن نجف علی ۱۲۸۸) تصویر شماره

۶- قلیان مینائی زیبا و نفیس بود که رقم احمد بن نجفعلی داشت و نوشته بود.

(قلیان تزیین شد و تصویر شد برای سرهنگ محمد صادق خان)

- ۷- آخرین اثر رقم‌دار زیبایی که از این هنرمند دیده‌ام، قلمدان زمینه ساده‌ای بود که در وسط آن آهوی زیبایی نقاشی شده و حواشی قلمدان گل و مرغ شایسته بود و رقم داشت: (احمد بن نجفعلی ۱۳۰۵) مضبوط در مجموعه شماره ۱

۹۰- احمد (پادشاه)

در آلبوم فاتح ترکیه، تصویری وجود دارد که کار احمد پادشاه بوده این اثر زیبا، طراحی سراسی بود که بمهارت ترسیم شده و رقم آن بخط طفرائی چنین بود.

(اسب جهان گیر من کون و مکان را گرفت)

(کار احمد پادشاه)

(مستعد مستعل)

۹۱- احمد اشتری

بنوشته مرحوم بامداد ((متخلص به یکتا پسر میرزا مهدی خان که در سال ۱۲۹۹ در جوشقان زاده شد و در سال ۱۳۱۹ قمری با پدر خود بتهران آمد، مدتی دادستان و حاکم گیلان و معاون دادگستری و شهرداری را عهده‌دار بود، او مردی بود با استعداد، نقاش و شاعر، در حقیقت هنرمندی بکمال بود. در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در سن ۷۴ سالگی در تهران در گذشت و در صفائیه شهر ری بخاک سپرده شد))

بگفته هم سالان و آشنایان، اشتری از شاگردان کمال الملک بود و در شبیه سازی دست داشت. از آثار رقم دار نقاش، تصویر رنگ و روغنی جوانی کمال الملک است که در نهایت دقت و شباهت نقاشی کرده و رقم دارد، بخط نستعلیق. (احمد اشتری ۱۳۱۸ شمسی) مجموعه خصوصی ۲ بنوشته سخنوران ایران چاپ هند، در صفحه ۴۳۳، بغیر از نقاشی، در رشته خطاطی - قالی بافی - گراور سازی و عکاسی نیز استادی صاحب کمال بوده است.

۹۲- احمد افلاکی دده

اولین و قدیمیترین ساعت ساز اسکلتي اوایل قرن ۱۳ ه.ق. عثمانی است. استاد احمد این صنعت را از ساعت سازان استادکار فرانسوی یاد گرفته و در هنر خود شهره بوده است. از جمله آثار هنری وی، ساعتی است که برای سلطان محمود خان ساخته و رقم دارد. (موقت - جنت مکان - سلطان محمود خان - احمد افلاکی دده المولوی ستانه - نومرو) فرزند احمد استاد حسین افلاکی است که مثل پدر او نیز بساختن ساعت‌های اسکلتي پرداخته و در یکی از آثار موجود وی در توپ قاپو رقم دارد.

(عمل السید حسین خاکی ابن احمد افلاکی ۱۲۴۵) تصویر شماره ۱۳ از شاگردان دیگر احمد دده، محمد شکری است که ساعتی ساخته و رقم گذاشته: (محمد شکری ۱۲۷۳) دیگر از ساعت سازان مشهور عثمانی، استاد مصطفی رفیق است که در روی ساعتی از آثار باقی مانده‌اش بخط نسخ نوشته: (عمل حاجی سید مصطفی رفیق سنه ۱۲۶۷)

۹۳- احمد بن ایزدی

نقاش آبرنگ ساز دوره محمد شاه قاجار بود. از آثار رقم دار وی، منظره آبرنگی عده‌ای از سلاطین و رجال و سفرا و شاهزادگان دیدم که لباس‌های گوناگون ایرانی و فرنگی پوشیده و در مجلسی، به صحبت دور هم قرار گرفته بودند.

درخت پهن‌اور و زیبایی در وسط فضا جلب نظر میکرد که میمونی بالای آن رفته و بجست و خیز مشغول بود و رقم داشت: (صنعه خواجه احمد بن ایزدی ۱۲۶۰)

۹۴- احمد بن اویس

(سلطان احمد بن اویس جلایر ایلکانی بغدادی ۸۱۳-۷۸۴)

به نوشته دوست محمد: ((او هنرمندان را می‌پروراند و مینواخت و خود به عربی و فارسی شعر می‌سروده و در تصویر و تذهیب و خاتم‌بندی و موسیقی بی‌مانند و شش‌قلم را خوب می‌نوشته است))

((او شاگرد خواجه عبدالحی بوده و از او تصویر آموخت و او در ابوسعید نامه یک موضع به قلم سیاهی ساخته است))

عبدالمحمد خان ایرانی نیز در کتاب خود از این هنرمند یاد کرده و مرگ وی را بسال ۸۱۲ و بدست قره یوسف ترکمان ثبت کرده است. در تذکره دولتشاهی نیز مختصر احوالی از او نوشته و چنین یاد کرده است: ((او پادشاهی هنرمند و هنرپرور و خوش طبع بوده و اشعار عربی و فارسی نیکو میگفته و در انواع هنر چون تذهیب قوایی و سهامی و خاتم‌بندی و غیر ذلک استاد بودی و شش‌قلم خط‌نوشتی و در علم موسیقی و ادوار صاحب فن است و چندین نسخه در این علم تالیف کرده است و خواجه عبدالله ملازم او بوده گویند که شاگرد اوست)) مستقیم زاده در صفحه ۶۲ تحفه خطاطین در مورد این استاد، چنین نگاشته (ترجمه از ترکی عثمانی)

((از پدر تعلیم دیده و در خط نستعلیق و معارف دیگر دست داشت، برای مصلحت آسایش نفوس، برادرش سلطان حسین را مقتول کرده بتخت نشست، حافظ از او مدح کرده و گفته است:

(احمد الله علی معدلة السلطان - احمد شیخ اویس حسن ایلخان)

یگانه کمان کش و مالک خامه تصویر و تذهیب و مهر کنی بود و در اشعار و موسیقی دست داشت، ۲۸ سال سلطنت کرده و در آخر کار، قرايوسف ترکمان قراقویونلو مسلط شده و بتاریخ (شبهستان ۸۱۳) شمعی حیاتش پف کرده باد شهادت شده در تبریز و در مدرسه مدفون است، آخر دولت ایلخانی است.

۹۵- احمد تبریزی

نقاش دوره ناصری اهل تبریز بود و در آبرنگ دست داشت از آثار وی تصویر زن و مرد دلداده‌ای دیدم که به اهالی قفقاز شباهت داشتند. این اثر زیبا که به آبرنگ بود رقم داشت. (راقم احمد التبریزی)

۹۶- احمد حزین

طغرا کش و نقاش و مذهب و مجلد نامی عثمانی زمان سلطان احمد سوم بود. نقش طغرای سلطنتی و آرایش فرامینی این دوره اغلب بدست این هنرمند انجام یافته و از آن جمله، اثری در موزه توپ قاپو سرای ترکیه است. که رقم دارد. (کتاب و ذهبه الفقیر مجلد احمد حزین)

۹۷- احمد حسینی ساوجی

از شاگردان مرحوم صنیع الملک بود و در آبرنگ سازی و سیاه قلم دست پر هنر داشت. شیوا - ترین اثر آبرنگی این استاد را که از نزدیک دیدم، تصویر سه نفر از رجال دوره ناصری بنام‌های اصلان خان سرهنگ و محمد علی خان صاحب جمع و عبدالرزاق خان سرهنگ (شاید بغایری) بود که در شبیه سازی و پرداز صورتهای مهارت و ظرافت زایدالوصفی داشت. این اثر زیبا در موزه گلستان بود و رقم داشت:

(رقم اقل السادات احمد الحسینی شاگرد مقرب الخاقان صنیع الملک نقاشی)

دیگر اثر هنرمند طرح استادانه‌ای از جان محمد خان سرتیپ بود که بحضور ناصرالدین شاه تقدیم داشته و خود را احمد الحسینی ساوجی خوانده است.

۹۸- احمد خزینه

نقاش و مذهب و مجلد نامی عثمانی اواسط قرن ۱۲ ه.ق. بود. اثر رقم دار این هنرمند که در

رویه جلد طفرائی احمد خان سوم بود، در نوع خود از نفایس زمان هنرمند بشمار میرفت و رقم نستعلیق زیبا داشت. (کتاب و ذهبه الفقیر مجلد احمد خزینه ۱۱۴۰)
در کناره رقم، این بیت شعر ترکی دیده میشد. (اولوب عمر دولتی افزون - رهین ذاتی)

۹۹- احمد شبلی زاده

بنوشته مناقب هنروران:
از نقاشان عثمانی و شاگرد سنان بیک اهل بورسا است که در شبیه سازی بهترین است.

۱۰۰- احمد بن عبدالغنی - نجار

نجار و طراح نگارگر چوب اوایل قرن ۱۱ ه.ق. است.
از آثار رقم دار این استاد، درب چوبی کم نظیر و پر مهارت یکی از بقاع متبرکه است که به نقوش اسلیمی و ترنجی مشبک، پیراسته گشته و در نوع خود زیبا و استادانه میباشد. در بالا و داخل مربعات کوچکتر، نقوشی از ترکیب چهار علی، بخط تزئینی کوفی و در دو مربع بزرگتر چپ و راست، تعاریف (ناد علیا" الی آخر)
بخط ثلث عالی کنده کاری شده که سزاوار تحسین میباشد.
در قرینه پائین تر، ادعیه دیگری بهمان خط و شیوایی کنده کاری شده و بخط رقاع زیبا رقم دارد.
(عمل احمد بن عبد الغنی نجار)
و در مقابل آن، رقم کاتب نیز ثبت شده که چنین است:
(کتابه العبد میر علی بن محمد ۱۰۰۲)

۱۰۱- احمد بن علی المراغی

از مجلدان روغنی معروف اواخر قرن نهم ه.ق. اهل مراغه و مقیم عثمانی است.
از آثار گرانقدر این هنرمند، جلد روغنی استادانه ایست که در کتاب "الفوائد الغیاثیه" (تاریخ ۱۴۶۸ میلادی) قرار گرفته و به طلا آرایش شده است. داخل جلد، بزرگ ارغوانی بوده و نقوش آن تحسین انگیز است.

۱۰۲- احمد قاضی

نقاش و صورتگر قرن ۱۰ ه.ق. بود.

۱۰۳- احمد قزوینی

مینیاتور ساز و نقاش گمنام شهر قزوین بود که در سنوات قرن ۱۲ هجری در آن شهر تصویر میساخت.

۱۰۴- احمد مذهب باشی - تهرانی

مذهب استاد تهرانی بود که در تذهیب قرآن و ادعیه و کتب و فرامین و سایر آثار تزئینی دست پر حلاوت داشت - این هنرمند خط نستعلیق را نیکو مینوشت و یکی از استادان طراز اول مجمع الصنائع دوره ناصری بود. از آثار رقم دار وی تذهیب استادانه فرمانی از ناصرالدین شاه قاجار بسال ۱۲۹۵ ه.ق. است که به میرزا علی اصغر خان صاحب جمع امین السلطان صادر شده و او را بدریافت یک قبضه قمه مکمل بالماس مفتخر کرده است. استاد احمد در آرایش این فرمان باصلاح

سنگ تمام گذاشته و تمام حلاوتها و ریزه کاریهای هنر تذهیب را بیک جا بکار برده و حواشی زنجیره ای و گلهای تزئینی گوناگون و نقوش اسلیمی و خرطوم فیلسی ماهرانه و ریشه گلهای تو در تو در کناره مهر ناصرالدین شاه انجام داده است.

رقم ریز نقاش، در لابلای ترنجهای ریز چنین است: (فدوی جان نثار احمد) مضبوط در مجموعه (۲)
۲- دیگر از آثار این استاد، کتاب سفرنامه ناصرالدین شاه مضبوط در کتابخانه مجلس است که تذهیب صفحات اول آن، فوق العاده پر مهارت بوده و رقم داشت:

(خانه زاد دولت ابد آیت احمد - امید که در پیشگاه حضور ساطع النور مقبول آید در مجموع الصنائع مبارکه دولت ایران اتمام یافت)

۳- سومین اثر رقم دار استاد احمد، جلد مذهب قرآنی در کتابخانه گلستان است که رویه آن بتذهیب استادانه آرایش یافته و در درون جلد نیز گلهای اناری پر حلاوتی نقش بسته و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت:
(رقم بصفحه فرمان شاه گیتی زد - غلام افسر شاهن شه جهان احمد)

۱۰۵- احمد مذهب باشی - مشهدی

از استادان و مذهبان نامی آستان قدس رضوی بود و لقب مذهب باشی داشت. این هنرمند در تذهیب قرآنها و کتب و ادعیه دستی بکمال داشت و در قلمدان سازی و آرایش فرامین آستانه متبرکه رضوی که به سلاطین و رجال صادر میگشت، پر هنر و شیرین قلم بود - او در هنر خط نیز سر رشته داشت و خط رقاع و تعلیق و شکسته را نیکو مینوشت. آثار رقم دار وی عبارت است از:
۱- قلمدان زمینه مرغش مشکی متمایل به سبز در موزه نگارستان تهران دیدم که کل و مرغ افشان پر مهارت داشت و رقم آن بخط تعلیق ریز و سفید چنین بود.

(بتقدیم حضور جناب جلالت مآب اجل اکرم عالی امجد السلطنه دام اقباله انجام پذیرفت)

(مذهب باشی آستان قدس احمد ۱۳۲۱)

۲- اثر تذهیبی دیگر، حاشیه فرمانی با سر ترنجهای زیبا و مذهب بوته اندازی و جداول کمندکشی زیبا بود که با لچک بندهای زرین آرایش شده و به خط رقاع استادانه رقم داشت.
(برحسب فرمان حضرت اشرف اقدس ارفع والا موید الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان و متولی باشی)
(استان ملایک پاسبان ادام الله تعالی اقباله و اجلاله تذهیب نمود)

(احمد مذهب باشی آستان قدس ۱۳۱۲)

۳- دیگر آثار ارزنده این هنرمند، تذهیب و تصویر گل و مرغی زیبا و شیرین حواشی قطعه میر علی هروی بود که در حراج ساتبی ۹ جولای ۱۹۷۹ در لندن بفروش رسید. این اثر زیبا که به ۲۷ lat در کاتالوگ مربوطه چاپ شده بود در کناره جدول پائینی بخط ریز رقم داشت:

(احمد مذهب باشی آستان قدس ۱۳۱۱)

۱۰۶- احمد معارف الاسکداری

اهل اسکدار و از نقاشان و مذهب کاران قرن ۱۲ ه.ق. عثمانی است. این هنرمند در گل سازی و تذهیب مهارت داشته و در تنها اثر بجا مانده اش رقم داشت.

(احمد المعارف الاسکداری ۱۱۸۵)

۱۰۷- احمد موسی

احوال این هنرمند را در هیچ تذکره و نوشته زمان حیات هنرمند نیافتیم، فقط دوست محمد هروی

در مقدمه بهرام میرزا، مختصر اشاره‌ای به احمد موسی کرده و چنین نوشته است:

((استاد احمد موسی که شاگرد پدر خود است، پرده گشای چهره تصویر شد و تصویری که حالا متداول است او اختراع کرد و از جمله مواضع که در زمان پادشاه مشارالیه از او بر صفحه روزگار واقع است، ابو سعید نامه و کلیله و دمنه و معراج نامه بخط مولانا عبدالله صیرفی است))

اگر نوشته‌های دوست محمد هروی را که حتماً از مآخذ معتبر و قدیمی استناد جسته است صحیح بدانیم، معلوم میدارد که استاد احمد موسی در چهره سازی و تصویر کشی پیشقدم بوده و بطوریکه از آثار بجا مانده‌اش معلوم میگردد، نقاش شیرین قلم و چابکدستی بوده که با مهارت و قوی دستی در تمام سطوح تصویر سازی موفق بوده است. از استادان اولیه این هنرمند، بغیر از پدرش، استاد دیگری را سراغ نداریم، ولی از شاگردان مبرزوی که آنها نیز در حد خود استادان توانائی بوده‌اند، استاد شمس الدین مولانا ولی الله و امیر دولت یار غلام ابوسعید میباش که این امیر دولت یار، از همه شاگردان دیگرو ماهرتر و سرآمد اقران بوده است.

آثار شناخته و منسوب وی عبارتند از:

۱- بروایت غیر مستند، تصاویر کتاب جامع التواریخ خواجه رشید الدین فضل اله، از آثار نامی این هنرمند می باشد که به سال ۷۰۷ ه. ق. مصور گشته است.

۲- دیگر آثار این هنرمند، شش برگ از مرقع فاتح به ابعاد ۲۷ x ۴۳ سانتی متر است که بسال آذر ماه ۱۳۴۳ از طرف وزارت فرهنگ و هنر ترکیه در تهران بنمایش گذاشته شده بود.

۳- دو اثر رقم دار نقاش که هر دو در موزه توپ قاپو سرای ترکیه مضبوط است یکی تصویر جنگ آوران طرفین منازعه بگرد حصار شهری است که همه مسلح به لباسهای آهنی و گرز و شمشیر و سایر ادوات رزمی بوده و حتی اسبها نیز پوشش زرهی محکمی به تن دارند. دیوار حصار با آجر محکمی پوشش شده و دیوار بغلی و کناره آن بطرز زیبا و استادانه‌ای منحرف شده و در تصویر دیواره سمت چپ قوانین مناظر و مرایا به استادی اجرا گشته است. رقم دارد. (کار احمد موسی)

۴- اثر دیگر هنرمند در این موزه، منظره بیابانی با چند درخت خشکیده کوچکی است که روی هر یک مرغی نشسته و در طرف دیگر جوی آبی روان مشاهده میگردد. دو نفر سوار کار که کلاه پشمی خز داری بسر گذاشته و روی اسب قرار گرفته‌اند، جهت شکار خرس یا آهوان در کمین ایستاده‌اند. در طرف دیگر، دو آهوی مستاصل و لرزان پشت صخره‌ای سنگر گرفته و دو خرس وحشی جهت شکار آهوان بجلو نزدیک میشوند. رقم دارد.

(کار احمد موسی)

(پائین تر نوشته: بسیار نیک)

۵- اثر دیگر احمد موسی که در موزه توپ قاپوسرای ترکیه از نزدیک دیدم، تصویر حضرت محمد (ص) بود که ملائکه‌های زیبا در اطراف حضرت دیده میشوند. در این اثر فوق العاده زیبا، تمام ملائکه‌ها پره‌های بلندی داشته و در مقابل حضرت ایستاده و مشغول استماع فرمایش بودند. زلفهای بلند ملائکه‌ها بروی سینه‌ها ریخته و موی سر حضرت نیز بسان آنها بلند بوده و بروی سینه آویزان گشته بود. عمامه سفید و ریش و سبیل مختصر حضرت در حد خود پرمهاریت و شایسته تحسین بود. در بالای تصویر بخط درشت قرمز و نستعلیق زیبا رقم داشت: (کار استاد احمد موسی است) تصویر (۲۶) ع- دیگر از کارهای احمد موسی که از نزدیک در این موزه دیدم.

تصویر اسفندیار و دیو بود که اسفندیار لباس زرهی پوست یلنگی پوشیده و دست بقبضه شمشیر برده و پشت درخت بلندی بکمین ایستاده بود. ازدهای بزرگ و دهشناکی، سر بطرف اسفندیار آورده و

خشمگین و عصبانی آماده حمله بود. یکی از همراهان، دست اسفندیار را گرفته و گویا او را از مبارزه با دیو بر حذر میداشت. جوانک مستخدم و چند اسب و کالسکه سلطنتی در وسط صخره کوهها بانتظار دیده میشوند.

کالسکه‌ایکه بشکل مکعب بود و سقف هرمی شکلی داشت فوق العاده زیبا بود و در وسط سقف کالسکه بخط رقاع رقم داشت. (العزّه الله والافتخار الدوام)

عظمت کوهها و صخره‌های پر استوار و درخت کهن سال طویل، ستودنی بود و در گوشه سمت چپ رقم داشت. (کار احمد موسی)

۷- دیگر اثر پرهیز احمد موسی که در این موزه دیدم، تصویر تهمینه دختر پادشاه سمنگان است که در اطاق رستم جلوس نموده و به مغازه و صحبت مشغول میباشند.

تهمینه لباس سبز پوشیده و روی قالیچه سفید رنگی نشسته و رستم نیز که ریش و سبیل داشته و در قیافه شعرا نشسته، پوستینی نصفه بدوش انداخته و زیر آن لباس سبز پوشیده و پیاله شراب را تعارف میکند. زن خدمتکار فضولی در زیر زمین خانه به استراق سمع مشغول است و دوشیزگان دیگر، در حیاط خانه مشغول گوش دادن بداخل خانه هستند. لباس رزمی و همچنین گرز سنگین سر گاوی، روی چهار پایهای در اطاق دیگر قرار گرفته. منظره ساختمان و طرز آرایش داخل آن، با پرده‌های مخصوص و کاشی‌های رنگین، بهترین معرف نشانه‌ها و عیار سابق خانه‌ها در آن زمان‌ها میباشند.

رقم دارد روی زمینه سفیدی کج دیوار:

(کار استاد احمد موسی)

در کنار این تصویر، سر انسانی نقاشی شده و با قلم مو نوشته‌اند: (مشق شیخی)

۱۰۸- احمد نیریزی

خطاط ممتاز و استاد زیر دست دوره شاه سلطان حسین صفوی است. با امضای وی قلمدانی بس نفیس موجود است که بشکل تابوتی جعبه‌ای میباشند. در حواشی و رویه آن، خطوطی بخط رقاع استادانه در امتیاز و عظمت خط و کتابت با الهام از فرمایشات امیر المومنین علی علیه السلام درج شده که ستودن دارد. از نحوه کار و تذهیب حاشیه و کتابت الوان خطوط و در مواردی دیگر، تذهیب سر سوره‌های ادعیه و قرآن‌ها که ندرتا از نزدیک دیده‌ام، معلوم میدارد این استاد چیره دست در تذهیب و آرایش و سایر رموزات هنر تزیینی دست داشته و در اجرای آنها نیز قوی دست بوده است. قلمدان مزبور زمینه مرغش طلائی قهوه‌ای داشته و در رویه قلمدان سه ترنج بزرگ و کوچک جلب نظر مینماید. حواشی ترنجها بخط طلائی درشت و خمیری محصور شده و در متن ترنجها فرمایشات مولای متقیان علی علیه السلام باستادی نقش بسته و حواشی قلمدان نیز ترنجهای بیضی شکل ۱۰ تائی دارد. در کناره‌ها نیز بسایق رویه قلمدان، خطوط رقاع ممتازی در تجلیل امر کتابت برنگهای قرمز و زرد و سبز و سفید کتابت شده و در داخل ترنج انتهائی رقم دارد.

(کتابه العبد احمد النیریزی فی ۱۱۴۴)

مجموعه شماره ۲

۱۰۹- اخلاص

قدیمیترین نقاش روغنی هند است که در قرون ۱۶ میلادی در آن دیار میزیسته است. از آثار رقم دار این استاد که گویا در موزه (ناسیونال موزیوم) میباشند، جعبه صندوق روغنی پر امتیازی است که در کناره‌ها دو دسته آهنی نصب گردیده و در جوانب و رویه صندوق، نقوش طلائی تحریری باستادی نقش بسته است.

یکی از مجالس نقوش که مجلس شکار میباشد، عده‌ای سوار براسب در تعقیب شکار خود به تیراندازی مشغولند. صحنه شکار و مناظر گل و برگ و سایر نکات تزئینی که در متن نقاشی ارائه شده استادانه است. عمق اثر و مناظر حل‌کاری بدیع که بسان میرک هروی، هنرنمایی کرده، نشانه بارز و مهارت نقاش، در امر تصویر سازی و حل کاری است. رقم دارد. (عمل اخلاص)

۲- دیگر اثر تصویر سازی این هنرمند که به ۲۲۲ lat در حراج کریستی اول آپریل ۱۹۸۲، به حراج رفت، تصاویری از فیل‌های معروف به (هاتی) بود که به آب خوردن و استراحت مشغول بودند. رقم داشت در زیر صفحه بخط قرمز (طرح گانه‌ها عمل اخلاص) تصویر شماره (۳۰)

ارناوت در علیقلی جبادار آمده

۱۱۰- اسحق الحسینی

نقاش پر ابتکار و خیاط شیرین دست قرن ۱۹ ه.ق. ایرانی است. از آثار رقم دار وی که کلاه درویشی بوده و باستادی تمام زینت شده بود، از نزدیک دیدم که ستودن داشت. کتیبه‌های حواشی کلاه، صورتی و زمینه کلاه، شتری بود. در کتیبه‌ها و ترنج‌های گوناگون، اشعاری در وصف حضرت امیر المومنین علی علیه السلام و عقیدت پارسائی و همچنین تمام عبارات (نادعلیا) مظهر العجایب) الی آخر بخط نستعلیق زیبا، طراحی و درج شده بود که واقعا "عالی بود. و رقم داشت. (حسب الاشاره جناب میرزا ارسطو - حقیر اسحق الحسینی با تمام رسانید)

۱۱۱- اسحق نیشابوری

نقاش گمنام اوایل قرن ۱۱ ه.ق. اهل نیشابور است. با مطالعه شیوه هنری نقاش در کتابی بنام قصص الانبیاء که در اوایل قرن ۱۱ ه.ق. تصویر شده معلوم میدارد، این هنرمند، در تصویر و چهره پردازی، مکتب شیرین و مخصوصی بخود داشته است. در این کتاب، وقایع طوفان نوح، بسادگی تصویر شده و شمایل حضرت نوح و یاران را که در کشتی بحالت خونسردی نشسته‌اند ارائه میدهد. تصاویر نیم تنه انسان و حیوانات، بسان مجسمه‌هایی بروی زمین پخش شده و در بین آنان نیم تنه قارون و حضرت موسی که در تقسیم اموال بجماعت مومنین راهنمایی مینمایند دیده میشود. در صحنه دیگر، تصویر مریم و مسیح است که زیر درخت خرما نشسته‌اند و چشمه آبی در برابر ظاهر شده است. ۲- دیگر از آثار نقاش، تصویر شیخ زاهدی است که در شیوه اصفهان تصویر شده و رقم داشت. (مشق فقیر اسحاق)

۱۱۲- اسداله

شمشیر ساز اصفهانی و کسوفته‌گر طلا و نقره بروی فولاد و فلزات سخت بود. این هنرمند دو پسر، بنام‌های کلب علی و اسمعیل داشت که آنها نیز دنباله رو صنعت فامیلی رفته در هنر خود کامیاب و موفق بوده‌اند. از سجع ارقامی که در اغلب آثار وی دیده میشود، معلوم میدارد، شمشیر ساز مخصوص درباری بوده و در هنر خود شهره بوده است. آثار بی تاریخ و رقم دار وی زیاد، ولی از آثار رقم و تاریخ دار اسداله بیش از دو نمونه ندیده‌ام که هر دورا در اینجا بازگو مینمایم.

۱- شمشیر عالی و زیبایی دیدم که رقم داشت. (بنده شاه ولایت عباس عمل اسداله ۱۱۹۲)

۲- دیگر آثار وی یک جفت طاووس نقره کوب مختصر بود که بزبانی عمل آمده و در روی پایه‌ها و دم پهن آن، گل‌های ریز و هاشورهای استادانه جلب نظر می نمود و در سینه هر دو طاوس بخط رقا ع طلائی رقم داشت. (عمل اسداله ۱۱۸۲)

۱۱۳- اسداله

آبرنگ ساز با ذوق و پر حلاوت دوره فتحعلی شاه و محمد شاه بود و نستعلیق را خوش مینوشت. از آثار این هنرمند دو اثر زیبا در کتابخانه گلستان تهران است که یکی از آنها، تصویر بدون ریش فتحعلی شاه در جوانی است که سبیل مختصر و باریکی داشته و کلاه سلطنتی بسر گذاشته و بروی دوشک و متکای مروارید دوزی تکیه داده و البسه فاخر پوشیده و کمر بند زرین و شمشیر جواهر نشان بکمر بسته است. رقم دارد. (رقم کمترین اسداله)

در بالای تصویر این بیت دیده میشود:

جوان بخت فتح علی شاه ترک جهان را جهان پادشاهی بزرگ تصویر شماره (۴)

دومین اثر هنرمند تصویر نیم تنه محمد شاه است که ریش و سبیل کم پشت داشته و کلاه بوقی و جیقه بر طاووسی بسر گذاشته و نیم تنه اراخلق سرخ رنگ بتن کرده است. حاشیه تصویر، باستادی تذهیب شده و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت.

(السلطان بن السلطان محمد شاه غازی سنه ۱۲۵۸)

در پائین تصویر

(رقم خانه زاد شاهنشاه اسداله بنده درگاه)

۱۱۴- اسداله

نقاش گمنام و کم مایه ناصری بود و در قلمدان سازی دست داشت. از آثار رقم دار وی، قلمدانی دیدم که گل و مرغ و منظره ساده داشت و امضایش چنین بود:

(اسداله ۱۳۰۳)

۱۱۵- اسداله

بر خلاف لقب نقاشی که بدنبال نام خود اضافه می نمود، نقاش گمنام و متوسط روغن کار بود. از آثار رقم دار او ۴ دو اثر بی پیرایه متوسطی دیدم که یکی از آنها شکار اسبان وحشی بدست سیاه پوستان زنگی بود و رقم داشت.

مجموعه شماره ۲

(اسداله الحسینی نقاش باشی ۱۳۴۲)

دیگر، تصویر مرد جوانی با کلاه پوستی بود که روی صندلی نشسته و جلیقه شالی بپوشیده و زیر عبا پوشیده و سیگار بدست گرفته و رقم داشت:

مجموعه شماره ۲

(عمل اسداله الحسینی نقاش باشی ۱۳۳۷)

(تصویر آقا میرزا محمد تقی در سن سی و یک سالگی شهر ربیع الاول ۱۳۳۷)

۱۱۶- اسداله

نقاش و مینیاتور ساز اهل شیراز قرن ۱۱ ه.ق. بود. از این هنرمند دو اثر رقم دار بیادگار مانده که یکی صورت عبدالحمید خان در موزه قاهره است و دیگری تصویر شاهزاده خانمی بنام مادر شاه

شجاع میباشد که امضاء دارد. (عمل اسد)

۱۱۷- اسداله

مینا ساز و نقاش شیرین قلم دوره ناصری است. از آثار رقم دار این هنرمند آینه مرصعی در موزه جواهرات بانک ملی است که آینه و قاب طلائی مینائی آن تماماً "مرصع به الماس و یاقوت و لعل و مروارید بوده و در میان ترنج بیضی شکل آن، تصویر جوانی ناصرالدین شاه جلب توجه مینماید و رقم دارد. (عمل اسداله شیرازی ۱۲۸۴)

۱۱۸- اسداله خان غفاری کاشانی

بنوشته مرحوم کمال الملک در شرح حال خود: «میرزا ابوالحسن خان سه پسر داشت که هر سه نقاش بودند، یکی یحیی خان که در دستگاه ناصرالدین شاه بود، دیگری اسداله خان و دیگری سیف اله خان» بدین ترتیب معلوم میگردد که اسداله خان فرزند صنیع الملک بوده و در مکتب هنری وی کسب کمال کرده است. از آثار بجا مانده وی تصاویری از آقا رحیم علی بیک لله باشی - امیر دوست محمد خان و میرزا بیدل کرمانشاهی به آبرنگ و پرداز است که در مرقعی جمع آوری شده و بسال ۱۲۸۳ انجام یافته بود

۱۱۹- اسداله مذهب مهدی

مذهب چیره دست و شیرین قلم شهر مشهد بود. از آثار هنری وی، جلد روغنی کتابی در موزه گلستان است که رویه آن با گل‌های الوان آذین شده و بوته سازی زیبا دارد. حواشی جلد نیز تذهیب ممتاز لچکی است و رقم دارد.

(حسب الفرموده جناب مستطاب شیخ الاطباء)

(بنده درگاه اسداله مذهب مهدی، بتاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۴)

۱۲۰- اسداله مذهب میرزا اسداله مذهب شیرازی

فقط فرصت شیرازی از این هنرمند نام برده و در صفحه شماره ۵۴۸ کتاب خود راجع باین استاد چنین نوشته است:

«برادر میرزا محمود مذهب باشی بن مرحوم میرزا یوسف برادر بزرگتر میرزا علینقی خوش نویس شیرازی است. او در تذهیب و زر نشان استاد است و از نجبای روزگار و برادران دیگر میرزا محمد علی حکاک و میرزا محمد حسین و میرزا محمد اخوان صحاف او هستند»

۱۲۱- اسداله بن استاد مهدی زرگر

فرزند استاد مهدی زرگر و طراح نقوش و تصویر بروی فلزات گرانبها و جواهرات در اواسط قرن ۱۳ ه.ق. بود. از آثار ارزنده این استاد طلا کاری و آذین ایوان حضرت معصومه علیها سلام در قم می باشد که باستادی تهیه شده و در نوع خود ستودنی است.

۱۲۲- اسرار

نقاش سیاه قلم و قلمدان ساز گمنام دوره ناصری است.

او بشیوه آقا فتحعلی نقاش شیرازی تصویر می نمود و رنگ‌ها را پریده و خوش حالت می ساخت. از آثار رقم دار اسرار، قلمدان گل و مرغ پر حالی دیدم که برنگهای روشن نقاشی شده و کناره‌های نقوش بسياه قلم اصلاح گشته و در سمت راست رویه قلمدان بخط نسخ رقم داشت: (اسرار)

۱۲۳- اسمعیل

نقاش پر توان اواخر قرن ۱۱ ه.ق. بود و در شیوه رضا عباسی تصویر می آفرید. او صورت و لباس و سایر عوامل تزئینی تصویر را بسان رضا نقش کرده و زمینه حالی آنرا با پردازهای استادانه خود جلوه گر می ساخت. از تنها اثر رقم دار این هنرمند که از نزدیک دیده‌ام، قلمدان تصویری زیبایی بود که بسان قلمدان‌های صفویه - اندازه بزرگی داشته و زیر و داخل آن برنگ زیبای سرخ طبیعی رنگ شده بود. رویه و حواشی قلمدان، برنگ مشکی مایل بسبز و جوانب و کناره‌های آن با تذهیب استادانه دانه تسبیحی و گل و برگ‌های افشان اسلیمی حل کاری گشته بود. در رویه قلمدان و داخل ترنج بزرگ وسطی، زن و مرد جوانی پیاله بدست با ستواری نقش بسته بود و در دو ترنج کوچک تر کناره نیز بهمین سیاق، تصاویر زیبایی داشت. در حواشی و کناره قلمدان نیز در چهار ترنج ناقص کتیبه‌ای پهن، چهار زن و مرد جوان بشیوه رضا عباسی ارائه شده بود که سزاوار آفرین بود و بخط نستعلیق غبار سفید رنگ، رقم داشت: (عمل اسمعیل ۱۰۸۳)

۱۲۴- اسماعیل

قلمدان ساز دیگری بغیر از اسماعیل نقاش باشی بود. این هنرمند قلمدان را بشیوه روسی و سبک شیرازی استادانه میساخت و خود تذهیب مینمود. از آثار رقم دار اسماعیل، قلمدان گل و مرغ نسبتاً استادانه‌ای دیدم که گل‌های زیبایی، بسان لطفعلی شیرازی داشت و تذهیبش نیز نیکو بود. و رقم داشت. (اسمعیل ۱۲۸۴)

۱۲۵- اسماعیل

طراح نقوش و بافنده چیره دست پارچه بود. او همانند استادان بنام پارچه بافی زمان ۱۱ ه.ق. از قبیل محمد خان - علی - اسمعیل کاشانی - در عصر خود شهره بوده و پارچه‌های چشم نواز و پر نقشی را ارائه می نمود.

۱۲۶- اسمعیل

نقاش قلمدان و قاب آینه بود. از آثار رقم دار وی قاب آینه ساده‌ای دیدم که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید و رقم داشت: (رقم کمترین اسماعیل ۱۲۷۱)

۱۲۷- اسمعیل

از سجع انحصاری نام نقاش که در ذیل جلد کتابی دیدم، معلوم گردید که این هنرمند بغیر از نقاشان هم نام خود بوده و بنفسه نقاش جداگانه‌ایست که در کارهای روغنی و جلد و قلمدان سازی دستی بمهارت داشته است. در رویه جلد، گل سرخ خوشرنگی با غنچه‌ها و برگ‌های سبز ترسیم نموده و حواشی آنرا با تذهیب

استادانه‌ای حل کاری کرده و بخط زیبای نستعلیق رقم داشت
(واذکر فی الکتاب اسمعیل)

۱۲۸- اسمعیل (شمشیر ساز)

شمشیر ساز استاد قرن ۱۱ ه.ق. بود.

از آثار وی شمشیر زیبایی دیدم که باستانی تهیه شده و رقم داشت: (عمل اسماعیل)

۱۲۹- اسماعیل نقاشبازی - محمد اسماعیل

هنرمند پر مهارت و نازک قلم دوران خود بود و در هنرهای روغنی و آبرنگ دستی دلفریب و چشم نواز داشت. از آثار فراوان و پرآذین وی که بین سالهای ۱۲۶۴ الی ۱۲۸۸ ه.ق. انجام داده نمایانگر ذوق پر مایه و ابتکاری نقاش است که در حدود ربع قرن در صحنه هنر تزیینی ایران خوش درخشیده و شهره خاص و عام گشته است.

محمد اسماعیل در تصویر و شبیه سازی توانا و در رنگ آمیزی زیب افزا و در آرایش و پرداخت صحنه‌ها پر وسواس بوده است.

این هنرمند تذهیب و ترصیع و سایر نکات زیبا نگاری و حل کاری را خوب میدانست و به نیکو ترین وجهی انجام میداد. رویهمرفته این نقاش ذوفنون، در تمام عوامل نگارگری، مخصوصاً " در ارائه مجالس پر جلال و ابهت رزمی و بزمی، تخصص داشت و در گل و مرغ و جانور سازی و منظره پردازی استاد برجسته بود. او در نوشتن خطوط و سرودن شعر نیز دست داشت و اشعار مدرجه ذیل آثارش را خود می‌سرود و بخط زیبا کتابت مینمود. نگارنده سعی داشته، تمام اشعار مدرج ذیل آثار آقا اسماعیل را، که قرائت آنها مشکلاتی نیز داشته، باز خوانی کرده و بمنزله جمع‌آوری اشعار نقاش، در زیر هر اثر، پاکنویس نماید.

از شرح و گسترش مجالس پر فروغ و مجلل رزمی و بزمی، که بغنای تمام و اجرای صحیح رموز و دقایق تاریخی انجام داده، چنین برمی‌آید که گویا نقاش در آن مجالس و دقایق تاریخی حضور داشته و موضوعات مختلف را بعینه از نزدیک دیده است. ولی در حقیقت، تجسم بی پایان و ابتکار پر مایه نقاش است که رموز و دقایق هر مجلسی را با قلم سحرآمیز و دید تیز بین تلفیق کرده و بمدد چابکدستی و مهارت ذاتی حقایق را آنچنانچه در مغز خود پرداخت نموده بروی کاغذ عریان ساخته است. معلوم نیست روی چه علاقه و برداشتی به تصویر قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا دل بسته و در بیشترین آثار خود، این قصه شیرین را بسط و شرح داده است.

مشتریان اروپائی وی، از جمله علاقمندان پر و پا قرص آقا اسمعیل بودند و سفارشات گوناگون و گرانبهائی بوی میدادند. بدین جهت است که در آثار نفیس این هنرمند، مجالس بزمی و رزمی فوق العاده سرشاری از زنان و مردان و آرایش تمام عیاری از قیافه و البسه و سایر عوامل آثار فرنگیان ارائه شده و صحنه تصویر را رنگ اروپائی داده است.

از طرفی پسندیده ترین و وارسته‌ترین هدایای سلاطین و رجال زمان که من باب مرسوم بخارجیان دوست و مامور ارائه میگشت، همین قلمدان‌ها و قاب آیینه‌ها و جعبه‌ها بود که بدست هنرمندان آتش دست ایرانی مخصوصاً " محمد اسماعیل ساخته شده و روانه اروپا میگشت.

آقا اسماعیل در حاشیه و ترنج بندی و جدول سازی اثرها وسواس بخصوص داشت و سعی میکرد با ابتکارات بی عدیل و پرآذین خود ملاحظت منظر را مضاعف سازد. او با قدرت تمام حاشیه بندی

موضوعات را به تقسیمات دقیق و خوش منظر بخش می‌نمود و هر یک را به سبک و سیاق مخصوص خود آرایش میداد.

قدیم‌ترین اثر تاریخ‌دار وی، تصویر منوچهر میرزا معتمدالدوله در روی قلمدانی بسال ۱۲۶۴ ه.ق. و آخرین اثر تاریخ‌دار نقاش در سال ۱۲۸۸ ه.ق. می‌باشد. (موجود در موزه ویکتوریا آلبرت لندن) از تاریخ تولد و وفات نقاش کوچکترین اطلاعی بدست نداریم و اگر در زمان خلق قلمدان منوچهر میرزا معتمدالدوله که بسال ۱۲۶۴ ه.ق. و در کمال قدرت و استادی اجرا شده سن وی را تخمیناً ۳۴ سال بدانیم، تاریخ تولد نقاش بحدس غیر مستند، سال ۱۲۳۰ ه.ق. خواهد بود.

از طرفی با تفحص و موشکافی، در آثار بجا مانده و تاریخ‌دار وی، در می‌یابیم که او از سال ۱۲۷۵ هجری از طرف پادشاه وقت ناصرالدین شاه قاجار لقب نقاشبازی دریافت داشته و این لقب را در آثار بعدی خود ثبت و ضبط کرده است.

خوشبختانه قیافه و صورت هنرمند را در رویه دو قلمدانی که بسالیان ۱۲۸۲ و ۱۲۸۳ هجری بدست نقاش انجام یافته و ما یکی از آنها را نیز بعنوان نمونه در صفحات آخر درج کرده‌ایم، بیادگار داریم. در هر دوتای آنها محمد اسماعیل عینک ذره‌بینی بچشم داشته و کلاه مخصوص زمان بسر گذاشته و ریش‌هایش بسفیدی گرائیده است. اگر سن آقا اسمعیل را باتطابق قیافه و قرائن صورت مردی ۵۲ ساله بدانیم، سال تولد وی بسال ۱۲۳۰ ه.ق. نزدیکتر شده و تا حدودی تأیید میگردد.

بدین ترتیب بعید نیست این نقاش بعد از خلق آخرین اثر موجودش بسال ۱۲۸۸ ه.ق. تا حدود سالیان ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ هجری و یا بیشتر زنده بوده و منتها بعلت کهولت و ضعف چشم کاری انجام نداده و بقیه عمر خود را بعبادت و استراحت پرداخته است.

در مورد وضع فامیلی و قرابت وی با آقا نجف نقاش نامی آن دوره، عده‌ای را عقیده بر این است که محمد اسماعیل نقاشبازی برادر کوچک آقا نجف بوده و فرزند میرزا بابا میباشد.

ولی با در دست داشتن قبالة ازدواج (۱) صفیه خانم دختر آقا نجف بسال ۱۲۷۱ هجری و درج اسامی فامیل و دوستان آقا نجف که بعنوان شهود، اثر مهر و امضاء داشته و قرابت و نسبت فامیل آنان نیز مرقوم شده، اسمی از محمد اسماعیل یا اسماعیل نقاشبازی که در حقیقت یکی از اقربای طراز اول و نزدیک آقا نجف باید باشد قید نشده و ثبت نگشته است. تنها در ردیف اسامی شهود عادی به نام عالیشان محمد اسمعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش بر میخوریم که بعلت اعتبار شخصی و معروفیت پدر، در زمره شهود درآمده‌اند.

از این ملاحظات در می‌یابیم که صحت برادری آقا نجف و محمد اسماعیل قصه‌ای بیش نبوده و تنها برادر آقا نجف، شخصی بنام محمد حسن میباشد که نسبت آنها بیکدیگر در قبالة درج گشته است. تنها اطلاع دقیقی که از وضعیت فامیلی این هنرمند بدست داریم، معلوم میدارد، فرزند میرزا بابا، نقاش نامی بوده و فرزند هنرمندی نیز بنام حیدر علی داشته است. (۲) آقا اسمعیل آثار خود را با سجع‌های گوناگون امضاء می‌نمود که باختصار درج میگردد.

۱- تفصیل این عقد نامه در مجله هنر و مردم شماره ۱۵۹ بوسیله نگارنده منتشر شده و اصل عقد نامه که مضبوط در مجموعه نگارنده است مشروحاً " در احوال نجفعلی نقاشبازی خواهد آمد.

۲- به اثر شماره ۳ حیدر علی نقاش که با رقم (حیدر علی بن محمد اسمعیل نقاشبازی) انجام یافته و احوالش در جای خود خواهد آمد، مراجعه نمائید.

— اسماعیل — راقمه اسمعیل ۱۲۶۴ — عمل اسمعیل — عمل محمد اسمعیل ۱۲۷۲ — عمل کمترین اسمعیل نقاش باشی پاک باز ۱۲۷۵ — کمترین خانزاد اسماعیل ۱۲۷۰ — عمل کمترین اسمعیل نقاشباشی ۱۲۷۸ — نقاشباشی اسمعیل — عمل کمترین محمد اسماعیل نقاشباشی فی سنه ۱۲۷۹ — (عین جان زین صور که کردسبیل ثانی اثنین مانی اسمعیل) — (زمانی نژادی اسماعیل نام — براین صفحه آن قصه جست ارتسام ۱۲۶۶) — (یافت زیور چو گلستان خلیل این قلمدان ز کلک اسمعیل) از آثار فراوان بی رقم و رقم دار وی زیاد دیده و در اینجا به آثار رقم دار وی اکتفا مینمایم.

۱- قدیمیترین اثر وی که تاریخ ۱۲۶۴ ه. ق. دارد قلمدان بسیار زیبایی است که در صفحه اول کتابی بنام *Tsfahan pearl of Persia 1974* چاپ ۱۹۷۴ چاپ شده است در رویه قلمدان، منوچهر خان روی مخدهای نشسته و به متکای بزرگی که در پشت سرش دیده میشود تکیه داده است. از پنجره تالار منظره درختان و فضای سبز باغ دیده میشود.

منوچهر خان و همه حضار با کلاه مخصوص دوره محمد شاهی و البسه زمان ملبس بوده و بغیر میرزا داود که نشسته است، بقیه ۲۵ نفر رجال در حضور وی ایستاده‌اند. تصاویر افراد و البسه گوناگون آنان به استادی نقش بسته و اسامی هر یک، در کنار تصویر قید شده است.

در وسط قلمدان که منوچهر میرزا نشسته در جنب آن، نوشته (منوچهر خان معتمدالدوله العلیه العالیه) در سمت راست وی مرد قوی هیکلی با لباس بونه جیقه‌ای زیبا ایستاده که نام عالیجاه سلیمان خان سرهنگ دارد و در پهلوی سرهنگ مردی با ریش انبوه قرار گرفته که حاجی ملا احمد ندیم میباشد.

در مقابل منوچهر میرزا میرزا داود خان نشسته و عالیجاه میرزا گرگین خان در کنار ایستاده و بعد از او، میرزا یوسف الی آخر، رجال دیگر آن دوره قرار گرفته‌اند.

در این قلمدان علاوه بر هنر شبیه سازی، تزئین پر جلال البسه و سایر آرایش زینتی افراد که به نسبت شغل و درجه و اعتبار، پهلوی هم قرار گرفته‌اند، به استادی نقاشی شده و در زیر پنجره، بخط شکسته زیبا رقم دارد.

۲- دومین اثر قلمدان رزمی تابوتی نفیسی بود که تمام معرکه و میدان جنگ را که در کنار رودخانه‌ای بوقوع پیوسته و گویا نبرد گروه اعراب چعب با ایرانیان است، بنحو چشم نوازی ترسیم کرده است. منوچهر خان معتمدالدوله که در حقیقت فرمانده کل قوا در این نبرد است، با شباهت تمام، نقاشی شده و سایر رجال و فرماندهان و لشگریان و سوارات جنگی نیز به استواری نقش بسته است.

در قسمت بالای میدان، اسب خوش هیکل و خوش تراشی با زین و یراق طلائی بدون سوار کار توقف کرده و چنان معلوم است که این اسب جهت رکاب محمد شاه و بازدید وی از صحنه نبرد بانتظار ایستاده است.

در طرفین قلمدان نیز تصاویری از منوچهر میرزا و رجال و فرماندهان و در داخل نیز گل و مرغ پخته و تصاویری پسندیده، در مدالیون‌های مختلف انجام یافته که بسیار پر مهارت و پسندیده می‌باشد. در رویه و حواشی قلمدان اشعاری ساده بخط زیبای نستعلیق نوشته شده و سجع نقاش در بیت آخر اراکه گشته است.

۱- بفرمان دارنده ملک جم محمد شه آن، کاخترانش خدم

۲- گروهی بجعب از سران عرب بخلق جهان، روز را کرده شب

۳- بحکم شهنشاه گیتی پناه بر آن عرصه زدمعتمد را سپاه

۴- شبی تیره چون چشم اسفندیار شیخون زدند از یمین و یسار

۵- ولیکن از آن صفدر خصم سوز عرب را در آن شب چو شب پشت روز

۶- بفرمان داور خورشید فر که آن معتمد را بجای پسر

— زمانی نژادی، اسماعیل نام — براین صفحه آن قصه جست ارتسام ۱۲۶۶. مجموعه مهندس خلیلی ۳- قدیمیترین اثری که خود را نقاشباشی خوانده قلمدان شیوائی بود که در رویه آن تصویر زن فرنگی زیبایی ترسیم کرده و حواشی آنرا به تذهیب استادانه و گل و مرغ دلفریب آرایش داده بود و رقم داشت. (مریم سیرت، مارا خانم) (عمل کمترین اسماعیل نقاشباشی پاک باز ۱۲۷۵)

۴- اثر دیگر اسمعیل، قاب آینه بی نظیری بود که از لحاظ طراحی و چهره پردازی و فرنگی سازی و جدول کشی و تذهیب کم نظیر بود. در رویه و داخل مدالیون‌های مختلف آن، تصاویری از پریرویان طنز فرنگی بچابکدستی نقاشی شده و در داخل بیضی بزرگتر، جماعتی از کشیشان و دختران تارک دنیا و سایر روحانیان بحالت احترام ایستاده و به انجام مراسم مذهبی مشغول بودند.

علم و کتل و صلیب بزرگ و لباده‌های مخصوص و پوشش پر جلال کشیش اعظم جلوه خاصی داشت. در طرف دیگر، مجلس ضیافتی بود که افسران و رجال اروپائی شیک پوش و خوش لباس سر میز قرار گرفته، بخوردن و نوشیدن غذا اشتغال داشتند.

در داخل قاب آینه، صورت کاملاً شبیه میرزا آقا خان نوری با جبه و عبا و لباس ترمهای طلائی جلب نظر میکرد. او کلاه بوقی بلند بسر داشت و دقتی بدست گرفته و به متکای زرین طلائی گرانبها تکیه داده بود و رقم نقاش در داخل قاب آینه چنین بود. (بر حسب سفارش حمزه میرزا از شخص اول مملکت ایران آقاخان نوری، عمل اسمعیل ۱۲۷۶) مجموعه شماره ۳

گرده اصلی مهمانی رویه قلمدان، جزو مجموعه گرده‌های نگارنده است که بدست آقا اسمعیل تهیه شده و در نوع خود منحصر می‌باشد.

۵- از آثار با ارزش دیگر این هنرمند، آرایش جلد قرآنی مضبوط در کتابخانه گلستان است که در داخل آن شمایل حضرت امیر المومنین علی علیه السلام و حسنین را در درون ترنجی به حسن سلیقه تمام نقاشی کرده و رقم داشت:

(۱۲۷۹ نقاشباشی اسماعیل)

۶- قلمدان دیگری که صورت یک مرد فرنگی بروی آن نقش بسته بوده، به نیکوترین صورتی آرایش شده و رقم داشت:

(بر حسب امر حضرت صاحب معلم عمل کمترین اسماعیل نقاشباشی تاریخ ۱۲۸۰)

۷- جلد قرآنی بس دلچسب و نازک قلم مضبوط در کتابخانه گلستان که بوته‌های الوان و حاشیه زنجیره طلائی داشت، یک زنبق بزرگ نیز در میان ترنج‌ها جلب نظر مینمود و رقم داشت:

(بر حسب فرمایش نواب اشرف والا احتشام الدوله روحی فداه اتمام پذیرفت)

در پشت جلد نیز، این جملات دیده میشود:

(نقل من عمل الاستاد محمد صادق عمل کمترین اسماعیل نقاشباشی فی سنه ۱۲۷۸)

۸- قلمدان پرمایه دیگری که از این هنرمند دیده‌ام، قلمدان بس پسندیده‌ای بود که احتیاج بتعمیر داشت.

در رویه قلمدان و بین بیضی بزرگتر و مدالیون‌های اطراف، تصاویری از پریچهرگان و مناظر پر آذین نقش بسته بود که ستودن داشت، افق زیبا و البسه رنگین افراد و جلوه عمارت و سر سبزی درختان باغ و دشت و دمن وارسته بود. در حواشی و داخل مدالیون‌های مختلف و کناره قلمدان نیز تصاویری از صورت مردان و زنان بود که با تذهیب و حل‌کاری استادانه‌ای قلم گیری گشته و جالب بود.

در طرف دیگر صحنه جنگی بود و سربازان اروپائی به شهر دشمن حمله می‌بردند.

داخل قلمدان، تذهیب مرصع ریزی داشت و رقم نقاش بخط شکسته ریز چنین بود:
(حسب الفرمایش سرکار نواب اشرف والا احتشام الدوله روحی فداه صورت اتمام پذیرفت. عمل
کمترین اسمعیل نقاشباشی)

۹- قلمدان دیگری که در حراج ساتبی ۲۰ جولای ۱۹۷۷ بفروش رفت، تصویر حیران شیخ صنعان در
مقابل کشیشان و جماعت زنان و مردان فرنگی بود. در طرف راست رویه قلمدان، چند زن زیبا از
درشکه مخصوص پیاده شده و در قرینه آن نیز زن و مرد اروپائی سوار درشکه شده و جماعت نگهبانان
در اطراف آنها دیده میشدند. رقم نقاش در وسط قلمدان و بالای سر شیخ صنعان در دو سهم
کتابت شده، چنین بود:

(عمل کمترین اسمعیل نقاشباشی بتاریخ سنه ۱۲۷۹)

در حواشی و داخل قلمدان نیز بعیار آرایش آقا اسماعیل صحنه‌های مختلفی از شیخ صنعان و دختر
ترسا و مناظر گوناگون و تذهیب و سهم بندی استادانه بود که سزاوار تحسین بود. در کناره‌ها و
لبه‌های اطراف قلمدان، اشعاری بمناسبت نوشته شده بود که بذكر اشعار زیر قلمدان بسنده میشود

۱- من شرمنده از مسلمانی شدم آنجا، بگوشه‌های پنهان

۲- پیر پرسید کیست این، گفتم عاشقی بی قرار سرگردان

۳- گفت جامی دهیدش از می ناب کرچه ناخوانده باشد این مهمان

۴- ساقی آتش پرست آتش دست ریخت در ساقی آتش ارزان

۵- چون شنیدم نه عقل ماند و نه هوش سوخت هم کفر از او و هم ایمان

۶- مست افتادم و در آن مستی بزبانی که شرح آن نتوان

۷- این سخن می‌شنیدم از اعضاء هم حتی الوریث و الشریان

۸- که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

۱۰- قلمدان کیانی پر کاری بود که بسان انواع دیگر آن، در وسط تصویر ناصرالدین شاه و رجال و
درباریان دیده میشدند. در حواشی قلمدان تصاویری از پادشاهان افسانه‌ای ایران بنقل از شاهنامه با
فخامت تمام نقش بسته بود. تمام جوانب قلمدان و حتی داخل آن، پر از نقش و نگار مختلف و در
حاشیه بیرونی آن، شرفیابی ابراهیم ادهم به جمع درویشان بود. در دماغه

داخل قلمدان تصویر خود نقاش با کلاه و عینک و لباس کرکی مخصوص که شبیه به تصویر چاپ شده
داشت دیده میشد و رقم داشت:
(اسمعیل نقاشباشی ۱۲۸۳)

۱۱- قلمدان رقم دار زیبایی دیدم که در وسط آن شیخ صنعان بحالت پیریشان و وارفته‌ای در مقابل
دختر ترسا ایستاده و جماعتی از ندیمان و علاقمندان زن و مرد، تماشاگر ماجرا بودند. در این
ماجرای جوانکی سورنا میزد و دو دختر پیروی زیبایی در کنار آن دیده میشدند.

در طرفین مدالیون‌ها، شیخ صنعان زمین افتاده، عده‌ای دور و بر او را گرفته به بحث و گفتگو مشغول
بودند. حاشیه و اطراف و حتی داخل قلمدان نیز تصاویری از زنان و مردان ایرانی و فرنگی در
البسه فاخر و رنگین داشت و رقم نقاش چنین بود:
(کمترین اسمعیل نقاشباشی ۱۲۸۱)

۱۲- قلمدان چشم نوازی بود که متأسفانه بعثت نم دیدگی آبله‌گون شده و احتیاج به تعمیر داشت.
در رویه قلمدان، صوره‌های بسیار دلفریب زنان فرنگی نقش بسته بود که جلب نظر می‌نمود. تصاویر
زمینه و اطراف قلمدان نیز دلچسب بود و رقم داشت.

(بر حسب فرمایش آقا میرزا حسن اتمام پذیرفت. عمل اسماعیل نقاش باشی ۱۲۷۸)

۱۳- جلد کتابی، مضبوط در کتابخانه گلستان است که حواشی تذهیب پرمغزی داشته و در وسط آن
مجلس درس عرفا باستادی ارائه شده است. در این تصویر عرفانی، شمس تبریزی کتابها را توی حوض
انداخته و دیگران به نجات آنها شتافته‌اند. حاشیه گیری و افق دور دست و منظره زیبای بیرون
خانه، پخته و دلفریب بوده و رقم دارد.

(رقم کمترین محمد اسماعیل نقاش باشی ۱۲۸۶)

۱۴- اثر دیگر، قلمدان زیبایی بود که تصاویر استادانه‌ای از جماعت مسیحیان و دختران زیبا روی
ترسا داشت. حواشی اثر بتذهیب و طلاکاری پر آذین حاشیه گیری شده و دو کالسکه با اسبهای خوش
تراش در صحنه دیده میشدند، رقم نقاش در قسمت کمره بالا چنین بود:

(فرمایش وزیر جلالت مدار اعظم آقا میرزا ابوطالب دام اقباله العالی عمل محمد اسمعیل ۱۲۷۲)

۱۵- قلمدان زیبا و استادانه‌ای بود که در حراج گالری تک تهران بفروش رسید.

در این اثر روغنی و در پنج مدالیون مختلف تصاویر پر حلاوت شیخ صنعان و دختر ترسا و عده‌ای از
مريدان و کشیشان و سایر ملازمان به مهارت تصویر شده و رقم داشت: (کمترین اسمعیل نقاشباشی ۱۲۸۱)
در حواشی اثر، مجالس مطبوعی از شیخ صنعان و تصویر پیرویان فرنگی و گل و مرغ و تذهیب داشت
که بسیار پسندیده بود.

۱۶- اثر دیگر، جلد روغنی زیبای دیوان حافظ بود که در ۲۴ آپریل ۱۹۷۹ در حراج ساتبی لندن
بفروش رسید. یکی از مجالس روی جلد، مباحثه دو شاعر شیرین زبان فارسی، نظامی و سعدی بود.

که در مقابل هم نشسته و بمذاکره و مشاعره مشغول بودند. چند مصاحب همراه و تنی چند از
مستخدمان، در اطراف قرار گرفته و نظاره می‌نمایند. کناره صحنه به جدول بندی زیبا و گل و مرغ
آرایش شده و رقم داشت:

(رقم کمترین محمد اسمعیل نقاشباشی ۱۲۸۴)

۱۷- قاب آینه‌ای شیرین و زیبایی دیدم که طراحی فوق‌العاده داشت.

این اثر بدیع، صحنه‌ای از گردش دسته جمعی بود که زنان زیبا روی فرنگی سوار درشکه شده و به
پیشواز شخص محترمی که گویا سفیر دولت خارجی است مشغول عزیمت می‌باشند. در درشکه عقبی نیز
مرد و زنی که به‌همراه آنها کودکی نیز دیده میشود، جا گرفته و باستقبال در آمده‌اند. در حوالی و
یمین و یسار درشکه‌ها، مستخدمین و خدمه مخصوص به تک و پو افتاده و سربازان و گارد مخصوص نیز
به پیشواز ایستاده‌اند.

در افق دور نقاشی، جزیره‌ای آباد و تپه‌های بلند و در کناره نیز قایق و کشتی کوچک دیده میشود.
در زیر پای یکی از مستخدمین رقم دارد.

(عمل اسمعیل ۱۲۷۴)

در حاشیه گوشه‌ها، چهار تصویر از زنان فرنگی با لباسها و آذین مخصوص نقاشی شده به گلهای
گوناگون رنگارنگ و تذهیب و حاشیه سازی اسنادانه آرایش یافته است. تصویر شماره (۲۵)

۱۸- قلمدان پر کار و پر آذین کیانی دیگری که در حراج ساتبی ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰ بفروش رسید.
در این اثر گرانبها و در رویه آن در پنج مدالیون مختلف، تصاویری از پادشاهان و سرداران قدیمی
ایران بنقل از شاهنامه نقش بسته و در مدالیون وسط، تصویر نشسته ناصرالدین شاه بروی تخت
سلطنتی بود که با آرایش و شباهت تمام نقاشی شده و سپهسالار اعظم و سایر وزراء و رجال و
شاهزادگان به نسبت و مقام منزلت در کنار وی ایستاده و یا نشسته بودند.

در بالا و پائین این مجلس نوشته بود :

به نزد شه سپهسالار اعظم
این قلمدان که تمام جوانب خارجی و داخلی آن پر زیب و آذین بود و به نیکوترین صورتی تذهیب و حاشیه بندی گشته بود ، باختصار معرفی میگردد .

در اطراف راست کناره که از دماغه قلمدان حساب میگردد چنین نوشته :

ای قلمدان نغز و نقش بدیع
بعد در داخل سه مدالیون مختلف که در منظره اول آن ، مجلس عشق بازی منوچهر را تصویر کرده ، در کتیبه وسط مجلسین چنین نوشته است :

گلستان را بهار آراید از تودی پر گل بهار آید
در مجلس وسط ، جلوس انوشیروان عادل بروی تخت بود و قصه معروف زنی ، که بعد از روزانه اش ، توانسته است ، گاو پر مهابت و سنگینی را بروی دوش گرفته و بحضور شاه آورد ، به استادی تصویر گشته است .

در مدالیون آخری این ردیف که همانا مجلس عشق بازی است ، چنین نوشته است :

از تو در عین معنی است عیان
بر سر سری ، بغره گردان
در دماغه آخری این طرف زنی که به سلطان سنجر تظلم میکند چنین نوشته :
نقش کیخسرو است و کیکاوس
زال و گودرز و گیو و رستم طوس

از این دماغه بطرف چپ قلمدان می رسیم که باز مجلس عشق بازی است و زنی در حالت دل باختگی خود را با غوش شاه انداخته و حاضرین تماشاگر ماجرا می باشند . در مدالیون وسط نیز همان مجلس انوشیروان و ذکر داستان زن و گاو است که در طرف راست بصورتی دیگر نقش بسته و در کتیبه وسط این دو مجلس نوشته است :

دان فلک فر ، مناظر بهرام
بزم نوشیروان شیر شکار
در طرف دیگر مجلس ، چنین نوشته :
باز با کسری خجسته رسوم
داد اندوز مرزبان سنجر

در زیر بیرونی قلمدان نیز سه مجلس مختلف از هفت کنبد بهرام که اغلب بوس و کنار است بسان مجالس طرفین نقش یافته ، در دو کتیبه جداگانه اشعاری که بیت آخر آن رقم نقاش است ، درج گشته است .

باز جشنی بود ، فریدونی
صورت هفت کنبد بهرام
در طرف دیگر و در قرینه ابیات اولی ، چنین نوشته :

در تو با زیب و فر نشان همه
عین جان زین صور که کرد سبیل
حاشیه کناره های کتبی قلمدان نیز تصاویری نقش بسته و ابیاتی بمناسبت در آن درج گشته که از دست راست ، بشرح آنها می پردازیم :

در کناره تصویر ، شیری که بین دو دانشمند قرار گرفته نوشته است :
شیخ دانشور نشسته نزد پیر

شیر گشته رام آن هر دو فقیر

در مجلس کناره ، شمس تبریزی کتابها را توی آب ریخته و دیگران به تعجب نظاره میکنند ، در بالا و پائین نوشته :

ریخت چون شمس آن کتب را اندر آب
داد از اسرار عشق او در کتاب
در دماغه انتهائی قلمدان ، تصویر زن با حجابی است که سوار اسب شده و چند شتر در اطراف دیده میشوند و نوشته :

چون تراشد تیغ سلمانی سرش
آید از هر موی بوی عنبرش
در اطراف دیگر تصویر شیخی که بدعا مشغول بوده و یاران نظاره گر وی هستند ، این ابیات درج شده :
در کنار دجله سلطان با یزید
ماند تنها شیخ از جمع مرید

در مجلس دیگر ، جماعتی شیخ را گرفته و می زنند و این اشعار نوشته شده :
آن مریدان کشته خونی بر
با یزید آنجا نشسته بی گزند
در زیر کتبی قلمدان و در مجلس اول ، شیخ روی شیری نشسته و بدست مار گرفته است . در کنارش قید شده است :

شیخ خرقان بود بر شیری سوار
تازیانه بر کفش بودی زمار
در تصویر وسط جماعتی نشسته و ابراهیم ادهم در بغل مادر جای گرفته و چنین نوشته است :
دل مادر چو شد شادان و خرم
بوصل روی ابراهیم ادهم
در قسمت آخر ماهی ها سرشان از آب بیرون آمده و تمام آب ها برنگ طلائی است ، در حاشیه چنین نوشته :

ماهیان از بحر بیرون کرده سر
بر دهانشان ، جمله سوزنهای زر
داخل کتبی قلمدان نیز ، پر از تصاویر زیبای شکار و مناظر مختلف است ، که در گوشه انتهائی آن در یک کادر بیضی شکلی تصویر خود نقاش ارائه شده و در بالا و پائین ، این شعر درج گشته است :

یافت زیور ، چو گلستان خلیل
این قلمدان ز کلک اسمعیل
۱۹- دیگر از آثار ممتاز محمد اسمعیل که به قوی دستی انجام یافته ، قاب آینه زیبائی است که در ۹ مجلس مختلف نقاشی شده و بسیار ستودنی است . شرح مجالس آن متضمن توصیف و تعریف زیادی است که در این مختصر نمی گنجد . بدین دلیل به تشریح اختصاری آن بسنده میکنیم .

در مجلس اول و داخل آن ، منظره سربازان روسی و ایرانی است که نزدیک شهری ، گویا ایروان ، منزل کرده و با ستراحت نشسته اند . منظره برج های روی شهر و آتش توپها از دور نمایان است :

در مجلس دوم و داخل قاب آینه ، تصویر ناصرالدین شاه در کودکی است که روی زانوی تزار نشسته و در مقابل ، امیر نظام و وزیر نظام افتخار حضور دارند ، در طبقه پائینی عمارت ، سربازان و نگهبانان و ناظران و خیل اسبان و سایر مدعوین مجلس ، دیده میشوند .

۳- صحنه سوم و داخل قاب آینه ، منظره چادرهای سربازان و مستحفظین ایرانی و روسی است که زیباترین وجهی نقاشی شده است .

۴- در صحنه بالای رویه آن ، تصویر کلیسای معروف اچمیازین است که کشیش های مسیحی با لباسهای زربفت و رنگین مخصوص در صحن کلیسا قرار گرفته و جماعت زن و مرد فرنگی با لباسهای فاخر در رفت و آمد و مذاکره با هم دیگر دیده میشوند .

۵- در صحنه وسط رویه قاب آینه ، منظره شهر و کلیسای معظمی است که با پل زیبائی به آن طرف وصل شده است . زن و مرد جوانی که سوار درشکه چهار اسبه شده با همراهان و دوستان عازم کلیسا میباشند .

۶- در مجلس پائینی رویه قاب آینه ، مدعوین و عده ای زن و مرد خارجی مقابل میز بزرگ و پر آذینی که بانواع اطعمه و اشربه ایرانی آرایش یافته است ، بروی صندلی قرار گرفته و مشغول خوردن میباشند . خدمه های مخصوص سرگرم پذیرائی و مستحفظین اسبها ، در بیرون بحفاظت آنها مشغول میباشند .

۷- مجلس هفتم، نقاشی سمت بالای پشت قاب آینه است. در این مجلس، تزار روی اسب سفید سوار شده و دو شاهزاده خانم با لباسهای زیبای فرنگی سوار بر کالسکه میشوند. مشایعت کنندگان روسی و ایرانی و چند توله سگ در کنار دیده میشوند. افق دورنمای شهر و قایق مسافر بر روی رودخانه، جلوه دل انگیزی دارد. در پشت سر تزار، رقم دارد. (عمل کمترین اسمعیل ۱۲۷۰)

۸- مجلس هشتم یعنی وسط پشت قاب آینه تصویر سلطان عثمانی است که سوار بر اسب شده و جنگجویان و سربازان و فرماندهان قشون در کنار وی دیده می شوند چند عراده توپ در اطراف جلب نظر میکند.

۹- آخرین مجلس یعنی پائین پشت قاب آینه، منظم سربازان و فرماندهان است که با استراحت نشسته و توپها بطرف کشتی که در حال آمدن است آتش گشوده اند. کشتی بزرگ که چرخهای بزرگی دارد متقابلاً "بطرف آنها شلیک میکند.

حاشیه گیری و تذهیب کناره های قلمدان و مجالس متنوع آن بهمان شیوه آقا اسمعیل آذین گشته و پر حلاوت می باشد.

دو اثر ارزنده هنرمند، در موزه BERN HISTORICAL MUSEUM قرار گرفته که مشخصات و امتیازات هر دو اثر را B.W. ROBINSON در مجله JOURNAL OF PERSIAN STUDIES و کتاب آلمانی VON BOURCHARD BRENTINGES DIE ARABER مفصل یاد کرده است.

۲۰- دیگر از آثار نفیس آقا اسمعیل در این موزه، جعبه روغنی نفیسی بابعاد $۱۱/۶ \times ۲۶/۳ \times ۳۲/۳$ سانتی متر است که بشماره ۷۱/۱۳ مضبوط میباشد.

در این اثر کم نظیر، مناظر مختلفی از جنگ هرات و ترکمنان باستانی نقاشی شده و فریبنده می باشد. در رویه جعبه، منظره میدان جنگ هرات است که قشون و سربازان جنگی طرفین بمنازعه پرداخته و در حال نبرد می باشند. منظره شهر هرات و ساختمانها و گنبدها و مناره های مساجد و برج و با روی شهر از دور جلوه تابناکی دارد. محمد شاه بعبار فرماندهان، در وسط معرکه قرار گرفته و بنزاع مشغول است. نمود خوش تراش اسبها و قیافه تنومند فیلهای جنگی و مناظر چادرها و سورات جنگی طرفین و قشون منظم احتیاط ایرانی که هنوز فرمان حمله را دریافت نکرده اند، باستانی نقش بسته است. آرایش و پرداخت صحنه جنگی و افق وسیع میدان رزم و ارائه تمام عوامل موجود در صحنه، بقدرت و خیرت تمام عربان گشته و رقم دارد. (اسمعیل نقاشی ۱۲۸۲)

در روبرو و باصطلاح پیشانی جعبه، صحنه صف آرائی قبل از شروع نبرد است که محمد شاه ایستاده و با رجال و فرماندهان جنگی صحبت میکند. خیل سواران و پیاده نظام جنگی در کناره صحنه بردیف قرار گرفته و در مقابل، توپهای سنگین است که با خدمه مخصوص آماده حمله می باشند. در گوشه سمت چپ، دو اسب سلطنتی، در جمع سایر رزم آوران جنگی دیده میشوند. در دو کتیبه کوچک بزرگ تصویر نوشته شده:

(تصویر صف آرائی کردن محمد شاه قاجار طاب ثراه)

تصویر پشت جعبه، محاربه ایرانیان در غوریان است که در زیر صفحه نوشته:

(تصویر جنگ محمد شاه قاجار طاب ثراه در غوریان)

در این نبرد دو لشکر متخاصم بهم تاخته و بجنگ و گریز مشغولند. افق دور و ساختمانهای زیبای شهر دیده میشود. خیل اسبان جنگی و نبرد دلیرانه ارتش ایران به شیوائی مجسم شده و گرد و خاک غلیظی

فضای میدان را فرا گرفته است. در گوشه چپ، محمد شاه سوار بر اسب سفید شده و بهمراهی فرماندهان جنگی نظاره گر میدان نبرد است.

ردیفهای مجهز سواران و افسران احتیاط که بانتظار فرمان پادشاه ایستاده اند، جلوه خاصی دارد زیبایی و عظمت تابناک صحنه رزمی بدیع و شایان تحسین است.

تصویر طرفین جعبه، نبرد با ترکمنان یاغی شهرگراگان است. در طرف راست جعبه، ترسیم میدان منازعه است که اسرای دست بسته ترکمنان را بحضور محمد شاه آورده و شاه قاجار با شاره و عتاب با آنها صحبت میکند. منظره رزمی و جماعت درگیر در منازعه و صفوف منظم ارتش ایران وارسته است، در ۱۲ بیت مختلف که ما وقع صحنه میباشد، این اشعار نوشته شده است.

در سمت چپ نیز، همان میدان رزم ترکمنان است که سرهای بریده زیادی پیش پای محمد شاه ریخته و عده زیادی اسرای دست بسته در پیش محمد شاه بانتظار سرنوشت ایستاده اند.

فرماندهان و رجال و شاهزادگان شرفیاب حضورند و جنگ و گریز و رشادت سربازان ایرانی در تمام نقاط میدان رزم به استادی نقش بسته و بسیاق منظره دست راست، اشعاری هم در این صحنه کتابت شده که چنین می باشد.

تصویر چپ جعبه:

- ۱- چو شهریار جوان خواست نظم دولت و دین
- ۲- کمر بست به نظم جهان، سپه سالار
- ۳- سپه کشید و در فتنه بست و قلعه گشاد
- ۴- نماند فتنه و آشوب در بلاد و دیار
- ۵- به چشم ترکمنان، تنگ شد زمانه چنان
- ۶- که راه دم زدن آنجا (ناخوانا) پاک شده
- ۷- بسوخت آنکه ز آثار حق (ناخوانا)
- ۸- که بر نیارد از این پس، درخت حنظل بار
- ۹- ز پیش آب و ز پس آتش، این عجب باشد
- ۱۰- کز آن میانه کسی زنده جان برد، بکنار
- ۱۱- بدشت گرگان، گرگان آدمی خوارند
- ۱۲- نغوذ بالله، از آشوب گرگ آدم خوار

تصویر دست راست جعبه:

- ۱- اگر شجر بنشانی در آن زمین، تا حشر
- ۲- سر بریده شود، برگ و بار آن اشجار
- ۳- بدفع گرگان، شیری چنین همی باید
- ۴- که شرزه شیر ز شمشیر او کند زنهار
- ۵- چنین هژ بر بیاید، بدفع گرگ دمان
- ۶- چنین ز مرد بیاید به جذب دیده دمار
- ۷- چنین امیر بیاید، بکارهای چنان
- ۸- چنین نهنگ بیاید، به قلمز و خار
- ۹- ز بخت شاه، بود این خجسته فتح بزرگ
- ۱۰- (ناخوانا پاک شده)
- ۱۱- هزار ملک مسخر کند، بدولت شاه
- ۱۲- (پاک شده) سپه سالار

کناره ها و آذین بندی زیبای اطراف مجالس، زیبا و پر مهارت می باشد.

در گوشه هر صحنه، دسته گلهایی زیبایی تمام آرایش یافته و ستودنی است. این جعبه در نوع خود از بهترین کارهای آقا اسمعیل بوده و بسیار چشم نواز می باشد.

۲۱- از آثار محمد اسماعیل در موزه BERN HISTORICAL MUSEUM

قاب آینه نمره ۷۳/۱۳ در اندازه $۱۷/۳ \times ۲۷$ سانتی متر است که در حقیقت آخرین اثر تاریخ دار آقا اسماعیل میباشد. در رویه قاب آینه و در داخل یک مدالیون بیضی شکل بزرگ، تصویر نشسته محمد شاه بروی تخت سلطنتی است. که با آرایش لباس و کلاه پادشاهی دوزانو نشسته و ناصرالدین میرزا و وزراء و رجال و مشاهیر مملکتی در اطراف وی جا گرفته اند. حاشیه و کناره تصویر پر گل و تذهیب بوده و به نیکوترین وجهی آذین گشته است، در طرف دیگر، شمایل مولا علی علیه السلام در کمال فخامت و صلابت تصویر شده و در دو مدالیون کوچکتر پائینی حسنین قرار گرفته اند.

فرشتگان زیبا، در هیبت دختران پر آذین در بالا سر حضرت و در کناره ها قرار گرفته و اشعاری در

کتابهای کناره جدول نوشته شده که چنین می باشد :

- ۱- صورت شیر حق، ولی خداست
- ۲- یا که آئینه خدای نماست
- ۳- دید چون عقل، نقش روی علی
- ۴- گفت آینه جمال خداست
- ۵- مظهر نور حق، جمال علی است
- ۶- واندر اوسر صنع حق، پیدا است
- ۷- آنکه از پرتو شمایل او
- ۸- جرم خورشید را فروغ و ضیاست
- ۹- باعث خلقت زمان و زمین
- ۱۰- ذات او گرچه نیست ذات خدای
- ۱۱- نقد بنده نقوش ارض و سماست
- ۱۲- لیک این در پاک، از آن دریاست
- ۱۳- گرد نعلین قنبرش ز شرف
- ۱۴- روشنی بخش دیده حور است
- ۱۵- ذوالفقاش بدست از در در
- ۱۶- همچو در چنگ شیر، از درها است
- ۱۷- دیده بخت شاه ناصر دین
- ۱۸- تا که بر این شمایل زیباست
- ۱۹- جاودان از جمال دولت او
- ۲۰- چشم بد دور و کور و نابیناست

رقم نقاش داخل ترنجی در پائین صفحه دیده میشود که چنین است :

(محمد اسمعیل نقاشبازی ۱۲۸۸)

۲۲- گو اینکه تمام مایه‌های تصاویر روغنی یا برنگ می باشد ولی آثار آبرنگی محمد اسمعیل فوق العاده اندک بوده و بیش از سه اثر آبرنگی رقم دار، اثر دیگری از او ندیده‌ام. یکی از این تصاویر، صورت یوحنا معروف بود که بهمان شکل و قیافه و حالت بهت و حیران نقاشی شده و رقم داشت :

(عمل کمترین اسماعیل نقاشبازی)

مجموعه شماره ۱

۲۳- دیگر شمایل زیبا و استادانه‌ای در زمینه سفید بود و رقم داشت : (رقم اسمعیل نقاشبازی ۱۲۸۱)

۲۴- سومین اثر آبرنگی محمد اسمعیل که پرداز پر قدرت داشت، تصویر محمد تقی خان پیشخدمت بود که کلاه و ریش تویی و یقه بلند لباس چشم نواز و پرداز صورت در انتها درجه بود و رقم داشت. (مقرب الخاقان محمد تقی خان پیشخدمت شاهنشاه روحنا فداه عمل اسماعیل)

اندازه ۳۵ × ۴۰ سانتی متر

۲۵- دیگر تصویر آبرنگی ناصرالدین شاه در بریتیش میوزیوم با رقم : (کمترین خانزاد اسماعیل ۱۲۷۰)

۲۶- دیگر از آثار ارزنده و بی همتای آقا اسمعیل، ۲۴ گرده قاب آینه و قلمدان در مجموعه نگارنده است که از هر حیث پر ارزش و قابل توجه است.

یکی از آنها گرده مجلس مهمانی مجلل و با شکوهی است که در اغلب آثار آقا اسمعیل ارائه و تصویر شده است. دیگر، گرده رویه قلمدانی است که مجلس شادی آور عروسی را به نحو استادانه‌ای سوزنی کرده و در قالب رویه قلمدان، گرده کاری کرده است.

تصویر شماره (۲۴) ۶ (۱۵)

۱۳۰- اسماعیل آشتیانی

فرزند شیخ مرتضی آشتیانی و از شاگردان پر استعداد کمال الملک معروف بود. این هنرمند در چهره سازی و انتخاب رنگها مهارت داشت و آثار گوناگونی نیز بیادگار دارد.

در کاتالوگ گالری مهر شاه بمناسبت نمایشگاه آثار کمال الملک و شاگردانش که مقداری از آثار خود نقاش نیز بنمایش بود، احوال مستند استاد نامی خود را به بهترین وجهی ارائه داده که شایان توجه بود. استاد آشتیانی در شعر نیز دست داشت و شعله تخلص مینمود.

از آثار ارزنده نقاش، تابلوی خواب درویش و چند تصویر از چهره هنرمند است که در نوع خود بسیار استادانه میباشند.

۱۳۱- اسماعیل جلایر بن حاجی محمد زمان

اسماعیل جلایر فرزند حاجی زمان خان از نقاشان طراز اول دوره ناصری بود و در تصویر و چهره پردازی دست پر مهارت داشت. او نقاشی را در مدرسه دارالفنون و زیر نظر زبده‌ترین استادان زمان یاد گرفته و در حد خود استادی تام العیار شده بود و دوستعلی معیر از رجال عصر ناصری درباره وی چنین مینویسد : ناصرالدین شاه سالی یکبار ببازدید مدرسه دارالفنون میرفت و شاگردان در حضورش از رشته‌های مختلف امتحان میدادند. یکی از روزها، شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم آقا میرزا اسماعیل نقاش معروف به جلایر را که مردی بسیار خوشرو و شوخ طبع و در فن پرداز و کپی استاد بود، با پرده بزرگی که از شاه و جمعی از وزراء ساخته بود بحضور آورد. شاه پس از آنکه مدتی دراز به پرده نگریسته و تعجب بسیار کرد، اعتضاد السلطنه پیش رفته، شرحی مبنی بر استعداد و قابلیت آقای جلایر ایراد نمود و در پایان مطلب عرضه داشت، اما افسوس که جلایر مجال اتمام سخن را بشاهزاده نداده تعظیمی نمود و عرض کرد، هشتاد تومان هم مقروض است، در صورتیکه چون میرزا اسماعیل عادت بافیون داشت، اعتضاد السلطنه میخواست بگوید که افسوس تریاک میکشد. شاه را هوش و گفته جلایر پسند افتاد و پانصد تومان انعام مرحمت فرمود.

جلایر در اغلب رشته‌های هنری، از قبیل آبرنگ و سیاه قلم و نقطه پرداز و شبیه سازی پر استعداد بود و در نقاشی‌های رنگ و روغنی و قلمدان سازی نیز دست پر مهارت داشت.

عمده آثار شیوای جلایر، بسک خاص سیاه قلمی خود که پرده سبک رنگ سفیدی را در بطن سیاهی سایه‌ها جلوه‌گر میکرده انجام یافته و در نوع خود متمایز گشته است. در این زمینه معیر الممالک چنین مینویسد :

فن او شبیه سازی و پرداز بود و گاه دورنمایی از روی طبیعت میساخت. رنگهای نسبت زنده و تازه بکار میبرد عکسها و گراورهای بی رنگ را نیز با پرداز رنگ آمیزی میکرد و نیکو از عهده بر میآمد. هر وقت دماغی داشت بر سبیل تفریح از خط خوش و ... مشهور تقلید میکرد. بدین معنی که بامداد کلمات را نقاشی میکرد و بعد آنرا بوسیله قلم و رنگ میپرداخت. روزی قطعه‌ای را که از شعر معروف سعدی (بمع الممی بکماله الی آخر) بخط جلی تهیه کرده بود نزد پدرم آورده گفت : جناب خان ملاحظه فرمائید که میر و خطاطان دیگر را خط کرده‌ام ! برآستی در ظاهر چنین مینمود ولی در واقع بجای قلم قلم مو و بجای مرکب رنگ بکار رفته بود.

در زمانی که شاهزاده اعتضاد السلطنه وزارت علوم را بر عهده داشت آقا میرزا اسماعیل جلایر در مدرسه دارالفنون صاحب کار گاه بود. هم پرده میپرداخت و هم شاگردان را تعلیم نقاشی میداد.

جلایر آثار رنگ و روغنی خود را با رنگهای شاد و زنده تصویر مینمود و بعضی اوقات از رنگ سیاه و سفید استفاده می‌جست و رنگ و روغن را بسایق سیاه قلم جلوه‌گر می‌ساخت، او زمینه آثار خود را با گل و برگهای شاد و زنده و ابتکار مخصوص پر کرده و جلوه اثر را دوچندان مینمود.

بیشترین و ممتازترین اثر او شمایل‌های گوناگون بود که در اندازه و سبکهای مختلف ارائه شده بود. در زمینه ایمان و اعتقاد باطنی به مولای متقیان علی علیه السلام، ارادت خالصانه داشته و اغلب

موضوعات هنری را از بین اقطاب و اخوان صفا و قلندران پاکباخته انتخاب و ترسیم مینمود. میرزا اسماعیل اغلب آثار ناخواسته خود را که مورد دلخواهش نبود پاره کرده دور می انداخت. شادروان فتحی در مجله شماره ۵۹ مجله نگین سال ۱۳۴۹ در این مورد چنین مینویسد:

((چون مرحوم اتابک وسواس جلایر را در مورد پاره کردن نقاشی ها می شنود، او را بیارک خود دعوت کرده و بعنوان مهمان از او پذیرائی مینماید و به نوکران خود دستور میدهد که اگر استاد موقعیکه نقاشی خود را بعلت دلخواه نبودنش به جلو و عقب می برد و در حال خیره شدن استفورا "کار را از جلوش بردارند و دیگر پس ندهند. بدین وسیله موفق میشوند تعداد کمی از کارهای او را از خطر نابودی نجات بدهند))

جلایر خط نستعلیق را خوش مینوشت و از روی خطوط میرزا غلامرضا خوش نویس باشی مشق کرده با قلم مو نقاشی میکرد. در یکی از آثار موجود در مجموعه نگارنده که به لاتین امضاء کرده معلوم میدارد در کتابت لاتین نیز دست داشته است. جلایر در هیچ یک از آثار خود بغیر از دوائر تاریخ قید نکرده و بدین جهت سنوات فعالیت هنری وی نامعلوم مانده است. ولی آنچه از آثار باقی مانده وی معلوم میگردد، نشان میدهد که جلایر در دوره سلطنت ناصرالدین شاه در هنر خود درخشیده و بین سالهای ۱۲۸۵ الی ۱۲۹۰ وفات یافته است (تصویر شماره ۱۷) **جلایر و روستا**

از آثار اصیل و فراوان وی دیده ام:

۱- مجلس چای خوری مفصل و تماشائی بود که بسان قصه معروف یوسف و زلیخا تصویر شده بود. در این مجلس شاد و پر مسرت، همه زنان و دختران حاضر صحنه با پوشش تمام عیار ایرانی از قبیل شلیته و نیم تنه و چارقد و جوراب بلند ملبس بوده و خود را بشیوه زمان آراسته بودند. در این اثر که در حقیقت مجلس یوسف و زلیخا بسبک خاص جلایر بود، ده دوشیزه جوان و دلربا و یک پسر بقیافه یوسف دیده میشوند.

یوسف با حالتی پر تمنا و شرمساری دست دراز کرده و صراحی شراب را از دست زلیخا دریافت میکند. زلیخا که تمام عیار به لباس پریرویان افسانه ای ملبس است، کلاه مرصع زیبائی بسر گذاشته و زلفهای خود را از زیر کلاه بیرون ریخته و با حالتی عاشقانه صراحی را بدست یوسف میدهد، شلیته دو طبقه ای و چین دار زلیخا و همچنین ساق بلند زیبایش جلوه خاصی دارد. باقی دختران که زیبائی افسانه ای داشته و بهمان عیار زمان، لباس پوشیده اند بخوردن چای مشغولند.

سرپرست دختران که چادر مشکی به زیر چارقد دارد قلبان میکشد و زیبا روی دیگری در سمت راست تار مینوازد. زمینه و افق دور تابلو، باغ پر درخت و پر گل و برگی است که بسبک خاص جلایر نقاشی شده و دلنواز می باشد. در وسط مجلس، سماوری با قوری سفید و تمام سورات چایخوری از قبیل فنجان و نعلبکی و قندان پرقند نقاشی شده و در اطراف وی سینی های پر از نارنج و انار و گلایبی و خیار سبز و هنداونه دیده میشود که باستانی تمام تصویر گشته و بخط زیبای نستعلیق رقم گذاشته: اسمعیل - (غرض نقشی است کز ما باز ماند)

اصل این تابلو در موزه ویکتوریا آلبرت لندن می باشد. تصویر شماره (۲۲)

۲- اثر دیگر، دو تابلوی زیبا بخط نستعلیق استادانه شش دانگ دیدم که نام و القاب و تعاریف امین السلطان اتابک بود، زمینه هر دو اثر بسبب انحصاری نقاش از گل و برگ و گیاهان افشان پر شده و در بعضی جاها صورت انسان و حیوان نیز علاوه گشته بود. هر دو اثر بخط زیبا رقم داشت: (اسماعیل)

۳- آبرنگ دیگر، شمایل آبرنگ تیره ای کمرنگ فوق العاده بود که در وسط، حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام با حسنین نشسته و زمینه نقاشی نیز بطرز افسانه ای پر حالتی، از گل و برگ و درخت بسان سبک خاص نقاش آرایش شده بود و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت. مجموعه شماره ۱

(رقم کمترین فدویان اسمعیل جلایر)

۴- دیگر، تصویر زیبا و زنانه نورعلی شاه بود که با کلاه و لباس درویشی روی تخته پوستی دو زانو نشسته است. این اثر که در موزه کاخ گلستان مضبوط است، رقم دارد: (راقمه الحقیق اسمعیل)

۵- اثر دیگر هنرمند، تصویر زیبا و زنانه نور علی شاه در موزه هنرهای تزیینی تهران است که نور علی شاه در وسط باغ پر گل و ریحانی نشسته و عصای مرصع خود را بدست گرفته است. او کلاه مخصوص درویشی بسر گذاشته و زلفهای خود را بروی گردن ریخته است. این اثر زیبا رقم دارد. (اسماعیل)

۶- اثر ممتاز دیگر هنرمند، تصویر رنگ و روغنی شمایل زیبا و استادانه ای که حضرت علی علیه السلام در وسط نشسته و حسنین در اطراف وی قرار گرفته اند، قنبر معروف و یکی از صحابه نزدیک پیغمبر با احترام در پشت سر ایستاده اند.

این اثر با رنگ ملایم سفید و مشکی در هم نقاشی شده و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت: (اسماعیل)

۷- تابلویی که تلفیق خط و نقاشی بود، در موزه هنرهای تزیینی تهران دیدم که اندازه ای در حدود ۵۰x۸۰ سانتیمتر داشت. در این تابلو که هنر خط را به شیوائی تمام با نقاشی تلفیق کرده بود، دو بیت از اشعار سعدی بود. این اشعار که در چهار سهم و بخط نستعلیق شش دانگ کتیبه ای زیبا تحریر شده کلا " از نقره ناب بود. در سطر اول عبارت (هنر بچشم عداوت) بچشم میخورد که در سمت راست آن منظره قهوه خانه و بساط سماور و قوری و سایر متعلقات بود که مشتریان در اطراف وی قرار گرفته بودند و در قسمت بالای خط، زنی تار می نوازد و زن دیگری در کنار نشسته و با هتنگ آن گوش میکند. در سمت چپ، مجلس عیش و طربی است که زنان دور هم نشسته و بپاده گساری مشغولند. سطر دوم که عبارت (بزرگتر عیب است) باستانی تحریر شده و در قسمت چپ بالای آن، مجلس باشکوه زورخانه است که جماعتی از ورزشکاران به میل بازی و چرخش و شنا بروی تخته سرگرمند، در پایین نقاشی، مجلس چایخوران و بحث مشتریان است که باستانی ترسیم گشته است.

در سطر سوم، عبارت (گل است سعدی و در چشم) بچشم میخورد که بهمان شیوه بالا کتابت شده و زن و مردی روبروی هم نشسته و بمنازعه و گرفت و گیر شیر و آهو که در قسمت چپ تابلو نقاشی شده نظاره مینمایند.

آخرین سطر که عبارت (دشمنان خار است) بعنوان ختم مقال نوشته شده، در زیر آن، دو نفر شکارچی بخیل حیوانات و درندگان که در صحنه شکار دیده میشوند نظر انداخته و برای شکار آنان کمین کرده اند. رقم نقاش بخط زیبای نستعلیق چنین است:

(هولعزیز الوهاب حسب الفرمایش سرکار رافت مدار آقای محترم حاجی میرزا عبدالوهاب تاجر از روی خط استاد الاساتید در عهد دولت ابد مدت شاهنشاه جمجاه ناصرالدین شاه آقای آقا میرزا غلام رضای خوش نویس باشی نقل شد.) (عمل اسمعیل جلایر)

۸- تصویر رنگ و روغنی میرزا حسین خان سپه سالار بروی اسب است که باندازه تقریبی ۷۵x۹۰ سانتیمتر میباشد. در این اثر استادانه، صورت تصویر را در شیوه امپرسیونیسم و با تکه رنگهای گوناگون تصویر کرده و از پرداز همیشگی خبری نیست.

سپه سالار کلاه پوستی بسر گذاشته و ریش و سیل کم پشت دارد. مدالها و پاگونها و یراق و ملیله دوزی اطراف لباس بطرز بارزی ارائه شده و حمایل سبز رنگش بریز مدالها مستور مانده است. اسب در نهایت استواری نقاشی شده و پیچش عضلات زیبای حیوان، بنحو بارزی نمودار گشته است. در افق تابلو، بغیر از تصویر نیلگون هوا که مختصر ابری ترسیم شده، زمین خاکی با گلهای رنگارنگ و علفهای هرز و وحشی و قدری دورتر، منظره درختان باغ و چند کلبه دهقانی به نیکوترین آرایشی تصویر شده و رقم دارد.

(عمل نقاش دولت علیه ایران اسمعیل بن المرحوم حاج زمان خان جلایر)

۹- سیاه قلم پرداز ناصرالدین شاه بروی اسب با رقم اسمعیل بدون تاریخ. موزه هنرهای تزیینی تهران
۱۰- تصویر رنگ و روغنی (ذبح اسمعیل) در سیاه قلم و ابعاد تقریبی ۱۲۰ x ۲۲۰ سانتی متر مضبوط در موزه هنرهای تزیینی. در این اثر ارزنده، حضرت ابراهیم و اسماعیل و سایر ملائکهها بطرز زیبایی نقاشی شده و قوچ مرحمتی نازل شده از درگاه باری تعالی، در زمینه پر گل و برگ درخت، جلوه خاصی به اثر بخشیده است.

۱۱- تصویر رنگ و روغنی سیاه و سفید (ذبح اسماعیل) که مختصر آبی کم رنگی بآن علاوه شده جلوه آنرا روحانی تر کرده است. در این تابلو، حضرت ابراهیم و اسمعیل و خیل ملائکهها در کمال دلربایی و استادی نقاشی شده و رقم دارد. (اسمعیل)

۱۲- تصویر رنگ و روغنی ذبح اسماعیل در ابعاد بزرگتر است که صورتها و آرایش حضرت اسماعیل و ابراهیم و جماعت ملائکهها با استادی نقش بسته و رقم اسماعیل دارد. مجموعه نگارنده.

۱۳- تصویر آبرنگی ناصرالدین شاه است که بروی صندلی نشسته و کلاه جیفه‌ای پرداز سلطنتی بسر گذاشته است. نیم تنه ساده ترمه‌ای قرمز بتن کرده و گردن بند مرواریدی گرانبها آویزان نموده و حمایل آبی خوش رنگی بروی لباسهای زیری انداخته است. نشان اقدس خورشیدی و کمربند الماس نشان وی از زیر لباسها جلوه‌گر است. شمشیر مرصع زیبا بروی دو پا قرار داده و شلوار سیاه و جورابه‌های آبی بپا کرده و رقم دارد.

(رقم اسمعیل جلایر سلخ ربیع الثانی سنه ۱۲۷۹)

۱۴- تصویر رنگ و روغنی اتابک امین السلطان است که روی صندلی نشسته و لباس ترمه‌ای آویزه‌دار منگوله‌ای قفقازی بتن کرده است. حواشی لباس مروارید دوزی شده و نشان جواهر نگار تمثال ناصری بسینه آویخته است.

ارائه منبت کاری کلاسیک سبک فرانسوی صندلی و پارچه‌های آبی سیر آن و گلدان پر گل چینی و معجزهای چوبی و کاشی‌های آبی صیقل یافته اطاق و تصویر فرش اطاق استادانه است.

در افق دور و در فضای آبی خوش رنگش، درختان نارنج و ترنج و میوه‌های دیگر نقاشی شده و بخط نستعلیق مشکی مخصوصی که گرده سفیدی در اطراف دارد چنین نوشته است.

فیض روح القدس ار یاد مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

در زمینه باغ و بین گل و گیاه و درختان، شیر و خورشیدی شمشیر بدست نقاشی شده و روی شیر بخط نستعلیق کلمه (زمانداری) و در زیر آن نوشته شده:

(این فرد شعر حافظ فیض روح القدس از روی خط حضرت مستطاب اجل امجد ارفع جناب امین السلطان روحی فداه نوشته شد. همین قطعه تصویر از روی آن چهره مشق شده است)

۱۵- از آثار رقم دار قلمدانی جلایر که بسال ۱۹۷۸ در حراج ساتبی لندن بمبلغ گزافی فروش رفت، قلمدان نفیسی بود که مقداری از آن، توسط مرحوم محمد حسن خان نقاش لال افشار تهیه شده و مابقی آن بدست اسماعیل جلایر اتمام یافته است.

در صحنه‌ای از قلمدان، منظره پر گل و بوته‌ای بسان باغ پر طراوت و دلنوازی ارائه شده و دو دختر زیبای ایرانی در وسط آن جلوه‌گر گشته‌اند. در بین خرمن گلها، بخط زیبای نستعلیق چنین نوشته است: (این قلمدان معروف کار مرحوم نقاشی لال است که دو صفحه بهشت و دوزخ و جنگ ناپلئون کار آن مرحوم است و باقی آن ناتمام مانده بود. باقی مانده را که جنگ هرات است با این صفحه و بعضی فقرات دیگر باتمام رسانید. راقمه العبد المصور المذكور فی یوم یکشنبه هشت شعبان ۱۲۹۶)

بطوریکه اسماعیل جلایر نوشته، رویه آن، منظره بهشت و دوزخ و ترازوی عدل الهی است و در طرفی از کناره‌ها صحنه جنگ ناپلئون است. قسمت دیگر که واقعه‌ای از جنگ هرات است و بدست اسماعیل جلایر انجام یافته، صحنه کارزار طرفین است که با آرایش جنگی، روبروی هم ایستاده و در پیشاپیش ارتش ایران محمد شاه و حاج میرزا آقاسی و سایر امرای لشکر دیده میشوند. این قلمدان در نوع خود از نفایس هنری زمان بوده و بی نظیر می‌باشد.

۱۶- دیگر اثر شبیه سازی جلایر، تصویر غلامرضا خان ندیم باشی است که با لباس و کلاه دوره قاجاری نقاشی شده و در زمینه درخت و برگ و میوه‌های مختلفی از قبیل سیب و گلابی به استادی تصویر گشته است.

۱۷- چند آثار بنوشته شادروان نصرالله فتحی در مجله نگین شماره ۱۹ سال ۱۳۴۹.

۱- شمایل سیاه قلم حضرت امیر و حسنین و ابوذر غفاری.

۲- صورت سیاه قلم پرداز، مشتاقعلی شاه کرمانی در حال نشسته و قلیان بدست با ابعاد ۱۱/۵ x ۱۸/۵ سانتی متر

۳- صورت سیاه قلم پرداز، باباطاهر در حال نشسته با همان قطع

۴- صورت سیاه قلم باباطاهر عریان، با همان قطع ب فکر فرو رفته و زانو در آغوش کشیده.

۵- صورت سیاه قلم پرداز، میرزا هدایت وزیر دفتر به قطع ۹ x ۱۵۹۵ سانتی متر.

۶- صورت سیاه قلم پرداز ناصرالدین شاه در سن جوانی ایستاده با کلاه مشکی نوک تیز بقطع

۱۴ x ۱۷ سانتی متر

۷- صورت سیاه قلم پرداز یک نفر کلاه دوز، با دستگاه کلاه مالی بقطع ۱۴ x ۷۱ سانتی متر.

۸- تابلو رنگ و روغنی بزم ماشا الله بیک نام که مجلس عیشی است با مهربی چند بقطع ۱۹/۵ x ۳۱/۵ سانت.

۱۸- تصویر سیاه قلم اقطاب صوفیان بشرح ذیل، شیخ شمس الدین تبریزی - اوحدی شیخ سلطان با یزید - سید معصوم علی شاه - نور علی شاه - مشتاق کرمانی - باباطاهر عریان، با رقم اسمعیل جلایر ابن الحاجی زمان خان (کتابخانه گلستان تهران)

۱۹- از آثار زیبای منظره سازی و رنگ و روغنی وی از روی طبیعت، منظره چند درخت تکیده کم برگ است که در جمع گیاهان خودرو و در کنار جوی آبی روان نقاشی شده است. در این تصویر تپه و ماهور و فضای باز آسمان و افق زیبای آن بزیبایی تصویر شده و بخط لاتین رقم دارد:

موجود در مجموعه نگارنده
E-Jalayer

۱۳۲- اسماعیل خوئی - الله قولی

درویش اهل خوی بود و در نقاشی دست داشت.

از آثار رقم دار وی دیده‌ام:

۱- تصویر اول، شمایل علی علیه السلام به آبرنگ بود که حضرت در وسط نشسته و امام حسن و امام حسین علیه السلام در اطراف وی قرار گرفته‌اند. رقم داشت:

(عمل کمترین اسماعیل خوئی اله قولی ۱۳۰۱)

دیگر اثر هنرمند که آن نیز شمایل مولای متقیان و اصحاب نزدیک بود، تصویری شیرین قلم بود و رقم داشت:

(انا العبد الخوئی اقل المشایخ استاد الله قولی فی شهر شوال سنه ۱۳۰۳)

۱۳۳- اسماعیل سیاه - حکاک

حکاک و نگین تراش معروف دوره ناصری و به اسماعیل سیاه معروف بود. او از سال ۱۲۶۰ الی

۱۲۸۰ ه.ق. بشغل حکاکی و نگین تراشی اشتغال داشته و بهترین و زیباترین آثار نگین تراشی این زمان، اثر دست این هنرمند معروف میباشد.

۱۳۴- اسماعیل کاشانی

اهل کاشان و از استادان نقش آفرین بروی پارچه‌ها بود. از آثار نفیس و رقم دار این هنرمند، علم پارچه‌ای زیبایی که در وسط آن (سوره اذا جاء نصراله) به شیواترین خطی بافته شده و رقم داشت:

(عمل العبد اسماعیل کاشانی)

در حاشیه ترنج، این بیت اشعار تاریخ‌دار بچشم میخورد که نوشته بود:

رایت فتح ابد گردید تاریخ شروع رایت نصر من الله بهر اتمامش علم

۱۱۰۶

۱۱۰۷

معلوم است که بافت و تهیه علم، بمدت یکسال طول کشیده و بدست هنرمند، آرایش یافته است.

۱۳۵- اسمعیل موسوی

قلمدان ساز دوره ناصری و پیرو شیوه آقا ابراهیم و صنایع همایون بود. در تنها اثر رقم دار وی که تا حدی بزرگتر از اندازه قلمدان‌های عادی بود، تصویر درویشی، با کلاه و لباس مخصوص بود که ریش و سبیل پرپشت داشت.

دورنمای پشت تصویر، منظره خانه و دشت و دمن بود که زیبایی رسم شده و در زمینه آن، جماعتی از زنان زیبا و پیر زنی که دو کودک را مراقبت مینماید، دیده میشوند.

حواشی و دماغه قلمدان نیز، مجالس متنوع شکار و جنگل پر درخت، و تصاویری از حیوانات جنگلی داشت و رقم نقاش چنین بود:

(رقم اسمعیل الموسوی)

۱۳۶- اسمعیل میرزا

چهارمین فرزند از پنج پسر کیاوس میرزا است که در زمان سلطنت محمد شاه قاجار تولد یافته و به هنر تصویر سازی علاقمند بوده است.

از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان ابری خوبی دیدم که در رویه آن تصویر زنان طناز و زیبایی نقش بسته که همه لباس فرنگی پوشیده بودند و رقم داشت:

(اسمعیل میرزا)

دیگر اثر هنرمند، تصویر آبرنگی جوانی در قیافه هندی بود که حواشی مذهب و تشعیر استادانه داشت و رقم آن چنین بود:

(اسمعیل میرزا)

۱۳۷- اشرف بن محمد یوسف - بن محمد زمان بن حاج یوسف قمی

در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان (تهران) تصویر پرندگانی از قبیل قرقاول و کبوتر و لک‌لک و مجموعه‌ای از گل‌های الوان ارائه شده که بدست استاد پر مهرتی تصویر شده و رقم داشت:

(هو - به رقم اقل خلق اله ابن محمد یوسف اتمام یافت)

متأسفانه در این اثر، نام اصلی نقاش و تاریخ تصویر قید نشده و بنظر نگارنده، شاید نواده هنرمند معروف، محمد زمان باشد، که احوال آن در جای خود خواهد آمد.

از طرفی تصویر آبرنگی گل و مرغ زیبایی در موزه هنرهای تزئینی تهران است که رقم دارد:

(هو اشرف جان مشق کرد شعبان المعظم ۱۱۱۷ کمترین محمد یوسف)

اشرف زاده - سازنده قندیل از نیک موجود در موزه بریتانیا است که در زیر پایه رقم دارد (اشرف زاده سنه ۹۵۶)

بعید نیست همین نقاش که خود را بنام خلق اله معرفی کرده همین اشرف پسر محمد یوسف فرزند محمد زمان معروف باشد که از درج نام اصلی خود خودداری کرده است.

۱۳۸- اعتماد حضور

نقاش گمنام ناصری بود و در ترسیم تصاویر رنگ و روغنی و آبرنگ دست داشت.

از آثار رنگ و روغنی او دیده‌ام:

۱- تصویر نیم تنه امین السلطان اتابک بود که رقم اعتماد حضور بدون تاریخ داشت.

دومین اثر نقاش، شمایل مولای متقیان علی علیه السلام برنگ و روغن بود که تا حدی زیبا و استادانه بود. در این اثر رنگی، قنبر در حضور مولا ایستاده و شیر مستاصلی را که بحضرت پناه آورده و امان خواسته، نظاره میکند، رقم دارد. (اعتماد حضور) مجموعه نگارنده

۱۳۹- افضل الحسینی - میرافضل - افضل تونی

بنوشته نقاش، زاده شهر تون و از نقاشان دوره شاه عباس دوم بوده است

او در ترسیم تصاویر پیرو مکتب رضا عباسی بود و از شیوه او پیروی مینمود. افضل در ترسیم نقوش بزمی و رزمی و ارائه تصاویر عاشقانه دست شیرین داشت و در رنگ آمیزی و زیبا نگاری پر استعداد بود. آثار بجا مانده رقم دار وی عبارت است از:

۱- اثر اول، تصویر زیبای خفته ایست که توله سگ کوچک ملوسی به همراه دارد. او روی متکائی دراز کشیده و مختصری از شکم برهنه و شلوار گلدار و جورابهای خود را نشان میدهد.

دستها بزیر سر قرار گرفته و پاهای لخت خود را عریان ساخته، به دلربایی مشغول است. در زمینه، گلدان گل و کاسه و بشقاب نقاشی شده رقم داشت:

(رقم کمینه میرافضل تونی)

۲- اثر دیگر، تصویر مرد کشیشی است که کلاهی، بسان کشیشان مسیحی بسر گذاشته و صلیبی بدست گرفته است. حواشی تصویر، در عیار آثار رضا عباسی، برگهای سنبلی و چناری و رده‌های ابری داشت.

و رقم نقاش بزیر تصویر، چنین بود:

۳- سومین اثر رقم دار افضل، مینیاتور رزمی زیبایی بود که در صفحه ۱۱۵ کتاب خانم مارا اشرفی

بسال ۱۹۷۴ در شوروی چاپ و منتشر گشته است. این اثر که از کتاب شاهنامه، بخط زیبای محمد شفیع بن عبدالجبار ارائه شده، منظره میدان جنگی است که مبارزین مخاصم، بجنگ و گریز مشغولند. البسه

و ساز و برگ سربازان و آرایش صفوف و هیبت اسبان، عالی و استادانه است. زمینه تصویر، پر از سنگ ریزه و علفهای بیابانی است که به نیکوترین وجهی ارائه شده و رقم داشت:

(رقم کمینه افضل الحسینی سنه ۱۰۵۴)

۴- دیگر اثر نفیس وی، معاشقه دو دلداده است که با لباس و کلاه عمامهای صفوی، بروی بالشی منقش و رنگین لمیده و دست در دست معشوق نهاده است. در این اثر عاشقانه، دخترک عاشق، دو زانو

نشسته و دست معشوق را بدست گرفته و نوازش میکند. صراحی و پیاله شراب و ظرف انار پر، در کنار آنان دیده میشود. رقم دارد.

(هو رقم کمینه افضل الحسینی سنه ۱۰۵۶)

تصویر شماره (۱۸)

۵- نقاشی دیگر، درویشی در مانده و نیمه برهنه است که ریش انبوهی داشته و دستار نازک بسر کرده است. چند زنجیر کوچک به دست و پا زده و در حالت ناراحتی نشسته و کلاه از سر گرفته و بزمین

کوفته است. مختصر آتشی در مقابل می‌سوزد. رقم دارد. (مشق بنده اقل افضل)

۱۴۰- الله وردی نقاش افشار

برادر کوچک علی اشرف معروف و از طایفه افشار ارومیه است .

اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار، راجع به الله وردی چنین مینویسد :

((ابوالحسن افشار خلف استاد الله وردی نقاش بوده و در صنعت نقاشی و گل و بته سازی و رنگ آمیزی مابین کارهای او و عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور تمیزی ممکن نبود)) از این مختصر معلوم میشود که استاد علی اشرف برادر الله وردی بوده و با این طایفه نسبت فامیلی داشته است . الله وردی از نقاشان معتبر دوره زندیه و اوایل قاجار بود . و در رنگ و روغن و آبرنگ مهارت استادانه داشت . فرزند وی ابوالحسن افشار است که بنوشته اعتماد السلطنه، نقاش با کمال و صاحب هنر بوده و آثار او را عزیز خان سردار گل برسم ارمغان به تهران می فرستاده و در حدود ۵۰ تومان آن دوره بفروش میرسانده است .

اغلب هنر شناسان، این ابوالحسن را لال دانسته و او را با محمد خان افشار ارومی، پدر آقا بیگلر نقاش یکی دانسته و اشتباه کرده اند .

تنها اثر رقم دار این هنرمند که یادداشت نموده ام، عباس میرزای قاجار است که او را با صورت زیبا و تیپ نقاشی های دوران صفویه نقش کرده که در نوع خود بسیار جالب میباشد . او کلاه قرمز رزمی بسر گذاشته و بیراهن بلند و سبز پوشیده و کفشهایی شبیه نعلین بپا کرده . شال رنگی کرمانی بکمر بسته و جوراب قرمز پوشیده و سینه بند مرصع جواهر نشان بتن کرده است .

پوشش و آرایش وی، در حد یک شاهزاده قاجاری تام العیار، زینت یافته و هنر نقاش را بکامل ترین وجهی عرضه کرده است .

در روی یکی از دیوارها، بخط نستعلیق زیبای تیره رنگ، چنین نوشته :

(شبیه نایب السلطنه عباس میرزا دام اقباله)

و در پائین و جنب عصا نوشته شده : (رقم کمترین الله وردی افشار ۱۲۳۶)

۱۴۱- الماس

نقاش ناخنی زمان ناصرالدین شاه بود و در حرفه خود دست پر قدرت داشت .

از آثار وی دیده ام :

۱- اثر اول، تصویر ناخنی زیبای نور علیشاه بود که در قیافه و لباس درویشی روی زمین نشسته و تبرزین بدست گرفته بود . صورت زنانه و زیبای درویش جالب بود و بخط بدرقم داشت : (الماس ۱۳۱۰)

۲- دومین اثر هنرمند، تصویر ناخنی مولای متقیان علی علیه السلام بود که با وقار و متانت مخصوصی روی دوشکی دو زانو نشسته و شمشیر خود را بر روی پاها قرار داده بود .

لباس بلند و موج وی، باستانی ارائه شده و رقم داشت : (الماس) مجموعه شماره ۲

۱۴۲- امرالله - خواجه امرالله حکاک

خراسانی و هنرمند نگین تراش بود که فقط در کتاب بدایع الوقایع، مختصر احوالش را قید نموده

و چنین نوشته است :

((مولانا دوست محمد خراسانی، فرمودند که به خواجه امراله حکاک که در خراسان به فهم و هنرمندی مشهور است، از این فقیر مکتوبی نویسد))

معلوم میگردد، امرالله، در زمان خود، حکاک مشهور و نگین تراش نامی بوده است .

امام قلی در قلی آمده .

۱۴۳- امیر بیک ساوجی

بغیر از حبیب الله نقاش ساوجی است که احوال آن در جای خود خواهد آمد . در صفحه ۹۸ کتاب اکبرنامه خطی مجموعه نگارنده، راجع باین هنرمند چنین مینویسد :

((ساوجی - امیر بیک در نقاشی دستی داشت و گاهی شعر می سرود و این شعر از اوست)) :

خداوندا ز معنی تنگ دستم
ببخشائی که من صورت پرستم

۱۴۴- امیر خلیل - خلیل میرزا شاهرخی

نقاش گرانقدر و استاد پر مهارت قرن ۹ ه. ق. بود . این هنرمند که باسامی گوناگون (خلیل میرزا شاهرخی - امیر خلیل - خلیل اله و میر خلیل اله هروی) در زمان خود شهره بوده است، تربیت یافته دوران شاهرخی و مورد حمایت و تشویق بایسنغر میرزا و اهل هرات میباشد . دوست محمد هروی در دیباچه مرقد بهرام میرزا، راجع باین نقاش چنین مینویسد :

((بدستور بایسنغر میرزا هنرمندان وارد تبریز شدند و فرمود که بر اسلوب مرغوب جنگ سلطان احمد بغداد بهمان دستور عمل نمایند و تزئین و تصویر مواضع آنرا میر خلیل متعهد گردید .

و امیر خلیل در آن وقت بی بدل زمانه و در طریق خود وحید و یگانه بود و او را پادشاه مشارالیه

تربیت کلی نموده بود و روز بروز در مراسم رعایتش می افزود، چنانچه موجب حسد ارباب جاه و

جلال شده و از جمله وقایع احوال غریب تمثال امیر مشارالیه آنست که، شی در صحبت

پادشاه، بطریق ندما، مزاحی آغاز کرد، امر تقلید بجایی کشید که بی اختیار عقب موزه او بر

پیشانی پادشاه آمد و پیشانی آن حضرت بشکست و خون بر جبین مبارکش ریخت و چون خدم و حشم

و ساکنان آن مجلس فردوس رقم این واقعه را مشاهده کردند، گریبان صبر چاک زده، گرد سر پادشاه

گردیدند . در این اثنا، امیر خلیل زار و ذلیل فرار بر قرار اختیار نموده، پای از سر رفته، خود را

بیکی از حجره های چهل ستون که حضرت مولانا فرید الدین جعفر در آن حجره کتابت فرمودند،

رسانید و در را بر روی خود مستحکم کرده، ازوادی ندیمی گریخته، در پس زانوی ندامت نشسته،

پادشاه مرحمت پناه دید که آب روی سلطنت بر زمین ریخت و جهت دفع آن ترشح خاکستر ادبار

بر ناصیه اقبال بیخته شد، فرمود که ابواب آمد شد باغ رامسد و سازند، تا شمه ازین خبر بمسامع

والده من نرسد . بعد از آن، درباب رفع جریمه امیر خلیل کوشید و امیر مذکور را فرمود که حاضر

سازند، تا خاطر او ازین ممر آزرده و سر خجالت در گریبان تشویر فرو برده نباشد . مشاعل افروختند

و قنادیل سوختند و در اطراف آن باغ می انداختند تا که او را در حجره که مذکور شده یافتند . در را

از درون چون اهل جنون، مضبوط بسته بود . چون ملازمان، کمال التفات پادشاه را نسبت باو معلوم

داشته بودند، در را نشکستند و بخدمت پادشاه آمده کیفیت بعرض رسانیدند . آن سلطان صاحب

درایت، بقدم شفقت و عنایت بدر آن حجره آمر او را آواز داد، امیر خلیل در را گشاده در پای

آن حضرت افتاد . آن حضرت روی او را بوسه داده، همراه بقصر فردوس مثال خود آورده، در مجلس

بهشت آیین، انواع حرمت داری و دل جویی نمود، اشیاء حاضره مجلس را از نقره آلات و چینی

و امثال آن ادوات، با خلعت های فاخر که کیخسرو و جمشید بآن مفاخر توانند بود، بدو بخشیدند و

او را با شنائی مروت، از بحر شرمندگی بیرون آوردند

و قبل از آنکه جنگ بایسنغری با تمام رسد، پادشاه مذکور کشتی حیات را از ساحل زندگی در بحر مات انداخت و ولد بزرگوارش علاءالدوله میرزا، قدم برمسند فضیلت بروی نهاد و داعیه اتمام جنگ نمود و این جماعت را در کتابخانه جمع نموده نوازش کلی فرمود و در همین اوان از عقب خواجه غیاث الدین پیر احمد زرکوب، کسی بمملکت تبریز فرستاد. چون خواجه، حسب الحکم، کتابخانه را به یمن قدم و ارواق نقاشی را در هرات بلطف قلم معرز و مکرم گردانید و موضع چند از مواضع جنگ قلم گیری کرد و بالوان فتنه انگیز رنگ آمیز نمود و بخون جگر و آب دیده پاکیزه ابر شستمان فرموده با تمام رسانید.

امیر خلیل بدیده انصاف بر اطراف آن بساتین جنت اتصاف بگذشت، منصف و بصفت اتصاف متصف گشت و همت بر ترک تصویر گماشت و خود را از اندیشه آن معاف داشت.

در صفحه ۲۸۵ تزوک جهانگیری از آثار امیر خلیل تجلیل شده و بدین ترتیب یاد شده است:

((از نفایس و نوادر روزگار که خان عالم آورده، الحق از تائیدات طالع او بود که چنین تحفه بدست افتاده مجلس جنگ صاحبقران است با نقیمش خان و شبیه انحضرت و اولاد امجاد و امراء عظام را که در آن جنگ بسعادت همراهی اختصاص داشتند، کشیده و نزدیک بهر صورتی نوشته که شبیه کیست و این مجلس مشتمل است بر دویست و چهل صورت و مصور نام خود را خلیل میرزا شاه رخی نوشته، کارش بغایت پخته و عالی است و بقلم استاد بهزاد مناسبت و مشابهت تمام دارد. اگر نام مصور نوشته نبود، گمان میشد که کار بهزاد باشد و چون بحسب تاریخ او پیشتر است، اغلب ظن آنکه بهزاد از شاگردان اوست و بروش او متفق گشته، این گرامی تحفه از کتابخانه علیثین مکانی شاه اسمعیل ماضی و یا از حضرت شاه طهماست بسرکار برادر، شاه عباس انتقال یافته و صادقی نام کتابدار ایشان دزدیده، بدست شخصی فروخته، قضارا در صفاهان این مجلس بدست خان عالم می افتد و بشاه نیز خبر میرسد که او چنین تحفه بدست آورده و بهم رسانیده، به بهانه تماشا از او طلب میفرماید، خان عالم هر چند خواست که بلطایف الحیل بگذراند، چون مکرر بمبالغه اظهار فرمودند، ناگزیر بخدمت ایشان فرستاده، شاه بمجرد دیدن شناخته اند، روزی نزد خود نگاه داشته، غایتا "چون توجه خاطر مارا بامثال این نفایس میدانند که در چه مرتبه است، از خواستن نیز در کلی و جزوی بحمدالله که مضایقه نیست. حقیقت را بخان عالم ظاهر ساخته، باز بمشارالیه لطف نمودند. در وقتیکه خان عالم را بعراق میفرستادم))

دولتشاه سمرقندی در تذکره الشعراء راجع به مولانا خلیل چنین مینویسد:

(چهار هنرمند در پایتخت شاهرخی بوده اند که در ربع مسکون، بروزگار خود نظیر نداشته اند)

خواجه عبدالقادر مراغی در علم موسیقی

یوسف اندکانی در خوانندگی

استاد قوام الدین در مهندسی و طراحی

و مولانا خلیل مصور که ثانی مانی بود در نقاشی

اما ارزنده ترین سند دوران فعالیت امیر خلیل، عرضه داشتی بخط و انشاء جعفر بایسنغری است که در آن زمانها عهده دار و سرپرست جماعت هنرمندان کتابخانه بوده است. (۱)

در چهارمین سطور اصل سند، از امیر خلیل چنین یاد شده:

((امیر خلیل در موضع دریا، از گلستان، موج آب تمام کرده برنگ نهادن مشغول خواهد شد))

این عرضه داشت که اندازه اصلی آن ۱۲ x ۵۰ سانتی متر میباشد، بسال ۹ سپتامبر ۱۹۷۷ در مجله ترکی *SANAT TARİHI* بوسیله *M. KEMAL OZERGİN* در ۴۷

صفحه یعنی از صفحه ۴۷۱ تا ۵۱۸ و همچنین در مجله هنر و مردم شماره ۱۷۵ توسط آقای دکتر احد پارسای قدس در ایران چاپ و منتشر گردید. ما در اینجا گوشه ای از اصل سند و همچنین متن چاپ شده کامل آنرا که از مجله ترکی مزبور اقتباس کرده ایم درج مینمائیم.

آثار رقم دار وی عبارت است از:

۱- در صفحه ۱۳ خوش نویسان و هنرمندان تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هروی چنین آمده است:

((میر خلیل هروی نقاش معروف عصر بایسنغری و استاد نقاش اصیل هرات بوده که در زمان خود نقاش بی بدل بود)) از آثار او تصویری از امیر تیمور است که در صحرائی در خرگاه خویش نشسته و نزدیک خرگاه چند کله منار دیده میشود که کله های آدمی را بصورت منار، بالای هم وصل و بصورت منارهای بپا کرده اند و پیش روی امیر، یک عود نواز در حال نواختن میباشد. بین اسلیمی های حاشیه به امضای روشن و واضح چنین نوشته.

۲- اثر دیگر نقاش، تصویری در کتاب شاهنامه بود که اسفندیار با لباس رزم، بر اسب سوار شده و با شمشیر به دو گرگ زخمی حمله مینماید. زمینه استادانه جنگلی و ترسیم درختان گوناگون و کوهها و فضای ابری مینیاتور در خور تحسین بود و رقم داشت:

این اثر در توپ قاپو سرای بوده و اندازه آن ۲۸ x ۳۱/۵ سانتی متر میباشد تصویرشما ره (۲۷)

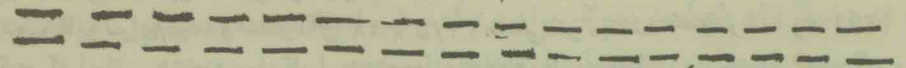
۳- اثر دیگری که از این هنرمند بیادگار است، تصویر مرد چاقی است که لباس قرمز رنگی بتن کرده و چکمه پوشیده و دامن خود را بدست گرفته است، این شخص که ریش سفیدی داشت، در شیوه کارهای استاد محمد سیاه قلم بود و نوشته بود:

(کار میر خلیل)

۱- این سند بخط و انشاء جعفر بن علی تبریزی بایسنغری از معروف ترین نستعلیق نویسان قدیم و تربیت یافته شاهرخ بن تیمور گورگانی و مورد توجه و حمایت شاهزاده هنر پرور بایسنغر میرزا (۸۵۲-۸۳۷) میباشد. که بالقاب فریدالدین - قبله الکتاب - کمال الدین معروف و موصوف بوده است. حاصل متن سند، ارائه گزارش کار هنرمندان کتابخانه است که هر یک بهر حرفه و فنی مشغول بوده اند. در این عرضه داشت، علاوه بر ارائه هنرهای مختلف و اصطلاحات مخصوص و قدیمی آن، اسامی و رشته تخصصی هر استاد را بنحوی بیان کرده است در سطر ۱۹ عرضه داشت، تنها نقاشان کتابخانه را ۵۷ نفر گزارش داده که اسامی و احوال خیلی از آنها بر ما مکتوم است و اگر استادان دیگری از قبیل خطاطان و قطاعان و وصالان و مجلدان و سنگ تراشان و غیره را نیز در نظر بگیریم، تعداد هنرمندان صاحب نام کتابخانه بالغ بر دویست و اندی خواهد بود، که متأسفانه به احوال اغلب آنها آگاهی نداریم. سند مزبور حالیه در آلبوم فاتح موزه توپ قاپوسرا مضبوط بوده و گرانبهاترین سند هنری دوران بایسنغر میرزا میباشد.

عنه داشت
 خاک بر گزفتگان و ملازمان کتبخانه میمون که دیده ایشان در انتظار غبار سمند
 سایون خون کوشش روزه دار براند اکبر است و از غایت بخت سرو
 فریاد الحاحی الذی غنا الحزن ان ربنا لغفور شکور بر ذروه فلک میرساند

امیر خلیل دو موضع دریا بکستان	مولانا علی روز تخریر عرصه داشت	خواجہ غیاث الدین از رسایل
موج آب تمام کرد برنگ نماند شوق	بطر دیاچه شهاب مشغول شد و چند روز	بهره رسانیده و یک موضع دیگر کرد
مولانا شهاب دیاچه در شرف	چشم او در دیکه کرد	و حالی یک موضع عمارت که بکستان
دیاچه صورت گری را طمانند داشت	مولانا قوام الدین روی شهاب را	مولانا شمس را از نقل رسایل
نعل شمشیر میان دیاچه را تخریر کرد	حاشیه اسیمی کل کرد و عیش	خط خواجہ علی به ارحم
و حالی یک موضع دیگر از غارت	متن جلد را تخریر گرفت و قریب	یک جزو ماند است
کتاب مشغول است	دو دانه بوم شده است و پشت	



خرک
 تدریق جاده قطعه و بوز منت قطعه از جلد این
 و یک قطعه شش قطعه تمام شده است و نعلهای قطعه
 تمامی دوخته شدن و شهابی نعلهای خط که صورت
 کریت از جلد پست و یک عدد شش عدد تمام شده و شرف
 و مجلس و حاشیه را قریب یک دانه و نیم کار دوخته
 شده کار سپردن خرک که اصل او مثالی است و شش
 او ضلوف و تحسیر او از جلد قریب یک دانه و نیم
 کار دوخته شده و متن مشغول اند دو قطعه با

II. ARZA-DÂŞ T METİN

عرضه داشت

[GİRİŞ] عن خاک بر گزفتگان و ملازمان کتبخانه میمون که دیده ایشان در انتظار
 غبار سم سمند همایون چون گوش روزه دار بر «الله اکبر» ست و از غایت
 بهجت و سرور فریاد «الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور»
 بر ذروه فلک میرساند

[A]

- [1.] امیر خلیل دو موضع دریا را از کستان موج آب تمام کرده برنگ نماند
 مشغول خواهد شد
- [2.] مولانا علی روز تخریر عرضه داشت، بطرح دیاچه شهاب مشغول شد
 و چند روز چشم او درد می کرد
- [3.] خواجہ غیاث الدین از رسایل دو موضع بجهت رسانیده و یک موضع
 دیگر نزدیکست و حالی بیک موضع عمارت که از کستان باطل
 کرده اند مشغول است
- [4.] مولانا شهاب دیاچه و چهار لوح و شرف دیاچه صورت گری را طلاء نهاد
 و هشت نعل شمشیر میان دیاچه را تخریر کرده و حالی بیک موضعی
 دیگر از عمارت کستان مشغول است
- [5.] مولانا قوام الدین روی جلد شهاب را حاشیه اسیمی مکمل کرده و عیش
 تماشای متن جلد را بقلم گرفته و قریب دو دانه بوم شده است
 و پشت و سرو کردن چسبانیده و طریق کشیده شده است
- [6.] مولانا شمس را از نقل رسایل خط خواجہ علی به ارحم یک جزو مانده است
- [7.] محمود از ده لوح دیوان جوانو هفت لوح را بوم رسانیده بمایقی
 مشغول است

- [8.] حاجی محمود جلد نقل رسائل را متن رو بوم و تحریر شده بگزار مشغول است
- [9.] خواجه محمود جلد رسائل خط خواجه را پشت و رو مکمل کرده بسرو کردن مشغول است
- [10.] خواجه عطای جدول کش تاریخ مولانا سعدالدین و دیوان خواجهورا تمام کرده بشهنامه مشغول است
- [11.] مولانا قطب از تاریخ طبری ده جزؤ کتابت کرده است
- [12.] خواجه عطاء اجزای کلستان تمام کرده و سه لوح تاریخی که مولانا سعدالدین کتابت کرده دو لوح را بیوم رسانیده به تمه مشغول است
- [13.] مولانا محمد مطهر از کتابت شهنامه بدست و پنج هزار بیت تمام کرده است
- [14.] خواجه عبدالرحیم بطروح مجلدیان و مذهبان و خیمه دوزان و کاشی تراشان مشغول است
- [15.] مولانا سعدالدین سر صندوقه بیگم را تمام کرده و یک پهلوی او به پرداخت رسیده است و طبقه در که مانده بود پانزده روز دیگر تمام می شود
- [16.] مولانا شمس یک کشتی تمام کرده و یک لوح را از دیوان خواجه بیوم رسانیده است
- [17.] دو کشتی دیگر را حاجی و خطای بخل کاری رسانیده اند
- [18.] یک کشتی دیگر را عبدالسام نزدیک آورده که تمام کنند
- [19.] نقاشان با جمعهم هفتاد و پنج خوب خرگاه را برنک آمیز و ششمان مشغول اند
- [20.] استاد سینب الدین سلامتت و زحمت او بصیت مبدل شد
- [21.] طرح میر دوشیار بود جهت زین، خواجه میر حسن نقل کرد و میر شمس الدین بسر خواجه میر حسن و استاد دولتخواجه بصدف تراشی مشغول اند
- [22.] بنده کمتر و نذره احقر سه جزؤ و نیم از کتابت شهنامه تمام کرده، آغاز کتابت نهضة الارواح کرده است
- [23.] بر دعاء احتصار خواهم کرد و از دعاء به چه کار خواهم کرد دولت بخشد باد بمحمد و آله

[B] اعمارات

خاصه شبده الله ارکانه الی بوم اخلود

- [1.] درگاه سنک تراشی تمام شده و از کاشی تراشی کتابه و کنگره مانده و درکارند و فرش ممر تمام شده و در دندان صورت خانه نشاند شده و مخارجه نهاده
- [2.] قصر قدیم قبه و با دامن تا زیر مقرنس نقشی شده ستون جانب شرقی از نو نهاده شد
- [3.] کتبخانه که جهت نقاشان بنیاد نهاده تکمیل یافته نقاشان و کاتبان نزول کرده
- [4.] سنک تراشان بکار حوض مشغول اند
- [5.] باغ جدید دیوار که شش دای فرموده، بعضی چهار دای و بعضی سه دای شده و در کارند، ایوان و دالان بنیاد شده شاه بل پیش ایوان تراشیده بر کار خواهند نهاد
- [6.] باغ میدان دیوار قبلی سه دای شده و کاشی تراشان که از درگاه سنک دست خالی می کنند بکار ازاره باغ مذکور مشغول خواهند شد
- [7.] کلنک خانه را که کل سقف و کچ خاک و آهک کاری تمام شده

[C] خرگاه

- [1.] تبه تراق چهارده قطعه و بوزه هفت قطعه از جمله این بدست و یک قطعه شش قطعه تمام شده است
- [2.] و نعلهای قطعه تمامی دوخته شده
- [3.] و شمشهای میان قطعههای خط که صورت گریست از جمله بدست و یک عدد شش عدد تمام شده
- [4.] و شرف و محبس و حاشیهارا قریب یک دالک و نیم کار دوخته شده
- [5.] کار برون خرگاه که اصل او مثقالی است و نقش او صندل باف و تحریر او زر حقه قریب یک دالک و نیم کار دوخته شده به تمه مشغول اند
- [6.] دولت بخشد باد

۱۴۵-امیر دولت یار

دوست محمد هروی در دیباچه مرفع بهرام میرزا درمورد این نقاش چنین مینویسد:
 «دیگر امیر دولت یار که از جمله غلامان سلطان ابوسعید بوده، خداپنده چنگیزی ۷۳۶-۷۱۷ و بشرف شاگردی استاد احمد موسی مشرف شده و در این امر سرآمد شد. خصوصا در قلم سیاهی که با وجودی که مولانا ولی الله که بی نظیر عالم بود، چون کارهای امیر دولت یار را دید، از روی انصاف به عجز اعتراف نمود.»

۱۴۶-امیر شاهی سبزواری

نامش امیر آق ملک و تخلصش سبزواری است. در ابتدا در سبزوار میزیست و سپس به محضر بایسنقر رسید و در حضور وی صاحب مقام گردید، پس از مدتی ابوالقاسم بابر، برای تزئین نقاشی و تصاویر کوشک گل افشان به استرآباد خواند.

امیر شاهی بسن هفتاد سالگی و بسال ۸۵۷ در سبزوار درگذشت و در همانجا مدفون گردید، او در فن نقاشی و تذهیب مشهور بود و انواع خطوط را خوش مینوشت.

۱۴۷-امیر قاسم

نقاش آبرنگ ساز گمنام او اواخر قرن ۱۲ ه.ق. است. از تنها اثر رقم دار وی که به آبرنگ است، معلوم میدارد که از پیروان سبک محمد زمان بوده است. در این اثر زیبا، سوار کاری را نشان میدهد که کلاه رزمی بسر گذاشته و پارچه سرخ رنگی بشکل حمایتی بروی لباسها انداخته است.

صورت سوارکار تا حدی نا معلوم، ولی ریش و سبیل سیاهش بخوبی دیده میشود، اندام و هیكل اسب و سایر ادوات رزمی در کمال قدرت نقاشی شده و رقم داشت. (عمل امیر قاسم)

۱۴۸-امین

نقاش گل ساز قرن ۱۲ ه.ق. بود از آثار زیبا و استادانه این هنرمند جلد روغنی کوچک گل و مرغی دیدم که پسندیده بود. در این اثر استادانه، زنبق پر حالتی در وسط جلد ارائه شده و کناره‌های آن با انواع شکوفه‌ها و گل‌های وحشی و خوشه‌ای، زینت یافته بود.

حواشی جلد نیز، تذهیب استادانه داشت و رقم نقاش بخاطر زینت چنین بود. (رقم ذره بیقدر امین) مجموعه شماره ۲

۱۴۹-امینه

از زنان هنرمند پیرو مکتب رضا عباسی قرن ۱۱ ه.ق. بود تنها اثر رقم دار این هنرمند که در کتابی چاپ شده بود، تصویر سه پیر مرد خوشحال و خندان بود که در مصاحبت یکدیگر پیاله شرابی بدست گرفته و بحالت مستی و خماری دور هم نشسته و بصحبت مشغول بودند.

در زمینه نقاشی، منظره کوهی ارائه شده که پشت صخره‌های آن، قوچ شاخدار و مسخره‌ای، جلب توجه مینماید. در رو برو داخل یک گلایی برگ دار ساده، رقم دارد. (هو رقم کمینه امینه)

۱۵۰-انوپ چتر

نقاش دوره شاه جهان بود که در یک اثر رقم دار، تصویر تمام قد ملا سعید الله را کشیده و رقم داشت. (عمل انوپ چتر)

۱۵۱-اوکتای قاآن میرزا

فرزند حسنعلی میرزای شجاع السلطنه والی فارس بود و در آبرنگ و شبیه سازی دست داشت.

ب

بابا - در میرزا بابا نقاشی آموخته.

۱۵۲-بابا جان تربتی

فقط عبدالمحمد خان ایرانی، در کتاب خود، بابا جان را معرفی کرده و نوشته است: "بابا جان تربتی از مذهببان و نقاشان سال ۹۱۱ ه.ق. بوده و در موسیقی و شعر نیز مهارت دارد"

۱۵۳-بابا حاجی

از نقاشان تصویرگر سده نهم ه.ق. بود که در دربار سلطان حسین بایقرا با احترام زندگی میکرد. این بابا حاجی را نباید با بابا صدر نقاش معروف مکتب بغداد، یکی دانست و اشتباه نمود. تنها حیدر دوغلات، در تاریخ رشیدی، از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است:

"دیگر استاد بابا حاجی است، در تصویر، قلم پخته دارد، اما اصل طرح وی، بی اندام است. در تمامی خراسان، در طراحی نقش و زغال گرفتن بی همتاست، و میگویند که در مجلس، برای تعصب پنجاه و نیم دور کشیده که پرکار ماندند تخلف نکرد و هیچ کدام از یکدیگر، سر موی خورد و کلان نبود، استاد شیخ احمد، او برادر بابا حاجی است."

بابا حسینی امامی - در میرزا بابا حسینی امامی آموخته.

۱۵۴- باقر- حاج سید باقر- قمصری

در آستان قدس رضوی میان حرم و ایوان طلای صحن قدیم رواق وسیعی است که بنام توحید خانه مشهور میباشد؛ در این رواق، قصیده مفصلی از حکیم قاتانی بخط نستعلیق دیده میشود که پس از تعریف رواق مزبور، راجع به نقاش هنر آفرین نیز اشاره کرده و چنین میگوید: (۱)

بسی باقر شاپور کلک مانی خامه
بلوح صنع مجسم کند بدایع کلکش
برنگریزی کلکش کند عیان به مهارت
و از طرفی اعتماد السلطنه، در کتاب تاریخ مطلع السعدین که اماکن آستانه مبارکه را به تفصیل بیان کرده است، در مورد رواق و نقاش آن چنین می آورد.

بانی تعمیر و تزیین رواق توحید خانه شعبانعلی نام و نقاش آن نیز باقر نامی بوده است.

و بعد چنین مینویسد:

حاجی شعبانعلی پس از آنکه رواق توحید خانه را نیز در مشهد مرمت و تجدید بنا نمود، از هنرمند یگانه کاشان حاجی سید باقر نقاش قمصری که در قلمدان سازی و نقاشی ماهر و مشهور بود، خواهش تزیین و تذهیب آنجا را نمود. و آن هنرمند عالی مقام، چون مردی وارسته و بی نیاز بود، با طیب خاطر آماده و مشغول بکار گردید. حاجی سید باقر در سال ۱۲۵۰ پس از پایان یافتن کارهای او در آستان قدس به زادگاه خویش کاشان بازگشت و در کاشان نقاشی و تزیین بنای عالی مسجد و مدرسه آقا بزرگ را به کمک خطاط معروف کاشان استاد محمد ابراهیم سلمانی پایان رسانید.

حاجی سید باقر در دوران پیری، در قصر کاشان به باغداری و کارهای روستائی مشغول بود و در مواقعی نیز علاقمندان هنری از محضر او استفاده می بردند.

از شاگردان با استعداد او، میرزا بزرگ غفاری و میرزا عبدالوهاب غفاری میباشد. پس از فوت حاج سید باقر، یگانه فرزند او بنام حاج میرزا علیرضا قمصری که زیر دست پدرش پرورش یافته بود و در قلمدان سازی و نقاشی آبرنگ مهارت بسزا داشت، گاهی به تحریک ذوق و تفنن، قلمدان یا تابلویی زیبا می ساخت و بعنوان ارمغان بدوستانش می بخشید.

آثار باقی مانده، مستند وی عبارت است از:

۱- تزیین و تذهیب رواق توحید خانه در آستان قدس رضوی. ۲- سرپرستی و تزیین نقاشهای سقف و ستون و کتیبههای مسجد آقا بزرگ و ریزه کاریهای استادانه طاق معلق و سقفهای مقرنس سردرب بزرگ مدرسه و محراب گنبد و طرح ترنجی و اسلیمی و نقش نگار داخل گنبد در کاشان.

اثر روغنی وی، که بزعم نگارنده از بهترین کارهای روغنی این هنرمند میباشد. قاب آینه زیبایی بود که در ۲۷ آپریل ۱۹۸۱ در ساتبی بفروش رسید.

در رویه آن، زنبق بالا بلندی با چند شاخه نرگس و برگهای پر طراوت، بزبانی آراسته و در کناره و بالا و پائین آن این ابیات بخط نستعلیق نوشته شده بود:

ای ز آتش جمال تو، چون مجمر آینه
افکنده شمع روی تو، آتش در آینه
تا دیده ام بدست تو، ای دلبر آینه
باشد بیاد روی توام، دل بر آینه
ای ماهرو که بهر عروس جمال تست
نه آسمان مشاطه و هفت اختر آینه

خوبان کنند جلوه در آئینه و ترا
گر جان نه و راحت روشن دلان چرا
در بالا و پائین گلها نیز این ابیات نقش بسته بود:

کردم ز پی پیشکشت هر چه نظر
بر درگهت این آینه را آوردم
در دوگنج گوشه پائین رویه قاب آینه رقم داشت:

باشد جهان و هر چه دو یکسر آینه
چون جان گرفت عکس ترا در آینه
جز آینه ممکن نشدم چیز دگر
بر من مگر بطلعت خویش نگر
(کمترین باقر سنه ۱۲۶۰)

۱۵۵- باقر ابن میرزا ابوالحسن

بنوشته نقاش، فرزند میرزا ابوالحسن نامی بوده و نقاش گمنام دوران فتحعلی شاه است. از آثار رقم داری که از این نقاش دیده ام، تصویر خوش نقش آبرنگی بود که در حراج ساتبی ۱۹۷۶، بفروش رسید. در این آبرنگ وارسته که بسیاق و شیوه آقا صادق نقاشی شده، تصویر مرد جوانی بود که موهای کله را به معمول زمان تراشیده و کناره های آنرا پر پشت کرده و بروی گوشها انباشته بود. عرق چین زیبایی که منگوله های نخي آن از اطراف آویزان شده بود، بروی سر داشت.

لباسهای جوان ساده بود و رقم داشت. (مشق کمترین باقر بن میرزا ابوالحسن ۱۲۲۷)

۱۵۶- باقر اصفهانی

از قلمدان سازان و نقاشان روی چوب بود و در خط نسخ نیز دست داشت. از آثار نفیس او قلمدان چوبی زیبا دیدم که بخط نسخ عالی رقم داشت. (میرزا باقر اصفهانی ۱۲۸۷)

باقر العلوم در محمد باقر العلوم آمده.

۱۵۷- باقر تبریزی

اهل تبریز بود و بگوش بریده شهرت داشت.

در قلمدان سازی بصیر بود و گل مرغ را شیرین می ساخت.

او بغیر از نقاشی در خط نستعلیق نیز استاد بود. از بهترین آثار خطی وی، کتاب کلیله و دمنه چاپی است که با اشاره و خرج امیر نظام گروسی و خط نستعلیق باقر تبریزی انجام یافته است.

مرگ وی بعد از سالهای ۱۳۳۰ ه. ق. اتفاق افتاده است.

۱۵۸- باقر شیرازی- میرزا باقر نقاش شیرازی

فرصت الدوله در کتاب خود چنین مینویسد:

خلف مرحوم میرزا محمد علی معلم است و برادر علامه العلماء مذکور. در نقاشی و ساختن مجسمه صورت و کل مسلم است. برهمگنان مقدم، در شعر حسرت تخلص می نماید. این اشعار از اوست:

صبا خواهد چو برهاند ز قید نافه چینم
شمیمی عنبر افشان آورد زان لطف پرچینم
ترش ابرو نشینی تندگوئی تلخ برخیزی
بیغما تا ببری با شور و غوغا جان شیرینم
ز بیداد غمت باکس نباید ماجرا گفتن
که بر رو قصه دل می نگارد اشک خونینم

۱۵۹- باقر نقاش

نقاش گمنام و آبرنگ ساز دوران فتحعلی و محمد شاه است. تنها اثر رقم دار وی که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید، تصویر ارغون خان قاجار است که لباس اخوان صفا پوشیده و بسک درویشان پیوسته است. رقم نقاش بخط شکسته زیبا چنین بود: (ز کلک باقر نقاش نوشد)

نشان نام ارغون خان قاجار (۱۲۴۴)

۱۶۰- بالچند

نقاش پر مهارت و نازک قلم دوره عهد جهانگیر بود. (۱۶۲۷-۱۶۰۵) که در جانور سازی و منظره پردازی و ترسیم مجالس مختلف و با شکوه دست پرتوان داشت. دو تصویر حقیقی از صورت و قیافه نقاش بیادگار مانده که در یکی از این تصاویر کلاه و لباس زمان بسر گذاشته و سبیل معمولی دارد. در دفتری که بدست چپ گرفته بروی آن نوشته است (شبهه بالچند) در تصویر دیگری که گویا در دوران پیری و احياناً "در ۶۰ سالگی ترسیم شده" لباس پراذین هندی پوشیده و خنجر بکمر زده و ریش سپیدی دارد. تصویر شما ره (۳۷) این هنرمند برادری بنام پیاک داشته که وی نیز از هنرمندان معروف زمان خود بوده است. اصل آثار این هنرمند را که از نزدیک دیده‌ام، عبارتند از:

۱- در نمایشگاه بریتیش موزیوم، کتاب خطی پادشاه نامه عبدالمجید لاهوری (۵۸-۱۶۲۷) را دیدم که ۴۴ مینیاتور داشت. این کتاب که بخط محمد امین مشهدی، سال ۱۰۶۷ ه.ق. ترتیب یافته بود کتاب بزرگی بود که حاشیه طلائی و متن تیره نخودی داشت. در یکی از صفحات آن، مجلس زیبایی شاهانه بود که شاه جهان در بالکن قصر نشسته و شاهزاده خرم، در حین دستبوسی شاه جهان دیده میشد. در پائین تصویر، جماعتی از رجال و اعیان و شاهزادگان بافتخار ایستاده بودند.

رقم داشت. (بنده درگاه رقم بالچند)

۲- دیگر اثر این هنرمند را که از نزدیک دیدم، تصویر ایستاده شاه جهان مضبوط در موزه ویکتوریا آلبرت لندن میباشد. در این اثر ممتاز، اکبر شاه ایستاده و عصائی بدست گرفته و لباس و دامن سلطنتی بسیار زیبایی بتن کرده است.

در حاشیه طرفین، شعری بخط غبار نوشته شده که چنین است.

(ثانی شاه جهان ذکر شب نشینان باد دعای دولت او ورد صبح خیران باد) (رقم بالچند)

۳- دیگر اثر بی نظیر این هنرمند که جزو آثار کتابخانه چستربیتی بوده و در نمایشگاه ۱۹۸۱ LEIGHTON HOUSE از نزدیک دیدم، تصویر استادانه و پر مهارت شاه جهان بود که چند رجال نامی و از جمله یک کودک خردسال که گویا شاهزاده درباری بود، در کنار وی دیده میشدند. حاشیه اثر، گلهای تزیینی فوق العاده داشت و در بالای سر شاه جهان این ابیات جلب نظر مینمود، ثنای شاه جهان، ذکر شب نشینان باد دعای دولت او، ورد صبح خیزان باد بهر طرف که کشد تیغ، یک سواره چوبهر (بنده درگاه رقم بالچند)

۴- دیگر، تصویر سه سوار کار است که در کمال قدرت ترسیم شده و در حواشی آن، مناظر درختان و کوه و پرداز مرغان رنگارنگ، بنحو دلربائی تعبیه شده است. این اثر زیبا که در موزه ویکتوریا آلبرت

لندن می باشد. رقم دارد.

(شبهه شاه شجاع بهادر اورنگ زیب بهادر و مراد بخش عمل بالچند)

۵- دیگر از آثار پرتره سازی هنرمند، تصویر ایستاده باقرخان پدر فاخرخان است که باستانی نقش بسته و رقم دارد. (شبهه نواب باقرخان مرحوم پدر فاخرخان عمل بولچند) اصل این اثر در INDIA OFFICE LIBRARY است.

۶- اثر دیگر، تصویر زیبا و استادانه اکبر شاه است که در وسط تالار به روی تختی نشسته و با وزراء و رجال درباری صحبت میکند، در تالار پائین، نوکران و مستخدمین و رجال در حال احترام ایستاده و منتظر اجرای فرمان میباشند. در کنار افراد تعدادی گوزن زیبا در نهایت ملاحظت و چابک دستی ترسیم شده جلب توجه مینماید.

حاشیه این نقاشی گل و مرغ هندی بوده و فوق العاده غنی است.

در گوشه تخت اکبر شاه و در زیر آن در محل کوچکی نوشته: (عمل بال چند)

و در قسمت بالای تصویر بخط زیبائی مرقوم داشته: (شبهه جلال الدین محمد اکبر پادشاه غازی) (عکس و نوشته در کتاب تاج محل)

۷- از آثار متفرقه او چند اثر زیبا در مرقع جهانگیری برلن است که امضاء و رقم بالچند را دارد.

۸- آثار با ارزش و رقم دار دیگر بالچند که مضبوط در کتابخانه گلستان ایران است و موضوعات مختلفی دارد - بترتیب عبارتند از:

الف - مجلس نشست و مصاحبه پادشاه گورکانی.

ب - شبهه باقرخان نجم ثانی.

پ - تصویر پادشاهی با لباس و آرایش سلطنتی.

ت - نقاشی دو دل داده در سایه درخت بید مجنون.

۹- دیگر از آثار شناخته شده این هنرمند در موزهها عبارت است از:

الف - تصویر مردی که چپق دود میکند، در موزه FINE ARTS BOSTON

ب - مرد صاحب مقامی با جام شراب طلائی، در دانشگاه هاروارد کمبریج.

پ - جوانی نشسته، در موزه برلین.

ت - تصاویر کتاب سوز و گداز، در کتابخانه ملی پاریس.

ث - شاهنامه، در مونیخ.

۱۶۱- بان والی کورد

از نقاشان مغولی قرن ۱۱ ه.ق. هند است.

او در مینیاتور سازی و شبهه پردازی و ارائه مناظر مختلف قوی دست بود و یکی از آثار شیوای وی، در موزه ویکتوریا آلبرت لندن مضبوط می باشد.

۱۶۲- باند - باوانی - بهاک - بهیم - بهوار

باند و نقاشان شیرین قلم دیگر که در بالا نام برده شده اند، از نقاشان پرمهارت دوره اکبر شاه هندی میباشند که نمونه آثار قلم آنها در کتاب با برنامه معروف جلوه گر میباشد.

۱۶۳- بچتر

نقاش شیرین قلم و زبردست مغولی هند دوره جهانگیر شاه بود که تا دوره سلطنت شاه جهان و حدود سالهای ۱۶۴۰ میلادی فعالیت درخشانی داشته است.

قیافه حقیقی نقاش که بوسیله خود هنرمند در مینیاتوری مضبوط در FREER GALLERY OF ART V، ارائه شده لباس پوشیده هندی بتن کرده و کلاه سبک زمان بسر گذاشته و تصویری بدست گرفته است. ریش و سبیل وی تویی و سیاه است و چشمان تیزبین کنجاوی دارد. تصویر شما ره (۳۵) از آثار بجا مانده و رقم دار وی، معلوم میگردد که بچتر در تصویر و شبیه سازی استاد و در خلق تصاویر و مناظر مجلل و فرح انگیز، نادره کار و پرمایه بوده است. بچتر در اجرای حواشی و کناره‌های آثار خود نیز وسواس بی حدی داشت و بجای اینکه تزیینات حواشی را بعهد شاکردان واگذار کند، خود بشخصه و در کمال هنرمندی انجام میداد. آثار بجا مانده و رقم دار مشهور وی عبارتند از:

۱- تصویر زیبا و بسیار شبیه جهانگیر به روی تختی است که بر ساعت شنی مهار شده و در حال اهدای کتابی به یکی از ندیمان پیر خود میباشد. پادشاه ترک و جمیز اول پادشاه انگلیس، بخوشحالی و شادمانی در ردیف حاضران دیده میشوند. در گوشه پائینی و کنار جمیز اول، تصویر خود نقاش بشباهت تمام نقاشی شده و مینیاتوری بدست گرفته است. (امضاء دارد)

(الله اکبر - شاهای بقای عمر تو با دوا هزار سال عمل بنده با خلاص بچتر)
اندازه ۱۸/۱ × ۲۵/۳ سانتی‌متر و چاپ اثر رنگی آن در صفحه ۱۱۲ کتاب: INDIAN MINIATURES
۲- اثر دیگر بچتر، تصویر شاه دولت است که جامه سفید پوشیده و عمامه بسر گذاشته و عصائی بدست گرفته است.

نور خیره کننده‌ای در اطراف سر وی دیده میشود. شاه دولت، کره بزرگ سبز رنگی بدست گرفته و روی آن تاجی مزین جلوه‌گر است. در روی کره، بخط خوانا نوشته است: کلید فتح دو عالم بدست شست منم (من است) رقم دارد (بنده درگاه رقم بچتر) کلکسیون چستر بییتی ۳- در کتابخانه گلستان تهران، چند اثر زیبای رقم دار از آن جمله تصویر پادشاه و زنان هندی دارد که (عمل بچتر) در زیر آن مشاهده میگردد.

۴- اثر رقم دار دیگر وی که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن قرار دارد، تصویر مرد فربه‌ی بنام آصف خان خندان، سپه سالار است که رقم دارد. (عمل بچتر)

۵- نقاشی دیگر بچتر، تصویر پرمهاریت نورالدین محمد جهانگیر پادشاه است که سر پا ایستاده و بیکدست شمشیر و در دست دیگر، کره بنفش رنگی گرفته است. لباس و شرابه جلوی آن و کفشهای زرنگار، فوق العاده چشم نواز است.

دو ریشه مروارید از گردن آویخته، نور طلائی خیره کننده‌ای، بالای سر شاه قرار گرفته است.

در حواشی، اشعاری بخط نستعلیق نوشته و زمینه آنرا گل سازی و تذهیب کرده است.

سطر اول بالا: (چون خویش نگشت معلوم تا سر نکشد سوی ادبار)

در سمت راست نوشته: (عمل بنده درگاه بچتر)

در سمت چپ: (کلید فتح دو عالم بدست مبارک)

و در کناره مرقوم داشته: (شبیه مبارک حضرت نورالدین محمد جهانگیر پادشاه غازی)

ع- دو اثر زیبای بچتر، در آلبوم جهانگیر است که شماره ۷ آن، تصویر ملای سفید پوشی بنام محمد



رضا کشمیری، با ریش بلند و قیافه خندان است که کتاب و عصا بدست گرفته است. حواشی قطعه، خطوط زیبا و در زمینه آن، گل‌های طلائی فوق العاده دارد. روی عمامه سفید نوشته:

(شبیه محمد رضای کشمیری) و در طرف دیگر رقم زده (عمل بچتر)

۷- دیگر اثر پر قدرت و زیبای بچتر را که از نزدیک در نمایشگاه دیدم و عکس آن در صفحه ۴۰ کاتالوگ موزه چستر بییتی چاپ گشته است، تصویر استادانه اکبر شاه بود که در حین ارائه تاج سلطنتی به شاه جهان دیده میشود. در طرف راست نقاشی، صاحب قرآن ثانی قرار گرفته و برنگ طلائی بالای سرش نوشته شده:

در طرف چپ آن، جهانگیر پادشاه قرار گرفته و در حاشیه نوشته: (شبیه حضرت جهانگیر پادشاه)

و در گوشه دیگر، خان اعظم را ارائه داده و در کاغذیکه بدست دارد چنین نوشته است:

(شبیه خان اعظم - الله اکبر - نصر من الله و فتح قریب آمین یارب العالمین)

در قسمت رویه چهار پایه صاحب قرآن ثانی، نوشته: (غلام با اخلاص بچتر سنه)

اندازه ۲۷ × ۳۸ سانتی‌متر، از آلبوم MINTO تاریخ ۱۶۳۱ میلادی

دیگر از آثار بچتر که از نزدیک در نمایشگاه THE INDIAN HERITAGE

در موزه ویکتوریا آلبرت لندن در ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ دیدم.

۸- تصویر اکبر شاه بود که تاج تیموری را بشاه جهان ارائه میدهد. در این اثر بی نهایت استادانه، سلاطین بروی سه تخت که بشکل صندلی نقاشی شده در آلاچیق سلطنتی قرار گرفته‌اند. روی جدول نقاشی رقم داشت. (عمل بچتر)

۹- دیگر اثر استاد در این نمایشگاه، تصویر شاه جهان بود که شمشیر بلندی بدست گرفته و بروی دو شیر و کره زمین ایستاده و یک نفر در مقابل، سر به تعظیم فرود آورده است. در بالای سر شاه جهان، دو ملائکه زیبا، تاج سلطنتی را با احترام نگهداشته و خیل رجال و اعیان و فرماندهان و شاهزادگان که در اندازه کوچکتر ولی باستادی نقش بسته‌اند، جلوه بس ممتازی را دارد.

در جدول کناره رقم داشت: (عمل بچتر) موجود در چستر بییتی

۱۰- اثر دیگر وی در این نمایشگاه، تصویر جوانی، بنام پرنس سالم است که آینه بدست گرفته و عمامه سبز بسر گذاشته و لباس مزین بلند هندی پوشیده است. در اطراف مینیاتور، اشعاری بخط نستعلیق زیبا نوشته شده که بیت اول و آخر آن چنین بود:

گر او می‌برد پیش از آتش سجو بیت آخر

حاشیه تصویر، گل‌های زیبای هندی بود و رقم داشت (رقم بچتر)

۱۱- دیگر اثر زیبای بچتر که در این نمایشگاه جلوه‌گر بود، تصویر پرفخامت و پر جلال پرنس سلیم بود که باستادی تمام ترسیم شده و بروی گل‌های حاشیه رقم داشت. (عمل بچتر) موجود در چستر بییتی. آثار مختلف دیگر این هنرمند، در جهانگیر نامه و پادشاه نامه است که امکان ارائه و بسط و تشریح تمامی آنها در این کتاب امکان پذیر نمی‌باشد.

۱۶۴- بدرالدین - شیخ

از نقاشان معاصر خواجه نصیرطوسی بود و در نقاشی دست داشت.

۱۶۵- بدرالدین علی خان

بنوشته محمد هفت قلمی مولف تذکره خوش نویسان که بسال ۱۲۳۹ ه.ق. تالیف شده، او را جوانی پر هنر و حکاکی بی نظیر معرفی کرده است.

علی خان، لقب مرصع رقم داشت و شاگرد شیخ محمد یار بود.

۱۶۶- برج علی اردبیلی

از شاگردان برجسته و ممتاز سلطان محمد تبریزی است.

او با معیت محمد بیک و استاد حسین قزوینی، در کتابخانه شاهی افتخار شاگردی استاد سلطان محمد را داشتند و در آن کانون هنری، بخلق آثار بدیع و تصاویر زیبا اشتغال داشتند.

۱۶۷- برجی

از نقاشان قرن ۱۶ میلادی است که در تصویر و تذهیب دست پخته داشته است.

از آثار رقم دار وی، مجلس شاهانه‌ای در کتاب شاهنامه است که سلطان بتخت نشسته و رستم زال و کیکاوس و سایر مشاهیر زمان در مقابل وی قرار گرفته‌اند، در زمینه ساده مینیاتور، تصویر سیمرغ و اژدها نقش بسته و خارج از متن رقم دارد. (برجی)

۱۶۸- بساون

نقاش شیرین قلم و چهره پرداز هند بود و در رنگ آمیزی و طراحی مهارت والائی داشت.

بساون از شاگردان خواجه عبدالصمد شیرین قلم و میر سید علی بود و سبک و شیوه آنها را در اغلب تصویرها بکار می‌بست. او پدر منوهر نقاش معروف است که در حد خود استادی عالیقدر بوده و احوال وی در جای خود یاد شده است. در کتاب آئین اکبری خطی نگارنده، در مورد این نقاش چنین مینویسد: «شگرف یادگار هند، بساون در طراحی و چهره‌گشائی و رنگ آمیزی و مانند نگاری و دیگر گزین کارهای این فن یگانه‌زمانه شد و بسیاری از دیده‌وران شنا سابر دسونته (دسوانت) ترجیح دهند.» آثار اصیل وی عبارتند از:

۱- اثر ممتاز بساون، تصویر زیبایی مضبوط در موزه گیومه پاریس است که بشماره ۶۱ و چاپ رنگی در کتاب ماریو بوساقلی چاپ شده است.

در این مینیاتور، دختر زیبای هندی کمانچه بدست گرفته و لباس بلند هندی پوشیده و در کمال دلربائی بروی کله شیری که از دهانش آب فرو می‌ریزد، نشسته است.

حواشی تصویر، تذهیب پر مایه و گل و برگ دلربا داشته و رقم دارد. (بساون)

۲- دیگر اثر بساون، تصویر پر جلال و با فخامت سفر پادشاه هند است که اقتباس از موضوعات کتاب جامع التواریخ بوده و در مرقع گلشن مضبوط می‌باشد.

این اثر که در نوع خود بسیار پر آذین و تابناک می‌باشد، رقم دارد. (طرح بساون عمل نانهو)

۳- سومین اثر ارزنده وی، قیافه استخوانی و نحیف مجنون در صحرا است که شاخه خشک درختی بدست گرفته و اسب نحیف و لاغری را میراند. در گوشه دیگر، سگ لاغر و بیحالی ارائه شده و روباه مکاری در طرف دیگر باستادی نقش بسته است. منظره درخت تکیده، استادانه است و رقم دارد.

(عمل بساون) اندازه $۲۶/۸ \times ۳۶/۴$ سانتی‌متر

۴- دیگر اثر جمعی بساون، تصاویر کتاب رزم نامه جیپور است که بهمکاری نقاشان معروفی از قبیل فاضل - لعل - دسونته و تحت سرپرستی میر سید علی و خواجه عبدالصمد انجام یافته و ستودنی می‌باشد.

۵- یادگار دیگر این هنرمند، مجلس با شکوه دعا بدرگاه باری تعالی است که رقم دارد.

بدرالدین (شیخ) نقاش معاصر خواجه نصیر طوسی و در هنر خود صاحب کمال بوده است.

(طرح بساون عمل چتره)

ع- اثر زیبای دیگر وی طمر و سیه و شاپور در جزیره نگار و در آنجا شهری بنا شده و فوق العاده فرح افزا است و رقم دارد. (عمل بساون)

۱۶۹- بشنداس

نقاش سرشناس و مشهور هند بود که بدستور جهانگیر شاه (۱۶۲۷ - ۱۶۵۸) و در تاریخ ۱۰۲۲ به‌همراه خان عالم بایران اعزام گشت تا از چهره شاه صفوی و رجال درباری وی شبیه سازی نماید، بغیر از این ماموریت، بشنداس در نظر داشت هنر تصویر سازی و چهره پردازی را به شیوه استاد بهزاد از هنرمندان ایرانی فرا گرفته و چون ارمغانی باخود به‌هند ببرد.

در این سفر، چند تصویر از شاه عباس و همراهان قلمی نمود که بگفته جهانگیر تماما " شبیه شاه عباس بوده است. نقاش در مقابل این هنر نمائی مورد محبت پادشاه قرار گرفته و بدریافت خلعت شاهانه نیز نایل گردیده است. در صفحه ۲۸۵ توزک جهانگیر (۱) در این باره چنین می‌نویسد:

((در وقتی که خان عالم را بعراق می‌فرستادم بشنداس نام مصوری را که در شبیه کشی از یکتایان روزگار است همراه داده بودم که شبیه شاه و عمده‌های دولت ایشان را کشیده بیاورد. شبیه اکثری را کشیده بود بنظر در آورد خصوصاً " شبیه شاه برادرم را بسیار خوب کشیده بود، چنانچه بهر کس از بنده‌های ایشان نمودم عرض کردند که بسیار خوب کشیده. هم در این تاریخ قاسم خان با دیوان و بخشی لاهور، دولت زمین بوس دریافتند، بشنداس مصور بعنایت فیل سرفراز شد))

بشنداس تصویر سازی و شبیه پردازی را خوب میدانست و قلم گیری و پرداخت آنرا بشیوه خود انجام میداد. در مجلس آرائی و بسط حالات مشخصه نفقات، وسواس دقیقی داشت و نکات گوناگون و متغیر حاضرین را به استادی نقش می‌نمود. او در سنین جوانی بعلت لیاقت و ذوق هنری، توانست جزء معدود هنرمندانی باشد که مرقع معروف و نامی گلشن را تصویر نموده‌اند. در این مرقع، دولت، نقاش برجسته زمان، تصویر بشنداس را در یکی از صفحات آن نقاشی کرده و قیافه و حالت ظاهری وی را تا حدودی ارائه داده است.

در این تصویر، بشنداس جوان باریک اندامی است که بسیاق هندوان لباس پوشیده و کلاه مخصوص بسر گذاشته و بروی زمین بیک پا نشسته است. سبیلش افتاده و قیافه‌اش متفکر است.

ورقه‌ای بروی پا قرار داده و مشغول طرح تصویر است. در رویه کاغذ، رقم استاد دولت دیده میشود که چنین نوشته:

از این عبارت معلوم میگردد که بشنداس برادر زاده نانهو مصور (که احوال آن در جای خود خواهد آمد) نیز میباشد. آثار رقم دار معروف وی عبارت است از:

۱- پنج تصویر مختلف رقم دار و بی رقم از شاه عباس کشیده که به ترتیب عبارتند از:

الف - شاه عباس سوار بر اسب شده و نوکری در مقابل وی ایستاده و باز شکاری بدست گرفته است. رقم دارد. (عمل بشنداس) و در گوشه بالای سمت چپ مرقوم شده (شبیه شاه عباس)

ب - تصویر ایستاده شاه عباس که شمیری بکمر بسته و تفنگ بدست گرفته است.

پ - تصویر نشسته شاه عباس بروی صندلی که دو نفر از اعیان در حضور ایستاده‌اند و شاه باز شکاری بدست گرفته است. رقم دارد. (عمل بشنداس)

۱ - توزک جهانگیری که به جهانگیر نامه و اقبال نامه نیز مرسوم است اولین دفعه سال ۱۸۶۴ معرفی شده است.

ت - تصویر شاه عباس، موجود در موزه بوستون .

ث - تصویر شاه عباس در مجموعه تاگور کلکته .

۲- تصویر خدا بنده میرزا پدر شاه عباس، با رقم (عمل بشنداس)

۳- شبیه عیسی خان با رقم بشنداس - تصویر مرد ایستاده‌ای است که دو دست خود را زیر شال کمر پنهان کرده به روبرو نگاه میکند . عمامه سفید بزرگش که به طرز خاصی آرایش شده جالب می‌باشد . لباس بلندش که رنگ بنفش و خوشرنگی دارد، به قد کوتاه و نامتناسب او جور در نمی‌آید .

عکس عیسی خان، بچاپ رنگی زیبا در کاتالگ کلکسیون روچیلد طبع شده است .

۴- اثر دیگر این نقاش که جزو مرقعات موزه گلستان است، محفل هنرمندان است که عده‌ای نشسته و به کتابت و تصویرگری مشغول می‌باشند . روی یکی از کتابها چنین نوشته است : (الله اکبر عمل بشنداس) ۵- تصویر شماره ۲۸ کتاب انوار سهیلی معروف از آثار زیبای بشنداس بوده و موضوع نقاشی آن (سلطان بغداد و دختران چینی) می‌باشد . در بالای صفحه عبارت (لعل می‌گونش بی واسطه باده مست و مدهوش گشت) بچشم می‌خورد . (مشخصات بیشتر این کتاب در جلد اول احوال آننت به تفصیل یاد شده است)

۶- از آثار متنوعه بشنداس، یکی تصویر خان عالم است که صراحی زیبائی را که از سنگ یشم ساخته شده به شاه عباس تقدیم میکند .

دیگر تصویر راجه سورج دائی جهانگیر است و دیگر پرتره بهادرخان از یک حکمران قندهار در مرقع جهانگیر برلین مضبوط می‌باشد و قشنگ‌ترین آثار مهم او منظره باغی را در آگره را نشان می‌دهد که بابر شاه در گوشه آن لمیده و استراحت مینماید .

۷- شبیه شیخ پهللول مخروب که در آگره می‌باشد . عمل بشنداس است که با خط بد تحریر شده و موضوع نقاشی شیخ پهللول دیوانه بوده که لخت و عریان در مقابل خانه‌ای نشسته و عده‌ای او را نظاره میکنند .

۸- تصاویری در جهانگیر نامه از جمله سالروز تولد جهانگیر است که در کمال زیبائی می‌باشد .

۹- آثار دیگر تصویری، در بابر نامه و از جمله - تصویر (اسب شیخ فول) تصویر راجه سراج‌سینگ و بهادر خان اوزبک .

۱۷۰- بقاء شیرازی - ملا علی شیرازی حکاک

بنوشته فرصت در صفحه ۵۵۱ آثار عجم :

((در حکاک می‌باشد و اسم و انگشتی و نشان، کمال قدرت و تسلط را دارد. هم بروی عقیق و امثاله نقش میکند هم بر روی فلزات و مهرهای منگنه رنگین و بی رنگ را که خطش برجسته باشد نیز در کمال استادی عمل می‌آورد .

از شیوه‌ها، شیوه میر عماد را پذیرفته و از جانب قدسی تعلیم گرفته .))

۱۷۱- بندی ولد کرم چند

نقاش چابک قلم دوره ۱۰۰۷ ه. ق. مغول هند است .

تصویر زیبائی از این هنرمند که صفحه‌ای از رزم نامه بود، در نمایشگاه بریتیش میوزیوم دیدم که جلوه خاصی داشت . در این اثر شیوا، دو جنگ‌آور رزمی مقابل هم، روی گاو جنگی که هر کدام را دو اسب حمل میکرد، قرار گرفته و به تیر اندازی مشغول بودند و جماعت تماشاگر نیز از پشت کوه‌ها

نقاره و دهل زنان طرفین را بنزاع و جدال تشویق میکردند، در زیر نوشته بود : جنگ از جن و بهیکم و رقم داشت بخط قرمز . (بندی ولد کرم چند)

۱۷۲- بنواری خورد

نقاش تصویر ساز هند بود و در ارائه مجالس بزمی و رزمی دست پرتوان داشت .

از آثار ارزنده و پر قدرت وی، تصویر شماره ۱۷ کتاب با برنامه معروف است که گویا اصل آن در بریتیش میوزیوم می‌باشد . (۱)

در این اثر دلنواز که منظره میدان رزم را مجسم ساخته، حالات سواران جنگی و آرایش زرهی اسبها و جماعت نقاره‌چیان و دهل نوازان بطرز شایسته‌ای نقاشی شده و با رنگ آمیزی چشم نوازی پرآذین گشته است .

حواشی تصویر نیز، بسیاق تذهیب هندی طلاکاری شده و در زیر جدول رقم دارد . (عمل بنواری خورد)

۱۷۳- بنواری کلان

نقاش مغولی هند اوایل قرن ۱۷ میلادی است .

از آثار زیبای این هنرمند که در حراج ساتبی اکتبر ۱۹۸۰ بفروش رسید ، تصویر وفات یافتن آباقاخان است که بشیوائی ترسیم شده است .

در این اثر زیبا، جسد آباقاآن که مستور به لحاف گلدار تیره است، در وسط اطاق قرار گرفته و حاضران در اطراف به گریه و شیون مشغولند .

در طبقه دوم عمارت که مجلس زنانه است، زنان حرم، دستار از سر گرفته بشیون و پریشانحالی به سر و روی خود می‌زنند .

در حیاط عمارت، نوکران و مستخدمین، طبقهای نان و حلوا بسر گذاشته و حاجب مخصوص باشاره دست دستوراتی بآنها میدهد .

در این اثر زیبا، حالات تاثر جماعت حاضرین و رنگ الوان البسه مخصوصا " شکل انحصاری کلاه اعیان و رجال دیدنی است . در زیر جدول بخط قرمز رقم دارد .

(طرح میکند عمل بنواری کلان)

۱۷۴- بهاء الدین گیلانی

نقاش قرن ۱۱ ه. ق. اهل گیلان بود که در شیوه مغول دست پر قدرت داشت . اثر رقم دار این هنرمند که در حراج سال ۱۹۷۸ کریستی لندن بفروش رسید، مینیاتور پخته، مرد کشیشی، بدون کلاه بود که ریش و سبیل تویی داشت. کشیش دامن خود را بدست داشت و در دست دیگر، ماری که کله آن شبیه اژدها بود بچشم می‌خورد، زمینه نقاشی منظره دشت و دمن و سنگ ریزه‌ها و علفهای هرز بود و رقم داشت . (در سته ستین والف، باتمام رسید . بهاء الدین گیلانی ۱۰۶۰)

۱- این کتاب، معروف به بابرنامه بوده (ظهیر الدین بابر ۱۵۳۰ - ۱۴۸۳) و دارای ۳۲ تصویر زیبا میباشد، چاپ رنگی این کتاب، بکوشش موزه امیر علیشر نوائی، بسال ۱۹۷۰ در شوروی انجام پذیرفته است .

۱۷۵- بهبود شاهنشاهی

بنوشته مناقب هنروران، از بردگان شاه طهماسب اول صفوی بود که در حرم خاص وی بامر کتابت و نقاشی مشغول بوده است. و همچنین در کتاب مآثر رحیمی، در صفحه ۱۶۸۱ در مورد بهبود چنین می نویسد:

بهبود

بهبود خاصه خیل این سپه سالار - در وایل حال غلام میرزا باقی فرزند رشید قبله الکتاب مولانا میر علی خوش نویس مشهور بوده و میرزای مومی الیه تعلیق را بغایت خوب می نوشته - و در نسخ تعلیق بروش پدر خود قطعها نوشته که الحال در جزودان مستعدان هست - و بسیار پسندیده اند و چون بوسعت آباد هندوستان شتافته بوده و ملازمت این سپه سالار را در یافته، بهبود را که در فن نقاشی و نسخ تعلیق نویسی از بی بدلان روزگارست باین سپه سالار داده بود - و الحال در قید حیاتست - و در کتابخانه عالی بسر می برد - و بزیب و زینت کتب سرکار خاصه و کتابت اشتغال دارد - و در این هر دو فن از بی مثلان زمان خودست - و راقم تصویر و خط ایشان را بنظر در آورده الحق نادره زمان خودست *

۱۷۶- بهرام (استاد بهرام - نقاش صفوی)

از نادره کاران نقاش اواسط قرن ۱۱ ه.ق. بود. او فرزندی بنام جانی داشت که در حدود سالهای ۱۰۹۶ ه.ق. برای KAEMPFER هلندی چند مینیاتور جالب نقاشی کرده است. از آثار امضاء دار وی ندیده ام

۱۷۷- بهرام

نقاش شیرین کار دوره فتحعلی شاه بود و در رنگ و روغن دست داشت. از آثار رقم دار بهرام، تصویر شاهزاده پر جلالی بروی اسب دیدم که دست به قبضه قمر مرصع خود گذاشته و استوار بروی مرکب جا گرفته بود. تزیین و آرایش لباس و قیافه سوارکار و استواری اسب وارسته بود و بخط نستعلیق رقم داشت. (بهرام سنه ۱۲۱۷)

۱۷۸- بهرام اصفهانی

نقاش آبرنگ ساز اصفهانی است که بشیرین دستی و رنگ پردازی معروف میباشد.

در مرقعی که در کتابخانه گلستان تهران موجود است، صحنه شکاری از ناصرالدین شاه ارائه شده که طراحی صحنه را ابوالحسن خان صنیع الملک بعهدہ داشته و پرداخت و رنگ آمیزی تصاویر را استاد بهرام اصفهانی انجام داده است. این نقاشی بسال ۱۲۷۴ اتمام یافته و ناصرالدین شاه تفنگ بدست گرفته در پشت درختان، برای شکار کمین کرده است. منظره عمومی و رنگ آمیزی درختان و جمع آهوان پر مهارت است.

۱۷۹- بهرام عباسی

از نقاشان اوایل قرن ۱۲ ه.ق. و بروایتی شاگرد محمد زمان بوده است.

۱۸۰- بهرام قلی

از شاگردان برجسته و پر قدرت بهزاد معروف است. دو اثر ارزنده وی در یک کتاب خطی نظامی که بخط زیبای محمد ابن علی بن درویشعلی السمرقندی انجام یافته و رقم (قد فرغ من کتابتها فی مدینه هراة فی شهر شوال عام ۹۱۷ ه.ق.) دارد تصویر شده و دارای رقم بهرام قلی میباشد. در یکی از تصاویر، ساختمان زیبایی را نشان میدهد که شاه بروی تخت نشسته و سه خدمه در حضورش بخدمت ایستاده اند. در حیاط جمعی بشادی و پختن غذا سرگرمند و در بالای قصر به طلا نوشته شده: جهان آفرینت نگهدار باد جهانت بکام فلک یاد باد تصویر دیگر این کتاب، باغ درخت و سبزه ایست که دو آلاچیق زیبا در آن احداث گشته است. در داخل سایه بانها عده ای دور هم نشسته و بپاده گساری مشغولند، در بیرون خانه، عده ای در مشایعت اسب زیبایی هستند که باستادی نقاشی شده است. این اثر نیز از آثار بی همتای بهرام قلی بوده و در مجموعه آقای شریف صبری در قاهره می باشد. (اندازه ۳۰×۲۲ سانتی متر) (۱)

۱۸۱- بهرام قلی افشار

بنوشته نقاش، از طایفه ایل افشار و در نقاشی پیرو شیوه رضا عباسی بوده. از آثار زیبای او تصویری در ترکیه دیدم که استادانه بود و رقم داشت. (رقم بهرام قلی افشار)

۱۸۲- بهرام کرمانشاهی

بنوشته نقاش در ذیل آثارش، اهل کرمانشاه بوده و از نقاشان چابک دست و شایسته زمان ناصری میباشد، بزعم عده ای به خارج از ایران شاید بروسیه سفر کرده و مراحل هنری شیوه کلاسیک را از آن دیار فرا گرفته است. اعتماد السلطنه در روزنامه ایران سال ۱۲۹۹ ه.ق. از حجره استاد بهرام در مجمع الصنایع یاد کرده و نوشته است، از تصاویر ناصرالدین شاه در شکارگاه همایونی و پرده تصویر مبارک، و نقاشی های دیگر در حجره دیدار کرده است. استاد بهرام، در نقش تصویر بروی دیوارها و ابعاد بزرگتر نیز مهارت داشته و آثاری نیز در این زمینه

انجام داده است.

از آثار رقم دار وی دیده‌ام :

۱- تصویر نیم تنه رنگ و روغنی کاملاً " شبیه میرزا حسین خان سپه سالار بود که کلاه پوست بره مشکی بسر گذاشته و دست راست خود را بروی صندلی قدیمی که روکش سبز مخملی داشت قرار داده بود. جبه ترمه‌ای سرداری دکمه قیطانی زیری به تردستی نقاشی شده و حوالی یقه و گردن بمروارید و جواهرات گوناگون آذین گشته بود و در روی پشتی صندلی بخطر قاع زیبا رقم داشت :

(عمل بهرام سنه ۱۲۹۲)

۲- دیگر، تصویر رنگ و روغنی تمام قد مردی در هیبت حیوان دیدم که بدن لختش از موی بلند و سیاه پوشیده شده بود، او بسان انسان‌های اولیه قوی و پر قدرت بود. چماق بزرگی بدست داشت و رقم نقاش بخط نستعلیق چنین بود :

(عمل کمترین بهرام ۱۳۰۴)

۳- دیگر، شمایل رنگ و روغنی حضرت محمد (ص ع) بود که عبای بلندی ب شکل شل داشت و علم مخصوص بدست گرفته بود.

گویا این اثر از روی نسخه بسیار مشهوری که در یکی از موزه‌های خارج از ایران قرار دارد نقاشی شده و در نوع خود بسیار شیوا می‌باشد. رقم داشت :

۴- دیگر، مجالس عیش و سرور دیوارهای خوابگاه ناصرالدین شاه است که باستادی ترسیم کرده و همچنین، نقش انواع و اقسام درنده و چرنده و پرنده است که بر بدنه حوضخانه کوچک شمالی قصر سلطنت آباد ترسیم شده است.

۵- از کارهای دیگر استاد بهرام ۲۶ مجلس گوناگون و ۴ تصویر از زنان زیبا در تالار باغ معیر بود که اکنون از وجود آنها اطلاعی بدست نداریم

۱۸۳- بهرام میرزا فرزند شاه اسماعیل

جوانی تیز هوش و در خط نستعلیق انگشت نما بود.

در شعر و طراحی و معما بی همتا و در موسیقی دست داشت و چنگ را خوب مینواخت.

او سخت به نقاشی شیفته بود و در مشق و تصویر پایه بلندی داشت.

بهرام میرزا بسال ۹۲۳ ه.ق. تولد یافته و در سی و سه سالگی در شب آدینه ۱۹ رمضان سال ۹۵۶ در گذشته است. در گلستان هنر در خصوص وی چنین می‌نویسد :

"نواب ابوالفتح بهرام میرزا، آنحضرت را میل تمام به نقاشی بود و مشق تصویر را به عالی مرتبه رسانیده بود. و در کتابخانه آن اعلیحضرت فردوس منزلت نیز کاتبان و نقاشان سرآمد بودند و همیشه بکار مشغول داشتند و نسخه‌ها پرداختند"

۱۸۴- بهرام - نقره کش یا سفره کش

نقاش اواسط قرن ۱۱ ه.ق. و پیرو شیوه محمد زمان و علیقلی جباردار بود.

یگانه اثر رقم دار وی، زیبا روی صفویه بود که بشکل و قیافه زیبا رویان ازبک نقاشی شده و استادانه بود. رنگها و آرایش لباس و کلاه جلب توجه مینمود و رقم داشت. (بهرام سفره کش ۱۰۵۰)

۱۸۵- بهزاد (کمال الدین بهزاد سلطانی)

نقاش پر آوازه و افسونگر بی همتای اوایل قرن ۱۰ ه.ق. و استاد مسلم و سرآمد مینیاتور ایرانی است. او با برطرف کردن شیوه محدود و بیروح مغول، مکتب مجلس آرا و پر غنای خود را که زائیده

تصورات پر مایه و قدرت معجز نگارش بود، بدنایای تصویرها کشانید.

بهزاد با افکار نوجوانی و کنجکاو خود آرایش بهم تنیده و غیر باور زمان را به دور ریخت و با انتخاب مضامین هم آهنگ، سبک حقیقت جوئی (رئالیسم) را در نقش تصویرها عریان ساخت.

در بدعت اولیه، شبیه سازی و نمود حقیقی انسان را بعیار خبرت و بصیرت کامل راه گشا شد. و بمبارزه قدرت نامتناهی زمان برخاست و بصورتها عمر جاودانی و جوانی ابدی بخشید. در ترکیب الوان و ریزه کاریهای نامتناهی نقوش و پیرایش پر آذین زیبائیهای طبیعت که منبع الهام وی بود و همچنین گسترش پرفخامت و عظمت مساجد و قصور و اراکه حالات و سکنات والای انسان و تحرک و لرزانی جانوران و حیوان بدشت و دمن و تذهیب و تحریر و آرایش دلفریب و چشم نواز کناره‌ها، بهرحال و اندیشه‌ای استادی مسلم و نگارگری آتش دست بوده است.

کوتاه سخن آنکه در حقش بگوئیم.

بهزاد افسونگر توانائی بود که بصددا چشم باطنی از طبیعت لایزال و عظمت پر آذین آفرینش الهام می‌گرفت و بنام مخلوقی کمترین بروی صفحه می‌آورد. و با تردستی و مهارت نادیده‌ها را دید میکرد.

از شرح حال و زندگی اولیه بهزاد اطلاع چندانی نداریم ولی بروایات گوناگون گویا بسال ۸۴۴ ه.ق. یا ۸۵۴ ه.ق. در شهر هرات تولد و در آن شهر نشو و نما یافته است.

بهزاد دو خواهر و یک برادر داشت که سرنوشت آنها نامعلوم است ولی از خواهر زاده‌های وی که هر یک در حد خود هنرمند صاحب نامی نیز بوده‌اند.

یکی حیدر علی نقاش پدر مظفر علی نقاش تربتی است، دیگر رستم علی خطاط خراسانی معروف است که هنرمند اخیر الذکر بنوشته قاضی احمد، پس از مرگ بهزاد بسال ۹۷۰ وفات یافته است.

عمده‌ترین اسناد ارزنده و قابل تعمق احوال بهزاد، نوشته و روایات مختلفی در کتب گوناگون خطی و چاپی است که زندگی استاد را بیان داشته و ما در این نوشته شمهای از آنها را بازگو مینمائیم.

در صفحه ۷۸۳ حبیب السیر خطی مجموعه نگارنده، تالیف مورخ شهیر و هم دوره بهزاد خواند میر چنین مینویسد :

"مظهر بدایع صور است و مظهر نوادر هنر قلم مانی رقمش ناسخ آثار مصوران عالم و تصویرات هنر پروران بنی آدم (موی قلمش ز اوستادی جان داده بصورت جمادی)

و جناب استادی بیمن تربیت و حسن رعایت امیر علیشیر باین مرتبه ترقی نمود و خاقان منصور را نیز بآن جناب التفات و عنایت بسیار بود و حالا نیز نادرالعصر صافی اعتقاد و منظور نظر مرحمت

سلاطین ایام است و مشمول عاطفت بی نهایت حکام اسلام، بی شبهه همیشه این چنین خواهد بود"

قاضی احمد مورخ مشهور دیگر، در گلستان هنر در مورد بهزاد چنین می‌نویسد :

"نادره دوران و اعجوبه زمان و بهترین نقاشان بود که وی از دارالسلطنه هرات است.

استاد زمانه حضرت بهزاد است کو داد هنر وری بعالم داد است

کم زاد بسان مانی از مادر دهر بالله که بهزاد از او بهزاد است

استاد از طفولیت از مادر و پدر مانده و استاد میرک او را برداشته تربیت نمود و در اندک زمانی ترقی فرمود کارش بجائی رسید که تا صورت نقش بسته همچو او مصوری کس در این روزگار ندیده.

نگار ز غالش بچابک روی به است از قلم گیری مانوی

اگر مانی از وی خبر داشتی از و طرح و اندازه برداشتی

بود صورت مرغ او دلپذیر چو مرغ مسیحا شده روح گیر

استاد از زمان عشرت نشان پادشاه کامران سلطان حسین میرزا تا چند مدت از اوایل سلطنت و

پادشاهی شاه جنت مکان علین آشیان سید السلاطین و افضل الخواقین شاه طهماسب در عرصه روزگار بودند و آثار معجز نگار ایشان بسیار است.

بنوشته سید احمد آهو چشم خطاط معروف و شاگرد میر علی هروی، در مقدمه مرقع امیر غیب بیک که بزمان شاه طهماسب آرایش یافته و حالیه در کتابخانه خزینه اوقاف اسلامبول میباشد:

"اما استادان مشهور خراسان مثل خواجه میرک و مولانا حاجی محمد و استاد قاسم علی چهره گشای و استاد بهزاد شبیه و نظیر ندارند"

از این جمله با استاد بهزاد ملاقات صورت بسته و الحق استاد مذکور بقوت بنان و قدرت بر رقم علی الاکفاء و الاقرآن فایق بوده و برکات اقلام و حرکات ارقامش بصد هزار آفرین لایق است.

ز کار زغالش بچاک روی	بهشت از قلم گیری مانوی
اگر مانی از وی خبر داشتی	از و طرح و اندازه بر داشتی
بود صورت مرغ او دلپذیر	چو مرغ مسیحا شده روح گیر
قلم را از آن کار بالا گرفت	که اندر دو انگشت او جا گرفت
قلم چون به تشعیر گیرد دلیر	روان موی خیزد بر اندام شیر

در باب برنامه استاد را چنین توصیف مینماید:

"از مصوران بهزاد بود، کار مصوری را بسیار نازک کرد. اما چهره‌های بی‌ریش را بدمی گشاد غیبب او را بسیار کلان میکشید. آدم ریش‌دار را خوب چهره‌گشائی میکرد."

از مشاهیر خط و هم عصر استاد، سلطانعلی مشهور است که در شعر نیز دست داشته و در مورد بهزاد ابیاتی دارد، که ذکر آن خالی از فایده نیست.

فرزند عزیز ارجمندم بهزاد	گه‌گه گذرش بر این طرف می‌افتاد
او عمر منست از ره صورت لیکن	عمر یست که از منش نمی‌آید یاد

حیدر دو غلات در تاریخ رشیدی احوال بهزاد و شاگردان وی را چنین می‌نویسد:

بهزاد. وی مصور استاد یست اگر چه مقدار شاه مظفر نازک دست نیست اما قلم این از وی محکم‌تر است، طرح و استخوان بندی آن از وی بهتر است، در قدیم الایام در سلسله خواقین هلاکوی که پادشاهان عراق اند خواجه عبدالحی بوده است، اعتقاد اهل این صنعت آنست که وی ولی بوده است در آخر توبه کرده هر جا که از کار خود می‌یافته است می‌سوخته و می‌سوخته از آنجهت کارهای وی بغایت کم یابست و در صفای قلم و نازکی و محکمی کلک در همه اوصاف تصویر مثل وی پیدا نشده است. بعد از خواجه عبدالحی و شاه مظفر، دیگر این بهزاد است و بعد از ایشان الی یومنا هذا مثل ایشان دیگری پیدا نشده، این دو تربیت یافتگان امیر علیشیرند، قاسم علی چهره‌گشای وی شاگرد بهزاد است، کارهای وی قریب با بهزادست و در همه اسلوب کسیکه ممارست بسیار کرده باشد در مییابد که کارهای قاسم علی درست‌ترست نسبت بکارهای بهزاد، و اصل طرح وی بی‌اندام‌ترست و مقصود دویم قاسم علی است و شاگرد بهزاد، قلم او هیچ‌کسی از قلم قاسم علی ندارد اما اصل طرح و پرداخت وی نسبت بقاسم علی خام است. و مولانا میرک نقاش وی از عجایبات روزگارست و استاد بهزادست، اصل طرح وی پخته‌تر از بهزادست اگر چه پرداخت وی مقدار بهزاد نیست اما تمام کارهای وی در سفر و حضر از پیش میرزا و در خانه و هوای بیرون می‌ساخته است. هرگز مقید به حجره و کاغذ لوق نبوده این بسی عجب است.

مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران چنین مینویسد:

... و نامدار و شهره‌دار و دیار او انلرک یعنی مصور لرک سرآمدی و زمره نقاشانک صاحب بخت سرمدی اولاک استاد "بهزاد" در که هر وی در و صنعتنک اوایی سلطان حسین بیقرا عصرینده و

اواخری شاه اسماعیل پورحیدر زماننده کمال رغبتله پدیدار و نقاش چین کمی نقش و نگاری مشهور دار و دیار اولدی. اگر چه اتی الذکر پیر سید احمد تبریز ینک تلمیذ خاصی در. ولکن رواج و رغبتنه و نقش و تصویر ینک مهارتینه باعث سابق الذکر پادشاه لرک التفات عالییه لرینه اختصاصیدر.

ترجمه — ((سرآمد مصوران استاد بهزادست که هروی و در زمره نقاشان صاحب بخت سرمدی است. اوایل صنعت او، در عصر سلطان حسین بایقرا و اواخر صنعت وی، در روزگار شاه اسمعیل بن حیدر بود. ظهور او مواجه شد با کمال رغبت عام، و از اینرو نقش و نگار وی مانند کار نقاش چین مشهور دار و دیار گردیده، اگر چه وی تلمیذ خاص پیر سید احمد تبریزی است، اما باعث بر مهارت نقش و رواج تصویرش التفات عالییه پادشاهان سابق الذکر است.

دیگر نوشته دوست محمد هروی در مرقع بهرام میرزا است که بشماره ۲۱۵۴ در کتابخانه خربینه اوقاف استانبول مضبوط بوده و دارای ۱۴۸ ورق میباشد.

نسخه چاپی این اثر، با تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بسال اول سنبله ۱۳۴۹ در مطبعه دولتی کابل چاپ شده و در صفحه ۱۶ آن بروایت از اصل دیباچه در مورد بهزاد چنین نوشته است.

"دیگر شاگرد خلف سید مشارالیه، افضل المتأخرین فی فن التصوير قدوه المتقدمین فی التذهیب و التحریر نادر العصر استاد کمال الدین بهزاد است و تعریف و توصیف مومی الیه بر قوم قلم عجائب او در این موقع ظاهر است و بشرف ملازمت کتابخانه عطار آشیانه اعلی حضرت سکندر حشمت جام جاه دین پناه سلیمان سپاه ظل الله قهرمان الماء و الطین عون الاسلام و المسلمین ناصب رایات العدل والاحسان قانع بنیان الظلم و الطغیان، السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان مشرف گشته و انواع رعایت و تربیت یافته و هم درین آستان ملائک پاسبان و دیعت حیات سپرده در جنب مقبره شکر گفتار شیرین مقال معدن وجد و حال شیخ کمال نور مرقده در تبریز آسوده "نظر افکن بخاک قبر بهزاد" تاریخ وفات اوست که سیادت مآبی امیر دوست هاشمی گفته."

در تزوک جهانگیری و در صفحه ۲۸۵ جشن چهارمین نوروز، چون بمناسبتی اسمی از بهزاد برده شده باختصار ثبت میگردد:

"از نفایس و نوادر روزگار که خان عالم آورده الحق از تائیدات طالع او بود که چنین تحفه بدست افتاد، مجلس جنگ صاحبقران است باتقتمش خان و شبیه آنحضرت و اولاد امجاد و امراء عظام را که در آن جنگ بسعادت همراهی اختصاص داشتند کشیده و نزدیک بهر صورتی نوشته که شبیه کیست و این مجلس مشتمل است بر دویست و چهل صورت، و مصور نام خود را خلیل میرزا شاهرخی نوشته. کارش بغایت پخته و عالی هست و بقلم استاد بهزاد مناسبت و مشابیه تام دارد، اگر نام مصور نوشته نبودی گمان میشد که کار بهزاد باشد، و چون بحسب تاریخ او بیشتر است اغلب ظن آنکه بهزاد از شاگردان اوست."

دیگر از مآخذ قدیم در مورد بهزاد، کتاب بدایع الوقایع زین الدین (۱) است که در صفحه ۱۴۵ آن چنین مینویسد:

"پادشاه مغفور مبرور نورالله مرقده از میان هنرمندان این صنعت و سحر آفرینان این حرفت

۱- کتاب بدایع الوقایع از آثار ارزنده زین الدین محمود بن عبدالجلیل المشهور بوصافی است که بسال ۸۹۰ ه. ق. تولد یافته و کتاب را به غربت در ماوراءالنهر نوشته است.

(چو میوه هلست سخن‌های واصفی دریافت ز باغ عمر خوری بر چو بشنوی سخنش)

این کتاب به تصحیح الکساندر بلدرف بوده و انتشارات بنیاد فرهنگ ایران آنرا نشر کرده است.

استاد بهزاد نقاش را که مصوران هفت اقلیم سر تسلیم پیش او فرود آورده بودند و صورت دعوی مسلمی را علی العموم بدو سپرده بودند اختیار فرموده بود. او را مانی ثانی لقب نموده هرگاه که این پادشاه عالیجاه را غمی یا المی پیرامون خاطر گردیدی و غبار قبضی بر مرآت ضمیر منیر رسیدی استاد مشارالیه صورتی برانگیختی و پیکری بر آمیختی که بمجرد نگاه کردن حضرت پادشاه در وی آینه طبعش از زنگ کدورت و صفحه خاطرش از نقوش کلفت فی الحال متجلی گشتی و جناب استاد ماهر الاصناف همواره صور مختلفه و نقوش متنوعه بخود همراه داشتی که بوقت حاجت بکار بردی و اکثر صورت امیر بابا محمود را که از جمله امرای عظیم الشان و کبرای سترگ رفیع المکان درگاه عالم پناه بود باوضاع مختلفه تصویر مینمود و میر مذکور صورت عجیب و هیات غریب داشت.

..... القصه روز بروز و ساعت بساعت هنر و مرتبه استاد در ترقی بود بهر نقش که میکشید او را از پس پرده غیب صورت فتح ور شدی روی مینمود. مشهور است که استاد مذکور صحیفه مصور بمجلس فردوس آئین سپهر تزیین امیر کبیر امیر علیشیر آورد و صورت حال آنچنانکه باغچه آراسته بود مشتمل بر درختان گوناگون و بر شاخسارش مرغان خوش صورت بوقلمون و بر هر طرف جویبارها جاری و گلبنهای شکفته زنگاری و صورت مرغوب، میر آنچنانکه تکیه بر عصای زده، ستاده و برسم ساجیق طبقهای پر زر در پیش نهاده، چون حضرت میر آن صورتهای را مشاهده و ملاحظه نمود آن صحیفه لطیف ریاض باطنش را بگللهای بهجت و سرور و اطراف حیاض خاطرش را باشجار فرح و حضور بیار است و از عندلیب طبعش بر شاخسار شوق و ذوق نوای الاحسن الاحسن برخاست بعد از آن روی بحضار مجلس کرد و گفت عزیزان را در تعریف و توصیف این صحیفه لازم التشریف بخاطر چه میرسد؟ مولانا فصیح الدین که استاد میر و از جمله مشاهیر اهل خراسان بود فرمود که مخدوما "من این گللهای شکفته رعنا را دیدم خواستم که دست دراز کنم و گلی برکنم و بر سر دستار خودمانم. مولانا صاحب دارا که مصاحب و رفیق میر بود گفت مرا نیز این داعیه شده بود اما اندیشه کردم که مبادا دست دراز کنم و این مرغان از سر درختان پرواز نمایند. مولانا برهان که سرآمد ظرفا و قدوه اهل خراسان بود و لایتنقطع بجناب میر تعرض و ظرافت مینمود گفت که من ملاحظه کرده دست و زبان نگاه میدارم و دم زدن نمیآرم که مبادا حضرت میر در اعراض شوند و روی و ابروی خود درهم کشند حضرت میر فرمودند که عزیزان سخنان خوب گفتند و درهای معانی مرغوب سفتند اگر مولانا برهان آن ناخوشی و درشتی نمیکردند بخاطر رسیده بود که این طبقهای ساجیق را بر سریان نثار کنیم. بعد از آن استاد بهزاد را اسب با زین و لجام و جامه مناسب و اهل مجلس را هر کدام لباسهای فاخر انعام فرمودند."

بنوشته مورخان و تذکره نویسان، بهزاد در مکتب استادان بنام و سرشناس تعلیم دیده و بشهرت رسیده است. جهانگیر در تزوک خود نوشته است که خلیل میرزا نامی موفق به کشف هنری او گردیده و فن تصویر را باو آموخت. در نوشته دیگری در مقدمه حمایه نامه، بهزاد را شاگرد ناصرالدین مذهب دانسته و او را استاد اولیه بهزاد معرفی کرده است.

مصطفی عالی افندی در مناقب هنروران، از بهزاد یاد کرده و چنین نوشته است.
«اگر چه وی تلمیذ خاص پیر سید احمد تبریزی بود و لکن رواج و رغبت نقش تصویرش ازالفتاح عالییه پادشاهان سابق الذکر است»

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا، استاد اولیه او را سید امیر روح اله میرک هروی دانسته و چنین یاد کرده است:

«دیگر شاگرد خلف سید مشارالیه (روح اله میرک هروی) افضل المتأخرین فی فن التصوير قدوه المتقدمین فی التذهیب و التحریر نادر العصر استاد کمال الدین بهزاد است و تعریف و توصیف مومی

الیه برقوم قلم عجایب او در این موقع ظاهر است و بشرف ملازمت کتابخانه عطار و آشیانه اعلی حضرت سکندر حشمت جمجاه دین پناه سلیمان سپاه و غیره مشرف گشته و انواع رعایت و تربیت یافته»

در مورد رشد و تعالی موفقیت آمیز استاد بهزاد، این نکته معلوم است که ابتدا در خدمت پادشاه هنر نواز سلطان حسین بایقرا (۹۱۲ - ۸۷۳) و زیر نظر و رعایت های پدران و وزیر پر آوازه اش امیر علیشیر نوائی و با بهره جوئی کامل از سرچشمه استادان بنام زمان خود در هرات مدارج هنری را بسرعت طی کرده و بسر منزل مقصود رسید و پس از مرگ سلطان حسین که نواحی خراسان بدست محمد شاه بخت خان شیبانی معروف به شیبک خان افتاد، در خدمت وی نیز مقام پرارجی پیدا کرده و بخلق آثاری همت گماشت.

پس از قتل شیبک خان بدست شاه اسماعیل و بر چیده گشتن بساط وی بسال ۹۱۶ پادشاه جوان صفوی عده ای از معاریف و مشاهیر هنری هرات چون بهزاد و میرک و قاسمعلی و حاجی محمد را به تبریز انتقال داد و در این شهر بود که بهزاد شهرت زاید الوصفی پیدا کرده و اهمیت و اعتبارش از مرزهای ایران به ممالک هم جوار رسید، او که جزو ملازمان شاهی و در سفر و حضر بخدمت بود به سبب کمالات صوری و معنوی مورد محبت شاهانه گشته و در تاریخ ۲۷ جمادی الاول سال ۹۲۸ بریاست کتابخانه پادشاهی منصوب و مشغول کار گردید. (۲) و (۳) (سواد فرمان در صفحه ۱۱۲) پس از مرگ شاه اسماعیل که بسال ۹۳۰ اتفاق افتاد فرزند خردسالش بنام شاه تهماسب (به تاریخ نهصد و سی از هجرت در محل چاشت روز دوشنبه نوزدهم شهر رجب موافق بچین ثیل ترکی جلوس بر سریر جهانبانی واقع شده در سن ده سالگی) (۴) به سلطنت نشست.

شاه تهماسب سلطانی هنرپرور و ادب دوست بود و علاقه زیادی بخط و نقاشی و سایر هنرها داشت. اولین معلم نقاشی او به دوران صباوت، سلطان محمد نقاش شاگرد و همکار بهزاد بود، او از محضر بهزاد و آقا میرک نیز بهره یاب گشته و بمثابة مرید و مرادی و استادی و شاگردی آنان را عزیز و گرامی میداشت.

بنوشته آقای حسین میر جعفری در مجله هنر و مردم شماره ۱۴۲، نامه ای در آرشیو موزه توپ تاپو سرای ترکیه موجود است که بخط بهزاد بوده و متن آن بعقیده اینجانب تقاضای دریافت خرجی است که جهت تصویر و تذهیب و کتابت کتابی بنام تاریخ حضرت شاهی یعنی شاه تهماسب (کلمه شاهی را باحترام کنار نامه می نوشتند) میباشد. چون در آن زمان بهزاد رئیس کتابخانه بوده و دریافت مخارج و پیراستن و نوشتن هر اثری بعهد او بوده است. (عکس اصل نامه در صفحه ۱۱۳)

۲- متن فارسی و ترجمه فرانسه این سواد در ماهنامه عالم اسلامی جلد ۲۶ بوسیله مرحوم علامه قزوینی و سپس متن فارسی آن در کتاب گلستان هنر به اهتمام و تصحیح آقای مهدی سهیلی خوانساری صفحه ۱۳۵ درج و منتشر شده که ما عیناً در اینجا ثبت مینمائیم.

۳- به گفته کتاب مناقب هنروران که بیشتر بافسانه شباهت دارد چنین مینویسد:
«شاه اسماعیل بهزاد را زیاده از حد دوست میداشت، در جنگ چالدران گویا شاه محمود نیشابوری و بهزاد حضور داشته اند، وقتی شاه اسماعیل احتمال به شکست خود و اختلال احوال آن سامان داد، شاه محمود و بهزاد را در غاری پنهان کرد و پس از خاتمه جنگ نخست بسراغ این دو هنرمند آمد و حفظ آن دو را بمال و خزائن خود مقدم داشت»

۴- تذکره شاه تهماسب چاپ برلین صفحه ۸.

سواد فرمان شاه اسمعیل برای کلانتری کتابخانه همایون بنام بهزاد

چون ارادت کارخانه ایجاد و تکوین و مشیت محرر نگارخانه آسمان و زمین که بر طبق کلمه و صور کم فاحسن صور کم نقش وجود غرایب نمود بنی نوع بشر در احسن صور بر صفحه امکان پرداخته قلم قدرت اوست و تصویر صورت تفصیل افراد انسان بر سایر مخلوقات ربانی بمقتضای و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تحریر کرده انامل حکمت او منشور انا جعلناک خلیفه فی الارض را بر صحیفه حلکاری خورشید بخامه عطارد بنام همایون اتسام ما امضاء نموده و اوراق سپهر لاجوردی را جهت کتابت روز نامه آثار فتح و نصرت ما با فشان نقره کوب کواکب و جدول شجر گون شفق منقش و مزین فرموده لایق آن و مناسب چنان مینماید که لوح ضمیر الهام پذیر همایون که مطرح اشعه انوار الهی و مظهر صور آثار خیر خواهی است بدینصورت مصور باشد که هر مهم از کرایم مهمات سر کار کامرانی و هر امر از عظیم امور کارخانه جهانبانی بهنرمندی دانا و کاردانی فضیلت انتما که بطراحی ذهن باریک بین و رنگ آمیزی طبع ظرافت آئین طرح ابداع انواع کفایت و نقش اختراع اصناف فراست بر تخته وجود ظاهر تواند نمود و نقاب حجاب از چهره مطلوب و مقصود تواند گشود و مفوض و متعلق باشد بناء علی هذا درین ولا نادر العصر قدوة المتصورین واسوة المذهبین استاد کمال الدین بهزاد را که از قلم چهره گشایش جان مانی خجل شده و از کلک صورت آرایش لوح ارتکک منفعل گشته و پیوسته قلم وار سر بر خط فرمان واجب الاذعان نهاده و بر گار مثال پای در مرکز ملازمت آستان خلافت آشیان استوار کرده مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشاهانه ساخته حکم فرمودیم که منصب استیفاء و کلانتری مردم کتابخانه همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبیان و جدول کشان و حلکاران و زر کوبان و لاجورد شویان و سایر جماعتی که بامور مذکوره منسوب باشند در ممالک محر و سه مفوض و متعلق بدو باشد سبیل امرای روشن ضمیر و وزرای بی شبه و نظیر و نواب درگاه عالم پناه و ایلچیان بارگاه سپهر اشتباه و مباشران امور سلطانی و متصدیان مهام دیوانی عموما و اهالی کتابخانه همایون و جماعت مذکوره خصوصا آنکه اسناد مشارالیه را مستوفی و متعهد کلانتری دانسته کارهای کتابخانه را باستیفاء و برآورد او رسانند و آنچه برآورد کند بمهر و ثبت او معتبر دانند و از سخن و صواب بدید او که در باب ضبط و ربط امور کتابخانه همایون گوید عدول و تجاوز ننمایند و آنچه از لوازم امور مذکورست مخصوص بدو شناسند و مشارالیه نیز باید که صورت امانت و چهره دیانت بر لوح خاطر و صفحه ضمیر منیر مصور و مرتسم گردانیده بطریقه راستی در این امر شروع نماید و از میل و مداهنه مجتنب و محترز بوده از جاده صدق و صواب انحراف و اجتناب نکند از جوانب برین جمله بروند و چون این حکم همایون بنقش توقیع و قیغ اشرف اعلی منقش و مشرف و محلی گردد اعتماد نمایند تحریرا فی ۲۷ جمادی الاولی سنه ۹۲۸.

نامه بهزاد بشاه طهماسب صفوی

بسم الله الرحمن الرحیم

بخدمت نوب کیب میرپناه

یار کرامت جان نوب

انعام زنده گزینان سینه کوب

ثانیان غنیه میدار که در محل مراجمت کوب نصرت حکم شده بود که باین نصرت

خوبی و منند تا بکارها تا بن نصرت مشغولی نماید زنده نصرت برین و پیش رو از نصرت

بخدمت نوب رسید که دران باب پروانه و نشان در پست نماید و در پست

فطر کیما اثر محمود نماید که بجهت کمال جهات قیام تواند نمود و نیز مثل بر قیام این دو تکرار شود

انما پس ابا التماس نمود و بنان پانزده که درین باب پسر فرار کرده و در جواب برود برین

پس این بستان نمود و سعادت و و جمایه پست نام بود و باین و الاله بنام

شاهی

شاهی

نامه بهزاد بشاه طهماسب صفوی

عرضه داشت بنده کمترین بندگان بهزاد.

بعز عرض نواب کامیاب میرساند. که:

یارب که مرا صحبت جان بی تومباد از هستی من نام و نشان بی تومباد انجام زمانه یک زمان بی تومباد کوتاه کنم سخن، جهان بی تومباد

ثانیا " عرضه میدارد که در محل مراجعت حضرت شاهی حکم شده بود که باین فقیر خرجی دهند، تا بکارهای تاریخ حضرت شاهی مشغولی نماید. از جهت ضعف بدن و تعجیل دوا زو نتوانست بملازمت نواب رسید که در آن باب پروانه و نشان درست نماید. امیدوارست که از گوشه خاطر کیمیا مآثر محو نفرمایند که تا بموجب حکم بهمات قیام تواند نمود و نیز حمل بر تقصیر این دولتخواه نشود.

التماس آنکه التفات نموده چنان سازند که در این جانب سرفراز گردد و چون واجب بود بعرض رسانیدن گستاخی نمود.

سعادت دو جهانی مستدام باد، بالنبی والهالامجاد.

با ملاحظه سطور آخر نامه (چون واجب بود بعرض رسانیدن گستاخی نمود) معلوم میشود که دریافت خرجی جنبه خصوصی نداشته و جهت مصارف کتابخانه سلطنتی بوده است.

بدین ترتیب دوران پیری و اواخر زندگی بهزاد در تمام دوره سلطنت شاه طهماسب بخوشی و سعادت مقرون بوده و در کمال رفاه و آسایش خاطر بخلق آثار جاویدان اشتغال داشته است.

شاگردان و مشتاقان پیرو شیوه بهزاد که هر یک به تنهایی استادان عالی مقامی نیز بوده‌اند طبق روایات و اسناد بدست آمده عبارتند از:

۱- جلال الدین میرک اصفهانی - اصلا "اصفهانی و در هرات و تبریز شاگرد و همکار وی و پس از مرگ بهزاد رئیس کتابخانه شاه تهماسب شده و تا روز وفاتش کتابدار سلطانی و مقرب دربار وی بوده است.

۲- میر مصور اهل سلطانیه بوده و استاد نقاشی میرزا زین العابدین اصفهانی می باشد.

۳- ملا یوسف ۴ مقصود دوست دیوانه ۵ مظفر علی.

باستناد مدرکی در مرقع امیر حسین بیک بخط مالک دیلمی که در مقدمه آن از مظفر علی یاد کرده و نوشته است: "همچنین جناب استاد الدهر و نادر العصر جامع فنون حیثیات علمی و عملی استاد مظفر علی که جناب استاد ابوالبشر معروف الزمان و مشهور الدوران استاد بهزاد را هم شاگرد بلاواسطه و هم خویش است و در جامعیت فنون استادی از و بیش."

۶- ملا درویش محمد نقاش خراسانی (بنوشته مجالس النقایس)

۷ و ۸- رستم علی و حیدر علی خواهر زادگان بهزاد.

۹- خواجه عبدالعزیز پسر خواجه عبدالوهاب.

۱۰ و ۱۱- قاسم علی و سلطان محمد از ممتازترین شاگردان بهزاد.

۱۲ و ۱۳- تراز و بهرام قلی اثرزیبائی از تراز بسال ۹۱۲ و همچنین تصویری از بهرام قلی بسال ۹۱۷ و در شیوه بهزاد در کتابی بنام (صور من مدرسه بهزاد) بشماره‌های ۸ و ۹ چاپ شده که معرف زبردستی و استادی آنان می باشد. ۱۴- صادقی بیک.

در مورد تاریخ مرگ و مدفن استاد بهزاد، روایات مختلفی وجود دارد که اغلب با هم مغایرند، قاضی احمد فوت بهزاد را چنین آورده:

"فوتش در دارالسلطنه هرات و در حوالی کوه مختار و در حظیره پر از نقش و نگار مدفون است" در کتاب تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی، که در افغانستان چاپ شده است در صفحه ۱۰۱ کتاب راجع به مرگ بهزاد چنین می نویسد:

"در دهلی رساله‌ای دیدم که تالیف شیخ محمد قمی کتابدار بود، در آن رساله نوشته بود که بهزاد پس از سالها ماندن در قزوین و تبریز جهت دیدار مولانا رستم علی خواهر زاده خود بهرات برگشت و قبل از ورود بهزاد، مولانا رستم علی از جهان رفته بود. و قضا را در همان سال، بهزاد را مرضی عارض شد و از دنیا رفت و پیکر پاک آن استاد نامدار در جوار قبه پرنقش و نگار مختار، پهلوی رستمعلی خواهر زاده‌اش دفن گردید و این شعر از آن رساله است.

استاد زمانه حضرت بهزاد است کو داد هنروری بعالم داده است

کم زاد بسان مانی از مادر دهر البته که بهزاد از او به زاد است

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا، در مورد مرگ بهزاد می نویسد:

"هم در این آستان ملایک پاسبان (شاه تهماسب صفوی) ودیعت حیات سپرده و در جنب مقبره شکر گفتار شیرین مقال معدن وجد و حال شیخ کمال نور الله مرقده در تبریز آسوده (نظر افکن بخاک قبر بهزاد) تاریخ وفات اوست که سیادت مآبی امیر دولت هاشمی گفته"

در حقیقت نیز نوشته دوست محمد هروی مقرون به صحت بوده و بهزاد بسال ۹۴۲ در تبریز وفات یافته و در باغ کمال جنب قبر کمال خجندی شاعر معروف مدفون می باشد.
قطعه ذیل را که امیر دولت هاشمی سروده بر سنگ مزارش دیده میشود.

وحید عصر بهزاد آنکه چون او
اجل چون صورت عمرش به پرداخت
ز من صورت گری تاریخ پرسید
اگر خواهی که تاریخش بدانی

ز بطن مادر ایام کم زاد
قضا خاک وجودش داد بر باد
بدو گفتم جواب از جان ناشاد
نظر افکن به (خاک قبر بهزاد)

۹۴۲ ه.ق.

قیافه و شمایل بهزاد در تصویری مضبوط در کتابخانه دانشگاه اسلامبول ارائه شده. (۱)
که گویا بدست نقاش و یا توسط شاگردان علاقمند و صمیمی وی ترسیم گشته است.
در این اثر ارزنده که استاد را در اوایل پیری نشان میدهد کلاه عمامه‌ای مخصوص بسر گذاشته و قباى بلند و کفش کوچک پوشیده و در محلی ایستاده است.
او بدست چپ وسایل تصویر سازی گرفته و بدست راست کتابی را ارائه مینماید.
صورت و قیافه او نحیف است و ریش و سبیل کم پشتی دارد.
اصل تصویر متعلق به کتابخانه دانشگاه استانبول است که بطن قوی بدست یکی از شاگردان هنرمندش تصویر گشته است.

آثار رقم دار اصیل وی عبارتند از:

۱- عالیترین و اصیل ترین تصاویر بهزاد در کتاب بوستان سعدی مضبوط در کتابخانه قاهره مصر میباشد این اثر پرمایه که بسال ۸۹۳ الی ۸۹۴ در شهر هرات تصویر گشته، مشخصات آن اخیراً در کتابی بنام (صور من مدرسه بهزاد فی المجموعات الفنیة بالقاهرة) توسط دکتر محمد مصطفی، بعکس رنگی و زبان عربی چاپ و منتشر گشته است.
در این کتاب کلاً ۱۲ تصویر ارائه شده که لوحه ۱ تا ۶ آن کار بهزاد بوده و بقیه بوسیله شاگردان پیرو مکتب استاد تصویر گشته است.

شماره ۱ و ۲ بی رقم ولی شماره‌های ۳ و ۴ و ۵ و ۶ برقم بهزاد بوده از کارهای اصیل و ممتاز استاد میباشد. شماره ۸ و ۹ رقم بهرام قلی و شماره ۷ رقم تراز و بقیه بدست نقاشان صاحب کمال و شاگردان گمنام استاد است که هم جوار شاهکار استاد برشته تصویر درآمده است.
در اینجا ۶ تصویر رقم دار و بی رقم بهزاد را باختصار معرفی مینمائیم.

۱- سلطان حسین میرزا در وسط باغی نشسته و عده‌ای از دوستان و ندیمان باطراف وی جمع شده و باده گساری مشغولند. در پشت معجر باغ، انبوه درختان پر طراوت، چشم نواز در زمینه طلائی ارائه شده و خانواده دهقانی نیز در گوشه باغ سکنی گزیده‌اند. درب ورودی قصر، منقش و مرصع و الوان است و دربان خانه مرد فقیری را از جلو آن دور می‌سازد. (صفحه ۳۴ کتاب)

۲- مجلس دوم، بساط مهمانی و طرب حسین میرزا با دوستان جوان است که روی دوشک سفیدی بروی فرش نشسته و اطرافیان و دوستان به لهو و لعب سرگرمند.
ساختمان شش گوش و برج رنگین و پر پیرایه و چادر منقش که به تصویر انواع طیور و جانوران دیگر آذین شده کم نظیر است.

۳- لوحه سوم ترسیم حکایت دارا و شبان است، که در بالای آن این بیت جلب نظر مینماید:

۱- تصویر در هنر و مردم شماره ۱۴۲

ملک را دل رفته آمد بجای
بخندید و گفت ای نکوهیده رای
در این نقاشی، ملک دارا با لباس پر رنگ و نگار و وسایل رزمی سوار اسب شده و چوپانی در مقابل بگفتگو ایستاده است. در حوالی صحنه، نقش موزون و دلفریب ده راس اسب بزرگ و کوچک دیده میشود که به زبردستی انجام یافته است. منظره کوه و درختان، استوار و دل چسب است و روی جعبه تیر رقم دارد.
(عمل العبد بهزاد)

۴- منظره مسجدی با کنبد سبز و کاشی کاری مزین و خطوط لاجوردی و طلائی در کمال آتش دستی تصویر شده و در کنار منبر مسجد، عده‌ای از علماء به صحبت و مذاکره و در تالار جنبی نیز جماعتی به عبادت و تدریس مشغول هستند، در بیرون مسجد که دیواره آن، در کمال استواری و ترکیب است مردی وضو میگیرد و گدای سیاه چرده‌ای از عابر توانگر درخواست پول میکند، امضاء بهزاد در کتابی که در داخل مسجد و در دست یکی از علماء است جلب نظر مینماید.
در طرف راست کتاب کلمات (ضرب زید) نوشته شده و در مقابل آن رقم (عمل العبد بهزاد) درج گشته است.

۵- لوحه پنجم، جلسه تدریس و بحث و مذاکره در مسجد را نشان میدهد. سردر ورودی داخل مسجد در کمال استواری و فریبندگی نقش گشته و حواشی آن به خطوط و اریه خوش، آذین گشته است. داخل مسجد نیز بهمان عیار و حلاوت بیرونی، آرایش شده و از پنجره انتهایی اش، درختان پر گل باغ، بخوبی دیده میشود.

جماعتی از مومنین و طلاب علوم، در بیرون و داخل مسجد به گفتگو و بحث و مذاکره مشغولند. در انتهای آخر کتیبه، بخط سفید رقم دارد. (عمل العبد بهزاد فی سنه ۸۹۴)

۶- لوحه ششم، تصویر حکایت یوسف و زلیخا است که بساختن قصری هفت در فرمان داده بود. قصر در کمال استواری و خوش منظری انجام یافته و این بیت در بطن آن درج شده است.

(زلیخا چو گشت از می عشق مست
بدامان یوسف در آویخت دست)
تصویر زلیخا در نهایت حلاوت و آراستگی، در بالکن قصر ارائه شده که به اشاره دست با یوسف صحبت میکند. در معجر وسط و کناره اطاق سمت چپ رقم دارد. (من عمل العبد بهزاد)
و در بالای در ورودی همین اطاق، سنه ۸۹۳ جلب نظر مینماید.

۷- تصاویر خمسه نظامی که بسال ۹۰۰ یا ۸۹۶ ه.ق. تصویر شده و بشماره ۲۵۹۰۰ در بریتیش میوزیوم مضبوط میباشد. یکی از آن تصاویر، لیلی و مجنون در مکتب خانه و دیگر داستان خلیفه مامون در حمام، دیگر ساختمان قصر خورنق، دیگر صحنه جنگلی است که از بهترین کارهای بهزاد بوده و در هرات انجام یافته است. (تصویر قصر خورنق شماره ۳۳)

۸- تصاویر خمسه نظامی که بتاریخ ۹۳۲ در تبریز نقاشی شده و حالیه در موزه متروپولیتن نیویورک میباشد، یکی از آن تصاویر، مجلس رزمی اسکندر و داراب است که بزبانی نقش بسته است.

۹- تصاویر لیلی و مجنون از کارهای آخر بهزاد موجود در موزه شهر لنین گراد.
۱۰- تصویر خلیفه زاده هارون الرشید، عمل بهزاد در صفحه ۶ کتاب LE GUIRLANDE DE L'IRAN

که بسال ۱۹۴۸ چاپ شده و در کمال نفاست و زیبایی میباشد.
۱۱- مینیاتور رقم دار بهزاد که تصویر آن در صفحه ۸۱ کتاب PERSIAN PAINTING تالیف

روبرت هیلن براند ۱۹۷۷ قرار دارد.

نقاشی فوق العاده نفیس داخل مسجدی را نشان میدهد که حواشی و محراب آن با کاشی‌های زیبای رنگی نقاشی شده و در قسمت بالای آن اشعاری نوشته شده و در گوشه بالای انتهائی درب و پنجره

(عمل العبد بهزاد)

دست راست رقم دارد.

در داخل تالار، حضرت محمد (ص ع) با حسنین در وسط نشسته، قنبر و عده‌ای از مومنین ایستاده و نشسته حضور دارند. این میناتور از کتاب بهارستان جامی بوده و تاریخ آن تقریباً سال ۹۳۲ می‌باشد. ۱۲- در صفحه‌ای از مرقع گلشن تهران، تصویر پیر مردی است که شترها را به نشستن مجبور میکند و ساربانهای دیگر در این امر وی را یاری مینمایند. رنگ لباسها و روپوش و پوستینه‌های شترها جلوه بس زیبا دارد. در زیر نقاشی نوشته:

((این رقمی است بدیع خلقت مشعر از مضمون (افلاینظرون الی الابل کیف خلقت) که قلم شکسته نهاد فقیر نامراد بهزاد از وصول عمر بدرجه هفتاد، به تجربه قوی در این امر افتاد و المسئول من الله العفو فی المعاد))

۱۳- هنر بهزاد در کشورهای هم جوار، بویژه در هند و پاکستان نیز تاثیر بسزائی داشته کما اینکه نانها نقاش هندی بسال ۱۰۱۷ بامر پادشاه نورالدین محمد جهانگیر، تصویر شتر و پیر مرد را از روی عمل بهزاد ساخته و این طور نوشته است (الله اکبر این کار استاد بهزاد را دیده نانهای مصور کرده حسب الحكم. (من حرره جهانگیرین اکبر پادشاه غازی ۱۰۱۷) صفحه ۷ مرقع گلشن

۱۴- عبدالمحمد خان ایرانی در صفحه ۱۴۷ کتاب خود، بنقل از کتابخانه حکومت مصر و از کتاب مصور حکیم نظامی، تصویر جوانی را که نشسته و دست روی دست گذاشته ارائه داده و در بالا نوشته است، شاپور شاه و در پائین رقم بهزاد دیده میشود.

۱۵- اثر دیگر، تصویر گاوی است که در چنگال شیر اسیر شده، گاو زبان بسته از ترس زبان خود را در آورده و مستاصل و مات و حیران مانده است، در افق دور، گرگ و روباهی گرسنه در انتظار پایان ماجرا نشسته و خود را بصرف غذای چرب و نرمی آماده کرده‌اند. در متن تصویر، درخت زیبائی ارائه شده و رقم دارد.

(بفرموده سلطان الاعظم اکرم سلطان مهردا، رقم فقیرالحقیر بهزاد سلطانی)

۱۶- تصویر جنگ بر روی جیخون، چاپ شده در صفحه ۱۷ مجله روزگار نو جلد ۵ شماره ۲ و در صفحه ۱۵ همین شماره و در طرف راست آن باردادن تیمور در هنگام جلوس به تخت سلطنت است. در طرف چپ صفحه، حمله لشکریان تیمور بشهر خیوه که هر دو از کارهای بهزاد میباشد. در روی جلد ۵، شماره ۱ این مجله، در صفحه ۴۶، از نقاشی نسخه ظفر نامه عمل بهزاد ارائه شده است. (۷)

۱۷- تصویر صورت مولانا عبدالله هاتفی، با رقم عمل استاد بهزاد، صفحه ۱۳۴ کتاب گلستان هنر تصحیح احمد سهیلی خوانساری.

۱۸- تصویر امیری با خدمتگذاران است که در کنار سراپرده زیبائی از اسب پیاده میشود. (مرقع گلشن)

۱۹- مجلس بزم سلطان حسین بایقرا است که بانوان و رامشگران ایستاده و در میان آنها زن جوانی نیز دیده میشود. در میان دفتری که زن جوان بدست دارد. نوشته (سراپرده حسین میرزا عمل بهزاد)

۲۰- منظره قصر زیبائی، در فصل زمستان است که نزدیک ساختمان زیبای آن زن جوانی نامه‌ای بزیر بغل گرفته و شمشیری بکمر بسته و با دربان قصر یگفت و گو مشغول است، رقم دارد. (تصویر بهزاد) (مرقع گلشن) دیگر تصویر سلطان محمد خوارزم شاه است که رقم دارد. (صوره بهزاد) (مرقع گلشن)

۷- در سال ۱۹۲۲ سر تاماس آرنولد نقاشی‌های ظفر نامه کار بهزاد را که بسال ۸۷۲ ه. ق. نقاشی شده است چاپ و منتشر نمود.

۲۱- تصویر جوان محکومی است که بحالت نیایش نقاشی شده و مراقبین در پشت سر جوان دیده میشوند. این اثر نیز در مرقع گلشن تهران بوده و رقم بهزاد را دارا میباشد.

۲۲- تصویر سلطان محمد خوارزم شاه است که شمشیر به زیر بغل نهاده و بحال احترام در مقابل مرشدش زانو زده است، در روبرو و پشت کوهها مهتر مخصوص دهنه اسبها را گرفته و حفاظت میکند، روی کوه بخط نستعلیق رقم دارد. (صوره بهزاد) مرقع گلستان.

۲۳- هشت اثر ارزنده بهزاد که در کتاب ظفر نامه است و در آخر کتاب چنین نوشته شده است: ((لکاتبه تجاوز اله عنه

تحریر چو تقریر به از در یمین جبران شده در صفای این روح امین

از دست فقیر کمترین شیر علی اتمام کتابی است فی بضع سنین ۸۷۲))

در آخر کتاب، جهانگیر پادشاه بخط خود نوشته:

((ظفر نامه بخط شیر علی کاتب مشتمل بر دوازده صفحه تصویر به کار نادره دوران استاد بهزاد مع چهار لوح از بابت پیش کش میر جمال الدین حسین انجو))

در اول کتاب چنین رقم رفته است:

((الله اکبر - کتاب ظفر نامه بخط مولانا شیر علی و هشت مجلس تصویر کار اولین استاد بهزاد که در نفاست نظیر ندارد. از کتابخانه حضرت عرش آستانی پدر بزرگوار من سال اول جلوس مطابق هجری داخل کتب این نیازمند درگاه آلهی شد. حرره نورالدین محمد جهانگیر شاه اکبر))

در زیر این نوشته جهانگیر پادشاه نوشته:

((این ظفرنامه شریف که از نوادر دوران است بتاریخ ۲۷ ماه بهمن هشتم شهر جمادی الثانیه سنه ۱۰۳۲ هجری که روز جلوس مبارک است داخل کتابخانه خاصه این نیازمند درگاه شد. چون نهایت نفاست دارد همیشه در حضور می‌باشد و اکثر اوقات بمطالعه در می‌آید.

حرره شهاب الدین محمد شاه جهان پادشاه ابن جهانگیر پادشاه))

۲۴- تصویر شبیک خان محمد شاه بخت خان شیبانی.

در این تصویر، شبیک خان با صلابت و قیافه سرداران مغولی چهار زانو نشسته و دستهای خود را روی زانوان قرار داده و به متکای بزرگی تکیه کرده است. وسایل تحریر و کتابت از قبیل قلمدان و کاغذ و دفتر و غیره در کنار دیده میشوند. در گوشه‌های طرفین بالای تصویر، بخط نستعلیق زیبای تحریر رقم دارد. (صورت شبیک خان العبد بهزاد)

۲۵- اثر منسوب دیگر، تصویر درویشی با عبا و عمامه مخصوص است که دو زانو نشسته و دستها را بروی هم انداخته است. در قسمت بالا که تذهیب فوق العاده‌ای نیز دارد، بخط تحریر نوشته:

((صورت درویش بغدادی بعمل حضرت استاد بهزاد))

۲۶- تصاویر ظفر نامه تیموری بخط سلطان محمد نور که بسال ۹۳۵ تصویر شده و مذهب آن شخصی بنام میر عضد بوده و در آخر رقم دارد.

(کتابه سلطان محمد نور و ذهبه میر عضد و صوره بهزاد ۹۳۵)

۲۷- تصویر دو غزال بی شاخ و شاخ بلند که هر دو برگشته و سر به گردن برده‌اند. در طرفی یک شاخه درخت انگوری تصویر شده و در روی بوته بزرگتر خرگوشی دیده میشود، رقم بزرگ و خط تحریر و نستعلیق دارد. (نقل از کار مولانا ولی صوره العبد بهزاد)

۲۸- تصویر استادادنه و پر ملاحظت شاه طهماسب در جوانی است که بالای درخت بلندی نشسته و جوان خدمتکاری از نردبان بالا میرود. وزیر و ندیم پیرش که به لباس وزارت ملیس شده، تنگ شراب

را بشاه تعارف میکند.

مهرت مخصوص اسب شاه را گرفته و باز دار سلطنتی باز بدست دارد، پیر مردی که به عصای نازکی تکیه کرده و ناظر صحنه است روی دامنش نوشته است.

درخت بلند و زیبایی سروی که بروی آن مرغی نشسته است جلوه دل انگیزی دارد.

در سمت چپ نوشته (شبیه حضرت شاه طهماسب) در کنج نردبان بخطر ریز رقم بهزاد را دارد.

۲۹- تصویر ساده و سیاه قلمی حسین میرزا بروی اسب است که با صورت خندان و سبیل از یکی کوچک و چشمان نافذ و کلاه عمامه‌ای پردار و در لباس رزم نقاشی شده و از هر نظر استادانه می باشد. در زیر کماندان و زیر شمشیر بلند، در یک ترنج شش پر بخطر فوق العاده ریز رقم داشت.

(الفقیر بهزاد) در کناره اثر بخطر دیگری نوشته شده (صورت سلطان حسین میرزا) بهزاد

۳۰- در تاریخ ۲۸ آپریل ۱۹۸۰ در بریتیش میوزیوم نمایشگاهی در مورد رسم ازدها در تصاویر ایران افتتاح شد که یکی از آنها اثری از بهزاد در کتاب خمره نظامی بود.

این کتاب که بخطر نستعلیق غبار زیبا نوشته شده و موضوع آن برداشتی از این بیت شعر بود (چونک میدان ازدها شد تنگ شه در آمد به ازدها چون نهنک)

که در کناره اثر دیده میشد.

زمینه هوای مینیاتور کلا "طلای ناب بود، کوهها و سنگهای آن با ظرافت خاصی نقاشی شده بود. در بالای کوه صورت خری نقاشی شده بود و اندازه آن با اینکه بالای کوه بود باندازه اسب بهرام گور بود. بهرام گور با زیبایی و طراوت خاصی روی اسب نشسته و با ازدها مشغول مبارزه بود. ازدها خود را بروی درخت تنومندی چسبانده گوئی از بهرام گور ترسیده است، نقاشی در کمال مهارت و استادی بود. بین سطور پائینی بخطر نستعلیق رقم داشت.

۳۱- تصویر دیگر که در فریر گالری واشنگتن است، تصویر زیبایی پیر و جوان در صحراست که به حاشیه گرد دایره‌ای و تذهیب فوق العاده غنی آرایش شده است. پیر که جوان ناآگاه را نصیحت میکند در کناره جوی آبی ایستاده با هم بحث مینمایند، منظره کوه و درختان صحرا و زیبایی و عظمت تذهیب نقره‌ای و طلایی، قابل تحسین است. رقم دارد بزر تذهیب.

۳۲- دیگر اثر ارزنده بهزاد که در مجموعه شاه جهان بیادگار مانده، تصویر مردی است که طناب بگردن شیر انداخته و او را رام کرده است. دو مهر در ذیل تصویر دیده میشود که یکی (بنده شاه جهان اعتمادخان) است و زیر آن نوشته (عمل بهزاد فدائی خان کوله نهم ذی قعدة ۲۹)

در طرف چپ نوشته (عرض دیده شد) (مرید علی حسینی عالم گیر پادشاه هفتم جمادی الاول سنه ۱۱) ۳۳- اثر دیگر، تصویر شاهزاده ترکی است که بروی زانو نشسته و نقاشی میکند. اصل این اثر توسط جنتیل بلینی سال ۱۴۸۰ میلادی در استانبول تصویر شده و عکس رنگی و سیاه سفید آن در اغلب کتابها چاپ شده است. در کناره آن بخطر نستعلیق زیبا نوشته:

(عمل ابن مؤذن که از استادان مشهور فرنگ است)

بهزاد از روی این تصویر کپی کرده و بهتر از آن در آورده است، در روی صفحه‌ای که روی زانوی نقاش دیده میشود، یک مینیاتور ایرانی نقاشی شده و در کناره آن مهر دایره‌ای شکلی ثبت شده و روی آن بخطر نستعلیق نوشته (غلام آل محمد جعفر صادق) این تصویر در حدود سال ۱۵۰۰ میلادی تصویر شده است.

۱۸۶- بهزاد ابراهیمی

هنرمند زیبا نگار اوایل قرن ۱۱ ه.ق. شهر تون حوالی خراسان است.

از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر زیبایی است که در کتاب حافظ خطی مضبوط در موزه استانبول که بسال ربیع الاول ۹۹۴ در شهر تون کتابت شده قرار گرفته است.

در این اثر ملیح که باستادی، حقیقت ابیات

روضه خلد برین خلوت درویشان است مایه محتشمی خدمت درویشان است

کنج عزلت که طلسمات عجایب دارد قبح آن در نظر رحمت درویشان است

از خواجه حافظ شیرازی تصویر گشته، دو محتشم پر جلالی را در داخل ایوان پر آذین مجسم کرده و در مقابل و صحن حیاط چند درویش به رقص و پایکوبی سرگرمند، یکی از درویش که پیر مرد سفید موئی است دستار از سرش افتاده و اطرافیان نظاره گر ماجرا میباشند.

منظره کاشیکاری و میناکاری مخصوصا "کج بریها و کاشی‌های سرخ رنگ ایوان فوق العاده و تحسین انگیز است. صحن حیاط و درختان پر گل و ریحان و صخره‌های کوهها حلاوت دل انگیزی دارد. (عمل بهزاد ابراهیمی)

۱۸۷- بهگوتی

از نقاشان مغولی هند دوره همایون شاه است.

از آثار رقم دار وی که در بریتیش میوزیوم بیادگار است، تصویر همایون پادشاه است که در وسط صحنه روی دوشکی ساده نشسته و در مقابل کتاب و قلم و قلمدان نهاده است.

او بلباس و کلاه سلطنتی ملبس بوده و دستها را مقابل هم گذاشته و در مقابل حاجیان فاتحه میخواند. دو حاجی نیز کلاه مخصوص بسر گذاشته و در مقابل شاه نشسته دعا میکنند.

در گوشه‌ای نوشته (حاجیان فاتحه میخوانند)

مستخدم جوانی که دستمال بدست پشت سر شاه ایستاده است، نوشته (خوشحالی بیک)

دو نفر دیگر با لباس و کلاه مخصوص در سمت چپ قرار گرفته‌اند، نوشته (میرزا شاهر و لشکرخان) (عمل بهگوتی)

۱۸۸- بهگون

از نقاشان دوره اکبر شاه هند است. اثر او در بابرنامه معروفی که بطرح مسکین ترسیم شده، تصویر بسیار زیبایی بابر شاه است که به هیئت سلطنتی روی تختی جلوس کرده، رجال و افراد و شاهزادگان در اطراف وی دیده میشوند. پیر مردی مشغول صحبت با پادشاه است، نقوش زیبایی سایه بانها و فرش روی زمین فوق العاده است. منظره قصر سلطنتی و افق دریای خروشان و درختان سر سبز باغ دیدنی است، رقم دارد.

۱۸۹- بهوانی

از نقاشان سبک مغول اوایل قرن ۱۱ هجری هند بود و در تصویر درختان و گل و مرغ دست داشت، یک اثر زیبایی این نقاش که در سال ۱۹۷۶ در حراج ساتبی بفروش رفت در زیر صفحه بخطر خوش نستعلیق رقم داشت:

(طرح مسکینا عمل بهوانی)

۱۹۰- بولاقتی

در ذیل یکی از نقاشی‌های استاد فرخ بیک، تصویر مرد زاهدی نقش شده که تسبیح بدست گرفته مشغول عبادت بود. در مقابل این عابد پیر و در روی رحل چوبی کتابی قرار داشت که شیخ

مشغول خواندن آن می باشد. و در روی یکی از صفحات کتاب نوشته شده است.

عمل بنده بولاقی خانه زاد

۱۹۱- بیم کجراتی. پم

نقاش قوی دست و شیرین رقم هند بود و تصویر شماره ۶ کتاب بابر نامه معروف مضبوط در انگلیس یکی از آثار شایسته این هنرمند می باشد.

در این اثر زیبا، بابر شاه با آرایش سلنطی به روی فرش پر نقش و نگاری نشسته و خدمه و سپاهیان و نوازندگان در کناره بصحبت مشغول می باشند، از نوشته ای که بخط نستعلیق، در بطن اثر تحریر شده.

(و در تاریخ نهصد و ده در کنار دریای آمو باقی حنا نیانی آمده مرا ملازمت کرد)

معلوم میدارد باقی حنا نیانی بتقاضای عفو و گذشت بدست و پای بابر افتاده طلب پوزش مینماید در خارج از متن، رقم دارد. (عمل بیم کجراتی)

پ

۱۹۲- پاراس

پاراس و پایک و پرم از نقاشان کتاب با برنامه معروف هستند که در زمان اکبر شاه، بزیبائی و استادی تمام تصویر گشته است.

۱۹۳- پراک

از نقاشان استاد عصر جهانگیر بود. از یگانه اثر باقی مانده وی که مجلس شبانه ای در نور کم سوی چراغها می باشد، جهانگیر در کنار اکبر قرار گرفته و در مقابل آنها دو مرد بزرگوار نشسته و مشغول صحبت می باشند.

در حواشی دایره ای جلو نقاشی، در حدود دوازده نفر از عرفا و شیوخ و رجال زمین نشسته و مشغول دعا بدرگاه آلهی می باشند.

۱۹۴- پردیسی

نقاش و نگارگر قرن ۱۱ هجری است.

از آثار رقم دار وی، تصویر دختر طنازی است که لباس آبی خوش رنگی بتن کرده و بحالت دلربائی

آرمیده و ساقهای عربان خود را بیرون انداخته است.

دختر زیبا، در یک دست چتر گرفته و بدست دیگر کیف توبره مانند دارد.

کف زمین، پر گل و سبزه است و به نستعلیق زیبا رقم دارد. (عمل پردیسی)

۱۹۵- پروانه

از نقاشان روغن کار (ادرنه کاری) قرن ۱۶ میلادی عثمانی است. از این هنرمند، آثاری بیادگار مانده که رقم دارد.

۱۹۶- پرویز

نقاش گمنام قرن ۱۱ ه. ق. است.

تنها اثر رقم دار وی که حاکی از ذوق و سرشته هنری وی می باشد، تصویر ساقی دلربائی است که کلاه کوتاه طلائی بسر گذاشته و لباس آبی بتن کرده و رقم زده است. (عمل پرویز)

پم در بیم کجراتی آمده

۱۹۷- پیاک

نقاش زیبا نگار هند و برادر بالچند نقاش معروف هند بود.

در تصویر زیبائی که در متن یکی از آثار خود و در کتاب پادشاه نامه مضبوط، در کتابخانه ویندسور رسم نموده، قیافه اصلی خود را به نیکوترین وجهی نمایان ساخته است.

در این تصویر، نقاش کلاه و لباس مخصوص هندیان پوشیده و ریش و سبیل کم پشت دارد، پیاک که در این زمانها، جوان ۲۵ ساله بنظر میرسد، ورقه ای بدست گرفته و بروی آن نوشته است

(الله اکبر برادر بالچند رقم پیاک) تصویر شما ره (۳۹)

شاید این تصویر تنها اثری باشد که بصراحت، نام خود را در ذیل آن بیادگار نهاده است. دیگر اثر این هنرمند، منظره رزمی پر کاری در پادشاه نامه است که استادی و مهارت وی را در فن تصویر بیان می سازد.

این هنرمند عالی ترین آثار خود را در زمان جهانگیر پادشاه ارائه داده و عمده ترین آنها، تصاویری در بابرنامه و رزم نامه و پادشاه نامه و گلستان سعدی می باشد که بیانگر استادی و مهارت نقاش است. علاوه بر اینها، تصاویری از سفیر ایران و مردان روحانی دارد که بنوبه خود ارزنده است.

پیر احمد زرکوب در غیاث الدین آمده.

۱۹۸- پیرسید احمد باغ شمالی

دوست محمد در دیباچه بهرام میرزا در مورد پیر احمد چنین می نویسد:

"دیگر از شاگردان سرآمد خواجه عبدالحی، پیر احمد باغ شمالی است که در زمان خود نادر بود و کس دیگر در این شیوه بر وی تفوقی نمی توانست نمود، عمرش به پنجاه سالگی رسیده بود که ودیعت حیات به قابض ارواح سپرد"

۱۹۹- پیرسید احمد تبریزی

استاد هنرمند و مذهب نامی دوره شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی بود.
 بروایتی این هنرمند استاد (افضل المتأخرین فی فن التصوير و نادر العصر زمان کمال الدین بهزاد) بوده است که مصطفی عالی نیز در کتاب مناقب هنروران و در احوال بهزاد، باین احوال اشاره کرده و چنین نوشته است.
 "اگر چه وی تلمیذ خاص پیر سید احمد تبریزی بود ولکن رواج و رغبت نقش تصویرش از التفات عالییه پادشاهان سابق الذکر است"

۲۰۰- پیر غلام مینوچهر

نقاش اوایل قرن ۱۲ ه.ق. بود که در تصویر سازی و چهره پردازی و ارائه مناظر زیبا دست پر توان داشت. از آثار رقم دار وی که در حراج ساتبی لندن سال ۱۹۷۸ بفروش رفت.
 قلمدان استادانه‌ای در شیوه صفوی بود که مجلس مذهبی شیوائی بروی آن نقش شده و فرشتگان در روی ابرها دیده می‌شدند. در کناره و اطراف قلمدان، تصویر عده‌ای از معاریف مذهبی و صحنه شکار بود که به چابکدستی تصویر شده و رقم نقاش، بخط قرمز چنین بود. (پیر غلام مینوچهر ۱۱۱۲)

۲۰۱- پیر محمد

نقاش دوره شاه عباس دوم و پیرو شیوه رضا عباسی بود. از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر مردی بود که روی زمین نشسته و دستها را بروی هم نهاده بود. در زمینه نقاشی برگهای سنبل و گیاههای وحشی ریز جلب نظر میکرد و رقم داشت.
 (عمل پیر محمد)
 دیگر، تصویر شتر و مرغ زیبایی بود که رقم داشت.
 (پیر محمد نقاش)

۲۰۲- پیر محمد الحافظ

نقاش دنباله‌رو سبک اصفهان، مخصوصاً "معین مصور و رضا عباسی" بود.
 تنها اثر رقم دار وی را که در صفحه ۱۱۸ کتاب خانم مارا اشرفی بنام PERSIAN TAJIK POETRY دیده‌ام، تصویر پهلوان باستانی ایران رستم بود که با آرایش رزمی روی زمین نشسته و گوسفندی را بروی آتش کباب میکرد. سوارکار دیگری که گویا بهمن بود با خدمه خود در کنار ایستاده و با رستم صحبت میکرد.

منظره کوهها و دشت و چمن ستودنی بود و بخط ریز، زیز سراسب رقم داشت.
 (رقم کمینه پیر محمد الحافظ ۱۰۵۴)

۲۰۳- پیر نقاش . سید پیر نقاش

تصویرگر پر مهارت و شیرین قلم دوره شاه طهماسب است.

۲۰۴- پیری قاسمی

نقاش گمنام دوره شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ه.ق.) بود.
 یگانه اثر رقم داری که از او دیده‌ام، مینیاتور دلربائی بود که درختی با زیبایی و شکوه تمام تصویر شده و نردبانی بآن وصل شده بود. در روی درخت جوانکی نشسته و فرد دیگری در حال بالا رفتن

بود. پهلوی درخت، گویا شاه طهماسب در جامه و تاج پادشاهی و آرایش پر زرق و برق سلطنتی ایستاده و در کنار آن، شاهزاده‌ای با آرایش و پوشش مخصوص دیده میشود.
 چند تن از ملازمان و خدمه پادشاه، که یکی دهنه اسب سلطنتی را بدست گرفته و دیگری با دستکش مخصوص، باز شکاری را حفاظت میکرد در اطراف آنها دیده میشدند.
 در زیر دامن یکی از همراهان پادشاه، رقمی بنام (پیری قاسمی) کتابت شده که با احتمال زیاد نام نقاش بوده است.

ت

۲۰۵- تابعی - ملا تابعی

بنوشته مجالس النقایس، فرزند شهر هرات است و نقاشی کاسه و طبق میکند.

۲۰۶- تابعی نقاش

از صورت گران و نقاشان و موسیقی دانان و شاعران شیرین زبان قرن نهم ه.ق. بود.

۲۰۷- تاج الدین . گره بند

بنوشته مصطفی عالی، در صفحه ۶۸ مناقب هنروران.
 اهل حلب است که در زمان سلطان سلیم عثمانی، اضطرا را "به عثمانی کوچانده گشته است. فرزندش حسین بالی میباشد که در صنعت تصویر مهارت دارد.

۲۰۸- تارا کلان

نقاش اوایل قرن ۱۱ ه.ق. هند بود که در ترسیم مجالس بزمی و رزمی و شبیه سازی و چهره پردازی دست پر حلاوت داشت.
 از آثار امضاء دار وی، مجلس رزمی با شکوهی بود که سربازان زره پوشیده و بروی اسبها و شترها نشسته و بجنگ و گریز مشغول بودند.
 مناظر مختلف صحنه جنگ و افق دور و عظمت کوهها ستودنی بود و رقم داشت. (رقم تارا کلان)

۲۰۹- تذهیبی - اصفهانی

مذهب و جدول کش نامی شهر اصفهان بود که در الوان و افشان سازی کاغذها و مرقعات دست استادانه داشت. تذهیبی در هنر ابری سازی، بسیاق تلفیق رنگ و روغن استاد بود و از شاگردان

یحیی قزوینی، بشمار میآمد، گویا یحیی قزوینی اولین مرتبه ساختن ابری را از میری محمد ظاهر یاد گرفته و در ایران باب نموده است.

بنوشته صادقی بیک در مجمع الخواص:

"از اصفهان است، شخصی است درویش نهاد و صاحب و شوخ طبع در کار تذهیب و جدول کشی و افشان و کاغذ الوان و ابری سازی مهارت دارد. موقعی که حقیر (صادقی بیک) باصفهان رفتم بمناسبت همکاری ملاقات واقع شد. در مدت چند روز که آنجا بودم یک ساعت از احوال من غفلت نکرد و مساعدت از من دریغ نداشت. در واقع صاحب خوبی است:

این قطعه از اوست:

هنرمندی بهر صد سال آخر
کسی کش درد کاری کارگر نیست
بر واشکال کار از کارگر پرس
با هل درد دوران مینماید
بنزد عقل، نادان مینماید
که کار، از دور آسان مینماید"

۲۱۰- ترابی

از هنرمندان و تصویر گران نامی اصفهان بود و در مکتب رضا عباسی و معین مصور نقش می آفرید. یگانه اثر رقم داری که از وی دیده ام، مینیاتور زیبایی است که در موزه رضا عباسی محفوظ میباشد. در این تصویر، دانشمند پیری در شکاف درخت تنومندی با کلاه و لباس مخصوص خود نشسته و کتابی را بدست گرفته است.

از گوشه چپ درخت پوسیده، شاخ و برگ تازه ای روئیده باطراف پخش گشته است. در رویه خشکیده درخت، مرغ زیبای بزرگی بسان درنا و لک لک ایستاده و اطراف را نظاره میکند. در زیر پای پیر مرد رقم گذاشته

در زیر تصویر نوشته:

در کنج عزلت تنها نشستم
چندان که رفتم از یاد مردم
در قسمت بالای آن، چنین رقم زده:
(در کتابخانه نواب قلبا باکو کلتاش تحریر یافت)
اگر این ترابی همان ملا ترابی بلخی شاعر و نقاش باشد، معلوم میشود از مشاهیر عصر شاه عباس بوده که شاه صفوی بافتخار و بزرگداشت او را بزرگشیده است.

۲۱۱- تریا

از نقاشان دوره اکبر شاه معروف هندی است که در بابرنامه مضبوط در بریتانیا اثر هنری دارد.

تسلی شیرازی در رجبعلی آمده

۲۱۲- تفلیسی- ملا

از نقاشان کتاب هنر نامه معروف موجود در توپ قاپو است (H- 1523)
این کتاب که تالیف سید لقمان افندی میباشد، بسال ۹۹۲ ه.ق. بخط سنان بن محمد بوسنائی کتابت شده است.

۲۱۳- تقی

نقاش زیبا نگار مغول هند قرن ۱۱ ه.ق. بود.

از نقاشیهای امضاء دار وی، تصویر نحیف و تکیده مجنون بصحرا است که با حیوانات و درندگان وحشی خو گرفته و در جمع آنها قرار گرفته است. منظره دشت و دمن و کوه و صحرا ستودنی است. رقم دارد. (عمل میر تقی)

۲۱۴- تقی (بن سلطان الکتاب)

فرزند سلطان الکتاب محمد رضا شیرازی متخلص به صفا میباشد.

این استاد در قلمدان سازی و تذهیب و در مواردی چهره پردازی دست پرنهر داشت و بشیوه کلاسیک علاقمند بود. او برادری بنام علی داشت که او نیز بنفسه نقاش صاحب کمالی بوده است. از آثار او دیده ام:

۱- قلمدانی بشیوه روسی دیدم که در رویه آن دخترک زیبایی بسبک کلاسیک نقش بسته بود. در قسمت بالا و پائین قلمدان گللهائی برنگهای روشن و شیوه خاص ترسیم شده و زمینه آن ساده و تذهیبش سبک قفقاز بود و رقم داشت. (تقی بن سلطان الکتاب ۱۳۰۹)

۲- اثر دیگر نقاش، قلمدانی روشنی و صدفی رنگی بسبک کلاسیک روسی بود که زیبایی خاصی داشت. در رویه قلمدان تصویر زن زیبایی دیده میشد که فرزند خود را بغل گرفته و نوازش میکرد. گللهای اطراف و کناره قلمدان سبک قفقاز بود و زمینه آن با اوراق طلائی الوان مستور شده و رقم داشت: (تقی بن سلطان الکتاب ۱۳۱۸)

۲۱۵- تقی (بن محسن)

بروایتی فرزند محمد محسن مینا ساز، از استادکاران و مینا سازان ماهر دوره فتحعلی شاه قاجار بوده است. از آثار مینائی این استاد، سرقلیان مینائی پر آذینی دیدم که تصاویر گل و بلبل داشت. در داخل آرایش گلها، تصاویر بسیار ملیح دختران و پسران جوان بود که به تردستی نقاشی شده و رقم داشت. (کمترین تقی ۱۲۲۵)

۲۱۶- تقی خان- میرزا

فرزند حاجی میرزا احمد خان مجدالملک بود که بسال ۱۲۷۸ ه.ق. با بعرضه وجود نهاده است. بنا بنوشته روزنامه شرف در سال ۱۲۹۱ پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر فرنگستان بمنصب پیش خدمتی نایل گشته و با بهره گیری از خط و انشاء و بلاغت رسا، بسال ۱۲۹۶ بسمت منشی حضوری و بسال ۱۲۹۹، بلقب مجدالملک مفتخر گردیده و بالاخره در سالیان ۱۳۰۰ رئیس اداره وظایف اوقاف و در سال ۱۳۰۳ رسماً به وزارت وظایف نایل آمده است.

او از مردم نور مازندران بود و نسبت خود را به ابو صلت هروی میرسانید. تقی خان شعر هم میگفت و عبقری تخلص مینمود. در نقاشی و نقاری و حکاکی دست داشت و در خط شکسته استاد ماهری بود. از آثار رقم دار وی، تنها یک آبرنگ زیبا دیدم که ابعاد تقریبی ۸ x ۶ سانتی متر داشت. در این آبرنگ، گربه ملوس و قشنگی را در داخل سبد گلی به مهارت و نازک قلمی نقاشی کرده و به خط شکسته زیبا نوشته بود.

(مشق تقی، منشی، رجب المرجبه ۱۳۰، به آقای نوراله خان دادم)

تقی نقاش هندی - از نقاشان معروف هندی زمان اکبر شاه بود از آثار ارزنده این نقاش - تصویر فیلی در حال فرار در فتح مبارک است که بزیبائی و قدرت تمام ارائه شده است.

۲۱۷- تلسی خورد

تصویرگر نامی و منظره ساز دوره اکبر شاه هندی است. اثر امضاء دار وی که در کتاب بایرنامه موزه بریتانیا میباشد، تصاویر درختانی از قبیل قمرک و کرنی است که زیبایی نقش کرده و در زمینه آن، مناظر دلنواز و کوههای افراشته ارائه داده که شایسته تحسین میباشد. رقم دارد. (تلسی خورد)

۲۱۸- تمرار

شاگرد چاپک قلم و هنرمند استاد بهزاد است. از آثار رقم دار وی که در مجموعه شریف صبری در قاهره میباشد، تصویر استادانه سلیمان نبی پیغمبر است که روی تخت شاهی جلوس کرده و رجال و همراهان در اطراف وی در ایوان نشسته و رامشگران و خدمه درباری به پذیرائی آنها مشغول میباشند. دیو قوی هیکلی تختخواب زن و مردی که بنامحرمی در کنار هم خوابیده‌اند حضور حضرت آورده است. صحن روبرو و طاق نمای مذهب و کاشی کاری قصر واقعا "ستودنی است، کلماتی بخطثلث زیبا در حواشی طاق کتابت شده که رقم نقاش را نیز دارا میباشد. این اثر در نهایت نفاست بوده و شبیه کارهای بی نظیر بهزاد است. در گوشه بالای خطوط و سمت چپ و روی دیوار اطاق که بزحمت قرائت میشد نوشته بود: (صنعت استاد تمرار ۹۰۲)

اندازه این میناتور ۸/۱۴ × ۲۵ سانتی متر بوده و در مجموعه شریف صبری در قاهره میباشد.

۲۱۹- تورانشاه

طراح و نقاش و حکاک بروی فلزات بود.

از آثار رقم دار این هنرمند که برای شخصی بنام (محمد بن عبدالله الخور کام جرجانی) ساخته شده، جام نقره طلائی استادانه‌ای بود که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن از نزدیک دیدار کردم. در این اثر ارزنده، کناره و اطراف جام به نقوش مختلف و ترسیم گوناگون تزیین یافته و سواران جنگی به جنگ و گریز مشغول بودند.

این جام، رقم تورانشاه داشت و سال تهیه آن ۷۵۲ ه.ق. بود.

۲۲۰- توفیق مذهب

از مذهبیان نازک قلم قرن ۱۳ ه.ق. عثمانی بود.

از آثار رقم دار این هنرمند، تذهیب تحسین انگیز قرآنی بخطیحیی حلمی در سنه ۱۲۸۳ بود که در حراج سال ۱۹۸۲ کریستی لندن بفروش رسید. رقم مذهب که بعد از دو سال یعنی بسال ۱۲۸۵ انجام یافته بود، در بین صفحات مذهب قرآن دیده میشد که نوشته بود: (ذهبه توفیق غفرله سنه ۱۲۸۵)

ث

۲۲۱- ثابت تبریزی. مجلد

بنوشته مرحوم تربیت ((حاج محمد علی بصنعت صحافی و جلد سازی معیشت می گذرانید و در

تاریخ ۱۳۱۳ ه.ق. شصت ساله و در تبریز فوت کرده و قبرش در آنجاست. دیوانی دارد، مرکب از اشعار پارسی و ترکی))

ج

۲۲۲- جاگانت

جاگانت و جمال از نقاشان کتاب بایرنامه معروف اکبرشاه هندی هستند که در مهارت قلم شهره زمان خود بوده‌اند.

۲۲۳- جان قلی

نقاش دکنی اواخر قرن ۱۶ میلادی است. از آثار رقم دار این هنرمند تصویر پرنس جوانی است که از پدر خود در قصر دیدار میکند. جماعت همراهان که بشادی علمها بدست گرفته و در حوالی شاهزاده قرار گرفته‌اند، ورود وی را گرامی میدارند. منظره ساختمان و باغ پر گل و پر درخت و زمینه کوهها و رنگ آمیزی آنها دیدنی است. در روی در ورودی قصر رقم دارد. (صوره جان قلی)

جانی در میرزا جانی آمده

۲۲۴- جانی (بن استاد بهرام)

فرزند استاد بهرام و از نقاشان گمنام اواخر قرن ۱۱ ه.ق. بود. از آثار شناخته شده این هنرمند، چند مجلس زیبایی است که بسال ۱۰۹۶ ه. جهت کامفر (KAMPHER) هلندی تصویر کرده که از هر نظر تحسین آمیز میباشد.

جاهی صفوی در ابراهیم میرزا آمده

۲۲۵- جبارخان

قلمدان ساز شیرین قلم قرن ۱۲ ه.ق. هند بود.

از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان بزرگ و پر کاری دیدم که در حراجی ساتبی لندن بفروش رسید. در این قلمدان، گل و مرغها بشیوه هندی و در اندازه درشت تر تصویر شده بود که ستودن داشت. تذهیب حواشی قلمدان نیز نازک قلم و پر حلاوت بود و در رویه بالای قلمدان رقم داشت. (جبارخان)

۲۲۶- جعفر

میرزا جعفر از شاگردان و تربیت یافتگان مدرسه دارالفنون بود. که بعدها بنام محمد جعفر خان استاد نقاشی دارالفنون گردید. استاد اولیاش نقاش معروف زمان، صنیع الملک بود که رموز و نکات ابتدائی را از وی فرا گرفت. این هنرمند در آبرنگ و سیاه قلم و رنگ و روغن زبر دست بود و هاشورها و سایه‌ها را بسیاق هنرمندان خبره اروپائی تمیز و ماهرانه میزد. از آثار او دیده‌ام:

- ۱- شبیه ناظم دارالفنون بمداد رنگ بود که باپرداز چلیپائی درکمال قدرت تصویر شده و رقم داشت. (شبیه ناظم دارالفنون، عمل میرزا جعفر شاگرد مدرسه دارالفنون ۱۲۸۱)
- ۲- تصویر نیم تنه امین السلطان اتابک به رنگ و روغن که در لباس صدارت و آرایش زمان، نقاشی شده و بخط شکسته زیبا رقم داشت. (رقم کمترین چاکر جعفر) موجود در کتابخانه ملی تهران.
- ۳- نقاشی رنگ و روغنی خوب و شبیه ناصرالدین شاه باندازه تقریبی ۸۰ × ۲۰۰ سانتی‌متر که روی صندلی نشسته است. در این نقاشی کلاهی با جیقه زیبا و مخصوص بسر گذاشته و لباس او با حمایل سبز و جواهرات و مدال‌های گوناگون آراسته شده است. شمشیر مرصع و جواهر نشانش بروی پاها قرار گرفته، شلوار و کفش وی ساده میباشد. رقم دارد. (عمل کمترین خانزاد جعفر تربیت یافته مدرسه مبارکه دارالفنون سنه ۱۲۹۲) مجموعه شماره ۶
- ۴- اثر دیگر نقاش، قلمدانی برنگ و روغن میباشد که با آبرنگ و سایر فنون هنری پرداخت شده است. این اثر که قلمدان بزرگ تابوتی است، جماعت مومنان را بسیک فرنگی سازی زیبایی در رویه آن عرضه کرده و در قسمت چپ قلمدان درویشی افتاده و بی پروا و با کلاه و لباس مخصوص خود نشسته و با آن جماعت به بحث و گفتگو مشغول میباشد. در حواشی قلمدان، تصاویر حیوانات مختلفی در کمال زبردستی نقاشی شده و رقم داشت. (عمل کمترین جعفر ۱۳۰۴) مجموعه شماره ۷

۲۲۷- جعفر بن آقا صادق دوم

فرزند آقا صادق دوم نقاش است که احوال آن در جای خود خواهد آمد. جعفر از نقاشان پر ابتکار و شیرین قلم دوره فتحعلیشاهی است که رموز و فنون تصویر سازی را، از پدر خود بارث برده و در امر نگارگری بمهارت و استادی نایل گشته است. این هنرمند در تصاویر روغنی (لاکی) و رنگ و روغن پر مهارت و شیرین قلم بود و در چهره سازی و شبیه پردازی و ارائه مجالس بزمی دست پر قدرت داشت. از آثار رقم دار او دیده‌ام:

- ۱- قلمدانی در نهایت استادی از این هنرمند دیدم که زنی با سینه‌های عریان، در رویه قلمدان جلب نظر مینمود و حواشی بیرونی تصاویر گوناگون داشت و حاشیه درونی زرین بود و رقم داشت. (جعفر بن صادق ۱۲۳۱)
- ۲- اثر رنگ و روغنی پر مهارت نقاش که بسال ۱۹۷۸ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید، تصویر بزرگ فتحعلیشاه بود که جهت محمد علی میرزای دولت‌شاه ترسیم گشته بود. در این اثر زیبا، شاه قاجار با تاج و حمایل و کمربند و سایر آرایش سلطنتی روی صندلی نشسته و لباسهایش بعیار سایر تصاویرش بجواهرات گوناگون و سنگهای قیمتی تزیین یافته بود و رقم داشت. (رقم چاکر دولت جعفر فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۳۶)

۲۲۸- جعفر چهره‌نگار

از نقاشان معاصر بود که در آب رنگ و رنگ روغن و شبیه سازی دست داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر رنگ و روغنی ارباب کیخسرو را دیدم که رقم جعفر و تاریخ ۱۳۱۲ شمسی داشت.

۲۲۹- جعفر علی

نقاش دکنی بیچاپور اوایل قرن ۱۷ میلادی است. از آثار رقم دار این هنرمند که در آپریل ۱۹۷۹ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید. تصویر زن وارسته زیبایی بود که غزال رام شده خود را نوازش مینمود. نزاکت قلم و حلاوت رنگها درخور تحسین بود و رقم داشت. (کار جعفر علی)

۲۳۰- جعفر بن نجفعلی - محمد جعفر

در عقد نامه دختر آقا نجفعلی نقاشی که بنام صفیه سلطان بوده و اصل قبالة نیز در مجموعه نگارنده است، نام این هنرمند را (عالی شان محمد جعفر اخ‌مسماة مزبوره) جزو شهود در مجلس و در جنب نام پدر ضبط کرده که معلوم میدارد این هنرمند، فرزند نامی آقا نجف بوده که هنر تصویر سازی را از پدر بارث برده و در تعالی و تکمیل آن کوشش‌ها نموده است. از تنها اثر رقم دار وی که (جعفر بن نجف علی) قید کرده و شیوه اجرای آن کاملاً "در مکتب پدر هنرمندش میباشد، معلوم میدارد دنباله‌ر مکتب پدر بوده و از دیگر برادران خود ماهرتر و استادتر بوده است. در این قلمدان استادانه، تصویر یوحنا را بعیار پدر و در کمال مهارت و قدرت ارائه داده و در حواشی و طرفین نیز، تصاویر دو زن دلربا و فتان فرنگی را به تردستی تصویر کرده و بخط طلائی رقم گذاشته و مجموعه شماره ۲ (جعفر بن نجفعلی ۱۲۸۵)

۲۳۱- جعفر بن عمر بن دولت‌شاه کرمانی

اهل کرمان و سازنده کره آسمانی فلزی است که توسط علی بن محمد قوشچی به سلطان محمد فاتح عثمانی هدیه شده است. اصل این کره که حالیه در رصدخانه استانبول ترکیه است، مسیر سیارات و سایر نقوش آن بوسیله ابوحسین عبدالرحمن صوفی رسم شده و توسط جعفر کرمانی تهیه گشته است. این کره سماوی که یکی از نقایس ستاره شناسی است بخط کوفی پیرآموز رقم دارد. (رسمت هذاه الکواکب بزیاذه القمر علی الصور ابوالحسن عبدالرحمن صوفی) (فی سنه ذفه الهجریه صنع جعفر بن عمر بن دولت‌شاه الكرمانی) که تاریخ آن بحروف ابجدی ذ ف ه مساوی ۷۸۵ خواهد بود. تصویر شما ره (۳۴) ۲۳۲- جعفر شریف قایینی - محمد جعفر

نقاش شهر قاین و فرزند هنرمند معروف محمود شریف قایینی است. این هنرمند در مکتب پدر و سایر استادان زمان، فن تصویرگری بیاموخت و خود از استادان شد. جعفر در چهره‌سازی و مجالس بزمی و گل مرغ و حل کاری سرشته داشت و آثار خود را پرآذین و چشم نواز ترسیم میکرد. از آثار رقم دار او دیده‌ام: ۱- قلمدانی در کمال زیبایی بود که رویه آن، منظره دریا و قایق داشت. طرفین قلمدان پرآذین و

مذهب بود و تصاویر زنان و دختران دلفریب داشت، گل و مرغهای اطراف و بکار برد رنگهای گوناگون، ممتاز و ستودنی بود و رقم داشت (چاکر آستان مبارک جعفر الشریف قایینی ۱۳۰۵)

۲- دیگر قلمدان رقم دار این هنرمند، قلمدان عکسی بود که حواشی آن گل و مرغ استادانه داشت و رقمش چنین بود. (جعفر شریف القایینی ۱۳۰۲)

۳- اثر دیگر این نقاش که از نزدیک دیدم، قلمدان مرغش طلائی بود که در رویه و در سه مدالیون مختلف، تصاویری رسم کرده که واقعا "ستودنی بود". در مدالیون وسط، دختر جذاب و دلربائی با سینه‌های عریان و شیوه فرنگی که گردن بند پر آذینی بسینه داشت جلب نظر میکرد. حواشی قلمدان نیز، در مدالیون‌های مختلف، تصاویر دختران و پسران فرنگی که در بین افراد، گل و مرغ نیز علاوه گشته بود دیده میشد که بسیار نازک قلم بود. و رقم داشت:

(کمترین محمد جعفر الشریف القایینی ۱۲۸۲)

۲۳۳- جلال الدین میرک- میرک الحسینی اصفهانی - میرک دوم

از سادات کثیر الاحترام اصفهان بود و در تبریز بدربار شاه طهماسب اول مقام والا داشت این هنرمند غیر از روح الله میرک هراتی که احوال آن در جای خود خواهد آمد، می‌باشد.

میرک حسینی از شاگردان پر استعداد استاد اجل بهزاد بود و با همکاری استادانی چون سلطان محمد و سایر نقاشان نامی آن دوره در کتابخانه شاه طهماسبی بخلق آثار جاویدان همت می‌گماشت. شاه طهماسب بمیرک اصفهانی نظر پر احترام داشت و بنام همراز، مونس و جلیس شاه صفوی بود، قاضی احمد منشی در کتاب خود در مورد جلال الدین میرک چنین می‌نویسد:

"آقا میرک از سادات دارالسلطنه اصفهان بود، در طراحی قرینه خود نداشت، او در دارالسلطنه تبریز بود و نقاش بی بدل و هنرمند ارجمند و عاشق پیشه و لوند مصاحب و مرد خردمند بود"

در تحفه سامی، آقا میرک را در طراحی و تصویر نادره زمان دانسته و در خدمت حضرت صاحب قرآنی پیشوا و مقتدای طایفه نقاشان معرفی کرده است و در مطلع جامی، این بیت را از او نقل کرده است.

دو هفته شد که ندیدم مه دو هفته خود را
کجا روم، بکه گویم غم نهفته خود را

استاد میرک از استادان بنام و پیرو شیوه استاد بهزاد بود. جانور سازی و تصاویر اسب‌ها را به حد اعجاز استادانه و تابناک میکشید، در تذهیب و ترصیع و نقوش ساختمانها و مهارت در تنوع آرایش طبیعت و ارائه چهره‌ها انگشت نما و پرمایه بود، در ارائه گستاخی صخره‌های وحشی در مقابل لطافت و رعنائی گلها، موازنه دلفریبی داشت، در شبیه سازی و گرفت و گیر حیوانات و ارائه حالات جانوران،

استادی چابکدست و بی عدیل بشمار میرفت.

این هنرمند، در کتابت انواع خطوط نیز دست داشت و اغلب خطوط زیبای نستعلیق و ثلث تصاویر را خود می‌نوشت.

دوست محمد هروی در دیباچه بهرام میرزا در مورد سید جلال الدین میرک چنین مینویسد:

"سند السادات، بدرجات وحید العصر و فرید الدهر مقرب الحضرت الخاقانی آقا جلال الدین میرک الحسینی الاصفهانی که در نقش خانه تصویر قلم تحریر چون صورت دلپذیرش صورتی ننگاشته و تمثال بی مثالش از نظر دوربین اعیان جز به پیش نظر نداشته.

نظم - تعالی الله ز هی تصویر و صورت عفاک الله ز هی نقاش قدرت"

از شاگردان مشهور وی، همانا خواجه عبدالصمد شیرازی ملقب به شیرین قلم است که احوالش در جای خود خواهد آمد. آثار او در موزه‌ها و کتابخانه‌ها عبارت است از:

۱- خمسه نظامی موجود در موزه بریتانیا، بخط کتابت و نستعلیق بی نظیر شاه محمود نیشابوری که

مصور و مزین و مذهب بوده و یکی از نفایس آثار هنری ایران در زمان شاه طهماسب اول بشمار می‌آید. این کتاب بمدت چهار سال، کتابت و تزیین شده و تصاویر آن، بدست میرزا علی - میر سید علی - مظفر علی و سلطان محمد و آقا سید جلال الدین میرک انجام یافته و رقم آخر کتاب چنین است.

(تمت الکتاب بعون الملك الوهاب علی يد احقر العباد شاه محمود النیشابوری غفرالله

ذنوبه و ستر عیوبه فی سلخ شهر ربیع الاول سنه سبع و اربعین و تسعمائه الهجریه النبویه) خوشبختانه این اثر را به همراه شاه‌نامه شاه طهماسبی و تمام مینیاتورها، در نمایشگاهی که در

بریتیش میوزیوم برپا بود دیدار کرده و یادداشت برداشته‌ام. این آثار از ۱۳ محل مختلف موزه‌ها و کلکسیون‌های خصوصی گراوری شده که اسامی آنها در کاتالوگ نمایشگاه چاپ شده. از این مجموعه،

مدت سه هفته، متناوبا" و در حد امکان دیدار کرده و یادداشت‌ها برداشته‌ام. صفحه اول کتاب نظامی در کمال نفاست تذهیب شده و در چهار ترنج‌های مستطیل بالای آن بخط تحریر در دو صفحه چنین بود

بدین گونه مشکین رقم، خمسه‌ای
که درج است زینت در او بشمار
در صفحه مقابل و در همین محل‌ها نوشته:

مبدع هر چشمه که جودیست هست
مخترع هر چه وجودیست هست
ندادست انجام آن چار طبع
ندیدست بینش گر روزگار

مشخصات این کتاب و تصویر آثار استاد میرک را که در صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۶ - ۱۶۷ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ کتابی بنام WONDERS OF THE AGE نوشته: S.CARY WELCH

میتوانید مطالعه کنید.

در این نمایشگاه بهترین و بیشترین آثار ارزنده میرک را از نزدیک دیدم که مختصرا" در این صفحات ارائه میگردد.

۱- تصویر شماره ۵۸، چاپ شده در صفحه ۱۵۶ کتاب (گوش دادن خسرو، به قصه ساخته شیرین)

در این اثر پر جلال و پر زیب و زینت خسرو و شیرین بروی تخت نشسته و سرگرم صحبت می‌باشند. زیبا رویان خدمتکار، در چپ تصویر نشسته و به خدمت حاضرند. در مقابل آنها عده‌ای

ایستاده و مستخدمین مشغول پذیرائی هستند، یکی از خواجه سرایان، در حین روشن کردن مشعل دیده میشود. در پشت تصویر، عظمت قصر و منظره باغ جلوه شکوفائی دارد.

در کتیبه بالای سر در قصر بخط نستعلیق زیبا نوشته شده:

رواق منظر چشم من آشیانه تست
کرم نما و فرود آ که خانه خانه تست

حاشیه جدول، حل‌کاری گل و برگ حیوانات است و زیر پایه شمعدان رقم دارد. (آقا میرک)

۲- دیگر اثر رقم دار میرک در این نمایشگاه که در صفحه ۱۶۷ کتاب مذکور عکس سیاه و سفید آن ارائه شده، تصویر مجنون بدشت و بیابان است که روی زمین نشسته و حیوانات مختلف در اطراف وی جمع آمده‌اند. منظره پر مهارت کوه‌ها و صخره‌ها ستودنی است. شمایل و شباهت حیوانات اهلی و وحشی، در حالات گوناگون واقعا" استادانه است. چند تک درخت دیده میشود. رقم دارد بروی صخره‌ها

(عمل آقا میرک)

۳- شیواترین اثر میرک که در صفحات ۱۴۰ و ۱۴۱ برنگی چاپ شده، تصویر نوشیروان است که در کناره قصر خرابه‌ای، با آواز جغد گوش میکند. در این مینیاتور پرمایه و شایان تحسین، نوشیروان و ملازم همراهش، سوار بر اسب به قصر فرسوده‌ای اشاره میکنند. منظره قصر و استواری و نازک قلمی

اسب‌ها و قیافه و حالات کارگران و زمینه غنی و سرشار تصویر بی عدیل است. در زمینه دیوار کچی طاق نمای عمارت مخروبه این بیت درج شده.

عمارت دل ویران دردمندان کن
عمارتی به از این نیست، در جهان خراب

و زیر آن رقم دارد.

۴- تصویر دیگر این نمایشگاه که عکس سیاه و سفید آن در صفحه ۱۵۳ ارائه شده، مراجعت شاپور بدیدار خسرو، بامضمون اشعاری است که در بطن صفحه قید شده:

ملک سر مست و ساقی باده در دست
در آمد گل رخی چون سرو آزاد
ز شادی خواست جستن خسرو از جای
نوا بلبلان چون مطرب مست
ز دلداران خسرو با دل شاد
دگر ره عقل راشد کارفرمای

در این اثر، خسرو و همراهان در زیر چادری پر آذین دور هم نشسته و شاپور که لباس فاخری پوشیده دیده میشود. جماعت نوازندگان و خیل خدمتکاران در کناره دیده میشوند. منظره کوهها و حالات و آرایش حاضرین صحنه، به تردستی تمام تصویر شده، روی زمینه سفید چادر رقم دارد. (آقا میرک)

۵- دیگر از آثار آقا میرک، در خمسه نظامی که در نمایشگاه از نزدیک دیدم و عکس سیاه و سفید آن در صفحه ۱۵۴ دیده میشود. تصویر بتخت نشستن خسرو است. در این اثر پر جلال، خسرو بروی تخت شاهی نشسته و با اعظم و رجال به بحث و گفتگو مشغول میباشد. جماعت نظار و همراهان و خدمتکاران در داخل و خارج و پشت بام عمارت قرار گرفته و البسه و حالات گوناگون آنها پر مهارت است. متانت و تابناکی قصر شاهی و تذهیب و آرایش فرشها و سایر مناظر حواشی پخته و کم نظیر میباشد. در پیشانی بالای عمارت، بخط ثلث زیبا نوشته. (اللهم خلد دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم ابن السلطان ابن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادر خان الصفوی خلداله تعالی ملکه و سلطانه ائی یوم الدین) رقم دارد، بروی آجر فرش.

۶- دیگر اثر میرک که در صفحه ۱۴۷ کتاب یاد شده، بعکس سیاه و سفید چاپ شده، بارگاه شاه طهماسب و رقابت کیمیاگران است. در این مینیاتور، پادشاه در آلاچیق سلطنتی نشسته و خیل محارم و همراهان در کناره صحنه قرار گرفته اند. یکی از آنها که به وسیله گل محمدی مسموم شده و در صحن مجلس افتاده و کیمیاگر قهرمان بحالت استهزا به رقیب شکست خورده خود نگاه میکند، مضمون نقاشی در دو بیت بالای صفحه نوشته شده:

داد بدشمن ز پی قهر او
دشمن از آن گل که فسون خوان بداد
آن گل پر کارتر از زهر او
ترس برو چیره شد و جان بداد

خطوط بالای در باغ و کتیبه آلاچیق استادانه و قابل تمجید است.

۷- آثار منسوب بمیرک، در این نمایشگاه که عکس تصاویر در کتاب WONDERS OF THE AGE ارائه شده جهت علاقمندان باختصار درج میگردد.

الف - مبارزه فریدون با اژدها صفحه ۶۳

ب - پیدا کردن رستم کیقباد را، صفحه ۷۳

پ - آمدن شنگل هند و رزم کردن با رستم صفحه ۸۵

ت - پیشگوئی جاماسب در مورد سرنوشت آینده گشتاسب صفحه ۹۴

ث - مبارزه خسرو پرویز با سه دلاور ترکی، در نهروان صفحه ۱۱۱

۸- دیگر از آثار منسوب به آقا میرک، که از نزدیک دیدهام تصاویری از شاهنامه HOUGHTON بود که از سوم جولای تا ۲۴ آگوست ۱۹۷۹ در گالری THOS-AGNEW AND SONS LTD. در لندن به نمایش بود. این آثار که تصاویر سفید و سیاه آن در صفحات ۳۹ - ۴۱ - ۴۳ کاتالوگ نمایشگاه چاپ شده، قدرت قلم و مهارت آقا میرک را در امر تصویر سازی هویدامیساخت. یکی از آنها مجلس چوگان بازی گشتاسب است که بازی کنان در وسط میدان ببازی مشغول بوده و حضار در کناره نظاره مینمایند

دومین تصویر، حضور فردوسی در مقابل سلطان محمود غزنوی است که همراهان در کناره قرار گرفته اند. فردوسی با محاسن سفید و عمامه معروف و کتاب و قلمدان، در حضور بنشسته و سلطان غزنوی با کمال جلال و البسه و کلاه سلطنتی در آلاچیق زیبایی قرار گرفته است. کتیبه بالای آلاچیق نستعلیق زیبایی بدین مضمون است.

ای دل دیده هر خانه او تو سر خاک من آستانه تو و دولت و سعادت باد
۱- دیگر در این نمایشگاه، مجلس به تخت نشستن بهرام است که روی تخت نشسته و بزرگان قوم، از جمله نعمان در حضور او بروی صندلی ها قرار گرفته اند. البسه زیبا و کلاه های پردار حاضرین دلنواز و شایسته تحسین می باشد.

در خاتمه این مقال، اسامی هنرمندانی که بنام میرک در عرصه هنر ایران خوش درخشیده اند معرفی میگردد.

۱- میرک اول (سید روح اله میرک هروی استاد بهزاد وفات بسال ۹۱۳ ه. ق. ۰)
۲- میرک دوم (سید جلال الدین میرک الحسینی اصفهانی معروف به آقا میرک) فعالیت هنری تا سال ۹۵۰ ه. ق. تصویر شماره (۵۰)
۳- میرک المذهب (تذهیب کار نامی که احوال آن در جای خود آمده است)

۲۳۴ - جلال بیک افشانگر

افشانگر معروف و حل کار مذهب استاد، زمان شاه طهماسب اول است.

نام این استاد، در ردیف تصویر سازان معروف زمان، از قبیل مظفر علی و ملا مسیح اله مذهب، در دیباچه مرقع امیر حسین بیک، مضبوط در توپ قاپو قید گشته است.
این مرقع که بدستور امیر حسین و تزئین و آرایش مالک دیلمی خطاط معروف ایجاد گشته، در ذیل نام مظفر علی اشاره ای باین استاد کرده و چنین نوشته است:

و همچنین جناب استاد الدهر مظفر علی
تا باندک مدتی بسیعی و اهتمام او، نادره فن خود حافظ کلام مجید ملا مسیح اله مذهب و جلال بیک افشانگر اوراق این مرقع، بهتر از آنکه در آئینه خیال مرتسم بود، صورت ترتیب یافت و اکثر حواشی آن اوراق مزین و مذهب به حل کاری استاد مظفر علی، مشارالیه شد.

۲۳۵ - جمال - استاد جمال کاشانی

نقاش و طراح و رنگه نویس و کاشی تراش و گچ کار معروف اهل کاشان بود. این هنرمند در بدایت حال، از شاگردان و دستیاران استاد کاشی ساز معروف، محمد بن ابی طاهر بود که اثر دست وی، در پشت مشهد کاشان و کتیبه قبر حبیب ابن موسی بسال ۶۷۰ بیادگار مانده است. از آثار رقم دار استاد جمال که بسال ۷۳۸ انجام یافته، کاشی هشت گوش زیبایی موجود در موزه قم است که رقم دارد (کتبه عاشر ربیع الاخر سنه ثمان و ثلثین و سعمائه بمقام کاشان)

(بکارخانه سید الساده سید رکن الدین محمد بن المرحوم سید زین الدین)

(علی الغضائری عمل استاد الاجل المحترم استاد جمال نقاش)

از این سنه چنین بر می آید که استاد عمر طولانی داشته و تا آخرین سالهای حیات، بکار هنری مشغول بوده است.

۲۳۶ - جمال الدین اصفهانی - عبدالرزاق

اولین تصویر ساز و چهره پرداز ایرانی، اهل اصفهان است.

بنوشته راوندی در کتاب راحة الصدور و آية السرور که بسال ۵۹۹ ه.ق. تالیف شده.

(سبب تالیف این کتاب آن بود که در شهر سنه ثمانین و خمس مائه خداوند عالم رکن الدنيا و الدین طغرل بن ارسلان را هوای مجموعه‌یی بود از اشعار خال دعاگوی زین الدین می‌نوشت و جمال الدین نقاش اصفهانی آنرا صورت میکرد. صورت هر شاعری میکردند در عقبش شعر می‌آوردند و مضاحکی چند می‌نوشتند و آن حکایت را صورت رقم می‌زدند)

معلوم میدارد، این هنرمند در شبیه سازی دستی پر حلاوت داشته و حالات و سکناات صاحب چهره را بطور استادانه‌ای تصویر میکرده است.

این هنرمند بغیر از صنعت تصویر سازی در تزیین کاشی و فن خط و سرودن اشعار نیز دست داشت. عبدالرزاق اصفهانی که از دوستان نزدیک هنرمند بود در وصف وی چنین میگوید:

ای نقش بند عالم جان اندرین جهان	نی نی که نیست هیچ پذیرای نفس جان
نقش بقای خوب تو بینم منم جمال	نامت جمال نقاش آمد ز بهر آن
ای کلک نقش بند تو آرایش جهان	وی لفظ دلگشای تو آسایش جنان
ای نکته بدیع تو خوشتر ز آرزو	وی گفته رفیع تو بر ز آسمان
نظارگی خط تو نرگس به بست چشم	مدحت سردی فضل تو سوسن بده زبان
هم نثر زیر پای تو افتاده چون رکاب	هم نظم زیر دست تو گشتست چون عنان
اندر سواد خط شریف تو لفظ عذب	آب حیات در ظلماتست بی گمان

..... (الی آخر)

عوفی و هدایت در آثار خود از هنرمند صاحب نام چنین یاد میکنند:

عوفی می‌نویسد: (در لطف طبع یگانه و در فضل و هنر نشانه زرگری که آفتاب در صنعت صیاغت شاگرد خردکاری او بودی و ماه و ملک نور از پرتو ضمیر او ربودی چمن فضایل بزهرات مکارم اخلاق آراسته و از خاشاک رذایل پیراسته)

هدایت در ریاض العارفین می‌نویسد (در فضایل و کمالات یگانه آفاق، جامع معقول و منقول والد کمال الدین اسمعیل اصفهانی است. از تصوف و حکمت بهره وافی و حاصل وافر دریافته و ایام عمر را بعزلت و مجاهدت میگذرانیده، فاضلی است تحریر و ادیبی است بی نظیر، فرزانه‌ایست هوشیار و سخن وری است بزرگوار، در اغلب فنون اهل حرفت نهایت قدرت داشته و دیوانش قریب به بیست هزار بیت) (۱)

این هنرمند بسال ۵۸۸ ه.ق. در اصفهان دار فانی را وداع گفت و از او چهار فرزند بجای ماند که بزرگترین آنها کمال الدین شاعر نامدار میباشد.

۲۳۷ - جمشید چيله

نقاش مغولی زمان اکبر شاه هندی بود که در هنر تصویر سازی دستی به حلاوت داشت. از آثار رقم دار هنرمند که در کتاب بابر نامه معروف بیادگار است، مجلس پذیرائی پر جلال بابر پادشاه است که بابر در محل مخصوصی نشسته و بصرف غذا مشغول میباشد. در این اثر دلپذیر انواع وسایل پخت غذا، از قبیل دیگهای بزرگ ظروف گوناگون و سفره گسترده مهمانی، در کمال رسائی نقاشی شده و در کنار آنها خدمتکاران و آشپزها به پذیرائی آماده خدمت می‌باشند. رقم دارد.

(عمل جمشید چيله)

۲۳۸ - جنید نقاش سلطانی

زاده شیراز هنرپرور بود و بعلت عزیمت و اقامت در شهر بغداد، به جنید بغدادی موصوف و معروف گشته است. بروایت غیر مستند از شاگردان شیرین قلم استاد شمس الدین شیرازی است که با ارائه و اجرای آثار نفیس و بی همتا از استاد نیز در گذشته است.

از کتابت لقب سلطانی، که در بعضی از کارهایش دیده میشود، معلوم میدارد مورد احترام و حمایت سلاطین عهد بوده و بدریافت لقب سلطانی نیز مفتخر گشته است.

جنید و عبدالحمی، از پایه‌گذاران اصلی مکتب ثانی بغداد هستند که بدنباله و ارائه طریق آنها، مکتب تبریز نزع گرفته و رواج پیدا کرده است.

آثار معروف و شناخته شده جنید عبارتند از:

۱- تصاویر صفحات دیوان سلطان احمد موجود در فریر گالری واشنگتن که بسال ۸۰۸ تصویر شده و رقم جنید را دارد.

۲- دیوان مصور خواجوی کرمانی که در تاریخ ۷۹۹ ه.ق. در شهر بغداد کتابت شده و تصاویر آنرا جنید سلطانی رسم کرده است. این کتاب حالیه در موزه بریتانیا بوده و یکی از تصاویر آن، قصه همایون و همای است که همایون بر اسب سوار شده و در بیرون قصر، با محبوبه زیبای خود صحبت میکند. تصویر عمارت بلند و دیوارهای پر نقش و نگار که با کاشی‌های نفیس و الوان مزین گشته پر مهارت و استادانه است. منظره گل و گلزار و درختان سر سبز و فضای پر طراوت باغ قصر، ستودنی و در خور تحسین است. تصویر شما ره (۲۸)

۳- دیگر، تصویر بهزاد است که در کتاب خواجوی کرمانی موزه بریتانیا، نقش بسته است. در این اثر، گویا بهزاد زیر درخت ساقه بلند سرو افتاده و دستار و کلاه از سر بدر کرده است. لباس آبی کم رنگ و قیافه حیران وی جالب است، یک زن قرمز پوش بلند قد زیبا و یک مرد جوان که کلاه کوچکی بسر دارد، باین منظره نگاه میکنند. منظره باغ و ساحت پر گل و گیاه و درختان الوان خوش منظر و طراوت جوی باغ که بطرز دلربا و تحسین آمیزی نقش بسته، بی همتا است.

۴- اثر نفیس و رقم دار جنید سلطانی در کتاب خواجوی کرمانی موزه بریتانیا، مجلس عقد و عروسی با شکوهی است که نمایانگر واقعی مهارت نقاش است. در این مینیاتور، آرایش نقوش عمارت و فرشها استادانه است و معلوم میشود این استاد چیره دست در تذهیب و ترسیم تصاویر هندسی و انواع تزیینات زمان و کتابت خط رقاع و کوفی نیز چابک دست و نازک قلم بوده است. اطاق عروس، با پرده‌های سرخ رنگ گلداز و آویزهای زیبا تزیین شده و کاشی اطاق و نقوش استادانه فرش دلرباست. عروس با عشو و طنازی تمام لباس عروسی بتن کرده و گلنچ زرین بسر گذاشته و روی تخت نشسته است. ندیمان و خویشاوندان زیبا روی او که بالبه گوناگون و فاخری ملبسند، جهت تدارک سفره عقد و مراسم آن به تک و پو افتاده‌اند. چراغها و شمع‌ها و فانوس‌های کاغذی الوان و سکه‌های طلا و عطریات و شیشه‌های عود و عنبر و ظروف شربت آلات در اطراف سفره سفید دیده میشوند. در طرف دیگر و در حیاط قصر، داماد بلند بالا و خوش قواره‌ای که عرق چین بسر گذاشته و لباس بلند پوشیده است، با زن جوان شمع بدست، بدرقه میشود. دوستان و خویشاوندان، سکه‌های طلا را به مبارکی میمنت سر داماد ریخته و جوانان برای بدست آوردن سکه‌ها بروی فرش در غلطیده‌اند.

جماعت نوازندگان به آوای دف و دایره به شادی پرداخته و رقصه زیبا برقص و پای کوبی مشغول است. در طرف دیگر، چهار دختر زیبا از پنجره بالای خانه باین جشن نظاره میکنند. در بالای سر عروس و

پرده قرمز رنگ بزرگ کتیبه‌ای که پنج دایره منقش دارد در مستطیل وسط رقم نقاش دیده میشود که بخطر قاع قرمز رنگ چنین نوشته است . (عمل جنید سلطانی)

در کتیبه بالای ساختمان و در طرف راست، بخطر قاع کتابت شده :

(هذا الدار كعبه الامال هذه الباب قبله الاقبال)

و در کتیبه زیبای طرف راست که بخط کوفی تزیینی کتابت شده این چنین قید شده است .
(السلطان الاعظم ملک) (بقیه خوانده نشد)

تنها بیت شعر که روی مینیاتور دیده میشود، چنین است :

(در آمیخت با او چو شهد و شکر — بروغن فرو برد خرمای تر)

جواد در سید جواد آمده

۲۳۹ — جواد اصفهانی — محمد جواد

اهل اصفهان بود و در نقاشیهای روغنی (لاکی) دستی بکمال داشت .
محمد جواد در تصاویر رزمی و بزمی و چهره پردازی و شبیه سازی شیرین قلم بود و گل و مرغ را بهتر از همه تصویر مینمود .

از آثار او دیده‌ام :

۱- قلمدان گل و مرغ زیبایی دیدم که در روی آن حیوانات مختلف تصویر شده و زمینه آن، پر گل بود و در حاشیه کناره نیز تذهیب زیبا داشت . رقم نقاش در انتها چنین بود : (راقمه جواد ۱۳۱۴)

۲- قلمدان گل و مرغ دیگری از او دیدم که در چهار مدالیون منظم تصاویری از زنان و مردان فرنگی داشت که بخوبی نقاشی شده و بخط نسخ رقم داشت . (جودمن کان جواد)

۳- بهترین قلمدانی که از این هنرمند دیدم، تصویر حضرت مسیح و مریم و یکی از حواریون بود که در مدالیون بزرگی در روی قلمدان ارائه شده بود، در کناره این نقاشی، تصاویری از گاو و گوسفند نیز دیده میشد، در طرفین قلمدان، صورت زنان و مردان زیبا و در طرف دیگر، تصاویری از پرندگان از قبیل مرغ و خروس و مرغابی زیبایی تمام عرضه شده و رقم نقاش بخط قرمز، چنین بود .

(کمترین جواد)

۲۴۰ — جوان بخت قاجار

نقاش دوره ناصری بود و در آبرنگ و چهره سازی دست داشت .
از آثار آبرنگی این هنرمند که از نزدیک دیدم، تصویر کشیش‌های مسیحی بود که لباس و لباده مخصوص بتن داشتند، در این اثر زیبا، کلاه یکی از آنها بشکل گل‌های نخل آرایش شده و بسیار خوش منظر و زیب افزا بود و در سمت چپ بخط نستعلیق رقم داشت . (جوان بخت قاجار)
این اثر آبرنگ در نوامبر ۱۹۷۶ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید .

جواهر رقم کاشی در علی اصغر کاشی آمده

۲۴۱ — جهان قاجار

مهد علیا ملک جهان خانم مادر ناصرالدین شاه و دختر محمد قاسم خان اعتضاد الدوله قوئلو قاجار بود، او بسال ۱۲۴۴ ه.ق. بهمسری محمد شاه در آمده و ناصرالدین شاه بسال ۱۲۴۷ از او

متولد شد .

مهد علیا زنی هنرمند بود و در صنایع خط و گلدوزی و نقاشی آبرنگ دست داشت .

در زمان محمد شاه یک خانم گل ساز فرانسوی را بایران دعوت کردند ، تا فن گل سازی را که مورد علاقه محمد شاه بود بایرانیان و بانوان درباری یاد بدهد . حاج عباس نامی مامور آوردن این خانم شد . مرد نامبرده بیاریس رفت و با خانم مزبور ملاقات کرد . نتیجه این ملاقات ازدواجی بود که بین مادام اروپائی و حاج عباس انجام گرفت . بعد از مراجعت بایران، این خانم به مادام حاج عباس معروف گردید . زن مزبور علاوه بر اینکه فن نقاشی و گلدوزی را به مهد علیا تعلیم میداد بعلت خوش صحبتی و بذله گوئی انیس و جلیس ملکه ایران نیز قرار گرفت و حتی بعد از مرگ شوهرش نیز کماکان مقرری مخصوصی نیز دریافت میداشت . از آثار رقم دار مهد علیا که نرگس زیبایی بآبرنگ میباشد رقم دارد . (نقشه مهد علیا) مضبوط در مجموعه نگارنده .

۲۴۲ — جهانگیر بخاری

اهل بخارا بود و در نقاشی دستی بکمال داشت .
این هنرمند در زمان خود شهرت بسزائی داشت و به عمده المصورین انگشت نما بود . پیر سید احمد تبریزی که بروایتی معلم و استاد کمال الدین بهزاد بوده است از شاگردان همین جهانگیر بخاری میباشد .

ج

۲۴۳ — چاتار مونی

از نقاشان مغولی اوایل قرن ۱۶ میلادی هند است .
تنها اثر رقم دار این هنرمند را که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم، تصویری در کمال شیوائی و دلربائی بود و رقم داشت . (چاتار مونی)

۲۴۴ — چاکری — سید چاکری

نقاش هنرمند و مجلد پاکیزه کار اواسط قرن ۱۲ عثمانی است .
از این هنرمند، جلد زیبایی بیادگار مانده که بانواع تذهیب و آرایش گلها تزیین یافته و رقم دارد . (نمقه الحقیق السید چاکری الساکن قسطنطنیه)

۲۴۵ - چترمن

نقاش مغولی اواسط قرن ۱۷ میلادی هند است.

این هنرمند شبیه ساز متبحر و استاد بود و در رنگ آمیزی و مجلس آرائی دستی پر قدرت داشت. از آثار شیوا و استادانه این هنرمند که در نمایشگاه مخصوص ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ در موزه ویکتوریا آلبرت لندن از نزدیک دیدم، تصویر دارا شکوه با سینی جواهرات بود که ستودن داشت. در این اثر، دارا شکوه ریش و سبیل کوتاه داشت و شلوار هندی بنفش رنگ پوشیده بود. کلاهش قرمز رنگ بود و حاشیه طلائی داشت. حواشی اثر نیز گلهای تزیینی دلفریب هندی داشت. روی جدول حاشیه رقم داشت.

(شبیه خوب بابا دارا شکوه عمل چترمن)

دیگر تصویر که در کتابخانه پیر مورگان نیویورک قرار دارد، اثر دلنوازی از دارا شکوه است که سرپا ایستاده و نیزه بلندی بدست گرفته است. کلاه و لباس مزین و پر زینت است، شمشیر و سپر بزرگی بکمر آویخته و قیافه خندان و شادان دارد. هاله نوری از پشت سر صورت ارائه شده که افسانه‌ای است و رقم دارد.

از این هنرمند، چند اثر نیز در موزه‌های ایران دیده میشود که از آن جمله تصویر پادشاه هندی است که در بارگاه نشسته و با وزراء و رجال درباری صحبت میکند. دیگر، تصویر پادشاه هندی است که قوش باز مخصوص در مقابلش ایستاده و باز شکاری بدست گرفته و رقم دارد. (عمل چترمن)

از آثار دیگر هنرمند که در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی بیادگار است، تصاویری از دارا شکوه - علاء الملک تونی فاضل خان و همچنین تصویر جعفر خان و اسلام خان رومی و شاه جهان است که از بحث بیشتر مشخصات آنها خودداری مینمائیم.

۲۴۶ - چکنار مصور

نقاش مغولی هند بود و در شیوه فرنگی سازی نقش می‌آفرید.

از آثار رقم دار این هنرمند که در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان تهران مضبوط است، شمایل حضرت مریم است که روی تخت زیبایی نشسته و پاهای خود را بروی بالش مخملی قرمز رنگی تکیه داده است. در یک دست مریم، انجیل مقدس دیده میشود و با دست دیگر بتصویر کودکی مسیح اشاره میکند. در کنار این اثر، مشکدان مرصعی قرار گرفته که اسم نقاش بروی آن نوشته شده است.

(عمل چکنار مصور)

ح

۲۴۷ - حاجی (میرزا حاجی نقاشباشی)

بر خلاف لقب نقاش باشی، آثارش زیاد مهم نبوده بلکه متوسط و کم کار نیز هست. از آثار رقم دار وی، تصویر حاجی میرزا عبدالباقی حکیم باشی را دیدم که چندان استادانه نبود، و رقم داشت. (رقم میرزا حاجی آقا نقاشباشی ۱۳۱۴ ه.ق. ۰)

حاج سید باقر قمصری در باقر آمده

۲۴۸ - حاجی عباس اصفهانی - رسام فلزکار

از رسامان و فلزکاران نامی شهر اصفهان بود و در هنر خود شهرت بسزا داشت. از آثار هنری وی، جعبه فلزی زیبایی دیدم که در رویه آن اسماء مبارکه و ادعیه به مشبک سازی پر مهارتی حکاکی شده و در سینه مقابل جعبه الفاظ (انا مدینه العلم و علی بابها) به استادی عمل آمده و رقم داشت: دیگر اثر رقم دار هنرمند، کشگل فلزی فولادی بود که حواشی آن نقش اسلیمی پر مهارتی داشت و ادعیه و عباراتی به خط نسخ در رویه آن جلب نظر مینمود و رقم داشت. (عمل فقیر حاج عباس) کشگل فلزی و رقم دار دیگر هنرمند که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن بیادگار است، اثر فوق العاده نفیس از نقوش اسلیمی و خطوط زیبا است که رقم دارد. دیگر کشگل اثر دست این هنرمند، که حواشی و دهنه آن با تصاویر برجسته و گل‌های اسلیمی زیبا تزیین یافته و اشعاری بخطر قاع استادانه در کناره دارد. رقم (حاجی عباس) را دارا بوده و از بیت اول اشعار چنین معلوم است که برای شاه زمانه انجام یافته است. کشگل دیگر حاجی عباس که در یکی از موزه‌های کپنهاگ مضبوط است، تصاویر گل و مرغی عالی داشته و رقم دارد. اما بهترین و زیباترین اثر این هنرمند که گویا برای ناصرالدین شاه تهیه شده طاووس فولادی پر مهارتی است که آرایش طلائی داشته و در نوع خود فوق العاده است. جنس فولادیکه در این اثر بکار رفته فوق العاده بوده و طلاها بدرخشندگی تمام در بطن فولاد جا گرفته و جلوه و طنازی آنرا چند برابر کرده است.

در روی پره‌های دم طاووس که به قوی دستی باز شده است چنین نوشته:

(السلطان بن سلطان ابن السلطان ناصر الدین شاه قاجار خلد اله ملکه ۱۲۹۲)

طاووس روی پایه چهار گوش خوش طرحی جا گرفته و در کناره چهار گوش‌ها این ابیات بچشم میخورد این صورت زیبا که بجان مانوس است مصنوعی، دست طابع قدوس است گویند که طاووس برون شد ز بهشت بزم تو بهشت و این همان طاووس است در سینه طاووس، رقم نقاش چنین است: (عمل کمترین حاجی عباس) مجموعه مهندس خلیلی

۲۴۹ - حاجی علی - فلزکار

از اسطراب سازان اوایل قرن ۱۳ ه.ق. بود که در تزیین و آرایش فلزات دست پر توان داشت، از آثار رقم دار هنرمند که در موزه کرنویچ انگلستان دیدم، چنین رقم داشت. (عمل ثالث عشر صنعه حاجی علی ۱۲۰۸)

حاجی - حل کار معروف دوره بایسنقر میرزا درهرات بود.

۲۵۰ - حاجی مدنی

از نقاشان دوره شاه جهان و داراشکوه بود و بسبب ایرانی و هندی تصویر میساخت. یگانه اثر زیبای او، تصویر عروسی مجلل شاهانه شاه جهان و دارا شکوه میباش که در کتاب تاج محل به عکس رنگی چاپ شده است. در این نقاشی که حالات و سکنات شرکت کنندگان و رقاصان و نوازندگان و آرایش لباسهای رنگارنگ آنان، در جشن آتش بازی ترسیم شده، در غایت دلربائی است. عروس تور زیبا و بلندی بصورت انداخته و داماد در نهایت متانت و پوشش پر جلال در پشت عروس در حال حرکت است. عروس و داماد روی اسبهای زیبائی سوار شده و لاله‌ها و چراغهای نورانی با عوالم هیجان انگیز آتش بازی شب را چون روز روشن کرده است. این نقاشی در نوع خود بسیار بدیع بوده و دل چسب میباش. رقم نقاش به خط نستعلیق زیبا، در زیر اثر، چنین می باشد: حاجی محمد بن حاج علی مدنی آمد. حاجی مراد در مراد خوش قدم آمده

(عمل حاجی مدنی)

۲۵۱ - حاجی محمد بن علی حافظ - فلزکار

اهل اسفراین و استاد کوفتگر و فلزکار و طلاکوب اوایل قرن ۹ ه.ق. بود. از آثار بی نظیر و فوق العاده ارزنده این هنرمند که آیتی از کمال میباش، پنجره بی نظیری در آستانه قدس رضوی است که بمهارت تمام شبکه و کنده کاری و طلاکوبی شده و کتیبه‌های زرین و نقوش هندسی فوق عالی دارد. این پنجره که روی سنگ مرمر نصب شده و فولادی و زرکوب می باشد، با همکاری استادان نامی زمان اتمام یافته و رقم آن چنین است:

(عمل حاجی محمد بن علی حافظ اسفراینی تحت فی شهور محرم ۸۱۷)

در کتیبه دیگر نوشته، عمل استاد شیخ علی خودگر بخارائی، عمل استادان کوفتگر مولانا شمس طبسی و استاد محمود کوفتگر و استاد با سعادت و شرافت خواجه حسین زاهد.

۲۵۲ - حاجی محمد هروی

در کتاب حبیب السیر خطی کتابخانه نگارنده که بسال ۱۰۰۰ ه.ق. کتابت شده در صفحه ۷۷۰، راجع به مولانا حاجی محمد نقاش چنین می نویسد:

"مولانا حاجی محمد، نقاش ذوقنون زمان خود بود و پیوسته بقلم اندیشه امور غریبه و صور عجیبه بر صحایف روزگار تحریر مینمود. در فن تصویر و تذهیب مهارت تمام داشت، چندگاه همت بر پختن چینی ففوری می گماشت، بعد از تجربه بسیار و ارتکاب مشقت بیشمار، جسم ظروف و اوانی که میساخت با چینی بغایت شبیه گشت اما رنگ و صفایش چنانچه می باید نبود. و از جمله مخترعات مولانا حاجی محمد، صندوق ساعتی است که در کتابخانه امیر علیشیر ترتیب نمود و در آن صندوق، صورتی تعبیه کرده بود که چوبی در دست داشت. و چون یک ساعت از روز می گذشت آن پیکر، چوب را یک نوبت بر نقاره که در پیش بود می زد. و بعد از گذشتن ساعت دوم، دو نوبت آن حرکت میکرد و علی

(حاجی یهود آقا با اوف کاشانی) -

یک قالیچه خوب صدساله بود که در وسط تصویر پادشاهی سوار بر اسب بود و حواشی اشعار خوبی داشت. کارخانه حاجی یهود و آقا بابا اوف کاشانی در بالای فرش نوشته شده بود

هذالقیاس، و خدمت مولوی مدتی کتاب دار امیر علیشیر بود. آخر الامر از آن جناب رنجیده و در شهور ۹۰۴ که بدیع الزمان به محاصره بلده هرات اشتغال داشت، بگریخت و بشاهزاده پیوست و بهمان منصب منصوب گشت. و در اوایل زمستان واستیلا ابوالفتح خان شیبانی (۹۱۳) درگذشت. خواند میر در خلاصه الاخبار، می نویسد: مولانا محمد عدیمی نیز مانند حاجی محمد هروی صندوق ساعتی ساخته و شب و روز را از او می فهمید.

امیر نظام الدین علیشیر نوائی در کتاب مجالس النفاثس در مورد این نقاش چنین مینویسد. "نقاش متین شهر هرات بوده است و خوش طبع است و خیالات غریب میکند، کم فنی باشد که او را در آن اندیشه بخاطر نرسد خواه راست خواه غلط"

۲۵۳ - حافظ ملا مسیح اله مذهب

از مذهببان گم نام و نازک قلم اواخر دوره تیموری است.

۲۵۴ - حبیب - صدر الافاضل

بنوشته مرحوم تربیت: صدر الافاضل میرزا حبیب نظام افشار - شاعر و منشی و خوش خط است. در صنایع خط ناخنی و کاغذ بریده و ابری سازی و علاقه بندی و غیره استاد بوده و در هجو و هزل ماهر است.

در اوایل قرن ۱۴ ه. ق. مرحوم شده و بطوریکه در منشآتش اظهار میکند - اصلش از قریه قرا اغاج رضائیه بوده که در یک فرسخی آن شهر واقع شده است.

(مقومب مهمل تقویم) از نتایج خاطرات اوست و نصاب الصببان را نیز تضمین کرده است. این بیت از اوست: خوش بود کز پشت بام افتی و از تو بشکند جید گردن صدر سینه رکه زانو راس سر

۲۵۵ - حبیب اله بن علی بهار جانی

نقاش و نگارگر فلزات بود و در هنر خود دستی پر استعداد داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند، ظرف کوچک برنجی نقره کوبی در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که استادانه بود در قسمت بالا و کناره گردن ظرف، بخط ثلث زیبای نقره کوب، الفاظ

(لصاحبه السعاده و سلامه و طول عمر) نقش شده و در بالا و پائین بدنه ظرف، تزیینات هندسی و اسلیمی خوش تراشی دیده میشد و در کناره نقوش اشعاری جلب نظر میکرد و رقم داشت.

در مشخصات ظرف نوشته شده بود، (کار خراسان)

۲۵۶ - حبیب اله ساوجی

بنوشته قاضی میر احمد، در گلستان هنر:

"از شهر ساوه است بغایت آدمی صفت و درویش است، در تصویر و شبیه کشی نظیر ندارد، از ساوه بقم آمده مدتی در قم بکار مشغول بود، از چرب دستی و چابکی مشهور بود و در نقش بندی روز بروز در ترقی بود نواب حسین خان شاملو حاکم قم او را ملازم ساخته به هرات برد.

سپس شاه طهماسب او را از خان گرفته در اصفهان مشغول کار است و در سلک نقاشان خاصه است" در کتاب خطی تاریخ اکبر نامه مجموعه نگارنده، این شعر از حبیب اله ساوجی درج شده است.

حافظ حاجی - از قارئین خوش آواز مرقد مطهر امام رضا (ع) در اول قرن دهم ه. ق. بود.

بیدرد را شراب محبت کجا دهند

خداوند از معنی تنگدستم

از آثار این نقاش، تصویری در موزه تزیینی تهران است که دو سوار کار در نهایت استادی نقاشی شده و رقم حبیب دارد. اولین تصویر رقم دار این هنرمند را که از نزدیک دیده ام، نقش شتری در کمال استادی بود که روپوش طلائی زیبایی با حواشی سبز رنگ به پشت داشت.

ساربان بخاطر راحتی و بی قیدی، دم حیوان را با طنابی به پشتی شتر بسته و خود مشغول نخ ریسی بود. کلاه و لباس ساربان و چوب عصائی که زیر شال خود محکم کرده، ستودنی بود.

این اثر در دو محل جداگانه رقم داشت.

تصویر شماره (۲۳)

۱- رقم نقاش بخطر قاع (حبیب) روی بدن شتر

۲- رقم دوم بخطر طغراء، در گوشه پائینی سمت چپ، بخطر طلائی (عمل فقیر قلاش - حبیب نقاش)

۲۵۷ - حبیب اله شیرازی. میرزا

از نقاشان زبر دست و گمنام شیراز و در آبرنگ و تصویر سازی استادی بی همتا و در شبیه سازی چیره دست بوده است. یگانه اثر رقم دار موجود او که حالیه جزو مجموعه نگارنده است، تصویر محمد خان دشتی شاعر شیرازی است که در اول کتاب تحفه الحرمین خطی الصاق شده و شبیه ترین تصویری است که در کمال قدرت و ارائه مشخصات کامل از صورت شاعر ارائه گشته است.

این نقاشی که در زمان تحریر کتاب بوسیله خطاط معروف زمان محمد حسن قزوینی متخلص به آیت و در ۱۲۸۶ کتابت شده، بدست میرزا حبیب اله شیرازی نقاش تصویر شده است.

در این جا دشتی بروی صندلی نشسته و کتابی بدست گرفته است.

پرداز صورت و ترسیم و آرایش سر و لباس و سایر مراحل ترسیمی اثر در حد خود استادانه است. در حواشی صورت و اشعاری در جداول مختلف و در مورد محمد خان کتابت شده که اشعار دست راستی چنین میباشد.

دل بر کف صاحبان ایوان است

(مشقه العبد الاقل میرزا حبیب اله شیرازی)

رقم دارد.

۲۵۸ - حبیب اله مشهدی

نقاش دوره شاه عباس اول بود و در شیوه اصفهان و سبک رضا عباسی نقش می آفرید. اثری از این هنرمند در آلبوم شماره ۳۷۰۹۲ اسلامبول و دیگری که در موزه اسلامی برلین بیادگار است، تصویر جوان شکارچی است که لباس بنفش رنگی پوشیده و مچ پیچ راه راه بپا بسته و تفنگ خود را بدوش گرفته و دست دیگر خود را بکیف کوچکی کنار باروت دان فرو برده است. قیافه چالاک و شاداب جوان شکارچی و نقوش روی پارچه و سایر آرایش تصویر و زمینه ساده آن ستودنی است. رقم دارد بخطر قلم موئی.

(راقمه حبیب اله مشهدی) تصویر شماره ۸

مینیاتور دیگری که در مکتب هرات انجام یافته و اندازه آن ۴/۵ x ۱۰ اینچ است، تصاویر بسیار دلربا و رنگین جمع پرندگان صحرائی است که به نیکوترین ترتیبی ارائه گشته است. در این اثر پر

حبیب اله مذهب - خطاط و مذهب زرین قلم اوایل قرن ۱۰ ه. ق. و اهل مراغه است.

از آثار این استاد قرآنی بخط ثلث و نسخ زیبا دیدم که رقم داشت.

(کتبه و ذهبه حبیب اله کاتب المراغی)

حلاوت، طاووس زیبائی پره‌ای خود را باز کرده و مرغان متنوع دیگر بحال پراکنده در صحرا دیده میشوند، شکارچی تفنگ بدست، پشت صخره‌ها بکمین ایستاده و منظره تک درخت بلند و نقش کوه‌ها دل انگیز است. رقم دارد.

زبان حال طاووس زیبا که خود را برتر از مرغان دیگر پنداشته در دو بیت بالا و پائین چنین آمده است.

گفت ای مرغان منم بی هیچ زیب
هم از آن حضرت خبردار آمدم

هم مرید حضرت و پیک حبیب
هم ز فطنت صاحب اسرار آمدم

حسام الدین در میر حسام الدین آمده

۲۵۹ - حسام الدین هروی

استاد حسام الدین غداره گر هروی نقاش و طراح روی عاج و فلزات بود و در شمشیر سازی و تزیین قبضه‌ها و غلاف آن، دست پر توان داشت.

این هنرمند اهل هرات بوده و در دوره سلطنت سلطان حسین میرزا به خلق آثار مورد علاقه خود سرگرم بوده است.

۲۶۰ - حسن - (آقا حسن نقاش هراتی)

صاحب گلستان هنر، در مورد این نقاش چنین مینویسد: "آقا حسن نقاش از هرات بود در نقاشی بی بدل روزگار افتاده اندرون روضه مقدسه مطهره عرش منزله رضیه رضویه علی مشرفها و ساکنها الف صلوٰة و سلام و تحیه راوی بفرموده مرحوم محمد زمان شرف الدین اوغلی تکلونقاشی نموده بود و این بیت را مناسب احوال و حسب حال در برابر ضریح مبارک بر بالای محراب نوشته است.

حسن بگرد درت گشته بر طریق طواف
فوتش در دارالسلطنه هرات و در جنب مزار پیر هرات در خانه پر نقش و نگار مدفون است"

۲۶۱ - حسن - (نقاش قاجاری)

نقاش پر مایه دوره فتحعلیشاهی بود و رنگ و روغن را خوب می ساخت. عمده آثار بجا مانده این هنرمند، تصاویر بعضی از رجال و شاهزادگان قاجاری است که در قصر محمد تقی میرزا رکن الدوله در بروجرد، برنگ و روغن نقاشی شده و حالیه از بین رفته است.

از این تابلوها که یکی شمایل نیم تنه فتحعلیشاه و دیگری عباس میرزا بود، از نزدیک دیدم که استادانه بود و ستودن داشت. تنها اثر رقم دارش را که مشاهده کرده‌ام، مجلس رزمی ارزنده‌ای بود که از بین رفته و احتیاج به تعمیر داشت و بخط نستعلیق زیبا رقم شده بود. (یا امام حسن)

۲۶۲ - حسن - (مینا ساز)

از مینا سازان و نگارگران دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه بود و گل و مرغ را عالی می ساخت. تنها اثر رقم داری که از این هنرمند دیده‌ام، سرقلیان طلائی زیبا ولی مخدوش و شکسته بود که جوانب آن، از گل و مرغ پیراسته گشته بود، حرکت پر حالت مرغها و شیوائی و تازگی گلها بخوبی نمایان بود و رقم داشت.

(کمترین استاد حسن)

۲۶۳ - حسن (استاد معمار)

اهل قم و سازنده و طراح نقوش ساختمانها بود. از آثار مشهور و بجا مانده این هنرمند، ایوان آینه معصومه قم و صحن مقبره علی اصغر خان اتابک و سایر ساختمانها است که حالیه بیادگار مانده است. همکار نامی این استاد، استاد محمد باقر قمی بود که اغلب با همدیگر به رقابت می پرداختند. کاشی سازان مشهور این دوره که تزیینات داخل و خارج بناها را به عهده داشتند، حاج غلامعلی و استاد محمد شیرازی بوده‌اند.

۲۶۴ - حسن (بن احمد)

بطن قوی اهل قفقاز بوده و در هاشور زنی مهارت داشته است.

از آثار این هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران بیادگار مانده، تصاویری در کتاب (تور دوموند) است که بوسیله شخصی بنام علی بخش قاجار تهیه گشته است. در این کتاب تصاویری از قمه زنی و قفل بندی و سینه زنی و تصویر دو زن دهاتی دیده میشود که با هاشورهای دقیق نقاشی شده و رقم داشت.

(حسن بن احمد)

۲۶۵ - حسن (بن حسین - زورنازن)

قلمدان ساز و عاج تراش هنرمند عثمانی است.

از آثار این هنرمند قلمدان تابوتی و چوب صدفی منقش دیدم که طراحی عالی داشت. این اثر ارزنده که نقشهای گوناگون ترکی داشت در چند کتیبه حواشی و داخل آن اشعاری درج شده بود که بیت اول آن چنین بود:

فضله جاه و مالی ترک ایتدیم طمع اربابنه
در قسمت بالای قلمدان بخط طغرایی رقم داشت.

(حسن بن حسین ۱۲۲۶)

۲۶۶ - حسن (بن سلیمان اصفهانی)

منبت کار چیره دست و با ابتکار اوایل قرن ۸ ه. ق. بود.

از این هنرمند، رحل چوبی بی نظیری بجا مانده که در قسمت بالای آن نشانه پر جلال (الله) بچهار شکل لچکی مقارن حک شده و زمینه و کناره آن با اسلیمی‌های استادانه‌ای تزیین شده است. در قسمت پائین و نشیمن رحل چوبی گل و برگهای موزون در کناره متن گلدسته‌ای خطدار به استادی کنده کاری شده و قابل تحسین میباشد. در وسط پایه بخط ثلث زیبائی اسامی ۱۲ امام حکاکی شده و داخل آن نیز به گلهای تزیینی آرایش یافته است. این اثر بی نظیر که در نوع خود منحصر است رقم دارد.

(حسن بن سلیمان اصفهانی) - تصویر شما ره (۴۵)

۲۶۷ - حسن (بن عربشاه نقاش)

از نقاشان و طراحان محراب و کاشی تراش قرن هفتم هجری قمری

از آثار بجا مانده وی که حالیه در موزه دولتی برلین می باشد، محراب مسجد میدان کاشان بسال ۶۲۳ ه. ق. است که طراحی و ساختمان آن، بدست این هنرمند انجام یافته است.

حاج عبدالغفار نجم الدوله که در سال ۱۲۹۹ از این مسجد دیدار کرده در این مورد چنین مینویسد: (۱) "کاشان شهر آبادای است. آثار قدیم نیز از مساجد و بعضی ابنیه دیده شده بازار مسگری معتبر

دارد. کاشی‌های برجسته خوب و تماشائی دارد. فرنگی‌ها همان را اقلاً "ده هزار تومان می‌خرند" بنوشته. مجله مزبور، این محراب پس از ربوده شدن از محل اصلی، مستر پریس کنسول انگلیس خریداری کرده به اروپا برده و به سال ۱۹۲۸ تحویل موزه برلین گشته است. در کناره کاشی‌های محراب که در نوع خود ممتاز می‌باشد، آیاتی بخط کوفی تزیینی و ثلث و رقاع استادانه دیده می‌شود که در نوع خود ممتاز است. در قسمت پائین، کلمات (حتی مطلع الفجر) جلب نظر میکند. رقم دارد.

(فی اواخر صفر سنه ثلثین عشر و ستمائه عمل الحسن بن عربشاه) ۶۲۳ ه. ق.

عکس رنگی این اثر، در صفحه ۷۰۴ کتاب معروف الکساندر پوپ درج شده است.

دیگر اثر رقم‌دار این هنرمند، کاشی بزرگ قسمتی از کتیبه محراب مسجد میدان کاشان در موزه ویکتوریا آلبرت لندن است که با خطوط استادانه برجسته ترسیم شده و حواشی آن خطوط کوفی تزیینی می‌باشد. در زمینه کاشی، نقوش اسلیمی که در بین آنها تصاویری از پرندگان نیز دیده می‌شود به ظرافت ترسیم شده و رقم دارد.

۲۶۸ - حسن بغدادی - مذهب

مذهب زبردست و معجز نگار قرن ۱۰ ه. ق. بغدادی الاصل مقیم تبریز بود که در هنر خود سرآمد مستعدان و در رموز و دقایق آن انگشت نما و نادره زمان خود بشمار میرفت. در بدایت حال بتذهیب و آرایش روضه مطهره امام حسین علیه السلام مفتخر گشته و در نزد شاه طهماسب اول قدرت و منزلت والائی کسب نمود. بدین ترتیب فرمان ریاست جماعت هنرمندان شهر تبریز بوی تعلق یافت و انقیاد و اطاعت از سخن و صلاح وی در فرمان سلطنتی مدلل گردید. ولی با این همه فضایل بی طالع و با پدر خود بیگانه بود و آنچه از دستش بر می‌آمد در نگوشت و آزار پدر فرو نمی‌گذاشت، بدین ترتیب پریشان‌حال و بی مصاحب گشته و آسایش و آرامش خاطر را از دست داد. در اغلب اسناد بجا مانده قدیمی علاوه بر اینکه هنر متعالی وی را ستوده‌اند، نکات ضعف و نابخشودنی وی را نیز یاد کرده‌اند که ما بعینه در اینجا نقل مینمائیم.

بنوشته عالم آرای عباسی:

"در فن تذهیب فرید عصر و یگانه دهر بود، مجملاً" فن تذهیب را به سرحد اعجاز رسانیده بود جمیع استادان این فن او را در این امر مسلم داشتند، مذهب مولانا یاری که این شیوه را بر طاق بلند نهاده بود و در برابر ریزه کاری و دقیقه پردازی او آب و رنگی ندارد و در اواخر ایام شاه جنت مکان او را گیرانیده همواره تهدید قطع ید او می‌نمود او بالاخره بجهت آنکه در کنبد مبارک حضرت ابو عبدالله الحسین کار کرده زیب و زینت آن روضه مقدسه داده بود از سیاستش اغماص نموده توبه‌اش دادند که دیگر مرتکب چنین امری نگردد و در زمان اسمعیل میرزا داخل اصحاب کتابخانه شد و پسرش نیز از هنرمندی پدر بهره یافته تذهیب تصویر را با یکدیگر جمع کرده بود."

او فرزند قوام الدین بغدادی است که نسبت پدیر محبتی نداشته و همواره پدر را مورد آزار و اذیت خود قرار میداده است. قاضی احمد منشی در کتاب گلستان هنر، در مورد حسن مذهب بغدادی چنین مینویسد:

"استاد حسن، مذهب بغدادی الاصل می‌باشد اما در تبریز نشو و نما یافته و در تذهیب بی بدل

زمان خود بوده و زینت آستانه مقدسه امام همام خامس آل عبا سیدالشهداء ابا عبدالله الحسینی صلوٰه الله سلام علیه نموده فی الواقع در آن کار ید بیضا نموده. الی انقراض الزمان و ایام ظهور

مظهر موعود منظور عالمیان خواهد بود."

مولانا صادقی بیک در مجمع الخواص (سال ۱۰۱۶) در مورد حسن مذهب چنین مینویسد: "با اینکه پدرش محسنات زیاد داشت وی بر عکس پدر آنچه از دستش بر می‌آمد اذیت و آزار در حق مردم دریغ نمی‌کرد. قدی کوتاه داشت و کارهای عجیب از وی سر میزد وقتی مهر شاه اسماعیل ثانی را ساخته بود رسوا شد مورد عفو واقع گشت، او سنگ سماقی از پشت بام بلندی بر سر پدرش افکند که اگر بر سرش خورده بود او را با مردگان هزار ساله برابر می‌ساخت، من این ماجرا را از زبان پدرش شنیدم، مولانا قوام الدین بخط و مهر بزرگان بغداد نوشته‌یی به عراق فرستاده بود که هر کس حسن مذهب را بکشد در دنیا و آخرت من جواب آن را میدهم، غرض مولانا حسن با این هنر که در زمان خویش نظیر نداشته مردی فتنه انگیز و رسوا بوده و ظاهراً "تا آغاز سلطنت شاه عباس حیات داشته است."

صادقی می‌نویسد: "جوانی بنام (قاسم بیک صحاف) در تبریز مولانای مزبور را بخانه خود محرم می‌سازد، مولانا پس از آنکه اطمینان حاصل کرد با یک کنیز چرکس مباشرت میکند و بعد از رسوا شدن از ترس کشته شدن آنرا بحیله‌ای از جوان می‌خرد. اکنون از آن کنیز فرزند حلال زاده‌ای دارد که خود مولانا در هیچ باب شاگرد او نمی‌تواند باشد"

سواد پروانچه مولانا حسن بغدادی مذهب به انشاء قاضی عبدالله خوبی که در اواخر سلطنت شاه طهماسب اول نگارش یافته و در حقیقت فرمان ریاست و کلانتری او بر جماعت مذهبان و نقاشان و صحافان و طلا کوبان و کاغذ فروشان دارالسلطنه تبریز می‌باشد، عیناً "از کتاب (گلستان هنر به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری) جهت علاقمندان درج میگردد.

فرمان ریاست جماعت هنرمندان تبریز

چون لوح پرداز صحایف ابداع و صفحه طراز صحایف ایجاد و اختراع که خامه صنّعی بزرنجیر کهکشانی بر حاشیه چرخ زرفشان ترتیب نموده و قلم قدرش اوراق نه رواق لاجوردی را با زر ورق ثوابت و سیّارات که سپهر جدول خطوط شعاعی مهر تذهیب فرموده شمس ایوان سلطنت و پادشاهی ما را زینت مجلدات افلاک گردانیده و دیباچه خلافت و شاهنشاهی ما را از موت سیمین ماه و مداد شب‌سیاه بر صفحات روز بفلک ثبات و استمرار تحریر کرده چنانچه دهر بخرد موشکاف مضمون این قطعه را درین باب رقم زده که قطعه

از کتب خانهاش اوراق فلک دیوانیست که برو ثبت شده از کرم یزدانی از شهاب و خور و قوس قزح سیّاره جدول و شمس و شیرازه و زرافشانای ما بر سایه چتر مکرمت و رشفه ابر مرحمت بر ساحت حال و ریاض آمال جمعی که در طریق هنروری بر اقران سابق و وادی صنعت گستری از دیگران راجح دقایق باشند افکنده درین ولا که تقوی شعارند العصری مولانا حسن مذهب بغدادی که باوجود انصاف و محبت ازمنی و جبلّی بخاندان نبوت و ولایت سمت اخلاص و دعا گوئی این دولت ابدی الغایه در فن تذهیب بی بدل زمان و در دقایق آن حیثیت عجیب بی نظیر و عدیل دور است بعد از آنکه یاری توفیق و ادراک سعادت تقیل آستان سدره نشان

حضرت امام همام معصوم مظلوم ابی عبدالله الحسین علیه من الصلوة افضلها ومن التسليمات اكملها من بيان الائمة من ذرية مصدوق مقال الدعاء مستجابته تحت قبة امم الثقلين وقبة الخاقين مشرف سده مضمون این بیت مصداق حال او شده بود نظم:

حسن بگرد درت گشته از طریق طواف تو کعبه وار همه حاجتش روا کرده
بخدمت نقاشی قبه منوره وروضه مطهره آنحضرت صلوات الله وسلامه علیه فایز
گردیده چنانچه این قطعه مشتمله بر تاریخ که از نتایج طبع صافی اوست و در آن روضه
مقدسه مرقوم ساخته شاهد این معنی است:

بود چون توفیق نقاش ازل شد تمام این طرح و نقش از کلك من
خواستم از هانفی تاربخ گفت «نقش کرد این قبه زیا حسن» ۹۸۰
نامه بخت خود را بطغرای غر ای سعد من تاسی بنا و منشور عمل خود را به مهر
مهر آثار ان لهم اجرا حسنا مزین و موشح ساخته بجز بساط بوسی مجلس بهشت آئین مشرف
و سرافراز گشت و بعضی از کارهای خود که فی الواقع بمقتضای کریمه قل کل يعمل
علی شاکلة کارنامه مهندسان روزگار و در سلك صنایع استادان غرایب نگار است بنظر
همایون رسانید و باوجود این حالات سیمای صلاح از چهره حالش ظاهر و عکس انوار
غبار آن عتبه مقدسه از جبهه آمالش باهر بود مشمول عنایت بیغایت شاهانه و عاطفت
بینهایت خسروانه فرموده تقدیم و ریاست جماعت مذهبان و کاتبان و مجلدان و نقاشان
و طلاکوبان و کاغذ فروشان دارالسلطنه تبریز را بدو تفویض فرمودیم که بحقیقت حال
هر يك از ایشان باز رسیده جمعی که صحایف احوال و جراید آمالشان بطغراء دلکش
لایسته الامطهر و ن موشح و مزین نگشته باشد از آیات قرآنی و کلام مجید سبحانی
ممنوع گردانیده مقرر دارد که بعد از اکتساب آداب طهارت مرتکب این امر جلیل القدر
شوند و کسانی را که طرح تقوی و پرهیزگاری بر لوح افعالشان منقش باشد مرخص
و ممکن گردانند که بشغل مذکور قیام نمایند و نگذارد که آلات و مصالح مجلدی و مذهبی
و کتابت که دغدغه نجاست درو باشد در جلد و اجزا و اوراق مصاحف و تفاسیر و احادیث
و امثال آن صرف کند و از هر کس از جماعت مذکوره بطریقی بی ادبی سرزند منع و
تأدیب نماید و جماعت مذکوره نادر العصر مشارالیه را رئیس و مقدم خود دانسته
اطاعت و انقیاد بجای آورند و از سخن و صلاح او تجاوز نمایند و چون بتوقیع
رفیع اشرف اعلی مزین و محلی گردد اعتماد نمایند.

اما بهترین و ارزنده ترین آثار این هنرمند که سعادت دیدارش بمن دست داد تذهیب بی نظیر و
استادانه قرآنی بخط نستعلیق فوق العاده عالی شاه محمود نیشابوری بود که بشماره (HS25 FFIV-2H)
در کتابخانه توپ قاپو سرای استانبول مضبوط میباشد. اندازه صفحات ۲۶/۷ x ۳۷/۵ سانتی متر و
تاریخ ختم قرآن چهارده محرم سال ۹۴۵ ه.ق. میباشد. ولی تذهیب و آرایش آن بسال ۹۷۰
هجری قمری یعنی ۲۵ سال بعد از کتابت قرآن انجام یافته است.

THE QURAN ART OF CALLIGRAPHY AND ILLUMINATION صفحه اول قرآن بعکس رنگی بشماره ۹۱ در کتاب:
نوشته: MARTIN LINGS چاپ شده و شرح و بسط شیوایی تذهیب آن محتاج مقالات جامعی
است که در این مقال انجام آن میسر نمی باشد.

از طرفی چون مشخصات و امتیازات این کلام اله که در نوع خود از نوادر جهانی بشمار می آید و شرح
آن چه در ایران و چه در خاج از ایران در هیچ کتاب و مقاله ای معرفی نشده و حتی جزو آثار شاه
محمود نیشابوری نیز درج نگشته است، شایسته بود که اطلاعات بدست آمده را بنحوی در این کتاب
بعرض علاقمندان برسانم. در یک سفر کوتاهی به استانبول که برای دیدار موزه توپ قاپوسرا ترتیب
یافته بود مسئولین موزه، نگارنده را جهت قرائت ارقام بعضی از آثار متفرقه عثمانی که رقم ترکی
قدیمی داشته و تا آن موقع ناخوانا مانده بود دعوت بعمل آوردند، پس از قرائت آثار ترکی علاقمند
بدیدار قرآن شاه محمود نیشابوری گشتم، با گشاده روئی در اختیارم نهادند با فرصت کوتاهی که
داشتیم به سرعت به یادداشت مشخصات و ارقام کاتب و مذهب پرداختیم و شکر خدای یاریتعالی را
بجا آوردم که توفیق دیدار این اثر گرانقدر را بمن ارزانی فرموده است.

امتیازات و مشخصات قرآن مزبور باختصار چنین است:
جلد سوخت قرآن ستودنی و کم نظیر صفحات داخلی با خطوط ساده تزیینی مجزا گشته بود
صفحات اول و دوم و سر سوره ها و انتهای ختم قرآن و علائم جزوات به استادی و در کمال تابناکی
و زیب افزائی تذهیب و ترصیع شده و فرم و ترسیم آنها متنوع بود و در آخر، بخط زیبا چنین نوشته
شده بود: (تمت حکمت ربك صدقا و عدلا لامبدل بکلماته و هو السميع العليم)

در داخل شمسه، بخط تحریری عالی و تذهیب بی نظیر قید گشته بود.
(برسم کتابخانه حضرت پادشاه دین پناه، مظهر اسرار، السلطان ظل اله سلطان البرین و البحرین،
خادم الحرمين الشریفین، ابوالغازی سلطان محمد بهادر خان، خلداله تعالی ملکه و سلطانه و افاض
علی العالمین بره و احسانه)

در آخر کلام اله شاه محمود، علت تحریر و انجام قرآن را چنین شرح داده بود:
(چون بتوفیق و اهب متعال و معبود لم یزل و لایزال این فقیر شکسته و حقیر دلخسته در واقعه
شریف این کمال یافت که به تقبیل عتبه علیه فاخره حضرت امام معصوم و شهید مظلوم وصی رسول
الثقلین و قره عیون البتول و السبطین ابوالائمة المعصومین امام علی زین العابدین صلوات الرحمن
علیهم اجمعین مشرف شد و حضرت امام علیه التحیه و السلام به تلاوت کلام ملک علام قیام و
اقدام می نمود و چون نظر کیمیا اثر مبارک آنحضرت، بر این بنده قلیل البضاعه افتاد، این بنده
بیمقدار، از روی خشوع و خضوع شرایط عبودیت بجای آورده سلام کرد آنحضرت از کمال مرحمت و
شفقت، تمام جواب سلام این بی سرانجام باز دادند و دست مبارک برداشته جهة این فقیر فاتحه
خواندند و امر فرمودند که بکتابت کلام اله اشتغال نمای و بتوفیق الهی و مراحم عواطف پادشاهی
این کلام ملک علام بخط نسخ تعلیق آغاز و اتمام پذیرفت، علی ید العبد الضعیف المحتاج الی
رحمة اله الملك الغنی، شاه محمود النشابوری زرین قلم فی یوم الاربعاء رابع عشر من شهر محرم
الحرام. سنه خمس و اربعین و تسعمائه الهجریه النبویه (۹۴۵) تصویر شما ره ۶۷

و رقم مذهب حسن بغدادی در ذیل قرآن چنین بود:

(ذهبیها فقیر المذهب حسن بغدادی المذهب غفراله ذنوبه و ستر عیوبه)

(۹۷۰ ه.ق. ۰)

فی شهر سنه سبعین و تسعماء من الهجریه)

۲۶۹ - حسن بیگ تبریزی - مذهب

بنوشته مناقب در صفحه ۶۷ و سنه ۱۰۰۸ :
 ((تلمیذ صنعت بیز محمد علی تبریزی شاگرد استاد حسن بغدادی است))

۲۷۰ - حسن پا شاه نقاش حسن

نقاش و تصویرگر قرن ۱۰ ه.ق. عثمانی است که بنام حسن نقاشباشی نیز معروف بوده است. این هنرمند تحت حمایت و تشویق حسن وزیر پاشای عثمانی به خلق آثار گرانقدری توفیق یافته و بخوبی از عهده انجام آنها برآمده است. از آثار بجا مانده وی که اغلب آنها در توپ قاپوسرای ترکیه بیادگار است، تصاویری در شاهنامه آل عثمان و همچنین کتاب عجایب و غرایب و تصاویر شاهنامه سلطان محمد سوم است که بعضی از آنها زیر نظر و شیوه نقاش تصویر گشته است.

در آثار تقریباً زیادی که در دوره سلطان محمد سوم (۷۹ - ۱۵۹۶ م) ارائه شده و حدود ۸۰۰ تصویر دارد، در شش مرقعی بنام (سیاری بنی) جمع آوری گشته و آخرین تاریخ تصاویر آن سال ۱۰۰۳ ه.ق. میباشد. چهار جلد از این مرقعات در توپ قاپو و جلد سوم در آمریکا میباشد. در یک سند معتبر ترکی که تفصیل آنها در احوال شاه قولی آورده‌ام، حسن نقاشباشی بالاترین پاداش را که سه هزار آقچه باشد در روز عید از سلطان عثمانی دریافت داشته است.

۲۷۱ - حسن حکاک

مرحوم دکتر بیانی در کتاب خوشنویسان خود در مورد این استاد چنین مینویسد :
 (برادر حاج میرزا حسین حکاک و از خویشاوندان محمد طاهر حکاک معروف است از مردم شیراز و معاصر ناظرالدین شاه قاجار بود. در خط نستعلیق و نقل و تقلید خطوط و حک مهر و نقاری و کتیبه نگاری و ترتیب سجع مهر و طغرا سازی مانند برادرش دست قوی داشت و هنگام تألیف کتاب المآثر والاثار (۱۳۰۶) در گذشته بود)

۲۷۲ - حسن خادم (حسن صدر)

استاد سید حسن صدر، نقاش آبرنگ و رنگ و روغن عهد ناصری بود و در رشته خود ذوق بخصوصی داشت. این هنرمند اغلب کارهای خود را بنام (یا امام حسن) و (یا امام حسن مظلوم) امضا می‌نمود. از آثار رقم دار وی، تصویر پیر مردی عصا بدست دیدم که بطرز با مهارتی تصویر گشته و رقم داشت. (یا حسن مظلوم)

۲۷۳ - حسن خالد = حسن کفلی

بنوشته مناقب در صفحه ۶۹ :
 (از شبیه سازان نادره کار و شاگرد استاد کمال است.)

۲۷۴ - حسن خداداد

نقاش دوران زندیه بود و فرزندی بنام محمد داشت. از احوال این پدر و پسر اطلاع زیادی نداریم فقط مختصر اشاره‌ای در صفحات ۴۱۰ کتاب رستم التواریخ دیدم که این هنرمندان را

بنام‌های میرزا حسن و میرزا محمد معرفی کرده و آنها را نقاشان زیبا نگار و مصوران شیرین کار و مانی ثانی قلمداد نموده است.

این هنرمند در آثار خود، سجع (حسن کلک حسن خدا داد است) را بکار می‌برد و فرزند هنرمندش نیز (محمد بن خداداد) رقم می‌گذاشت.

از آثار رقم دار نقاش قاب آینه زیبائی دیدم که رویه و پشت آن گل و مرغ خوش نقشی بود که فرنگی سازی شده و داخل آن مجلس عیش و شادی آور حجله عروس و داماد بود که به حلاوت تصویر کرده بود. در این مجلس پر سرور، دو کنیزک سفید و سیاه عهده‌دار پذیرائی بودند و نوازندگان و مطربان در کنار حوض به رامشگری و طرب اشتغال داشتند. رقم داشت.

((حسن کلک حسن خدا داد است ۱۱۷۳))

۲۷۵ - حسن دکنی

برادر رحیم دکنی، نقاش معروف دوره فتحعلیشاهی است. از آثار این دو برادر، دو قطعه آبرنگ دیدم که تصویرهای خودشان بود.

در این اثر، حسن عمامه بسر گذاشته و دارای ریش و سبیل بود. و در روی قلمدان نقاشی مینمود. امضاء داشت. (حسن دکنی ۱۲۳۱)

۲۷۶ - حسن دهلوی

قاضی احمد در گلستان هنر در مورد این نقاش چنین مینویسد :
 (میر حسن دهلوی شاگرد و دختر زاده استاد سلطان محمد بود. در تذهیب و تصویر و نقاشی کم از دیگران نبوده در کارخانه شاهی در تمادی عمر بامر نقاشی و خدمتکاری از ترتیب تاج و نقاشی و سایر ضروریات مجلل پادشاهی اشتغال داشت و حاجب مواجب و انعامات بود.)

۲۷۷ - حسن زرین قلم

خوشنویس تصویر گر بود که به هفت قلم خط و کتابت طغراهای تزیینی تسلط کامل داشت. این هنرمند در ابتکار و تلفیق خطوط که در بطن آنها تصاویر مذهبی نیز جا میداد آثار شیرین و دیدنی بوجود می‌آورد.

یک عکس دسته جمعی از این هنرمند دارم که دوستان دیگرش که هر کدام اسم درویشی بخصوصی دارند دور هم قرار گرفته‌اند. در این عکس، زرین قلم که بلقب (نصرت علی شاه) یاد شده شخصی در حدود ۶۵ ساله بنظر میرسد که ریش کم پشت و سبیل بلند داشته و بسیاق اعراب کلاه دوره قیطانی بسر گذاشته و مشغول نوشتن میباشد. (تصویر شماره ۴۳ و ۴۴)

زرین قلم بسیار پر کار و پر ابتکار بود و آثار نقاشی خطوی بین رجال و اعیان آن دوره بسیار دیده میشد که بعلت زیبائی و تزیینات ابتکاری باب روز بوده است.

متن آثار میرزا حسن کتابت اسماء باری تعالی و ائمه اطهار و امامان ذوی الاحترام و پادشاهان و رجال و درویش و اهل طریقت صاحب نام بود که در طغراها و خطوط ابتکاری انجام یافته و در بین مردم متداول گشته بود.

زرین قلم در نظم و نثر نیز دست داشت و تاج الشعرا تخلص مینمود.

۲۷۸ - حسن طباطبائی

گل و مرغ ساز پیرو شیوه نصراله امامی بود و در هنر خود دستی به کمال داشت .
از تنها اثر رقم دار این هنرمند که یادداشت کرده‌ام جلد گل و مرغی پر حلاوت بود که در محدوده بیضی شکلی انجام یافته و داخل آن تذهیب عالی داشت و رقم نقاش بخط نستعلیق زیبا چنین بود .
(برحسب امر بندگان نواب مستطاب سیف الدوله اشرف امجد ارفع والا حاجی سلطان محمد میرزا دام اجلاله العالی سمت اتمام پذیرفت ۱۲۹۱) (عمل الفقیر حسن الطباطبائی سنه ۱۲۹۱)

۲۷۹ - حسنعلی

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا (در ذکر مصوران) راجع به استاد چنین می‌نویسد: (دیگر آن خوش رقم نازک قلم محتاج به لطف قادر لم یزلی استاد حسن علی که او نیز یگانه و سرآمد زمانه است) .

۲۸۰ - حسنعلی مشهدی

اهل مشهد و از نقاشان و وراقان و خطاطان اواسط قرن ۱۰ ه.ق. و از نزدیکان و معاشران سلطانعلی مشهدی بود .
این هنرمند آرایش و پیرایش مرقعات و صحافی و وصالی قطعات استادان را به تردستی انجام میداد و حواشی و کناره‌های تصاویر را به نیکوترین وجهی می‌آراست .
از آثار زیبا و استادانه این هنرمند، آرایش حواشی قطعاتی از استادان نامی خطاطی ایران از قبیل بابا شاه و شاه محمود و سلطانعلی مشهدی دیدم که با نواع تشعیرها و اسلیمی‌های گوناگون و نقش تصاویر آراسته گشته و داخل ترنجی رقم داشت .
(صاحبه و وراق حسنعلی غفرله)
دیگر از آثار رقم دار این هنرمند قطعه‌ای بود که در کربلا انجام یافته و رقم داشت .
(در کربلا نوشته شد - حاجی حسن علی مشهدی)

۲۸۱ - حسن کاشانی

کاشانی و نقاش و فلزکار ممتاز اواسط قرن پنجم ه.ق. بود .
از این هنرمند اثری در موزه (فاین آرت) شهر بوستون بیادگار مانده که به انواع نقوش تزئینی ترسیم یافته و در کناره‌های آن بخط کوفی نوشته شده:
(السلطان عمود الدین) (بما للعطا الا علا لسلطان المعظم الب ارسلان ادام اله ملکه امدد له ملکه الزمان قبله اهل العظمه صنعه حسن الکاشانی فی تسعه و خمسين و اربعائه)

۲۸۲ - حسن مذهب

از مذهبیان و استادان طلاکار بنام عثمانی بوده و از شاگردان معروف استاد محمد مذهب بشمار میرود .
در صفحه ۱۶۹ کتاب تحفه خطاطین مستقیم زاده می‌نویسد: این هنرمند در ایام پیری شاگردان زیادی را در رشته تذهیب و حل کاری تربیت کرده وفاتش در سال ۱۱۴۵ ه.ق. اتفاق افتاده است .

۲۸۳ - حسن مصری

بنوشته مناقب هنروران:
(حسن مصری از مذهبیان نادر العصر زمان سلیم خان عثمانی است)
از شاگردان معروف وی، استاد ابراهیم چلبی و غلظه لی می‌چلبی (محمی شاه) میباشد که هر یک بنفسه استادان علی مقامی بوده‌اند .

۲۸۴ - حسین (نقاش هندی)

نقاش و تصویرگر قوی دست هندی است که اثر وی بشماره‌های ۱۶ و ۱۹ در کتاب انوار سهیلی مضبوط در موزه بریتانیا جلب نظر مینماید .
تصویر شماره ۱۶ آن مکالمه حیوانات است که با کلمات (باید نفسان مٹا به بدی با نیکوان) شروع میشود . در این اثر زیبا دوازده راس حیوانات گوناگون از قبیل شیر و سگ و خرگوش و غیره در بالای کوهی به صحبت مشغولند . منظره درختان جلوه بس والائی دارد و در زیر تصویر نوشته (استاد حسین) دومین تصویر که بشماره ۱۹ در کتاب مزبور ارائه شده، صحبت جغد با پرندگان است که با جمله (این چه فکر فاسد است و سودای محال) شروع شده است . در این اثر شیوا که جمع پرندگان را بنازک قلمی و خوش تراشی نقاشی کرده جملگی بروی تپه‌ای قرار گرفته و جغد و چند پرنده دیگر به پرواز مشغولند . رویهمرفته ۳۳ پرنده در این صحنه ارائه شده که واقعا "عالی می‌باشند" در زمینه نقاشی چند درخت جنگلی بروی تپه‌ها نقش بسته و رقم دارد . (حسین)
سومین اثر رقم دار هنرمند که در کتاب بادلیان آکسفورد چاپ شده تصویر شاهزاده‌ای است که بروی زمین نشسته و سرگرم کار می‌باشد، در گوشه دیگر، مهتری اسب شاهزاده را گرفته و یک سگ شکاری در کنار آنها دیده میشود . رقم فوق العاده ریزی دارد که نوشته . (حسین)

۲۸۵ - حسین (شبیه‌ساز)

استاد شبیه ساز و نقاش آبرنگ کار و قوی دست دوران قاجاری بود .
شاهکار شبیه سازی این استاد، تصویر کاملاً شبیه و استادانه امین السلطان اتابک اعظم بود که به تردستی تمام انجام یافته و بسیار پسندیده بود .
در این اثر پر هنر، صورت امین السلطان پردازهای ریز و استادانه داشت و تزئین و آرایش لباس بوته جیقه‌ای وی دلفریب و چشم نواز بود .
کلاه پوستی وی با ارائه سایه‌های موج، طبیعی بنظر میرسید و در کناره تصویر، گل مرغ‌های پراکنده داشت و رقم نقاش چنین بود .
(تصویر مبارک حضرت گردون منزلت اجل اکرم افخم اشرف امجد اعظم آقای امین السلطان دامت عظمته العالیه . چاکر آستان حسین سنه ۱۳۰۷) مجموعه شماره ۲ تصویر شماره

۲۸۶ - حسین (برادرولی جان)

بنوشته مناقب هنروران و در صفحه ۶۸:
(برادر ولی جان مصور است و از استادان صاحب وظیفه نقاش خانه عتبه علیا است که هنرمند مقبول میباشد)
۲۸۷ - حسین (رسام بافنده)

رسام و پارچه باف استاد قرن ۱۱ ه.ق. بود . از این هنرمند اثری در موزه متروپولیتن بجا مانده

که عاری از توصیف بوده و رقم دارد. (عمل حسین سنه ۱۰۰۸)

۲۸۸ - حسین (فرشباف)

اهل کاشان بود و در ترسیم و بافت فرش دستی به مهارت داشت. اثر رقم دار این هنرمند را روی جلد کتابی بنام (RUG AND CARPETS) دیدم که نقوش متنوع و پرآذینی از حیوانات و انسان و گل و درخت داشت. در متن بافت خلیفه، تصویر مردی که گویا شخصی بنام شاه سلطان حسین جلایر بود، روی پشت فیل نشسته بود و در وسط رقم داشت. (خلیفه - عمل بنده حاجی میرزا حسین کاشانی - تصویر شاه سلطان حسین جلایر)

۲۸۹ - حسین (میناساز)

نقاش و مینا کار دوره فتحعلیشاه بود و در ترسیم گل و مرغ و پخت مینا وقوف کامل داشت. از آثار ارزنده و رقم دار این هنرمند که در حراج کریستی لندن بفروش رفت، غلاف خنجر مینائی به بلندی ۴۴/۵ سانتی متر بود که رویه و جوانب آن بانواع گل‌های رنگارنگ آراسته گشته و در لابلای آنها برگ‌ها و مرغان خوش تراش و سایر طراحی‌های گوناگون بسان خرمنی از گل و برگ سطح اثر را پوشانده و در رویه غلاف و در یک ترنج کوچک رقم داشت. (رقم کمترین حسین ۱۲۰۹)

۲۹۰ - حسین - آقا سید

نقاش گمنام و شبیه ساز متوسط رنگ و روغنی بود. اثر رقم دار وی که در مقبره حسینعلی خان ایلخانی و در آرامگاه سران بختیاری قرار دارد، تصویر کم مایه و متوسط شیخ بهائی و میرفند رسی است که شیری در کمال استیصال بشیخ عارف پناه آورده و در کنار او آرام گرفته است. منظره حیاط و باغ و صحرا و خانه بحد ناقص انجام یافته و رقم دارد. (حسب الفرموده آقا جوهر خواجه حضرت ظل السلطانی عمل آقا سید حسین ۱۲۹۹)

۲۹۱ - حسین الحسینی

قلمدان ساز دوره فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود که در هنر خود دستی پر مهارت داشت. از آثار رقم دار این نقاش، قلمدان گل و مرغی زیبایی در زمینه نخودی سیر دیدم که در وسط و رویه آن قرنفل آبی خوشرنگی تصویر شده بود. در طرفین نیز گل‌های متنوع رنگین داشت که بین آنها پروانه‌ها و زنبورها دیده میشدند. تذهیب قلمدان نیز نازک قلم بود و رقم داشت. (کمترین حسین الحسینی سنه ۱۲۵۰)

۲۹۲ - حسین بن احمد

رسام و منبت کار و نجار اهل ساری مازندران بود. از آثار این استاد، درب منبت کاری دقیق و پراسلوب زیبایی بجا مانده که بخط ثلث مشبکی رقم دارد (عمل استاد حسین بن احمد نجار ساروی بتاریخ ۸۷۳)

۲۹۳ - حسین بن اسماعیل

فرزند اسماعیل و نقاش و طراح نقوش بروی فلزات سخت و شمشیر بود.

از آثار وی شمشیر استادانه‌ای دیدم که رویه و دسته آن با طرح‌های اسلیمی و گل و برگ آرایش یافته و رقم داشت. (حسین بن اسماعیل)

۲۹۴ - حسین بن بدیع

نقاش معاصر خواجه نصیر طوسی بود که بسال ۶۷۲ ه.ق. وفات یافته است.

۲۹۵ - حسین بن شهاب البیرجندی

هنرمند اهل بیرجند و مقیم عثمانی بود که در نقش و تصویر بروی فلزات دست پر هنر داشت. از بهترین آثار وی، کوزه برنزی زیبایی در موزه توپ قاپو سرا قرار گرفته که در کمال نفاست و استادی انجام یافته و به انواع گل‌های تزیینی آرایش شده و رقم دارد. (کاتبه و ناقشه و فارغه حسین بن شهاب البیرجندی فی ربیع الاول سنه احدی و سبعین و ثمان مائه ۸۷۱)

۲۹۶ - حسین بن علی - بافنده

طراح نقوش پارچه‌ای و خود از بافندگان نامی اوایل قرن ۱۲ ه.ق. بوده است. اثر رقم دار این هنرمند بافت پارچه خوش ترکیبی است که بخطوط زیبا و متنوعی آرایش یافته و در قسمت بالا و بخط ثلث طفرائی (انا فتحناک فتحا" مبینا) بافته شده و در حواشی و داخل ترنج‌های کشیده که بقرینه زوجی ترتیب یافته کلمات (نصر من اله و فتح قریب) دیده میشود که جلوه روح پروری دارد و رقم هنرمند بخط نستعلیق چنین است. (یا حسین بن علی ۱۱۲۳)

حسین بن علی در محمد حسین بن علی شیرازی آمده

۲۹۷ - حسین بن علی بن احمد

نقاش و طراح و کچبر و کاشی تراش نامی قرن ۲ ه.ق. ایران بشمار میرفت. از آثار بجا مانده وی محراب زیبا و استادانه‌ایست که بدست هنرمند مزبور طراحی و انجام یافته که حالیه زینت بخش موزه متروپولیتن در نیویورک میباشد.

۲۹۸ - حسین بن علی - نجار

سازنده و طراح نقش آفرین درب چوبی فوق العاده عالی مسجد آفوشته است که در نوع خود مرتبه والایی دارد. در این اثر چشم نواز و در داخل دو مربع بالاتر نقوش هندسی زیبایی بسان نقش‌های جلد سوخت ارائه شده که در نوع خود کم نظیر میباشد.

در بین تزیینات مربعی این اثر، اشعاری درج شده که چنین است.

چو در بسته گردد گشاینده اوست - چوره یاوه گردد نماینده اوست

در مربع دومی و در بالا نوشته:

این در بشاد کامی دائم خجسته باد - بر دوستان گشوده و بر خصم بسته باد

زیر این بیت نوشته:

(صاحب و مالک السید حسین فی رمضان السنه احدی و ثلاثین و ثمان مائه ۸۳۱)

در زیر مربع اولی رقم دارد. (حسین بن علی نجار نقار قریه العبادی)

حسین بانی - بنوشتہ مناقب هنروران، فرزندان چال دین‌گره بند حلی و نقاش دوره سلطان سلیم خان عثمانی است

۲۹۹ - حسین بن مبارکشاه

طراح نقوش بروی فلزات و طلا و نقره آلات و اهل هرات در دوره تیموری بود.
از آثار رقم دار این هنرمند، بشقاب طلا و نقره کوب استادانه‌ای بود که در حراج ساتبی آپریل ۱۹۸۳ لندن بفروش رسید که در وسط بشقاب رقم داشت.
(عمل العبد حسین بن مبارکشاه)

۳۰۰ - حسین بهزاد

فرزند فضل اله اصفهانی قلمدان ساز بود که بسال ۱۲۷۳ شمسی تولد یافته و در زمان خود نقاش پر آوازه و شهره خاص و عام بوده است.
در تعریف هنر بهزاد، تجلیل بی پیرایه ژان کوکتو نقاش و نویسنده شهیر فرانسوی بهترین گواه مقام والای هنرمند است که عیناً "از مجله هنر و مردم شماره ۷۰ بازگو میگردد.
(بهزاد پیغمبر افسونگری است از مشرق زمین داستان سراء، اگر همیشه مشرق زمین با قصه‌های شیرین هزار و یکشب کاخهای کهن افسانه‌ای و کنیزکان سیه چشم ماهرویش برای ما داستان میگفته این بار مردی با موهای سپید و چشمان بانفوذ و اندامی تکیده بیاری خطها و رنگهای سحر آمیزش نقش‌های افسون کننده‌ای در برابر دیدگان ما گشوده است - بدون شک در عرصه هنر مینیاتور قرن ما از جهت قدرت طرح و رنگ آمیزی تنها یک استاد وجود دارد و او حسین بهزاد هنرمند ساحر سرزمین هزار و یکشب است)
بهزاد آناتومی و پرسپکتیو را وارد مینیاتور کرده و رنگ آمیزی را آزاد گذاشته و از ریزه کاریهای زیاد صرف نظر کرده است.

این هنرمند آثار زیادی داشته و در حدود ۲۰ نمایشگاه موفق در ایران و خارج از ایران برپا نموده که تصاویر شاهنامه فردوسی و فتح بابل از بهترین آثار جاودانی استاد میباشد. احوال بیشتر این هنرمند در کتاب جداگانه‌ای که مخصوص هنرمندان معاصر ایران خواهد بود به تفصیل بیان خواهد شد.

۳۰۱ - حسین پورصناعی

نقاش زیبا نگار قلم کار و پارچه بود. از این هنرمند قلم کار زیبایی دیدم که قصه معروف یوسف و زلیخا را به زیبایی تصویر کرده بود. دیگر از آثار این هنرمند که در مجموعه نگارنده است قلم کار زیبایی باندازه ۳ x ۴ متر مربع میباشد که وقایع جنگ چالدران را بنحویزبائی نقاشی کرده و رقم دارد.
(رقم حسین پور صناعی)

۳۰۲ - حسین چلبی - مجلد

بنوشته مناقب هنروران در صفحه ۷۳:
برادر کوچک محمد چلبی مجلد باشی سلطان سلیم عثمانی است که در هنر خود از نوادر است او برادری بنام مصطفی نیز داشته که در این صنعت پر استعداد بوده است.

۳۰۳ - حسین - حسینقلی خان

نقاش و طراح و بافنده زری و قالی در اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود.
این هنرمند مبتکر و طراح مخصوص نقوش مختلفه بروی پارچه‌ها و فرش‌ها و سایر هنرهای بافتنی حسین حسینی - مازندرانی و از نقاشان و سوزنی دوزان دوره فتحعلیشاه قاجار بود.

بود که بنام وی به (طرح حسینقلی خانی) معروف گشته بود. از آثار رقم دار استاد حسین که بوسیله او طراحی و بافته شده پارچه زربفت شاه عباسی بود که رقم حسین و تاریخ ۱۰۰۸ را داشت.

۳۰۴ - حسین حکاک

مرحوم دکتر بیانی در جلد دوم کتاب احوال خوش نویسان و در مورد این حکاک چنین مینویسد:
(برادر حاج میرزا حسن حکاک سابق الذکر و از بستگان محمد طاهر حکاک شیرازی معروف است اصلاً "شیرازی است که به آذربایجان رفت و مدت چهل سال در تبریز زندگی کرد. در خط نستعلیق و نقل و حک و نقر و کتیبه نگاری و سجع مهر و طغرا سازی و ترکیب بندی در عصر خود بی نظیر بود.
در الماثر و الاثار آمده که مهر ناصر الدین شاه و بسیاری از شاهزادگان و بزرگان و رجال بدست او حک شده است و آنچه پول در دوره ناصری ضرب شده سر سکه آنها او کنده است و لقب حکاک باشی با فرمان بنام او صادر گردیده است. بسن هشتاد سالگی بسال ۱۲۹۰ در تبریز درگذشت)

حسین دهلوی در میر حسین دهلوی آمده.

۳۰۵ - حسین زاهد - فلزکار

خواجه حسین زاهد رسام و زرکوب و فولادکار اوایل قرن ۹ ه.ق. بود.
عمده ترین آثار هنرمند پنجره زرکوب و فولادی موزه آستان قدس رضوی در قم میباشد که بکمک جمعی از هنرمندان آن دوره انجام یافته و رقم دارد.
(استاد با سعادت و شرافت خواجه حسین زاهد)

۳۰۶ - حسین فخاری

نقاش شیرین قلم اصفهانی بود و در نقاشیهای رنگ و روغنی و تصاویر قلم کاری دست پر مهارت داشت. از آثار این هنرمند قلم کارهای تصویری زیبایی دیده‌ام که شرح همه آنها امکان پذیر نمی باشد.
یکی از آنها که تصویر وقایع روز عاشورا بود و در نوع خود از نفایس هنری قلم کاری محسوب میگردید اثری ارزنده بود و رقم داشت.
(اصفهان ساخت حسین فخاری)
این هنرمند نگارستانی بنام حسین فخاری داشت که علامت شیر بالدار را بعلامت آرم مخصوص نگارستان خود در ذیل هر اثری نصب می نمود. وفات وی در حدود سالهای ۱۳۲۰ ه.ق. اتفاق افتاده و در اصفهان مدفون گشته است.

۳۰۷ - حسین قزوینی

شاگرد پرهیز سلطان محمد تبریزی و نقاش دربار شاه طهماسب اول بود.
این هنرمند و همکاران نامی دیگرش از قبیل محمد بیک استاد رضا عباسی و برج علی و مولانا محمد و محمد معین الدین خراسانی از شاگردان پرهیز استاد سلطان محمد هروی بودند که زیر نظر و تحت سرپرستی وی بخلق آثار گرانقدر و ارزشمندی نایل گشته و در زمان خود شهره خاص و عام بوده‌اند.

حسین شیخ: شاگرد کمال الملک و از هنرمندان بنام معاصر بود که احوال وی در کتاب جداگانه‌ای بیان خواهد گشت.

حسین حکاک - حکاک نامدار و معروف دوره اکبر شاه هندی و پدر علی احمد دهلوی متخلص به نشانی است

۳۰۸ - حسین مذهب

اهل شیراز و مذهب شیرین نگار اواخر قرن ۱۰ ه.ق. بود .
از آثار ارزشمند وی، تصاویری در نسخه خمسه نظامی مضبوط در توپ قاپو است که تاریخ ۲۷ ربیع الثانی و سنه ۹۴۵ را داشته و بخط زیبای مرشد الکاتب شیرازی میباشد .
این اثر ارزنده که دارای ۲۰ تصویر پر حلاوت میباشد ، یکی از آنها رقم مذهب حسین بوده و تاریخ انجامش سال ۹۴۷ میباشد . در این اثر پر ملاحظه که حمام فرشتگان گیسو بلند و پر داری را در حوض آب نشان میدهد، پیر مردی بروی درختی نشسته و در حسرت ایام جوانی ناظر صحنه میباشد .

۳۰۹ - حسین مصورالملکی

حاجی حسین مصورالملکی اهل اصفهان و یکی از معارف مشهور هنر نقاشی ایران بشمار میآید
این هنرمند در اغلب رشته‌های هنری دستی بکمال داشت و از شاگردان زبده آقا ابراهیم نقاشباشی بشمار میرفت . آثار فراوان و بجا مانده وی که معرف استعداد ذاتی و عظمت هنری وی میباشد ، در اغلب موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی بیادگار مانده که در نوع خود شیرین و پسندیده و حاکی از قدرت قلم نقاش میباشد .
از بهترین آثار این هنرمند، صحنه اسب دوانی میدان شاه در مقابل عالی قاپو است که بسیار ستودنی بوده و درخور تحسین میباشد . احوال و آثار بیشتر این هنرمند در کتاب جداگانه‌ای که مخصوص هنرمندان معاصر ایران خواهد بود به تفصیل بیان خواهد گشت .

۳۱۰ - حسین نقاش-هندی

نقاش هندی و مسلمان دوره اکبر شاه بود .
از آثار رقم دار این هنرمند، جلوس پر جلال و درباری بابر شاه در اطاق پر نقش و نگاری بود که پیر مردی در مقابل شاه ایستاده و دادخواهی می‌نمود . در کناره و اطراف تخت سلطنتی ، شاهزادگان و وزراء و رجال با احترام ایستاده و نفرات دیگر که البسه رنگین و آرایش مخصوصی داشتند در گوشه دیگر جلب نظر میکرد . تذهیب و نقوش زیبای فرش و همچنین البسه رنگین و گوناگون حضار ستودنی بود و رقم داشت .
(عمل حسین نقاش)

۳۱۱ - حسینعلی

نقاش معروف چاپخانه‌ها بود و در تصویر و تزیین کتابها دست داشت .
این هنرمند که در اوایل سنوات قرن ۱۴ ه.ق. فعالیت می‌نمود ، آثار ساده و کم عیار داشت و نام خود را بشیوه طغرایی و در بعضی موارد بحروف لاتین رقم می‌نمود . در بین آثار معمولی و باصطلاح بازاری او تصویر فرضی و تخیلی میرزا تقی خان امیر کبیر بود که در صفحه ۲۸۴ کتاب امیر کبیر و دارالفنون ارائه و بنام این هنرمند چاپ شده که تا حدودی استادانه میباشد .

۳۱۲ - حسینعلی (میناساز)

استاد مینا ساز دوره ناصری بود و در چهره سازی مینائی قدرت پر توان داشت .
از آثار بجا مانده این هنرمند، سرقلیان مینائی پر جلالی دیدم که تصاویر دلربا و فتان زنان قاجاری را در مدالیون‌های مختلف ترسیم کرده بود که بسیار پخته و پرمایه بود . زمینه سرقلیان نیز طلائی بود و گل و مرغ شیوا داشت و رقم نقاش چنین بود .
(چاکر حسینعلی)

۳۱۳ - حسینعلی بیک - سمیعابروجرودی

بروجردی بود و در آبرنگ و طراحی دست داشت .
تصویر اسب نحیف و لاغری از این هنرمند در کتابخانه گلستان مضبوط است که بسبک و ابتکار خاصی ترسیم شده و بخط شکسته غبار امضاء دارد .
(حسینعلی بیک (سمیعابروجرودی)

۳۱۴ - حسینعلی مصور

بنوشته عالم آرای عباسی :
(از نقاشان عهد شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴) و استاد سیاوش بیک گرجی است)

۳۱۵ - حسینعلی مصور-قاجاری

آبرنگ ساز دوره فتحعلیشاه قاجار و بحدس قوی همان حسینعلی میرزا فرزند فتحعلیشاه است که به تصویر سازی و صورت پردازی علاقه وافری داشته است .
از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر زن زیبا روی ایرانی را در شیوه آقا صادق معروف دیدم که بخط شکسته زیبا رقم داشت .
(حسینعلی المتخلص به مصور ۱۲۴۴)
یادگار دیگر هنرمند نقش درویشی بحال ایستاده بود که کلاه درویشی بسر نهاده و موهای سر را به اطراف ریخته بود . لباده بلند و گلدان او سرپای درویش را پوشانده و کشکولش پر از گل‌های سرخ بود ، در دست راست او چوب مطلائی که در انتهای آن نام مبارک حضرت علی علیه السلام نصب شده جلب نظر مینمود و رقم داشت .
(رقم حقیر حسینعلی مصور تخلص سنه ۱۲۳۸)

۳۱۶ - حضرتی-نقاش عثمانی

اهل عثمانی و نقاش هنرمند قرن ۱۱ ه.ق. بود .
اثر این هنرمند در صفحه ۲۶ کتاب TURKISH MINIATURE PAINTING ارائه شده که معرف زبردستی و استادی وی میباشد . در این نقاشی مردی با لباس مخصوصش روی آسی که آذین مفصل و چشم نوازی دارد سوار شده و عمامه‌ای بسان ترکان عثمانی بسر نهاده و در روی لباسهای زیرین کولچه بلند پشمی پوشیده است . آرایش زین و یراق، لطیف و زیب افزاست و در پشت سر سوارکار، منظره درختی در شیوه اصفهان و مکتب رضا عباسی دیده میشود که بخط شکسته زیبا رقم دارد .
(رقم حضرتی نقاش)

۳۱۷ - حکیم

نقاش ترکمنی است که با متعلقان خود از جمله فرخ بیک نقاش نامی ایرانی در راول پندی بخدمت اکبرشاه رسیده و در دربار آن پادشاه بجز و احترام روزگار گذرانیده و در همان ولایت وفات یافته است .

۳۱۸ - حکتانه

نقاش زیبا نگار هندی دوره اکبر شاه است .
از آثار زیبای وی که در کتاب بابر نامه جلب نظر میکند ، تصویر بابرشاه است که عده‌ای از سران لشکری و کشوری در رکاب وی میباشند ، یکی از رزم آوران که گویا سمت فرماندهی دارد، با بابرشاه صحبت میکند ، منظره همراهان و عظمت کوهها و چند شتر باربر که در پائین تصویر نقاشی شده پسندیده است و رقم دارد .
(عمل حکتانه)

۳۱۹ - حمزه بن محمد العلوی

مذهب شیرین قلم شیرازی و آرایش دهنده قرآن بزرگ شاه چراغ در شیراز میباشد که بخط یحیی الجمالی الصوفی و بدستور تاشی خاتون مادر شیخ ابواسحاق کتابت شده است .
تذهیب و ترصیع این قرآن از عالی ترین و ممتازترین نوع طلاکاری انجام یافته که در بالا و پائین صفحات اولیه قرآن با دو ترنج زیبای کنگره‌ای و گل‌های پرپر آذین یافته و بشاخه گل‌های سرخ رنگی زینت یافته است .

تذهیب این شاهکار بدست حمزه بن محمد العلوی اتمام یافته و یکی از یادگارهای بسیار نفیس این هنرمند بشمار می‌آید .

حمزای در لطف اله حمزوی آمده
حیدر در درویش حید آمده

۳۲۰ - حیدر ذهنی

از نقاشان اواسط قرن ۱۲ ه.ق. است که در هنر خود قوی دست و صاحب ابتکار بوده است .

۳۲۱ - حیدر علی

پسر خاله رستم علی نقاش و خواهر زاده بهزاد معروف است .

این نقاش شاگرد بلاواسطه استاد عالیقدر بهزاد بوده که عوامل و رموز هنری را از استاد فرا گرفته و در حد خود هنرمندی صاحب نام گشته بود .

حیدر علی در جانور سازی شیرین قلم و در ارائه مجالس بزمی و منظره سازی پر ابتکار بود. آثار رقم دار وی عبارت است از:

۱- منظره سماع و رقص درویشان بود که در وسط باغ پر گل و درختی با جماعت نوازندگان تصویر شده است . در این تصویر که در کمال ظرافت ارائه شده، چند درویش با آستین‌های بلند و آویزان برقص درویشی مشغولند، در وسط باغ، درویش از حال رفته‌ای که در حالت جذبه نقش زمین گشته و بدامن یکی از درویشان در افتاده است دیده میشود . در قسمت بالا رقم دارد .

(عمل حیدر علی خواهر زاده استاد بهزاد)

۲- دیگر اثر رقم دار نقاش، تصویر دمسازی مجنون با حیوانات وحشی است که در زیر کوهی نشسته به شمایل و قیافه لیلی که در روی کجاوه‌ای به پشت شتر نشسته و از پیش او عبور میکند بحسرت نگاه میکند . این اثر زیبا که در کتاب خمسه نظامی موجود در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته در زمینه طلائی فضا رقم دارد .

۳- سومین اثر رقم دار این هنرمند، تصویر اسب زیبا و خوش تراشی است که بزین طلائی و آرایش تذهیبی تزیین شده و پیرمردی که کلاه بوقی صفوی به سر گذاشته، مشغول هدایت حیوان می‌باشد . در بالای تصویر و بین حواشی طلائی آن بخط تحریر رقم دارد .

(عمل استاد حیدر علی)

۳۲۲ - حیدر علی

در کناره از قرای مرودشت متولد شده و حرفه‌اش نقاشی و قلمدان سازی بود و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت . نام پدرش جعفر بود و فرزند خود را حاجب خطاب مینمود . پدرش اواسط عمر بتهران آمد و حاجب را نیز با خود آورده تا روزگارش سپری شد . وی پس از پدر بشغل نقاشی اشتغال داشت و بعد

از آن از کار دست کشیده بکسوت درویشان درآمد و در انواع و اقسام سخن دستی داشت . در اواخر عمر نزدیک دروازه دولت در اراضی کنار خندق بخاک رفت ، تولد او بسال ۱۲۷۱ و مرگش بسال ۱۳۳۴ ه.ق. اتفاق افتاده است .

۳۲۳ - حیدر علی بن ذوالفقار

اهل اردستان بود و در معماری و طراحی نقوش مساجد و آرایش داخلی و خارجی بقا متبرکه دست پر قدرت داشت .

از آثار این هنرمند، تزیینات و ساختمان زیبای ایوان شرقی مسجد گز در اصفهان میباشد که چنین رقم دارد .

(عمل العبد الی الله الغنی حیدر علی بن ذوالفقار المعمار الاردستانی سنه ۹۵۲)

دیگر، ساختمان و تزیینات مسجد جمعه اردستان است که در کج بری نفیس داخل ایوان، چنین رقم دارد .
لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار
عمل حیدر علی معمار اردستانی سنه ۹۴۶

۳۲۴ - حیدر علی بن محمد اسماعیل نقاشباشی

بنوشته نقاش در ذیل اثری که در این مقال بشماره ۳ یاد شده است، نام پدر خود را محمد اسماعیل نقاش باشی خوانده که بعلت اشتها به اسماعیل، احوال پدر را در (اسماعیل نقاشباشی) به تفصیل یاد کرده‌ایم .

در قباله ازدواج شهر بانو ملقب به صفیه سلطان خانم دختر آقا نجف که تفصیل آن در مجله هنر و مردم شماره ۱۵۹ و همچنین در احوال نجفعلی نقاشباشی یاد شده، نام فرزندان و دوستان و فامیل آقا نجف را که اغلب از هنرمندان زمان نیز بوده‌اند، بعنوان شهود سر عقد معرفی کرده است .

در آن قباله، نام پدر حیدر علی را بنام (عالیشان محمد اسماعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش) ذکر کرده که بعبار این سند ما می‌توانیم حیدرعلی را فرزند محمد اسماعیل ولد مرحوم آقا بابا نقاش معروف بدانیم . از طرفی با مشاهده آثار بجا مانده و شیوه تصویری حیدر علی معلوم میگردد که از مکتب شیرین عیار و مجلس آرای پدر هنرمندش که در عهد خود استاد پر آوازه نیز بوده مشق کرده و بحلاوت و ظرافت هنر پدر توفیق یافته است .

رویه‌همرفته حیدر علی، نقاش صاحب کمال بوده و در تذهیب و گل و مرغ و منظره پردازی و تصویر جانوران و مجالس رزمی و بزمی دستی پر قدرت داشته است .

در قلمدان‌های کیانی وی که اغلب تصاویر ناصرالدین شاه و شاهزادگان و رجال درباری و پادشاهان و مشاهیر اساطیری قدیم ایرانی و مجالس پر فروغ اقطاب و صوفیان را بروی قلمدان نقش کرده، نشانه قدرت قلم و بصیرت و کاردانی نقاش در امر تصویر سازی میباشد .

از طرفی در اغلب آثار حیدر علی اشعاری نیز در وصف شاه قاجار و سایر موضوعات دیده میشود که اثر طبع حساس نقاش میباشد و اگر حلاوت و استادی خط نستعلیق غبارش را نیز در نظر بگیریم باید او را جزو خطاطان شیرین قلم نیز محسوب بداریم .

متأسفانه احوال جامع و کامل این هنرمند را نمیدانیم و فقط با محاسبه سنواتی که در ذیل آثارش بجا مانده معلوم میدارد، این هنرمند از سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۲۸۹ نقاش پر آوازه‌ای بوده و آثاری نیز از خود بیادگار نهاده است .

آثار امضاء دار و اصیل نقاش عبارت است از:

حمزه مذهب - فرزند محمد علوی بود و از مذهبان قرن ۸ ه.ق. بشمار می‌آمد .

۱- قلمدان زیبا و استادانه‌ای در شیوه آقا نجف دیدم که در رویه آن تصویر یوحنا معروف به استادی عرضه شده بود و در قسمت بالای یوحنا، شاه نعمت اله ولی و تصویر مولای رومی جلب نظر میکرد و رقم داشت.

۲- قلمدان زیبای هنری بود که احتیاج به تعمیر داشت. رویه و حواشی قلمدان، تصاویر پر حالت عرفا و صوفیان معروف بردیف ارائه شده و کناره‌ها و دماغه قلمدان، تصاویر گل و مرغ بود و رقم داشت. (رقم حیدر علی)

۳- قلمدان گل و مرغی با طراوت بود که در وسط مدالیون، تصویر زنی زیبا جلب نظر می نمود و رقم داشت. (رقم حیدر علی بن محمد اسمعیل نقاشباشی ۱۲۸۰)

۴- قلمدان کیانی بی نظیر و فوق العاده بود که در وسط رویه آن، تصویر ناصرالدین شاه و مظفالدین شاه ولیعهد و ظل السلطان و کامران میرزا و سایر اقربای سلطنتی و رجال و مشاهیر جلب نظر می نمود. در مدالیون‌های مختلفی که بطرز بارزی حاشیه گیری و تذهیب شده بود، مجالس زیبایی از قیافه و البسه پادشاهان قصای شاهنامه ترسیم شده بود که هر یک بحد خود تابلوی زیبایی بشمار می آمد. در رویه قلمدان و بالای سر شاه نوشته بود:

ناصر دین شاه خدیو جهان - صدر نشین همه خسروان

در کشف داخلی قلمدان نیز مجالس صوفیان و درویشان نقاشی شده بود که ستودن داشت. ۵- قلمدان کیانی دیگری که به همین عیار نقاشی شده و مضبوط در موزه ایران باستان است، از کارهای ممتاز حیدر علی میباشد که شعر بالای سر ناصرالدین شاه چنین است:

(شاه منصور ناصر الدین شاه - آنکه زد چتر اقتدار بماه)

(عمل حیدر علی ۱۲۸۹)

رقم بخطرین داشت: ۶- قلمدان زیبایی دیگری که از این هنرمند دیده‌ام، قلمدان خوش نقش سه نفر از صوفیان بود که به نازک قلمی هر چه تامتر تصویر شده و کناره‌ها و طرفین نیز بانواع گل و مرغ چشم نواز آرایش یافته و رقم داشت. (رقم حیدر علی)

۷- دیگر اثر دلفریب این نقاش را که در حراج ساتبی ۱۹۷۸ از نزدیک دیدم. قاب آینه پر مهرتی بود که تصویر علی محمد خان قاجار در رویه داشت. در این تصویر، شاهزاده قاجار کلاه بوقی مشکی بسر گذاشته و لباس بوته جیقه‌ای رنگارنگی بتن کرده و غزال زیبایی نیز در کنارش جلب نظر مینمود و رقم داشت. (کمترین حیدر علی سنه ۱۲۷۹)

۳۲۵ - حیدر علی شیرازی

طراح و نقاش اهل شیراز بود. که تا سال مرگ ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۱۳ ه. ق. در قید حیات بوده است.

۳۲۶ - حیدر غلام

حیدر غلام یا غلام حیدر قلمدان ساز دوره قرن ۱۲ ه. ق. هند بود. از این هنرمند قلمدان بزرگی دیدم که وضع کهنگی و ظاهری آن به زمان زندیه میرسید. این قلمدان که زمینه سبز داشت، با گل و برگهای طلائی مستور شده و مثل پارچه زربفتی تمام اطراف قلمدان را پوشانده بود. جدول کشی و مقوا سازی و برش زبانه‌های قلمدان نیز استادانه بود و رقم داشت. (حیدر غلام)

۳۲۷ - حیدر نقاش

نقاش شیرین رقم اوایل قرن ۱۱ ه. ق. بود.

این هنرمند در چهره سازی و منظره پردازی و نقوش عمارات و همچنین در ارائه مجالس رزمی و بزمی دست پر مهارت داشت.

یگانه اثر رقم دار و بجا مانده نقاش، (نشستن شاه بهرام گور در گنبد سبز رنگ) ارائه شده که در این اثر دلنواز، بهرام گور در گنبد سبز نشسته و حضار با احترام در حضورش قرار گرفته‌اند. تصویر عمارات و البسه رنگارنگ حضار و قیافه و حالات آنها ستودنی بود و رقم داشت. (حیدر نقاش ۱۰۳۲)

۳۲۸ - حیدر قلی میرزا

فرزند جعفر قلی میرزا از اعقاب مظفالدین شاه بوده و بنام لال شاهزاده شهرت داشته است. بیشتر آثار سیاه قلمی و شبیه سازی وی را که نزد فامیلش دیده‌ام، حلاوت و شیرین قلمی شاهزاده را در امر تصویر سازی بیان می نمود. این هنرمند تا حدود ۸۰ سال عمر کرده و در اواخر سلطنت احمد شاه در تبریز وفات نموده است.

۳۲۹ - حیدر قلی - نقاش صفوی

بروایت غیر مستند. از ندیمان و همکاران رضا عباسی و پیرو شیوه استاد محدی است. در تنها اثر بجا مانده‌اش که تصاویری در خمسه نظامی میباشد. شیوائی و جلادت قلم نقاش را در امر تصویر سازی برملا میسازد. این کتاب بوسیله عبدالجبار اصفهانی کتابت شده و تاریخ اتمام آن سال ۱۰۳۴ میباشد. در یکی از این مینیاتورها فرهاد اسب سقط شده شیرین را بدوش گرفته و بسوئی در حرکت است. آرایش نقوش و سر درب طلائی و هیبت کوهها و زیبایی و نازک قلمی اسبها شیرین و چشم نواز است. صورتهای تصاویر و البسه شیرین و ندیمان همراهش بشیوه رضا عباسی ارائه گشته و نقوش هندسی استادانه‌ای که در نقش سردرب ترسیم نموده مهارت و قوی دستی نقاش را بنحو بارزی بیان میسازد.

خ

۳۳۰ - خان احمد الحسینی

نگارگر دوران صفوی بود و در جانورسازی و تشعیر و حل کاری دست پر مایه داشت. از آثار این هنرمند که در نمایشگاه هنر اسلامی لندن دیدم، تصویر پر حلاوتی بود که رقم داشت. (عمل بنده درگاه فلک بارگاه نواب خان احمد الحسینی)

۳۳۱- خان محمد

نقاش اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بخارا و هرات بود و در امر تصویر دست داشت. از آثار رقم دار وی که در کتابخانه اداره هند مضبوط است، تصویر شاهزاده‌ای است که کلاه خود مخصوص بسر گذاشته و گلدان گلی بدست گرفته است. لباس و سایر وسایل زینتی وی برنگهای مختلف نقاشی شده و رقم دارد. ۱ (راقمه خان محمد)

۳۳۲- خداداد خان زند

نقاش دوره ناصری بود و لقب میرزا حکیم داشت. خداداد خان در شبیه سازی و آبرنگ پر استعداد بود و در ارائه جزئیات و سواس بخصوصی داشت. با درج کلمه زند که در یکی از آثارش دیده شده و در دیگری خود را حکیم خوانده معلوم میدارد از طایفه پر شهرت زند بوده و بعلت اطلاعاتی که در طب قدیم داشته به حکیم معروف گشته و چه بسا که بطبابت و درمان نیز مشغول بوده است.

دو اثر رقم دار این هنرمند را که از نزدیک دیده‌ام عبارتند از:

۱- تصویر پر مهابت حضرت علی علیه السلام به آبرنگ بود که با صلابت و وقار نشسته و شمشیر ذوالفقار را بروی پاها قرار داده بود. در پشت سر حضرت، دیوار ورودی مسجد و مناره مثلث شکلی آن که به مساجد معمولی شباهت نداشت جلوه‌گر گشته و رقم داشت. (رقم میرزا خدا داد ۱۲۷۷)

۲- دیگر اثر آبرنگی خدا داد، تصویر تمام قد جوانی بنام میرزا خلیل بود که کلاه بوقی دوره ناصری بسر گذاشته و دست در شال کمر خود کرده بود.

لباس بلند و کفش‌های وی در عین سادگی بسیار پخته نقاشی شده و در پشت تصویر، پرده‌ای آویزان بود که از لابلای آن افق دور دست دیده می‌شد. معجزهای چوبی و هندسی شکل اطاق ستودنی بود. و رقم داشت. مجموعه ۵

(صورت جانفرای سرکار آقا میرزا خلیل - رقم میرزا خدا داد حکیم ۱۲۷۷)

۳- سومین اثر آبرنگی میرزا خدا داد که بسال ۱۲۷۳ انجام یافته و خود را زند خوانده است. (صورت شاهنواز خان پسر سلطان احمد خان کابلی در سن بیست و چهار سالگی) میباشد که دو زانو بروی فرش نشسته و قمه بلند و باریکی بروی بازوان نهاده است. (مجله نقش و نگار شماره ۷)

این اثر که با مهارت تمام عمل آمده و برنگهای غنی و پر حالت رنگ آمیزی شده، نشانگر مهارت نقاش میباشد. کلاه عمامه‌ای و لباس‌های راه‌راه رنگی که بسیاق پارچه‌های افغانی است جلوه بس والائی دارد. در پشت سر جوان، پرده قرمز رنگ نیمه بازی ارائه شده که منظره کوه و فضای بیرون را بخوبی نشان میدهد، ترسیم فرش اطاق استادانه بوده و رقم دارد.

(رقم بنده درگاه شاهنشاه عالم پناه خدا داد خان زند ۱۲۷۳)

۳۳۳- خسروقلی ترک

از نقاشان شیرین قلم زمان اکبر شاه هندی است که از ایران بآن دیار رفته و بکار نقاشی مشغول گشته است.

(خسرو نیشابوری) نقاش و نگارگر فلزات اهل نیشابور بود. از این هنرمند کاسه مسی و منقش استادانه‌ای در کریستی لندن بسال ۱۹۸۳ بفروش رسید که رقم داشت. (عمل خسرو نیشابوری ۱۱۵۲) تصویر شماره (۴۱) ۱ دیگر از این هنرمند تصویر جوانی دیدم که گل بدست گرفته و رقم داشت. (رقم خان محمد مذهب)

۳۳۴- خضر نقاش

هنرمند تصویر ساز اوایل قرن ۱۱ ه.ق. هند بود که در بعضی از آثار، خود را خضر چيله نیز یاد میکرده است.

آثار رقم دار وی را دیده‌ام:

۱- تصویر طوطی رنگینی بود که روی دسته چوب مخصوص ایستاده و زنجیری بپا داشت و در روی چوب رقم زده بود. (عمل خضر نقاش)

۲- اثر رقم دار دیگر نقاش، تصویری در بابر نامه است که بابر را در منزل سلطان حسین نشان میدهد. در این مینیاتور، دو زن زیبا بنام‌های سلطان و خدیجه بیگم روبروی هم نشسته و بصحبت مشغول میباشند. مطلب اول صفحه که بمناسبت تصویر و بخط نستعلیق زیبا نوشته شده چنین است.

(اول به پاینده سلطان بیگم زانو زده - دریافتم بعد از آن بخدیجه بیگم زانو زده) (عمل خضر پيله)

۳۳۵- خلیل

نقاش آبرنگ ساز پر مهارت عهد محمد شاه قاجار بود و در ترسیم نقوش قلم کاری مهارت داشت. او نام خود را با سجع مخصوص خود (معمور گشت کعبه ز معماری خلیل) رقم میزد و در زمان خود شهره بود.

۳۳۶- خلیل الله

آبرنگ ساز ماهر و از مجلدان معروف زمان خود بوده است. از این هنرمند، جلد گل و برگی پر حالتی که در درون آن نیز شمایل مولا علی و حسنین جلب نظر مینمود بیادگار مانده که معرف استادی و زیر دستی نقاش میباشد. این جلد بجهت قرآنی که توسط عبدالحسین خطاط و در سال ۱۳۲۱ ه.ق. کتابت شده تهیه گشته و حالیه و در مشهد حضرت رضا علیه السلام مضبوط میباشد.

خلیل اله هروی در امیر خلیل آمده

۳۳۷- خلیل بن حسن محمد علی

رسام فلزات و اسطرلاب بود.

از آثار ارزنده استاد که در موزه ایران باستان دیده میشود، اسطرلاب پرمهارتی است که خطوط آن به خطوط نسخ و کوفی تزیینی انجام یافته و ترسیمات فنی آن نیز دقیق و نازک قلم میباشد. در حاشیه گردان صفحه رویه، عبارت (نادعلیا) تا انتها و در قسمت‌های مجزا از همدیگر کتابت شده که خطوط استادانه است.

این اسطرلاب که در اصفهان ساخته شده رقم دارد. (خلیل بن حسن محمد علی ۱۱۰۶)

۳۳۸- خلیفه محمد حیوة

به نوشته قاضی احمد در گلستان هنر:

(در نقاشی و تصویر خلیفه حیوة شبیه و عدیل نداشتند)

خطای - حل کار مشهور دوره بایسنقر میرزا در هرات بود.

در مرقع امیر غیب بیک (۱) استاد را خلیفه محمد حیوة خوانده و در جمع هنرمندان چنین نوشته است: «و استادان فارس و عراق مثل استاد درویش و خلیفه محمد حیوة و میر مصور و پسر میر سید علی و خواجه عبدالرزاق و خواجه عبدالوهاب و پسرش خواجه عبدالعزیز و سید میرک که جمع اطوار و تمامی اطراز این فن بی بدل و به بی مثلی مثل است»

۳۳۹ - خواجه شادمان

نقاش زیبا نگار قرن ۱۲ ه. ق. بود. تنها اثری که از این نقاش دیده‌ام، تصویر آبرنگی دختر جوانی بود که در شیوه (وهبی لونی) نقاش معروف عثمانی نقاشی شده بود. در این اثر دلفریب، زن جوان سینه‌ها را تا حدی عریان ساخته و تور بلند و زیبایی بسر انداخته و لباس گل‌داری بتن کرده و بدست خود مختصری از دامن خود را بالا برده بود و در گوشه چپ اثر رقم داشت (خواجه شادمان)

خواجه عبدالحی در عبدالحی آمده
خواجه عبدالعزیز کاشانی در عبدالعزیز آمده
خواجه کاکا در عبدالوهاب آمده

۳۴۰ - خیرات خان

تصویرگر پر اعتبار و هنرمند هند بود که در معیت خان عالم سفیر نورالدین محمد جهانگیر پادشاه به ایران آمده است. در تصویر رقم دار موجود، خان عالم را در حضور شاه عباس کبیر شباهت تمام نقاشی کرده که خان عالم دو زانو نشسته و در کمال ادب شربت تعارفی شاه عباس را دریافت میکند. تصویر شماره ۶۹

شاه عباس نیز دو زانو جلوس کرده و شمشیر و کمان و سایر ادوات رزمی سبک بتن نموده و کلاه معروف خردار بسر گذاشته است. پشت سر شاه خدمتکار جوانی که بساقی‌گری مشغول است دیده میشود، در قسمت بالای سمت چپ، بخط نستعلیق زیبا نوشته. (شبیه شاه عباس ماضی و خان عالم) و در زیر نقاشی و گوشه راست رقم زده:

۳۴۱ - خیرخواه - محمد پناه

نقاش دوره نادر شاه افشار بود که در آبرنگ و شبیه سازی دست پر مهارت داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، نادر شاه است که با تمام آرایش و تزیین سلطنتی روی دوشک گلدار زر- اندودی دو زانو نشسته و به متکای زر بفت زیبایی که به کله‌های حیوانات گوناگون مزین شده تکیه داده است. رقم دارد. (تصویر شاهنشاه جم جاه نادر شاه بعمل خیرخواه محمد پناه)

۱- مرقع امیر غیب عظیمی در کتاب خزینه اوقاف توپ قاپو سرای استانبول است که به شماره ۲۱۶۱ ثبت شده و بکوشش امیر غیب بیک یکی از امرای با ذوق دربار شاه طهماسب اول صفوی فراهم شده و مجموعه‌ای از بهترین قطعات خطوط خوشنویسان و نقاشی صورتگران و تذهیب مذهبان آن عصر میباشد.

د

۳۴۲ - دام

نقاش گمنام هندی اوایل قرن ۱۳ ه. ق. است. اثرشیرینی از این نقاش در کاتالوگ کل ناقي لندن بشماره ۳۰ چاپ شده که پادشاه والامقامی در وسط نشسته و شاهزادگان و رجال و وزیران و ندیمان درباری در اطراف وی ایستاده‌اند. این اثر دلتواز که تا حدی استادانه تصویر شده جملاتی به جهت شناسائی افراد در کناره قید شده که قرائت و ارائه آنها در این مقاله خالی از فایده نیست.

- ۱- مبارز زاده نواب حسام الدین حیدر خان بهادر دلاور جنگ
 - ۲- عظیم الدوله حسام الملک نواب محمد میر خان بهادر
 - ۳- عنایت افزون خواجه مراد (کسی که لباس سفید پوشیده و عصای بلند بدست دارد)
 - ۴- مرشد زاده میرزا بلاقی بهادر
 - ۵- مرشد زاده میرزا جهان خسرو بهادر
 - ۶- شبیه صاحب عالمیان میرزا محمد دارا بخت ولیعهد بهادر
- در وسط تصویر که شاه را در روی تخت سلطنتی و بجلال تمام و طلاکاری زیبا تصویر کرده چنین نوشته:

- ۱- سلیمان حشم خسرو کامیاب - جهانگیر شاه همایون جناب (غلامی دو برج شاه جهان)
- ۲- شده سال این تخت انجم سپاه - سری بر شه عالم تاجدار. در بالا نوشته (در سنه ۲۰ جلوس معلی) طرف چپ نوشته:
- ۱- شبیه مرشد زاده آفاق میرزا محمد سلطان فخر الدین فتح الملک بهادر شاه.
- ۲- طفلی که پیش او ایستاده (مرشد زاده آفاق میرزا فرخنده شاه میرزا بلاقی)
- ۳- یک انگلیسی با لباس سربازی (صاحب قلعه‌دار)
- ۴- نواب شمس الدوله مالک بخشی محمد علی خان بهادر ذوالفقار جنگ

۵- رای شکیچند ساهوکار خزانچی (خزانهدار)

۶- نصرت یارخان میر ترک (سفیر ترکیه)

در متن کاتالوک نوشته بهادر شاه دوم (۱۸۵۸ - ۱۸۳۷) و تاریخ اثر را سال ۱۲۵۵ ه.ق. خوانده که اشتباه است و رقم اصل سال ۱۲۱۷ ه.ق. میباشد.

۳۴۳- داود (رسام فلزات)

رسام فلزات سخت و فولاد و نقره بود.

از این هنرمند کاسه منقش زیبا و استادانه چهل کلید دیدم که به انواع نقوش آراسته گردیده و با ادعیه مختلف مستور شده بود. خط نسخ و ترسیم نقوش هندسی و تصاویر ستاره شناسی درخور تحسین بود و رقم داشت. (عمل داود فی سنه ۹۵۵)

۳۴۴- داود

نقاش گمنام و شیرین نگار دوران زندیه است.

این هنرمند در آبرنگ و سیاه قلم دست داشت و جانور سازی را نیکو میدانست. از آثار رقم دار این استاد تصویر گاوی در کمال امتیاز دیدم که رقم داشت. (یا داود)

۳۴۵- داود (ریخته گر)

اهل لاهور و از ریخته گران ماهر بود.

از آثار امضاء دار این هنرمند پیه سوز فلزی روغنی زیبایی بشکل مخروط ناقص در موزه آستان قدس رضوی است که رقم دارد (عمل فقیر استاد داود ریخته گر ساخت لاهور ۹۴۶)

داوری در محمد داوری آمده

۳۴۶- درگه

تصویرگر تصاویر شماره ۱۰ و ۱۳ کتاب انوار سهیلی معروف بریتانیا است که مشخصات بیشتر کتاب را در احوال آننت آورده ام.

در تصویر شماره ۱۰ که مکالمه شیر با حیوانات است، شیر دهن باز کرده و مشغول صحبت میباشد. منظره کوه و جوی آب روان دیدنی است و درخت بزرگ و پهناوری در مقابل آنها دیده میشود. در طرف دیگر جانورانی از قبیل روباه و پرندگان با شیر صحبت میکنند. نقاشی در کمال شیوایی است و رقم دارد بخت قرمز (درگه)

تصویر شماره ۱۳ کتاب که موضوع آن (بظهور رسید طریق مروت را مهمل گذاشته) میباشد، مجازات مرد خطاکاری است که در مقابل قاضی ایستاده و مامور دیوانی جوان را تنبیه مینماید. قیافه حاضران و عظمت و زیبایی درخت و رنگ آمیزی تصویر پر مهارت است و رقم دارد. (درگه)

۳۴۷- درویش-استاد

متأسفانه نام اصلی نقاش معلوم نگردید و چه بسا ممکن است همان درویش محمد خراسانی باشد که احوال وی را در جای خود آورده ام. قاضی احمد در گلستان هنر نیز مختصر اشارتی در کنار خلیفه محمده حیوة ذکر نموده و چنین یاد کرده. (استاد درویش و خلیفه حیوة شبیه و عدیل نداشتند)

سید احمد آهو چشم در مرقع امیر غیب بیک و در زمان شاه طهماسب اول که حالیه در کتابخانه اوقاف استانبول است از این هنرمند تصاویر و تذهیبات شایسته‌ای مشاهده کرده و یاد نموده است.

اثر رقم دار این هنرمند که حالیه در توپ قاپو سرای ترکیه موجود است، تصویر ارژدهای قوی پیکر و سهمناکی بشیوه استاد میرک است که حواشی آن با تشعیر و حل کاری جانورانی از قبیل شیر و گاو ارائه شده و بسیار استادانه میباشد، در بطن کناره‌ها نیز تصاویر درختان سر سبز و مرغان خوش حالت نقش بسته و بخت قلم موئی رقم دارد. (عمل درویش)

۳۴۸- درویش حسن

اهل عثمانی و قلمدان ساز معروف قرن ۱۸ میلادی است.

تنها اثر بجا مانده این هنرمند، قلمدان مستطیل شکل چوبی است که در داخل درب بالائی قلمدان، مناظر مختلفی از قبیل ساختمان و کوه و ابرها و درختان تبریزی ارائه شده و در طرف دیگر تصاویری از ساحل اسلامبول و شکارگاه حیوانات و قایق سلطنتی دیده میشود و در زیر قلمدان رقم دارد. (ایوبی درویش حسن) اندازه قلمدان $۱۸/۷ \times ۳۷/۵$ سانتی متر میباشد.

۳۴۹- درویش حسین

نقاش خوش دست قرن ۱۰ ه.ق. است.

از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر مردی در قیافه چینی‌ها بود که پوستی بعنوان پوشش به پشت بسته و دو زانو نشسته و شلوار مخصوص رزمی پوشیده و سینه‌هایش عریان بود و در یک مستطیل بخت نسخ رقم داشت. (مشقه درویش حسین نقاش)

اصل این اثر که در موزه فاین آرت بوستن مضبوط است، دو مهر بیضی شکل با سجع (یا علی ادرکنی) در بالا و پائین نقاشی دیده میشود.

۳۵۰- درویش حیدر

هنرمند زیبا نگار اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود.

از آثار رقم دار وی ندیده‌ام.

۳۵۱- درویش علی

از نقاشان هندی اواخر قرن ۱۳ ه.ق. است.

اثر رقم دار این هنرمند، ملای ریش بلندی بود که کلاه بوقی بسر داشت و بقرائت قرآن مشغول بود. در مقابل این ملا دو مرد غریبه که یکی قیافه شرقی و آن یکی غربی داشت جلب توجه میکرد. دو نفر مزبور با انگشت خود اشاره به سرپوشی مینمایند که روی آن نوشته شده (یا کرم)، دو خدمتکار دیگر که یکی لباس هندی و آن یکی لباس کامل عربی به تن کرده در خدمت مشغول هستند. تصویر مناظر بیرون از پنجره نمایان است و رقم دارد. (درویش علی ۱۲۶۱)

۳۵۲- درویش محمد خراسانی

درویش محمد خراسانی که به ملا درویش هروی نیز نامیده میشود از هنرمندان خراسان بود که در نقاشخانه بهزاد و بزمان سلطان حسین بایقرا بامر تصویر سازی اشتغال داشته است. در مجالس النقایس از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است:

((از آدمی زادگان خراسان است و ترکیب نیز دارد کولکاش (هم شیر) محمد مومن میرزا بوده اول رنگ و روغن کاری میکرد. چون بملازمت استاد بهزاد رسید عشق تصویر و نقاشی پیدا کرد و استاد نیز به تربیت او مشغول شد و در اندک فرصتی کامل شد، طبع نیک دارد))

حیدر دو غلات در کتاب تاریخ رشیدی راجع بدرویش محمد چنین می نویسد:

((مولانا درویش محمد که استاد فقیرست شاگرد شاه مظفرست و در باریکی قلم مثل ندارد بلکه از شاه مظفر نیز گذارنیده اما چندان اندام و پختگی و ملاحظت ندارد گرفت و گیرها را بسیار خام میسازد وی صورت سواری ساخته است شیری را بر سر نیزه داشته مجموع آن در یک برنج میماند.))

فخری سلطان محمد نیز در لطایف نامه از او نامبرده و چنین معرفی کرده است:

((درویش محمد از نقاشان با استعداد و از اهالی خراسان بود که در نقاشخانه بهزاد در زمان سلطان حسین بایقرا بنقاشی اشتغال داشت، او از شاگردان با استعداد بهزاد بوده در ابتدا رنگ می ساخت سپس به تصویر نقاشی پرداخت.))

تنها اثر رقم دار این هنرمند، تصویر دو رزم آور جنگی و در اندازه بزرگتر می باشد که حالیه در آلبوم شماره ۲۱۵۳. // توپ قاپوسرا جلب نظر مینماید. در این اثر زیبا اسبها و سوارکاران بزره های طلائی و فولادین ملبس شده و سوار بر اسب به جنگ و گریز مشغول میباشند. یکی از سوارکاران سپر حریف را با شمشیر خود سوراخ نموده و ضربه ای بسر وی وارد کرده است. طرف مقابل نیز نیزه خود را بچشم اسب دشمن فرو برده و او را از فعالیت انداخته و مستاصل نموده است. نقاشی در کمال استواری و استادی بوده و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد. (عمل استاد درویش محمد) حدود ۱۴۸۰ میلادی

۳۵۳ - دسونه

شاگرد پر استعداد استاد میر سید علی و عبدالصمد شیرازی شیرین قلم بود.

او فرزند نامه رسان بی چیز هندی بود که در هنر تصویرگری پیشرفت ها کرده و سرآمد یاران گشته بود. در کتاب آئین نامه اکبری خطی نگارنده از نقاش چنین یاد کرده است:

((دسونه قهار پسریت در خدمت این کارخانه بسر بردی و بهوس بر دیوارها صورتی نوشتی و نقش نگاشتی و روزی نظر دوربین شاهنشاهی (اکبر شاه هندی) بر آن افتاد و از ژرف نگاهی معنی اوستادی دریافته بخواجه سپردند (خواجه عبدالصمد شیرین قلم) و در اندک فرصتی یگانه زمانه شد و سرآمد روزگار گشت. ظلمت سودا خرد او را پوشیده بزخم خویش سفر عدم گردید)) معلوم میگردد این هنرمند از حدت مرض سودا دیوانه شده و در جوانی بسالیان ۱۰۰۵ درگذشته است. از آثار ارزشمند این هنرمند، تصاویر رزم نامه جیپور است که بسر پرستی میر سید علی و عبدالصمد و توسط چهار نقاش دیگر یعنی دسونه - لعل - فاضل - بسوان تصویر شده و در خور اهمیت می باشد.

از آثار رقم دار دیگرش که خود را شاگرد عبدالصمد خوانده، تصویر شاهزاده سلیم با لباس درباری است که با آرایش سلطنتی سوار بر اسب تنومندی شده و بگشت و گذار در صحرا مشغول می باشد.

تصویر در کمال آراستگی و استادی انجام یافته ولی حاشیه اش تذهیب ساده ایرانی دارد. در بالای تصویر بخط قلم موئی نوشته: (شبهه مبارک شاهزاده سلیم) و در گوشه سمت چپ رقم گذاشته:

(عمل دسونه تلمیذ خواجه عبدالصمد شیرین قلم)

۳۵۴ - دلوارت

در آلبوم جهانگیر پادشاه، اثری از این هنرمند بیادگار است که تصویر بسیار شبیه از شیخ دولت می باشد. در حواشی این تصویر صورت هفت نفر اعیان و رجال هندی را در قیافه های حقیقی و شبهه

سازی تمام ارائه داده که فوق العاده است و رقم دارد.

(شبهه شیخ دولت که در کجرات لاهور می باشد رقم دلوارت)

۳۵۵ - دهرمداس

نگارگر شیرین قلم هندی و تصویر گر مینیاتورهای شماره ۲۶ و ۲۱ انوار سهیلی موجود در انگلستان می باشد. در این دواثر که یکی با کمک نقاش دیگری بنام (بدارت) اتمام یافته ذوق و مهارت نقاش به نیکوترین مهارتی عرضه گشته است.

اثر شماره ۲۱ که اختلاف دزد و دیوار را رسم کرده این عبارت در بالای صفحه دیده میشود.

(متعذر باشد دیو نیز در فکر افتاده بود که اگر دزد گاوها را از خانه بیرون کند)

زاهد در خانه خوابیده و بیرون خانه منظره کوهها و جوی آب روان دیده میشود. درخت زیبای داخل خانه و تصویر دیوارها جالب است. در آن نزدیکی ها دزد و دیو در حال محاوره بوده گاوی نیز در مقابل جلب نظر مینماید. نقاشی بسیار پر حالت و شیرین است و بخط نستعلیق سرخ رقم دارد. (دهرمداس)

دومین اثر نقاش در این کتاب، تصویر پیرزنی است که وارد خانه شده و دیگری را بر سر گاو خود دیده و خیال کرده که این حیوان عزرائیل است. دختر زیبایی بنام مهستی که در رختخواب بیماری افتاده و در گوشه ای استراحت کرده ناظر صحنه می باشد.

ماوقع تصویر چنین میرساند که پیرزن به عزرائیل خیالی التماس میکند که - مرا بگذار و مهستی جوان را با خود ببر - رقم دارد. (دهرمداس)

دیگر اثر زیبا و نفیس این هنرمند، تصویر زایمان زن توانگری است که داخل اطاق اتفاق افتاده و ماما نوزاد جدید را بدست گرفته و عده ای از خویشاوندان و دوستان در حیاط خانه مشغول طرب و شادمانی هستند، در بیرون خانه نیز فقیران و درویشان جهت دریافت صدقه صف کشیده و جماعتی مشغول دریافت غذای نذری هستند. رقم دارد. طرح گیسو کلان (عمل دهرمداس)

۳۵۶ - دهنراج

هنرمند زیبا نگار و شیرین قلم قرن ۱۱ ه.ق. هند بود و در شبهه سازی دست داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند که در حراج گالری کل ناچی بفروش رسید. تصاویری از پادشاهان معروف هند بود که بین دوایر منظم نقاشی شده و اسامی و امضاهای آنها نیز بخط نستعلیق زیبا در زیر تصاویر درج گشته بود.

در دایره وسطی که تصویر جهانگیر پادشاه ارائه شده بود باز شکاری بدست داشت و در دوایر دیگر تصاویر سلطان خسرو - گرشاسب - جهاندار - داور بخش رستگار - بلند اختر و در طرف چپ صفحه سلطان پرویز - شهریار - کشورگشا - دوراندیش - آزر - در قسمت پائین تر بهمین نحو خانواده میرزا میرانشاه ترسیم گشته بود که عبارت بودند از: خلیل میرزا - میرزا سید احمد - عمر میرزا - سیور غتمیش میرزا - ایحل میرزا - ابوبکر میرزا - النگر میرزا - چلی عثمان (محمد سلطان میرزا) تذهیب و تشعیر بالای صفحه استادانه بود و رقم داشت. (عمل دهنراج)

۳۵۷ - دهنو

نقاش دوره بابری بود و در منظره سازی و مجالس بزمی دست پر مایه داشت. اثر زیبایی از این هنرمند چاپ شده بود که باغ وفا نام داشت. در این اثر شیوا باغ پر گل و ریحان و درختان سبز و شاداب در کمال آراستگی دیده میشدند که سه عمده مشغول ساختن دیوار باغ بودند، در وسط باغ

مزبور، حوضی با مرمرهای سفید جلوه‌گر بود و دو مرغابی رنگین در داخل آن به جست و خیز مشغول بودند، در سطر اول زمینه کتاب نوشته بود.

(میان غرب و جنوب باغ حوض ده در دهی است، اطراف او تمام درخت‌های نارنج است) رقم داشت. (عمل دهندو)

۳۵۸- دوست محمد اول

در بین تذکرها و اسناد قدیمی، فقط مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران از این نقاش یاد کرده و او را جزو چهل تن هنرمندان دربار بایسنغر میرزا گورگانی (۸۰۲ - ۸۳۷) ثبت نموده است.

۳۵۹- دوست محمد- دوست دیوانه

نقاش پر آوازه و شیرین نگار اواسط قرن ۱۰ ه.ق. بود که بنامهای دوست مصور و دوست دیوانه نیز شهره بوده است.

بطوریکه در تواریخ یاد شده، همایون شاه هندی در سال ۹۵۱ ه.ق. به ایران آمد و در تبریز بحضور شاه طهماسب بار یافت. در یکی از این ملاقات‌ها از شاه تقاضا نمود که به بعضی از هنرمندان رخصت داده شود تا جهت اشاعه هنر ایرانی و همکاری با استادان تصویر ساز هندی بآن دیار عزیمت نمایند. شاه صفوی تقاضای همایون را پذیرفت و فرمان رخصت صادر گردید.

بدین ترتیب دوست محمد نیز در جمع هنرمندان دیگر، بهندوستان عزیمت نمود و در آن دیار مقیم گردید.

قاضی احمد در گلستان هنر در مورد دوست محمد چنین می‌نویسد:

((او از شاگردان بی قرینه استاد بهزاد است و در کمال زیرکی و فطانت بوده و مدتی در خدمت شاه جمجاه رضوان بارگاه شاه طهماسب بسر برد. بعد از آن بجانب هند رفت و در آنجا ترقی کرد)) باز در زیر نویس قید شده: مولانا دوست محمد بعد از آنکه بهندوستان رفت ملازم همایون پادشاه در نامه‌ای به رشید خان پادشاه کاشغر نوشته فضائل مآب نادره العصر مولانا دوست مصور که نسبت قدیم ملازمت دارد و در تصویر مانی زمان و در تذهیب نادره دوران و در خط بری و تحریر بی نظیر است و یک صفحه تصویر قلم سیاهی از کارهای او را برای رشید خان فرستاده.

متأسفانه اطلاع بیشتری از زندگی این هنرمند بدست نداریم ولی پر واضح است تا اتمام دوره سلطنت همایون شاه با احترام و اعزاز تمام زندگی کرده و در هندوستان فوت کرده است.

از آثار بجا مانده وی معلوم میگردد که از بهترین شاگردان استاد بهزاد بوده و در بعضی مراحل حدت قلم و حلاوت رقم استاد را به نیکوترین وجهی جلوه‌گر ساخته است.

قاضی احمد منشی که مختصر احوال وی را یاد کرده، نام یکی از شاگردان برجسته وی را نام برده و چنین نوشته است:

((شیخ محمد سبزواری پسر مولانا شیخ کمال ثلث نویس نقاش بی بدل بود، شاگرد استاد دیوانه بود)) عده‌ای این هنرمند را با دوست محمد کوشوانی که خطاط زبردستی بوده و در تصویر سازی نیز سرشته داشته یکی دانسته‌اند. ولی در کتاب گلستان هنر که از هر دو نفر اسم برده، دوست مصور را شاگرد بی قرینه استاد بهزاد و دوست محمد کوشوانی را خطاط و شاگرد مولانا قاسم شادیشاه یاد کرده است. از آثار فوق العاده زیبای این هنرمند که در نمایشگاه لندن از نزدیک دیدم. موضوع (خترهفتود و کرم سیب) میباشد که بمعیار این ابیات تصویر گشته بود.

چو آن دخترک میوه اندر گزید	-	یکی در میان کرم آمد پدید
بانگشت آن کرم برداشتش	-	بر آن دوکدان نرم بگذاشتش
چو برداشت زان دوکدان پنبه گفت	-	بنام خدا بی یار و جفت

در این مینیاتور جمعی از دختران و زنان ماهرو با البسه رنگین خود روی چمن با صفائی که در اطراف آن درختان زیبا و جویباران با صفا دیده میشد، دور هم نشسته به صحبت و پشم‌ریسی اشتغال داشتند، یکی از دختران، سیبی را خورده و کرمی از داخل آن در آمده است. در پشت سر دختر، تصویر کوه‌های بلندی که بروی آن درختان مختلفی روئیده جلب نظر مینمود. قصر مجللی که در کمال تردستی و آجر کاری منظم ارائه شده، زائیده دنیائی ابتکار و شیرین دستی نقاش بشمار می‌آمد. دو نفر مرد میان سال با عمامه‌های سفید و ریش‌های گندمگون پشت بام قصر نشسته بصحبت مشغول بودند. در گوشه‌ای دیگر، جماعتی با قیافه و البسه مختلف هر یک بکاری اشتغال داشتند و منظره دکان قصابی و نانوائی و شخص فروشنده جلوه خوشی داشت. قیافه مودن مسجد که دستها را بگوش نهاده و روی مناره رفته و اذان می‌گفت دیدنی بود. درختان پر طراوت رنگین و مرغان سبک بالی که روی درختان نشسته و زمینه طلائی فضای باز پختگی و استحکام بخصوصی داشت و رقم نقاش چنین بود. (صوره دوست محمد)

عکس رنگی و سیاه سفید این اثر زیبا در اغلب کتابهای مختلف چاپ و ارائه گشته است.

۲- تصویر رقم دار دیگر هنرمند، تصویر ابوالمعالی بود که روی زمین نشسته و نامه‌ای روی زانو نهاده و بنویشتن اشتغال داشت. شمس المعالی که جوانی حدود ۲۰ ساله بنظر میرسید کلاه عمامه‌ای بسر گذاشته و عبائی بروی لباسها انداخته و چشم‌ها را بروی کاغذ دوخته و این جملات را بخط خوش روی کاغذ نوشته است.

(الله اکبر - جنت آشیانی - این صورت شبیه شاه ابوالمعالی کاشغریست که در خدمت حضرت قرب تمام داشته‌اند - عمل استاد دوست مصور)

۳۶۰- دوست محمد خان

هنرمند شیرین کار و شبیه ساز دوره شاه عباس ثانی بود.

تصویر استادانه‌ای که از صورت علی قلی خان سردار هم عصر شاه صفوی نقاشی کرده، معرف نازک قلمی و شبیه پردازی نقاش میباشد.

حواشی این تصویر بخطوط متنوع نستعلیق پیراسته گشته و به تذهیبات و نقوش رنگین آراسته شده و رقم نقاش در یک بیت شعر چنین بود.

(نمود معنی صورت به نطق خامه بیان - کمینه چاکر عباس شه محمد خان سنه ۱۰۷۰)

۳۶۱- دوست محمد کوشوانی

فرزند سلیمان و اهل هرات و خطاط صاحب نام اواسط قرن ۱۰ ه.ق. بشمار می‌آمد.

دوست محمد در حدود سالیان ۹۵۰ ه.ق. مرقعی بنام بهرام میرزا ترتیب داد که در نوع خود گنجینه پر بهائی از آثار خطاطان و نقاشان ایرانی محسوب میگردد.

دوست محمد بغیر از خطاطی، در نقاشی و تذهیب و صحافی و قطاعی نیز قوی دست بود و آثار خود را بنام‌های دوست محمد قاطع یا دوست محمد مذهب و محرر رقم می‌نمود. مرحوم فکری سلجوقی که دیباچه این مرقع را در کابل چاپ کرده او را جوانی خطاط و نقاشی که در فن تصویر و تذهیب و

تجلید یگانه روزگار بوده توصیف نموده است.

سام میرزا در کتاب تحفه سامی که در زمان حیات پدرش شاه اسماعیل (۹۰۶-۹۳۰) ترتیب داده دوست محمد را چنین یاد کرده است:

((اهل کوشان از قراء هرات و جوانی آدمی و خوش صحبت است در شعر و عروض و معما مهارت دارد و کامی تخلص میکند از صحافی سر رشته دارد و نستعلیق را خوب مینویسد.))
قاضی احمد در گلستان هنر مینویسد:

((مولانا دوست محمد شاگرد مولانا قاسم شادیشاه است. مصحفی بخط نستعلیق تمام کرده بود شاه رضوان بارگاه (شاه طهماسب اول) را بدو لطفی بود و جمیع کاتبان و نقاشان را از کتابخانه اخراج نمودند بغير از مولانا که بحال خود باقی ماند. وی تعلیم خط بشاهزاده سلطانم میداد.))

۳۶۲- دولت مصور- دولت محمد

دولت مصور یا دولت محمد یا شیخ دولت بزرگ، نقاش پر مهارت هندی است که در دوره اکبر و جهانگیر شاه هندی خوش درخشیده و شهرت عالم گیری یافته است.

از تاریخ تولد و مرگ و خصوصیات زندگی این هنرمند اطلاعی بدست نداریم فقط با اطلاع از تاریخ اجرای بعضی از آثار بجا مانده اش که بین سالیان ۱۵۹۷ تا ۱۶۰۹ میلادی تثبیت شده معلوم میدارد، این هنرمند، نقاش نادره کاری بشمار میآمده و در چهره پردازی بی رقیب بوده است.

دولت در امر تصویرگری شیرین قلم و باریک بین و در چهره سازی و شبیه پردازی و ارائه قیافه حقیقی اشخاص استادی چابک قلم و پر وسواس بوده است.

جهانگیر پادشاه که بامر تصویر و کتابت آثار جاویدان پارسی علاقمند بود، مشوق اصلی هنرمندان زمان خود از جمله دولت بود که در حمایت و تشویق پادشاه بخلق آثار جاویدان همت می گماشتند. مرقع گلشن که آیتی از نفاست و تابناکی میباشد، آثار معروف و شناخته شده این دوره بوده و آلبوم معروف جهانگیر که حالیه در موزه برلن بایگانی است یکی از شاهکارهای هنری ممتاز این دوره بشمار میآید. دولت در ایجاد این مرقعات زحمات فراوان کشیده و مثلاً "در مرقع گلشن علاوه از تصاویر داخلی مرقع، آرایش و تزئینات حواشی صفحات را نیز بعهده داشته و در یکی از صفحات آن چنین نوشته است:

و از طرفی با ارائه تصاویر حقیقی سایر استادان بنام که در امر ایجاد این آثار هنرنمایی کرده اند خدمت پرارزشی بعالم هنر کرده و قیافه اصلی آنانرا ثبت تاریخ نموده است.

اینک باختصار، تصاویر حقیقی افرادی را که در مرقع گلشن کشیده ارائه میدهیم.

۱- در حاشیه و کنار مرقع، تصویر بسیار شبیه جهانگیر پادشاه قرار دارد که کتابی بدست گرفته و در باغ قصر مطالعه میکند.

۲- تصویر دیگر در این مرقع، شبیه ابوالحسن نادر الزمان است که بروی دوشکی نشسته و کاغذ بدست گرفته و مشغول تصویر سازی است، در روی صفحه ای که بدست گرفته نوشته شده: (شبیه ابوالحسن از عمل فقیر دولت)

۳- سومین نفر، تصویر منوهر نقاش معروف هندی است که مردی چاق بوده و مشغول ترسیم موضوعی بروی کاغذ است که در روی آن نوشته شده: (منوهر از عمل دولت)

۴- دیگر تصویر در این مرقع، بشنداس نقاش است که نشسته و صفحه نقاشی را در مقابل خود قرار داده

دوست محمد: سرتیپ دوست محمد خان اعتصام الدوله، برادر دوستعلی معیر بود و در نقاشی آبرنگ و رنگ روغنی مهارت داشت.

و به مرغی که بروی شاخه درختی نشسته نظر دوخته و در روی کاغذ نوشته:

(شبیه بشنداس برادر زاده منها مصور عمل دولت)

۵- پنجمین تصویر نقاش در این مجموعه که در مقابل آن تصویر حقیقی دولت نیز ارائه شده کوردهن نقاش است که به عقب برگشته و بپرسش دوستش پاسخ میگوید، روی کاغذیکه بدست دارد نوشته. (شبیه کوردهن عمل دولت) در مقابل این اثر که در طرف چپ تصویر نقش بسته شکل حقیقی دولت نیز جلب نظر مینماید که مردی سیه چهره ایست که عمامه سفیدی بسر گذاشته و لباس سفید و بلندی بتن کرده و روی آن ها لباس تیره پوشیده است. او دوزانو نشسته و صفحه کاغذی بدست گرفته و در روی کاغذی که بدست چپ گرفته و نشان میدهد چنین نوشته:

(الله اکبر- بحکم شاه جهانگیر- نقش این تصویر- نمود بنده دولت- شبیه خود تحریر)

(قائله و راقمه فقیر الحقیر دولت)

۶- سه تصویر دیگری که نام اشخاص قید نشده ولی از بهترین کارهای نقاش میباشد یکی از این تصاویر نقش جوانی است که سر بمتکا نهاده و دراز کشیده و کتابی بدست گرفته و مطالعه میکند.

در روی کتاب نوشته شده: (عمل کمترین خانه زاد دولت)

تصویر دیگر، پیر مردی با ریش و سبیل سفید میباشد که عمامه حاشیه سفید بسر گذاشته و بروی زمین نشسته و بساط تحریر و چند جلد کتاب به پیش خود نهاده و در روی کاغذی که بدست دارد نوشته شده: ز دوری تونه مردم چه لاف مهر زنم - که خاک بر سر من باد بر محبت من (مشق کمترین بنده ها دولت)

۷- اثر تاریخ دار این هنرمند، تصویر جوانی با عمامه تیره و لباس سفید است که کتابی بروی رحل گذاشته و بمطالعه مشغول میباشد. در روی کتاب نوشته:

(راقم فقیر الحقیر دولت محمد فی شهر ذی قعدة ۱۰۱۸)

۸- از آثار دیگر هنرمند که در صفحه ۲۱۶ آلبوم حراجی گالری کل ناقي لندن چاپ شده، تصویر سید هدایت اله سید پیری است که عمامه سفید هندی بسر گذاشته و لباس بلند هندی پوشیده و دو دست خود را بکمر زده است. حواشی اثر، گلهای تزیینی گوناگون زیبایی است که در زمینه آن تصویر هفت نفر رجال و اعیان هندی ارائه شده که بزبانی و شباهت تمام انجام یافته است.

۹- از جهانگیر پادشاه، تصویری در صفحه ۴۱ مرقع گلشن ارائه شده که شاه بحالت نشسته قرار گرفته و با تفنگ خود بشکار مشغول میباشد. روی قنداق تفنگ نوشته.

۱۰- دیگر اثر هنرمند در مرقع گلشن، تصویر مولانا حاجی، اثر استاد بهزاد است که باستانی کپی کرده و رقم دارد.

(راقم بنده حضرت شاه دولت محمد)

از کارهای دیگر هنرمند، تصاویری در بایرنامه بسالین ۱۵۹۷ میلادی و در نفحات الانس بتاریخ ۱۶۰۳ میلادی و در اکبر نامه بتاریخ ۱۶۰۴ میلادی و دیگر تصاویر مختلفی در خمسه نظامی است که از تشریح بیشتر آنها خودداری مینمائیم.

۱۱- دیگر تصویر زیبای وی، درویش و نوازنده ایست که درویش دست بروی دست نهاده و مرد نوازنده ای بحالت شادابی مشغول نواختن ساز میباشد. رقم دارد. (عمل فقیر دولت)

۱۲- در صفحه آخر کتاب خمسه نظامی که بخط عبدالرحیم هروی عنبرین قلم و بسال چهلیم جلوس شاه جهانگیر کتابت شده، دولت مرد سیه چهره سفید پوشی است که بزانو روی دوشکی نشسته و مشغول نقاشی میباشد. و عبدالرحیم هروی در مقابل دولت نشسته و خط می نویسد، در کنار دیوار و زیر اثاثیه و در قاب دیوارها چنین نوشته: (تصویر شماره ۷ و شماره ۳۱ و شماره ۳۶ در سینه مختلف)
(الله اکبر بحکم شاه جهانگیر- نقش این تصویر- نمود بنده دولت- شبیه خود تحریر. بفر و جاه

و - الهی موافق چهاردهم سنه)
در زیر نوشته: (قابله و راقمه کمترین خانه زادان فقیر حقیر دولت)
در روی دفترچه نوشته: (شبیه عبدالرحیم عنبرین قلم از عمل بنده درگاه دولت)
تصویر رنگی این اثر بشماره ۱۹ در کتاب IMPERIAL MUGHUL PAINTING چاپ شده است.

۳۶۳ - دیوانه نقاش تبریزی

بنوشته مرحوم تربیت:
((نقاش از شهر تبریز است، گویند در مجلس سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۳ - ۸۹۶) راه ندیمی داشته و این مطلع مشهور از اوست:
غلط کرده طلب کردیم جاه و سر بلندی را - دریغا ما ندانستیم قدر دردمندی را))

ذ

۳۶۴ - ذکی نقاش

رسم و طراح و سازنده اسباب و ادوات طلا و نقره کوب قرن ۱۲ میلادی بوده است.
قلمدان نقره کوب و خط داری از این استاد بجا مانده که معرف مهارت و زبر دستی این استاد در این حرفه میباشد.
این قلمدان که بشکل مستطیل باریک و دراز و در طرح بسیار زیبایی ارائه شده، حاوی نقوش پرمهاریت اسلیمی و همچنین درج اشعاری بخط کوفی تزیینی است که در نوع خود بی همتا میباشد.
اشعار مندرجه کنار قلمدان چنین است:

بیا تا جهان را ببند نسپریم - بکوش همه دست نیکی بریم
بماند همه نیک و بد پای دار - همان به که نیکی بود یادگار

درستی ز کس نشنود نرم گوی - بجز نیکوئی در زمانه مجوی
جهان یادگار است و ما رفتنی - ز مردم نماند بجز مردمی
در سینه بالای قلمدان و بخط کوفی زیبا نوشته شده. (صاحب محمد بن زنگی)
و در طرف دیگر و در قرینه نام صاحب قلمدان درج گشته. (عمل ذکی نقاش)

از این قلمدان طرح ساده‌ای برداشته‌ام که در تصویر شماره ۵۴ ارائه میگردد.

۳۶۵ - ذوالفقار

نقاش و آبرنگ ساز دوره ناصری بود.
از این هنرمند آثاری در یکی از مرقعات مضبوط در کتابخانه گلستان تهران بیادگار مانده که حاوی ۲۰ قطعه تصاویر گوناگونی است که از جانوران و گل و برگها تشکیل یافته و در یکی از آنها رقم زده.
(هو بجهت پیش کش حضور باهر النور بندگان حضرت اقدس ظل الهی روحی و روح العالمین فداه بیست قطعه مشق نمود کمترین چاکر دولت ذوالفقار ۱۲۷۳)

۳۶۶ - ذهنی نقاش یزدی

در تحفه سامی راجع باین نقاش نوشته:
((از جمله لونندان و خوش طبعان یزد است و سر حلقه ارباب سوز و درد ذهنی صاف و سلیقه وافی داشت)) همچنین در کتاب جامع مفیدی محمد مفید بافقی نیز یاد شده و راجع به ذهنی چنین نوشته است:
((از جمله خوش طبعان یزد و سر حلقه ارباب سوز و درد))
از آثارش ندیده‌ام.

ر

۳۶۷ - رامداس

جزو نقاشان پر مهارت کتاب جامع التواریخ است که تصاویر مغولی آن به همراه آثاری از مرقع گلشن در قطع بزرگتری بچاپ رسیده است.
یکی از آثار استادانه این نقاش که طرح آنرا لعل چهر هندی ریخته و تصویر و پیرایش آنرا رامداس اجرا کرده، محاصره شهری است که بوسیله سربازان چنگیزی انجام یافته و سپاهیان طرفین را در حمله و دفاع که البسه زرهی نیز بتن کرده‌اند به نیکوترین ترتیبی نمایش داده و رقم گذاشته.
(عمل رامداس - طرح لعل چهر)

دومین اثر رقم دار این هنرمند که بشماره ۳۲ و جزو نقاشی‌های بابر نامه معروف (۱) مضبوط در موزه بریتانیا قرار دارد، بار یافتن سفیر بنگال حضور بابر شاه است که در غرفه سلطنتی نشسته و اعیان و رجال در حضورش قرار گرفته‌اند. سفیر بنگال سر به تعظیم در مقابل بابر فرود آورده و سلاح داران و قوش بازان در اطراف آنها دیده میشوند.

منظره باغ و ساختمان دیدنی است و همراهان سفیر در بیرون قصر منتظر بازگشت ارباب خود میباشند. رقم دارد. (عمل رامداس)

دیگر اثر رقم دار و ارزنده این هنرمند که در گالری کل ناقي لندن دیدم تصویر لک‌لک یا مرغ ماهیخواری در اندازه بزرگتر بود که رقم رامداس داشت و از لحاظ رنگ آمیزی و هاشور و قدرت قلم کم نظیر بود.

۳۶۸- رجبعلی

برعزم نگارنده و مقایسه آثار باقی مانده اصیل و رقم دار این سه هنرمند که بیک نام موصوف بوده‌اند سه نقاش هنرمند، بنام رجبعلی در عرصه تصویر سازی ایران هنرنمایی کرده‌اند که هم زمان نیز می‌زیسته‌اند. یکی از آنها رجبعلی نقاش پر مهری بود که در کارهای رنگ و مرغی دست داشت و عمده آثارش تصاویر صوفیان و درویشان و مشاهیر عظام این گروه بوده که به شباهت تمام نقاشی کرده و امضای خود را با سجع «حسن کلک رجب علی ز علی است ۱۲۵۶» زیر آثار خود نهاده است دومین استاد - رجبعلی قلمدان ساز است که نقاش آبرنگ ساز و قلمدان ساز بوده و در رشته آثار روغنی (لاکی) دست پر هنری داشته و سجعش چنین بوده است.

«در آن دمی که شود آفتاب حشر جلی - رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی»

سومین استاد - رجبعلی آبرنگ ساز است که بیش از یک اثر رقم دار، تصویر دیگری از وی ندیده‌ام. حال می‌پردازیم به ارائه آثار رجبعلی رنگ و روغن کار که خود درویش مسلک و پای‌بند طریقت صفا بوده و موضوعات نقاشی را از بین شمایل و قیافه اخوان صفا انتخاب کرده و در اندازه درشت‌تر تصویر می‌نموده است. از آثار رقم دار وی دیده‌ام.

۱- نقاشی رنگ و روغنی بزرگ ابوالقاسم میر فندرسکی که رقم آن بخط نستعلیق زیبا چنین بود.

«حسن کلک رجبعلی ز علی است ۱۲۵۶»

۲- تصویر نورعلیشاه بود که زیبایی زنانه داشته و سیبی بدست گرفته و در روی زمین نشسته بود. پشت سر تصویر منظره ساختمانی دیده میشد. تصویر خانه و حیاط که بوسیله معجر چوبی از هم جدا گشته جالب بود. کشکول زرد رنگی بسان کدو تنبل در کنار درویش دیده میشد و رقم داشت.

«حسن کلک رجبعلی ز علی است»

۳- اثر شبیه سازی دیگر هنرمند، تصویر بایزید بسطامی بود که رقم داشت.

«حسن کلک رجبعلی ز علی است ۱۲۵۶»

۴- اثر دیگر، تصویر میر محمد امام جمعه با رقم «حسن کلک رجبعلی ز علیست ۱۲۵۶»

۵- تصویر دیگر، عطار. هفت شهر عشق را عطار گشت. با رقم.

«حسن کلک رجبعلی ز علیست ۱۲۵۶»

۱- توزک بابری که در عصر اکبر شاه هندی بفارسی ترجمه و تصویر و تذهیب شده نسخه نفیسی است که حالیه ۵ نسخه از آن کتاب موجود میباشد.

۶- اثر دیگر، فاطان العلما حاجی میرزا حسن. بدون رقم

۷- تصویر دیگر، حجه الاسلام حاجی سید محمد باقر. بدون رقم

۸- اثر دیگر، تصویر شیخ احمد بحرینی. با رقم. «حسن کلک رجبعلی ز علیست ۱۲۵۶»

۹- دیگر تصویر، افضل العرفا شیخ صفی. با رقم. «حسن کلک رجبعلی ز علیست ۱۲۵۶»

و دیگر آثار متفرقه که در مجموعه‌های خصوصی نگهداری میشود از قبیل: شاه نعمت اله ولی، مولای رومی، ابراهیم ادهم، و غیره که از ذکر بیشتر آنها خودداری مینمائیم.

۳۶۹- رجبعلی

قلمدان ساز و آبرنگ کار ممتاز و پر اعتبار قاجاری بود و در هنر خود شیوه دلفریبی داشت. این هنرمند خط شکسته را نیز نیکو مینوشت و در گل و مرغ و تصویر سازی قوی دست بود و سجع خود را چنین می‌نوشت: «در آن دمی که شود آفتاب حشر جلی - رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی» از آثار او دیده‌ام:

۱- قلمدانی در کمال نفاست بود که در رویه آن تصاویری از مشاهیر و رجال درباری نقش شده بود که ستودن داشت. جوانب و دیواره‌های قلمدان تماما "گل و مرغ دلربا و مرج انگیز بود و رقم داشت.

«در آن دمی که شود آفتاب حشر جلی - رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی»

۲- دومین اثر رقم دار هنرمند، قاب آینه زیبایی در موزه ایران باستان بود که بحلاوت تمام نقاشی شده و رقم داشت. «در آن دمی که شود آفتاب حشر جلی - رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی»

۳- سومین اثر رقم دار این هنرمند خط کش ابری مایل به سبز در موزه هنهای تزیینی تهران بود. که در کمال استادی و زبردستی ابری سازی شده و رقم داشت.

«هو رجبعلی نشود ملتجی بغیر علی ۱۲۵۳»

مصرع دوم سجع نقاش، جهت بزرگداشت و احترام بمقام والای علی (ع) از پائین ببالا درج شده بود که کلمه علی در بالا جلوه والائی داشته باشد.

۳۷۰- رجبعلی

برعزم نگارنده این سومین رجبعلی نقاش هنرمندی است که نام وی نیز در شهود قباله ازدواج صفیه سلطان خانم دختر آقا نجف جزو شهود در مجلس عقد قید گشته است.

از درج این نکته معلوم میگردد که این نقاش از شاگردان یا از همکاران نزدیک آقا نجف بوده که در مجلس عقد آن خانواده شرکت جسته است.

از این هنرمند تصویر یکی از علمای معمم را دیدم که به آبرنگ ترسیم شده و در حد خود استادانه بود بود و رقم داشت. «رجبعلی ۱۲۸۹»

۳۷۱- رجبعلی

میرزا رجبعلی حکاک، از سنگ تراشان و حکاکان نامی دوره ناصری بود و در جمع و خرجی که از زمان ناصرالدین شاه قاجار بیادگار مانده، نام این هنرمند نیز جزو مشغولین سرکاری درباری ثبت شده و برقراری مناسبی نیز جهت این حکاک تعین گشته بود.

۳۷۲- رجبعلی

تذهیب کار شیرازی بود و در شعر تسلی تخلص مینمود.

بنوشته رضا قلیخان در مجمع الفصحا :
 ((اسمش آقا رجبعلی و شغلش مذهبی در تذهیب اوراق و تهذیب اخلاق مقبول و مطبوع اهالی افاق بود. این شعر از اوست .

تسلی کر دمی خواهی بکام خویش دوران را - ترا افلاک دیگر باید و سیاره دیگر
 بنوشته فرصت در (آثار عجم) معلوم میگردد، ما در فرصت شیرازی دختر همین رجبعلی مذهب
 بوده و با این عبارات در آن کتاب یاد کرده است .
 ((والده ماجده مصنف صبیح رجبعلی خان مذهب متخلص به تسلی را بزوجیت گرفته شیراز را مسکن
 مالوف می نماید))

۳۷۳- رحمان قلی

یکی از نگار گران شیرین قلم و پر استعداد کتاب معروف انوار سهیلی مضبوط در موزه بریتانیا
 است که شرح کتاب را در احوال (آننت نقاش) مفصلاً یاد کرده ام .
 از آثار معروف و دلپذیر این هنرمند که بشماره ۲۲ و با عبارات ذیل :
 ((و نظاره میکرد که ناگاه مورچه از سقف ایوان بر سینه)) ارائه شده تصویر پادشاهی است که
 در رختخواب خوابیده و مورچهای در روی سینه اش بوضوح دیده میشود . میمونی که در اطاق پادشاه قرار
 دارد خنجر بدست گرفته و روی سینه پادشاه نشانه رفته و قصد هلاک وی را داشته که مورچه از سقف
 ایوان بر سینه پادشاه افتاده و او را بیدار کرده است .
 در گوشه دیگر، مردی که در گوشه اطاق کمین کرده دست میمون را گرفته و از این عمل باز میدارد .
 نقاشی در کمال مهارت و تردستی است . و رقم دارد . ((رحمان قلی))

۳۷۴- رحیم

باسجع انحصاری (یا رئوف و یا رحیم) معروف گشته و از قلمدان سازان پرهیز دوره فتحعلی شاهی
 میباشد . از آثار رقم دار این هنرمند قلمدان گل و بلبل شیوائی دیدم که باستانی و حلاوت خاصی
 تصویر شده و حواشی و کناره ها نیز تذهیب و حل کاری ماهرانه داشت و رقم نقاش چنین بود .
 (یا رئوف و یا رحیم ۱۲۳۷)

۳۷۵- رحیم

قلمدان ساز دوره ناصری بود و در آبرنگ نیز مهارت داشت .
 این هنرمند گل و مرغ را بشیوه لطفعلی شیرازی و علی اشرف معروف خوش می کشید و به نیکوترین
 ترتیبی آرایش میداد .
 از آثار او دیده ام .

۱- قلمدان استادانه و دلپذیر بود که زمینه زرد نخودی داشت و به گل و مرغ استادانه تصویر شده
 بود این قلمدان که واقعا "پرمایه و چشم نواز بود حواشی برگها و گلها را به طلا اندود کرده، بروی
 قلمدان رقم داشت . (یا رحیم)

۲- دیگر از آثار ارزنده آقا رحیم تصویر گل سرخی به آبرنگ بود که دلربائی خاصی داشت . در روی
 لاله های گل سرخ سه پروانه رنگین که در حال پرواز بودند دیده میشدند که به پرداز استادانه و
 حلاوت تمام ترسیم شده و رقم داشت . (یا رحیم ۱۲۹۵)

۳- دیگر اثر این هنرمند قلمدان گل و مرغ استادانه بود که زمینه سیر داشت و در شیوه آقا لطفعلی

عمل آمده و رقم داشت . (کمترین رحیم)
 ۴- شاهکار پر پیرایه این نقاش گل و برگ سیاه قلمی بود که در حاشیه فرمانی از ناصرالدین شاه جلب
 نظر می نمود که رقم داشت . (یا رحیم)

۳۷۶- رحیم دکنی-اول

با مشاهده دو نقاش هم نام بنام رحیم دکنی که فعالیت یکی از آنها در سالیان ۱۱۱۸ و دیگری
 حدود سالیان ۱۲۲۵ ه.ق. مسجل میباشد، معلوم میگردد افراد مزبور نقاشان هم اسمی بوده اند
 که هر یک در زمان خود خوش درخشیده و آثاری نیز از خود بیادگار نهاده اند .
 ما در اینجا نقاش قدیمی را که از حیث قدرت قلم نیز برتری چشم گیری داشته بنام رحیم دکنی
 اول و دومی را که رشته فعالیتش در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار بوده بنام رحیمی دکنی ثانی
 یاد کرده ایم .

حال به احوال رحیم دکنی (اول) پرداخته و آثار بجا مانده وی را بررسی مینمائیم .
 بطوریکه در ذیل ارقام بجا مانده هنرمند یاد شده اهل دکن بوده و در سالیان اوایل قرن ۱۲
 ه.ق. و اواخر قرن ۱۷ میلادی فعالیت هنری داشته است . از طرفی با مطالعه آثار بجا مانده وی
 معلوم میگردد این هنرمند در مجلس آرائی و چهره پردازی و ارائه قامت رعنا و البسه رنگین هم
 شهریان و تشعیر و حل کاری و ارائه گل و مرغ و اجرای رموز و دقایق تصویر بتمام معنی صاحب قدرت
 بوده است .

متأسفانه بیش از این اطلاعات مختصر که از آثار بجا مانده وی معلوم گشته آگاهی زیادی به احوال
 وی نداشته و در اسناد و کتابهای مربوطه آن زمان نیز کوچکترین نامی از این هنرمند یاد نگشته است .
 از آثار پر مایه و دلغریب این هنرمند که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن مضبوط است، جعبه
 جواهرات لاک (روغنی) است که در صحنه یکی از اطراف آن، تصویر نوازندگان فتان و دلبران هندی
 به حسن سلیقه تمام ترسیم شده و رقاصه زیبا و دلغریبی در وسط باغ هنرمنائی میکند. این اثر پرهیز
 از آثار پر آذین رحیم بوده و از هر نظر شایسته تحسین میباشد .

۲- دیگر از آثار شیوای هنرمند، تصویر شاهزاده جوان هندی است که روی صندلی نشسته و خدمه
 مخصوص وی در کنار دیده میشود . در روبروی وی، دختر زیبا و پر آذینی که لباس فرنگی پوشیده و
 کلاه اروپائی بسر گذاشته و با غمزه تمام در مقابل شاهزاده ایستاده، جلب نظر میکند .

این اثر برانزنده که در چستر بیتی دابلین قرار دارد، یکی از بهترین آثار رحیم دکنی است که
 بخط شکسته قلم موئی رقم دارد . (رقم بنده رحیم دکنی)

۳- دیگر از آثار این هنرمند، قلمدان هائی بود که در حراج سال ۱۹۸۱ پاریس بفروش رسید. یکی از
 این قلمدان ها که شکل بیضی کشیده داشت و جعبه ای بود، زمینه سبز سیر داشت، در داخل سه
 مدالیون رویه قلمدان تصویر شاداب و دلغریب زنان طناز هندی بود که در زمینه سرسبز و برگهای
 خوشه انگوری جلوه دل انگیزی داشتند، در زیر قلمدان که برنگ قرمز حنائی بود برگهای خوشه انگوری
 طلائی باستانی نقش بسته و به خط قلم موئی رقم داشت . (رقم بنده رحیم دکنی)

قلمدان دیگری که آن نیز بشکل بیضی کشیده داشت گل و مرغی پر حلاوت بود و در دیواره های آن
 گل های دسته ای زیبا جلب نظر مینمود . در داخل قلمدان و زیر درب بالائی آن که زمینه زرد رنگ
 داشته و گل و مرغ قرمز خوش رنگ بروی آن نقش بسته بود، بخط شکسته استادانه رقم داشت و تاریخش
 چنین بود . (فی شهر سنه ۱۱۱۸)

۴- دیگر از آثار چشم نواز هنرمند، قلمدان بسیار ارزنده ای بود که در زمینه سیر آن، برگهای

تشعیری و حل کاری طلائی استادانهای نقش گشته و در سه مدالیون مختلف، مجلس زیب افزای زیبا رویان زن و مرد هندی بود که با البسه و آرایش تمام عیار هندی جلب توجه مینمودند. حواشی و دیواره‌های قلمدان نیز گل‌های پر آذین بود. و در زمینه لاک‌ی و برگ‌های خوشه انگوری و حل کاری رقم داشت. (رحیم دکنی)

۳۷۷- رحیم دکنی - ثانی

نقاش اوایل سلطنت فتحعلیشاهی است که برادری بنام نقاش حسن دکنی داشت. دو آبرنگ مختلف از آثار این دو برادر دیدم که هر کدام تصویر خود را نقاشی کرده و رقم نهاده بودند. یکی از تصاویر که صورت رحیم دکنی بود، نقاش مزبور کلاه عمامه‌ای بزرگی بسر نهاده بود که حواشی آن ترمه فتحعلیشاهی بود. استاد رحیم که مردی ۴۰ تا ۴۵ ساله بود ریش داشت و مرد میان سالی بنظر میرسید. او لباس بلندی پوشیده و روی زمین نشسته و بنقاشی اشتغال داشت و رقم نقاش چنین بود. (۱۵ ربیع الثانی ۱۲۲۶ - شبیه خود را از دست خود کشیده غلام رحیم دکنی)

دومین اثر هنرمند که قلمدانی در کمال نفاست بود، تصاویر افرادی را در سه مدالیون مختلف نقاشی کرده و در بالا و پائین آنها مناظر دل انگیز و مجلس آرائی ارائه داده بود. حواشی قلمدان گل و مرغ ریز داشت و رقم نقاش چنین بود. (رحیم دکنی ۱۲۲۵)

۳۷۸- رحیم عباسی

آبرنگ ساز دوره زندیه و اوایل قاجار بود و در گرفت و گیر حیوانات و نقش جانوران سرشته داشت. از آثار رقم دار این هنرمند و در حراج کریستی سال ۱۹۷۶ اثری دیدم که در حد خود پر مهارت بود. در این آبرنگ، شتری در حال استیصال دیده میشد که بچنگ ازدهای قوی هیکلی دچار گشته و در حال جان کندن بود. ازدها با کمال قدرت دهن خود را باز کرده و کله حیوان را بدهان گرفته و خورد میکرد. حواشی اثر، تذهیب دلفریب داشت و رقم نقاش چنین بود. (رحیم عباسی رقم شد)

۳۷۹- رحیم کاشانی

اهل کاشان و نقاش رنگ و روغن کار و آبرنگ ساز اوایل قرن ۱۴ ه.ق. بود. این هنرمند تصاویر خود را در سبک مخصوصی پرداز میزد و در شبیه سازی دست پرمایه داشت. از آثار رقم دار این نقاش، تصور رنگ و روغنی ناصرالدین شاه را دیدم که سوار بر اسب شده و تا حدودی استادانه بود و رقم داشت. (رقم خلق الله رحیم کاشانی)

دیگر اثر نامبرده، شمایل حضرت محمد (ص) و عموی آن حضرت و شیخ عبدالله انصاری بود که به سبک مخصوصی چهره سازی شده و رقم داشت. (فرمایش قبله گاهی عبدالرحیم عطار. عمل کمترین رحیم کاشانی ۱۳۱۰)

۳۸۰- رسام ارژنگی (عباس تبریزی)

نقاش شیرین قلم معاصر بود و در آبرنگ و رنگ روغن دست داشت. از آثار استادانه این هنرمند تابلوی باشکوه و پر قدرت نادر شاه افشار است که در کمال فخامت تصویر شده و یکی از بهترین آثار وی بشمار می آید. مرحوم ارژنگی در آب رنگ و گل و مرغ و مجالس

بزمی و رزمی پرابتکار و پر کار بود و اغلب در شیوه قاجاری تصویر می آفرید. از بهترین آثار آبرنگی این استاد که اصل آن در مجموعه نگارنده است، تصویر دختر دلربای ایرانی است که با حلاوت تمام بین گل‌های سرخ جای گرفته و بهترین نمونه ذوق و قدرت ابتکار نقاش میباشد. تصویر شماره (۴۲)

استاد ارژنگی در ادبیات نیز دست داشت و شعر را بامزه می سرود. احوال بیشتر این هنرمند را در کتاب جداگانه‌ای که مختص هنرمندان معاصر خواهد بود به تفصیل بیان خواهیم داشت.

۳۸۱- رستم علی

درویش مسلک بود و در هنر ناخنی دست پر قدرت داشت. از این هنرمند اثری دارم که در اوایل قرن ۱۴ ه.ق. انجام یافته و در نوع خود بسیار پرمهارت است. اثر مزبور دسته گل زیبایی است که در میانه آن مرغ درشت هیکلی که بال‌های گسترده دارد جلب نظر میکند. حواشی نیز نقش‌های ناخنی دارد. رقم دارد. و در چهار گوشه تصویر صورت خورشید خانم دیده میشود. (یا صاحب کرم رستم علی)

۳۸۲- رسول خان

فرزند عزیز خان و نقاش مکتب گلکنده قرن ۱۷ میلادی هند بود. زیباترین اثر رقم دار این هنرمند که در اواخر قرن ۱۷ میلادی انجام یافته، تصویر شاهزاده بلند بالا و خوش قامت ریش‌داری است که بر اسب سوار شده و در صحرا پیش میرود. نقاشی و رنگ آمیزی آن درخور تمجید بوده و بخط رقا ع ساده رقم دارد. (العبد الضعیف رسول خان عزیز خان)

۳۸۳- رشید از رگر

بنوشته نصر آبادی:

((زرگر از تبارزه عباس آباد اصفهان است، در فن زرگری و مینا کاری مثل نداشت پس از مدتی نهید رفته و باعتبار صفت خود در خدمت پادشاه عصر کمال اعتبار داشت))

وفات وی قبل از اتمام کتاب (تذکره نصر آبادی ۱۰۸۱) اتفاق افتاده است.

۳۸۴- رضا عباسی - رضا شعر - رضا مصور - رضا

از شرح حال رضا عباسی و استادان دیگر نقاشی در تواریخ و تذکره‌ها، شرح میسوط و مستدلی که روشنگر زندگی و حالات آنها باشد، اسناد معتبری را سراغ نداریم و اگر شرح کال مختصری از شعرا و ارباب قلم که ندرتا "بعنوان تفتن دست بقلم برده و نگارگری کرده‌اند، در این نوشته‌ها ببینیم بقدری اندک و بی مایه است که در مقابل عظمت هنری آنان بسان قطره‌ای در دریا میباشد.

رضا عباسی نقاش معجزه‌گر و چهره ساز افسون کار نیز از این نوادر دوران است که ما باحوال او چنانچه باید و شاید آگاهی نداریم و حتی اسکندر بیک ترکمان که همعصر و همزمان نزدیک او بوده است گویا بعناد و سهل انگاری نامی از این هنرمند در تاریخ خود نبرده است.

اما با دریافت اطلاعات متفرقه و اندکی که در زیر نویسهای رقم دار آثار این هنرمند دیده میشود، مختصری از احوال رضا عباسی را برای ما آشکار میسازد که خود غنیمتی گرانبها میباشد. نزدیکترین

منبع نزدیک به عهد رضا عباسی، کتابی بنام لب خلاصه العلوم است که در زمان زندیه و توسط میرزا محمد کرمانی نگارش یافته و بصراحت از نقاشی بنام رضا عباسی یاد کرده است.

خوشبختانه آثار فراوان و اصیل رضا عباسی، در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی در دسترس بوده و از جمع نکات بجا مانده، از جمله در اثر نیمه کاره‌ای که بدست معین مصور شاگرد با استعدادش باتمام رسیده، مدارک مبهمی را برای ما آشکار می‌سازد.

با همه این احوال، بعضی از محققان داخلی و خارجی آقا رضا فرزند علی اصغر کاشانی را که شرح حال آن در این کتاب یاد خواهد شد، یکی دانسته و بروایت از مقاله خانم زهرا داعی‌زاده در روزگار نو جلد ۴ شماره ۵، علیرضا عباسی خوشنویس دوره صفوی را با رضا کاشانی مقایسه کرده و در شرح حال رضا عباسی مواقع لوندی و ارتباط با نامردان رضا کاشانی را که به هند رفته است، بحساب رضا عباسی گذاشته و راجع به سن پهلوانی او نیز داستانها سر داده‌اند.

و حتی پروفیسور میتوخ در کتابی که بسال ۱۹۱۴ در شهر مونیخ بچاپ رسانده، و تصاویری نیز در این باب ارائه داده، (۱) رضا عباسی نقاش را با علیرضای عباسی خوشنویس یکی دانسته و یکی از آثار رقم دار خطاط را نیز ارائه داده که چنین رقم دارد.

(هوالفرد. کتبه العبد الذنب الاحقر الافقر علیرضا عباسی غفراله ذنوبه فی سنه ۱۰۱۰)

و ما ناگزیریم برای درک و تفهیم بیشتر علاقمندان، شرح حال جداگانه سه هنرمند معروف آن دوره یعنی علیرضا عباسی و آقا رضا کاشانی و رضا عباسی نقاش مورد بحث را که هر یک بنفسه در هنر خود مقام والائی داشته و اغلب احوالات آنها با یکدیگر مخلوط شده و شبهه ایجاد کرده، باختصار بررسی مینمائیم.

۱- علیرضای عباسی خوشنویس دربار شاه عباس بزرگ که در خط ثلث و نسخ و رقاع و نستعلیق مهارت زایدالوصفی داشت و هفت قلم را استادانه می‌نوشت و کوچکترین مطلبی از صنعت تصویر نمیدانست. او معاصر و معارض میرعماد معروف بود و تا سالیان ۱۰۳۸ ه.ق. در قید حیات بوده است.

۲- آقا رضای کاشانی فرزند علی اصغر کاشانی نقاش بوده و شرح حال او را قاضی احمد منشی در گلستان هنر به تفصیل یاد کرده و نوشته که در اول مورد التفات شاه زمانه بوده و بعدها بعلت اختلاط با جماعت لوندان اوقاتش ضایع شده و به هندوستان رفته است. او فرزند بنام ابوالحسن نادر الزمان داشته که از نقاشان پر مهارت و طراز اول دربار جهانگیر شاهی هند بوده است.

۳- دیگر رضا عباسی نقاش مورد بحث است که نه خطاط بوده و نه به هندوستان رفته و با جماعت لوندان و کشتی‌گیران نیز روابطی نداشته است.

حال که نقاش مورد نظر را از دو همنام هنرمندش متمایز کردیم، باید دنبال مفتاح دیگری باشیم که سن تقریبی و تاریخ تولد و مرگ وی را تا حدودی تعیین نماید. در تصویری که از قیافه حقیقی رضا عباسی بجا مانده و بزعم نگارنده مثل سایر مشاهیر نقاشان قدیمی گویا از روی آینه ترسیم کرده و بوسیله معین مصور اصلاح و اتمام یافته است، در حاشیه آن بوسیله معین مصور چنین قید شده است. (شبهه غفران و رضوان آرامگاهی مرحومی مغفوری استاد رضا عباسی مشهور به رضا عباسی اشعر)

۱- این کتاب قدیمیترین کتاب چاپی است که در مورد رضا عباسی منتشر گشته و گو اینکه در بعضی موارد اشتباهاتی دارد ولی چون حاوی مطالب ارزنده میباشد در نوع خود جالب و ستودنی است. تصاویر این کتاب را اولین بار آقای مظفر بختیار در مجله معارف اسلامی و در تاریخ فروردین ماه ۱۳۵۰ و شماره ۱۲ نشر کرده و بحث نموده است.

بتاریخ شهر شوال باقبال سنه ۱۰۴۴ آبرنگ گردیده بود که در شهر ذوقعه الحرام شهر مذکور از دار فنا بعالم بقا رحلت نمود و این شبهه بعد از چهل سال در چهاردهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۸۴ حسب الفرموده فرزندی محمد نصیرا باتمام رسانید معین مصور غفر غنه ذنوبه).

در نقاشی دیگری که عین نقاشی بالا و بهمان سیاق و ترکیب و بدست معین مصور و بسال ۱۰۸۷ یعنی ۳ سال بعد از تعمیر تصویر استاد خود بسال ۱۰۸۴، همه مراتب رقم بالا را نوشته و در آخر نوشته: (پنجم صفر سنه ۱۰۸۷ بیادگار و بجهت مرقع باتمام رسید مبارک باد مشقه معین مصور غفر عنه ذنوبه) که منظور، در این نوشته، فقط اثر سال ۱۰۸۴ معتبر میباشد. از این مدرک مستند معلوم میگردد که فوت رضا عباسی در شهر ذی قعدة الحرام سال ۱۰۴۴ ه.ق. اتفاق افتاده و بعالم بقا شتافته است. از طرفی اگر با دقت بیشتری بصورت و قیافه او کنجاو باشیم، مردی ۶۰ تا ۶۵ ساله‌ای را می‌بینیم که عینک ذره‌بینی بچشم گذاشته و مشغول نقاشی است. در اینصورت اگر تاریخ تولد او را بحدس ۹۷۹ تا ۹۸۰ بدانیم، معلوم میدارد که این هنرمند بسن ۶۵ سالگی و در سال ۱۰۴۴ وفات یافته است. حال که تاریخ تولد حدسی او معین گردید. بذکر قدیمی‌ترین اثر نقاش که دارای امضای اصیل و تاریخ‌دار می‌باشد می‌پردازیم. کهن‌ترین اثر رقم‌دار رضا که از آثار معتبر و با ارزش او بشمار می‌رود، تصویر میرزا خواجگی است که در مشهد و در خدمت یاران نقاشی کرده است. از این تصویر دو اثر یکسان بجا مانده که یکی اصیل و دیگری جعلی و از روی اصل ساخته شده است، خوشبختانه تصویر هر دو اثر اصل و بدل در صفحه ۵۶ و ۵۷ مجله هنر و مردم شماره ۱۷۳ را برت انگ ارائه و چاپ شده است، ما تصویر شماره ۱ صفحه ۵۶ را جعل و بدل دانسته و صحبت ما روی تصویر شماره صفحه ۵۷ می‌باشد که چنین رقم دارد.

(در مشهد مقدس آخر روز جمعه دهم محرم الحرام در دولت خانه و در خدمت یاران

ساخته شد راقمه رضا سنه ۱۰۰۷ خصوصا "صاحبی میرزا خواجگی سلمه الله)

باندازه ۶/۹ × ۱۱/۴ سانتی‌متر. این تصویر مرد معم و چاقی را نشان میدهد که کلاه از سر برداشته و سر خود را میخاراند. در این اثر زیبا، امضا و اصل تصویر اصالت داشته و از بهترین کارهای اوایل رضا عباسی میباشد. (۲)

در میان تصاویر اصیل و بجا مانده رضا عباسی و در سالیان ۱۰۰۷ تا ۱۰۲۰ که اولین سال دریافت لقب عباسی میباشد، متأسفانه آثار رقم‌دار و صحیح او بسیار اندک است و چه‌بسا کار او با تصاویر رضا کاشانی که احوالش در جای خود خواهد آمد، مخلوط گشته و شناسائی و تفکیک آنها را از همدیگر مشکل‌تر کرده است.

پر واضح است بغیر از شناسائی و پختگی اثر هر نقاش، شناسائی امضای او در مرحله بعدی قرار گرفته و متأسفانه تاکنون در مورد امضاها و شناخت اسکلت و ترکیب امضای رضا عباسی که دارای نکات مشخصه و متمایز نیز می‌باشد، بررسی و تحقیق نشده است و نگارنده نخستین بار در مجله هنر و مردم شماره ۱۸۰ بشرح علائم و شناسائی آن اقدام نموده که در اینجا نیز مختصراً "یادآوری مینمائیم. (۳) با مطالعه آثار باقی مانده نقاش، بوضوح در می‌یابیم که رضا عباسی، اغلب امضای خود را با قلم موی نقاشی پس از اتمام تصویر امضاء کرده و نقاشی را باتمام میرسانید. او قبل از دریافت لقب عباسی خود را بنام (مشقه رضا - یا رضا مصور و یا رضا و یا کمینه رضا) خوانده و بعد از ملقب شدن به لقب

۲ و ۳- نگاه کنید به مقاله نگارنده در مجله هنر و مردم شماره ۱۸۰ صفحات ۶۶ الی ۷۵ و مجله نقش و نگار شماره ۳ سال ۱۳۳۶ صفحه ۱۸.

عباسی که از سال ۱۰۲۰ هجری شروع شده است، با رقم رضا عباسی یا کمینه رضا عباسی مرقوم داشته و بنام خود ثبت کرده است و جعل واقتباس این گونه امضاها فوق العاده مشکل بوده و تشخیص صحت و سقم امضاها برای اهل بصیرت بسیار ساده میباشد.

دوم - امضاها تیکه با قلم نی و بطریق خط نستعلیق و یا شکسته غبار نوشته شده و پر واضح است که این آثار بنام پادشاه یا وزیر و یا رجال صاحب نامی تصویر شده و نهایت دقت را در مورد امضاها بکار برده است. رویهمرفته میشود گفت که رضا عباسی بغیر از چند اثر شناخته شده بسیاری از رقم‌های خود را بخط شکسته مخصوص خود که علائم زیر را دربر میگيرد ثبت کرده است.

او حرف (ی) را همیشه کشیده نوشته و حروف (س-ش) در اغلب رقم‌ها بی دندان است. کلمه (کمینه) را کشیده نوشته و حرف (ه) مثل کلمه غره یا ذی القعدة بحرف ما قبل چسبیده و تشدید (ب) روی عباسی مطلقا در امضاها اصیل دیده نمی‌شود.

زیر حرف (س) در تمام نوشته‌های خود سه نقطه گذاشته و این مورد بیش از پنجاه نمونه بارز دارد. بعلاوه رمز انحصاری قابل توجهی که در بیش از صدی نود آثار اصیل او دیده میشود همانا درج کلمه "هو" در بالا و عدد ۵ در پائین است که بعقیده نگارنده درج کلمه "هو" در بالا یادآور نام نامی با عظمت باری تعالی بوده و عدد ۵ بتقارن "هو" در پائین مرقوم شده است و مقصود نقاش از درج شماره ۵ همانا کتابت پنجمین حرف از حروف ابجدی که بشماره ۵ تعیین شده و یا ارائه کلمه (یا قدوس) پنجمین نام از ۳۱ اسماء مبارکه الهی میباشد که بنحو استادانه‌ای در آثار خود بکار برده است.

حال که به چگونگی امضاها و تنوع او واقف شدیم، بهتر است در مورد سبک و شیوه نقاشی او که در حقیقت ابداع کننده مکتب جدیدی در زمان خود می‌باشد بپردازیم.

با درج مطالبی در ذیل یکی از آثار خود که نوشته (این صورت کار استاد محمدی هراتی به مهر اشرف مشرف و مزین گردید) ممکن است یکی از شاگردان استاد محمدی و یا اینکه مقلد آثار او بوده است. ولی با بررسی و تعمق زیاد در آثار او بخوبی در می‌یابیم که رضا عباسی با ترسیم خطوط دورانی و موزون ناپایدار خود که به استادی تمام بر روی کاغذها نقش می‌بست، تصاویر خیالی و ابداعی بی‌همتایی را که با قدرت تکنیکی پر مهراتی همراه بوده ارائه داده است و اگر مختصر لرزش و پیچش ناشیانه قلم ایجاد می‌گردید، تنوع آرایش نقاشی بهم خورده و یکدستی و یکسانی اثر از بین می‌رفت. همین درک هنر موج و بدیع نقاش است که برتری هنر او را بر سایرین آشکار ساخته و اصل را از بدل روشن می‌سازد.

تصاویر ابداعی و شاهکار او که بزعم نگارنده از صورت پریرویان خوش تراش و ساقیان دربار اقتباس شده بسیار جالب است. او قیافه و جمال آن ماهرویان را در نهایت اصالت و دلربائی و با چشمان بادامی و ابروان کمانی تصویر نموده و دهنی چون غنچه و نو شکفته آنان را با چشمانی پرتما به سرمستی و لوندی عرضه کرده است. با دقت نظر به زیبایی رویه لباس و نقش و نگار بیکه از جمع سنبل و پیچک‌های هرز بوجود آورده به استادی رضا عباسی ایمان می‌آوریم و بزبان حال و در عمق ضمیر زمزمه میکنیم که بهتر از این غیر ممکن است.

رضا در جمع اندام‌ها، اندک چاقی چشم‌گیر و شکم مختصر برآمده که زیبایی خاصی بنقاشی میدهد، حالت لوندی و دلربائی زن را با خطوط ساده و استادانه خود طوری برملا ساخته که از عهده نگار گران دیگر میسر نمی‌باشد.

رضا عباسی در رشته‌های دیگر هنری نیز دست شیرین داشت و در گرفت و گیر و جانور سازی و آرایش مجالس رنگی به روی پارچه‌ها و کاشی‌ها استاد نادره کار بود.

یادگارهای شگفت انگیز و دلپذیر او در قطعات و مرقعات و کتابها و جلد‌ها و جنگ‌ها که بطرق گوناگون و متنوع آرایش نقاشی کرده است، آثار قلم سحر آفرینش را جاودانی می‌سازد.

نقاشی‌های بزرگ و دیواری او که بعناد و دشمنی خاندان قاجار با هنر دوران با عظمت صفوی زیر خروارها گچ مدفون شده بود که حالیه بیرون آمده و مایه اعجاب و شگفتی ناظران میباشد. بطور خلاصه تعریف و ارائه تمام آثار ارزنده رضا عباسی در این مختصر امکان نداشته و بهتر است که آثار این هنرمند را در مجموعه‌ها و موزه‌ها بازدید کرده و به مهارت و نازک قلمی وی بیشتر آشنا گردیم. (اولاد و فرزندان رضا عباسی)

بزعم عده‌ای از هنر شناسان داخلی و خارجی، محمد شفیع عباسی را که از هنرمندان مشهور شاه عباس دوم بوده و از همین پادشاه لقب عباسی گرفته و بسال ۱۰۸۵ در آگره فوت کرده است. فرزند رضا عباسی دانسته و بروایت و ارائه سندی موجود در کتابخانه ملی پاریس که در حاشیه یکی از آثار رضا عباسی قید شده: (به نتیجه محمد شفیع اهدا شد) اتکا نموده و بجهاتی بدون مآخذ و مدرک مستند او را فرزند رضا عباسی خوانده‌اند. بعقیده نگارنده محمد شفیع فرزند رضا نبوده و چه بسا ممکن است از شاگردان علاقمند آخر عمر رضا باشد. زیرا نام بردن ساده و کم عیار استادی بزرگوار، چون رضا عباسی و احیاناً نام پدر مشهور هنرمند خود، که در آن زمان‌ها صاحب القاب والا و ممتازی بوده و بتقرب شاه صفوی نیز مفتخر بوده است، با لفظ معمولی و بی پیرایه زمان (آقا رضا رحمه الله) نمی‌شود یاد کرد. زیرا استاد معین‌مصور که استادی هم طراز رضا عباسی بوده، در حاشیه کار تکمیلی خود که بعد از چهل سال انجام شده او را بهتر از فرزند واهی خود یعنی محمد شفیع ستوده و چنین نوشته است. (شبیه مرحمت و مغفرت پناهی مرحومی جنت مکانی استادم رضا عباسی علیه الرحمه) پس بدین قرائن میشود قبول داشت که محمد شفیع فرزند رضا عباسی نبوده و درج این کلمات در ذیل یکی از آثار خود (به نتیجه محمد شفیع اهدا شد) شاید موهبت استادی رضا بوده که به تبعیت از روش استادان قدیمی که شاگردان را فرزند خود می‌دانستند، او را نتیجه کار خود معرفی کرده است. اما با دقت و بررسی آثار باقی مانده رضا عباسی و قرائت مطالب حواشی تصاویر اصیل او، بحدس بدون ارائه سند معتبر، میشود محمد باقر را فرزند یگانه و منحصر بفرد رضا عباسی دانست.

۱- رقم اصیل در ذیل اثری منتشر شده بشماره ۶۴ کتاب هنر ایران چاپ مسکو به سال ۱۹۶۸ باین مضمون. (هر بجهت اعزّی محمد باقر طول الله عمره ایدا" ساخته شد رقم کمینه عباسی ۵)

۲- رقم اصیل در تصویری چاپ شده و در صفحه ۹۱۷ کتاب پروفیسور پوپ بمضمون.

(هو- فرزند محمد باقر آنچه سفارش کردم می‌ادا از خاطر محو شود که

عذر مستمع نیست انشاء الله تعالی. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

در این اثر، تصویر پیر مردی است که سوار بر اسب شده و نیزه و کمان در حمایل دارد. اسب او وارد چشمه شده و مشغول آب خوردن است. یک جوان دیگر که تفنگی به همراه دارد نشسته و مشغول آب خوردن است و با پیرمرد صحبت میکند. در بالای کوه‌ها یک جوان دیگری که او نیز تفنگ بدست دارد دیده میشود. در دورنمای بالای کوه درختان کوهی و چندین مرغ تصویر شده و معلوم میگردد این افراد شکارچیان هستند که جهت شکار بصحرا آمده‌اند.

۳- رقم اصیل دیگری که بشماره ۱۱۵ در کتاب آلبوم لنین گراد تالیف S.MASLENITSYNA چاپ شده و رقم آن چنین است.

(جهت فرزندی اعزی محمد باقر طول الله تعالی اتمام رسید چهارم رجب سنه ۱۰۲۳ این مشق شد)
(رقم کمینه رضا عباسی عفی عنه)
تصویر شماره

در مورد استادان و شاگردان رضا عباسی اطلاع مستند زیادی نداریم، ولی آنچه مسلم است، از آثار نوابغ و تصویر سازان مشهور ایرانی استفاده‌ها برده و در بعضی موارد از روی آثار آنها چهره پردازی مجدد کرده است. در بین آثار بجا مانده‌اش که در این مقال نیز ذکری از آنها خواهد رفت، چند نمونه از بهزاد سلطانی و یک نمونه از استاد محمدی هراتی دیده میشود که بنوشته نقاش از روی آنها چهره گشائی مجدد کرده و به تردستی و مهارت نیز از عهده برآمده است. از طرفی با مطالعه بیشتر آثار این هنرمند و حلاوت و شکوفائی تصاویر او چنین بر میآید که یا از شاگردی استاد محمد هراتی برخوردار بوده و یا اینکه از باز سازی و چهره‌گشائی مجدد آن، رموز و دقایق بی بدل تصویر را یاد گرفته و گوی سبقت را از دیگران ربوده است.

از شاگردان معروف و مشهور رضا عباسی که در حد خود از استادان طراز اول و نادره کار زمان خود بوده‌اند یکی استاد، معین مصور است که در تصویر سازی و نزاکت قلم شهره آفاق بوده است. رضا عباسی معینی مصور را بسیار دوست می‌داشت و او را بمثابة فرزند خود می‌دانست و در بعضی از آثارش از او به نیکی و عظمت یاد کرده و او را فرزندی اعزی معینا خطاب نموده است. دیگر از شاگردان مشهور وی، شفیع عباسی - افضل مصور حسینی - شیخ محمود و حبیب الله مشهدی و شاه قاسم میباشند که احوال آنها در جای خود آمده و یا خواهد آمد. اینک تعدادی از آثار اصیل و شناخته شده رضا عباسی که رقم اصیل داشته و در مجموعه‌ها و موزه‌ها مضبوط میباشد ارائه میدهیم:

۱- شیر نشسته سیاه قلم که بسیار استادانه و پر مهارت بوده و رقم داشت:

(هو بهجت فرزندی اعزی معینا مشق شد. رقم کمینه رضا عباسی)

۲- تصویر سیاه قلم گل و برگ زیبا که تمام صفحه را پر کرده و مرغی که سر بزیز انداخته و روی شاخه نشسته و دانه میخورد. این اثر از کارهای اصیل رضا عباسی بوده و رقم داشت.

(هو در شب سنه ۱۰۳۷ از بهزاد علیه‌الرحمه نقل شد. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۳- جوانی نشسته و شال گردن خود را بدست گرفته و کلاه سبکی به سر نهاده است. پیر مرد خنده‌رو و پر حالتی خم شده و پیاله شراب را باو تعارف میکند. روی زمینه نقاشی، سیب و گلایی دیده میشود و رقم دارد.

(رضا مصور)

۴- از بهترین آثار رضا عباسی در کتابخانه گلستان تهران، تصویر جوان رعنائی بنام درویش بهشتی همدانی است که دو زانو روی پارچه‌ای نشسته و کلاه درویشی قرمزی بسر گذاشته و بشراب خواری مشغول است. رقم دارد بخط نستعلیق زیبا.

(هو - صورت درویش بهشتی همدانی غره جمیدی الاول سنه ۱۰۳۴ با تمام رسید رقم کمینه رضا عباسی ۵)
۵- دو اثر زیبا در کتاب خانم مارا اشرفی بنام PERSIAN TAJIK POETRY در صفحات ۱۱۰ و ۱۱۱ که در صفحه ۱۱۰ جنگ گیو با لهاک است که لهاک پیاده شده و اسبش زخمی شده و در گوشه‌ای افتاده است. فرشید با نیزه باو حمله میکند. سواران و نقاره زنان از پشت کوه دیده میشوند. در روی زین اسب رقم دارد. (رقم کمینه رضا مصور) و در صفحه ۱۱۱، حمله کیخسرو به شهر رومیان است که لشکریان ایرانی، با نفت دروازه شهر را آتش زده و مشغول بازگشائی در قلعه میباشند، در بالای قلعه، مدافعین رومی با تیر و کمان بدفاع پرداخته و سنگ پرتاب مینمایند. رقم دارد به روی درب دروازه.
(رقم زد کمینه رضا مصور. یا مفتاح الابواب)

۶- تصویر نشی کماندار که مرد بد قیافه و بلند قدی میباشد، شکم او برآمده و پای چپش زخمی شده است، کلاه مخصوص بسر گذاشته و بیک دست کمان و در دست دیگر قلیانش را دود میکند. روی کوزه قلیان عکس جوانی رسم شده و رقم دارد. (هو صورت نشی کماندار) و بقیه رقم نقاش که پاک شده بود با ذره بین قرائت کردم چنین بود:

(روز چهارشنبه یازده شهر ربیع الاخر با تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

عکس این اثر، در صفحه ۲۹ کتاب آنتونی ولج بچاپ رسیده است. در این کتاب آثار دیگری نیز از رضا عباسی ارائه شده که مختصراً یادداشت میشود.

۷- در صفحه ۱۲۶ این کتاب، مردی شاخ بزی را گرفته و با او بازی میکند. رقم دارد. (مشقه رضا)
۸- ایضا در صفحه ۳۱ آن. جوانی برازنده تسبیح بدست گرفته و لباس و کلاه صفوی بتن کرده و ایستاده است. حواشی تصویر، تذهیب اسلیمی دارد که با ابیاتی اشعار فارسی به نستعلیق زیبا تلفیق شده است. مهری در گوشه چپ و با سجع (عبده ابوطالب) دیده میشود. رقم دارد.

(راقمه رضا)

۹- دیگر در این کتاب و در صفحه ۳۲ آن. دو تصویر در یک جا ارائه شده. تصویر اولی، مرغ زیبای ایستاده‌ای است که کناره‌های وی را شاخه و برگها احاطه کرده و رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)
در پائین صفحه، تصویر بسیار زیبایی است که زن و مرد جوانی مشغول معاشره بوده و ندیمه جوان بآنها شراب میدهد. زمینه تصویر، مناظر ابری و درخت است که روی سنگی رقم دارد.

(مشقه رضا عباسی)

۱۰- دیگر از آثار رضا در این کتاب، مجلس استحمام شیرین است که در صفحه ۷۵ کتاب چاپ شده است. در این اثر پر ملاحظت، شیرین لخت شده و لباسهای خود را روی درختی انداخته و خسرو از پشت کوهها نظاره میکند، اسب شیرین در کناره جلب نظر مینماید و بیرون از جدول رقم دارد.

(در روز دوشنبه بیستم شهر صفر سنه ۱۰۴۲ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی)

۱۱- تصویر جوان رعنائی است که کلاه عمامه‌ای بسر گذاشته و پیاله‌ای بدست گرفته و مست شده است. لباس او بلند و افتاده است و شالی بکمر دارد. دست خود را بروی درختی گذاشته و ایستاده است، منظره و شاخه‌های درخت، از پشت سر دیده میشود. رقم دارد. (مشقه رضا)
مضبوط در موزه لور پاریس.

۱۲- تصویر جوان بلند بالائی است که با کلاه و لباس بلند دیده میشود. دکمه‌های لباسش تا شال کمر امتداد یافته و نوشته‌ای بدست دارد که روی آن نوشته:

(هو - نزدیک بمردم ز شوقت - بگذار ز دور یک نظاره) رقم دارد (مشقه رضا)

مضبوط در کتابخانه دانشگاه اسلامبول.

۱۳- اثر زیبای این هنرمند که در موزه استکهلم قرار دارد، پیر مرد مغولی است که ریش و سبیل بزی داشته و عمامه مخصوص بسر دارد. یقه‌های لباسش باز و دکمه‌دار بوده و شالی بروی آن محکم کرده است. پیر مرد دو زانو نشسته و در مقابلش سیب و گلایی دیده میشود. رقم دارد.

(رقم کمینه خاکسار رضا)

۱۴- اثر دیگر رضا عباسی، تصویر پیر مردی است که بطن قوی از کارهای اولیه نقاش بحساب میآید. در این مینیاتور، مرد کهن سالی کلاه کوچک عمامه‌ای بسر گذاشته و ریش و سبیل افشان دارد.

پیر مرد، عبای بلندی که تمام بدن وی را پوشانده بتن کرده و دو زانو بروی زمین نشسته است، این مرد، که گویا نقاش یا خطاط می‌باشد، وسایل کتابت و نقاشی در اطراف وی دیده میشود. رقم دارد.

(مشقه رضا)

۱۵- دیگر از آثار رضا عباسی، تصویر فرهاد عاشق پیشه است که شیرین و اسبش را حمل میکند. کوه و مناظر کناره‌های تصویر، استادانه بوده و رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)

۱۶- اثر دیگر، تصویر مرد جوانی است که در بالای بلندی نشسته و نی انبان می‌نوازد. کلاه و شلوار و چکمه‌هایش به استادی نقش شده و رقم دارد.

(هو- بتاریخ سلخ ربیع الثانی مشق شد. رقم کمینه رضا عباسی سنه ۱۰۳۳)

۱۷- تصویری از اوایل آثار رضا عباسی بود که مرد مهتری لباس عربی پوشیده و کلاه مخصوص بسر گذاشته و اسب خود را تیمار میکند، کناره‌ها و متن آن تذهیب شیوائی داشته و بخط نستعلیق آرایش شده و رقم داشت.

این اثر بشماره ۱۶۸ در کتابی بنام THE IMPERIAL IMAGE IN PERSIAN PAINTING چاپ سال ۱۹۷۷ دیده میشود.

۱۸- اثر دیگری از این هنرمند که در کتاب ISLAMIC PAINTING و بشماره ۸۱ ارائه شده بود، تصویر نشسته پیر مردی بنام استاد محمد علی مذهب بود که کلاه عمامه‌ای سفید بسر گذاشته و عبا سفیدی بروی لباسها انداخته بود. پیر مرد شکم چاق و برجسته‌ای داشت و در مقابلش وسایل کتابت دیده میشد و رقم داشت. (رقم کمینه رضا عباسی) و در بالای اثر نوشته بود:

(صورت استاد محمد علی مذهب شیرازی که از هند آمده بود)

۱۹- پرمایه‌ترین اثر دیگر نقاش، تصویر تمام قد جوان خدمتکاری بود که لباس دوره صفویه پوشیده و سینی بدست گرفته و گویا قهوه تعارف میکند. کلاهش پوست سموری پردار زیبا و لباسش با آرایش دلغریب آن دوره که گل و مرغهای شکوفا داشت، در متن لباس جلوه‌گر بود و رقم داشت.

(هو- در روز پنجشنبه بیستم شهر ذی قعدة سنه ۱۰۳۸ به اتمام رسید - رقم کمینه رضا عباسی ۵)
۲۰- اثر دیگر، تصویر دو دل‌داده پر ملاحظت بود که یکدیگر را بغل گرفته و براز و نیاز مشغول بودند. رقم داشت.

(هو- در روز سه‌شنبه هشتم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۳۹ به اتمام رسید - رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۲۱- شیواترین اثر دیگر هنرمند که بعینه شبیه تصویر شماره ۱۹ بوده و منتها ارقام مختلف داشت، قیافه پر حالت و لباس پر آرایش جوان خدمتکاری بود که قهوه درست میکرد. مرد جوان کلاه پردار صفوی بسر گذاشته و در مقابل، ساور قهوه جوش جلب نظر میکرد و رقم داشت.

(هو- غره رجب المرجب ۱۰۳۹ با تمام رسید - رقم کمینه رضا عباسی ۵)

مضبوط در موزه هنرهای تزئینی تهران

۲۲- اثر دیگری که از این هنرمند در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار دارد، تصویر مرد جوانی است که دو زانو نشسته و بشراب ریختن مشغول است. صورت زیبا و کلاه مخصوص و لباس ابری او جالب بوده و در رویه زمین، سبد پر انار دیده میشود. رقم دارد.

(هو- در روز شنبه چهارم شوال با اقبال با تمام رسید - رقم کمینه رضا عباسی ۱۰۳۲)

۲۳- آثار اصیل و چشم نواز رضا عباسی که در گالری GOLANCHI لندن بنمایش بود، در یک کتاب خطی بسیار معتبر به خط میر عماد معروف بود که بسال ۱۰۲۳ تحریر شده بود. خوشبختانه جمله این آثار را از نزدیک دیده و یادداشت‌ها برداشته‌ام. و از طرفی همه این تصاویر بچاپ رنگی و سیاه سفید در کتابی بنام (PERSIAN AND MUGHAL ART) منتشر گشته که مختصراً در اینجا ارائه میگردد.

۲۴- الف. در صفحه ۶۸ کتاب مزبور، تصویر رنگی پادشاهی است که روی تخت سلطنتی جلوس کرده و به بالش گل‌داری تکیه داده است. خدمه مخصوص که دو تا بحالت ایستاده و دوتای دیگر مشغول

ساقی گری شراب هستند نشسته‌اند. دو بیت، شعر ترکی که شاید از اشعار امیر علیشیرنوائی باشد در این نقاشی دیده میشود. رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)

ب. این اثر زیبا، در صفحه ۶۶ کتاب ارائه شده و موضوع آن گم شدن نقدینه پولی است که شخص مزبور هراسان شده و مسئله را از دیگران استفسار مینماید. رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)

پ. تصویر سلیمان نبی است که حصار در مقابلش با احترام ایستاده و دیو قوی هیکلی چوب بدست، منتظر فرمان است. رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی) صفحه ۱۴۰ کتاب

ت. تصویر چاپ شده در صفحه ۱۴۱ کتاب است که جوانی بزیر چادر رفته و شراب میخورد. در چند چادر دیگر که بشیوائی نقاشی شده، عده‌ای بصحبت مشغول میباشند. از پشت کوه و درخت تنومند، شتر سواری دیده میشود که نزدیک میرسد. روی پارچه چادر، رقم دارد. (رقم کمینه رضا عباسی)

ث. دیگر اثر چاپ شده در این کتاب، تصویر شاهزاده‌ای است که نشسته و پیر زنی باو نامه میدهد. یک مرشد محرم و یک خدمه جوان در زمینه دیده میشود. رقم دارد.

(رقم کمینه رضا عباسی) صفحه ۱۴۲ کتاب.

ج. تصویر دیگر رضا عباسی که در صفحه ۱۴۳ این کتاب چاپ شده، شمایل حضرت یوسف به افسردگی است که در ماتم و دوری یوسف نشسته و فرشته‌ای در حضور قرار گرفته است. دو احباب دیگر که آنها نیز غمناک و دردمند هستند، در بیرون خانه نشسته‌اند. رقم دارد.

(رقم کمینه رضا عباسی)

چ. آخرین تصویر زیبای استاد که در این کاتالوگ چاپ شده. تصویر پیرمرد سر برهنه‌ای است که دو شاخه گل را به جوان سرمستی که سرپا ایستاده و شراب میخورد، تعارف میکند. رقم دارد.

(رقم کمینه رضا عباسی)

۲۵- دیگر تصویر این هنرمند، پیرمردی در کلاه و لباس دوران صفوی بود که ریش و سبیل بلند داشت. این مرد که گویا نقاش یا محرر بود، روی بالشی که زیر بغل داشت، تکیه داده بود و در مقابلش وسایل کتابت از قبیل قلم و دوات و کتاب دیده میشد و رقم داشت.

(هو- در روز جمعه بیست و یکم شهر جمیدی الاخر شب نوروز)

سنه ۱۰۳۵ با تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۲۶- اثر زیبایی دیگر رضا عباسی را که از نزدیک و در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ دیدم. تصویر پر حالت درویشی بود که کلاه مخصوص پره‌دار بسر گذاشته و بیک دست عصا و در دست دیگرش چند برگ رنگی دیده میشد. لباسش بلند بود و در زمینه مرغ‌های طلائی داشت. زمینه تصویر را با برگهای سنبلی و چناری پر کرده بود و رقم داشت.

(رقم کمینه رضا عباسی)

۲۷- هشت تصویر بدیع و دلچسب رضا عباسی که در کاتالوگ روسی چاپ مسکو انتشار یافته بود دیده میشد که باختصار در اینجا ارائه میگردد.

الف - تصویر خوش منظر دختران و پسران جوان بروی چمن‌ها بود که سرها از باده ناب گرم شده و بروی زمین باغ افتاده بودند. چند جوان دیگر سرپا ایستاده و یکی دیگر مشغول نوازش زن زیبایی بود که سرمست بنظر میرسید. در گوشه دیگر، جوانی پیاله شراب را به دست خود تعارف میکرد. منظره درختان و ابرها و همچنین حواشی تصویر در کمال امتیاز بود و رقم داشت.

(هو- رقم کمینه رضا عباسی ۵) تصویر شماره ۵۹ کاتالوگ

ب. تصویر شماره ۶۰ کاتالوگ که واقعا "در نهایت قدرت و زیب افزائی مصور شده بود. مجلس باده گساری و عیش و طرب بود، پیر مردی در گوشه‌ای نشسته و خدمتکاری که بچه خود را به پشت بسته

بود بخدمت مشغول بود. منظره چنار بزرگ و کوه و حواشی آن به حل کاری پرمایه‌ای تصویر شده و رقم داشت.

(هو- در روز دوشنبه غره شهر ذی قعدة سنه ۱۰۲۰ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
پ. تصویر شماره ۶۲ کاتالوگ، پیر مردی است که کلاه دوره صفوی بسر گذاشته و ریش کم پشت دارد. رقم اثر چنین میباشد:

(هو- در روز پنجشنبه ۶ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۴۴ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
ت. موضوع شکل ۶۳ کاتالوگ. منظره سیاه قلمی، رقص درویشان بود که در تالار بزرگی برقص و سماع مشغول بودند و رقم داشت.

(در روز جمعه هجدهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۳۱

این مجلس آبرنگ شد. رقم کمینه رضا عباسی)

ث. شکل شماره ۶۴ کتاب. تصویر مردی بود که به کلاه مخصوص وی دو پره باریک نصب شده و پالتو بلند پوستی پوشیده بود. پیرمرد بیکدست ظرف کوچکی گرفته و در دست دیگرش چراغ موشی نفتی جلب نظر میکرد. رقم داشت.

(هو- بجهت فرزندی اعزی محمد باقر طول الله عمره ایدا" ساخته شد. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
ج. در شماره ۶۵ کاتالوگ. تصویر چوپانی است که بچوب دستی تکیه داده و مشغول حفاظت بز و گوسفندش می باشد. سگ کوچک چوپان نیز در کنار وی دیده میشود. منظره چنار بزرگ در وسط تصویر جالب است. رقم دارد.

(هو- در روز پنجشنبه پنجم شهر ذی الحجه ۱۰۲۳ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
چ. ایضا در این صفحه، تصویر پیر مردی بنام درویش عبدالمطلب همدانی بود که لباس بلندی پوشیده و کلاه درویشی بسر نهاده و پارچه سنگینی مثل شال به گردن انداخته بود. آستین‌های بلندش تا زیر زانوان ادامه داشت و رقم نقاش چنین بود.

(هو- صورت درویش عبدالمطلب همدانی غره جمیدی الاول سنه ۱۰۴۱

به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

ح. اثر بی نظیر دیگر رضا عباسی که بشماره ۶۶ در این کاتالوگ چاپ شده بود. تصویر فوق العاده زیبای شاه عباس و حکیم شمس محمد بود که در نوع خود برانزده بود. در این تصویر دلفریب، شاه عباس پیاله شرابی را به شمس حکیم تعارف میکند. حکیم که مردی تنومند بوده و عمامه مخصوص بسر گذاشته، پیاله شراب را دریافت میکند. آرایش و پیرایش و همچنین رنگ آمیزی صحنه تصویر، بسیار زیب افزاست. خادم جوانی، پشت سر شاه عباس ایستاده و دو نفر دیگر دهنه اسب شاه را بدست گرفته‌اند. درختان تزیینی پر شکوفائی در زمینه دیده میشود و رقم دارد.

(هو- حسب الفرموده حاجی خداوندی مقرب الخاقانی حضرت جالینوس

الزمانی حکیم شمس محمد حفظ الله تعالی عین الافات الزمان در روز جمعه

هفدهم شهر رجب المرجب سنه ۱۰۴۲ این مجلس با تمام رسید.

راقم افقر العباد کمینه رضا عباسی عفی عنه)

۲۸- اثر زیبایی از این هنرمند در موزه کتابخانه چار توریسکی لهستان قرار گرفته که رقمش چنین است:

(هو- این مجلس طرح غفران پناهی علیه الصلاة و المغفره روز پنجشنبه شهر

شوال با اقبال ۱۰۲۹ به اتمام رسید. رقم شکسته کمینه رضا عباسی مبارک باد)

۲۹- دو اثر چاپ شده در مجله روزگار نو که اولی، جوانی را بطری بدست و در لباس فرنگی و شغل مخصوص ارائه داده که بسبک خارجیان کلاه لبه‌دار بسر گذاشته و رقم دارد.

(هو- در روز یکشنبه پانزدهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۳۷ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)
دیگر تصویر جوانی است که روی بالشی دراز کشیده و به سگ خود آب میدهد. رقم دارد.

(هو- در روز پنجشنبه بیست و دوم شهر رمضان المبارک ۱۰۴۳ بجهت.....

با تمام رسید. برهنه پا و سر عشقم دواند. دوان کوچون غلامان فرنگی)

(رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۳۰- دیگر اثر رقم دار. تصویر مارگیری است که مار میگیرد و یک نفر در انتهای تصویر ناظر صحنه است. رقم دارد.

(هو- در روز جمعه دهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۴۱ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۳۱- دیگر اثر استادانه هنرمند که گویا بسفارش حکیم شمس اجرا شده بود، تصویر مرد نخ‌ریسی بود که بکار نخ‌ریسی مشغول بود و رقم داشت.

(هو- در روز شنبه یازدهم شهر رجب المرجب این طرح شد. بواسطه جریده صاحبی ام

حضرت جالینوس الزمانی حکیم شمس سلمه الله تعالی عن الافات. رضا عباسی ۵)

۳۲- تصویر دیگر شمایل عبدالمملک استر آبادی است که به خمیر کردن آرد و پختن نان مشغول میباشد. او کلاه درویشی بسر نهاده و کفشک آهنی وی بروی زمین دیده میشود و رقم دارد.

(هو- غره جمیدی الاول سنه ۱۰۴۱ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

و در پائین نوشته. بجهت سلطان الفقرا درویش عبدالمملک استر آبادی.

۳۳- اثر دیگر، تصویر جوان منجمی است که در دست کاغذی گرفته و این بیت شعر، بروی آن جلب نظر مینماید. مصوران بقلم تار مو کشند - نیارود از سر حسرت دهان تنگ‌ترا.

او نیم تنه کردی که دور کردنش پوست سمور دوخته شده به تن کرده و بروی دامن خود پوشیده است. رقم دارد.

(حسب الامر صاحبی ام افضل المنجمین میرزا محمد مغیث سلمه الله تعالی

این چهره را گشودم. کمینه رضا عباسی)

۳۴- دیگر اثر پر حلاوت نقاش. تصویر مجنون بصحرا است که با حیوانات محشور گشته است. منظره کوه و درختان استادانه بوده و مجنون روی سنگی نشسته و خرگوشی بدست گرفته. رقم دارد.

(هو- روز چهارشنبه دوازدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۰۳۸

این مجلس با تمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی عفی عنه)

۳۵- اثر دیگر. تصویر چوپانی است که نشسته و کلاه خود را به مزاح روی سر گوسفند انداخته و نظاره میکند. رقم دارد.

(سلخ ذی قعدة سنه ۱۰۴۱ آبرنگ شد. رقم کمینه رضا عباسی)

۳۶- تصویر رقم دار دیگر، زن چادر بسری است که روی بالشی تکیه داده و نشسته است. زن جوان که آینه‌ای بدست دارد نگاه میکند. وسایل آرایش و عطر گلاب در کناره دیده میشود. رقم دارد.

(هو- در روز سه شنبه دوازدهم شهر ربیع الآخر سنه ۱۰۲۷ به اتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی ۵)

۳۷- دیگر تصویر تمام قد جوانی است که لباس اروپائی پوشیده و کلاه و شاپوی پردار به سر گذاشته و شمشیری بکمر آویخته است. رقم دارد.

(رقم کمینه رضا عباسی)

۳۸- تصویر تمام قد زن پر حالتی که لباس مخصوص پوشیده و چهار قد مشکی بسر کرده و روی آن پر سبز رنگی زده و بادبزی بدست گرفته و صورت خود را باد میزد. رقم داشت.

(رقم کمینه رضا عباسی)

۳۹- اثر پر زینتی که در کتابخانه CHESTER BEATTY موجود است. تصویر جوان زیبایی است که کلاه خزدار بسر نهاده و دونیم تنه زرد و بنفش رنگ به روی هم پوشیده و شالی بکمر بسته است. در دو دست جوان، ظرف کروی شکلی دیده میشود که بالای شال کمر قرار گرفته است. شلوار بلند و زیبایی وی که زمینه گل و مرغ و ابری دارد، بسیار زینت افزاست. در زمینه نقاشی، درخت سنبل و برگ چناری دیده میشود و رقم دارد.

۴۰- دیگر از آثار برجسته این هنرمند، کتاب خسرو شیرین مضبوط در موزه ویکتوریا آلبرت لندن میباشد. این کتاب که بوسیله عبدالجبار نستعلیق نویس مشهور آن دوره کتابت شده، شامل هفده تصویر فوق العاده است که بسال ۱۰۴۲ ه.ق. اجرا شده و رقم رضا عباسی دارد.

۴۱- تصویر دیگر که در کاتالوگ گالری محبوبیان چاپ شده، منظره کوه و درختان و ساختمان است که زیبایی نقش بسته است. در گوشه‌ای مرد پیری سنگی را از زمین بر میدارد، در طرف دیگر، یک نفر که شمشیر بکمر بسته وارد خانه میشود. بالای ساختمان نیز تصویر پیر مردی جلب نظر مینماید. در سمت راست بخط قلم موئی نوشته:

در پائین و در گوشه راست تصویر و در داخل مستطیل رقم دارد.

(روز دوشنبه بیست و هفتم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۲۸)

استاد بهزاد علیه الرحمه... کمترین بنده درگاه رضا عباسی آبرنگ کرد)

۴۲- مینیاتور دیگر، شکل پر مهارت پیرمردی است که روی زمین دراز کشیده و دست راست خود را بزمین تکیه داده است. ریش و سبیل پیر مرد تویی و بلند است و در زمینه برگهای بزرگ چناری دیده میشود. رقم دارد.

(در روز چهاردهم ذی حجة الحرام سنه ۱۰۳۱ باتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی)

۴۳- سیاه قلم دیگر، تصویر استادانه مرد پیری است که به عبا و کلاه عمامه‌ای ملبس بوده و به عصا تکیه داده است. ریش و سبیل سیاه رنگ است و پسرک خردسال پریشانحالی دامن وی را گرفته و در تمنای خواهشی است که از پیر مرد تقاضا مینماید. این اثر که در موزه ایران باستان مضبوط است. رقم دارد.

۴۴- دیگر تصویر استاد. تصویر منادیوی است که با ازدهای قوی هیکل مصاف میدهد. در این نقاشی دیو بصورت مرد قدرتمندی که قیافه شیر داشته و دندانهایش بیرون آمده با ازدهائی که دست و پای ویرا چسبیده و پایش را گاز میگیرد در حال نبرد است. رقم قلم موئی دارد.

(هو- در روز سه‌شنبه دهم شهر شعبان المعظم سنه ۱۰۴۱)

باتمام رسید. رقم کمینه رضا عباسی)

۴۵- دیگر اثر شیوای استاد که بنام آقا رضا امضا کرده. تمثال زنی است که زیر چادر نشسته و به نخ‌ریسی مشغول است. در کنار چادر یک شتر و یک الاغ دیده میشود. در پشت چادر، مرد شبانی است که با پسر خود نمایان است. در وسط تصویر، مرد صاحب مقامی است که سوار بر اسب شده و پوستین پوشیده و عصای بلندی بدست گرفته، با یکی از همراهان صحبت میکند. در انتهای اثر، یک درخت و مردی که کاسه بدست گرفته و آب می‌آورد، دیده میشود. در بالای تصویر بخط قلم موئی رقم دارد.

(رسم الخزانة نواب کامیاب اشرف اقدس سمت تحریر یافت. حرره آقا رضا)

در کنار درخت نوشته: (روز چهارشنبه پنجم شهر شوال الاقبال سنه ۱۰۳۸ آبرنگ شد ۵)

۴۶- دیگر از کارهای اصیل رضا عباسی که در کاتالوگ (تالیف S.N. GUPTA و سال ۱۹۲۲ کلکته) دیدم. تصویر دو پیرمردی بود که یکی پا و دیگری سر الاغ را محکم چسبیده و نعلبند/مشغول نعل کردن آن

بود قیافه نفرات و شکل یابو و مناظر زمینه در کمال مهارت بود و رقم داشت.

(هو- در روز سه‌شنبه دهم شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۳۷)

از طرح استاد مظفر علی..... کمینه رضا عباسی)

۴۷- تصویر دیگر که از کارهای بهزاد تقلید کرده بود، منظره تپه و ماهور بود که تک درخت کهن سال خشکیده‌ای در مقابل پل رومی دیده میشود. در بالای تپه پیر مردی دیده میشود که چادر بسر کرده و سوار الاغ شده بود. در پیش وی، مردی بسان شاطرهای سابق که کوله‌بار به پشت و عصای بلند برشانه داشت در پیشاپیش حرکت میکرد. در کنار درختی، جوانی تکیه و افسرده که شاید مجنون معروف بود، سگ نحیف و لاغری را بغل گرفته و روی زمین نشسته بود. این اثر باستانی تمام نقش شده و رقم داشت.

(هو- طرح غفران پناهی استاد بهزاد علیه الرحمه و رقم کمینه رضا عباسی)

روز چهارشنبه ۵ شهر جمیدی الاخر سنه ۱۰۳۵ باتمام رسید ۵)

۴۸- دیگر از آثار دلنواز رضا عباسی که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن بیادگار است، تصویر خسرو نامدار است که با مشت آهنین و تک و تنها با شیر مصاف میدهد و دو نفر زن و مرد جوان در کنار ناظر صحنه هستند. منظره عمارت و افق صحرای نیلگون که از پنجره نمایان است دیدنی است. کناره اثر نیز تذهیب شیوایی داشته و رقم دارد.

(رقم کمینه رضا عباسی)

۴۹- اما زیباترین آثار این هنرمند را که از نزدیک دیدم، تصویر جوانی بود که بالش منقشی زیر بغل گذاشته و بفکر فرو رفته بود. کلاه خزدار و لباس آبی رنگ و پوستین سبزش جالب بود.

تنک شراب و سینی میوه در مقابلش جلب نظر مینمود. در زمینه برگ چناری زیبا دیده میشود. این اثر پر ملاحظه که حتی پوستر بزرگ آن نیز بچاپ رنگی منتشر شده بود، در حراج ۲۱ آوریل سال ۱۹۸۰ در ساتبی لندن بفروش رسید. رقم این اثر ارزنده چنین بود.

(بجهت خدام نتیجه الوزرائی میرزا محمد شفیع سلمه اله ساخته شد -

رقم ذره بیمقدار کمینه رضا عباسی) تصویر شماره (۲۹)

۵۰- دیگر از آثار پر اعتبار و پرمایه رضا عباسی، چهره جوان برازنده‌ای که روی کرسی چهارگوشی نشسته و کتابی را مطالعه میکند. اصل این تصویر که از آثار شایان تحسین استاد محمدی هراتی است. حسب الامر پادشاه زمان، بوسیله رضا عباسی چهره پردازی گشته است. صورت پر حالت و زیبایی و حلاوت کلاه و لباس و تزئین زمینه تصویر درخور تحسین است. رقم دارد.

(حسب الامر نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی خلد اله ملکه، این صورت

کار استاد محمدی هراتی علیه الرحمه و المغفره، فقیر احقر العباد چهره

گشودم و بمهر اشرف مشرف و مزین گردید. رقم کمینه رضا عباسی)

۵۱- دیگر اثر رقم دار رضا عباسی تصویر پیرمرد محترمی است که دو زانو نشسته و ریش و سبیل بلند دارد. دستهای پیرمرد در آستین فرو رفته و لباس و روپوش بسته‌ای بتن کرده است. در مقابل نسخه کتاب و دوات دیده میشود. در مقابل وی جوان شادابی است که پیاله شراب را به پیرمرد تعارف میکند. رقم دارد.

(رقم کمینه رضا عباسی. جهت سلطان الفقرا رحیما ساخته شد)

۳۸۵- رضا عکاسباشی

فن عکاسی قرین و همدم هنر تصویر سازی است که حالیه نیز بمرور ایام از رده صنعت بیرون آمده و در جرگه هنرها قرار گرفته است.

خوشبختانه در میهن ما نیز همزمان با اشاعه هنر عکاسی در اروپا، رونق بیشتری پیدا کرده و بمرور ایام جزو مشاغل معمولی و مورد توجه مردم قرار گرفته بود.

چون شایسته بود از این هنر و پیش کسوتان اولیه آن نیز نامی برده شود؛ لذا آقا رضا عکاسباشی را که در این هنر مقام برجسته و ارجمندی داشته و مورد توجه حکومت وقت نیز بوده، باختصار معرفی مینمائیم.

رضا عکاس باشی فرزند آقا اسمعیل بود که به سال ۱۲۸۰ ه.ق. به لقب عکاس باشی و در سال ۱۲۹۰ به سمت آجودان مخصوص و در سال ۱۳۰۳ به اقبال السلطنه ملقب گردید. فرمان آجودانی وی که در کتاب مرآت البلدان یاد شده عینا در اینجا ارائه میگردد.

((آقا رضای عکاس باشی پیش خدمت خاصه که از عهد صبی و اوایل حال در آستان اعلی تربیت شده و در رجوع هر خدمت قابلیت خود را ظاهر کرده و خاطر ما را راضی داشته است، این اوقات منصب تحویلدار و جوه صرف جیب مبارک و جنسی را به عهده او محول فرموده محض رحمت خاطر مهر آثار او را به سمت آجودان مخصوص حضور مبارک اختصاص دادیم که به این موهبت قرین کمال مباحثات و سرافرازی بوده در خدمت محوله شرایط امانت و صداقت مرعی دارد. فی شهر شعبان المعظم ۱۲۹۰))

مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه در مورد صنعت عکاسی و احوال آقا رضا عکاسباشی چنین می نویسد:

((مسیو کارلیان که برای انتشار علم و عمل عکاسی با فرخ خان امیر الدوله از پاریس به طهران آمد، صنعت عکاسی را شایع کرد و چون خاطر خطیر همایون به رواج و ترقی این علم تعلق گرفت، خود ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی بر این علم اطلاع تمام یافته بر آن شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان خلوت همایون نیز، در این فن مهارتی تمام یابد که سفر و حضرا به موجب امر قدر قدرت ملوکانه آشنا و غریبه و ابنیه و آثار قدیمه را عکس بردارد و خاطر مبارک همایون در اوقات فراغت بدان مشغول سازد. پس آقا رضا پیش خدمت خاصه که امروز آجودان مخصوص حضور همایون و خازن جیب اعلیحضرت شاهنشاهی و محل وثوق و اعتماد کامل الصفات خسروانی و از خانه زادان حقیقی و تربیت یافتگان این دولت قوی شوکت است، به آموختن این علم شریف بر حسب امر همایون مامور گشت. چندی بر نیامد که از یمین توجهات ملوکانه در این علم تکمیل شد و شناسائی کامل حاصل نمود. خاطر مبارک خسروانی از این معنی خرسند گشته، مشارالیه را به عواطف ملوکانه مفتخر ساخته و از برای انتشار این علم و وسعت در این عمل، یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را به عکاس خانه مبارکه اختصاص داده و گاهی که از کارها فراغت حاصل میفرمودند، برای تماشا و ترقی این عملا "به آن جا تشریف میبردند.))

رضا عکاسباشی در سال ۱۳۰۷ و در باغ آجودانیه شمیران که از مستحدثات خودش بود به مرض سکنه در گذشت.

بهتر است در خاتمه مقال، یاد هنرمندان عکاس قدیمی را که به احوال و حالات آنها آگاهی زیادی نداریم، گرامی داشته و معدودی از آنان را که آرم و علامت مخصوص در ذیل اثر خود قید کرده و در بین مجموعه عکسهای قدیمی نگارنده قرار گرفته، جهت اطلاع علاقمندان و درج نام آنها در تایخ هنری ایران خدمت ناقابلی انجام داده باشیم.

برخی از اسامی و القاب و آدرس عکاسان قدیمی که در مجموعه قرار گرفته عبارت است از:

عکاسخانه خانه زاد رضای پیشخدمت و عکاسباشی حضور همایون اعلی ۱۲۸۰ (تصویر شماره ۴۸)

عکاسخانه مسیو آنتوان خان سوریوگین تهران سنه ۱۳۲۴ خیابان علاءالدوله درب میدان مشق طهران.

عکاسخانه پاپایانث دوره ناصری

عکاسخانه چالیک (رشت) ۱۳۴۲

عکاسخانه آقا میر آقا عکاس باشی آستان قدس ۱۳۲۰

عکاسخانه عبدالله قاجار دوره ناصری

عکاسخانه محمد علی قاجار ۱۳۱۵

عکاسخانه میرزا فرج اله عباد اف مشهد مقدس حدود ۱۳۱۹

عکاسخانه مبارکه نظامی - دارالخلافه ناصری خانه زاد محمد حسین قاجار

عکاسخانه میرزا حسن عکاس ۱۳۲۳

عکاسخانه میرزا مهدیخان خیابان خوش اصفهان ۱۳۳۲

عکاسخانه مدرسه مبارکه دارالفنون دارالخلافه ناصری عبدالله قاجار

عکاسخانه ماشاء الله خان خیابان ناصریه مقابل شمس العماره طهران سنه ۱۳۲۴

عکاسخانه شرکت شفق - خیابان پهلوی رشت (عیسی حسین سظلوم پور سرباز ساده ۱۳۴۹)

عکاسخانه شمس خیابان ناصریه سید محمد الحسینی حدود ۱۳۳۰

عکاسخانه حاج میرزا محمد صالح یزدی دوره ناصری

عکاسخانه حسین آقا - خیابان ناصریه تهران ۱۳۴۰

عکاسخانه ابوالقاسم بن محمد تقی نوری ۱۲۹۰

عکاسخانه مسیو روسیخان تهران خیابان علاءالدوله ۱۳۳۵

عکاسخانه خانزاد حشمت الممالک ۱۳۲۸

عکاسخانه میر سید علی طهران دوره ناصری

عکاسخانه ابراهیم خان ابن میرزا احمد خان صنیع السلطنه عکاس باشی ۱۳۱۰

عکاسخانه خان بابا حسینی دوره ناصری

عکاسخانه عکاس منوچهر ۱۳۰۶

عکاسخانه میرزا احمد عکاس دوره ناصری

۳۸۶ - رضا ابن علی اشرف

فرزند علی اشرف معروف و قلمدان ساز متبحر و استاد بود.

طرز کار و شیوه پرداخت گلها و تزیین و آرایش جوانب قلمدان معلوم میداشت، از سر چشمه هنر متعالی پدر فیضها برده و خود استادی عالیقدر گشته است.

از تنها قلمدان بجا مانده و رقم دار وی که حالیه جزو مجموعه نگارنده است، گل و مرغها را در کمال ریزه کاری ارائه داده و رویه آنرا به گل سرخ و سوسن و میخک و لاله آرایش کرده بود. حواشی قلمدان نیز گل و مرغی بود و رقم داشت. (رضا ابن مرحوم علی اشرف ۱۲۰۲)

۳۸۷ - رضا فاریابی

تصویر ساز و شبیه پرداز اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود.

تنها اثر بجا مانده این هنرمند، تصویر کامران شاه هراتی است که حالیه در کتابخانه ملی قاهره در مصر مضبوط میباشد.

۳۸۸- رضاقلی

در نقاشیهای روغنی و آب رنگ دست داشت و جانور سازی را نیک میدانست. از تنها اثر این هنرمند، جعبه انفیة دانی باندازه قوطی کبریت دیدم که در رویه آن تصویر شتری پر حالت نقش شده و رقم داشت. (رقم رضا قلی سنه ۱۲۷۷) مجموعه آقای منصور افشار

۳۸۹- رضاقلی شاهرخشاهی

جزو درویش بود و از نقاشان و خطاطان زبردست ناخنی بشمار میرفت. از آثار ناخنی و رقم دار این هنرمند، تصویر جنگ و گریز دو باز شکاری را دیدم که حالت نزاع آنها به تردستی ارائه شده و حتی پرهای سبک بال آنها نیز در هوا پخش شده بود. این اثر استادانه که در نوع خود ممتاز بود رقم داشت. (رضا قلی شاهرخشاهی ۱۲۷۵)

۳۹۰- رضا کاشانی- آقا رضا

کاشانی و از هنرمندان زبر دست اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود که بالقاب و اسامی (آقا رضا- آقا رضا مصور- آقا محمد رضا- کمترین آقا رضا- آقا رضا مرید باخلاص جهانگیر پادشاهی) معروف گشته است.

قدیمترین احوال مستند این هنرمند که در گلستان هنر یاد شده چنین است:

((آقا رضا و لد مولانا علی اصغر کاشانی است اگر زمانه بوجود با وجود او افتخار نماید می شاید، چون در تصویر و چهره گشائی و شبیه کشی نظیر و عدیل ندارد و اگر مانی زنده بودی و استاد بهزاد حیات یافتی، روزی یکی صد آفرین بر وی نمودی و دیگری بوسه بر دست وی نهادی، همگی استادان و مصوران نادره زمان او را باستانی مسلم دارند و هنوز ایام ترقی و جوانی او باقی است. وی در خدمت اشرف شاه کامیاب مالک رقاب سپهر رکاب سلطان شاه عباس خلد الله ملکه میباشد اما بغایت کاهل افتاده و اختلاط نامردان و لوندان اوقات او را ضایع میسازد و میل تمام بتمشای کشتی گیران و وقوف در تعلیمات آن دارد. یک مرتبه صورتی ساخته و پرداخته بود که شاه عالمیان بجایزه آن بوسه بر دست او نهادند))

اسناد دیگری نیز در این باب و در کتاب عالم آرای عباسی تالیف اسکندر بیک ترکمان منشی قید شده که پدر و پسر را چنین معرفی مینماید:

((مولانا علی اصغر کاشی استاد با قرینه و مصور پاکیزه ساخت و پرداخت و رنگ آمیز مفرد در کوره پردازی و درخت سازی از اقران در پیش بود. او نیز خدمت سلطان ابراهیم می بود. در زمان اسماعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد. پسرش آقا رضا در فن تصویر و صورت آرای و چهره گشائی ترقی عظیم کرده اعجوبه زمان گشت. در این عصر و زمان مسلم الثبوت است با آن همه نزاکت قلم به زور آزمائی و ورزش گیری هم مشغول است و نسبت به ارباب استعداد، باین گروه زیاد راه جسته ولی در این عهد نزدیک از آن هرزه ورزی باز آمده است. البته کار خود نمی شود و تنگ حوصله گی و بد مزاجی بروی مستولی شده است. در طبع وی استثنائی عجیب هست. از خدمت حضرت اعلی شاهی ظل الهی مورد عواطف گردید و رعایت های کل یافت، اما از اطوار ناهنجار خود صاحب اعتبار نشد و همیشه مفلس و پریشان حال است))

در تزوک جهانگیر، راجع به آقا رضا و فرزند هنرمندش مختصر اشاره ای کرده و او را هروی و خانه زاد معرفی نموده، ولی خود آقا رضا که در ایام صباوت و کودکی به جهانگیر پادشاه ارادت داشته و

از او حمایت ها دیده بود، خود را جهانگیر شاهی میخوانده و بآن افتخار میکرده است. با مطالعه اسناد بجا مانده مزبور، معلوم گردید آقا رضا مصور کاشانی فرزند علی اصغر کاشانی بود که خود از اساتید و معاریف نقاشی زمان بشمار میرفت و در نزد سلطان ابراهیم میرزا مقرب و معزز می زیست. رضا از کودکی در دامن پدر هنرمند خود و سایر استادان آن دوره از جمله عبدالصمد شیرازی پرورش یافته و بمرور ایام جوانی هنرمند بار آمده و برآموز و دقایق هنر تصویر سازی آشنا گشته بود.

آقا رضا در دربار شاه عباس کبیر، بعزت و حرمت تمام می زیست و از آن پادشاه رعایت ها میدید و چون بمرور ایام مهارت و استادی وی در امر چهره سازی و نزاکت قلم انگشت نما گردید، پادشاه صفوی جهت اعتلای نام و رفعت مقام وی فرمانی صادر کرد و او را مصور خاصه خود تعیین نمود. سواد فرمان مزبور که در گلستان هنر یاد شده چنین است: (۱)

((چون مصور کارخانه انه مصور الاشیاء و قادر علی مایشاء بمحض قدرت ازلی بقلم لم یزلی نقش نواب فلک جناب ما را به مقتضای آیه احسن صور کم در صفحه جهان و لوح خواطر بنی نوع انسان کالنقش فی الحجر تحریر و تصویر فرمود و پرگار وار کره خاک و دوائر افلاک را در تحت تصرف مکان ما آورد، لاجرم هر نقش مرادی که در صفحه اندیشه طرح و هم نگاشته قلم مانی رقم و بسان خط رخسار خوبان و مثال صفحه حل کاری خورشید پر زینت و زیب بر وفق مقاصد و مطالب چهره گشا میگردد و بشکر این مواهب عظمی همواره ما را نیز در صفحه خاطر خطیر این صورت نقش پذیر گشته که جمعی از هنرمندان نادره کار و نقاشان بدایع نگار که در زمان دولت روز افزون در ظل عواطف تربیت ما نشو و نما یافته اند، بر وجهی رعایت و تربیت فرمائیم که پیکر فراغت و رفاهیت ایشان به رنگ حصول امانی و آمال مصور بوده، مرفه الحال و فارغ البال روزگار گذارند. لهداشمهای از مراحم بی غایت شاهانه را درباره سعادت آثار نادره الزمانی و حید دورانی، آقا رضای مصور خاصه که از عنفوان شباب، آثار قلم معجز نگارش دستور العمل نقاشان نادره کار و مورد تربیت نواب همایون ماست فرموده)) (۲)

پس از مدتی که به لقب مصور خاصگی شاه رسید و بمقامات بالا عروج نمود، ظرفیت نگهداری و تداوم این افتخار را از دست داد و بنوشته تاریخ نویسان آن دوره، کارش بکاهلی افتاده و بعلت اختلاط با نامردان و لوندان پریشانحال و آواره گشته و از خدمت دربار مطرود گردید. آخر الامر هنرمند گرانبمایه و پر احترام که روزی پادشاه مغرور صفوی با احترام بوسه بر دستش نهاده بود، رسوا و دربدر گشته مجبور به جلای وطن گردید و به همراهی فرزند خردسالش ابوالحسن بدربار شاهان هندی رو آورد. نخستین اثری که در هند ترسیم نموده و خود را شناسانده است، تصویر پر ارزش شاه سلیم است که حالیه جزو ضائم مرقع گلشن در ایران می باشد. این اثر پر هنر که حلاوت و استادی کم نظیری دارد رقمش چنین است: (غلام باخلاص شاه سلیم آقا رضای مصور فی تاریخ ۱۰۰۸) و اگر تاریخ حرکت آقا رضا را یکسال قبل از خلق اثر بجا مانده اش بدانیم، یقیناً " سال ورودش بهند حدود سالهای ۱۰۰۷ خواهد بود و از طرفی با بررسی و قرائت امضای یکی از آثار ارزنده اش که بروی جلد مجله هنر و مردم شماره ۱۲۱ چاپ شده، بوضوح سن خود را آشکار ساخته و چنین رقم نهاده است: (در سن شصت سالگی ساخته شد. سنه ۱۰۳۰ عمل مرید باخلاص آقا رضا جهانگیر پادشاهی)

۱- صفحات ۱۵۰ و ۱۵۱ کتاب گلستان هنر به کوشش آقای احمد سهیلی خوانساری

۲- متأسفانه از بقیه فرمان اطلاعی بدست نداریم.

حال که بنوشته خود هنرمند، تاریخ تولدش بسال ۹۷۰ ه.ق. مسجل گردید، ما میتوانیم با مقایسه آثار بجا مانده اش سن واقعی وی را در موقع ورود بهند ۳۷ یا ۳۸ ساله بدانیم و نوشته یکی از هنر شناسان معاصر را که مرقوم داشته: (آقا رضا گویا در کهن سالی به شبه قاره آمده بود) اشتباه و بی اعتبار بدانیم.

اکنون که به احوال وی تا حدودی واقف گشتیم، بهتر است مختصر تحقیقی نیز درباره شیوه کار و نکات برجسته آثار وی چه در ایران و چه در هند که شیوه هایش فرق کرده داشته باشیم.

آثار قبل از سفر هند او دلربا و فریبنده و معلوم میداشت که پیرو مکتب استاد محمدی هراتی و عبدالصمد شیرازی بوده و در آرایش تصاویر و ارائه زیباییهای طبیعت و چهره پردازی پسندیده و نادره کار بوده است. متأسفانه پس از تغییر رفتار و معاشرت با لوندان و بی مایگان از دربار صفوی طرد گشته و از شهرت و اعتبار اولیه در افتاد و از طرفی با درخشیدن ستاره تابناک جوان دیگری چون رضا عباسی رونق بازارش کساد گشته و از مقامات والای خود سقوط نمود.

خوشبختانه موقعی که بهند رسید شانس و اقبال مجدداً بوی روی آورده و مورد توجه پادشاهان هنر شناس هند جلال الدین اکبر و فرزندش نورالدین جهانگیر (۱۵۱۴ - ۱۵۳۷) واقع گردید. چون شاهان مغول هند در آن زمانها آرزومند بودند که در جلال و شوکت و عالم آرائی بر شهریاران صفوی برتری یابند، بدین مقصود تشکیلات هنری معتبر و وسیعی را در اختیار این پدر و پسر هنرمند گذاشته و آنها نیز با لیاقت و کاردانی و با بسط و تلفیق هنر صفوی که از ایران بارمغان برده بودند، موفق بایجاد مکتب پر غنا و پرمایه ای شدند که ریشه ایرانی داشته و سالیان متمادی در آن دیار اشاعه و مورد دلخواه علاقمندان بوده است. آقا رضا در این زمانها خود را مرید باخلاص جهانگیر شاه میخواند و فرزندش نادرالزمان نیز به تبعیت از مقام پدر هنرمندش بدرج (مرید زاده های باخلاص) میاهی بوده است.

جهانگیر پادشاه در تزوک جهانگیری باین مطلب اشاره کرده و چنین نوشته است:

"در این ایام مصور ابوالحسن ملقب به نادر الزمان سرافراز گشت و مجلس جلوس مرا در دیپاچه جهانگیر نامه کشیده بنظر آورد و موجب الطاف فراوان گشت. تصاویر وی شاهکار زمان است، پدرش آقا رضا هروی در شاهزادگی مرا خدمت کرد و خانه زاد بود."

بدین اعتبار آثار بجا مانده اش زیب مرقعات سلطنتی و مجموعه های ارزشمند آن دوره قرار گرفته و نام پر آوازه اش مجدداً رونق تازه پیدا کرده است.

از تاریخ وفات و سن حقیقی وی اطلاع دقیقی بدست نداریم، ولی آنچه مسلم است در سال ۱۵۳۰ ه.ق. مردی ۶۰ ساله بوده و بعد از آن تاریخ معلوم نیست تا چند سال دیگر زنده و در قید حیات بوده است.

متأسفانه بعلت شباهت کارهای اولیه این استاد با تصاویر ارزشمند رضا عباسی، که در آن زمانها تنها رقیب و معارض آقا رضا محسوب میشده و رونق بالاتری داشته مخلوط شده و اغلب هنر شناسان را با اشتباه و خطا انداخته که ارائه صحت و سقم تصویرها جز بر ارباب بصیرت پوشیده میباشد. آثار اصیل و رقم دار وی عبارت است از:

۱- تصویر زیبا و نفیس این هنرمند را در یکی از مرقعات موزه ویکتوریا و آلبرت لندن دیدم که رقم (عمل رضا جهانگیر شاهی) داشت. در این اثر موزون، پیر مردی نشسته و عمامه سفیدی بسر گذاشته بود و ریش و سبیل بزی داشت و پیکان تیری که به عکس در دست گرفته بود دیده میشد. پیر مرد بعلاامت نشانه گیری یک پای خود را بزمین گذاشته و پای دیگر را بلند کرده بود. یک کمان آویزان و یک گرز فلزی بروی پای چپ دیده میشد.

۲- اثر دیگر هنرمند تصویر شماره ۲۹ کتاب انوار سهیلی مضبوط در بریتیش میوزیوم بود که شرح این کتاب را در احوال "آنتن" نقاش ارائه داده ام.

این تصویر، مجلس بزم سلطنتی است که شاه جوان با ندیمان نشسته و صحبت میکند. از نوشته بالای تصویر چنین بر میآید که یکی از خواص نزدیک، طبق زرینی زیر قبای خود پنهان کرده و شاه آنرا فهمیده است. در این اثر شایسته، شاه در وسط تالار نشسته و حلاوت پراذین فرشها و منظره درختان باغ و صحن مجلس ستودنی است. چند مطرب نوازنده در کناره دیده میشود و عده ای از نوکران بخدمت مشغول میباشند. در پائین جدول بخط قرمز رقم دارد. (آقا رضا)

این اثر در مجله هنر و مردم شماره ۱۸۲ چاپ و منتشر گشته است.

۳- نفیس ترین و زیباترین اثر دیگر نقاش که در رویه جلد هنر و مردم شماره ۵۳ و ۱۲۱ بعکس رنگی چاپ شده، تصویر نشسته شاهزاده جوانی است که باز شکاری بدست گرفته و دوزانو در مقابل پیرمرد محترمی قرار گرفته است. مرد تنومندی که گویا از محارم است، در کنار جوی آب دیده میشود. جوان دیگری که روی تخته سنگی نشسته، بناوختن عود مشغول است و اسب شاهزاده در گوشه چپ تصویر جلب نظر مینماید. منظره باغ و شیوایی درختان کاج و تصویر تازی شکاری و جوانک بالای کوه و منظره ساختمان بسیار جالب است و رقم دارد.

(در سن شصت سالگی ساخته شد ۱۵۳۰ عمل مرید باخلاص آقا رضا جهانگیر پادشاهی)

موجود در ضامم مرقع گلشن تهران.

۴- اثر دیگر نقاش، تصویری در مرقع گلستان است که پادشاهی دوزانو در خدمت پیر مردی لاغر اندام نشسته و صحبت میکند. پیر مرد مزبور در میان برکه آب و درختی بلند دوزانو بروی زمین نشسته و قوش باز و کماندار سلطنتی در پشت سر پادشاه دیده میشود. یکی از ندیمان مرشد، کنار دست وی قرار گرفته و درخت پر برگ زیبایی که بروی آن درخت انگوری پراکنده گشته، نمایان است روی تکه سنگی رقم دارد.

(مرید باخلاص آقا رضا)

۵- اثر پر زیب و زینت دیگر این هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته عبارتند از:

الف - مجلس شاهانه و جمع نوازندگان. با رقم. (عمل رضای مرید پادشاه سلیم) (۳)

ب - تصویر مرد جوانی که نامه میخواند. با رقم. (بنده با اخلاص آقا رضا)

پ - تصویر شاه سلیم با دوستان خود در صحرا است که رقم دارد.

(آقا رضا مرید باخلاص عمل نادر الزمانی جمعه تمام شد)

۶- تصویر شاهزاده جوانی است که شاهین شکاری بدست گرفته و دوزانو در مقابل مرشد پیر قرار گرفته است. منظره کوهها و درخت چنار تنومند و تصویر چند مرغ و لانه آنها که بزیبائی روی درخت ظاهر ساخته و همچنین قیافه استادانه مجسمه سنگی پیر مردی که بالای کوه ارائه شده و چه بسا ممکن است شمایل خود نقاش باشد، در روی سه عدد سنگ رقم دارد.

(بنده باخلاص شاه سلیم رقم آقا رضا)

۷- اثر دیگری که در کتاب ISLAMIC PAINTING ارائه گشته مجلس درباری پر جلالی است که

۳- منظور نقاش از شاه سلیم شیخ سلیم شاه چشتی بود، که از اعظم صوفیه هند بشمار می رفته و آقا رضا نسبت باین مرشد حقیقت ضمیر ارادت خالصانه داشته و در اغلب تصاویر قیافه مرشد خود را ارائه داده است. از طرفی باید بدانیم جهانگیر قبل از رسیدن بیادشاهی شاه سلیم نیز خطاب میشده است.

شاه و ملکه روی تخت نشسته و دو نوازنده مطرب به هنرنمایی مشغول میباشند. منظره باغ و طراوت درختان سرو فرح افزا است و رقم دارد.

(رقم آقا رضا)

۸- دیگر اثر برارزنده این هنرمند که روی جلد مجله هنر و مردم شماره ۶۵ بعکس رنگی چاپ شده، ترسیم مجلس سلطنتی است که جهانگیر پادشاه با آرایش و صلابت پادشاهی در قصر نشسته و دو دختر شناگر در حوض آب بشنا مشغول میباشند. چهار مستخدم مخصوص در صحن باغ دیده میشوند. چشم چران فضولی از طبقه دوم مشغول نظاره است. منظره باغ و تصویر قصر سلطنتی و افق دور و نمایش کوهها پر زیب و زینت است. این اثر ارزنده که در موزه هنرهای تزئینی ایران بیادگار است. رقم دارد.

(عمل غلام باخلاص آقا رضا مصور جهانگیر شاهی)

۹- دیگر اثر ارزشمند آقا رضا. تصویر پیر مردی بسیاق کشیشان اروپائی است که کاغذی بدست گرفته و روی آن نوشته شده:

(غلام با اخلاص شاه سلیم آقا رضا مصور در بلده آگره فی تاریخ رمضان ۱۰۰۸)

۱۰- تصویر دیگر، منظره باشکوه و منقش مسجدی در میان باغ پر گل و درخت است که در انتهای آن کوهی جلب نظر مینماید. در روی کوه قصری زیبا ایجاد شده که چند نفر مشغول بالا رفتن هستند. رقم دارد.

(آقا رضا)

۱۱- دیگر اثر ارزنده هنرمند. پادشاه سوار کاری است که شاهین بدست گرفته و با ندیمان و همراهان خود عازم شکار میباشد. جماعتی در حدود هشت نفر ناظر صحنه هستند. منظره درختان و کوهها در کمال دلپذیری است و پرندگان رنگارنگ و چشم نوازی از قبیل درنا و لک لک سفید بحال پرواز دیده میشوند. در زیر پارچه سنگی رقم دارد. (مرید باخلاص آقا رضا جهانگیر شاهی)

دیگر از آثار متفرقه هنرمند در موزههای مختلف عبارت است از:

۱۲- یک مرقع نفیس و زیبا از کارهای این هنرمند در موزه بوستون آمریکا.

۱۳- تصاویر نسخه‌ای از حافظ که در موزه بریتانیا مضبوط بوده و تاریخ آن ۱۰۱۷ می باشد.

۱۴- تصاویر خمسه امیر خسرو دهلوی که در کتابخانه ملی پروس برلین قرار گرفته و از آثار این هنرمند میباشد.

۱۵- دیگر از آثار رقم دار آقا رضا، آرایش سر در باغ خسرو از باغهای سلطنتی قدیم الله آباد در هند است که مناظر داخلی آن نیز بحس قوی از کارهای این استاد بوده و در رویه سر در آن بخط زیبای عبدالله ترمذی که در دربار اکبر و جهانگیر پادشاه خدمت کرده و ملقب به مشکین قلم بوده چنین قید شده است:

(حسب الحکم شاهنشاه جهان نورالدین محمد جهانگیر باهتمام مرید)

باخلاص آقا رضا مصور این بناء عالی صورت اتمام پذیرفت)

۱۶- زیباترین اثر این هنرمند، تصویر آهوی خوش تراشی است که با شاخهای بلند نقاشی شده و گردن بند و افسار بگردن دارد. شاهزاده جوانی که لباس طلائی شیوه اصفهانی بتن کرده با هو غذا میدهد، در زیر پای جوان رقم دارد.

(مشق کمترین رضا)

۱۷- دیگر از کارهای اولیه آقا رضا. تصویر جوان ایستاده ایست که عبائی زیبا بمانند شل بدوش انداخته و کلاه عمامای صفوی بسر گذاشته و رقم دارد.

(مشق کمترین آقا رضا)

۱۸- دیگر اثر هنرمند، تصویر جوانی است که بسنگی تکیه داده و دو زانو نشسته. رقم دارد.

(آقا رضا)

۱۹- تصویر دیگری که در گوشه یکی از صفحات کتاب نقاشی شده، تصویر زن و مردی عاشق پیشه است

که همدیگر را بغل کرده و براز و نیاز و رقص و پایکوبی مشغول میباشند. رقم دارد.

(در دارالسلطنه هراه ساخته شد راقمه رضا)

۲۰- پر پیرایه‌ترین اثر آقا رضا، مجلس بزم شاهزاده‌ای است که روی تختی نشسته و نوازندگان و ندیمان در اطراف وی قرار گرفته‌اند. در ساختمان مقابل که در کمال دلپذیری و حسن سلیقه آرایش گشته، حرم سرای شاهزاده دیده میشود. جماعت نوکران و آشپزان دربار که مشغول پخت و پز بوده و عده‌ای نیز سرگرم پذیرائی هستند، جلب نظر مینماید. درخت زیبا و کهن سالی، در وسط منظره دیده میشود. این اثر زیبا که در صفحه ۱۳۱ مرقع گلشن در تهران قرار گرفته. رقم دارد.

(عمل رضای مرید پادشاه سلیم)

۲۱- دیگر اثر هنرمند، تصویر پیر مرد مرشدی است که در مقابلش جوانی نشسته و با او صحبت میکند. حواشی لباسها و سر و صورت پیر مرد نورانی و طلائی است و رقم دارد. (مشقه آقا رضا)

در بالا و پائین تصویر، خطوطی از میر علی کاتب هروی دیده میشود که حواشی عالی و مذهب دارد. ۲۲- دیگر از آثار این هنرمند که در فریر گالری واشنگتن قرار دارد، تصویر دختر شادابی است که لباس سبز خوشرنگ و بلند پوشیده که آستینهای بنفش رنگش از زیر لباس دیده میشود. کلاه سبک بالی بسان پارچهای رنگین بسر انداخته و بند جواهر نشان به پیشانی دارد. دختر جوان که بنواز عشوّه تمام ایستاده و دلربائی میکند، بادیژن منقش بدست گرفته و در محلی ایستاده است. در زمینه ساده، چند تک گل و چند تکه سنگ و در بالای تصویر، یک رده تصویر ابرچینی (چین دومانی) دیده میشود. مهر مخصوص سلطنتی باسجج (بنده شاه ولایت عباس) در قسمت بالا و سمت راست جلب نظر میکند. رقم نقاش بخط قلم موئی چنین است. (مشقه آقا رضا) (تصویر شماره ۳۲)

۳۹۱- رضای قاجار

شاهزاده پر استعداد قاجاری بود و در قلمدان سازی و شبیه پردازی دستی به کمال داشت. از آثار رقم دار وی، قلمدان پر مهارتی دیدم که در رویه آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین شاه قاجار نقش بسته و حواشی و جوانب آن از گل و مرغ پرمایه و رنگین آذین گشته بود. حواشی قلمدان طلائی بود و رقم داشت.

(کمترین رضای قاجار)

۳۹۲- رضا مذهب اصفهانی- میرزا رضا

از مذهبان نادره کار و چیره دست اصفهان بود و در تذهیب قرآنها و کتابها و فرامین و مرقعات دست پر قدرت داشت. فرزند میرزا رضا میرزا عبدالعلی است که آن نیز در هنر خود سرآمد گشته و در زمان خود مذهب باشی اصفهان بوده است.

۳۹۳- رضی نقاش

از نقاشان و تذهیب کاران اوایل قرن ۹ ه. ق. بوده و فرزند بنام نظام الدین داشته و در تذهیب از نوادر زمان خود بوده است.

۳۹۴- رضی الدین

نقاش شیرین قلم دوره زندیه بود و در شیوه صفوی آبرنگ و قلمدان می ساخت. از آثار این هنرمند قلمدان پر مایه‌ای دیدم که در رویه آن تصویر زن و مردی به استادی نقش

بسته بود. کلاه و لباس و سایر مشخصات تصویری و بطور کلی آرایش قلمدان در شیوه صفوی بود و رقم داشت.

(رقم کمترین رضی الدین)

۳۹۵- رضی طالقانی- صنایع همایون

مذهب و نقاش زبر دست قاجاری بود و در ارائه شیوه‌های گوناگون تذهیب، دست افسونگر داشت. میرزا رضی در آرایش و تلفیق گلها، با صورتهای انسانی و تصویر پرآذین جمع حیوانات به طلا و حل کاری، انگشت نما و بی همتا بود. او شبیه سازی و چهره پردازی را خوب میدانست و در ارائه هر چه بهتر آن بحد وسواس قوی دست بود.

در مجمع الصنایع الماسیه ناصری که در آن زمانها مجمع هنرمندان نقاش و سایر رشته‌های هنری دیگر بشمار میرفت، میرزا رضی نیز حجره‌ای مخصوص بخود داشت و در همان محل محقر، بخلق آثار بدیع و بیهمتا همت می‌گماشت. رضی اهل طالقان بود و در ارقام مختلفی که از او بیادگار مانده سعی داشته نام مسقط الراس گرامی خود را بهر ترتیبی که شایسته باشد در جوار امضای خود ثبت نماید. او نام خود را با امضای (اقل چاکران رضی طالقانی) درج می‌نمود و قدیمیترین اثری که لقب (صنایع همایون) را ثبت نموده، سجع مهری است که بسال ۱۳۱۴ ه.ق. تهیه شده و در ذیل اثری بکار رفته است.

اثر این مهر را در صفحات کتابی که تذهیب و تزیین آن، از آثار استاد ابوالقاسم شیرازی بود، دیده‌ام که میرزا رضی صنایع همایون در ذیل همان صفحه بخط خود چنین نوشته و زیر آنرا مهر زده است:

(این تذهیب از کارهای ممتاز میرزا ابوالقاسم مذهب باشی که از تعریف

مستغنی است و من قیمت و ارزش برای او تعیین نمی‌توانم بکنم. رضی مذهب)

و زیر امضاء خود مهر زده بود.

اندازه این مهر $2 \times 1/5$ سانتی‌متر و سجع آن بخط نستعلیق زیبا چنین بود.

(صنایع همایون ۱۳۱۴)

متأسفانه از احوال و زندگی خصوصی میرزا رضی و تاریخ تولد و مرگ وی کوچکترین اطلاعی نداریم، ولی آنچه مسلم است، این نقاش ذوقنون، از سالیان ۱۲۹۹ ه.ق. تا ۱۳۲۲ ه.ق. که آثار تاریخ‌دار دارد در کمال چابک قلمی و تردستی در اجرای رموز و دقایق صنعت طاقت فرسای تذهیب، موفق و بی رقیب بوده است. از آثار رقم‌دار وی دیده‌ام:

۱- استادانه ترین آثار تذهیبی نقاش، میز فولادی نفیسی بود که شعاع ۳۷ سانتی متر داشت. رویه این میز که در شیوه‌های متنوع و پیچیده تذهیب ترسیم گشته بود، در نوع خود جامع ریزه کاریهای فنی هنر تذهیب بود که در یک جا ارائه شده بود.

در آرایش چشم نواز میز، از نکات مختلف هنر تذهیب از قبیل پیچک‌های خوشه انگوری و بوته جیفه‌های پر آذین و پر طاووسیه‌های پر مایه و ریشه گل‌های رنگین و شمشه‌های زر افشان و ترنج‌ها و نیم ترنج‌های موزون در تکنیکی ماهرانه استفاده کرده بود که به نفس و درحد خود شاهکار بشمار می‌آید. این میز که جهت میرزا علی اصغر خان اتابک تهیه شده بود، نام وی را بخط رقاعی طلائی و در قرینه هشت سهمی، درج کرده و بخط زیبای نستعلیق رقم داشت. مضبوط در مجموعه شماره ۲

(اقل چاکران رضی)

۲- دیگر از آثار میرزا رضی، میز مدور تذهیبی است که در موزه قصر گلستان قرار گرفته است. این

هنر که بسان میز اتابک به انواع ترنج‌ها و شمشه‌ها و تشعیرها آرایش یافته، جهت ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده و در وسط چنین قید شده است:

(السلطان صاحب قران ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۰۳)

رقم نقاش که به نسخ ممتاز و سفیدابی کتابت شده، چنین است:

(در مجمع الصنایع دولتی مبارکه- بنده اقل چاکران رضی طالقانی)

۳- اثر ممتاز و بی‌همتای دیگر نقاش، تذهیب استادانه و پر حلاوتی است که در موزه ویکتوریا آلبرت قرار گرفته است. این اثر زیبا که در حقیقت مجموعه‌ای از تنوع هنر طلا کاری است، با ارائه لچک‌های زرین و شمشه‌ها و اسلیمی‌های گوناگون که در بطن آنها کله‌های انسان و حیوانات بت‌ردستی انجام یافته، معرف زبر دستی نقاش بوده و بخط غبار شکسته رقم دارد. (مشقه رضی)

در وسط صفحه مزبور، چهار گوشه‌هایی در ابعاد تقریبی یک سانتی متر، ترسیم کرده و نام رضی را بخط طغرایی زیبا در چهار مرتبه درج نموده است.

۴- اثر ارزنده دیگر نقاش، جلد کتابی در کمال قدرت بود که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید. در رویه این جلد و در سه سهم گوناگون، انواع تذهیب‌ها به تردستی انجام یافته که واقعا "ستودنی بود و رقم نقاش در ذیل اثر چنین بود.

(در مجمع الصنایع دولتی مبارکه- اقل چاکران رضی مذهب سنه ۱۲۹۹)

۵- اثر قلمدانی این هنرمند، قلمدان مذهب و عالی بود که تصویری در رویه داشت و بخط ریز رقم زده بود (رضی صنایع همایون) مجموعه شماره ۱

۶- دیگر از آثار این استاد که رقم (کمترین صنایع همایون) داشت. قلمدانی پر کار و ممتاز بود که بروی نقش‌های اسلیمی و تذهیب‌های گوناگون، تصاویری از کله انسان و حیوان و پرندگان نقش بسته بود که در جمع یکدیگر تلفیق شده و بسیار پر مهارت بود.

۷- شاهکار دیگر هنرمند که بروی تخته اجرا شده، تذهیب زمینه و کناره خطوط مظفرالدین شاه بود که در قصر صاحب قرانیه انجام یافته بود. در این اثر پر هنر، تذهیب اطراف برنگ لاجوردی بوده و برگهای خوشه انگوری خوش منظر و گل و برگهای مزین در کنار دست نوشته‌ها جلب توجه مینمود. در گوشه بالای سمت راست، تاج سلطنتی ارائه شده و در مقابل آن بخط ریز رقم داشت:

(اقل چاکران رضی صنایع همایون) اصل نوشته متن تذهیب، بروی تخته چنین بود:

(هو- این مشق را که روی این تخته نوشته میشود یادگار قصر صاحب قرانیه است، امروز که روز جمعه ششم جمادی الثانیه ۱۳۲۲ است در طالار هستیم، احتساب الملک عمید حضور، موتمن حضور دکتر خلیل خان اعلم الدوله هم روزنامه ترجمه میکند، فرزند عزیزم اعتضاد السلطنه حاضرند).

۸- از آثار آبرنگی این هنرمند که در نمایشگاه هنری ایران در پکن جلب توجه نمود، چهره کاملاً شبیه یکی از رجال قاجاری بود که رقم داشت.

(رقم رضی طالقانی) ۱

۳۹۶- رفیع- محمد رفیع

تصویر شاهزاده خانم زیبائی، در کمال آراستگی بروی قلمدانی نقش بسته بود که عاری از توصیف بود. این اثر ارزنده که تنها شاهکار بجا مانده و کم نظیر استادی، بنام رفیع یا محمد رفیع بود، با سجع انحصاری (یا رفیع الدرجات) نام والای خود را به پیشانی قلمدان ثبت کرده بود.

اندازه قلمدان تا حدی بزرگ و در نوع خود خوش تراش و محکم بود.

شاهزاده خانم درباری، کلاه لبه‌دار صفوی زیبائی که لبه‌های آن پوست سموری نرم افشان داشت

۱- دیگر از آثار سوخت تذهیبی رضی جلد سوخت بی‌نظیری دیدم که رقم داشت.

(ذهبه رضی طالقانی ۱۳۰۲)

بسر گذاشته و ببوئیدن گل سرخی که بدست گرفته، مشغول بود. صورت ملیح و فریبنده شاهزاده خانم، حالت رنگ پریدگی داشت و چشمان خمارش، در کمال دلربائی، پرغمزه و فنان جلوه مینمود. شاهزاده خانم با صلابت و وقار، در وسط باغ ایستاده بود، آویزه جواهر نشانی به گردن انداخته و موهای مجعد و بلند خود را بکنار صورت درآویخته بود.

نیم تنه آرخالق طلائی کلفت که زیر و کناره‌های یقه‌اش، به پوست خز مستور شده بود، جلوه بدیعی داشت. تک بوته‌های گل سرخ، بروی زمینه طلائی کلیجه، پر آذین و زیب افزا بود. قنداره پاشنه بلند و سرخ رنگ بپا کرده و شلوار چسبان بلند و گلدار پوشیده بود. زمینه نقاشی، باغ پر سبزه و درخت بود که ساختمانی در انتها جلب نظر مینمود. در قسمت بالای قلمدان که فضای خالی و رنگ زرد نخودی داشت چنین نوشته بود:

حاشیه و کناره‌های قلمدان مذهب بود و زمینه سرخ آتشی داشت. دیواره‌های چپ و راست قلمدان، گل و برگ خوشه انگوری طلائی داشت که چون کمر بندی زرین بدور قلمدان پیچیده بود. از شیوه و پرداخت کار و همچنین کهنگی و فرسودگی قلمدان، معلوم میداشت که این هنرمند، از قلمدان سازان پر مهارت قرن ۱۱ ه.ق. و همزمان و هم شیوه نقاشان نامی آن دوره از قبیل محمد زمان و علیقلی جبادار و سایرین بشمار آمده که متأسفانه به احوال و دوران فعالیت هنری وی، کوچکترین آگاهی نداشتیم و این قلمدان منحصر بفرد و شایان تمجید که حالیه در مجموعه شماره ۲ مضبوط مییاشد تنها اثر ارزنده نقاش است که از آن هنرمند بیادگار مانده و نام ویرا جاودانی ساخته است.

۳۹۷- رقیه بانو

زن با کمال و هنرمند دربار سلاطین مغول هند بود.

تصویر آراسته مرد جوانی، از این هنرمند در مرقع گلستان تهران است که شایستگی وی را در امر تصویر سازی برملا میسازد. در این اثر زیبا، جوانی با لباس و عمامه رنگین، در باغی نشسته و بالش بر بزر بغل نهاده بخوردن و نوشیدن مشغول میباشد.

کاسه طلائی جنب تصویر و همچنین منظره کوهها، دل پسند و ابرهای تزیینی فضای خالی، در شیوه رضا عباسی است و رقم دارد.

۳۹۸- رکن الدین سید

نقش‌های خوب بروی کاشی‌ها می‌آفرید و طراحی و کاشی تراشی نیز خوب میدانست. این هنرمند که در اوایل قرن ۸ ه.ق. زندگی میکرد، آثار ارزنده‌ای از خود بیادگار گذاشته که از آن جمله، چند کاشی زیبای طلائی کوکی است که در موزه ایران باستان مضبوط مییاشد.

۳۹۹- رمضان شاهی- حسن

نامش حسن و به رمضان شاهی معروف بوده است.

این هنرمند که از فلزکاران و کوفتگران نامی قرن ۹ ه.ق. بشمار می‌آمد، قلمدان مستطیل شکل فلزی بیادگار دارد که کناره‌ها و رویه آن به آذین و خطوط زیبای قدیمی آن دوره نقره کوب گشته و رقم دارد.

در داخل متن کناره، اشاره به صاحب قلمدان کرده و نوشته است: (لصاحبه والسعادة والسلامة)

۴۰۰- رمضان علی

از نقاشان با استعداد و پر تجربه اوایل قرن ۱۲ ه.ق. بود.

این هنرمند در تصویرهای آبرنگی بخصوص در شبیه سازی دست داشت و در نقاشی‌های تزیینی که از جمع حیوانات تشکیل میشد، ذوق و قریحه مخصوصی نشان میداد.

از آثار زیبای رمضان علی، نقاشی زیبائی دیدم که از تصاویر انسان و حیوان تشکیل شده و در حد خود، خوش حالت و پرباکار بود. دو ملائکه زیبا که یکی سوار بر اسب بوده و دیگری دهنه آنرا بدست داشت، پخته و پسندیده بود و رقم داشت. (عمل رمضان علی سنه ۱۱۹۰)

اثر دیگر هنرمند که در ۲۸ آپریل سال ۱۹۸۱ در ساتبی بفروش رسید، تصویر استادانه شتری بود که از جمع انسان و حیوان تشکیل یافته بود. در این اثر ابتکاری، بلقیس زن حضرت سلیمان، سوار بر شتر شده و تاجی بسر نهاده و چنگی بدست گرفته بود. خدمه‌ای در پشت سر بلقیس قرار داشت و منظم "او را باد میزد. ساربان که کلاه شیطانی بسر داشت، دهنه مار مانند شتر را بدست گرفته و هدایت مینمود. در بالا نوشته بود:

(مانی ز صنعت قلم، در تحریر است - مانا بود به صنعت، این کلک جاودانی)
(بلقیس زن سلیمان پیغمبر، قله چهارم از کوه قاف، عمل رمضان علی سنه ۱۱۹۰) (تصویر شماره ۴۰)

۴۰۱- روح‌اله میرک خراسانی

خراسانی و مقیم هرات و از سلاله سادات کمانگر بود. در ابتدای کار به قرائت کلام الله مجید و کتابت خطوط می‌پرداخت. پس از مدتی شوق تصویر سازی پیدا کرده و باین هنر دل بست و در تذهیب و نگارگری پسندیده و پر مایه گشت. در مراحل اولیه، بشاگردی استاد ولی الله مفتخر بود و پس از مدتی همکار وی گردید.

استاد میرک مکتب پر اعتبار استاد احمد موسی را نیز درک کرده و از آن فیض‌ها برده است. این هنرمند در تذهیب و تشعیر و کتابت خطوط نازک قلم و چیره دست و در ارائه مجالس چهره سازی و منظره پردازی چابک قلم و شیرین نگار بوده است. او مخترع شیوه گرفت و گیر حیوانات و جانور سازی است، کما اینکه صادقی در قانون الصور باین مطلب اشاره کرده و چنین بنظم درآورده است:

- ۱- کنی گر جانور سازی اراده ز گلگون تصرف شو پیاده
- ۲- بیک سو از طریق بیش و کم باش به راه بیروی ثابت قدم باش
- ۳- بدان صاحب روش از صد یکی را بجو آیین آقا میرکی را
- ۴- مبدا ای در دریای حیرت ندانی جانور سازی صورت
- ۵- بگویم جانور سازی کدام است چه سان و چند هریک را چه نام است
- ۶- یکی سیمرغ و دیگر هست اژدر هژیر و گاو گنج است ای برادر
- ۷- ولی معلوم این فن بر سه قسم است گرفت و گیر جملش نام و اسم است
- ۸- شوی چون بر گرفت و گیر راغب در این وادی سه چیز هست واجب
- ۹- ز هستی جانورها دور باید ستون دست و پا پر زور باید
- ۱۰- شوی گر از دو جنگی نقش پرداز نباید بر تن هم پنجه انداز
- ۱۱- مبدا پنجه پیکار باشد در این صورت مگر ناچار باشد

دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا، از این هنرمند چنین یاد میکند:
(دیگر امیر روح الله مشهور بمیرک، نقاش هروی الاصل است و از سادات کمانگر است و در اوایل حال

بحفظ و تلاوت کلام ملک علام و مشق خط اشتغال داشت، بعد از فوت پدر بکتابت کتابه میل کرد و چون از سادات کمانگر بود، آن شغل را نیز ورزید، بعد از آن بخدمت مولانا ولی الله افتاد و بتذهیب و به تحریر مایل گشت و از آن نیز گذشته، میل تصویر در خاطرش گذشت، در این فن بی بدل و در این شیوه بی مثل شد و در زمان حضرت پادشاه مرحوم سلطان حسین میرزا رعایت یافته و از جمله منصب کتابداری خاصه بعهدده او شد

خواند میر در صفحه ۷۷۱ کتاب حبیب السیر خطی سنه ۹۹۷ مجموعه نگارنده، در این مورد چنین مینویسد:

(خواجه میرک نقاش، در علم تصویر و تذهیب نظیر نداشت و در کتابه نویسی رایت بی مثلی برافراشت، اکثر کتابه‌های عمارات دارالسلطنه هرات بخط اوست (۱) وفاتش در زمان تسلط محمد خان شیبانی بر ولایت خراسان بوقوع پیوست)

در تأیید کتابه نویسی میرک، در حراج ساتبی جولای سال ۱۹۸۰، کتابی دیدم که رقم میرک داشت. چون این امتیاز از نظر نگارنده، حائز اهمیت والائی بود، بدین جهت متن دیباچه و همچنین رقم صفحه آخر کتاب را پاکنویس کرده و بدیدار علاقمندان میرسانم.

(دیباچه دیوان آقا میرک نقاش)

تمجید و تحمید خالقی که قایل کلام معجز نظام لطیفه بر لوح کتاب هنرمندی دیباچه مجموع ادراک و سلیقه سخن پرداز شیرین کلام موشکاف معنی آرا سر حلقه مضمون بندان صاحب تلاش میرک نقاش که بعد از چندی که ارتفاع طبیعت گل‌های الوان لفظ و معنی چیده و دسته بسته ببازار قدر شناسی و سخن فهمی آورده و از کمال درویشیهای ذاتی و حسن اعتقاد اخلاصی که به لسان الغیب خواجه حافظ شیرازی داشته، تیمنا و تبرکا در مقام جواب دیوان آن زبان‌دان رموز غیب در آمده و نقشبندان بدایع نگار معنوی بقوت موزونی نقش ارضی و سمائی را از الفاظ رنگین شاخ و برگ داده در لوح صورت بیان مینمایند و نقاشان صورتخانه خیال به دستیاری طبع موزون پرده از روی افکار معانی سیما نقاش صحیفه الفاظ رنگین و نقشبند دیوان معانی الی آخر.

در صفحه اول نوشته بود:

مدد می‌خواهد از ارواح حافظ میرک نقاش - کز و هر گوهر نظمش بود در سلک قابلها.

باز در جای دیگر قید شده بود

چون شهید تیغ او گشتی تو میرک فخر کن بر سر دوش ملک نه پایه تابوت

در آخر همه ابیات، اسم میرک را ذکر کرده و در آخر کتاب رقم گذاشته بود.

(تمت کتاب میرک نقاش)

عبدالمحمد خان ایرانی، در کتاب خود، او را ملقب به مظهر بدیع دانسته و از استادان بهزاد معرفی کرده است. مرحوم فکری سلجوقی، استاد را چنین معرفی کرده و حکایتی نیز از وی نقل کرده: روح الله میرک مردی آزاده مشرب و خوش گذران بوده و چنانکه امیر علی شیرنوائی ترسیم مسجد هرات را بوی واگذار کرد چون میرک بعیش مشغول شده و بکار مسجد نمی پرداخت، تا عاقبت میر علی شیر به تنگ آمده و فرمانی از سلطان حسین بایقرا دریافت کرد و آن چنین بود. چون فلان مبلغ باقیات دیوان سلطنتی که بر ذمه شماست، خیلی فوری تحویل خزانه داده و رسید دریافت دارید. بیچاره میرک از این حکم مشوش گردیده خود را به امیر رسانده و عرض کرد که هرگز چنین

۱- او در خط ثلث و نگارش کتابه از نوادر روزگار بوده و کتابه ثلث مسجد جامع هرات نیز از یادگارهای ارزشمند این هنرمند می‌باشد که متأسفانه حالیه از بین رفته و معدوم گشته است.

پولی باقی نمانده و استدعا نمود که او را از قهر سلطانی نجات دهد. امیر خندید و گفت، تو کار مسجد را تمام کن تا از این امر خلاصی یابی، باین ترتیب، خواجه میرک در کمال سرعت کار کتابه مسجد را به پایان رسانده و قضیه فیصله پیدا کرد.

حالیه آثار میرک در آن مسجد از بین رفته و فقط کتیبه‌ای که روی سنگ رخام سیاه نوشته و القاب سلطان حسین بایقرا می‌باشد در موزه هرات محفوظ می‌باشد.

مدت عمر و سن اصلی او معلوم نیست، ولی وفات وی باتفاق تمام نویسندگان آن دوره، در زمان استیلای شیبک خان به خراسان، و در سال ۹۱۳ ه. ق. اتفاق افتاده است.

حیدر دو غلات در تاریخ رشیدی، از میرک نام برده و چنین معرفی نموده است: (مولانا میرک نقاش، وی از عجایب روزگار است و استاد بهزاد است، اصل طرح وی پخته‌تر از بهزاد است، اگر چه پرداخت وی مقدار بهزاد نیست، اما تمام کارهای وی در سفر و حضر، از پیش میرزا و در خانه و در هوای بیرون می‌ساخته است، هرگز مقید به حجره و کاغذ لقی نبوده، این بسی عجیب است. مع هذا اشکال و انواع آرزومندیها میکرد که مطلقاً منظور تصویر و نقاشی است. از این جهت گرفتن اکثر آرزومندیهای درویشی میکرد، بآن شهرت داشته است. جمع ساختن تصویر باین امور بسیار غریب است)

مشهور ترین شاگرد استاد میرک، بهزاد معروف بود که در بدایت حال، چون پدری صمیمی، در دامان پر مهر خود پرورش داده و بمسند استادی رسانده بود.

آثار اصیل و نادر استاد میرک عبارت است از:

۱- والاترین اثر این استاد را در نمایشگاه بریتیش میوزیوم دیدم که موضوع آن (ملاقات علی فارسی) بود که در صفحه شماره ۴۰۴ کتاب تصویر گشته بود.

این موضوع در دو صفحه جداگانه و روبروی هم نقاشی شده و در صفحه دست راست، جماعتی از هواخواهان، دور علی فارسی گرد آمده و کاغذی بدستش میدهند. در صفحه سمت چپ، نوازندگان قرار گرفته و دو نفر خدمه بخدمت مشغول می‌باشند. منظره درخت و چمن و همچنین نقش کلبه و چادر و مخصوصاً "نقش قالیچه‌ها زیب افزا بوده و پر هنر می‌باشد و رقم دارد بزر جدول.

(عمل میرک خراسانی)

دیگر از آثار شیوای این هنرمند، تصاویری در کتاب گوی و چوگان است که در یکی از تصاویر، چهار ملائکه پر حالت تصویر شده که دوتای آنها، شراب و صراحی بدست گرفته و فرشته‌های پائینی مشغول حمل غذا می‌باشند. زمینه اثر، تذهیب بی نظیر اسلیمی بوده و در وسط نقاشی و در یک ترنج بزرگ، بخت‌نستعلیق زیبا، چنین قید شده:

زو کوی سپهر مستدیر است - چوگان هلال گوشه گیرست

از حکمت اوست در زد و گیر - چوگان قضا و کوی تقدیر

صفحه اولی نیز بسان صفحات دیگر به شیوائی ترسیم یافته، منتها در این صحنه، ملائکه‌های بالائی میرقصند و ملائکه‌های پائینی دایره و نی می‌زنند. در وسط تصویر و داخل یک ترنج نوشته:

زان پیش که حسب حال گویم - از خالق ذوالجلال گویم

آن خالق ماه و خور که چون گوی - زو چرخ فتاده در تکاپوی

۴۰۲ - روحی تبریزی - حکاک

بنوشته مرحوم تربیت در (کتاب دانشمندان آذربایجان:

"از حکاکان ماهر بوده و گاهی طبع خود را بشعر آزموده است .

از نگاه غضب آلود تو شد معلوم - که ز من گفته ، حدیثی بتو صاحب غرضی "

۴۰۳ - روشن نگار

درویش اهل هند بود و خطوط ناخنی را خوش مینوشت .

قطعه ناخنی زیبایی از این هنرمند دارم که بسالین ۱۳۰۰ ه.ق . فرجام یافته و بگل و مرغ ناخنی آرایش شده و رقم دارد . (خاکسار مهتاب رای روشن نگار)

رئیس حیدر کاپیتان در نگاری آمده

ز

زرین قلم در عبدالصمد آمده

۴۰۴ - زمان - آقا زمان زرکش

بروایت نصر آبادی در تذکره خود : (اهل اصفهان بوده و در شعر فریبی تخلص میکرد . از پیشه زرکشی ، استفاده نبرده هرگز چیزی عایدش نشد . در آخر بی علاج شده بهند رفته و فوت کرده است)

۴۰۵ - زمان نقاش

از اهالی اردستان و به راضی نقاش معروف است .

مولف ریحانته الادب در مورد این نقاش چنین مینویسد :

(شاعری است اصفهانی که در نقاشی نیز مهارت داشته و به زمانا نقاش معروف است . یک دیوان شعر و یک مثنوی دارد . این شعر از اوست .

گر وحشیانه از روش خلق می روم عذرم بسی بجاست که آدم ندیده ام

تا سال ۱۱۱۲ در قید حیات بوده و وفاتش معلوم نیست .

در آتشکده آذر، زمانا را طور دیگر معرفی کرده و چنین نوشته است :

(او از اهالی اردستان است و در اول انوار تخلص میکرد بعد به راضی راضی شد)

این اشعار از اوست :

یک خنده چو گل نامزد بود در این باغ خندید مرا غنچه و آن هم ز میان رفت

از آثار نقاشی وی ندیده ام .

۴۰۶ - زمانا نقاش یزدی - سالک

بنوشته جامع مفیدی :

"مدتی در خطه یزد به قلم اندیشه نقش امور غریبه و صور عجیبه بر صحایف روزگار می نگاشت و

پیوسته اشعار آبدار بر لوح خیال تحریر مینمود . ناگاه هوای هند بر سرش افتاد و پا در وادی غربت

نهاد و دیگر به وطن مالوف مراجعت ننموده در همان بلاد روانه ولایت عقبی گشت . و این چند بیت

که از تاریخ طبع اوست فی سنه خمس و ثمانین الف ۱۰۸۵ در حیدر آباد به نظر رسیده مرقوم گردید .

صفحه رخ ز صفای خط او ساده شود - آب در کوزه ز فیض لب او باده شود

از آثار او ندیده ام

۴۰۷ - زین الدین - شیخ

نقاش تیز قلم و پر قدرت قرن ۱۸ ه.ق . هند بود و در هاشور زنی و تصاویر جانوران و پرندگان استادی صاحب کمال بشمار میرفت .

از این هنرمند دو اثر زیبا در کل ناکی لندن دیدم که هر دو اثر هاشور بسیار دقیق و نازک قلم

داشت و رنگها نیز پریده و طبیعی عمل آمده بود . یکی از آنها حیوانی بنام مرکبه بود که در کمال

استواری و قدرت قلم سایه پردازی شده و رقم داشت (زین الدین) و دیگری مرغ پر آذین و رنگی

بود که روی شاخه برگری گلدان نشسته و از هر نظر قابل تعریف بود و در زیر نوشته بود .

(ابلیخا درخت بن جوئی - زین الدین) حدود سال ۱۷۷۶ م

دیگر از آثار رقم دار این هنرمند که بیادگار مانده ، یکی تصویر پلنگ چیتائی است که در کمال

قدرت ترسیم شده و رقم شیخ زین الدین داشت و اثر دیگر که مجموعه و برگهای گوناگون و مرغ سینه

باز بود رقم داشت . (درخت بن گپاس - شکر خورد - سینه باز - زین الدین)

دیگر اثر شیوا و پر مهارت این استاد ، تصویر موش کوهی بود که از درخت بادام هندی بالا

میرفت و رقم داشت . (زین الدین) حدود سنه ۱۷۷۸ م

۴۰۸ - زین العابدین

بنوشته اسکندر بیک در عالم آرای عباسی :

"میر زین العابدین استاد شاه جنت مکان بغایت مرد سلیم النفس نیکو اخلاق بود و در پاکیزه

روزگار آهسته روی و حسن ادب شیوه و شعار خود گردانیده در خدمت و ضمیم و شریف معزز بود . نقاش

خوب مجلس ساز و مصور بی قرینه پاکیزه کار چهره پرداز بود . شاگردانش کارخانه نقاشی دایر ساخته

کار میکردند اما خود همیشه جهت شاهزادگان و امرا واعیان کار کرده رعایت میافت و انواع توجه

و مرحمت اکابر بر صحیفه حالش می تافت . در زمان اسمعیل میرزا که ابداع کتابخانه مجدد نمود

مشارالیه نیز از اصحاب کتابخانه گردید"
از آثار رقم دار او ندیده‌ام

۴۰۹- زین العابدین اصفهانی

زاده شهر هنر پرور اصفهان و به میر آقا و یا میرزین العابدین معروف بوده است. استاد میر آقا در قلمدان و قاب آینه سازی و سایر آثار روغنی چابک دست و پیر توان و در مرغش سازی رنگارنگ نیز صاحب کمال بوده است.

این هنرمند گل و مرغ و تصاویر حیوانات مخصوصاً "پرندگان را بحلاوت تمام رسم مینمود و در آرایش گلها و حل کاری آنها استادی بصیر بشمار میرفت.

ادیب الممالک فراهانی در اشعار خود میرزین العابدین را ستوده و چنین بنظم در آورده است:

چندا نقشی که بنمود آشکارا میر خضر آسا ز کلک چون مسیحا

میر زین العابدین نقاش ایران کش همی خوانند مردم میر آقا

آنکه کلکش ناسخ ارژنگ مانی وانکه نقشش بر شکسته تنگلو شا

خامه بر تاریخ تصویرش رقم زد نقش نقاشی نمود این صنع زیبا

بیت آخر شعر، سال اجرای تصویر بوده و بحروف ابجدی سال ۱۳۰۲ می باشد.

از آثار وی دیده‌ام:

۱- قاب آینه پاکیزه و پخته گل و مرغی بود که زمینه مرغشی داشت و حواشی و جداول آن بانواع گلها آرایش گشته بود و شیوه گل مرغها استادانه و در سبک علی اشرف بود. داخل قاب آینه نیز تماماً "طلائی گشته و در بالای صفحه داخل آن، بخط شکسته و پخته رقم داشت:

(هو رقم کمترین زین العابدین اصفهانی ۱۲۷۵)

۲- دیگر اثر نقاش، قلمدان گل و مرغ فریبنده بود که در وسط و رویه آن تصاویر ریز پروانه، جلب نظر میکرد. در حواشی و دیواره‌های قلمدان نیز، گل و مرغهای رنگین استادانه داشت که در بین مدالیون‌ها، منظره شهری جلوه می نمود. در این مناظر، کوچ شترها و ساربانان بنازک قلمی ترسیم شده و رقم داشت.

(زین العابدین ۱۲۸۹)

۳- دیگر قلمدان از این هنرمند، قلمدان پر اعتباری بود که تصاویر گل و مرغ و پروانه به شادابی و مهارت ترسیم شده و حواشی زیبا و آراسته داشت و رقم نقاش چنین بود. (زین العابدین ۱۲۸۹)

۴- دیگر اثر پر زیب و زینت این هنرمند، قاب آینه مرغشی سبز رنگ بود که در رویه آن گل سرخ زیبایی در اندازه بزرگتر ارائه شده و در کناره آن گل‌های میخک و گل‌های سیب بنحو دل انگیزی جلب نظر مینمود. داخل قاب آینه نیز گل‌های رنگین متنوع داشت و بخط شکسته زیبا رقم زده بود.

(رقم کمترین زین العابدین اصفهانی سنه ۱۲۸۰)

مجموعه شماره ۲

۴۱۰- زین العابدین افشار

از ایل افشار و معاصر فتحعلی شاه قاجار است.

از این هنرمند جلد روغنی کتابی در کتابخانه مجلس قرار دارد که بزبانی و مهارت تمام انجام یافته و در رویه آن شیخ محترم و مدرسی را نشان میدهد که با شاگردان خود نشسته و به بحث و فحص مشغول میباشند. از حلاوت و گیرائی قلم معلوم میگردد که از شاگردان ممتاز محمد زمان ثانی بوده و شیوه وی را در امر تصویر سازی پیروی نموده است. رقم دارد.

(کمترین زین العابدین افشار ۱۲۳۵)

دومین اثر رقم دار این هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران مضبوط است، تصویر خانه کعبه به آبرنگ است که رقم دارد.

(بجهت عزیزی قلمی شد فی سنه ۱۲۳۵ زین العابدین)

۴۱۱- زین العابدین خوانساری

اهل خوانسار و از طراحان و نقاشان منبت کار به روی چوب بود.

از این هنرمند محبره زیبایی در موزه هنرهای تزئینی تهران بیادگار است که در وسط آن منظره گرفت گیر شیر و اژدها را در نهایت نازک قلمی کنده کاری کرده و در حواشی و کناره نیز بهمین میزان گل‌های مختلف و تزیینات دیگر حکاکی نموده است. در حوالی گرفت و گیر، این اشعار بخط نستعلیق زیبا دیده میشود: (۱)

گراین محبره نیست گنج گهر کجا اژدها جای گردش بسر

چنان اژدهائی که گاه ستیز نیارد توانائیش شیر نر

تو آهسته زین گنج دربر گشای که یا بی مر این گنج را پر درر

چو در بسته باشد چه داند کسی که خر مهره باشد در آن یا گهر

(عمل زین العابدین ۱۲۷۷)

رقم دارد.

۴۱۲- زین العابدین-مذهب تبریزی

اهل تبریز و از مذهبان نازک قلم دوره شاه عباس کبیر بود و به میرزین العابدین شهرت داشت. نسخه کتابی بس دلپذیر دیدم که بخط علیرضای عباسی بود و سنه ۱۰۱۰ ه.ق. داشت. حواشی و کناره‌ها را این استاد تذهیب کرده و رقم گذاشته بود. (زین العابدین مذهب تبریزی)

دیگر از آثار منسوب باین هنرمند، شاهنامه زیبایی بود که تصاویری از رضا عباسی و صادقی بیک داشت و حواشی و تنظیم صفحات و حل کاری و تزیینات آن اثر دست این هنرمند بود.

۴۱۳- زینب بنت امین

از زنان هنرمند و نقاش قرن ۱۳ ه.ق. عثمانی است. از این زن هنرمند در موزه توپ قاپو سرای اسلامبول اثری وجود دارد که تصویر گل و برگ بوده و بقلم سیاهی رقم دارد.
(زینب بنت امین)

۴۱۴- زینل العابدین اصفهانی

اهل اصفهان و شاگرد زیبا نگار استاد مصور و استاد بهزاد بود.

یگانه اثر رقم دار این هنرمند که در صفحه ۴۷ کاتالوک کل ناقي لندن چاپ شده، تصویر رزمی نبرد اسفندیار با تورانیان است که موضوع آن در صفحه تصویر، چنین قید شده.

(گفتار در آگاهی یل اسفندیار از گفتار پدر و رزم او با تورانیان)

در این اثر پرمایه، اسفندیار یکی از پهلوانان دشمن را بقتل رسانده و خیل رزم آوران و

جنگجویان که بمهارت و تردستی تمام تصویر شده، از پشت کوهها سر بر آورده و معرکه جنگ را نظاره میکنند. در گوشه تصویر رقم دارد. (زنیل العابدین)

۴۱۵ - زینل مذهب

از مذهبیان نادره کار دوره شاه عباس بزرگ است که در هنر تذهیب دست داشته و در حل کاری نیز صاحب قلم بوده است. آثار رقم دار وی را ندیده‌ام.

س

۴۱۶ - سانوله

تصویرگر شیوا نگار قرن ۱۱ ه.ق. هند بود و با لعل نقاش هندی همکاری می نمود. زیباترین اثر این هنرمند، مجلس پر حالت مکتب خانه قدیمی هند بود که لیلی و مجنون در آن مکتب خانه به تحصیل مشغول بودند. در این اثر زیبا، معلم پیر مشغول تدریس بود و زن چاق و قرمبی که گویا پرستار دانش آموزان بود بخدمت اشتغال داشت. در گوشه دیگر نیز شاگردان مطالعه میکردند و زن خدمتکاری به پذیرائی سرگرم بود و رقم داشت. (طرح لعل عمل سانوله) دیگر اثر پر حلاوت این هنرمند، که در نمایشگاه بریتیش میوزیوم از نزدیک دیدم. تصویر لیلی و مجنون بود که مادر مجنون نیز در مقابل آنها دیده میشد. مادر مجنون لباسهای زرد و سفید پوشیده و در مقابل وی نشسته و او را نصیحت میکرد. منظره اطراف و شکل حیوانات گوناگون و همچنین عظمت و زیبایی شهر و حل کاری حواشی، ستودنی بود و رقم داشت. (سانوله)

۴۱۷ - ستار - حاجی ستار

فلز ساز و کوفتگر پر مهارت قرن ۱۲ ه.ق. بود و در کتابت خطوط نیز دست داشت. از آثار بجا

مانده این هنرمند، کلاه خود طلا کوبی پر مهارتی بود که در کناره و حواشی آن اسماء متبرکه و اسماء الحسنی جلب نظر میکرد و در پیشانی اسماء کلاه، رقم داشت. (عمل حاجی ستار)

۴۱۸ - ستار - ستار العیوب

آقا ستار از نقاشان و قلمدان سازان گمنام دوره ناصری بود و گل و مرغ را نیکو عمل می آورد. از آثار رقم دار این هنرمند که تا حدی استادانه بود. قلمدان گل و مرغ شیوائی بود که زمینه و کناره‌های طلائی و مذهب داشت و رقم نقاش چنین بود. (یا ستار العیوب)

۴۱۹ - ستار - نقاش تبریزی

اهل تبریز و از نقاشان پر ابتکار دوره ناصری بود و در نقاشی‌های تزیینی دست داشت. از آثار ابتکاری این هنرمند، تصویر شتری دیدم که از جمع حیوانات گوناگون عمل آمده و استادانه بود. این اثر زیبا که در سیاه قلم نقاشی شده بود، دو نفر بروی شتر نشسته و با همدیگر صحبت میکردند. افسار حیوان را شخص مسئولی که در قدیم باو شاطر می گفتند بدست داشت. حواشی تصویر گل‌های الوان داشت و رقم نقاش چنین بود. (رقم کمترین ستار نقاش تبریزی)

۴۲۰ - سراج

نقاش و طراح روی کچ بود و از مشاهیر آن هنر بشمار می آمد. از آثار رقم دار استاد سراج، طراحی نقشه و عمل کرد گچ کاری بقعه پیر بکران در اصفهان است که رقم دارد. (فی لیلہ ثلث عشره شهر ربیع الاول سنه ثلاث و سبعمائه عمل سراج) ۷۳۰ ه.ق.

۴۲۱ - سراج الدین - سرگین

جواهر ساز مخصوص امیر بخارا بود که در اواسط قرن ۱۴ ه.ق. به ایران آمده و در این دیار بخلق آثار زیبا مشغول گشته است.

۴۲۲ - سراج الدین قاسم

از مینیاتور سازان گمنام قرن ۱۰ ه.ق. بود. از آثار رقم دار وی ندیده‌ام.

۴۲۳ - سراجی حکاک

تذکره نصر آبادی در مورد این هنرمند چنین می نویسد: "سراجی حکاک در فن مذکور مانند نداشت. آخر عمر هیچ عینک نمیگذاشت. از دست و قلم خط می کشید که بنیاد شهرت خوش نویسان را برمی افکند. قطع نظر از این، بسیار درویش و ملایم و پرهیزگار بود. در اصفهان برحمت خدا رفت." این بیت از اوست. از گریه بهر جا که گذشتیم چمن شد - وز ضعف بهر جا که نشستیم وطن شد

۴۲۴ - سرا - جای نقاش - محمد قاسم

نصر آبادی در تذکره خود می نویسد: "محمد قاسم نام دارد، در فن نقاشی زرنشان بمرتبه‌ای

است که رخسار زرافشان سیم و شان را در عرق شرم دارد و از اثر تردستی‌اش از ابر تصویر گوهر می‌بارد، در کوی اهلیت خانه دارد و در گلشن آدمیت و نامرادی سیار است. در اصفهان پیوسته با موزونان محشور و از نمک صحبتش بزم عزیزان پرشور است. تتبع بسیار از متقدمین و متاخرین نموده و در امتیاز سخن، طبعش خالی از دقت نیست."

۴۲۵ - سرون - سلور - سیکر

نقاشان صاحب قلم هندی بودند که سه قطعه از مینیاتورهای دل انگیز کتاب بابر نامه معروف را که در عصر اکبر شاه هندی از ترکی بفارسی ترجمه و مصور و تذهیب شده و بهترین نسخه آن حالیه در لندن میباشد، تصویر کرده و آرایش نموده‌اند. ما در اینجا سه نمونه از آثار این هنرمندان را که در زمان خود شهره بوده‌اند جهت علاقمندان ارائه می‌دهیم.

- ۱- سرون - تصویر ساز اثر شماره ۲۶ کتاب است که دو حیوان بزرگ دریائی را از قبیل - سیسار و نهنگ به استادی تمام نقاشی کرده و رقم گذاشته. (عمل سرون)
- ۲- سلور کجراتی - مصور نقاشی شمار ۱۹ کتاب مزبور است که در این اثر زیبا، مجلس مجلل و باشکوه بابر شاه را در کابل نشان داده که جهت زاد روز همایون پادشاه تهیه گشته است. در این مینیاتور که یک مهمانی تمام عیار شاهانه میباشد، بابر و مهمانان نشسته و نوازندگان می‌نوازند و خدمه مشغول پذیرائی هستند. رقم دارد. (عمل سلور کجراتی)
- ۳- سیکر - تصویر ساز مینیاتور شماره ۱۵ کتاب مزبور است که بدیع الزمان را در خدمت بابر شاه نشان می‌دهد. در این مجلس مهمانی، مدعوین و رجال درباری در کاخ سلطنتی نشسته و پذیرائی میشوند. نقاشی در کمال دلربائی بوده و رقم دارد. (عمل سیکر)

سعید در میرسعید آمده

۴۲۶ - سعیدی ایزدی

نصر آبادی در مورد سعیدی چنین می‌نویسد:
"با وجود پیری، زنده دل بود. در فن نقش بندی مهارت زیاد داشت. گاهی شعر می‌سرود."

۴۲۷ - سلطان علی شوشتری

اهل شوشتر و از نقاشان گمنام تیموری بود.
از این هنرمند تنها یک اثر رقم دار می‌شناسیم که تصویر مرغ ماهیخواری را در کمال استادی ترسیم کرده که در حال پرواز بوده و یک ماهی بمنقار گرفته است. رقم دارد.
(مشقه العبد سلطان علی شوشتری)

۴۲۸ - سلطان محمد عراقی - اراکی

بروایات گوناگون و پراکنده‌ای که تاریخ نویسان قدیمی و هنرشناسان معاصر درباره این هنرمند ذکر کرده‌اند او را تبریزی یا اصفهانی و یا هراتی دانسته و دقیقاً "نتوانسته‌اند محل تولد و نام مسقط الراس حقیقی وی را تعیین و شناسائی نمایند.
صاحب گلستان هنر در کتاب خود وی را تبریزی دانسته و چنین نوشته:

استاد سلطان محمد از دارالسلطنه تبریز است در وقتی که استاد بهزاد از هرات به عراق آمد استاد سلطان محمد روش قزلباش را بهتر از دیگران ساخته بود و وفاتش در دارالسلطنه تبریز بود.
مولانا میرزا علی ولد مولانای مشارالیه است، در فن نقاشی و تصویر و چهره گشائی نظیر و عدیل نداشت و تصویر را بجائی رسانده بود که کم کسی مثل او شد و در ایام پدر در کتابخانه شاه جمجاه شاه طهماسب نشو و نما یافت.

دوست محمد هروی در دیباچه بهرام میرزا، اشاره‌ای به مسقط الراس هنرمند نکرده و در ذکر مصوران و نقاشان عظام کتابخانه چنین یاد نموده:

"اول نادر العصر فی الدوران و فرید الاوان فی الزمان المحتاج بلطف الصمد استاد نظام الدین سلطان محمد که تصویر را بجائی رسانیده که با وجود هزار دیده فلک مثلش ندیده، از جمله صنایعش که در شاهنامه اعلی حضرت سکندر حشمت جم جاه ولایت دستگاه دین پناه محرر و مصور است، موضع پلنگ پوشان است که شیر مردان بیشه تصویر و پلنگان و نهنگان کارخانه تحریر از نیش قلمش دل ریش و از حیرت صورتش سر در پیش اند

بکلك انامل بلوح بصر کشیده است هر لحظه طرح دگر"

اما بهترین دلیل عراقی (اراکي) بودن هنرمند، امضای اصیل خود استاد میباشد که در ذیل دو اثر بجا مانده‌اش دیده میشود.

این دو اثر شیوا و پر پیرایه‌اش که در شماره‌های ۱۰ و ۱۱ این مقال تشریح شده، رقم نقاش بوضوح جلب نظر میکند که نوشته: (عمل سلطان محمد عراقی)

بدین ترتیب معلوم گردید که این هنرمند اهل اراک و از هنرمندان صاحب نام آن ولایت بوده و در دوران تیموری و صفوی، در دربار سلاطین مزبور فعالیت داشته و بخلق آثار هنری مشغول بوده است. متأسفانه از دوران کودکی و اوایل جوانی سلطان محمد اطلاعات زیادی بدست نداریم، ولی آنچه مسلم است، در بدایت حال، در کتابخانه امیر علیشر نوائی بخدمت اشتغال داشته و سپس بدربار سلطان حسین میرزا راه یافته و بعد از انقراض تیموریان و روی کار آمدن دودمان صفوی، در معیت استاد بهزاد و سایر هنرمندان نامی دیگر به قزوین کوچانده شده و پس از مدتی به تبریز دعوت شده و در کتابخانه پادشاهی، مشغول ایفای وظیفه گشته است.

دوره اعتلا و شهرت والای نقاش، در این شهر به عالی‌ترین درجه نهائی خود رسیده، تاجائیکه معلم مخصوص تصویر سازی شاه صفوی تعیین گشته و مورد الطاف و حمایت شاه طهماسب قرار گرفته است. سلطان محمد بی تردید، یکی از ستارگان تابناک و نادره کار هنر ایرانی میباشد که صفحات زرینی را بنام خود ثبت تاریخ نموده است. او در تنوع آرایش، چابک قلم و در ارائه مناظر بزمی و زرمی دست فریبنده داشت و در جانور سازی و منظره پردازی و تذهیب و تشعیر یگانه روزگار بود. کوهها و زمینه‌ها و جزئیات تصویر را بحد وسواس، دقیق و پرمایه می‌ساخت. ابتکارات بی‌قرینه و ابداعات نوظهور داشت و در مواردی تصویر حقیقی دوستان و رجال درباری را چون مجسمه‌ای سنگی بگوشه‌ای، در کوهها تصویر می‌نمود که خود حلاوتی ابتکاری بشمار می‌آمد.

مختصر اینکه، سلطان محمد بهترین و خوشترین ایام عمر خود را در تبریز و در خدمت یاران هنرمندش از قبیل بهزاد و میرک گذرانده و سالیانی بعد از مرگ بهزاد بدیار عدم شتافته است.

مدفن سلطان محمد، در کنار قبر استاد بهزاد سلطانی و در قبرستان باغ شیخ کمال تبریز قرار گرفته است. یگانه اولاد بجا مانده‌اش که قاضی احمد منشی قید کرده، مولانا میرزا علی نقاش است که در مجاورت و معاونت پدر و در کتابخانه شاه طهماسب صفوی بخلق آثار بی همتا مشغول بوده است.

مرحوم فکری سلجوقی از دوست محمد هروی و از دیباچه بهرام میرزا روایت کرده که مولانا محمدی هروی فرزند هنرمند این نقاش میباشد که رضا عباسی و معین مصور پیروان مکتب وی بوده‌اند. ولی نگارنده چنین نسبتی را در دیباچه بهرام میرزا نیافتم و چه بسا ممکن است مرحوم فکری سلجوقی مولانا میرزا علی نقاش، فرزند سلطان محمد را با استاد محمدی هراتی اشتباه کرده و این نسبت جعلی را در کتاب خود قید نموده است. در این مقوله هنرشناسان دیگری نیز اشتباه کرده و سلطان محمد اراکی را با سلطان محمد خطاط نور، یکی دانسته و از آن جمله نسخه نظامی موجود در موزه مترو. پولیتن نیویورک را که بخط سلطان محمد نور بوده و تاریخ کتابتش سال ۹۳۱ ه.ق. میباشد، از آن سلطان محمد نقاش دانسته‌اند.

از شاگردان معروف سلطان محمد عراقی که تاکنون مسجل شده عبارتند از:

۱- محمدی یا محمدی بیک استاد رضا عباسی

۲- برج علی اردبیلی

۳- استاد حسین قزوینی

۴- مولانا محمد

۵- محمد معین الدین خراسانی

۶- میر حسین دهلوی (که گویا داماد سلطان محمد نیز بوده است)

۷- میرزا علی فرزند سلطان محمد.

از آثار بی نظیر این هنرمند آنچه از نزدیک دیده و یا از کتابها یادداشت کرده‌ام عبارتند از:

۱- تصاویر بسیار ارزنده و والای شاهنامه شاه طهماسبی بریتیش میوزیوم که بنام آرتور هوختون نامیده میشود از آثار بنام سلطان محمد عراقی میباشد که در کتابهایی بنام:

ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS - WONDERS OF THE AGE -
A KING'S BOOK OF KINGS

چاپ و منتشر گشته و ما در اینجا باختصار آن تصاویر را معرفی مینمائیم. (۱)

در این شاهنامه سلطان محمد چندین اثر ارزنده دارد که هیچ یک از آنها امضا نداشته و فقط شبوه کار و طرز قلم پردازی و حلاوت تصاویر معلوم میدارد که از آن این هنرمند میباشد.

۱- شروع کتاب با صفحات مذهب استادانه آرایش شده و در صفحه اول نوشته شده (آغاز کتاب شاهنامه) و در صفحه دوم که بدینمنوال تذهیب مزدوج و شمشه‌ای دارد، در ترنج بالا بخط رقاع سفیدایی کتابت شده (باسمه سبحانه و تعالی) در داخل شمشه بزرگتر بهمان رنگ و خط رقاع درج گشته. (برسم کتابخانه سلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم السلطان بن السلطان بن ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الحسینی الصفوی بهادر خان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین عدله احسانه)

تاریخ کتابت شاهنامه سال ۹۳۴ بوده و کلاً ۲۵۸ مینیاتور داشته که ۷۸ عدد از تصاویر، در اختیار موزه متروپولیتن نیویورک و بقیه در موزه‌ها و کلکسیون‌های خصوصی قرار گرفته است. از این مینیاتورها فقط دو عدد امضا داشته و بقیه منسوب به آثار نقاشان مشهور آن دوره میباشد که عبارتند از: عبدالصمد شیرین قلم - میرزا علی - میر سید علی مصور - آقا میرک دوست محمد - عبدالعزیز - شیخ محمد - مظفر علی - قدیمی - قاسم بن علی - سلطان محمد عراقی - عبدالوهاب - باشندان قارا و میرزا محمد.

۱- تصویر اول دادگاه کیومرث است که در کمال زیبایی و قدرت قلم تصویر شده و یکی از بهترین آثار این هنرمند میباشد. در این اثر فوق‌العاده عالی، کیومرث در صدر کوه نشسته و جماعت ندیمان و همراهان گرداگرد وی قرار گرفته‌اند. در زیر تصویر این بیت نوشته شده:

(سر تاج و تختش برآمد ز کوه پلنگینه پوشید خود با گروه)

که همه همراهان بمصداق این بیت شعر پوستین پوشیده و کنار کیومرث دیده میشوند.

۲- تصویر دیگر کتاب که منسوب به سلطان محمد میباشد، جنگ هوشنگ با دیوان است که پدرش سیامک با البسه و تاج سلطنتی بر اسب سوار شده و هوشنگ در وسط میدان کارزار با دیو سیاه در ستیز و جدال میباشد. منظره زیبای رزمگاه و همچنین ارائه حیواناتی از قبیل شیر و پلنگ و دیوهای کریه المنظر و تصاویر همراهان و فرشته‌های درحال پرواز فوق‌العاده پربزب و زینت بوده و شایان تحسین میباشد.

۳- دیگر اثر ارزنده هنرمند در کتاب شاهنامه، تصویر قتل پدر ضحاک است که شیطان در قیافه مرد پیری ظاهر شده و ضحاک را به قتل تحریک میکند. منظره باغ و تصاویر افراد و همچنین رنگ آمیزی و حلاوت شاخ و برگها فریبنده و چشم نواز میباشد.

۴- مینیاتور منسوب دیگر، عبور فریدون از روی دجله میباشد که خیل اسبان و سربازان متعاقب فریدون شاه در حرکت هستند. منظره عبور اسبها و لشکریان ظفرمند، به قوی دستی عمل آمده و نمایانگر مهارت نقاش میباشد.

۵- دیگر اثر این هنرمند که بدستکاری استاد میر سید علی انجام یافته، مرگ ضحاک است که بدست و پای محکم به زنجیر مهار شده و در غار کوهی زندانی گشته است. جمعی از سربازان و محافظین در گوشه و کنار صخره‌ها، هر یک بکاری مشغول میباشند. دو مامور در کنار ضحاک قرار گرفته و یکی از آنها میخ زنجیر را در زمین محکم میکند. عظمت و رنگ آمیزی صخره‌ها و شادابی و لغزندگی ابرها و ترسیم قیافه حاضرین و استواری و خوش تراشی اسبان صحنه، ستودنی و معرف استعداد و ابتکار نقاش میباشد.

۶- ششمین اثر منسوب دیگر هنرمند در این شاهنامه، قتل شاهزاده ایرج است که در خرگاهی ترسیم شده و تور نابکار سروی را از تن جدا میکند. قیافه بهت زده و وحشت کرده حضار و جمع سربازان و هوا داران طرفین که بحالت پراکندگی در صفحه تصویر ارائه شده، پرآذین و تحسین کردنی است.

۷- سه تصویر دیگر که با همکاری سایر نقاشان نامی همکارش عمل آمده، یکی از آنها سفر زال با کاروانیان است که توسط عبدالعزیز و تحت نظر سلطان محمد انجام یافته و در کمال دلربایی است. منظره کوهها و تصویر پر صلابت سیمرغ که آهوئی بدهن گرفته و پلنگی بزیر چنگال دارد، واقعاً استادانه است. تصویر منسوب دیگر که توسط قدیمی نقاش و تحت سرپرستی سلطان محمد ترسیم شده، مراجعت سام از کوه البرز است که در معیت فرزندش زال انجام یافته است. در این تصویر، نیز سیمرغ پر مهابتی، در فضای تصویر ترسیم شده و سام و زال در معیت و همراهی هواخواهان سوار فیل شده و وارد شهر میشوند.

۸- آخرین اثر منسوب به سلطان محمد در این شاهنامه که با معاونت میر سید علی انجام یافته. ستیز قارون با برادر خود بارمان میباشد. در این اثر رزمی، جماعت منازعین به البسه آهنین و سلاحهای رزمی ملبس شده و در حضور هم قرار گرفته‌اند. چند پهلوان در وسط معرکه به جنگ و گریز مشغول میباشند.

این اثر نیز به عیار سایر تصاویر دیگر، در کمال مهارت و استادی انجام یافته و سزاوار تمجید میباشد.

دیگر از آثار بی نظیر سلطان محمد در این نمایشگاه که از نزدیک دیدار کردم. تصاویر نسخه دیوان حافظ بود که دو عدد از آنها امضای صریح نقاش را داشت و دوتای دیگر منسوب به وی بود.

۹- نخستین اثر امضادار وی، مجلس شادمانی روز عید است که سام میرزا روی تخت مزینی نشسته و دوستان و نزدیکانش دایره وار دور او حلقه زده و به عیش و نوش و شادی و طرب مشغولند. جماعت نوازندگان و خدمتکاران به شادمانی و خوشحالی سرگرم پذیرائی هستند. جماعتی از مهمانان بالای پشت بام قصر قرار گرفته و مناظر اطراف را نظاره مینمایند. عظمت و چشم نوازی قصر و قیافه شادان حصار و ترکیب و تزیین البسه حاضرین و همچنین آرایش پرزيب و زینت داخل و خارج قصر، استادانه بوده و در کمال امتیاز میباشد.

در کتیبه بالای قصر ابیاتی بخط رقاع استادانه دیده میشود که چنین است:

عید است و موسم گل و یاران در انتظار ساقی بروی شاه به بین ماه و می بیار
خوش دولتی است خرم و خوش خسروی کریم یارب ز چشم زخم زمانش نگاه دار
زیر تخت و پائین پای شاهزاده رقم نقاش در داخل ترنجی جلب نظر میکند که نوشته:

(عمل سلطان محمد عراقی)

و در کناره های رقم استاد و در نیم ترنجهای متقارن کلمات (فتح باد - نصرت باد - قدرت باد - دولت باد - فرصت باد) دیده میشود.

در کتیبه بالای در ورودی قصر نوشته (غازی ابوالمضر سام میرزا) که نقاش هنرمند ما بغلط ابوالمظفر را با حرف (ص) درج نموده است.

۱۰- دیگر اثر رقم دار سلطان محمد در این کتاب، مجلس پر حلاوت باده نوشی و عیش و طرب جماعتی بی پروا است که بمصداق شعر مدرجه بالای تصویر، ترسیم گشته است.

گرفته ساغر عشرت فرشته رحمت ز جرعه بر رخ حور و پری گلاب زده

در این صحنه سماع و سرمستی که جماعت لوندان و عیا شان را در کمال خلصه و شادمانی ارائه داده و همچنین نقوش منظم و پر پیرایه ساختمان خانه که در هر گوشه آن، تصویر موضوع دیگری به ابتکار نقاش تجسم یافته، مبین استادی و حدت قلم نقاش میباشد که او را در صحنه هنر خود شایسته و در خور تحسین مینماید. و حتی دور اندیشی و تخیل ساحرانه نقاش، فرشتگان آسمانی را نیز دربر گرفته و بسان انسانهای زمینی، در باده گساری شادی آفرین شرکت داده که جامهای شراب را بی پروا سر میکشند. رقم نقاش در کتیبه بالای درب ورودی جلب نظر میکند که چنین نوشته:

(عمل سلطان محمد عراقی)

۱۱- از آثار منسوب به سلطان محمد در این کتاب، تصویر دو دلداده درباری است که در آلاچیق پر زیب و زینتی، در وسط باغ پر گل و ریحانی نشسته، معاشقه و مغالزه مینمایند. جماعت نوازندگان به طرب اشتغال دارند و دو رقاصه باریک اندام و زیبا روی، در پیشاپیش آنها به پایکوبی مشغول میباشند. مستخدم جوانی مامور پذیرائی شاهزاده بوده و جام شراب را بوی تعارف مینماید. نقاشی در کمال آراستگی بوده و شیوه و حلاوت کارهای استاد را دارا میباشد.

۱۲- دیگر از آثار منسوب باین هنرمند که در نمایشگاه دیدم. چهار تصویر در خمسه نظامی بخط شاه محمود نیشابوری بود که سنه (فی سلخ شهر ربیع الاول سنه اربعین و تسعمائه) ۹۴۰ داشت.

در تصویر اول که موضوع آن سلطان سنجر و پیر زن سالخورده میباشد. بعبار شعری که در بالای تصویر نوشته شده.

پیر زنی را ستمی در گرفت دست زد و دامن سنجر گرفت

تصویر شده و حاکی از قدرت قلم نقاش میباشد. در این اثر گرانمایه، سلطان سنجر و همراهان سوار

بر اسبها بوده و پیر زن عصا بدست، دامن سنجر را گرفته و تظلم میکند. منظره کوهها و صخره های بهم تنیده و درختهای تنومند بالای کوه و جماعت نظار و کیفیت تزیین البسه و ارائه خوش تراشی های اسبهای صحنه در نوع خود انگشت نما بوده و پرآذین میباشد.

۱۳- دیگر تصویر رقم دار هنرمند در همین خمسه نظامی (حمام شیرین) است که لخت شده و در چشمه ای آب تنی میکند. خسرو که در پشت کوهها از نظر شیرین ناپیدا میباشد، سوار بر اسب، انگشت تعجب بدهن برده و محو زیبایی شیرین شده و چشم چرانی میکند. اسب شیرین که در کنار چشمه ایستاده، حالت شیبه بخود گرفته و وجود نامحرم فضولی را در پشت صخره ها خبر میدهد. منظره صخره های کوه و اطراف چشمه و درخت پر برگ بالای کوه، پر زیب و باشکوه است و روی تکه سنگی رقم دارد.

(عمل سلطان محمد)

۱۴- مینیاتور رقم دار دیگر هنرمند در این کتاب، شکار بهرام گور در نخجیرگاه است که بهرام، روی اسب نشسته و بشیری که الاغ زبان بسته را گرفتار کرده حمله می برد. در این حمله برق آسا، بیک تیر شیر و الاغ را بهم دوخته و از حال برده است. منظره رنگین و بسیار بدیع کوهها و همچنین قیافه و آرایش حصار در کناره ها و ارائه وحشت جانوران در شکارگاه، پر مایه بوده و رقم دارد.

(عمل استاد سلطان محمد)

۱۵- آخرین و شیواترین اثر هنرمند در این کتاب که متأسفانه امضا ندارد، تصویر معراج حضرت محمد (ص) است که بر براق سوار گشته و در معیت فرشتگان به آسمان عروج مینماید. حالات و حرکات پر ملاحظت و قیافه و شادابی و تزیین البسه و پره های فرشتگان، در کمال فریبندگی بوده و عاری از توصیف میباشد. نور طلایی خیره کننده ای که در اطراف حضرت، باطراف ساطع گشته، در زمینه آبی تصویر جلوه بسیار دلپذیری دارد. ابرهای سفید و غلطان که چون موج آبی ملایم، در فضای لایتنهایی در حرکت میباشند، وضع صحنه را روحانی تر کرده و حالت باصفائی به تصویر بخشیده است.

این بود مختصر توضیحی در مورد آثار سلطان محمد عراقی که تعداد ۱۶ قطعه از آنها را در نمایشگاه مزبور از نزدیک دیدم. خوشبختانه اغلب این تصاویر بعکس رنگی و سیاه سفید در کاتالوگها و کتابهای گوناگون طبع و منتشر گشته که بیننده را تا حدودی اقناع کرده و بشیوه و مکتب مخصوص هر هنرمند و عظمت و مهارت تصویر ساز آشنا مینماید. حال بهتر است از سایر آثار سلطان محمد عراقی که در منابع دیگری مضبوط شده نظر انداخته و مختصراً "تشریح نمائیم.

در کتابیکه راجع به مینیاتورهای ایرانی، در شوروی بوسیله ک - کریم اوف در سال ۱۹۷۰ چاپ شده آثاری منسوب به سلطان محمد دانسته که مجلاً" در این گفتار درج مینمائیم.

۱۶- دو تصویر برازنده و زیبا در صفحات ۴۲ و ۴۳ این کتاب ارائه شده که هر دو تصویر منظره شکارگاهی را مجسم میکند که شکارچیان بر اسب و شتر سوار شده و خیل آهوان را بکمین گاه نزدیک کوه هدایت میکنند.

در تصویر دیگر، منظره شکار گاهی است که شاهزاده شکارچی در وسط نخجیرگاه بروی فرشی نشسته و سایه بان مخصوص در کنار وی دیده میشود. از شیوه پر ملاحظت وجودت قلم معلوم میشود که از کارهای شیوای سلطان محمد میباشد.

۱۷- دیگر تصویر منسوب به سلطان محمد که در این کتاب ارائه شده، منظره پر جلال کوه و صحرا است که در وسط آن، درخت چنار بزرگی جلب نظر مینماید. شاهزاده جوانی زیر درخت نشسته و بخوردن میوه سرگرم میباشد. همراهان و شکارچیان دیگر در حالت استراحت دیده میشوند.

۱۸- دیگر از آثار منسوب به سلطان محمد، تصاویر چهار تک نفر است که بسیاق و شیوه استاد

محمدی عمل آمده و در نوع خود استادانه میباشد. یکی از این تصاویر، جوانی است که کلاه عمامهای بسر گذاشته روی دوشک و متکا دراز کشیده و مشغول خواندن کتاب است. دیگری، باز تصویر همین جوان شاهزاده است که در محلی نشسته و کتابی را مطالعه مینماید. تصویر سوم، مجدداً این شاهزاده را ترسیم کرده که زیر درخت پر برگ و گل سفید نشسته و بخواندن کتاب اشتغال دارد. تصویر چهارم، شاهزاده دیگری است که ریش و سبیل کوتاهی داشته و کلاه عمامهای پردار زیبا بسر گذاشته و عقابی بدست گرفته و گویا عازم شکار میباشد.

چند اثر استادانه دیگر که در کتاب شاهنامه شاه طهماسبی چاپ شده و منسوب به سلطان محمد میباشد، مختصراً در اینجا توضیح میدهیم.

۱۹- در صفحه ۹۲ کتاب چاپی مزبور که واقعا در کمال نفاست چاپ شده و بعینه شبیه اصل تصاویر میباشد. مجلس ضیافت کیومرث شاه است که روی قالیچه‌ای نشسته و مهمانان و رجال دیگر به ترتیب مقام در کنار وی جلوس کرده‌اند. در وسط صحنه آتش روشن کرده و در کناره‌ها مهمانان دیگر بپاده نوشی مشغولند. در صحنه جلوتر، چوپانانی بین گله گوسفند و گاو و آهو و سایر حیوانات دیده میشوند. منظره دشت و دمن و کوه و درختان زیب افزا بوده دلنواز میباشد.

۲۰- دیگر اثر منسوب در این شاهنامه، تصویر طهمورث پادشاه است که سوار بر اسب بوده و با دیو سهمناکی نبرد میکند. جمع دیوان که باسارت یاران پادشاه در آمده‌اند، در گوشه تصویر دیده میشوند. منظره میدان کارزار و قیافه و حالات گوناگون همراهان و دیوهای مهیب، در کمال ظرافت و استحکام ترسیم شده و بی بدل میباشد. تصویر صفحه شماره ۹۶ کتاب.

۲۱- دیگر اثر استادانه سلطان محمد که در صفحه شماره ۱۰۴ جلب نظر میکند، تصویر از تخت افتادن ضحاک است که محارم و رجال درباری سعی میکنند او را مجدداً بهوش بیاورند. منظره تخت طلائی و ترسیم و تزئین طاق نمای قصر و حالات و تجمل البسه حاضرین و سایر نکات برجسته تصویر در کمال استادی عمل آمده و ستودن دارد.

۲۲- تصویر شماره ۱۰۸ کتاب مزبور یکی دیگر از آثار ارزنده این هنرمند است که در شاه نامه شاه طهماسبی جلب نظر مینماید. موقوف تصویر که برداشتی از این ابیات میباشد.

خبر شد به ضحاک یک روزگار از آن گاو پرمايه و مرغزار
بیامد پر از کینه چون پیل مست مرآن گاو پرمايه را کرد پست
در این داستان، ضحاک بعد از اینکه گاو را می‌کشد، بطرف فریدون رفته و خانه وی را به آتش میکشد. بعد از البرز کوه پائین آمده و پهلوی مادر میرود و از او می‌پرسد.

بگو مرا تا که بودم پدر کیم من بتخم از کدامین گهر
سلطان محمد در این اثر زیبا، هنر خود را به بهترین نحوی عرضه کرده و خیل حیوانات و جماعت نظار را در کمال تردستی نقش نموده و در وسط معرکه ضحاک که سوار بر اسب بوده و شمشیر خود را داخل شکم گاو نموده، بزیبائی هرچه تمامتری ارائه کرده است. استواری نقوش و ترسیم ابعاد هندسی و کاشیکاری رنگین قصر یک دنیا لطافت به همراه دارد. در کتیبه‌های بالای قصر که همانا عمارت بهشت آسای فریدون میباشد، این اشعار درج شده است.

بلندی منظر گردون از آن یافت کز آنجا کوکب اقبال شه تافت
فلک قصر فریدون زان سبب ساخت جهان از قیصر و کاوس پرداخت
که تا داد و دهش سلطان غازی شود خورشید اوج سر فرازی
۲۳- تصویر صفحه شماره ۱۱۲ کتاب دیگر اثر منسوب نقاش است که در کمال قدرت ترسیم گشته است. در این اثر استادانه، ضحاک نگون بخت به بند فریدون گرفتار آمده و زبون و درمانده در وسط صحنه

قصر از پا در افتاده است. محارم سلطنتی و یاران فریدون نظاره‌گر این ماجرا میباشند. منظره قصر فریدون در کمال آراستگی و پر زیب و زینت است. در بالای کتیبه قصر چنین نوشته:

بکام تو بادا همه کار تو خداوند گیتی نگهدار تو

در روی تخت فریدون که یکی از محارم نشسته، در بالای آن این بیت شعر دیده میشود.

فریدون فرخ فرشته نبود به عود و به عنبر سرشته نبود

۲۴- اثر دیگر هنرمند در این کتاب که در صفحه ۱۳۲ چاپ شده (رای زدن زال با موبدان در کار رودابه) میباشد. در این اثر دلنواز و فریبنده، زال روی تخت نشسته و موبدان در حضور وی بروی زمین نشسته‌اند. منظره پر طراوت باغ و زمینه طلائی آن روح افزاست. پرده رنگینی پشت سر زال دیده میشود. بقیه حضار در اطراف معجر قرار گرفته و گفتار آنها را گوش میدهند.

۲۵- از آثار متنوعه دیگر هنرمند که در کتاب ترکی امیر علیشیر نوائی بیادگار مانده، تصویر شکار بهرام گور در حضور آزاده است که از کارهای استادانه نقاش بشمار می‌آید.

در این مینیاتور، بهرام گور سوار بر اسب شده و یابوئی را تیر زده است. جانوران وحشی دیگری از قبیل آهو و خرگوش و قوچ و روباه و میمون از مقابل شکارچیان می‌گریزند. یکی از همراهان بهرام، شیری را شمشیر زده و روی صخره‌ها انداخته است. رودابه و دختر زیبای همراهش که بر اسبها سوار گشته‌اند، چنگ و دف می‌نوازند. صراحی و جامهای شراب در دست خدمتکاران مخصوص دیده میشود. ۲۶- دیگر اثر پر هنر این استاد که در بریتیش میوزیوم مضبوط است، تصویر پهلوان نامدار ایرانی، رستم است که روی قالیچه‌ای دراز کشیده و مبارزه رخس را با شیر نظاره میکند. در این ماجرا، رخس رستم پیروز شده و شیر شرز را زخمی کرده است. منظره درختان جنگلی، صفا و طراوت بخصوصی داشته و از هر نظر ستودنی میباشد.

۴۲۹- سلطان محمود بخاری

بنوشته صاحب مناقب هنروران:

"او در تذهیب دست داشت و در خط نویسی شاگرد میر علی هروی بود"

۴۳۰- سلمان

از تصویر گران گم نام ایرانی است که در زمان اکبر شاه هندی بآن دیار عزیمت کرده و بشغل نقاشی مشغول گشته است.

سلیمان در محمد شفیع آمده

۴۳۱- سلیمان چلبی-مجلد

بنوشته مناقب هنروران:

"فرزند استاد محمد چلبی مجلد باشی سلطان سلیم عثمانی بود و در هنر ترنجه و شمشه سازی بطریقه ملمع و ملون دست نازک قلم داشت و بسیار شیرین کار بود. حدود سنوات ۱۰۰۸ ه.ق."

۴۳۲- سلیمان قاسم-سید سلیمان قاسم پاشا

نقاش شیرین قلم قرن ۱۱ ه.ق. عثمانی و به سید سلیمان قاسم معروف بود.

از آثار شناخته شده این هنرمند، تصویر ملکه وپرنس جوان عثمانی است که حالیه در موزه اسلامبول مضبوط میباشد. در این اثر دلنواز، هر دو نفر شل سفید رنگی بتن کرده و کلاه عمامهای پردار مخصوص بسر نهاده‌اند. تصویر چند نفر شکارچی و در قله بالائی آن دو غزال و چند درخت تکیده بی برگ دیده میشود. در کناره کوه، جوی آبی روان گشته و یک درخت پرگل در جنب آن جلوه‌گر میباشد. اسامی افراد بخطرنگ پریده‌ای نوشته شده و رقم دارد. (سلیمان قاسم)

دیگر از آثار زیبای این هنرمند که در نمایشگاه سال ۱۳۴۳ شمسی در کاخ ابیض تهران دیدار کردم، آرایش و تذهیب فریبنده و چشم نواز کتابی بنام مصور اسلام بود که دارای ۱۹۳ صفحه مصور داشت و سال اجرای آن ۱۰۸۶ بود.

۴۳۳ - سلیم قلی

نقاش پر مهارت دو تصویر از کتاب انوار سهیلی مضبوط در انگلستان است که شرح آن کتاب را جزو احوال آننت مفصلاً یاد کرده‌ام.

یکی از آثار ارزنده نقاش، تصویر سوار کاری است که شکارچی و شیر را با یکدیگر بقتل رسانده و به اجساد افتاده آنها نگاه میکند. از حالت و چهره سوار کار معلوم میگردد که بطمع گرفتن پوست شیر، شکار و شکارچی را با هم بقتل رسانده است. زمینه نقاشی و مناظر درختان اطراف، استادانه بوده و رقم دارد. (سلیم قلی)

دومین اثر هنرمند در این کتاب، تصویر یکی از پادشاهان پر جلال هند میباشد که در آرایش سلطنتی تاجی بسر نهاده و بروی تخت نشسته است. مستخدم مخصوص مشغول باد زدن شاه است. در گوشه دیگر، دو شتر و یک فیل و یک اسب با سورچی‌های مخصوص دیده میشود. مناظر پر گل و ریحان و درختان زیبا و سر سبز باغ باستانی کامل ترسیم گشته و رقم دارد. (سلیم قلی)

سماور سازی در ایران - در مجله یغمای سال ۲۰ مطلب تازه و جالبی از مرحوم ابوالحسن فروغی در مورد سماور دیدم که چون حاوی مطالب هنری تاریخی بود عیناً در اینجا ارائه میگردد.

((شخصی از اعیان که گویا در اوان سلطنت ناصرالدین شاه وقتی در اصفهان بوده برای یکی از دوستان حکایت نموده است که روزی در باغ دیوانخانه اصفهان جلو عمارت مشهور چهل ستون به اتفاق چند نفر دیگر به انتظاری نشسته بودیم. گدای کور پیری عصا زنان پیدا شد و بطرزی سوال کرد که مورد توجه و رقت آمد. هر کس چیزی داد و یکی دو قرانی در دست بیچاره فراهم گردید. پس سائل کور گفت: آقایان شما وجه معاش امروز و امشب مرا کرامت کردید و نقداً از تلاش روزی یک روزه فراغت دادید. می‌خواهید در این فراغت برای شما قصه بگویم. گفتیم بگو. گفت: "من مردی دواتگر و بینا بودم و در همین شهر در بازار دواتگران دکانی داشتم. یک روز غفلة دیدم مامورین حکومت آمده تمام دواتگران را به حضور حاکم می‌خوانند و درین امر جد کامل دارند. چندانکه موجب اضطراب شد. لیکن چون چاره از اطاعت نبود دکانها را بستیم و همه از استاد و شاگرد روانه شدیم. ما را به هیات اجماع به محضر حکومت در آوردند. حاکم گفت کلیه دواتگران همین جماعتند و دیگر کسی باقی نیست؟ گفتیم نه. پرسید که شاگردان نیز همراهند؟ گفتیم بلی. گفت ایشان مرخصند بروند. شاگردان رفتند. دیگر بار حاکم گفت استادان در میان خود آنها را که استادترند جدا سازند. چنین کردیم. باز فرمود منتخب شدگان بمانند و دیگران بروند. چون رفتنیها رفتند به باقی ماندگان گفت شما نیز همان کار کنید و این نخه چینی تکرار یافت تا من و یک نفر از همکاران بجا ماندیم. به ما نیز فرمود شما هم استادتر را معلوم دارید. رفیق من به من اشاره نمود که این استاد تمام ماست و من شاگرد اویم. پس آن رفیق را نیز مرخص کرد و رو به من

۴۳۴ - سمیع زرگر

بنوشت کتاب جامع مفیدی:

"خواجه سمیع زرگر به جودت طبع و حدت ذهن شهرت تمام داشت. در اوایل حال چند گاه به کسب علوم پرداخته در علم نجوم و ریاضی ماهر گردید. بالاخره به جهت وجه معاش کسب زرگری اختیار نموده در اندک زمان چنان استاد گشت که کوره تفتان آفتاب برای گداز زر او لایق و بوته رخشان ماه کارگاه سیم پالای او را موافق. در جواهر شناسی به مثابه‌ای که به مجرد دیدن صدق قیمت دری که درون او بودی بدانستی و در عیار گرفتن به منزله تجربه محک از غش و صفای زر خبر دادی. نظم:

روز و شب کوشش هنر کرده وز هنر کار خوچو زر کرده

هرچه بتوان ز سیم و زر پرداخت ساختی آن چنان که نتوان ساخت

و در سنه سبع و سبعین و الف به حجاز و یثرب شتافته بعد از گزاردن حج اسلام و طواف مرقد مطهر حضرت خیر الانام به وطن مراجعت کرد و هم در آن ایام پهلوه به بستر ناتوانی نهاده رخت هستی به باد فنا بر داد."

۴۳۵ - سنان بیک

بنوشته مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران:

آورده گفت امیر ترا به تهران خواسته است (مقصود امیر کبیر میرزا تقی خان اتابک اعظم است) آنگاه فرمود تا وجهی برای خرج سفر پیش من گذاشتند و گفت باید هر چه زودتر براه افتی.

من بی آنکه بدانم مقصود چیست با اندیشه بسیار و رعبی که از اسم امیر در دلها بود به تهران شتافتم و به درگاه امیر رفتم و عریضه‌ای که حاکم اصفهان نوشته بود دادم. چون عریضه بعرض امیر رسید مرا به حضور خویش خواست. لرزان به آن محضر باشکوه در آمدم. فرمود از کجائی و چکاره‌ای؟ عرض کردم از اهالی اصفهان و استاد دواتگرم. فرمود رفتند و از صندوقخانه چیزی نادیده آوردند و پیش من گشودند بعداً دانستیم که نام آن چیز سماور است و بیشتر در پختن چای بکار می‌آید. چون سماور گشوده شد و من آن را درست دیدم امیر فرمود می‌توانی نظیر آن را بی کم و کاست بسازی؟ عرض کردم بلی. فرمود کوره زدن و فراهم آوردن اسباب و ساختن یک نمونه چقدر مخارج دارد؟ مبلغی گفتم. فرمود تا فوراً حاضر ساختند. و امر نمود تا محلی برای کوره بندی دادند و از هر جهت مساعدت کافی کردند. نظیر سماور را در چند روز ساختم و به خدمت امیر بردم. دید و تحسین بلیغ کرد و منشی را پیش خواند. در همان مجلس فرمانی نگاشتند که مدت ده سال ساختن سماور مخصوص این استاد است و حکمی به حاکم اصفهان نوشتند که مبلغ صد تومان برای ساختن کوره و دکان و تهیه اسباب در وجه فلان بپردازید و او را در حمایت دولت از هر گونه مزاحمت آسوده دارید تا با خیال فارغ سماور بسازد و به معرض فروش بگذارد.))

و از طرفی در داخل یک قلمدان قدیمی تصویر سماوری دیدم که قدیمیترین تصویر سماور در نقوش ایرانی بشمار میرفت. اصل اثر رقم ابوالحسن نقاشی را داشت و سال اجرای آن سنه ۱۲۵۶ بود. نگارنده تصویر آنرا از روی قلمدان نقاشی کرده و بشماره ۵۱ - جزو تصاویر آخر کتاب در دید علاقمندان قرار میدهم.

"از مصوران قسطنطنیه زمان سلطان محمد خان فاتح عثمانی است. او از استادان فرنگ دیده عثمانی و شاگرد نقاش معروف فرنگی (ماستوری پاولی) بوده است. از شاگردان معروف وی شبلی زاده احمد است که اهل بورسا و در شبیه سازی از دیگر استادان برتر بوده است."

بطوریکه در تواریخ زمان نقاش قید شده، برای تعلیم نقاشی به ونیز رفته و مدتی کار هنری نموده و بعد به بورسا مراجعت کرده است.

از آثار معروف و شناخته شده وی، تصویر سلطان محمد دوم عثمانی است که کلاه عمامه‌ای بسر گذاشته و لباسهای ضخیم رنگ حنائی و بنفش تیره پوشیده و گل سرخی را بدست گرفته و استشمام میکند. اندازه این تصویر ۲۷ × ۳۹ سانتی متر بوده و در آلبوم شماره ۲۱۵۳ موزه توپ قاپو مضبوط میباشد.

۴۳۶ - سنگی علی بدخشی

"بنوشته مناقب هنروران: از شاگردان دوست محمد مصور است که بریده‌های وی بسیار مقبول و مرغوب میباشد"

این هنرمند، قاطعی بی نظیر بوده و طوری در این هنر مهارت داشته که بریده‌های خطوط وی با خطهای نوشته شده معلوم نمی‌شده است.

از آثار رقم دار این هنرمند، قطعه خط بریده بی نظیری دیدم که رقم داشت.

(کتابه الفقیر میر علی قاطعها سنگی علی بدخشی)

۴۳۷ - سوربه کجراتی

این نقاش اهل هند بود و با هم شهریان هنرمند خود از قبیل سنگر و سیام در مصور ساختن کتاب معروف بایرنامه زمان اکبر شاه هندی، فعالیت هنری داشتند.

از آثار این نقاش، تصاویر گل‌های زیبایی در باتلاق بود که با منظره درختان و کوهها جمع شده و مرغان رنگینی از قبیل لک‌لک در بطن تصویر جلب نظر میکرد و رقم داشت. (سوربه کجراتی)

دیگر تصویر دلنواز در این کتاب، تصویر مختلف ماهیها بود که باستادی نقش شده و در حواشی آن، درختان سر سبز و پر طراوت جلوه‌گر بود و رقم داشت:

از آثار نقاش سیام در این کتاب، تصاویر پر مهارت جانوران گوناگونی از قبیل آهو و گاوه‌های وحشی و غزالان بود و رقم داشت. (عمل سیام)

۴۳۸ - سورداس

از نقاشان زیر دست و زیبا نگار اواخر قرن ۱۱ ه.ق. هند بود که اثر رقم دار وی، زینت بخش صفحات کتاب بایرنامه معروف زمان اکبر شاه هندی گشته است.

۴۳۹ - سیاوش بیک گرجی

گرجی زاده مسلمان و برادر فرخ بیک نقاش بود که در چهره سازی و مجالس بزمی و رزمی و آرایش طلائی و حل کاری و جانور سازی دست پر قدرت داشت.

قاضی احمد در گلستان هنر از او یاد کرده و چنین نوشته است:

"مملوک شاه رضوان بارگاه شاه طهماسب از گرجستان بود. شاه جم جاه او را از طفولیت بتقاش خانه

داده بود. پیش مولانا مظفر علی شاگردی میکرد. در تصویر سرآمد دوران گردید و در آن امر نادره جهان شد. بغایت قادر است. اکنون از آن کار بازمانده و در سلک غلامان شاهی همراه هم شهریان خود در شیراز و در خدمت یساق‌ها اقدام مینماید و بدان کار مشغولی نمی‌کند اما استاد فن خود است"

در عالم آرای عباسی در مورد این هنرمند چنین نوشته:

"غلام شاه جنت مکان شاه طهماسب بود و آن حضرت آثار قابلیت از اطوار او ملاحظه فرموده و او را بکسب نقاشی دادند. شاگرد استاد حسینعلی مصور بود. چون بقدر مهارتی در آن علم یافته نزاکت قلمش خاطر نشان اشرف گردید. بنفس نفیس متوجه تعلیم گشته، در شاگردی آن حضرت که بر احسن صورکم تصویر یافته قلم قدرت مصور الاشیاء بود، ترقی عظیم کرد، بسیار نازک قلم و دقیقه کار و مصور بی قرینه بود. سیاه قلم و گرده پردازی و تفسیر او را هیچ استادی بدست نمی‌توانست گرفت. مجلس سازی او بی عیب بود و در زمان اسمعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد و در زمان نواب اسکندر شاه او و برادرش فرخ بیک در سلک معتمدان شاهزاده جوان بخت سلطان حمزه میرزا منتظم بودند و در زمان حضرت اعلی شاهی ظل الهی مدتها ملازمت اشرف نموده، در رکاب مقدس آن حضرت عمرشان سپری شد."

و اما در مورد استادان این هنرمند آنچه در تواریخ و تذکره‌ها یاد شده، چنین است:

مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران. او را شاگرد استاد حسن بغدادی رئیس نگارخانه شاه طهماسب دانسته که تذهیب و سایر فنون حل کاری را از او یاد گرفته و در هنر خود سرآمد گشته است. قاضی احمد استاد وی را مولانا مظفر علی دانسته و در احوال وی یاد کرده است.

در عالم آرای عباسی معلم اولیه وی را استاد حسینعلی مصور نوشته که بعدها بوسیله خود شاه طهماسب تعلیم یافته است.

بروایت دیگر سیاوش بیک را شاگرد استاد خواجه عبدالحی نیز یاد نموده‌اند.

بدین ترتیب معلوم میگردد این استاد عالی مقام از مسند تعلیم استادان بنام زمان خود بهره‌یاب گشته و در حد خود مصوری پر اعتبار و صاحب امتیاز گشته است.

از شاگردان معروف وی یکی ولی جان تبریزی است که مصطفی عالی در کتاب خود چنین می‌نویسد:

"ولی جان نقاش نوجوان تبریزی شاگرد سیاوش بود و در زمان تالیف مناقب هنروران (۹۹۵ ه.ق.) از تبریز به عثمانی آمده و موظف بنقاشی شده است. کارهای او نزاکت قلم داشت و سحرآسا و لطیف بود ولی عنفوان شباب و مدایح بی ادراک او را از کار اصلی منحرف ساخت"

دیگر از شاگردان این هنرمند محراب علی و محمد هراتی میباشند که احوال آنها در جای خود یاد خواهد گشت.

آثار بجا مانده رقم دار وی عبارت است از:

۱- تصویری در کمال نفاست و بمثال کارهای میرک هروی بود که ازدهای سهمگینی به سوار کار و همراهش حمله می‌نمود. سوار کار ازدها را نشانه گرفته بود و رفیق پیاده‌اش در حال فرار دیده میشد. زمینه انتهائی تصویر کوههای افراشته داشت که از پشت صخره‌های آن چند نفری بحالات گوناگون دیده میشدند و حیواناتی در انتها جلب نظر مینمودند، رقم بخط قلم موئی داشت که نوشته بود:

(غلام شاه ولایت سیاوش نقاش)

۲- دیگر اثر ارزنده نقاش، تصویر دو جوان سر برهنه بود که زیر درختی بصحرا نشسته و یکی ساز میزد و آن یکی که کتابی بدست داشت آواز میخواند. رقم داشت.

(غلام شاه ولایت سیاوش نقاش)

۳- دیگر از آثار رقم دار و اصل هنرمند، تصویر استادانه و بسیار نفیس صحنه جنگی اسفندیار با دیو قوی هیکل بود که در کمال تردستی نقاشی کرده که یکی از همراهان وی پا بفرار گذاشته و چند ترسوی دیگر پشت کوهها مخفی گشته‌اند. منظره زمینه، پر طراوت و روح افزا و عظمت صخره‌های کوه فوق العاده بود و در انتهای کوه حیواناتی از قبیل شیر و بز و قوچ وحشی دیده میشدند. در روی یکی از صخره‌های پائینی بخط قلم موئی رقم داشت:

(غلام شاه ولایت سیاوش نقاش)

دیگر از آثار شیوای این هنرمند که عکس آنها در صفحات ۴۱ و ۱۲۰ الی ۱۲۳ کاتالوگ گالری کل ناچی لندن ارائه شده، ارقامی در بیرون جدول و خارج از متن داشت که بطن قوی از بهترین کارهای هنرمند بود که باختصار در اینجا ارائه میگردد.

۴- تصویر سیاوش و گرسیوز بود که روی فرش نشسته و به صحبت کردن اشتغال داشتند. دو خدمه کماندار و دو مهتر مخصوص که اسبها را مهار کرده بودند در کنار آنها دیده میشدند. منظره کلی تصویر و همچنین نقش کوهها عالی بود و در بیرون جدول رقم داشت. (سیاوش)

۵- تصویر دیگر، عبور کیخسرو و گیو و فرنگیس از رود جیحون بود که در کمال حلاوت و دلربائی نقاشی شده و منظره کوهها و درختان و قیافه چند نفر شکارچی که از پشت کوهها نظاره می نمودند باستانی تصویر شده و در بیرون جدول رقم داشت. (سیاوش)

۶- اثر دیگر هنرمند، رفتن کیخسرو پیش کیکاوس بود که برداشت زیبایی از این ابیات بحساب می آمد
چو بنشیند کیخسرو از موبدان خوش آمدش گفتار آن بخردان
سوی گاه کاوس بنهاد روی شهنشاه کیخسرو نامجوی

در این تصویر دو شاهزاده روبروی هم ایستاده و روبروسی میکردند. منظره تخت سلطنتی و جماعت همراهان و مناظر دشت و دمن زیبا و ستودنی بود و بیرون جدول رقم داشت. (سیاوش)

۷- تصویر دیگر (گفتار اندر رزم اسفندیار با سیمرغ) بود که اسفندیار در کالسکه سلطنتی جلوس کرده و سیمرغ باو حمله میکرد. در مقابل آنها چنار پر مهابتی رسم شده که دو بچه سیمرغ در بالای درخت و در لانه خود دیده میشدند. عده‌ای از رزم آوران که پشت کوهها جای گرفته بودند باین نزاع پهلوانی نظاره مینمودند. نیزه‌های ثابت روی کالسکه که مثل زرهی استوار بروی آن سوار شده، تازگی خاصی داشت و در زیر ریشه چنار رقم نقاش جلب نظر میکرد که نوشته بود. (سیاوش)

۸- آخرین تصویر رقم دار شاهنامه که در این کاتالوگ چاپ شده، گفتگوی سهراب، با تهمینه و درباره رستم بود که از هر حیث پر مهارت و بی عدیل بود. در این اثر پرمایه، تهمینه به متکاهای رنگین تکیه کرده و روی دوشکی نشسته و با پسرش سهراب که لباس سرخ بتن کرده بود صحبت میکرد. دو ندیمه مخصوص بخدمت ایستاده و پیر مردی در بیرون خانه دیده میشد. زیر پای پیر مرد رقم داشت: (سیاوش)

۴۴۰ - سیدالشعرا

نام اصلی این هنرمند معلوم نگردید، زیرا در چند اثر گوناگون که از این هنرمند دیده‌ام، در تمام آنها خود را سیدالشعرا معرفی کرده و نام واقعی خود را ذکر نکرده است. این هنرمند، نقاش آبرنگ کار و سیاه قلم و رنگ و روغنی اوایل قرن ۱۴ ه.ق. بود و در این هنرها دست داشت. از آثار او دیده‌ام:

- ۱- تصویر رنگ و روغنی یکی از رجال قاجاری بود که تاحدی جالب بود و رقم داشت. (سیدالشعرا)
- ۲- تصویر آبرنگی دختر جوان و شادابی بود که لباس ایرانی بتن کرده و مشغول نواختن ضرب بود.

رقم داشت. (سید الشعراء)

۳- دیگر اثر سیاه قلمی این هنرمند که در کتاب عین الوقایع و در صفحه ۱۸۴ آن چاپ شده. تصویر شورش سپاه کابل بر ضد موثر کیوناری سفیر انگلیس بود. که سربازان شورشی با تمام سوارات جنگی بسفارت حمله کرده و مامورین سفارت نیز بدفاع از خود مبارزه میکردند. منظره شهر کابل و قیافه سربازان دیدنی بود و در روی یکی از آجرهای سفارت رقم داشت. (عمل سید الشعراء ۱۳۲۲)

۴۴۱ - سیدبابا افشانگر

بنوشته مکتوبی از سلطان علی مشهدی که بیکی از فرزندان سلطان حسین میرزا بایقرا ارسال شده، نام این هنرمند را نیز جزو اساتید زمان قید کرده و بنام استاد افشانگر معرفی نموده است.

۴۴۲ - سیدجعفر مذهب

نقاش و مذهب نامی دوره ناصری بود و در ترسیم و تذهیب و حل کاری و طلا اندازی دست پر ملاحظت و پراستعداد داشت.

از آثار گرانقدر این هنرمند که از نزدیک دیده‌ام. قلمدان فوق العاده‌ای بود که به تذهیب و آرایش طلائی نقش شده و بخط رقاع استادانه و زیبا رقم داشت.

(ذهبه سید جعفر ۱۲۸۵)

دیگر از آثار پر قدرت این هنرمند که در کتابخانه گلستان ایران بیادگار میباشد. جلد قرآن مذهب و مرصع ممتازی است که سر لوحها و حواشی آن پر تشعیر و زرین بوده و ترنج سازی آن بی نظیر و عالی عمل آمده و رقم داشت. (ذهبه سید جعفر)

۴۴۳ - سیدجواد

هنرمند زرگر بود که در تصویر سازی مینائی و آذین بندی جواهرات دست پر مهارت داشت. از آثار شایسته وی قاب طلائی قرآن مزینی دیدم که رقم داشت: (سید جواد)

۴۴۴ - سیدعلی

میرزا سید علی، نقاش ماهر اهل نائین بود که در تهران اقامت داشت. بنوشته کتاب تاریخ نائین:

"در زمان سلطنت مظفالدین شاه تصویر اسکناسی جعل کرد که با اصل برابری مینمود. عاقبت اداره بانگ مستاصل شده و اعلان نمود که سازنده اسکناس خود را معرفی نماید و با دستمزد کافی برای بانگ کار کند. ولی او خود را معرفی نکرد."

۴۴۵ - سیدعلی اصفهانی

از سادات صاحب کمال اصفهان و نقاش قلمدان ساز دوره ناصری بود. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان پر کار و استادانه‌ای در موزه هنرهای تزئینی تهران دیدم که تصاویر شاهان اساطیری را در اندازه کوچکتر ترسیم کرده بود که قدرت نقاش را برملا میساخت. حاشیه گیری و کناره سازی تصاویر نیز با تذهیب پر مایه و شایان تمجید نقش شده و رقم داشت. (سید علی اصفهانی)

۴۴۶ - سید علی درب امامی

از سادات هنرمند اصفهان بود و بعثت همجواری با امامزاده درب امام (۱) به سید درب امامی معروف و شهره گشته بود.

این نقاش ساده کار و شیرین قلم که آثارش با ابتکارات و شیوه استثنائی ترسیم میشده، بتحقیق از پایه گذاران و مبتکرین مکتب کوبیسم که در آن زمانها ناشناخته بوده و در حد یک خیال واهی و تصویری نافرجام بشمار می آمده محسوب گشته و نا خود آگاه در یک کارگاه محقر استادی گمنام، پا بعرصه وجود نهاده است.

باتعمق و موشکافی دقیقی که به دو تابلوی نوپرداز و بجا مانده وی مینمائیم، بسادگی در می یابیم که این نگارگر اصفهانی به ابتکار و ارائه جوهر ذاتی پر مایه اش، موفق بکشف مکتبی گشته که رقیبان نو پرداز اروپائی اش بعد از گذشت سالیان متمادی کور سوی مختصری در این شیوه پیدا کرده و بنام مکتب نوپای کوبیسم در دنیا پخش نموده اند.

این دو اثر پر ارزش و رقم دار که هر دو بیک سبک و یک موضوع ترسیم شده مجلس بزم شاه عباس است که برنگ و روغن تصویر گشته و در اندازه ۱۱۶×۲۲۷ سانتی متر میباشد.

موضوع هر دو تابلو بزم شاهانه ای است که شاه عباس و معشوقه زیبایش بلباس دوره صفوی ملبس بوده و دست در دست یکدیگر در صدر مجلس قرار گرفته اند.

در وسط تالار دو رقاصه فتان برقص و پایکوبی مشغول بوده و دو مطرب نوازنده تار و دایره زنگی میزنند. در اطراف و حاشیه تابلو دو خدمتکار جوان به پذیرائی مشغول میباشند. رقم دارد.

(بزم شاه عباس) (عمل سید علی درب امامی ۱۲۰۷) مجموعه شماره ۲
طرز ترسیم و ارائه حرکات دورانی، بخصوص شیوه تصویر سازی و قیافه افراد کاملاً "مکتب منحصر بخود داشته و تاکنون با این قدمت و ابتکارات نوظهور در عرصه هنری ایران دیده نشده است. تصویر شماره

۴۴۷ - سید علی - سیدی علی

نقاش پر مهارت و گمنام قرن ۱۰ ه.ق. و در شیوه استاد میرک هراتی نقش می آفرید. در کتابخانه بریتیش میوزیوم لندن جلد روغنی خوش منظری از این نقاش و در اندازه $۱۴/۵ \times ۲۴$ سانتی متر دیده میشود که در نوع خود پر آذین بوده و شایسته تمجید میباشد.

این اثر زیبا که جلد منقش دیوان ترکی امیر علیشیر نوائی است، در زمینه رنگ اناری و روی چرم عمل آمده و حواشی آن تزیینات خرطوم فیلی و حل کاری گلپایه گوناگون دارد. در رویه جلد تصویر شاهزاده ایست که در روی تختی مزین نشسته و دوستان و ندیمان در کنار تخت وی قرار گرفته اند. یکی از نوکران غذای مورد دلخواه را بدست گرفته و بشاهزاده تعارف میکند. در صحن باغ قصر، دوستان و همراهان به عیش و طرب مشغول بوده و در کنار آنها نوازندگان درباری برقص و طرب سرگرم میباشند.

منظره پر صفای باغ و نقش چند درخت استوار و گلدار و تصویر پر مهابت و استادانه سیمرغی در حال پرواز، پخته و دلفریب بوده و کناره های تمام تصاویر طلاکاری و حل کاری گشته و زیر پله تخت رقم دارد. (عمل بنده درگاه شاه سید علی نقاش)

۱ - درب امام از دوره جهان شاه قراقویونلو پابرجا بوده و امامزاده درب امام مدفن دو امامزاده ابراهیم بطحا و زین العابدین میباشد.

سید علی مصور در میر سید علی مصور آمده.

سید محمد اصفهانی در محمد اصفهانی آمده.

۴۴۸ - سید میرزا

نقاش شیرین قلم و پر مهارت دوره فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه بود و در رشته های گوناگون هنر تصویر سازی دست پر قدرت داشت.

این هنرمند در ارائه تصاویر و شبیه سازی اشخاص وسواس فوق العاده داشت و در اغلب آثاری که از این استاد بیادگار مانده دقت نظر و استحکام و پختگی اثر بخوبی نمایان میگردد.

سید میرزا شیوه های قدیمی را دوست داشت و از مکتب پر بار صفوی و زندیه تقلید مینمود. این هنرمند علاوه بر آبرنگ و رنگ و روغن و کارهای روغنی در صنعت خط نیز صاحب نظر بود و نستعلیق و شکسته را خوش مینوشت.

متأسفانه از احوال بیشتر این هنرمند و سن حقیقی و سال تولد و وفات وی اطلاعی نداریم ولی از آثار تاریخدار و بجا مانده وی که بین سالیان ۱۲۴۰ الی ۱۲۵۸ اجرا شده معلوم میدارد این هنرمند در حوالی این سنوات حیات داشته و به خلق آثار گرانقدر مشغول بوده است.

مرحوم معیر الملک در یادداشت های خود هنرمندی بنام سید نقاش معرفی کرده و مختصراً "چنین نوشته: (در اواخر نیز نقاشی معروف بسید نقاش روی کار آمده بود. تصویری از ناصرالدین شاه در آرامگاهش دیده میشود از کارهای اوست) و هیچ بعید نیست این نقاش همان سید میرزا نقاش باشد که درسین پیری این اثر اخیر را انجام داده باشد.

آثار رقم دار سید میرزا عبارت است از:

۱- اثری پرمایه و ممتاز آبرنگی وی تصویر جوان خدمتکاری است که بسبک و شیوه دوران صفوی لباس پوشیده و قلیانی بدست گرفته و آماده پذیرائی است. به خط نستعلیق زیبا رقم دارد. (کمترین سید میرزا) مضبوط در مرقعات کتابخانه گلستان تهران.

۲- تصویر رنگ و روغنی نفیس و زیبا بابعاد ۹۳×۱۵۷ سانتی متر مضبوط در موزه نگارستان تهران. این اثر شایسته که تصویر حضرت یوسف میباشد، کلاه پوست بره ای زیبا بسر گذاشته و موهای سر از پشت سر آویزان میباشد. حضرت یوسف لباس بلند و تمام قد که کنگره های طلا پوشی دارد بتن کرده و در گوشه های پائین کناره آن، بوته جیفه های زیبا جلب نظر میکند. حضرت یوسف دست چپ خود را روی قبضه خنجر جواهر نشان گذاشته و گلی بدست راست گرفته است. منظره باغ و دورنمای ساختمان و درختان، مخصوصاً "تصویر دو آهوک در مقابل یوسف تصویر شده خوش منظر بوده و رقم دارد. (رقم کمترین سید میرزا) و در گوشه چپ بخط رقاع نوشته: (حضرت یوسف)

۳- دیگر از آثار رنگ و روغنی این هنرمند که در حراج سال ۱۹۷۶ در ساتبی لندن بفروش رسید، تصویر سلطان محمد میرزا در کمال قدرت بود که شاهزاده قاجار با لباس سرخ و آرایش جواهر نشان دو زانو روی دوشکی نشسته و شمشیر خود را بروی دویا نهاده بود. تزیینات کلاه و لباس و همچنین ارائه جواهرات متنوع و مخصوصاً "تصویر پر زیب و زینت متکائی که در پشت سر قرار گرفته بحسن سلیقه تمام انجام یافته و رقم دارد. (کمترین سید میرزا) و در قسمت بالای تابلو نام صاحب

چهره را قید کرده و بخط نستعلیق زیبا چنین نوشته:

(نواب سیف الدوله سلطان محمد میرزا)

تصویر شماره ۵۵

۴- دیگر اثر رنگ و روغنی این هنرمند که در موزه هنرهای تزئینی تهران بیادگار است تصویر نیم تنه سیف الدوله در جوانی است که رقم دارد. (رقم کمترین سید میرزا)

۵- از آثار روغنی و قلمدانی این نقاش، قلمدانی در حراج ساتبی دیدم که تصویر گروهی از رجال و شاهزادگان به استادی نقاشی شده و گل و مرغ پرحلاوت داشت و رقم زده بود. (سید میرزا)

۶- دیگر قلمدان این هنرمند که در حراج ۹ اکتبر سال ۱۹۷۸ در ساتبی لندن بفروش رسید، تصاویر سه شخصیت اعیان فرنگی بود که باستادی در روی قلمدان نقش بسته بود. در دو تریج کوچک بین تصاویر بخط شکسته زیبا درج شده بود.

(السلطان بن السلطان محمد شاه غازی ۱۲۵۸)

و در زیر سمت چپ رویه قلمدان، امضای نقاش دیده میشد که نوشته بود. (کمترین بنده سید میرزا)

از درج نام محمد شاه غازی در رویه قلمدان چنین معلوم میگشت، این سه نفر فرنگی شاید مامورین عالرتبه خارجی بوده‌اند که بدستور شاه قاجار تصاویر آنها بروی قلمدان تصویر شده و بنام ارمغان شاهانه هدیه گشته بود.

۷- قلمدان دیگری که توسط این استاد ترسیم گشته، قلمدان زمینه مرغش سرخ رنگ دلفریبی است که در موزه نگارستان تهران دیده میشود. در رویه قلمدان تصاویر زیبا و شبیه پردازی استادانه ارائه شده که در کناره‌ها و متن آن گل و بلبل شکوفا جلوه‌گر میباشد. این قلمدان که در نوع خود بسیار شیوا میباشد بخط نستعلیق زیبا و در قسمت بالای قلمدان رقم دارد.

(رقم کمترین بندگان سید میرزا ۱۲۴۰)

۸- از آثار دیگر روغنی این استاد، منظره شکار فتحعلی شاه در شکارگاه است که در معیت رجال و فرماندهان و شاهزادگان و خدمه مخصوص انجام یافته و در نهایت ظرافت است. در این اثر پر پیرایه، فتحعلی شاه سوار بر اسب شده و در وسط میدان بدنبال آهوان روان گشته است. شاهزادگان و رجال همراه نیز، هر یک در گوشه شکارگاه در تک و یو میباشد. منظره شکارگاه و قیافه افراد و زیبایی و خوش تراشی اسبان و حیوانات در کمال ممتازی است و در وسط تصویر رقم دارد.

(بنده درگاه سید میرزا)

این اثر زیبا که در اندازه $10 \times 14/5$ اینچ میباشد، مضبوط در بریتیش میوزیوم بوده و اشعار کناره نستعلیق آن که بقدرت تمام کتابت شده چنین است.

جان اهل دل ز شیرین نکته‌های دلکشت شادمان همچون دل خسرو ز وصل شکر است

نکته در مضمون تو چونانکه در گل رایحه معنی اندر لفظ تو چونانکه درنی شکر است

جلوه‌گر بر صفحه سیمینت مشکین نقطها هر یکی مانند خالی بر عذار دلبر است

متأسفانه این اثر شایسته تا حدودی از بین رفته و احتیاج مبرمی به تعمیر دارد و بقیه ابیات نیز بعلت ریختگی قرائت نگردید. تصویر شماره

۹- از آثار دیگر این هنرمند، دو تصویر جداگانه شاهزاده قاجاری میباشد که در صفحه ۱۸۵ جلد دوم کتاب هنری شولتز چاپ شده و رقم سید میرزا و تاریخ ۱۲۴۵ ه.ق. را دارا میباشد.

۱۰- دیگر از آثار سیاه قلمی این هنرمند تصویر جوان قاجاری در شیوه آقا صادق بود که در حراج ساتبی سال ۱۹۸۳ بفروش رسید. این اثر زیبا چشم نواز بود و رقم سید میرزا داشت.

۴۴۹ - سیدی احمد

از هنرمندان تصویر ساز و شیرین قلم دوره آق قویونلو بود.

۴۵۰ - سیف زرکش

بنوشته کتاب جامع مفیدی:

"عارف ریاضت کش سیف زرکش به جودت طبع و وحدت ذهن شهرت تمام دارد، در بدایت حال چند گاه به کسب زرکشی اشتغال نموده در آن فن بی مثل گشت و بعد از آن اوقات به دانستن علم سیاق مصروف داشته مهارتی به هم رسانید و در اوایل ایام جوانی که اوان تشاط و کامرانی است از ارتکاب مناهای و ملاحی به یکبارگی در گذشت و همت به تحصیل کمالات اخروی گماشت و روش صوفیه را پیشنهاد همت ساخت و در سن جوانی به سلوک طریق درویشان مایل شده به اصفهان شتافت و در آنجا دست ارادت به متابعت شیخ المشایخ خراسان شیخ محمد علی صوفی مشهدی زده در سلک مریدان آن جناب انتظام یافت و بعد از فوت شیخ تقوی دثار به مشهد مقدس معلی رفته چند گاهی در آن ارض مقدس در خدمت درویشان و گوشه نشینان به سر برده، بالاخره به مقتضای حب الوطن متوجه دیار خود گشت و به اداء طاعت و عبادت مشغول گردید."

۴۵۱ - سیف الدین خواجه

بنوشته مرحوم فکری سلجوقی در کتاب خود:

"سیف الدین نقاشی در عهد بایسنقر بوده و در هرات می‌زیسته است او بخواجه سیف الدین معروف بود که علاوه بر فن تصویر و تذهیب طبع شعری نیز داشته و واحدی تخلص میکرده است. در هنگام مرگ بایسنقر مرثیه عالی در مرگ وی سروده است. برخی از مینیاتورهای شاهنامه بایسنقری اثر این هنرمند می‌باشد."

۴۵۲ - سیف الدین محمود - نقش‌بند

از نقش‌بندان و تصویرگران نامی است که احوال وی را باختصار از کتاب (جامع مفیدی محمد مفید بافقی در سنه ۱۰۸۲ - ۱۰۹۰ ه.ق.) ارائه میدهم:

"آن جناب نسبت قرابت قریبه با عندلیب بوستان فصاحت و شیرین کلامی خواجه غیاث الدین علی نقش‌بند یزدی داشت و در اقسام کمالات و هنر و کیاست یگانه روزگار و وحید اعصار بود. در اصابت رای و وقوف و مهارت در امر نقش‌بندی شبیه و نظیر نداشت. لاجرم کمالات او در السنه و افواه دایر گشته شمه‌ای از آن به عرض خاقان زمان و زمین خلاصه اعظم السلاطین ابوالمظفر سلطان شاه صفی ماضی موسوی صفوی رسیده، قامت قابلیت او به تشریف خلعت آراسته، در زمره بندگان انتظام فرمود و به آن التفات پایه قدر و منزلت آن جناب روی در تزاید نهاده، در اندک زمان آن مقدار املاک و رقبات و باغات بهشت بنیاد و اسباب جمع نمود که کم دولتمندی را میسر شده باشد و در "فرشاه" مزرعه‌ای احداث کرده در آبادانی آن مساعی جمیله به تقدیم رسانید

آخر الامر به التماس زیاد از شاه رخصت مسافرت گرفت و عازم نجف اشرف گردید و چند سال در آن ولایت به عبادت شبانه روزی پرداخت.

و در صحن روضه مقدسه، چاهی حفر نمود که مبلغ حاصله را صرف رقبات خود گردانید. چون چندی در عبادت و طاعت آن عتبات عالیات نموده جهان فانی را وداع کرد و در روضه مطهر مدفون گردید. بنوشته محمد مفید از اقربای نزدیک او خواجه غیاث الدین علی نقش‌بند و فرزند با اعتبارش معزالدین می‌باشند که احوال آنها در جای خود خواهد آمد.

۴۵۳ - سیف علی شیرازی

درویش اهل شیراز و ملقب به سیفعلی شاه بود و در خطوط و تصاویر ناخنی دست پر هنر داشت. دو تصویر ناخنی ارزنده‌ای از این هنرمند در مجموعه دارم که یکی از آنها تصویر زن فتان قاجاری است که لباس بلندی پوشیده و خود را بجواهرات گوناگون آرایش داده است. زن جوان دیگری که در کنار وی قرار گرفته، دامن بلندی پوشیده و سینه‌ها را تا حدودی عریان ساخته است. در بالای تصویر، نقش چهار مرغ پر حالتی را ارائه داده که یک ماهی را بچنگال گرفته‌اند. رقم دارد (نمقه درویش سیفعلی شاه شیرازی)

اثر دیگر هنرمند تصویر گرفت و گیر دو شتر خشمناکی است که بهم در آویخته و بستیز مشغول میباشند. تزیینات درختان سرو و همچنین منظره چند پرند که در حاشیه اثر ناخنی گشته استادانه بوده و رقم دارد.

سید احمد: نقاش پر مهارت قرن ۱۲م عثمانی بود. از این هنرمند جلد روغنی پر مایه‌ای در شیوه میرکی دیدم که در حراج ۱۵ اکتبر سال ۱۹۸۴ ساتبی بفروش رسید که رقم داشت. (عمل سید احمد)

ش

۴۵۴ - شاپور

فقط دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است. "دیگر از متقدمین شاپور بود که چهره خسرو را بقلم سحرانگیز رنگ آمیز نمود و هر روز برنگی عشرت گاه شیرین او را چون گل سوری بر شاخسار قبول جلوه داد" از آثار رقم دار این هنرمند که در کتابخانه ملی عرب بیادگار مانده، تصویر زن بلند بالائی است که لباس بلند پوشیده و چهارقد درازی روی سر انداخته و موهای خود را پوشانده است. زن جوان با دست راست، گوشه چهارقد را بالا زده و در دست چپش پیاله شراب گرفته است. زمینه

نقاشی ابری است و چند برگ چنار بروی زمین دیده میشود. در زیر رقم دارد. (شیرین - عمل شاپور)

در گوشه راست تصویر این اشعار بخط شکسته قید گشته است:
 پرده بردار ز رخسار که دیدن داری سر برآور ز گریبان که دمیدن داری
 منت خشک چرا می‌کشی از آب حیات تو که قدرت بلب خویش مکیدن داری

۴۵۵ - شادی - نقاش هروی

نقاش هنرمند بروی فلزات بود. از این هنرمند قلمدان کشوی نقره کوب فولادی مثلثی شکل بود که رویه و زیر آن با ترسیمات اسلیمی و دایره‌ای، اشکال زیبایی ترسیم شده، در کنارها نیز جملاتی بخط کوفی تزیینی دیده میشود که انتهای سر کشیده‌ها، کله انسان بود.
 این تعاریف، اغلب در نقره کوبها دیده شده و در اینجا نیز تکرار گشته بود.
 (العزّ و الاقبال و الدوله و سلامه و السعاده و العافیه و الکفایه....)
 در سینه روبرو و پشت قلمدان رقم داشت.
 (عمل شادی نقاش فی شهر سنه سبعة و ستمائه) ۶۰۷ ه.ق.

۴۵۶ - شاه قولی الوانی قمی

نقاش هنرمند دوره صفوی و اهل تبریز بود که اجداد وی از شهر قم به تبریز آمده و در آن ولایت ساکن گشته‌اند. این هنرمند در رمالی و طالع بینی و معرفت اسطرلاب نیز دست داشت و در شعر و شاعری شیرین کلام بود و الوانی تخلص مینمود.
 در مناقب هنروان از این استاد یاد شده و چنین نوشته است:
 "از جمله استادان ممتاز و بدایع پیشه، شاه قولی نقاش که شاگرد آقا میرک است. فاما بگفته شاعر (نقاش نقش آخر بهتر کشد زاول) در صنعت خود بهزاد زمان است و شهرت دارد. این هنرمند در زمان سلطان سلیمان خان مورد لطف قرار گرفته و در حدود یوز آقچه (صد لیبه طلا) وظیفه در حق وی تعیین شده بود."
 شاه قلی در عمده آثار خود شیوه استاد روح اله میرک خراسانی را برگزیده و در کمال بصیرت و آراستگی از عهده انجام آن برآمده است.
 این هنرمند در تذهیب و تشعیر و آرایش و حل کاری صاحب کمال بود و در جانور و پرند ساز و همچنین چهره پردازی قدرت قلم برانزده داشت.

متأسفانه سالهای مسافرت به عثمانی و تاریخ تولد و درگذشت این هنرمند بر ما مکتوم است؛ ولی آنچه از قراین بر می‌آید، شاه قولی در قرن ۱۰ ه.ق. در دیار عثمانی شهره بوده و بطوریکه مصطفی عالی افندی نیز در کتاب خود باین امر اشاره کرده، مزد یوز آقچه که در آن زمانها پاداش بسیار

شاه قاسم خطاط - نویسندگان و هنرشناسان اروپائی شاه قاسم خطاط هنرمند معروف اوایل قرن ۱۱ ه.ق. را جزو نقاشان بحساب آورده و تصاویر کتابهایی که بخط وی کتابت شده به وی منسوب کرده‌اند. این هنرمند که از کاتبان مخصوص کتابخانه حسن خان شاملو میباشد، در فن تصویر دست نداشته و آثاری نیز از خود بجای ننهاده است.

ارزنده‌ای بوده دریافت میکرده است.

آثار رقم دار شناخته شده وی عبارت است از:

۱- تصویر اژدهائی با هیبت سهمگین و استحکام کم نظیر در شیوه میرک بود که از هر نظر استادانه و درخور توجه بود. در بالای این اثر و در داخل مستطیلی بخط نستعلیق زیبا رقم داشت.

(عمل شاه قولی علی طریق المشق)

تصویر این اثر در بولتن موزه مترو پولیتن نیویورک که در بهار سال ۱۹۷۵ چاپ شده دیده میشود.

۲- تصویر پرندگان گوناگون و درهم که با چرخش استادانه مخصوصی در کمال قدرت رسم شده و سرهای پرندگان در دور یک بدن باستانی به چرخش دورانی درآمده است. در حواشی اثر نیز تصاویر و آرایش اسلیمی بطریق آثار میرک نقش شده و رقم داشت.

اصل این اثر ارزنده را که در نمایشگاه نوامبر ۱۹۸۳ بریتیش میوزیوم از نزدیک دیدم در کمال قدرت تصویر شده و اندازه آن $15/8 \times 10/2$ سانتی متر بود. تصویر شماره

۳- سومین اثر رقم دار نقاش، تصویر فرشته بالدار است که بیکدست جام شراب و در دست دیگر صراحی قرار گرفته. این فرشته خوش حالت که در حقیقت حامل آب حیات میباشد، برای تقدیم آن بیک مرد روحانی در حال پرواز میباشد. لباس‌های بلند و موج ملانکه و همچنین کلاه خود مزین و مذهب و پردار طلائی‌اش، آیتی از قدرت قلم نقاش میباشد و بخط رقاع ریز رقم دارد.

(عمل شاه قولی)

و اما در یک سند وثیقه ترکی که در توپ قاپو سرای ترکیه قرار گرفته و متن آن در مجله ترکی:

TURK SANATI TARIHI ARASTIRMA VE INCELEMELERIE

چاپ شده و حاوی مطالب ارزنده‌ایست که در مورد نقاشان دوره سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ میلادی) تنظیم شده و نام شاه قولی، نقاش زبر دست ایرانی در والاترین طبقات پاداش و مرزها جا گرفته است.

بدین ترتیب با ارائه اسامی نقاشان گمنام ایران و عثمانی که بگونه‌ای در این سند یاد شده، یاد آن هنرمندان را گرامی داشته و در مواردی که ضرورت پیدا کرده ترجمه فارسی بعضی مطالب سودمند را در کنار مطلب یاد نموده‌ام.

اینک پاکتویس اصل سرنامه که از مجله ترکی مزبور اقتباس شده است.

(سرنامه سیز هدیه دفتری) - (دفتر هدایا)

نقاش عبدالعلی - بیر مصور مجموعه جلدی منقش

نقاش عبدالحمید - بیر کوچک و بیر بیوک منقش طباق

نقاش شاه محمود - کوی و چوگان جلدی منقش

نقاش علاء الدین محمد - بیر منقش ایر

نقاش علاء الدین محمد باباسی - بیر منقش طبل باز (پدر این نقاش)

نقاش علاء الدین محمدن قارداشی کمال - بیر منقش طبل باز (برادر این نقاش بنام کمال)

نقاش عبدالخالق - بیر منقش دوات بیر منقش یلپاز ۵ (یلپازه یعنی بادبزن)

نقاش حاجی میر - بیر مصور صندوق

نقاش منصور بیک - بیر منقش قبوز بیر منقش طباق (قبوز کیفی است که اسناد را در آن جای میدهند)

نقاش علی بیک - بیر منقش طباق بیر آقا چدان منقش - موم صفراسی

نقاش میرزا - بیر منقش طباق

نقاش عبدالغنی - بیر منقش جلالی دیه نامه بیر مصور یلپازه

دفتر الدور که بیرآمده‌ایش گتوروب انعام وریلن استاد لر بونلاردی که ذکر اولونور. ترجمه (مطابق دفتر، نام استادانیکه در روز عید کار هنری آورده و انعام دریافت داشته‌اند)

حسن نقاشباشی - اوچ بین آقچه (۱) و بیربنک کاریفه کافتان (۲) (سه هزار آقچه)

خواجه بیک نقاش - بیک آقچه (هزار آقچه)

شاه قولی نقاش - ایکی بین آقچه (دو هزار آقچه)

ملک احمد تبریزی نقاش - ایکی بین آقچه (دو هزار آقچه)

عبدالرحمن جدول کش نقاش - ایکی بین آقچه (دو هزار آقچه)

طورمش نقاش - بیک آقچه (هزار آقچه)

در وثیقه دیگری که در یک مجله چاپ شده و تاریخ دوم ربیع الاخر ۹۳۲ داشت. از جماعت قالی بافان و سایر حرفه‌ها نام برده بود که از بحث آنها خودداری مینمائیم.

۴۵۷ - شاه محمد اصفهانی

اهل اصفهان و از نگارگران اواخر قرن ۱۰ ه.ق. آن سامان بشمار می‌آید.

از این هنرمند دو اثر رقم دار بجا مانده که در شیوه استاد محمدی تصویر گشته است.

یکی از این تصاویر، زن چادر بسری است که در مقابل جوانی که ساز بدست گرفته ایستاده و با آواز ساز گوش میدهد. نقاشی، استادانه و پر ملاحظت بوده و رقم دارد. (عمل شاه محمد اصفهانی)

دیگر اثر رقم دار هنرمند، تصویر جوان عمامه بسری است که در حضور مرشد بزرگواری نشسته و مشغول صحبت میباشد. مرشد پیر که شاید سمت معلمی نیز داشته باشد، دو زانو نشسته و تسبیح بدست گرفته و جوان را راهنمایی میکند. رقم دارد. (عمل شاه محمد اصفهانی)

۴۵۸ - شاه محمد بن میر سید علی

فرزند وارسته و هنرمند میر سید علی نقاش معروف است که در هنر نقاشی والا مقام بوده و در صنعت خط نیز دست پر ملاحظتی داشته است.

در کتاب آئین اکبری خطی نگارنده در مورد پدر این هنرمند چنین نوشته:

(از پیشروان این شاهراه آگهی میر سید علی از بوم تبریز است)

بدین ترتیب، شاه محمد نیز اهل تبریز بوده و در معیت پدر و همراه عبدالصمد شیرازی و سایر هنرمندان بهند رفته و در آنجاماندگار گشته است.

در کتاب مزبور از شاه محمد نیز یاد کرده و او را در مقام یک صد و پنجاهمی که مقام نسبتاً جالبی میباشد قرار داده و هم طراز محمد شریف پسر خواجه عبدالصمد شیرازی محسوب داشته است. از آثار رقم دار وی ندیده‌ام.

۴۵۹ - شاه محمود

نام این نقاش جزو هنرمندان دوره سلطان سلیمان قانونی عثمانی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ میلادی) و در سند (سرنامه سیز هدیه دفتری) که تفصیل سند را در احوال شاه قولی آورده‌ام، ثبت شده و اجرا

۱- آقچه یعنی مقدار نقدینه و واحد پول مثلاً "هزار آقچه طلا یا نقره"

۲- کاریفه و کافتان یعنی قطیقه و البسه مخصوص

کننده جلد منقش نسخه کوی و چوگان بوده است.

۴۶۰ - شاه محمود رهی نیشابوری

اهل نیشابور بود و در نقاشی و خط و شعر دست داشت و رهی تخلص میکرد. این هنرمند عمده اوقات زندگی را در مشهد می‌گذرانده و در خط و کتابت، شاگرد سلطانعلی مشهدی و عبدی نیشابوری بوده است.

۴۶۱ - شاه محمود کرمانی - نجار

نجار هنرمند و چیره دست کرمانی بود و در سده قرن ۱۰ ه. ق. زندگی میکرد. از آثار ارزنده و ممتاز این هنرمند، منبر مسجد جامع شهر نائین است که بارتفاع ۵ متر و عرض بیش از یک متر و بطول قاعده چهار متر کنده کاری شده و در نوع خود پر امتیاز میباشد. در طرفین منبر مزبور، نام واقف و استاد سازنده بخط نسخ استادانهای کنده‌کاری شده که چنین است: (وقف الصدر الاجل المنعم المحترم ملک التجار جمال الدین حسین بن مرحوم مبرور عقیف هذالمنبر علی مسجد الجامع بلده الطیبه النائین فی سنه احدى عشر و سبع مائة) در طرف دیگر منبر نام نجار قید شده که عبارت است از: (عمل افتخار الصناع و النجار شاه محمود الکرمانی - خدایش بیامزد هر که فاتحه بخواند)

۴۶۲ - شاه مظفر

فرزند استاد منصور معروف بود و در زمان سلطنت ابوسعید تصویر سازی مینمود. ظهیر الدین محمد بابر شاه در تزوک بابری به توصیف هنری شاه مظفر پرداخته و هنر او را ستوده و حتی بر بهزاد نیز برتر دانسته است. در تاریخ رشیدی نیز هنر نقاش را توصیف کرده و نوشته است: "بهزاد مصور استادی است اگر چه مقدار شاه مظفر نازک دست نیست" این نقاش در جوانی و بسن ۲۴ سالگی وفات یافته و در دیار هند مدفون گشته است.

۴۶۳ - شاهی سبزواری

اهل سبزواری و هم عصر سلطان علی مشهدی خطاط و از معاریف زمان خود بود. در کتاب مناقب هنروران از این استاد باختصار یاد شده و چنین آورده است: "در خط و تصویر و تذهیب دقیق و پر قدرت است و در موسیقی و شعر ماهر میباشد"

۴۶۴ - شایسته شیرازی

سید صدرالدین شایسته از بهترین شاگردان کمال الملک بود که در آبرنگ و گل و مرغ به شیوه مخصوص خود دست پر مهارت داشت. در نامه‌ای که از مرحوم دکتر غنی به نقاش ارسال شده از عقیده استاد کمال الملک درباره نقاش یاد کرده و چنین نوشته است. (در آقای سید صدرالدین شایسته روح حافظ و سعدی هست. حال دارد) احوال و آثار بیشتر این هنرمند در کتاب جداگانه‌ای که در احوال نقاشان معاصر خواهد بود به تفصیل بیان خواهد گشت.

۴۶۵ - شجاع بن قاسم اصفهانی - معمار

معمار و طراح بنای معروف جامع کبیر است که بدستور شاه سلیمان صفوی، در سال ۱۰۷۸ ه. ق. بنا گردیده و چنین رقم دارد. (عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم البناء الاصفهانی)

۴۶۶ - شرف الدین عبدالله - حکاک

بنوشته محمد صالح کنبو در شاهجهان نامه: "عقیق کن بحسن خط و درستی قلم نگین دار نامدار بوده و هنرمند زبر دست روزگار در شیوه مهر و عقیق کنی کار دست بسته میکرد و مهر حیرت بر دهان اوستادان میگذاشت. خطش که مانند خط خوبان آرایش صفحه حسن است، نظرگه روشناسان معانی و نقش قلمش که چون خط صبح نفسان دیده افروز است سرمایه حیرانی. صورت خطش بلطف معنی و نزاکت یگانه و هر قطعه‌اش بحسن روافسانه. با این همه آن بیدار درون یکه تاز عرضه تفرید بوده و درس خوان شرح تجرید. دایم مژه‌تر دارد و در هر چشم زدن بگریه می‌پردازد و اشک مانند، از صحبت مردم دوری میجوید."

۴۶۷ - شرف الدین علی - مذهب

مذهب استاد و شیرین قلم قرن ۱۱ ه. ق. هند بود. اربعه پر تذهیبی از این هنرمند در حراج ۲۱ آپریل سال ۱۹۸۰ در ساتبی لندن بفروش رسید که خط محمد بن درویش بیک بود و برای صاحب قدرتی بنام. (حضرت مجلس عظیم و منصب کریم خان جهان خلد الله سلطنته و ایامه و افاض بره و انعامه) کتابت و تذهیب گشته بود. این اثر مزین که شش صفحه تذهیب داشت به آرایش شیوائی عمل آمده و رقم داشت. (شرف الدین علی مذهب)

۴۶۸ - شرف الحسینی یزدی

اهل یزد و از نقاشان گمنام اوایل قرن ۱۱ ه. ق. بود. از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر جوان سوارکاری بود که از اسب پیاده شده و روی تکه سنگی نشسته و بزدن سه‌تار مشغول میباشد. شیوه تصویری نقاش در مکتب رضا عباسی و استاد محمدی بود و بخط غبار ریز رقم داشت. عمل فقیر الراجی شرف الحسینی الیزدی سنه ۱۰۰۳)

۴۶۹ - شرف یزدی

ملا شرف یزدی از مذهب نامی و از حل‌کاران شهره اوایل قرن ۱۱ ه. ق. بود. صاحب مناقب هنروران از این استاد نام برده و در صفحه ۷۶ کتاب خود چنین آورده است. (برادر قطب الدین یزدی خطاط معروف و از مذهبان معروف و استاد عصر است)

۴۷۰ - شریف - محمد شریف

شریف خان فرزند والامقام و پر لیاقت عبدالصمد شیرازی بود و در خط و شعر و نقاشی استعداد والائی داشت.

بطوریکه در تواریخ آمده بخواهش همایون پادشاه عده‌ای از هنرمندان ایرانی جهت اشاعه هنر تصویر سازی عازم هند گشته و در آن ولایت متوطن گشتند. شریف خان که در این زمانها دوران صباوت را طی می نمود، در معیت پدر و سایر هنرمندان بسالین حدود ۹۵۲ و ۹۶۰ ه.ق. وارد هندوستان گردید. در طبقات اکبری از این هنرمند مختصر یاد کرده و چنین نوشته است:

"ولد خواجه عبدالصمد شیرین قلم است، جوان نورسیده تربیت یافته نظر کیمیا اثر حضرت خلیفه الهی است. در تصویر و خط نیز دست دارد"

در آئین نامه اکبری خطی نگارنده، شریف را پور خواجه عبدالصمد دانسته و مقام او را در یک صد و پنجاهمی قرار داده و هم طراز قاسم بیک تبریزی شاعر و خطاط و شاه محمد پسر میر سید علی نقاش ثبت کرده است.

در تزوک جهانگیری بیش از همه، از این هنرمند یاد کرده و مقام والای او را آنچه بایسته بوده بطور مفصل ارائه داده و چنین نوشته است:

"شریف خان که از خورد سالگی با من کلان شده و در ایام شاهزادگی او را خطاب خانی داده بودم، در وقتیکه از الله آباد متوجه خدمت والد بزرگوار خود شدم، نقاره و تومان و توغ بدو مرحمت نموده بمنصب دو هزار و پانصدی او را سرفراز نموده و حکومت و دارائی مو به بهار و حل و عقد آن ولایت بقبضه اختیار او گذاشته بدانصوب مرخص گردانیده بودم. پانزده روز از جلوس گذشته در چهارم رجب سعادت ملازمت دریافت. از آمدن او خاطر بغایت فرحناک گشت، چرا که نسبت بندگی او بمن جائی است که او را بمنزله برادر و فرزند و یا رو مصاحب میدانم، چون اعتماد کلی بر اخلاص و عقل و دانائی و کاردانی او داشتم او را وکیل و وزیر اعظم ساخته بخطاب والای امیر الامرائی که در نوکریها خطابی مافوق این نباشد و بمنصب پنج هزار بذات و سوار سر بلند گردانیدم هر چند منصب او گنجایش داشت که زیاده بر این مقرر گردد و غایتاً خود بعرض رسانید که تا از من خدمت نمایانی بوقوع نیاید از منصب مذکور زیاده نخواهم گرفت، چون حقیقت اخلاص بنده‌های پدرم هنور بواقعی ظاهر نگشته و از بعضی تقصیرات و غلط بینی‌ها و اراده ناشایسته که مرضی درگاه خالق و پسند خاطر خلاق نبود، سر زده خود بخود شرمنده و شرمسار بودند و با آنکه در روز جلوس تقصیرات همه را عفو نموده با خود قرار داده بودم که باز خواست امور گذشته نشود. بنابر توهمی که در خاطر از ایشان قرار گرفته بود. امیر الامرا را حافظ و نگهبان خود میدانستم، اگر چه نگاهبان جمیع بنده‌ها الله تعالی است خصوصاً پادشاهانرا که وجود ایشان باعث رفاهیت عالم است، پدر او خواجه عبدالصمد که در فن تصویر بی بدل زمان خود بود و از حضرت جنت آشیانی خطاب شیرین قلمی یافته. در مجلس همایون ایشان رتبه مجالست و مصاحبت داشت و از مردم اعیان شیراز است. والد بزرگوارم بنابر سبق خدمت عزت و حرمت او را بسیار میداشتند."

متأسفانه از آثار این هنرمند بیش از یک اثر رقم دار تصویر دیگری نیافتم.

پرواضح است که کسی با این اقتدار و مسئولیت‌های سنگین حکومتی که زیر نظر داشت، نمی‌توانست بسان تصویر سازهای دیگر، آثار گوناگونی ارائه دهد و همین یک اثر رقم دار، حاکی از قدرت قلم و استعداد پرمایه این استاد است که نام وی را جزو سایر استادان زمان خود تثبیت مینماید.

تنها اثر رقم دار وی را که یادداشت برداشته‌ام عبارت است از:

۱- مجلس شکار جهانگیر پادشاه است که سوار بر اسب شده و در معیت همراهان و دوستان خود در کنار کوهی بشار کردن مشغول است. در کناره پائین، مردی نشسته و با تفنگ خود چند روباه وحشی را نشانه گرفته است. منظره کوه و درختان و دمن ستودنی است و در بطن تصویر این اشعار بچشم

میخورد که بیت اول آن چنین است.

من کیستم عنان دل از دست داده از دست دل براه غم از پا افتاده
در بالا و پائین تصویر نیز دو بیت شعر بخط نستعلیق زیبا و در داخل تذهیب کتابت شده که چنین است.
چون روان شد شاه شیر افکن بهنگام شکار از برای شیر کشتن گشت بر آهو سوار
کیقباد مملکت کر بندگانش هر یکی رستمی آمد ز بهر کوری اسفندیار
کناره و حواشی اثر که تذهیب و حل‌کاری استادانه داشت، بطن قوی از کارهای گوردهن بود که شیرینی و حلاوت مخصوص داشت و رقم نقاش چنین بود.
(عمل مرید در چهار مرتبه اخلاص پای بر جا شریف - بتاریخ شهر فروردین الهی مطابق نه‌صد و نود و نه) اشعار متن و حواشی، اثر نقاش بوده و اصل تصویر که باندازه ۲۳/۸ × ۴۱ سانتی متر میباشد، در آلبوم جهانگیر جا گرفته است.

تصویر شریف خان که در حراجی ۲۱ آپریل سال ۱۹۸۰ سانبی بفروش رسید، جهت ارائه شمایل حقیقی نقاش در تصویر شماره ۷۰ چاپ میگردد.

شریف قایینی در محمد شریف قایینی آمده.

۴۷۱ - شعبان مذهب

مذهب نازک قلم عثمانی است و صاحب مناقب هنروران در این مورد چنین می‌نویسد:

"نادره روم و اعجوبه مکمل و استاد مذهب است"

۴۷۲ - شفیع عباسی

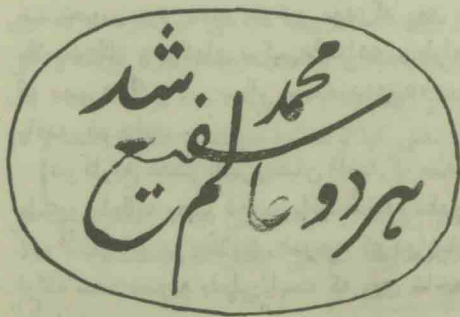
اهل اصفهان و نقاش نازک قلم و پرمایه دربار شاه صفی اول (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ه.ق.) و شاه عباس ثانی (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ه.ق.) است که در دستگاه پادشاهی آنان بعزت و احترام میزیسته و مورد توجه بوده است.

نام اصلی وی محمد شفیع اصفهانی است که رقم مزبور را در ذیل اثری که بسالین ۱۰۵۰ و در مدرسه مولانا عبدالله اجرا کرده، در انتهای آن درج نموده است.

دیگر اثر مستند این هنرمند که نام وی در سجع مخصوص ذکر شده، بنفشه پرگلی است که در سنه ۱۰۵۴ انجام یافته و مهر بیضی شکل خود را بجای رقم در زیر اثر ثبت کرده است.

اثر مهر را که از روی تصویر چاپ کتاب، باشکال قرائت نمودم، جهت اطلاع علاقمندان و درج در تاریخ هنری ایران در اندازه بزرگتر ترسیم کردم که سجعش چنین میباشد. (محمد شد شفیع هر دو عالم) غیر از این دو اثر رقم دار که ذکر گردید، سایر آثار محمد شفیع با رقم کمینه شفیع عباسی و از سالهای ۱۰۴۴ الی ۱۰۶۶ ه.ق. ادامه داشته و در همه ارقام با لقب عباسی قرین بوده است و اگر سال ۱۰۴۴ را که اولین اثر بجامانده و رقم دار

عباسی را در نظر بگیریم، این حدس یقین میگردد که این هنرمند در زمان شاه عباس بزرگ (۱۰۳۸ - ۹۹۶) باین لقب مفتخر گشته و حتی در زمان سلطنت شاه صفی نیز ندرتا از این لقب استفاده



میکرده است.

بعقیده بعضی هنر شناسان، محمد شفیع عباسی، فرزند برومند و هنرمند رضا عباسی بوده و نکته اتکائی و دلیلی آنان درج امضائی از رضا عباسی است که در زیر اثری امضا کرده و چنین نوشته است (به نتیجه محمد شفیع اهدا شد)

البته پر واضح است تنها بدلیل یک نکته نامفهوم و غیر مستند نمیشود این امر را پذیرفت و او را فرزند رضا عباسی خواند، چه بسا ممکن است درج این جملات ناشی از محبت پدر و فرزندى استادانى باشد که شاگردان خود را بسان فرزندان حقیقی گرامی میداشتند و با جملات محبت آمیزی از قبیل (فرزندى) یا (نتیجه عمری) و غیره شاگردان خود را مورد تشویق و احترام قرار میدادند. از طرفی این نکته قابل تامل است که سبب چیست که این فرزند نیکونهاد، در هیچ یک از آثار خود نام پدری چون رضا عباسی را که شهره خاص و عام بوده و عالیتترین اتکاء شهرت و غرور برای فرزندش نیز محسوب میشده، کوچکترین یادى نکرده و نسبت خود را با وی ذکر نکرده است و حتی در اثر شماره ۷ این هنرمند که در دنباله این مقال درج شده و از روی کارهای رضا عباسی کپی کرده، نام استاد مزبور را با لفظ ساده‌ای در عبارت (مغفرت پناهی آقا رضا) ذکر کرده و نسبت پدری و فرزندى را که اگر حقیقت میداشت و بهترین محل برای ارائه آن بود فراموش کرده است. با این مختصر می‌شود پذیرفت، شفیع عباسی هیچگونه نسبت سببی و نسبی با رضای عباسی نداشته و در نسبت شاگردی و استادی و مریدی و مرادی ارادت خالصانه داشته و از محضر پر بار استاد مستفیض میگشته است.

این هنرمند عاشق طبیعت و زیبایی‌های افسانه‌ای آن بود و در بیشترین آثار خود از حلاوت گلها و پرندگان بتزددستی تمام هنرها آفریده و بنازک قلمی و قدرت تمام از عهده برآمده و با رنگهای چشم نواز و پرآذین جلوه‌گر ساخته است.

در چند اثر استادانه که از چهره‌های گوناگون و مجالس مختلف چهره پردازی کرده، متین استادی و قدرت نقاش است که بیننده را به تحسین و امیدارد. از ارقام ذیل آثارش، معلوم میگردد محمد شفیع در خط نسخ و رقاع و نستعلیق نیز استادی شیرین قلم و پر قدرت بوده است. و بروایات مختلف گویا او بهند رفت و در حدود سال ۱۰۸۵ ه. ق. در شهر آگره فوت کرده است.

شفیع عباسی یک پسر هنرمند بنام محمد تقی داشت که در یک اثر بجا مانده اش صراحتاً "خود را فرزند نقاش معرفی کرده و چنین رقم زده است. (محمد تقی بن شفیع عباسی ۱۰۵۶) آثار رقم دار و بجا مانده وی عبارت است از:

۱- تصویر مرغ سینه سرخی بود که روی ساقه نرگس نشسته و آنرا خم کرده است. در این اثر پر ملاحظه، گل و برگهای نرگس با استادی و طراوت خاصی نقاشی شده و دو زنبور عسل و یک پروانه رنگین که بدور نرگس در پرواز میباشند دیده میشود. این اثر استادانه که جهت شاه عباس ثانی انجام یافته رقم دارد.

(در تاریخ هفتم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۶۲ به جهت نواب کامیاب اشرف اقدس ارفع خلد الله ملکه و سلطانه سمت تحریر یافت کمینه شفیع عباسی)

۲- دیگر اثر پر حلاوت هنرمند که در صفحه ۹۱ کتاب شاه عباس و هنر اصفهان، بچاپ رنگی زیبا ارائه شده، تصویر بلبل است که روی شاخه فندق نشسته و دو پروانه در اطراف گل دیده میشوند. رقم دارد.

(بهجت نواب کامیاب اشرف اقدس ارفع اعلی سمت تحریر یافت. رقم کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۶۲)

۳- اثر چهره سازی هنرمند، تصویر یکی از روحانیون مسیحی یا کلیمی بود که کتابی بدست گرفته و به عصای بلند خود تکیه داده بود. طرز پوشش و ردای او بسان کشیشان بود و در زمینه و حاشیه تصویر شاخه‌های درخت سنبل و سپیدار پنجه برگی بسان آرایش رضا عباسی داشت و رقمش چنین بود. (شفیع عباسی)

۴- دیگر اثر چهره پردازی شفیع عباسی که عکس آن را در یک کتاب روسی تالیف: S. MASLENITSYNA دیده‌ام، تصویر پیر مرد نشسته‌ای بود که سر را بین دو دست گرفته و بروی زانوان خم شده بود. این مرد عمامه سفید بسر داشت و پوستین قرمز رنگ زیبائی پوشیده و چکمه‌های راحتی بپا کرده بود و بخط نستعلیق درشت رقم داشت:

(بتاریخ روز یکشنبه غره شهر محرم الحرام سنه ۱۰۶۱ رقم شد کمینه شفیع عباسی)

۵- سه اثر زیبا و پر طراوت این هنرمند در آلبوم رنگی موزه ارمیتاژ لنین گراد چاپ شده که عبارتند از: الف. تصویر شماره ۷۱ نقش مرغ شانه بسری است که روی ساقه‌های پر گل نشسته و دو زنبور و یک پروانه در حوالی گلها دیده میشود. این اثر چشم نواز که بشیوائی تمام آبرنگ شده رقم دارد. (رقم کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۴۴) تصویر شماره

ب - تصویر شماره ۷۲ کاتالوگ موزه. تصویر شاداب و پر حالت طوطی است که روی شاخه‌های فندق قرار گرفته و گلهای ریز و وحشی دیگری در اطراف او دیده میشود. در این اثر خوش منظر، شش پروانه و دو زنبور در لابلاهای گلها نقش بسته و رقم دارد. (رقم کمینه شفیع عباسی ۱۰۶۳)

پ - دیگر آثار هنرمند در این موزه که عکس آن بشماره ۷ کاتالوگ ارائه شده، تصویر کبک جاق و برگوشتی است که روی شاخه گل سیب نشسته و مشغول آواز خوانی است. رسائی و طراوت گلها سیب و همچنین دسته گل فرعی دیگری که در مقابل پرندة تصویر شده، آیتی از کمال بشمار می‌آید. دو پروانه و سه زنبور در فضای خالی اثر دیده میشوند و رقم دارد.

(در روز پنجشنبه دوم رجب المرجب به جهت نواب کامیاب اشرف اعلی سمت تحریر یافت)

(کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۶۶) (تصویر شماره ۵۲)

۶- دیگر از آثار ارزنده استاد که در کتابخانه ملی پاریس قرار گرفته، تصویر آبرنگی گل میخک است که با شکوفائی و شادابی تمام نقش بسته و یک پروانه و دو زنبور در حوالی آن بحال پرواز دیده میشوند. بخط نستعلیق زیبا رقم دارد.

(در تاریخ هفتم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۶۲ بجهت نواب کامیاب اشرف اقدس ارفع اعلی خلد الله ملکه و سلطانه سمت تحریر یافت. رقم کمینه شفیع عباسی)

۷- از آثار تقلیدی این هنرمند، تصویر زیبائی است که از روی تصاویر رضا عباسی کپی کرده و به قوی دستی از عهده آن برآمده است. در این آبرنگ پر کار، پیر مردی پهلوی درختی قرار گرفته و زنی که شمشیر بکمر بسته وارد خانه میشود. صاحب خانه، دم در ایستاده و چوبی بدست گرفته است. یک نفر از اهل خانه از طبقه دوم عمارت ناظر صحنه میباشد. نقش کوه و منظره درختان جالب است و در بالای اثر بخط زیبا چنین قید شده.

(در تاریخ یوم الجمعة غره شهر جمادی الاول سنه ۱۰۶۴ روز سال گردش این مجلس مغفرت پناهی آقا رضا آبرنگ شد. کمینه شفیع عباسی) و در زیر آبرنگ بخط رضا عباسی چنین نوشته شده:

(هو - در روز چهارشنبه سیزدهم شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنه ۱۰۲۸ این مجلس عفران پناهی استاد بهزاد علیه الرحمه، بنده درگاه رضا مصور عباسی اتمام رسانیده آمد)

از درج ارقام زیر معلوم میگردد طرح این آبرنگ توسط رضا عباسی عمل آمده و تکمیل آن بعد از ۳۶ سال بدست شفیع عباسی اتمام پذیرفته است.

۸- دیگر از آثار این هنرمند، تصاویر رقم داری دیدم که در یک کتاب آلمانی چاپ شده بود. یکی از آبرنگها، نقش فوق العاده گل بنفشه بود که دارای ده گل رنگین و برگهای پر داشت و رقم نقاش که خیلی ریز دیده میشد چنین بود. (در روز دو شنبه پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۴ آبرنگ شد) و بجای امضا مهر بیضی شکل خود را که سجع آن و مشخصات دیگرش در اول این مقال ارائه شده ثبت نموده است.

دیگر در این کتاب، تصویر گل سنبل پر غنچه‌ای بود که در حدود هفت یا هشت غنچه و گل داشت و رقم نقاش بخط زیبای نستعلیق چنین بود.

(یا هو- در شب چهارشنبه شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۰ در مدرسه مولانا عبداله آبرنگ یافت.)

(رقم کمینه محمد شفیع اصفهانی)

دیگر اثر شیوای هنرمند که در این کتاب چاپ شده بود، تصویر گل گندم و شکوفه بود که در لابلای بوته‌ها چند زنبور و پروانه و اردک و خرگوش دیده میشد که شیوه محمد شفیع را داشت ولی رقم صریحش دیده نمی‌شد.

۹- دیگر اثر رقم دار هنرمند در این کتاب، آبرنگ نیلوفر زیبا و برگهائی خزانی بود که رقم داشت.

(در روز شنبه پنجم شهر جمیع الثانی سنه ۱۰۵۵ آبرنگ شد)

۱۰- دیگر اثر این هنرمند که در این کتاب چاپ شده بود. دسته گل میخک پر حالتی بود که در گلدان سفالی جا گرفته بود. رقم نقاش که بخط نسخ و رقاع عالی درج گشته بود باشکال قرائت گردید که چنین است.

(در تاریخ یوم الاحد شهر رمضان المبارک- رقم کمینه شفیع عباسی)

دو سطر شعر نیز در زیر اثر دیده میشد که بعلت ریزی و کوچکی آن امکان قرائت میسر نگردید.

۴۷۳- شفیعه بانو

از بانوان هنرمند و با کمال ایرانی است که در ولایت هند نشو و نما یافته است.

این زن از نقاشان مرقع معروف گلشن بود و در اجرای بعضی تصاویر با هنرمندان تصویر ساز دیگر همکاری مینمود.

۴۷۴- شکراله مذهب

میرزا شکراله مذهب از مذهبان و تشعیر سازان دوره مظفرالدین شاه قاجار است.

مرحوم تقی دانش در یادداشتهای خصوصی خود در مورد این هنرمند چنین مینویسد:

مرقعی که فرمان مشروطیت را بخط خود نوشته و مشیرالدوله صدراعظم وقت مظفرالدین شاه آن را ستایش کرده در گوشه‌ای چنین نوشته است.

(میرزا شکراله مذهب حاضر آمد و تا ظهر تمام شد و ظهر بصره شاه رسید)

معلوم میگردد تذهیب و آرایش فرمان مشروطیت بعهدده میرزا شکراله مذهب بوده است.

۴۷۵- شکراله میرزا باشی

فلزکار خوش دست اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود.

شکراله صنیع زاده: از مینا کاران بنام و نواده صنیع همایون معروف بود.

آفتابه خوش طرح و پر آذین اسلیمی از این هنرمند بیادگاه مانده که در کناره دهانه آن رقم داشت.

(شکراله میرزا باشی)

۴۷۶- شمسای قمی

اهل قم بود و در نقاشی دست داشت.

این هنرمند از نقاشان اواسط قرن ۱۲ ه.ق. ایران بشمار می‌آمد و سال مرگش معلوم نمیباشد.

۴۷۷- شمس‌الدین

بنوشته دوست محمد در دیباچه بهرام میرزا:

"دیگر از شاگردان احمد موسی استاد شمس‌الدین است که در عهد سلطان اویس تربیت یافت و در شاهنامه بقطع مربع که بخط امیر علی بود مواضع ساخت. چون سلطان اویس بجوار رحمت ایزدی پیوست.

استاد شمس‌الدین طریق ملازمت کسی دیگر را پیش نگرفت و شاگرد او که خواجه عبدالحی بود بضروریات معیشت او تردد می‌نمود و استاد مشارالیه در منزل خود بسر برده علی‌الدوام بلوازم عشرت و فراغت مشغولی می‌نمود و همت بر تربیت خواجه عبدالحی می‌گماشت چنانچه خواجه مشارالیه در زمان پادشاه جم جاه فضیلت پناه سلطان احمد بغداد که چهره جمالش به تربیت ارباب فضل و کمال آراسته بود قلم تفرزو یگانگی برداشته سلطان احمد را تعلیم تصویر کرد، چنانچه سلطان مشارالیه در ابوسعید نامه یک موضع بقلم سیاهی ساخته‌اند و چون رایات ملک ستانی تیمور گورگانی پرتو خلافت بر تسخیر ممالک بغداد انداخت و آن دارالسلام را روز چند بقدم سعی و اهتمام مستقر سریر خلافت ساخت، خواجه عبدالحی را همراه عساکر گردون مآثر بدارالسلطنه سمرقند آورده و در آنجا استاد مشارالیه وفات نمود و بعد از وفات خواجه، همه استادان تتبع کارهای ایشان کردند" از آثار این نقاش ندیده‌ام.

۴۷۸- شمس‌الدین بن احمد- نجار

نجار اهل ساری بود که در نقش تصویر بروی چوب شایستگی و قدرت تمام داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند که در آپریل سال ۱۹۸۳ ساتبی لندن بفروش رسید. صندوق چوبی منقش کم نظیری بود که بانواع نقوش هندسی و اسلیمی آراسته شده و از لحاظ‌کننده کاری و نجاری در خور تحسین بود. این صندوق در نداشت و رقم نجار بخط ثلث و نسخ ساده چنین بود.

"تمت هذه الصندوق فی تاریخ سنه اثنی و تسعمائه عمل شمس‌الدین بن استاد احمد نجاری بالداتی ساری"

۴۷۹- شمس‌الدین حسنی

سید شمس‌الدین حسنی، نقاش و آرایشگر کاسه و بشقابهای لعابی در اوایل قرن ۷ ه.ق. بود و در هنر خود دست پر مهارت داشت. از آثار زیبای این هنرمند، بشقاب سفالی و لعابی منقش و تصویر داری است که عکس آن در صفحه ۲۰۸ کتابهای معروف پروفیسور پوپ بچاپ رسیده است. در وسط بشقاب، تصویر زیبای خسرو شیرین بملاحات تمام تصویر گشته و شیرین در چشمه‌ای که پر از ماهی بود استحمام میکرد.

خسرو که از اسب پیاده شده، محو زیبایی شیرین شده و پنج نفر خدمه و همراه، در لباس و آرایش

مختلف ناظر صحنه بودند. حواشی بشقاب جملاتی بخط تعلیق قدیم داشت و رقم نقاش چنین بود. (صنع السید شمس الدین الحسنی فی جمادی الآخر سنه سبع و ستمائه هـ)

۴۸۰ - شمس الدین - کاشی تراش

کاشی تراش و رسام نقوش بروی کاشی ها بود. از آثار این کاشی تراش، در ایوان مسجد جمعه اصفهان، کاشی ها و تزیینات زیبائی بیادگار مانده که بخط نستعلیق رقم دارد.

(عمل استاد شمس الدین کاشی تراش)

۴۸۱ - شمس الدین مجلد

شمس الدین بن ضیاء الدین الزوشکی از مجلدان و مذهبان استاد اواخر قرن ۷ ه. ق. بود. از این هنرمند اثری در کتابخانه مورگان مضبوط است. که در داخل یک شمشه تو در توی شکل گنبدی، بخط رقاع رقم دارد.

(رسم شمس الدین بن ضیاء الدین الزوشکی ۶۹۷)

۴۸۲ - شمس الدین محمد کاشی

این هنرمند بغیر از استاد شمس الدین میباشد که شاگرد استاد احمد موسی بشمار میرفت. شمس الدین از تصویر سازان گمنام اواسط قرن ۱۱ ه. ق. بود و در آبرنگ سازی دست داشت. یگانه اثر رقم دار استاد شمس الدین که در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته، تصویر آبرنگی مردی است که چاقو بدست گرفته و مشغول بریدن خربزه میباشد. رقم دارد. (شمس الدین محمد کاشی ۱۰۴۱)

۴۸۳ - شمس طبسی - کوفتگر

فلز کوب و کوفتگر اوایل قرن ۹ ه. ق. است. از آثار این هنرمند که با همکاری استادان دیگر پایان یافته، پنجره نفیس فولادی زرکوب در موزه آستان قدس رضوی است که رقم شمس طبسی کوفتگر را دارا میباشد.

۴۸۴ - شهاب - سید روضه خوان

سید روضه خوانی بود که در هنر خط و ناخنی وقوف تمام داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر ناخنی بی نظیر و استادانه علی علیه السلام را دیدم که بسفارش وکیل الدوله، یکی از رجال دوره ناصری نقش گشته بود. در این اثر پر مهارت، صورت حضرت پوشیده بود و عمامه و هاله نورانی دور سر، زیبایی ارائه شده بود. حضرت که روی تخته پوستی جلوس کرده و شمیر ذوالفقار را بروی زانوان نهاده بود، جلوه روحانی داشت و رقم نقاش چنین بود.

(بجهت جناب جلالت مآب اجل اکرم افخم آقای وکیل الدوله.

عمل اقل الذاکرین سید شهاب الدین روضه خوان)

شهاب در مولانا شهاب بایسنقری آمده

۴۸۵ - شهاب الدین احمد نقاش

از تصویر گران نامی قرن ۱۱ ه. ق. و در شعر و شاعری نیز صاحب کمال بوده است. تذکراهی در باب مولانا شهاب الدین احمد نقاش که تعریف کشتی را مخصوص قلم گردانیده در صفحه ۲۶۲ مجله ارمغان سال هیجدهم به قلم آقای احمد سهیلی خوانساری درج شده که نظر علاقمندان را بمطالعه آن معطوف میداریم.

۴۸۶ - شهاب الدین علی

نقاش قرن ۱۳ ه. ق. بود و در آبرنگ و تصویر گل و مرغ دست شیرین و پر قوام داشت. از آثار آبرنگی وی، تصویر گل سرخ با حلاوتی دیدم که مرغی روی آن نشسته و رقم داشت. (شهاب الدین علی)

این اثر در حراج سال ۱۹۷۶ ساتبی لندن بفروش رسید.

شیرین قلم در عبدالصمد آمده

۴۸۷ - شیخ احمد عودی

استاد شیخ احمد عودی برادر بابا حاجی صورتگر بود و در دوه سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا فعالیت هنری داشت.

در تاریخ رشیدی از این هنرمند باختصار یاد کرده و چنین نوشته است:

(استاد شیخ احمد. او برادر بابا حاجی است)

از آثار رقم دار این هنرمند که اصل آن گویا در مرقع فاتح اسلامبول میباشد. تصویر مرد کوتاه قد مسلحی است که البسه و لوازم کامل جنگی بتن کرده و کلاه پرداز بسر گذاشته و اسب خود را مهار می نماید. اسب خوش تراش و چموش وی که خالهای سفیدی نیز دارد، دستها را بلند کرده و بحالت وحشیانه ای با صاحب خود ستیز مینماید. بخط زیبای نستعلیق رقم دارد.

(عمل خواجه شیخ احمد عودی)

۴۸۸ - شیخ دولت خان

نقاش گمنام و شیرین دست اواسط قرن ۱۱ ه. ق. هند است. از این هنرمند تصویر شاهزاده جوانی بیادگار مانده که روی تختی نشسته و مجسمه فلزی را که در مقابل دارد بررسی مینماید.

چند نفر از رجال و از جمله یک پیرمرد سپید موی که شاید وزیر اعظم باشد، در مقابل شاهزاده ایستاده و ناظر ماجرا میباشند. تصویر دو آهوی زیبا در حضور شاهزاده دیده میشود. در اطراف تصویر اشعاری بزیبائی متصل شده و رقم دارد. (شیخ دولت خان)

۴۸۹ - شیخ زاده

از شرح حال و زندگی این هنرمند کوچکترین اطلاعی در منابع و آثار قدیمی دیده نشد، تنها با بررسی تصاویر بجا مانده این هنرمند که در کتابهای دیوان حافظ و امیر علیشیر نوائی بیادگار مانده

معلوم میگردد، از سر چشمه متعالی هنر، سلطان محمد خراسانی سیراب گشته و دنباله‌رو مکتب آن هنرمند بوده است.

بعید نیست این هنرمند، با بهزاد از هرات کوچ کرده و در شهر تبریز ندیم و جلیس استادانی چون میرک و سلطان محمد و بهزاد گشته و یکی از نقاشان صاحب نام اواسط قرن دهم ه.ق. بشمار آمده است. شیخ زاده در چهره سازی و منظره پردازی و مجالس رزمی و بزمی استاد بوده و در تذهیب و تشعیر و حل کاری دست پر قدرت داشته و در صنعت خط نیز صاحب کمال بوده است. آثار شناخته شده این هنرمند عبارت است از:

چند اثر شیوا و هنرمندانه این استاد که در کتاب ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS و در شماره‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ بچاپ رنگی زیبا طبع شده، از کتاب ترکی امیر علی شیرنواژی است که باختصار معرفی میگردد.

۱- اثر اول، تصویر صناعان و دختر ترسا است که در مکتب هرات تصویر گشته و در نوع خود بسیار شیوا میباشد. در این نقش دل انگیز، شیخ صناعان در وسط حیاط خانه با جمع محارم و یاران ایستاده با شیرین و ندیمه‌اش که در بالکن خانه ایستاده مشغول صحبت است. قیافه حاضران و تنوع آرایش البسه آنان و نقوش و تزیینات رویه ساختمان که بسان خاتم کاریهای شیراز ترسیم شده و همچنین منظره درخت چنار و درخت گلداز دیگر که در زمینه هوایی طلائی نقاشی شده بسیار خوش منظر و پر مایه میباشد.

۲- دومین اثر منسوب بشیخ زاده که اثر رنگی آن بشماره ۱۲ در این کتاب چاپ شده، تصویر فرهاد کوهکن است که در مقابل شیرین از حال رفته و بر زمین افتاده است. در این اثر دلنواز شیرین و ندیمه زیبایش سوار بر اسب، برای دیدن فرهاد بکوه آمده و فرهاد با دیدن وی نقش زمین شده و سر بدامن دوست خود نهاده است. منظره صخره‌های کوه و تصویر مجسمه‌های سنگی و اسباب و ادوات حجاری و همچنین قیافه و آرایش نفرت در حد خود استادانه بوده و یکی از بهترین آثار این هنرمند میباشد.

۳- دیگر اثر این هنرمند که بشماره ۱۴ در این کتاب طبع شده، منظره رزمی اسکندر کبیر با داریوش است که طرفین با آرایش و پیرایش جنگی بهم دیگر حمله کرده و با نیزه و کمان بستیز مشغول میباشند. حالات و قیافه رزم جویان و زیبایی و رنگ آمیزی البسه و وسایل رزمی. مخصوصاً "خوش تراشی و استواری اسبان به استادی تمام ترسیم گشته و در نوع خود ستودنی میباشد. اسکندر در گوشه راست روی اسب زره دار قرار گرفته و لباس طلائی رنگ زره دار پوشیده و پرچم سرخی روی کلاه خود نصب کرده است. در طرف دیگر داریوش پادشاه ایرانی، با هیبت و جلال پادشاهی روی اسب نشسته و کلاه عمامه‌ای پر دار بسر گذاشته و با یکی از سرداران صحبت میکند. در این اثر رویهمرفته ۲۱ نفر جنگجو ارائه شده که در کمال قدرت عمل آمده و یکی از بهترین آثار نقاش بشمار می‌آید.

۴- اما اثر پر قدرت و ممتاز شیخ زاده که دارای امضای اصیل نیز میباشد. در کتاب گلستان سعدی دیده میشود که بعیار شعری که در بالای تصویر قید شده.

واعظان کین جلوه در محراب و منبر میکنند چون بخلوت میروند آن کار دیگر میکنند نقاشی شده و از ممتازترین آثار پرمایه این هنرمند میباشد. خوشبختانه عکس رنگی این اثر نیز در این کتاب بشماره ۱۶ ارائه شده که توضیح مختصر آن چنین است.

در این اثر پر پیرایه که مجموعه سرشاری از هنر تذهیب و ترصیع و نقوش هندسی بشمار می‌آید، مجلس وعظی است که مومنین اجتماع کرده و گریه و شیون مینمایند. در این مجلس عزاء فرد صاحب

مقامی در صدر مجلس و روی قالیچه‌ای نشسته و یاران در کنار او قرار گرفته‌اند. شیخ معممی بالای منبر رفته و صحبت میکند. جماعت مومنین که در صحن مجلس و بالکن و پشت بام نیز قرار گرفته‌اند. بعزاداری مشغول میباشند. روی رواق به خط رقاع زیبا نوشته شده.

(رواق منظر چشم من آشیانه تست)

در سینه بالای رواق بزرگ این بیت درج شده:

(برو بکار خود ای واعظ این چه فریاد است مرا فتاد دل از غم ترا چه افتاد است)

عظمت و گیرائی تذهیب و نقوش متنوع کاشی‌ها و تزیین و آرایش فرش و دیواره‌ها در نوع خود شایسته تحسین بوده و روی یکی از کاشیهای زیر تصویر رقم دارد.

(عمل شیخ زاده) تصویر شماره (۴۹)

۵- دیگر از آثار رقم دار شیخ زاده، تصویر شاهزاده سواره‌ای است که با پیر مردی صحبت میکند. چند اسب و کره زیبایش در مرغزار و چمن‌ها بچرا مشغول میباشند. در پشت کوهها چوپانی از مشک چرمی شیر میگیرد. چوپانهای دیگری نیز در حوالی دیده میشوند. در طرف چپ، مرد سوار کاری در بالای کوه نیزه بدست گرفته و آماده شکار است. در وسط کوه، درخت زیبایی که گل و برگهای مخصوص دارد دیده میشود. در لچک شمالی طرف راست تصویر، این ابیات در بین تذهیب نوشته شده.

بگفت ای خداوند ایران و تور که چشم بداز روزگار تو دور

من آنم که اسبان، شه پرورم بخدمت در این مرغزار اندرم

بیرون حاشیه رقم دارد. (عمل شیخزاده)

۶- دیگر اثر منسوب بشیخ زاده، تخت نشستن خسرو است که بعیار بیت شعری که در بالای اثر نوشته شده:

(بدین طالع کزو پیروزمند تخت ملک بنشست بر فیروزه گون تخت)

نقش گشته است. در این اثر زیبا که اصل آن در موزه متروپولیتن نیویورک قرار گرفته، پادشاه در آرایش سلطنتی روی تختی مزین قرار گرفته و یک فرش پر آذین در زیر پای وی دیده میشود. سایه بان آلاچیق، که تزیینات تذهیبی دل فریبی دارد به استادی ترسیم شده است.

عده‌ای از شاهزادگان و خدمه‌های مخصوص و سرداران و رجال در کنار وی ایستاده‌اند یکی از رجال که شاید از محارم نزدیک و یا وزیر اعظم میباشد، در مقابل خسرو نشسته است. منظره باغ و آرایش البسه و همچنین کاشیکاری صحن مجلس ستودنی بوده و یکی از بهترین آثار شیخ زاده بشمار می‌آید. تصویر شماره

۴۹۰ - شیخ عباسی

نقاش زیبا نگار و قوی دست دوران شاه عباس ثانی (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷) بود و در شبیه سازی و چهره پردازی و نقش مجالس رزمی و بزمی و پرنده سازی دست پر حلاوت و چشم نواز داشت.

از سجع انحصاری نقاش (بهاء گرفت چو گردید شیخ عباسی) که در جمله آثار بجا مانده‌اش دیده میشود معلوم میگردد، این هنرمند در دوره سلطنت شاه عباس ثانی به قدرت لیاقت و کمال بصیرت در دستگاه شاهانه قرب و منزلتی داشته و پاداش خود را که همانا لقب عباسی باشد از شاه صفوی دریافت داشته است.

اغلب آثار این هنرمند در شیوه استادان نامی آن دوره، محمد زمان و علیقلی بیک جبادار میباشد که در آن زمانها باب روز بوده و تصویر می‌شده است.

این هنرمند دو پسر نقاش داشت که احوال آنها در جای خود خواهد آمد. یکی محمد تقی بود که در

یک اثر بجا مانده فقط نام محمد تقی قید کرده و دیگری علی نقی نقاش است که در همه آثارش خود را فرزند شیخ عباسی دانسته و در کنار نام خود قید نموده است.
آثار بجا مانده و رقم دار وی عبارت است از:

۱- اثر رقم دار این هنرمند که در کتاب شاه عباس و هنر اصفهان نیز چاپ شده، جلوس شاه عباس ثانی است که سفیر هند را بحضور می پذیرد. در این اثر پر جلال، وز راو و رجال و اعیان و همراهان سفیر در حضور شاه صفوی قرار گرفته و خدمه در حال پذیرائی میباشند. تصویر در کمال تردستی و مهارت ترسیم شده و در قسمت انتهائی آن منظره شهر و درختان و کوهها به جلالت تمام نمودار گشته و رقم دارد.

(بها گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۷۴)

۲- دیگر اثر شیخ عباسی که در کتاب ISLAMIC PAINTING نیز چاپ گشته، تصویر شاهزاده هندی است که جام شراب بدست گرفته است. این پرنس البسه رزمی پوشیده و شال طلائی بکمر آویخته و وسایل جنگی از قبیل شمشیر و سپر و غیره بخود آویخته است. انتهای تصویر منظره تپه و ماهور دشت و چمن و درختان است که بطراوت تمام نقاشی شده و بخط نستعلیق رقم دارد.

(بها گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۸۴)

۳- اثر دیگر هنرمند که در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار گرفته، جمع درویشان و محفل اخوت است که دور هم نشسته و بصحبت مشغول میباشند. قیافه و البسه درویشان در شیوه مغولی هندی است و در روی یکی از کتابها بخط ریز رقم دارد.

(بها گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۹۸)

۴- دیگر اثر رقم دار این هنرمند جمع جوانان و شاهزادگان است که در بیرون شهر دور هم جمع آمده و بباده گساری مشغول میباشند. در این اثر بزمی که عده نفرات در حدود هفت نفر میباشند. کلاه مخصوص دوره صفوی بسر گذاشته و البسه همان زمان بتن کرده اند. یکی از پسرها کلاه از سر برداشته و جام شراب با بیکی از دختران تعارف میکند. در طرف دیگر دو دختر زیبا بزدن سه تار سرگرمند و سینی انار و بطریهای شراب در مقابل آنها دیده میشود.

در انتهای تصویر منظره درختان زیبا و پل دو دهنه قدیمی جلب نظر مینماید و در داخل یک مستطیل رقم دارد.

(بها گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۸۸)

۵- دیگر از آثار رقم دار و متفرقه این هنرمند تصویر بهمن دلاور است که بشکار مشغول میباشد. این اثر زیبا که در یک شاهنامه قرار گرفته، تاریخ ۱۰۶۰ ه.ق. و رقم نقاش را دارا میباشد. دیگر تصویر مرغ زیبائی است که بسال ۱۰۸۲ ه.ق. نقاشی شده و از آثار ارزنده این هنرمند بشمار می آید.

۴۹۱ - شیخ علی خودگر بخارائی

کوفته گر فلزکوب اهل بخارا بود که با همکاری استادان دیگر در اول قرن ۹ ه.ق. پنجره زرکوب فولادی ساخته اند که حالیه در موزه آستان قدس رضوی مشهد بیادگار میباشد.

۴۹۲ - شیخ محمد امیر مصور

نقاش قرن ۱۹ میلادی هند بود و در تصویر سازی مهارت داشت. شیواترین اثر این هنرمند که در روی جلد کتابی جلب توجه مینمود، تصویر استادانه کودکی بود که

که روی اسب نشسته بود و خدمه و نوکران در کنار وی بحفاظت مشغول بودند. یکی از نوکران نیز چتری بروی سر کودک گرفته بود. رقم داشت.

(شیخ محمد امیر مصور). ساکن کرایا شهر کلکته

۴۹۳ - شیخ محمد سبزواری

فرزند شیخ کمال و اهل سبزواری است که بغیر از هنر تصویر سازی در کتابت خطوط نیز صاحب قلم بوده است. قاضی احمد در کتاب خود از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است:

"او از دارالمومنین سبزواری است پسر مولانا شیخ کمال ثلث نویس میباشد که تعریف او مذکور شد، ولی نقاش بی بدل بود، شاگرد استاد دوست دیوانه بود و خط نستعلیق را خوب مینوشت و قلم بر قلم ختائیان در نقاشی داشت. هر چند که در صورت خطا میکرد و در مثنی در داشتن خط استادان رانقل میکرد و بقلم مو اصلاح مینمود بنوعی که فهم نمیشد، مصور و محرر و مذهب خوب بود، در مشهد مقدس در کتابخانه ابراهیم میرزا کار میکرد و ملازم و صاحب انعام بود" در عالم آرای عباسی نیز این هنرمند را معرفی کرده و چنین یاد نموده است:

مولانا شیخ محمد سبزواری مرد بذله گوی شیرین سخن قیافه و آن خوش اختلاط بود، در فن تدویر رنگ آمیزی یک به صورت دم از یکتائی میزدالحق در آن دعوی صادق و همه استادان نقش پرداز در این ماده با او موافق بودند، نستعلیق را بسیار خوب مینوشت و نقل قطعات استادان چنان میکرد که تمیز آن از منقول عنه نزد دیده و روان خطاط بسیار دشوار بود، صورت فرنگی را در عجم اوتقلید نمود و شایع ساخت اما کسی بهتر او گونه سازی و چهره پردازی نکرد، در سبزواری ملازمت سلطان ابراهیم میرزا اختیار نموده در خدمت او بعراق آمد. در زمان اسمعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد و بعد از آن بخراسان رفته ادر اک زمان فرخنده نشان حضرت اعلی شاهی ظل اللهی کرده در ملازمت آن حضرت در عمارت نو دولتخانه مبارکه کار میکرد، در بندگی آن استان جان داد.

بروایت مرحوم دکتر بیانی، در کتابخانه خزینه اوقاف ترکیه قطعه ای بمرکب الوان از این هنرمند دیده که رقم داشته. (فقیر شیخ محمد بن شیخ کمال سبزواری غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما ۹۷۶) این هنرمند در انواع تذهیب و تشعیر و حل کاری قوی دست بود و طلای شفاف بکار میبرد. صورته را فوق العاده پرحالت و با وسواس میساخت و سکنات صاحب چهره را بخوبی ترسیم مینمود. از فرنگی سازی وی که در عالم آراء یاد شده اثری مشاهده نکردم و چه بسا ممکن است صاحب عالم آرا تک صورتهائی که یکی از آنها در شماره ۹ این مقال یاد شده ذکر کرده و آنرا فرنگی سازی دانسته که در عجم باب گشته بوده است.

در جانور سازی و تصویر حیوانات نیز صاحب قلم بود و مناظر بزمی و رزمی را باحالت میساخت. امضای وی شکل بخصوصی داشت و نام خود را در جمع یک حرف و داخل یکدیگر جای میداد.

عمده آثار با ارزش این هنرمند، در کتاب هفت اورنگ مولانا عبدالرحمن جامی است که ۲۸ تصویر داشته و نقوش آن بوسیله شیخ محمد و میرزا علی و مظفر علی و غیره انجام شده و حالا در موزه فریرگالری واشنگتن جا گرفته است.

خوشبختانه این آثار در کتاب ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS بچاپ رنگی زیبا طبع شده که منحصر در اینجا تشریح میشود.

۱- اثر اول در این کتاب که شماره ۱۰۸ یاد شده برداشتی از این ابیات است که در متن تصویر قید شده است.

چند تن را به سینه خاک افکند

داد آن قوم را چو دیو قرار

آخر از زخم تیغ صاعقه بار

جنگ مغلوبه ای است که دو گروه بهم تاخته و مشغول نزاع میباشند. طرفین که سوار بر اسبها و شترها میباشند در لباس و آرایش جنگی در وسط معرکه دیده میشوند. عمده تصویر عجیبی که در این

اثر دیده میشود رزم آور جوانی است که بزانو نشسته و تفنگی زیر بغل گذاشته و بطرف متقابل آتش گشوده است. در گوشه دیگر حمل آذوقه و سوارات جنگی است که در محل خلوتی قرار گرفته و منتظر فرمان میباشند. منظره جمعی صحنه جنگ و تصاویر پر مهارت و استادانه نفرات و خیل اسبان و شتران وافق زیبا و طلائی یکدست زمینه استادانه بوده و مهارت نقاش را بر ملا میسازد.

۲- دومین اثر شیوای شیخ محمد که بشماره ۱۱۳ در این کتاب چاپ شده مجلس پر جلال معارفه یوسف است که برای ازدواج با زلیخا تشکیل یافته است. در این مجلس پر سرور بزرگان قوم در صدر مجلس نشسته و یوسف در مقابل آنها دوزانو روی دوشکی سفید قرار گرفته است. هاله نورانی طلائی از سر یوسف شعله ور میباشد. خدمه و نوکران مشغول پذیرائی بوده و کله قند و نقل و نبات در دست مستخدمین دیده میشود. تذهیب سایه با نها و فرش های اطاق در کمال شایستگی و پر زیب و زینت است. البسه رنگین و حالات شادانه و قیافه خجول یوسف در کمال استادی تصویر گشته است منظره طاق بلند قصر ستودنی بوده و در کتیبه بالای آن نام طلائی (ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا) دیده میشود. تصویر در کمال نفاست بوده و یکی از بهترین آثار شیخ محمد میباشد.

۳- اثر پر شکوه و پر آذین دیگر هنرمند که بشماره ۱۲۳ ارائه گشته، استراق سمع مجنون از خیمه گاه لیلی است که در کمال پرکاری و فریبندگی انجام یافته است. در این مجلس پر جمعیت که چادرهای گوناگونی در جمع همدیگر قرار گرفته جماعت همراهان را در حالات و قیافه های گوناگون که هر یک بکاری مشغولند تصویر کرده و با استادی از عهده بر آمده است. در گوشه چپ تصویر قیافه تکیده و نحیف مجنون که دست بسینه ایستاده و در آرزوی وصال لیلی در اندوه فرو رفته، دیده میشود. در چادر لیلی نیز وضع بدین منوال بوده و لیلی با افکاری پریشان چاره کار را از ندیمه مکار خود ستوال مینماید. تذهیب و آرایش پر کار چادرها و حالات گوناگون نفرات تصویر در کمال قدرت بوده و نشانه خیرت و بصیرت کامل نقاش میباشد.

۴- اثر دیگر نقاش در کتاب هفت اورنگ، مرگ اسکندر است که بشماره ۱۲۷ در این کتاب بچاپ رسیده است در این اثر پر ملاحظه، اسکندر در بستر مرگ افتاده و همراهان و سرکردگان شین و گریه کنان بسرو سینه خود میزنند. دو مرد جنگی سپرهای خود را بعنوان حمایل بالای سر اسکندر گرفته و از تابش آفتاب جلوگیری مینمایند. در افق تصویر درخت تنومند و کهن سالی با شاخه های شکسته و آتش گرفته دیده میشود.

منظره عمومی تصویر و حالت غم و اندوه حاضران و البسه رنگین نفرات، مخصوصا حالت نزع اسکندر به استادی تصویر گشته و نشانه ذوق پر ابتکار نقاش میباشد.

۵- از آثار رقم دار این هنرمند که در نمایشگاه بریتیش میوزیوم از نزدیک دیدم و تصویر آنها در کاتالگ موزه بنام WONDERS OF THE AGE در صفحات ۱۹۶-۱۹۷-۲۰۵

۲۱۳ ارائه شده تصویر جوانی است که دوزانو نشسته و بقرائت جزوه ای مشغول میباشد. این جوان گل میخکی بدست گرفته و متفکر بنظر میرسد. در داخل جزوه این بیت شعر دیده میشود.

از هوای چمنم آرزوست جلوه سرو سمنم آرزوست

کلاه و لباس جوان شیوه صفوی بوده و قیافه اش ابکی میباشد. در کناره تصویر اشعار ترکی دیده میشود که به نستعلیق نوشته شده وزیر زانوی جوان رقم مخصوص دیده میشود که نوشته (راقمه شیخ محمد) تصویر شماره (۴۲)

مضبوط در موزه لور پاریس

۶- دیگر اثر منسوب به این هنرمند که از نزدیک دیدم و تصویر آن در صفحه ۱۹۸ کاتالگ ارائه شده، تصویر مردی گویا رفوچی خان است که با کلاه عمامه و لباس دوزانو نشسته و شمشیر و تیرکمان بکمر بسته و گرز فولادی زنجیری زیر بغل گرفته است.

در زمینه تصویر گل و شاخه پر حالت دیده میشود که شیوه کار استاد شیخ محمد را بخاطر میآورد.

۷- دیگر اثر منسوب بشیخ محمد که از نزدیک دیدم و تصویر واقعی کوچکتر از آن بود که در صفحه ۲۰۵ کاتالگ نمایشگاه چاپ شده است تصویر از یک جوانی است که لباس بلند و رگه دار مخصوص پوشیده و کلاه عمامای بسر گذاشته و به متکا تکیه داده است. در پشت تصویر، منظره درخت و پرده رنگینی که تصاویر حیوانات گوناگون بروی آن نقش شده دیده میشود. تصویر در کمال استادی بوده

و شایسته تحسین میباشد.

۸- تصویر دیگر این هنرمند که در موزه لوور قرار گرفته و بشماره ۸۴ و در صفحه ۲۱۳ کاتالگ ارائه شده طراحی دو دلداده است که سراپا ایستاده و دست در دست دیگر نهاده اند. حالات صورت و قیافه نو جوان استادانه است و در شیوه صفوی نقش گشته و پرمهارت میباشد.

۹- دیگر از آثار رقم دار این استاد، تصویر مردی باریش و سبیل بزی است که کلاهی مثل دیگری بسر گذاشته و روی آن شال پارچهای بسته است. این مرد دوزانو نشسته و یک شل ساده و کوتاه روی لباسها پوشیده است. در زمینه صفحه، تصاویر اسلیمی و برگ و گل وحل کاری ترسیم شده و تمام صفحه را در بر گرفته است. در قسمت بالای نقاشی بخط فوق العاده زیبای نستعلیق این بیت نوشته شده باری جو زحمت نگه کرم میدهی دل آنچنان مبر که توانیم پس گرفت

در زیر زانوی تصویر رقم دارد. (راقمه شیخ محمد)

۴۹۴- شیخم مذهب

ش
خ
م

نقاش مغولی قرن ۱۷ میلادی هند بود در تذهیب و تصویر صاحب کمال بشمار میرفت. در تاریخ هشت آپریل سال ۱۹۸۰ در بریتیش میوزیوم نمایشگاهی افتتاح گردید که تصویر ازدها را در هنر مینیاتور سازی ارائه میداد.

از این هنرمند در این نمایشگاه اثر پر مایه ای دیدم که ستودن داشت. این اثر پر توان که برداشتی از این حکایت بود. (عاملی را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی) حاکم صاحب جلالی روی تخت نشسته و عده از مردم در اطراف وی ایستاده بودند. در قسمت پائینی نوازندگان می نواختند و میهمانان و حضار با البسه رنگین و مخصوص خود جلب نظر مینمودند. در وسط ساختمان حوض با صفائی بود که چند مرغابی در آن شنا میکردند. از پشت معجر مطلا و قرمز رنگ، منظره کوهها و درختان خوش تراش باغ دیده میشدند. سایه بان بالای سر حاکم با تذهیب پر پیرایه ای آذین شده بود و رقم نقاش بخط رقاع قرمز رنگ چنین بود.

۴۹۵- شیخی بیک نقاش

نقاش اواسط قرن ۱۰ ه.ق. بود و خط را نیز نیکو مینوشت.

در مرقع بهرام میرزا که در کتابخانه خزینه اوقاف اسلامبول قرار دارد. قطعه خطی از این نقاش دیده میشود که خدمت بهرام میرزا (۱) ارسال داشته و چنین نوشته است.

(عرضه داشت بنده خاکسار شیخی بیک نقاش)

۴۹۶- شیخی کرمانی

اهل کرمان بود و در نقاشی و شعر دست داشت.

در کتاب تحفه سامی از این هنرمند نام برده و اختصارا "چنین نوشته است:

((در نقاشی بی بدل بود و در ملائی مکمل. این شعر از اوست))

طره ات مار خفته را ماند - چهره ماه دو هفته را ماند

۴۹۷- شیخی مذهب

مذهب شیرین قلم و نادره کار اواسط قرن ۱۰ ه.ق. است.

۱- ابوالفتح بهرام میرزا فرزند شاه اسماعیل اول صفوی و برادر شاه طهماسب بود که در سن سی و سه سالگی و تاریخ ۹۵۶ ه.ق. درگذشته است.

از این هنرمند در کتابخانه توپ قابو سرای ترکیه اثری دیدم که در کمال قدرت تذهیب شده و حالت استادانه داشت. در این اثر استادانه، دو دلداده کنار هم قرار گرفته و زن چادر ببری صراحی شراب بدست گرفته و بدیگری عرضه میکرد. این مطالب در بالا و پائین تصویر نوشته شده بود. (نقش شیرین روان سنگ دل من این است که خیال رنجش از خاطر فرهاد رود) رقم داشت. (مشقه شیخی مذهب فی سنه ۹۴۵)

۴۹۸- شیخی یعقوبی

نقاش معروف دوره آق قویونلوها است که در خدمت سلطان خلیل (۸۸۳-۸۸۴) و سلطان یعقوب (۸۸۴-۸۹۶) بفر و احترام می‌زیسته و در مکتب تبریز و ترکمان تصویر می‌ساخته است. این هنرمند بعلت قرب و منزلتی که در دستگاه سلطان یعقوب داشته، شیخی یعقوبی امضاء می‌کرده و بآن افتخار می‌نموده است.

اغلب کارهای این استاد شبیه کارهای استاد محمد سیاه قلم بوده و تزیینات و آرایش البسه نفرات تا حدودی همسان شیوه چینی میباشد.

عمده‌ترین و شاید همه آثار بجا مانده این هنرمند، در آلبوم سلطان محمد فاتح قرار گرفته و بشماره H. 2153 در موزه توپ قابو سرای اسلامبول مذبوط است.

نگارنده در سفرهای متعددی که برای دیدار آثار هنرمندان ایرانی بآن دیار سفر کرده‌ام. جملگی آثار این هنرمند را از نزدیک دیده‌ام که مختصراً "بشرح آنها می‌پردازم.

اثر اول - تصویر دو زن زیبا و فتان چینی است که روی صندوقچه‌ای نشسته و در جنب آنها نقش دو گل خوش حالت و با طراوت جلب نظر مینماید. کناره‌های صندوق تذهیب‌هایی بشیوه ایرانی داشته و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد. (عمل استاد شیخی نقاش)

۲- دیگر از آثار این هنرمند که از نزدیک دیدم. نقش شاهزاده اسب سواری بود که شیری را با نیزه خود شکار می‌نمود. در کناره این مجلس، نقش گل و برگی در شیوه چینی سازی بود و پرندۀ زیبایی در حال پرواز دیده میشد و نوشته‌ای بخط نستعلیق داشت.

(العبد شیخ محمود اصلح اله شانه اهدا)

و رقم نقاش بخط نستعلیق چنین بود:

(عمل استاد شیخی)

۳- دیگر از آثار استاد شیخی که در این موزه دیدار کردم. جمع دراویش و گدایان پابره‌نه و بدون شلوار بود که در گذرگاهی اجتماع کرده و دو طلبه متفکر و خوش لباس بجمع آنها نظاره می‌کردند. بخط نستعلیق زیبا رقم داشت.

(عمل شیخی الیعقوبی)

۴- چهارمین اثر استادانه این هنرمند را که در این موزه دیدم. تصویر سر و صورت جوانی در کمال استادی بود که در جنب اثر استاد احمد موسی الحاق گشته بود و رقم داشت. (مشق شیخی)

۵- دیگر از آثار این هنرمند، تصویر افرادی است که بسبک چینی لباس پوشیده و خوشحال و صحبت کنان عازم مقصد می‌باشند، دو پیر مرد که لباسهای مخصوصی بتن دارند این سه نفر را مسخره کرده و بآنها می‌خندند. رقم دارد. (کار استاد شیخی نقاش)

۴۴۹- شیوداس

نقاش قرن ۱۱ ه.ق. مغول هند بود و در چهره پردازی و زیبا نگاری صاحب قلم بشمار میرفت. از تنها اثری که از این هنرمند دیده‌ام، تصویر شخصی بنام میر جمله بود که ریش انبوهی داشت و سایه‌ها در کمال قدرت بود. در حواشی اثر نیز خطوطی بخط نستعلیق زیبا کتابت شده بود که

تذهیب زیبا داشت و رقم نقاش چنین بود.
(شبیه میر جمله عمل شیوداس)

ص

۵۰۰- صادق- آقا صادق اول

با تفحص و تعمق کافی در آثار بجا مانده و شیوه هنری نقاشان پرمهارتی که بنام آقا صادق در عرصه هنری ایران درخشیده‌اند معلوم میگردد و نقاش نادره کار و چابکدستی، بنام‌های آقا صادق در این مرز و بوم بخلق تصویر پرپر خسته و آثار ارزنده و پرحلاوتی را نیز عرضه نموده‌اند.

مانیز در اینجا به نسبت اولویت تاریخی و سبک و شیوه نگارگری و حتی پرداخت و آرایش کار و در بعضی موارد انتخاب مضامین باب روز، آن دو نفر را بنام‌های آقا صادق اول و دوم در این مقال یاد کرده‌ایم.

۱- آقا صادق اول که فعالیت هنری وی حدود سالهای ۱۱۲۸ الی ۱۱۷۸ ه.ق. بمدت پنجاه سال ادامه داشته و با سجع (یا صادق الوعد) و (صادق از لطف علی اشرف شد) معروف و شهره بوده، یکی از شاگردان معروف علی اشرف بشمار میرفته است.

۲- آقا صادق دوم که رشته فعالیتش در میان سالهای ۱۱۶۰ الی حدود ۱۲۱۰ ه.ق. به مدت پنجاه و دو سال ادامه داشته و منحصراً "با سجع (یا صادق الوعد) در عرصه هنری زمان خود مشهور بوده است.

حال به احوال مختصر آقا صادق اول پرداخته و آثار بجا مانده هنرمند را بررسی مینمائیم. صادق اول که با ارائه سجع معروف خود (صادق از لطف علی اشرف شد) به شاگردی استاد نامدار و معروف زمان، علی اشرف مفتخر بوده، از نقاشان نادره کار و پرابتکارا و اواخر صفویه و دوران زندیه است که با ابتکار و قدرت قلم پرمیاهاش در زمان خود شناسا بوده است.

این هنرمند مناظر و قیافه و حالات نفرا ت و تزئین و آرایش البسه و بکاربرد رنگهای سنگین را که تلفیق استادانه شیوه صفوی و زندیه بوده به نیکوترین اسلوبی بروی قلمدان ظاهر میساخت و با ستادی پرداخت مینمود. بغیر از سجع مذکور، به توکل و تبرک اسماء مبارکه اغلب اوقات رقم (صادق الوعد) را در ذیل آثار ثبت مینمود. آقا صادق در رشته کارهای روغنی (لاکی) استاد پر مایه بود و در گل و مرغ و آرایش و پیرایش مجالس بزمی و شکار و ارائه حالات انسان و جانوران دست قوی و پر مایه داشت. از آثار رقم دار او دیده ام:

۱- قلمدان نفیسی دیدم که در رویه آن تصویر زنی زیبا جلب نظر میکرد. در انتهای قلمدان، منظره ساختمانی در شیوه صفوی بود که درختان پر طراوت و زیبا کناره های ساختمانی را پوشانده بودند. حواشی قلمدان، مناظر گوناگون شکارگاه و جنگل بود که عده ای بشکار و سیاحت اشتغال داشتند. رقم داشت.

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۳۰)

۲- قدیمی ترین اثر رقم دار این هنرمند را که دیدم، در یک کتاب فرانسوی بود که به سال ۱۹۳۵ میلادی چاپ شده بود. و آن اثر، تصویر قلمدان تابوتی شکل پر مهرتی بود که رویه آن، گل و مرغ کا ملا "بشیوه استاد علی اشرف بود و رقم داشت.

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۲۸)

۳- دیگر اثر پر مهرت هنرمند که در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار دارد، قلمدان زیبایی است که در رویه آن، تصویر زن دلربائی ارائه شده که بهشت و شو و آرایش خود اشتغال دارد. زن جوان دیگری که شایندیمه وی باشد، جام شراب را بدست گرفته و آماده خدمت است. در گوشه دیگر قلمدان، دختر پر حالت دیگری نیز عرضه شده و در قسمت بالا بخت طلایی، رقم دارد.

(یا صادق الوعد ۱۱۴۴)

۴- قاب آینه استادانه این هنرمند که در حراج شهر پاریس بفروش رسید، قاب آینه بیضی شکلی بود که در رویه آن، تصویر حضرت مریم و مسیح جلب نظر میکرد که دو دختر فتان و زیبا در زیر پای مریم نشسته بودند. در طرف دیگر، پیرمردی که شاید یکی از حواریون بود کتبی بدست گرفته و در مقابل آنها ایستاده بود. زمینه قاب آینه، درختانی در شیوه صفوی داشت که دو فرشته پر حالت، بحال پرواز در خدمت بودند. در پشت قاب آینه، تصویر مذهبی (ذبح اسمعیل) به تردستی ترسیم شده و رقم بدون تاریخ داشت.

(صادق از لطف علی اشرف شد)

۵- دیگر قلمدانی که از این هنرمند دیدم، قلمدان تابوتی گل و مرغی بود که در شیوه علی اشرف ترسیم شده و در نوع خود تا بناک و دلفریب بود. داخل قلمدان نیز

گل و مرغ بود و در سه هم مجزای به خط نستعلیق زیبا رقم داشت.

(یا صادق الوعد در سنه ۱۱۶۲)

۶- اثر دیگر هنرمند قاب آینه هشت ضلعی آراسته بگلهای متنوع بود که پختگی و رسائی هنر علی اشرف را بر ملا میکرد. در داخل قاب آینه، دختری با البسه مخصوص دوران زندیه نشسته و پاها را روی پا انداخته و صراحی شراب و چند عدد میوه در مقابل وی قرار داشت. در پشت سرش، پسر جوانی با البسه و کلاه شیوه زندیه ایستاده و دختر تنها را نظاره مینمود. رقم داشت.

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۷۴)

۷- قلمدان تابوتی دیگر که تصویر شکارگاه با شکوهی در سبک صفوی داشت، از نزدیک دیدم که واقعا "در خور تحسین بود. قیافه و البسه و حالات اسبهای شکارچیان در کمال استادی عمل آمده و متین و استوار بود. حواشی قلمدان، گل و مرغ شیوه زندیه داشت و در داخل قلمدان نیز تصویر جوان کم سن و سالی در شیوه شاهزادگان زندیه جلب نظر مینمود و بخت شکسته زیبا رقم داشت.

(صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۷۶)

۸- اما استادانه ترین اثر رقم دار این هنرمند که متاسفانه فرسوده شده و تاب ندیده بود، جعبه گل و مرغی بود که تصویر داخلی آن، منظره شکار اروپائیانی بود. این اثر زیبا که در حراج ۲۲ آوریل سال ۱۹۸۰ سالتی لندن بفروش رسید، اندازه: (۱۰×۵×۳۴/۲۴ سانتی متر) داشت.

رویه آن گل و مرغ پیچیده و جمع شیوه علی اشرف داشت و در داخل آن، صحنه شکار جماعت اروپائی بود که به تردستی تمام نقش شده و در روی قاب آینه رقم داشت. (صادق از لطف علی اشرف شد ۱۱۷۷) تصویر شماره

۵۰۱- صادق- آقا صادق دوم

دومین آقا صادق که نام اصلی وی محمد صادق بوده و بناهای صادق و آقا صادق و محمد صادق در زمان خود شهره بوده و سجعش را (یا صادق الوعد) مینوشت و یا تنها به ذکر نام ساده خود اکتفا مینموده است.

این هنرمند نقاش قوی دست و نادره کاری بود که بیش از پنجاه سال، در کمال استواری و پراعتباری در عرصه هنری ایران خوش درخشیده و آثار گرانبهائی از خود بیادگار نهاده است.

او در رشته های گوناگون نقاشی، از قبیل آبرنگ و کارهای روغنی (لاکی) و ارائه تما و بررنگ و روغنی و تذهیب و ترصیع و حل کاری، صاحب ابتکار و نقاشی بدیع نگار

بوده است. سجع وی عموماً " (یا صادق الوعد) بود که تشدید بیروی حرف (ع) میگذاشت و یا اینکه با مضای ساده خود بسنده میکرد.

آقا صادق در گل و مرغ و شبیه پردازی و تک چهره سازی و مجالس پرجماعت رزمی و بزمی و شکار و جانور سازی و حتی فرنگی سازی استاد بود و بر موزود قایق نقاشی تصویر و قوف تمام داشت. و در تذهیب و تشعیر و آرایش حواشی و صنعت خط نیز صاحب قلم بود. این هنرمند با ارائه مجالس عرفا، مخصوصاً "تصویر مجالس بحث و فحش عرفی با پسر شاه سلیم هندی که بروایتی شاهزاده ای نیکو خصال و با زهد و تقوی بوده، رغبت تمام داشته که نگارنده حدود پنج اثر ممتاز وی را در این مورد از نزدیک مشاهده نموده ام. در اغلب این مجالس شاهزاده با فروتنی تمام و البسه سلطنتی زینت چون مریدی پاک با خسته در حضور مرادش دوزا نون نشسته و به نصایح و اندرز پیر عارف گوش میدهد.

محمد صادق نقاش پرکار و پرابتکار بود و در ارائه تابلوهای بزرگ رنگ و روغنی و مجالس رزمی از پیش قدمان بشمار می آمد. در تصویر جنگ کرنال که با مرآغا محمد خان قاجار و در چهل ستون اصفهان ترسیم گشته روایتی شنیده ام که ذکر آن در این گفتار بیمناسب نمیباشد.

میگویند روزی آقا با قرنقاش جهت دیدار آقا صادق به کاخ چهلستون که در آنجا بکار نقاشی مشغول بوده است میرود. بعد از سلام و احوال پرس و روا آقا صادق کرده، میگوید: استاد چه کار ساده ای ترتیب داده ای که با این سرعت و شتاب بیایان میرسانی. آقا صادق مکدر شده و جواب میدهد: آغا محمد خان کنس و پول پرست است. مزد این نقاشی را ذریعاً بمن میدهد و ارائه کار بهتر در مقابل این مزد کمتر، سفاکت و دیوانگی است. آنوقت برای اینکه هنرش را به آقا باقر نشان بدهد فی الفور صورت یکی از رزم آوران را در شباهت آقا باقر ترسیم مینماید که ستایش و تحسین ناظران را برمی انگیزد.

آقا صادق بغیر از نقاشی در شعر و ادب نیز دست داشته و اغلب ارقام هنری خود را باینظمی مناسب بشعر درآورده و بخط زیبای خود کتابت میکرده است.

در قلمدان زیبایی که از آثار نقاش استادی بنام جعفر دیدم نوشته بود.

(عمل جعفر بن صادق)

از وضع ترسیمی و حالت گل آرائی که شباهت زیادی بکارهای آقا صادق داشت معلوم می نمود این هنرمند فرزندان هنر دوست نقاش بوده که از سرچشمه هنری پدر پرمهارتش فیضها برده و بمقام هنرمندی رسیده است.

از آثار رقم دار او دیده ام:

۱- اثر ارزنده و بزرگ رنگ و روغنی، جنگ کرنال که در کاخ چهل ستون بیادگسار مانده، تصویر رزمی جنگ آوران ایرانی، بسرکردگی نادر شاه افشار است که با ناصرالدین محمد شاه گورکانی، در محل کرنال بوقوع پیوسته است. این اثر رنگ و روغنی و پرکار، با مرآغا محمد خان قاجار ترسیم گشته و رقمش چنین است.

بحسب الحکم شاهنشاه دوران فریدون فرم محمد خان قاجار
ز کلک صادق نقاش نشو شد نشان و فر نادر شاه افشار
(یا صادق الوعد)

۲- دومین اثر بزرگ و رنگ و روغنی آقا صادق که آن نیز در چهلستون قرار دارد. منظره رزمی جنگ چالداران است که شاه اسمعیل صفوی را با سلطان سلیم عثمانی در مقابل یکدیگر تصویر کرده و رزم آوری و دلیری شاه اسمعیل را در مقابل ترکمان عثمانی به نیکوترین ترتیبی ارائه داده است. در پائین و در وسط تابلو رقم دارد
(یا صادق الوعد ۱۲۱۰)

۳- سومین اثر رزمی و تاریخی این نقاش، جنگ نادر شاه با ترکان عثمانی است که در یکی از سالنهای گلستان تهران مضبوط میباشد. ماوقع این تابلو، تصویر نبرد بیکن پاشا با نادر شاه است که در سال ۱۱۵۸ اتفاق افتاد و بفتح نادر شاه شکست سپاه عثمانی پایان یافته است.

۴- دیگر اثر این هنرمند که در کتابخانه مجلس قرار دارد، تصویر رنگ و روغنی بهشت است که بابعاد تقریبی ۱۸۰ × ۲۸۰ سانتیمتر ترسیم شده و تما ویرزیبائی از دختران دلربا و اطفال کم سن و سال را در کمال مهارت انجام داده که بسیار پسندیده میباشد.

۵- از آثار ممتاز و رنگ و روغنی دیگر نقاش، تصویر شاهزاده جوانی است که بر اسب سوار شده و با اژدهای سهمناکی نبرد میکند. شاهزاده بیباک، با خنجر دستی به اژدها حمله کرده و حیوان را زخمی ساخته است. منظره سرسبز دشت و دمن و درختان بلندسبز، در افق دور تا بلو جلوه پریزینی دارد. این تابلو که در موزه نگارستان تهران قرار گرفته رقم دارد.
(رقم کمترین محمد صادق)

۶- دیگر اثر رنگ و روغنی هنرمند در این موزه، تصویر زن لوند و دلفریبی است که به شادابی و سرمستی به متکای گلگون تکیه کرده و در کمال تمنا و دلربائی نظاره میکند. آرایش لباس و جواهرات و نیم کلاه مرصع وی استادانه بوده و گیلان شراب به سستی در حال افتادن است. بطری شراب و چند خیار سبز و در طرفی گریه ملوس و ریبه یاد در زمینه تا بلو جلب نظر مینماید. خدمتکار جوان، فنجان قهوه را تعارف میکند رقم دارد.
(کمترین محمد صادق)

۷- اثر دیگر هنرمند را که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن دیدم، قلمدان دل انگیزی بود که در رویه آن تصویر شاهزاده جوانی با لباسهای زربفت بود که شمشیر بکمربسته و روی اسب سوار شده و به استحمام شیرین نگاه میکرد. در طرف دیگر قلمدان، شیرین و ندیمان به طنای مشغول حمام بودند و پیرزن خدمتکار حوله‌ای را جهت پوشش شیرین بدست گرفته بود. در طرف راست رویه قلمدان، سربازان و محافظین مخصوص شاهزاده دیده میشدند. رقم داشت. (یا صادق الوعد ۱۱۹۰)

۸- قاب آینه دیگری از این هنرمند که در این موزه قرار دارد، میدان رزمی با شکوهی است که لطفعلی خان زند و یاران همراهش با دشمنان ستیز مینمایند. قیافه و حالات مختلف سوارکاران و استواری اسبها و جنگ و گریز رزمندگان در کمال استادی ارائه شده و رقم دارد.

(یا صادق الوعد ۱۱۸۹)

۹- دیگر اثر بزرگ و پرکار این هنرمند، جعبه بزرگی بود که تصویری از شاهان صفوی به زبردستی تمام در روی جعبه ترسیم شده و در اطراف پادشاه حدود بیست تاسی نفر از رزم‌آوران جنگی دیده میشدند. یکی از همراهان، شیری را زخمی کرده و بتله انداخته بود. در اطراف جعبه و در هشت مدالیون مختلف، تما ویر چشم‌نوازی از جمع زنان و دختران پری پیکروا نبوه شاهزادگان زندی و صحنه‌های متنوع شکار ارائه گشته و روی جعبه رقم گذاشته بود. (یا صادق الوعد ۱۱۹۸)

ترسیمات داخل جعبه که صحنه پر مهرت شکار فتحعلیشاه قاجار بود، بدست نقاش دیگری بنا محمد ابراهیم و تاریخ ۱۲۳۸ را داشت.

۱۰- قلمدان دیگر این نقاش، در آرایش گل و مرغی استادانهای انجام یافته و در مدالیونهای مختلف حواشی قلمدان، نیز مناظر شکار و تماشای پرچالیت دیگر نقش بسته بود و رقم داشت. (یا صادق الوعد ۱۱۹۳)

۱۱- دیگر اثر آقا صادق، قلمدانی در زمینه تیره رنگ بود که تصویر عرفی و پسر شاه سلیم مقابل مرشد خود نشسته و جماعت همراهان که عبارت از زنان و مردان و کودکان بودند بصحبت آنان گوش میدادند. حواشی قلمدان نیز مجالس متنوع شکار و منظره استحمام شیرین را داشت و رقم آن چنین بود.

(یا صادق الوعد ۱۱۶۵)

۱۲- قلمدان دیگری به همین نوع و موضوع از این نقاش دیدم که در کمال استادی و نفاست انجام یافته و حواشی آن کلاً "مناظر شکار و جمع حیوانات شکاری بود. رقم نقاش که به طلای درخشنده در جنب مولانا عرفی دیده میشد، در یک بیت چنین بود. بدین دلکش قلمدان نقش یاب از خامه صادق که آن دربار والا را غلام جان فشان آمد

۱۳- قلمدان گل و مرغی کم‌نظیر دیگر نقاش، قلمدان فریبنده‌ای بود که گل و مرغ‌های ریز و پرگل داشت. در رویه آن دوازده مدالیون گوناگون، تما ویر دختران طناز زنان دلربا بشیوه و البسه دوران زندیه نقش گشته بود که ستودن داشت. در مدالیون وسطی، نوجوانی با کلاه زیبای زندیه که گویا تصویر خود لطفعلی خان زند بود، به تردستی عمل آمده و ورقم داشت. در قسمت بالا (یا صادق الوعد)

و در قسمت پائین (شهر رجب المرجب ۱۲۱۲)

۱۴- دیگر قاب آینه نفیس هنرمند که در موزه هنرهای تزئینی تهران بیا دگار است، تصویر پر مهرت حضرت مریم و مسیح بود که یکی از حواریون انجیل بدست گرفته و در مقابل آنها ایستاده بود. داخل قاب آینه نیز تصویر عرفی را داشت که پسر شاه سلیم و جمع یاران در خدمت او بزانوشسته و بمو عظه و اندرز مرشد خود گوش فرامیدادند.

۱۵- دیگر قلمدان این هنرمند که در حراج ساتبی نیویورک و بتاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۱ بفروش رسید، قلمدان بزمی یوسف و زلیخا بود که یوسف در مقابل زلیخا نشسته و با هم صحبت میکردند. جمع ندیمان و از جمله زلیخا که محو زیبایی یوسف گشته و بیحال افتاده بود، بمهارت ارائه شده و ورقم داشت.

(یا صادق الوعد ۱۱۵۳) تصویر شماره ۵۳

۱۶- تصویر آبرنگی و پخته دیگر، تصویر دودل داده طناز بود که همدیگر را بغل کرده و ندیمه مخصوص مسئول پذیرائی آنان بود. در توی طشت طلائی میوه‌ها چیده شده بود و در زمینه نقاشی بطری شراب و دودانها نارویک گربه ملوس دیده میشد و رقم داشت. (یا صادق الوعد)

۱۷- آبرنگ دیگر، تصویر زن جذاب و فریبنده‌ای بود که جزو مرقعات کتابخانه گلستان قرار گرفته و ورقم داشت. (یا صادق الوعد)

۱۸- دیگر اثر آبرنگی نقاش در این کتابخانه، تصویر دختر جوانی بود که دست به سینه و دوزانوشسته و سربا سمان بلند کرده و راز و نیاز میکرد. در بین ابرهای فضا، صورت مردی جوان جلب نظر مینمود و ورقم داشت.

(یا صادق الوعد ۱۲۰۰)

۱۹- دیگر اثر از زنده نقاش را که از نزدیک دیدار کردم، تصویر آبرنگ دوزن جوان و طناز بود که یکی به آهو غذا میداد و دیگری به متکای گلدار تکیه کرده و زیر درخت نشسته بود و بیخط طلائی شکسته روی پشتی متکا نوشته شده بود.

(حسب الفرموده عالیشان معلى مکان مخدومی مطاعی)

آقا محمد رفیع خان مشق شد. رقم کمترین صادق سنه ۱۲۰۸

۲۰- آبرنگ دیگر، تصویر زن سرمست و شادابی بود که بروی بازوان مرد جوانی

((نظربه مهارت و خطاطی و نقاشی در کتابخانه دیوان ملازم بوده و این دوبیت از اوست :

گر کرده این و خواسته آن است روز حشر - از ما سلام رسان دارالسلام را

از جفا هر کس نصیحت میکند یا روبرا - می رود بر من گمان شکوه دلدار مرا ((

مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان او را تبریزی خوانده و چنین نوشته است : ((صادق از اعظم ایل جلیل خدا بنده و او بوده و از رجال نامی دوره شاه عباس کبیر است . ایل مزبور در آغاز ظهور شاه اسماعیل اول از دیا رشام باراده خودشان بطرف ایران آمده و در عراق و آذربایجان جا گرفته اند . صادق در سنه ۹۴۰ در شهر تبریز قریب به محله ورجو (ویجویه) تولد یافته . و در بیست سالگی پدرش کشته شده پس از آن مدتی با امیرخان مصلوی و بدرخان و اسکندر خان افشار بوده و در عهد شاه اسماعیل ثانی داخل کتابخانه دولتی شده و از طرف شاه عباس کبیر بمنصب کتابداری سرافراز گردیده است))

اسکندر بیک منشی در کتاب عالم آرای عباسی در مورد صادق بیک افشار چنین می نویسد : ((صادق بیک افشار مرد رنگین صاحب طبیعت بود صادق تخلص میکرد و در آغاز جوانی ذوق مشق نقاشی یافته ملازمت شبانروزی نادر العصری استاد مظفر علی اختیار نمود و آثار قابلیت و ترقی از ناصیه احوالش مشاهده نموده همت بر تربیت او مصروف داشت و در شاگردی او بمرتبه کمال ترقی نمود مدتی از غرور - نفس و سرکشی طبیعت که در کار نقاشی روا جی نبود و زمانه بر حسب آرزویش دوران نمینمود ترک آن کار کرده از لباس ظاهری پرستی عریان و باز مزه قلندران سیاحت و دوران مینموده امیرخان مصلوی در حینی که حاکم همدان بود از حال او خبر یافته او را از لباس قلندری بیرون آورده ملازم خود کرد و با او سلوک آدمیانه میکرد به مقتضای طبع ترکیت و شیوه قزلباشی دعوی جلالت و شجاعت نموده شجاعان آن زمان را بیا بروت درنمیاورد و در زمان نواب سکندرشان ملازمت بدرخان و اسکندر خان افشار اختیار نمود و در معرکه ترکمانان استرا با دجلادتهای بی عقلانه از او بظهور رسیده اما هیچوقت از نقش غافل نبود و در آخر ترقی عظیم کرده مصور ببیدل نازک قلم نقاش و طراح بیقرینه شد و بقلم موی شکاف هزاران پیکر بدیع بر توجیه (مقصود مینگاشت و بزیور قابلیت و استعداد آراسته و بحلیه شاعری و سخنوری پیراسته قصاید و غزل و مثنویات مرغوب دارد . این بیت مثنوی در جنگ نامه بسیار خوب گفته :

ملخهای پیکان ز پرندگی

شده مزرع آفت زندگی

یکی را بتیغ و یکی را بمشت

تبرزین همی گشت از روز پشت

چون از مرده این فن بود اسم او در سلک شعرا مرقوم نشد و بهمین اکتفا رفت . در زمان اسمعیل میرزا از صاحب کتابخانه بود اما در زمان شاه جنت مکان منصب جلیل القدر کتابداری یافته مورد شفقت و منظور تربیت گردید ، اما بغایت بد مزاج و غیور و تنگ حوصله بدخوی زشت و بد مزاجی هرگز او را از اغراض نفسانی آسوده نمی گذاشت و همیشه با یاران و ابنای جنس بمقتضای طبع عمل نموده بدسلوکی را از حد اعتدال میگذرانید و ایشان این متاع کاسد را که از باراهلیت نارواست از او بجان خریدار بودند و او پای از دایره و انصاف بیرون نهاده در درشت خوئی با همه کس افراط مینمودند بدینجهت از بساط قرب و منزلت دور و از خدمت مرجوعه مهجور بود اما تا آخر ایام حیات تغییر در منصب او نشد و مواجب کتابداری از دیوان اعلی می گرفت . ((

مؤلف تذکره نصرآبادی چنین گوید که مرحوم ملاغروری شاعر می گفت که وقتی قصیده در مدح صادق گفته در قهوه خانه از نظرشان گذارنیده و میخواستند قصیده بآخر نرسیده مسوده آنرا از فقیر گرفته گفت حوصله ام بیش از این تاب شنیدن ندارد و برخاسته بعد از لحظه آمده پنج تومان بدستاری بسته با دو صفحه کاغذ که خود از سیاه قلم طرحی کرده بود بمن داده و گفت تجار هر صفحه کاغذ را به سه تومان میخرند (۱) که به هندوستان ببردند و با داران بفروشی و عذری بسیار خواسته و رفت .

مرحوم امیر خیزی در مجله ارمغان سال دوازدهم و شماره ۳ شرح مبسوطی با استفاده از منابع قدیمی در مورد نقاشی آراسته داده که مختصرا "چنین است :

صادق - اسمش صادق بیک از شعرا و نقاشان دوره شاه عباس کبیر است ، برخی از صاحبان تذکرات الشعراء ویرا از طایفه افشار میدانند حقی اسکندر بیک نیز در

۱- در مورد قیمت پنج و سه تومان که صادق به ملاغروری بخشیده . مدرک مستندی از این زمانها یعنی در سنه ۱۰۲۱ ه. ق. در آرشیو اسناد قدیمی دارم که یک هزار من روغن کره را بمبلغ ۲۲ تومان خریده اند . حال با مقایسه ۲۲ تومان پول آن زمان ، که یک هزار من روغن کره خریداری شده است معلوم میگردد صادق چقدر غنای طبع داشته که در مقابل ابیاتی ، چنین صلح پرارزشی را بشاعر هدیه کرده است . و آن سند چنین است : بسم الله الرحمن الرحیم . مبلغ بیست و دو تومان نصفه یازده تومان قیمت یک هزار من روغن کره که بجهت بقالان اردبیل فروخته بموجب تمسک شرعی مبلغ مذکور تما "و کلا" در نزد رفعت پناه مشارالیه است که بعد از مدت چهل روز باریاب حواله و کلا و نواب مستطاب تولیت پناه نخبه المشایخ الکاملین رسانند . تحریرا "فی دوم شهر مجرم الحرام سنه ۱۰۲۱ .

تاریخ عالم آرا را افشاری نوشته است ولی خود (صادقی) در مقدمه کلیاتش را به نسب خود چنین گوید: "اقل و احقر عباده ذره بیمقدار صادق کتابدار معروض میگرداند که: بر همگان روشن و هویدا است که این حقیر از طایفه اتراک است که به (خدا بنده لو) معروف و مشهورند و در آغاز خروج و ظهور عالمگیری و کشورستانی خسرو دادگر.....

شاه اسمعیل (بن) حیدر حسینی بهادر خان از دیار شام بمتابعه و معاونت بهاراده خود روی توجه بدرگاه عالم پناه آوردند. چون طایفه صحرائین و صاحب غنائم و مراعی اندر عراق و آذربایجان نیز بطریق معهود قریب بسواد اعظم و شهرستان که مخالف پرورش چهارپایانست کمتر مسکن مینمایند؛ مگر جمعی که بسمت روشناسی و ملازمت مثل پدران این حقیر و سایر سفیدان که در پاییه سریر اعلی بوده اند میباشند.

(صادقی) در حدود (۹۴۰) در شهر تبریز در قرب محله (ویجویه) متولد شده و در همان شهر بسن رشد رسیده است. چون سنین عمرش به بیست رسید پدرش کشته شد و ماترکش در میان وراثت به یغما رفت صادق چون دید اندوخته پدر یکی از بین رفت و روزگار تنگدستی فرا رسید و در آنصدد که پناه بحمايت بزرگی برد ولی بمقصود خود نرسد؛ چار رنج سفر بر خود هموار کرده ترک مصاحبت یاران و اقارب بگفت با حال پریش روی بمسافرت آورد و دل از مهر مولد خود برکنده مدتی روزگار خود را در غربت گذراند و در عرض این مدت با هر قسم از مردم بنای آمیزش گذاشت، گاهی با خوب - رویان نردم محبت میباخت و زمانی با ژنده پوشان و قلندران میساخت، زهر بوستان کلی و از هر خرمن خوشه میچید تا آنکه (امیرخان مصلوی) که آنوقت حاکم همدان بود از حال وی آگاهی یافته از بزم دردکشان بمحفل خاصانش درآورد، خرقة قلندری از تنش بیرون کرد و تشریف ملازمت بدوشش افکند؛ مدتی در نهایت خوبی زندگانی میکرد و هر روز بعتش افزوده میشد.

صادقی بپاداش عنایات میذوله خان مزبور، قصاید زیادی در مدح وی گفته و مراتب شکرگزاری بجای آورده است.

چندی هم ملازمت اسکندر خان افشار را اختیار نمود و در زمان شاه اسمعیل ثانی در سلک اصحاب کتابخانه دولتی منسلک بود و در زمان شاه عباس کبیر به منصب کتابداری رسیده مورد شفقت و عنایت سلطانی گردید.

از آنجائیکه طبعی داشت لجوج و سرکش، لذا با یاران و دوستان همواره طریق لجاج میپیمود و با خویش و بیگانه بخشونت و تندى رفتار میکرد و این تندى و سرکشی سبب آن شد که از بساط قرب سلطانی دور و از خدمت مرجوعه مهجور گردید و جو

این، تا روز مرگ تغییری در منصب وی روی نداد و مواجب کتابداری را مرتباً از دولت میگرفت.

صادقی بعلاوه مقام شاعری، مزایای دیگر را نیز حاصل بود از قبیل: نقاشی و خطاطی و جنگ آزمائی که تفصیل هریک از آنها اجمالاً در ذیل نگاشته میشود.

نقاشی

شاعر مزبور این فن نفیس را از استاد یگانه (مظفر علی) که یکی از نقاشان چیره دست دوره صفوی بود فرا گرفته است و تفصیل آنرا خودش در آغاز منظومه (قانون الصور) نظماً بیان کرده است.

خطاطی

معلوم نیست که صادق در فن خط شاگرد کدامیک از استادان معروف آن دوره بوده و تتبع کدامین استاد ما هر را میکرده است؛ صاحب آتشکده در ضمن شرح حال وی (که من حیث المجموع یکسطر است) مینگارد:

"نظر بمهارت خطاطی و نقاشی در کتابخانه دیوانی ملازم بود."

اگر صادق در گفته خود صادق باشد باید خط ویرا بر خط میرعلی و سلطانعلی که هر دو استادان مسلم هستند ترجیح دهیم چنانچه گوید:

مرا بقطعه و کاغذ چه احتیاج بود	که قطعه قطعه شعرم بود چو در خوشاب
زمانه سفله نواز است ورنه بایستی	که صد چو میرعلی بوسه دادیم بر کباب
به پیش من خط سلطانعلی و میرعلی	چنان بود که بگل توده نقش پای غراب
چنان بصورت اهل قلم دهم صورت	که خط گرانش بخوانند قبله الکتاب

شجاعت و رزم آزمائی

اسکندر بیک درباره شجاعت وی گوید: "بمقتضای طبع ترکیت و شیوه قتل - باشی دعوی جلالت و شجاعت نموده شجاعت آن زمان را بیا بروت (کذا) در نمیاورد و در زمان نواب اسکندر زمان ملازمت بدرخان و اسکندر خان افشار اختیار نمود و در معرکه ترکمنان جلادتهای بیعقلانه از او بظهور رسید." و خود صادق نیز گاهی بشجاعت و جلالت خود اشاره میکند و در قصیده راثیه که از ممدوح خود گله میکند مزایای خود را بدین نحو می شمارد:

شد چهل سال بلکه افزون تر	که در این عرصه بگیر و ببیار
گاه در رزم کرده ام یاری	گاه در بزم بوده ام غم خوار
گاه از نوک خامه رنگین	گاه از تیغ کلک نکته گذار
قلب خسرو شکسته ام بسخن	دست بهزاد بسته ام در کار

گاه در نقش صوت و قول عمل کرده ام کار حافظ ادرار
با چنین دانش و هنرمندی چون توان زیستن بخواری و خوار
و از ابیات مزبور بر می آید که علاوه بر مزایای مذکوره در فن موسیقی نیز
دستی داشته و در قصیده مردف بار دیف (من) که در جواب خاقانی گفته اشاره به
موسیقی دانی خود کرده است.

نیست کار طبع من سر راست با قول عراق
میکشد سوی بیاتی قول روح افزای من

گر برون تازد بر رسم هر قلی آوای من
شور در ایوان بهرام افکند غوغای من
گر به آئین رهاوی بگذرم سوی عجم
زینت نوروزها گردد دم گویای من

پنبه مه می نهد نا هید در گوش از حسد
هر کجا خیزد نوای نغمه یکتای من

شاعری

قدرت بیان و پایه کلام صادقی بخلاف عقیده خود چندان پرمایه و محکم نبوده
است اگرچه در میان قصاید و غزلیاتش گاهی مضامین لطیف و معانی دقیق دیده
میشود ولی در قبال آن ترکیبات سست و مضامین غیر مطبوع نیز در میان قصایدی که
تتبع کرده بهتر از همه قصیده ایست که در بیست سالگی، در تتبع قصیده معروف
کمال الدین اسماعیل بمطلع "روزی و طای کحلی شب بر سر آورم - بگریزم از
جهان که جهان نیست در خورم" گفته که قریب به هفتاد بیت است.

از آنجائی که دوره زندگانی شاعر هیچوقت یکنواخت نبوده و دائماً در صعود
و نزول می باشد لذا افکار وی نیز هیچگاه در روی اساس معینی گذاشته نمی شود و هر
وقت بمقتضای حال و مقام چیزی میگوید، گاهی دنیا را با خود مساعد یافته و اسباب
عیش و طرب را حاضر می بیند و از جهان و جهانیان خشنود می شود. گاهی دچار فقر و
تنگی میگردد و دنیا و مافیها را بباد لعن و نفرین میگیرد.

بالجمله اشعارش یکدست و هموار نبوده پستی و بلندی های محسوسی در آنها
نمودار است ولی خودش را عقیده بر آنست که در نظم و نثر استادکاملی بوده و کسی
از سخنوران رایارای مقاومت با وی ممکن نبوده است. (۲)

۲- چند بیت از اشعار هنرمند که نام صادقی دارد برای نمونه درج میگردد: ←

صادقی در تاریخ (۱۰۱۰) که عمرش به هفتاد رسیده بود را صفهان تالیفات خود
را جمع آوری و تدوین نموده و مقدمه بدان کلیات نوشته که شامل است به ترجمه
حال مختصر و اساسی تالیفات خود که در این جا قسمت راجع بکتاب وی بدون تحریف
نقل میشود: فی الجمله از مطالعه بمکالمه و از شنیدن بگفتن پرداخته با نددک
فرستی بسیاری از هر قسم سخن گرد آید چون از تعداد این واردات گزیری ندارد
بتفصیل مصدع سامعان میگردد:

اول - قصاید که در حمد و نعت و منقبت و مدح پادشاه اسلام که به زبده الکلام
موسومست.

دوم - مثنوی در بحر شاعره که حساب الامر پادشاه زمان که قبل از این زبان
قلم و قلم زبان بذكر القاب آنحضرت رطب اللسان کشت که (موسوم) بفتحنا مـه
عباس نامدار است.

سیم - مقالات و حکایات بوزن مخزن و بوستان شیخین رحمهما الله که بشرح
حال نامزد است.

چهارم - در بحر خسرو و شیرین که بسعد و سعید مشهور است.

پنجم - دیوان غزل بترتیب حروف که در ایام عاشقی و بی سروپائی حالی و
غیر آن وارد شده بحاصل حیات نشا نمند است.

ششم - (تذکره الشعراء) بنهج مجالس النفائس امیر کبیر علی شیر المتخاص
بنوائی که بمجمع الخواص موسومست (این تذکره بزبان ترکی جغتای نوشته شده
و زیاده بر چهارصد نفر اساسی شعرای زمان خود را در آن نگاشته است)

هفتم - رساله تصویر و نقاشی و اسباب و ادوات آنها که به قانون الصور گفته
شده است.

هشتم - رساله منشئات و مکاتبات ترکی و فارسی که بملمعات روشناست.

نهم - رساله معما که با اسم شعراء متقدمین و متاخرین حتی معاصرین خود گفته

→ باشیخ شهر قسمت یارانه کرده ام میخانه صادقی زمن و خانقاه از او
.....

قور تولمادی و صلیله داخی صادقی غمدن

شیدن بری یوخ چاره سی بو درده دوانک

(قطعه ذیل را در تاریخ ختنه کردن صفی میرزا گفته)

در ختنه شاهزاده قدر بلند شد غنچه بسرخ بند شادی پیوند

هم لاله عمر پیرهن کرد قبا هم غنچه تاریخ کله دورا فکند
(۱۰۰۲)

شده و در بحر رباعی ملنترم است و بتذکره الشعرا نامزد است .
دهم - قرین رساله لذات مولانا معین استرآبادی که بتکلیف خوش طبعان نوشته و بحظیات (بحظیات) مشهور است .

و سایر نظم و نثر که در تهنیت و تعزیت و ثنا و هجا وارد شده، اگر به ترتیب گفته شود ممکن که مستمع را از استماع آنها دلتنگی حاصل آید؟ بدین ترتیب معلوم میگردد این هنرمند ذوقنون در آغا جوانی، رموز تصویر سازی را از استاد مظفر علی تربتی که فرزند حیدر علی و خواهرزاده رستم علی معروف بوده فرا گرفته و در نزاکت قلم شهره خاص و عام گشته است . استاد مظفر علی که خود از هنرمندان بنام کتابخانه شاه اسماعیل دوم و به بهزاد دثانی معروف بوده در تربیت صادق بیک کوششها نموده و در اعتلا و اعتبارش از خود فرد موثری بشمار میرفته است .

در جریان این فعالیت ها، صادق بیک در دربار شاهیه مقام و منزلت والائی یافته و بریاست کتابخانه سلطنتی مفتخر گردیده است .
در این زمانها که صادق کتابدار نیز معروف گشته، بهترین دوره تعالی هنرمند بوده که به آرزوی دیرینه خود دست یافته و در بین اقربان و رقیبان به عالیتترین مقام مورد دلخواهش تکیه کرده است .

اما طرد ناگهانی این هنرمند که یگفته خود بیش از چهل سال در رزم و یزم شرکت کرده و در هنر نگارگری دست بهزاد را بسته و مثنوی فتحنامه شاه عباس را به نظم درآورده و عاقبت با این دانش و هنر، بخواری و نزار در افتاده، علل گوناگونی داشته و چه بسا ممکن است به نوشته اسکندر بیک، علت دوری وی از قرب و منزلت پادشاهی، همانا افراط در درشت خوئی و تند مزاجی باشد که از خدمات مرجوعه مهجور افتاده و یا اینکه با تها مسرقت اشرا از زنده ای باشد که در تزوک جهانگیری به آآن اشاره شده است .

این حکایت غیر منتظره و شاید تهمت دروغ، در صفحه ۲۸۵ تزوک جهانگیری که اصل آنرا در اینجا مشاهده میکنید .

یافته و صادق نام کتابدار ایشال در دیده بدست شخصی فروخته قضا را در مفاصل این مجلس بدست خان عالم می افتد و بشاه نیز خبر میرسد که او چنین تحفه بدست آورده و بهم رسانیده به بهانه تماشا از طلب میفرماید خان عالم هر چند خواست که

در ذیل احوال خلیل میرزا شاهرخی قید شده و ما حاصل آن چنین است که یک مجلس مینا تور فوق العاده عالی که جنگ صاحبقران با نقیمش خان بوده و دو بیست و چهل صورت داشته و مصور نام خود را خلیل میرزا شاهرخی نوشته . این گرامی تحفه از کتابخانه شاه اسماعیل و یا شاه طهماسب که بشاه عباس انتقال یافته و صادق

نام کتابدار در دیده و بدست شخصی فروخته . اتفاقاً "بدست خان عالم سفیر جهانگیر شاه در دربار ایران افتاده و فرد مزبور ما وقع را بعرض شاه رسانده و مطلب بر ملا گشته است . گویا اینکه شاه عباس علناً "نقاش را مورد بازخواست قرار نداده ولی از قرائن معلوم میگردد از این زمانها، مقام و منزلت صادق در کتابخانه پادشاهی متزلزل گشته و منصب کتابداری را از دست داده است .

منجم یزدی جلال الدین محمد در تاریخ عباسی، از پیشرفت علیرضا عباسی خطاط توصیف کرده و نوشته است که منصب کتابداری را جبراً "وقهرا" از صادق بیک افشا رتبری زی شاه عرو نقاش که از زمان شاه اسماعیل دوم مدیر کتابخانه سلطنتی بود گرفت و از این زمانها میان علیرضا عباسی و صادق بیک خصومتی پیدا شد .

بروایت غیر مستند رضا عباسی و آقا عنایت وسید محمود از شاگردان معروف این هنرمند میباشند . صادق بیک در آخر عمر دل از هنر و فضل خود کشیده و بنوشته خود در مورد وعظ بیک از منافقان، چنین آورده است :

"ای صادق از قیمت فضل و هنر این است

در دهر بخواری ابدال دهر بمانی

بشکن قلم بخردی وصفه بسوزان

بشنو که چه خوش گفت سخن را ن معانی

رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز

تاداد خود از که تر و مهتر بستانی

مرگ صادق بنوشته معین مصور که در موزه لنین گرا در قرار دارد از بعد از سالهای ۱۰۰۲ ه.ق. انجام یافته و آن اثر چنین رقم دارد .

(شبه مرحوم مغفور تیمور خان ترکمان در سنه ۱۰۰۲

مرحوم صادق بیک افشا را خسته بود بنده کمینه معین

مصور در سنه ۱۰۵۹ با تمام رسانید)

که مرحوم تربیت این سنوات را به اشتباه سال ۱۰۰۲ و ۱۰۹۵ کرده است .

میرالهی همدانی فوت صادق را بسال ۱۰۱۲ دانسته و با سجع

(دگر عجب که دم صبح صادق از شب ما) تعیین نموده است .

از جمع آثار تصویر سازی وی که بجا مانده این هنرمند در چهره پردازی و شبیه سازی و تصاویر پرندگان و جانوران استادنازک قلم بوده و در ارائه مناظر کوه و دشت و دمن هنرمندی پرابتکار بوده است .

بنوشته مرحوم فکری سلجوقی، صادق بیک در خط نستعلیق از شاگردان میرعلی هروی بوده و حتی تا بلوئی نیز از صورت استاد و امامقامش میرعلی کشیده که بسیار

پسندیده بوده است. بطوریکه در صفحات گذشته بیان گردید که ادقی در نظم و نشر فارسی و ترکی شاعری و منشی بوده و هر دو زبان را سلیس و روان می‌نوشته است. از جمع آثار گوناگون صادق بیک که به ده شماره مختلف در این کتاب معرفی گشته، رساله قانون الصور منظوم، یکی از نسخه‌های ارزنده قدیمی است که در صنعت تصویر سازی بنظم درآمده است.

مطالب منظوم این رساله بگونه‌های مختلفی چاپ شده و در دسترس علاقمندان قرار گرفته است. (۳)

از چاپ‌های اخیر کتاب قانون الصور، نسخه ایست که به سال ۱۹۶۳ در باکو بوسیله عادل قاضی اوف و تصحیح عبدالکریم علی زاده طبع و نشر شده است. نسخه اصلی این کتاب که از کتابخانه شخصی اژدر علی اصغر زاده بهر شعبه متن شناسی انستیتوی خاورشناسی باکو می‌باشد، در اختیار انستیتوی معماری و هنرهای زیبای فرهنگستان علوم جمهوری شوروی آذربایجان قرار گرفته و به طبع رسیده است.

در مقدمه کتاب از مرحوم محمد علی تربیت که اولین مرتبه در باره رساله مزبور معلوماتی در اختیار همگان قرار داده نام برده و سپس از مرحوم اسماعیل امیرخیزی تبریزی که در شماره سوم مجله ارمغان سال دوازدهم مقاله‌ای با عنوان نوشته یا دکرده و سپس بدرج اطلاعات گوناگون دیگر پرداخته است.

در این نوشته عمر صادق بیک را هشتاد سال تخمین زده و با دلایل غیر مستقیم مرگ وی را سالیان ۱۶۱۶ - ۱۶۱۲ م. دانسته و سپس بشیوه هنری او پرداخته و چنین نوشته است:

"در آثار صوری وی خصوصیات و اسلوب مینیاتور سازی مکتب تبریزی ۷۱ x و میل را آلیستی و تحقق مشاهده می‌گردد. بهمین مناسبت رساله قانون الصور که اثر نظری صادق بیک می‌باشد قابل دقت و شایان توجه و تقدیر است."

ما نیز بعلت اهمیت خاص این رساله که در رشته هنر تصویر سازی، یکی از منابع

۳-

- ۱- گلستان هنر با هتمام و تصحیح آقای احمد سهیلی خوانساری.
- ۲- فهرست آثار و رساله منظوم قانون الصور، هنر و مردم شماره ۹۰ بقلم استاد محمد تقی دانش پژوه.
- ۳- قانون الصور چاپ باکو سال ۱۹۶۳ م، عادل قاضی اوف.
- ۴- اطلاعات اولیه در مورد این رساله. بوسیله مرحوم محمد علی تربیت در مجله ارمغان شماره ۱.
- ۵- شرح مفصل بوسیله مرحوم اسماعیل امیرخیزی، شماره سوم مجله ارمغان.

مهمه قدیمی بشما می‌رود و شما هم رساله منظوم قانون الصور را بعینه در اینجا می‌آوریم که مورد استفاذه علاقمندان قرار گیرد.

قانون الصور

سلاطین را در آغاز جوانی	بخدمت صرف کردم زندگانی
شمر دم عمار آئین دگر را	فرو نگذاشتم رسم پدر را
ولی گاهی ز طبع نکته زایم	بگوش دل رسیدی این ندایم
که از قرب سلاطین دوری اولی	ازین بزم هوس مهجوری اولی
مکن این نکته را از من فراموش	که تا باشی پی کسب هنر کوش
بدست آور هنر تا می‌توانی	که باشد بی‌هنر کم زندگانی
چو شد ذوق طلب بادل هم آغوش	بکلتی کردم از خدمت فراموش
دلم را بخت و دولت رهنمون شد	پی کسب هنر رغبت فزون شد
ولی شهباز طبع چرخ پرواز	بهر صیدی نمیشد چنگل انداز
بهرکاری که رغبت می‌فرمودش	به پیش دیده آسان مینمودش
تمتای دلم این بود پیوست	که گیرد همت بهزادیم دست
کشم رخت هوس در کوی صورت	شوم معنی طلب از روی صورت
دلم را کز فن صورت خبر بود	بخود در راه معنی پی سپر بود
بود ظاهر به پیش مرد هشیار	که بی‌استاد گردد کار دشوار
بدینسان کرد پیر عظم ارشاد	که باید برد او دل ره با استاد
بآیین هوس میشد ز هر سو	دلم استاد بهزادی نسب جو
برغبت هر کرا جویندگی هست	دهد جوینده را یابندگی دست
شد آخر هادیم روشن ضمیری	چراغ افروز رایم دستگیری
مروت پیشه‌ی نیکو نهادی	فرید عصر نادر اوستادی
یکی از وارثان کلک بهزاد	ز شاگردی او بهزاد دلشاد
در ایوان قلم بالا نشینی	بآیین بصارت دورینی
بچشمی گرمه و خورشید دیدی	بمویی هر دو عالم را کشیدی
خرمندی که چون گشتی قلمزن	عطارد را زبان گشتی باحسن
شدی گر صورتی را چهره پرداز	توانستی شمردی سحر و اعجاز
بتمثال کسی کردی چو رغبت	چنانش ساختی کز اصل صورت
نیارستی کسی فرقی نهادن	مگر از جنبش و از ایستادن
ز رعنایی چو گشتی صورت آرای	هوس را پای لغزیدی بصد جای
بنقاشی چو سردادی قلم را	نمودی نوبت دیگر ارم را
دلبری را چو دادی صورت از نقل	تهو*ر مومیایی جسته از عقل

برنگ و روغنش هر گه نظر بود
بآیین غلامی مدتی چند
ره صورتگری چندان سپردم
چو نام نامی آن پیر سرور
ز لطف حق چو گردد شاد روحش
ز تقصیرات دنیایی جدا باد

سبب نظم این رساله

یکی از دوستان آدمی خوی
دلش را ذوق نقاشی زره پرد
شب و روز از خیال نقش و صورت
نه شب آرام و نه روزش قراری
شی نیکوتر از روز جوانی
دلش را مرهم داغ نهان شد
که ای مشهور علم ذوفنونی
مرا شمع طلب شد رغبت افروز
مرا زینگونه باشد کار دشوار
پی پاداش منت داری من
اگر این کار بی قانون نباشد
کسی احوال فردا را نداند
چو بر ترتیب کارم ساخت مأمور
بدین قانون نوشتم صفحه‌یی چند
الهی این عروس حجله ناز
دهی قرب قبول خاص و عامش

نصیحت فرزند

مجو تعلیم ز استادان تصویر
اگر فهمت کند سستی درین فن
وگر کردی بآسانیش تفهیم
بود مردی نه مرد ریش و دستار
نمیگویم که خود سر رهبر باش
اگر زان گونه استادی نیابی
که آوردم بهر آیین و دادی
نباشد صادقی را غیر ازین کام
همین دارم ز تو چشم دعایی

که از فرزند خود دارند تقصیر
بشاگردی گرایی تا بمردن
حسد گردد حجاب راه تعلیم
که در قید حسد باشد گرفتار
ولی جویای مرد راهبر باش
ز قانون الصور رو برنتایی
ترا بی‌مزد و منت اوستادی
که گه گاهش به نیکویی بری نام
که هستی را نمی‌بینم بقایبی

در صفت نقاشی و بستن قلم موی

شود چون شوق نقاشیت غالب
مخوان حرف هوس از نامه کس
ز کاتب این صفت نیکو نباشد
قلم را مودم سنجاب باید
بمقدار قلم از وی جدا کن
بچین پهلوی هم زانگونه نیکو
درست آندم شود آن خامه بسته
چو دادی از شکست مو امانش
مشو در عقد اول سخت تدبیر
مکن در عقد سیم سست کاری
چو بر کف خامه آید غنچه وارت

در گرفتن قلم

قلم گاه گره گیری مکن مشت
سه دیگر ستون آن دو باید
بگاه کار میباید دلیری
ز نقاشی چو خواهی کام یابی
اگر امداد طبع کار سازست
ولی جز مفت نبود اصل این کار
چنین کرد اوستادم رهنمائی
ز ابر و واق اگر آگاه باشی
مکن از بند رومی هم فراموش
چو اصل کار دانستی درین کار
رقم سازی چو از هر اصل معلوم
بگلهای مدور باش سر راست
بود با ازک بیجان بسته آنها
بطرح کار مستعجل نباشی

در رنگ آمیزی

برنگ آمیز چون گردی هوسناک
باید رنگهای شسته پاک
بنه گر بیش خواهی ساخت ور کم
دو رنگ عاشق و معشوق با هم

کنون بویسم طریق شستمان را
دو طور شستمان نغزست و نیکو
کنی گر نقش پش رنگ شکفته
بود برعکس آن گر بوم کارت
از آن پس قید روغن کن باحسن
بگیر از خشت بغدادی جلایش
بحل کاری بود زان بس مدارت
زحل کاری چو فارغبال گردی

نمایم بر تو این راز نهان را
یکی دم شوی دان دیگر میان شو
مدار آئین دم شورا نهفته
بیاید از میان شو دستبارت
چو آوردی برون از قید روغن
بده از شست و شو آنکه صفایش
که حل کاریست اصل کاروبارت
بیاید کز جلا خوشحال گردی

در حل طلا و نقره

اگر از سیم و زر خواهد دلت حل
که بستان از سریشم پاك و بیفش
بصحنی کرده از چربی تمیزش
ولی از بیش و کم بودن بیندیش
ز ملح نیم سوده دانه‌یی چند
بخشکی دست مالیدن نشاید
سر انگشتان بآب گرم تر کن
زمان مالش او ساعتی بیش
ز صحنش چون بشتن شد حواله
گرفتی چون سرآب ای مردآگه
بیاید داشت تا برته نشیند
بکلی چون نشیند سیم بازر
بریز آبش اگر بسیار باشد
زیکو اندك اندك کارگر شو

بدینموال کردم مشکل حل
بخیشان و پس آنکه نه بر آتش
چو بگدازد بدان گرمی بریزش
مکن هر قطره‌یی را يك ورق بیش
درو انداز و بمال ای خردمند
چو از تری سوی خشکی گر آید
برو افشان و از سردی حذر کن
نباید بود ای مرد هنرکش
سرآبش را بگیراندر پیاله
ازو تا نیم ساعت دست کوته
کزو مرد هنرور کام بیند
نماند غیر آب صاف بر سر
وگر نه آب هم درکار باشد
بملك کامیابی راهبر شو

تعریف صورتگری

اگر صورتگری باشد مرادت
دربین وادی تتبع سست رایشست
کسی از قید غلط آزاد باشد
بود پس آفرینش اوستادت
در زحمت بروی خود گشائست
اگر مانی وگر بهزاد باشد

در صفت جانور سازی

کنی گر جانور سازی اراده
ز گلگون تصرف شو پیاده

یکسو از طریق بیش و کم باش
ز راه و رسم استادان مکش پای
ان صاحب روش از صد یکی را
مبادا ای ددر دریای حیرت
بگویم جانور سازی کدامست
یکی سیمرخ دیگر هست از در
ولی معلوم این فن برسه قسمت
شوی چون برگرفت و گیر راغب
ز سستی جانورها دور باید
شوی گر از دو جنگی نقش پرداز
مبادا پنجه‌یی بیکار باشد
مکرر ساختن هم نیست مرغوب
مکرر گرچه سحر آمیز باشد

براه پیروی ثابت قدم باش
بآئین تتبع راه پیمای
بجو آئین آقا میرکی را
ندانی جانور سازی ز صورت
چه سان و چند وهریک را چه نامست
هژبر و گاو و گنج است ای برادر
گرفت و گیر حملش نام واسمست
درین وادی سه چیزت هست واجب
ستون دست و پا پر زور باید
نباید برتن هم پنجه انداز
در آن صورت مگر ناچار باشد
ولی غیر مکرر هست مطلوب
طبیعت را ملال انگیز باشد

در بیان رنگ و روغن

شوی گر رنگ و روغن را طلبگار
بود این هم دو اصل ای یار جانی
یکی جسمی و دیگر نقره پوشست
ازینها خواهی ارکامت برآید
بیاید بوم کارت را رسانی
بطانه آستر کاریست دریاب
ز بعد آسترکاری درین فن
مکرر بایدت کردن سفیداب
برو اکنون بهر راهی که خواهی

ترا پاکیزگی باید بناچار
بگویم تا بفکرت در نمایی
ولی این کار نیش پر ز نوشت
یکایک با تو گویم آنچه باید
بآئین بطانه تا بدانی
سریشست و سریشم گچ بدوساب
علاجت از سفیدابست و روغن
که تا گردد زمین کار نایاب
بکن هر رنگ دلخواهی که خواهی

طریق رنگ جسمی

مرادت گر بود جسمی درین کار
بغیر از لاجوردی رنگها را
برای لاجوردی بر رخ کار
ذنی کف تا شود هموار و یکدست
برنگ آستر روغن هم آغوش
میان باب دگر روز دگر کن
بروز سیم از روکش صفا ده
ز کاغذ لق مشو غافل که یاریست

بدل از نقره کاری یاد مگذار
بروغن گیر و رونق ده صفا را
کشی روغن ولی نه کم نه بسیار
گذاری تا بلند او شود پست
شود چون ریزش با پای خرگوش
ولی از گرد و از باران حذر کن
بچارم روز از روغن جلا ده
پی رفع کدورت سازگار پست

و گر روز تویی گرد و غبارست
ترا با قید کاغذ لقی چه کاریست

در آداب نقره پوش

و گر از نقره پوشت کام جوییست
بکش روغن بنه بر آفتابش
چو گردد نیم خشک آور بهنجار
چو چسباندی و کردی خشک نیکو
کنون از رنگهای پاک بسی عیب
کشم بر صفحه تقریر لاریب

در قاعده رنگ زنگار

بود چون لاجوردی رنگ زنگار
مکن زنگار ریزی بی تأمل
بریز آنکه بروی کار یکدست
چو گردد خشک از روغن جلاکن
ولی او را بیاید ریخت یکبار
بکن از صبح تا پیشین تحمل
بمالش پاچه خرگوش پیوست
صفای کار خود را بر ملاکن

روش رنگهای سریشمی

ز گلهایی که آید رنگ بیرون
بگیر آتش بهر طوری که دانی
کنی گر بستان ز اندازه بیرون
چو در رنگ تو باشد چاشنی کم
و گر بسیار شد جوشش نماید
رسد گردست چربی بر رخ کار
بکش بر روی هم آن رنگ پیوست
منه زافزونی و قلت بدل بار
چو گردد خشک روغن کاریش کن
درین وادی که نبود از خطر پاک
بنفش و ارغوانی زرد و گلگون
شود ظاهر ترا راز نهانی
ولی شربینش باید بقانون
جدا گردد بگاه خشکی از هم
برین تقدیر با اندازه باید
بشو با اندروت آتش بهنجار
که گردد رنگ تو هموار و یکدست
که گردد آخر کار تو هموار
ز کاغذ لقی ولی غمخواریش کن
ترا با یاری طبع هوسناک

در ساختن سفیداب و سرنج

بود مشکل بمنزل راه بردن
کنم چون با تو دارم حق یاری
بگیر از سرب هر چندان که باید
بنه بر دیگدان دیگ مقرر
با آهن کفچهاش یکسان بیا شور
بسان سرمه گردد تیره خاکی
بخود سر راه هر منزل سپردن
ز تعلیم رفیقی سازگاری
بدیگی از سفالین کن که شاید
بکن آتش که گردد آب یکسر
چو خاکستر از سیالی شود دور
فند آتش درو از تابناکی

بنه سرپوش و محکم دار پیوند
چو گردد سرمه باید پختن خوب
سه بارش چون بشتی ای نکورای
بعد از وی نشاد پاک بستان
چو کردی شستن و سحش مکرر
ز بعد آن خلاص او را بشو پاک
بری گر بار دیگر در خلاصش
چو فارغبال گردی از دواتش
گشوده راه آتشگاه میسند
بآب ملح شستن پاک و مرغوب
بنه نوشادر و با سرکه میسای
بکن خشک و دگر میسای با آب
پیردا از خلاصش بار دیگر
که گردی از صفای او فرحناک
بیفزایی خلاصی در خلاصش
برون آید سرنج پاک بیفش

در زنگار ساختن

بکن چاهی دوگز در جای نمناک
بریز از سرکه نا صاف چندان
در آن چاهش بنه یکمه کم و بیش
پس از یکماه بنگر کان تمامی
صفایح کن تنک لیک از مس پاک
که گردد صفحهها در سرکه پنهان
پوشان از کم و بیش میندیش
شود زنگار خاطر خواه نامی

در شنجرف پختن

بلمست آور گریزنده سه و چار
بسای اندر صلایه ساعتی بیش
بنه در شیشه مطمئن دلکش
چو گردد سرد بیرون آرد بنگر
سه مثقال دگر کبریت کن یار
شود خاکستر تیره میندیش
یافروز از پسین تا شام آتش
که شنگرفی شود نیکو و احمر

در ساختن لعلی

ز رنگ لاک بستان نغز و خوبش
بگیر از آب اشنان پاک و بیفش
درو میریز رنگ لاک کم کم
چو خالی گشت لاک از رنگ بیشک
پس از ده جوش دیگر صاف کن پاک
ز صاف او شود لعلی پدیدار
بنیکویی جدا گردان ز چوبش
بکن در دیگ و آنکه نه بر آتش
بزن با چوبکی هر لحظه برهم
ز لتر سوده در وی ریزانند
که دل از دیدنش گردد فرحناک
زمر باشد ز درد او نگهدار

در پختن روشن گمان

بگیر از سند روس پاک یکمن
بدیگی نو که دروی گنجد آن بار
بگیر از چار جانب در گل آن دیگ
کنار دیگ را از خشت و از سنگ
ز بعد آن یافروز آتش تیز
بضرب تیشه فندق وار بشکن
بکن بر دیگدان آن دیگ را بار
که تا گردن بگل گردد نماند
بر آور کز همه جانب شود تنگ
ز تند و تیزی آتش مهریز

بشنان دیگ را زانسان که حداد
 درون دیگ گردد پر شراره
 دگر با کفچه آهن یاشور
 چو گردد سندرست آب یکر
 دو وزن سندرست اما بهنجار
 وگر طغیان کند روغن ز آتش
 چو جوش چند دادی قطره‌ی زان
 بود پخته و گرنه همچنانش
 ولی این کار در منزل نشاید

درون کوره آهن را و فولاد
 یفکن سندرست و کن کناره
 مرو نزدیک و خود را دار ازان دور
 بریز از روغن بزر ای برادر
 که در روغن فتد آتش بیکبار
 دمی از دیگدان آتش برون کش
 چکان در آب اگر شد منعقد آن
 بجوشان تا شود ظاهر نشانش
 مقامی دورتر از شهر باید

آثار رقم دار صادق بیک عبارت است از:

- ۱- اثر زیبائی از این هنرمند در موزه هنرهای تزئینی دیدم که در نوع خود ستودنی بود و رقم (رقم صادقی افشار) داشت. این نقاشی تصویر مردی بود که در شیوه اصفهان ترسیم شده و پشت سرش درخت پرحالتی جلب نظر میکرد و دو مرغ پرحالت و خوش منظر، روی درخت دیده میشدند.
- ۲- دیگر اثر رقم دار وی، تصویر زن زیبائی در شیوه فرنگی بود که دستاری بسان شال گردن، از گردنش آویزان بود و رقم داشت (راقمه صادقی کتابدار ۱۰۱۵)
- ۳- اثر برآزنده دیگر نقاشی که در حواج ساتبی سال ۱۹۷۷ در لندن بفروش رسید، تصویر مرغی بود که روی سنگی نشسته بود. منظره کوه و درختان کهن سال خشکیده جلوه خاصی داشت و رقم نقاش چنین بود. (عمل غلامی میرزا صادقی کتابدار)
- ۴- دیگر اثر رقم دار این هنرمند که در مجموعه کتابخانه لنین گراد قرار گرفته، تصویر نیمه کاره تیمورخان ترکمان است که شروع آن بوسیله صادقی انجام یافته و سالیانی بعد معین مصور آنرا با تمام رسانده و چنین رقم زده است. (شبه مرحوم مغفور تیمورخان ترکمان درسنه ۱۰۰۲ مرحوم صادقی بیک افشار ساخته بود بنده کمینه معین مصور درسنه ۱۰۵۹ با تمام رسانید)

چند اثر رقم دار این هنرمند که صادق امضاء کرده و در کتاب LE PENTURE تالیف IVAN STCHOVKINE چاپ شده بدین قرار است.

الف- تصویر دختری در شیوه زنان چینی است که لباس مخصوص بتن کرده و دور گردنش از پوست خزیا سمور پیر شده و شاخه گلی بدست چپش گرفته است. حواشی اثر با خطوط نستعلیق آرایش شده و رقم دارد (صادق)

ب- تصویر جوان رعنائی است که دوزان نوشته و ببوئیدن گلی مشغول میباشد.

کلاه عما مه ای پردا ر بسر گذاشته و لباس دکمه دار بلند سبک صفوی بتن کرده و شال و کمرونیزه کوچک بمیان بسته ورقم دارد. (صادق)

پ- تصویر جوان دیگری است که با لباس و کلاه شیوه صفوی، دوزان نوشته و صراحی و پیاله شراب بدست گرفته و در گوشه پائینی رقم زده. (صادق)

و در مقابل این صفحه، تصویر دیگری چاپ شده که آن نیز تصویر دیگری بسان همین جوان است که کلاه و لباس سبک صفوی بتن کرده و قیافه اش شیوه هراتی است و در گوشه چپ و پائین رقم دارد. (صادق)

ت- اثر رقم دار دیگر نقاشی که در این کتاب چاپ شده، تصویر پیرمردی در شیوه اصفهان است که آستین های لباس روی دستها آمده و آویزان گشته است.

۹- اثر دیگر هنرمند که در کتاب اصفهان تالیف آنتونی ولج چاپ شده، تصویر دختری با لباس بلند چین دار است که روی زمین نشسته و بنوشیدن شراب اشتغال دارد.

کلاه پارچه ای منقش بسر گذاشته و قیافه وی در شیوه هراتی میباشد. در بالای اثر، خط نستعلیق میرحسین سهوی تبریزی جلوه گر بوده و رقم دارد. (عمل صادقی)

۱۰- اثر دیگری که در صفحه ۲۴ همین کتاب چاپ شده و رقم صادقی را دارد، تصویر پیرمردی با کلاه عما مه ای و ریش بزی و لباس بلند است که روی زمین نشسته و مشغول بستن دکمه های لباس خود میباشد.

۱۱- اثر بی نظیر و درخور تحسین صادقی بیک که در کتاب پرسیان اند مغول آرت گالری کل نا قی لندن، بچاپ رنگی چاپ شده، تصویر رستم پهلوان قدیمی ایرانی است که کلاه پردا رسفید بسر گذاشته و دیوتیره رنگ سهمناکی را بقتل میرساند. در این اثر پر مهارت، رخسار نیز یکمک ارباب خود شتافته و پشت اژدها را زخمی کرده است. منظره کوه و درختان و تما ویرترسیمی در کمال چابک دستی بوده و در بیرون جدول رقم دارد. (صادقی)

۱۲- دیگر اثر هنرمند که در کتابخانه گلستان ایران قرار گرفته، تصویر درختی با شکوفه های سفید است که حاشیه آنرا مرغان الوانی جلوه گر نموده و در پهنه زمین و اطراف درخت، گل های زیبای وحشی دیده میشود و رقم دارد. (مشقه صادقی)

۵۰۶- صادق شیرازی

آقا صادق اهل شیراز بود و در هنرهای روغنی دست داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند یک جفت چوب ننوی زیبای پرکاری دیدم که در داخل ترنجی های مذهب آن، تما ویر زنان دلربا و گل و بلبل شیوا نقش بسته و در کناره آنها اشعاری بمناسبت درج گشته بود. زمینه اشعار رنگ سبز داشت و خطوط آن بر رنگ

سفیدابی بود. این اثر پرزیب و زینت که بهترین تلفیق خط و تصویر بود رقم داشت. (رقم آقا صادق شیرازی ۱۲۷۱)

۵۰۷- صالح مذهب

مذهب و نقاش او اواخر قرن ۱۱ ه.ق. است که در تذهیب و تشعیر و حل کاری و تصویر قوی دست و نازک قلم بوده است.

۵۰۸- صباحی

طراح و نقاش نازک قلم فلزات سخت بود و در ترسیم نقوش مختلفه اسلیمی، دست پر قدرت داشت. از آثار رقم دار پر مهارت هنر اسلیمی وی تزیین پر مهارت و استادانه جام مسی بزرگی بود که بنقوش موزون و دقیق پر مایه انجام یافته و در لبه جام رقم داشت. (صاحبه محمد، عمل صباحی ۹۸۲)

حواشی و کناره بالائی جام، اشعاری بخت زیبای نستعلیق داشت که چنین بود:

این طاس که خنده میزند بر مه و مهر شرمنده دور او بود طاس سپهر
تا طاس سپهر باشد و دور فلک نوشند از او نوش لبان گل چهر
ای صاحب طاس غم فرا موشت باد پیوسته مراد دل در آغوش باد
تا طاس سپهر باشد و مهره مهر هر چیز کزین طاس خوری نوشت باد

۵۰۹- صبوری. محمد حسین

بنوشته مرحوم تربیت:

((اصل وی از دارالسلطنه تبریز است و در شیوه نقاشی، از هنرمندان این ایالت است. گویند اسم اصلی وی محمد حسین بوده و بحسن اشعار و مکارم اخلاق سرآمد شعرای آنجا است.)) (خلاصه الاشعار)

در هفت اقلیم هنرمند را چنین توصیف مینماید:

((صبوری ولد قرا بیک زرگراست که خانه اش از در و جواهرمانند دریای عمان و کوه بدخشان بوده و صبوری در ثروت سخن از نظم و نثر خواه تا ش زمان خود بوده است)) از آثار نقاشی وی ندیده‌ام.

۵۱۰- صحیفه بانو

بانوی با کمال و پر استعداد او اواسط قرن ۱۰ ه.ق. هند بود و جزو سه بانوی شناخته شده نقاش مغولی آن دیار بشمار میرفت. بروایتی این زن هنرمند از ساگردان استاد کمال الدین بهزاد سلطانی بوده و چندی بهره‌یاب محفل هنری وی

بوده است.

صحیفه بانو در ارائه حالات گوناگون اشخاص، قوی دست و در منظره پردازی و چهره سازی چابک قلم و شیرین نگار بود. از آثار رقم دار این هنرمند که در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان بیادگار مانده، تصویر ساختمان نیمه کاره‌ای است که کارگران بروی چوب بست قرا رگرفته و مشغول کار میباشند. صاحب خانه که گویا از گرفتاری امر خانه سازی خسته گشته، دوزانو در گوشه‌ای نشسته و آنها را نظاره میکند. رقم دارد. (عمل صحیفه بانو)

۲- دومین اثر منسوب باین هنرمند که در حراج گالری کل ناکی لندن بسال ۱۹۷۶ بفروش رفت، منظره قبرستان عمومی بود که مقبره‌های را جهت دفن شخص محترمی آماده میساختند. بناها و کارگران در گوشه‌ای کار میکردند و تابوت مرده‌ای که به روی دوش افراد حمل میشد، از در ورودی قبرستان داخل میگردد. در کناره‌های این جماعت عده‌ای گریه میکردند و یکی از آنها علم بزرگی بدست داشت که روی آن نوشته شده بود. (حسینا الله نعم الوکیل ونعم المولی)

در انتهای تصویر چند درخت خشکیده تنومند و منظره یک مقبره دیده میشد. تصویر در کمال مهارت بود و یکی از بهترین آثار نقاش بشمار می‌آمد.

۳- سومین اثر برارنده این هنرمند را که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم، تصویر شاه طهما سب اول (۹۸۴ - ۹۳۰) بود که کلاه مخصوص قزلباشی بسر گذاشته و دستها را روی زانوان نهاده و روی قالیچه‌ای نشسته بود. شاه طهما سب که ریش داشت با صلابت پادشاهی جلوس کرده و حالات قیافه و تزیین لباسش استادانه بود. زمینه اثر، درختان نازک و پربزرگی داشت و منظره جوی آب روان و سنگهای کناره‌های آن جلوه‌پر مهرتی داشت. در حواشی اثر، اشعاری به خط نستعلیق دیده میشد که بیت اول آن چنین بود.

(ز ملامت سوخت شاهی کس ستمگردوستان - هر کرا زخمی رسد داغیش بر بالانهند)
زیر خطوط اطراف نوشته شده بود. (شبیه شاه طهما سب رقم صحیفه بانو)

صحاف باشی درویش در زیر نویس آمده. (۱)

۱- نامش درویش و از صحافان و مجلدان او اواخر قاجاری بود و لقب صحاف باشی داشت بعد از فوت صحافه عیالش یتیم خانه‌ای بنام وی ترتیب داد و نامش را: (ضیفه عیال درویش صحاف باشی) گذاشت و با سرمایه اندک خود بتعلیم و تربیت و تغذیه آنها می پرداخت.

۵۱۱- صحیفی شیرازی- مذهب

بنقل از کتاب هفت اقلیم. صحیفی در تذهیب و خط و مصافی و وصالی سر رشته داشته و اهل شیراز میباشند. ۱. و منسوب به صوفی ذوالقدر بوده و در اشعار فارسی و ترکی صاحب ذوق بود. تا سال ۹۹۶ ه. ق. در قید حیات بوده و مرگ او معلوم نمیباشد.

۵۱۲- صمد (فولاد ساز)

۵۱۲- فولاد کار و شمشیر ساز پیرمایه دوره محمد شاه قاجار بود و در تزیین و آرایش طلائی و نقره ای فلزات سخت استاد صاحب کمال بشمار میرفت. ۱. از آثار استادانه و رقم دار این هنرمند شمشیر فولادی زیبائی در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که رقم (عبده صمد) را داشت و در نوع خود بسیار ارزنده بود. در روی قبضه عاجی این شمشیر، تمثال منوچهر شاه دیده میشد که ملبس به لباس و کلاه و آرایش زمان خود بود و در قسمت بالای قبضه، نام صاحب شمشیر با سم: (تمثال منوچهر شاه) جلب نظر میکرد که این بیت شعر در کنار آن دیده میشد: (خدایو پلنگ افکن شیرگیر)

۵۱۳- مصمما خان- مصور الممالک

مصمما خان ذوالفقاری ملقب به مصور الممالک بود و در رشته های رنگ و روغنی و سیاه قلم و آبرنگ دست پر حلاوت داشت. مرحوم معیر الممالک در مورد این نقاش چنین مینویسد: ((مصمما خان مصور الممالک - مردی است خلیق و خوش صحبت و دوستی است بپریا و با محبت. چنان با شور و حرارت از نقاشی و دقائق آن سخن میگوید که هر غیر نقاش را بر ذوق میآورد و چون از پرده ی نقاشی صحبت میدارد چنان با حرکات دست و سرنقش آنرا مجسم میسازد که گوئی در برابر چشم است. با مداد کنته و سیاه قلم و همچنین با رنگ روغن شبیه های متعدد و بسیار عالی از حاج علیقلی خان بختیاری سردار اسعد ساخته است در کمال شباهت و لطافت که اکنون در آرامگاه آن مرحوم در تخت فولاد اصفهان میباشد. مصور الممالک سالها در مدارس درجه ی اول سمت استادی نقاشی را داشته و اغلب رجال و بزرگان امروز شاگردان او هستند.

صفر علی مذهب افشار: از مذهبیان شیرین قلم قرن ۱۳ ه. ق. ۱. ایل افشار بود و در تذهیب استعداد وافر داشت. از این هنرمند جلد قرآن مذهبی دیدم که در کمال شیوائی تذهیب شده و بخط شکسته طلائی رقم داشت: (حسب الخواش عالیجاه میرزا احمد مستوفی اتمام پذیرفت. راقمه العبد المذنب صفر علی مذهب افشار ۱۲۴۲)

از صورتگران و نقش پردازانی که در این مختصراً دشته تنها دوست دیرین آقای صمصا در قید حیات است و امید آنکه عمرش دراز باد. ((از بهترین آثار رنگ و روغنی این هنرمند، تصویر دلربا و فتان ونوس در کنار چشمه بود که با ستادی و حالت تمام نقاشی شده و رقم داشت: (مصور الممالک صمصا م ذوالفقاری ۱۳۱۵ شمسی) مجموعه شماره (۲)

۵۱۴- صنعی - میر صنعی نیشابوری

هنرمند ذوفنون اهل نیشابور بود و در هنرهای تزیینی دست داشت. ما دقتی بیک افشار، در مجمع الخواص از او یاد کرده و چنین نوشته است: ((اهل نیشابور است و در فن علاقه بندی چنان مهارت داشت که مصراعی را با کاشتن گل دورنگ نوشته بود. بطوریکه از اسلوب و صافی خارج نشده بود. مصرع این است. (بنگر صنع خدا را بنگر) از رنگ و افشان کاغذ و همچنین از سرنج و سفیداب و لاجورد شوی نیز اطلاع داشت. ((

صنعی الملک در ابوالحسن غفاری آمده.

۵۱۵- صنعی الممالک زرگر باشی

متأسفانه نام اصلی این هنرمند جواهرات ایران مضبوط میباشد، قداره ای با غلاف زرین و مرصع استادانه است که بسال ۱۳۱۵ ه. ق. توسط صنعی الممالک مکلل به زمره گذشته و روی قمه چنین درج شده است. (قمه این قداره را در سال ۱۲۹۱ در سفر مغان حاجی رضاقلی پیشخدمت پیشکش نموده است و دو سال بعد از جلوس مظفرالدین شاه مرصع شده است.) از طرفی تزیین و جواهر دوزی لباس مخصوص پینجا همین سال سلطنت ناصرالدین شاه بعهد این زرگر باشی بوده که در کمال ابتکار آرایش کرده و مورد پسند شاه واقع شده است.

۵۱۶- صنعی

نقاش گمنام دوره ناصری بود و در قلمدان سازی و کارهای روغنی دست داشت. قلمدان زیبائی از این هنرمند دیدم که در رویه آن تما ویرد ختران جلب نظر مینمود که یک فرشته دلربا با پرهای طلائی خود در مقابل آنها نشسته بود و با آنها صحبت میکرد. در کنار این جمع، تصویر زن پر حالتی که زلفان بلندی داشت، نقش گشته بود که بچه لخت خود را ببغل داشت. در طرفین صحنه وسط، دو درخت موزون که یکی برگهای سبز و دیگری زرد پائیزی داشت دیده میشد و در جنب آنها مجلس پر حالت شیخ صنعان و دختر ترسا در نازک قلمی

استادانه تصویرگشته بود که ستودن داشت. در حواشی قلمدان منظره عمارت و حیوانات گوناگون از قبیل گاو و گوسفند دیده میشود و رقم داشت.

(رقم صنعی ۱۲۷۰)

ط

۵۱۷- طالب

نقاش دوره صفویه بود و در مکتب اصفهان و شیوه رضا عباسی تصویرسازی مینمود. از شرح حال و وضع زندگی او در هیچ یک از منابع تاریخی ذکری بمیان نیامده و در تنها اثری که در کتاب (لوپنتور) ارائه شده رقم او را چنین یاد کرده است.

(رقم زد ذره ببقدر طالب ۱۰۷۷)

۵۱۸- طالب - طالب کل عالم

باسجع مخصوص خود امضا می‌نهاد و از قلمدان سازان و تصویرگران شیرین قلم دوره ناصری بشمار می‌آمد. از آثارش و ورقم دار این هنرمند قلمدانی دیدم که حواشی آن تذهیب پرپیرایه و پراکنده داشت و در وسط و کناره‌ها گل و مرغ زیبا جلب نظر مینمود. متأسفانه این قلمدان بسیار فرسوده بود و احتیاج به تعمیر داشت و رقم نقاش که در رویه بالای قلمدان و بخط طلائی زیبا دیده میشد، چنین بود:

(طالب کل عالم)

۵۱۹- طالب - مذهب

از مذهبان و نقاشان دوره فتحعلیشاه بود و به آرایش و تذهیب کاری کتابهای مصوری پرداخت. یگانه اثر پر حلاوت و استادانه‌وی را که در ذیل صفحات درخشنده و پر جلای کتاب زادالمعاد خطی دیدم، نشان قدرت و مهارت نقاش بود و در داخل دو مستطیل که به طرفین آن نام پر جلال باری تعالی علاوه گشته بود، بخط شکسته رقم داشت.

(طالب شیوه هلالم من سنه ۱۲۱۴)

طاهر حکاک - در محمد طاهر حکاک آمده

۵۲۰- طاهر - طراح و بافنده

بحسب زیاد سا زنده و طراح و بافنده قبری پوش ضریح رنگی و بی نظیر حریری مرقد اما رضا (ع) بوده که در شهر اصفهان انجام یافته است.

در حواشی این اثر چشم‌نواز، ادعیه‌ای بخط برمهارت استاد محمد رضا اما می‌بافته شده و در وسط آن نیز به همین کیفیت ادعیه‌ای بخط ثلث استادانه جلب نظر مینمود.

این اثر نفیس که از طرف شاه سلیمان نذر شده و تقدیم مرقد مطهر گشته یکی از آثار کم‌نظیر پارچه‌بافی است که بدین صورت تهیه و در متن آن خطوط زیبا درج گشته است. اشعار پائین قبری پوش که بخط نستعلیق زیبا جلوه گر گشته چنین است.

ما حب دوران سلیمان پادشاه آنکه با شد دولت و بختش بکام

کرد نذر مشهد شاه رضا که شده از روی اخلاصی تمام

کرد طاهر بهر تاریخش رقم از سلیمان شه شده وقف امام ۱۰۸۰

۵۲۱- طلا مان

نقاش ممتاز و شیرین قلم دوره شاه جهان است.

از آثار ارزنده ورقم دار این هنرمند، مجلس رقص و سماع درویشان است که در باغ بزرگی اجرا شده و شاه جهان و شاهزاده‌ها و سایر رجال و سپاهیان نامدار در سمت چپ ایستاده و در ویش پیر که از شدت جذبه بی حال شده‌اند، توسط دو جوان دیگر حمایت میشوند. عمل طرب و را مشگران درباری و چند درویش عصا بدست این صحنه را نظاره مینمایند.

منظره پارویون سلطنتی که در وسط تصویر نقش شده و همچنین فرش زیبا و خوش رنگی که در زیر پای عرفاء در قصر سلطنتی دیده میشود بسیار جالب است. در کناره پائین نقاشی، بخط طلائی نوشته شده. (مجلس سماع صوفیان گرام در باغ حضرت شهاب الدین شاه جهان پادشاه غازی هجری سنه ۱۰۶۰ کار طلا مان) اندازه نقاشی ۲۸/۵ x ۴۵ سانتی متر بوده و دو مهر بیضی شکل، در طرفین تصویر دیده میشود.

۵۲۲- طهما سب - شاه طهما سب صفوی

پادشاهی صاحب کمال و شایسته هنر بود و در هنر خط و نقاشی دست داشت. بنوشته روایات قدیمی، در آغا زتاج داری، نقاشی نادره کار و مصوری نازک قلم و سحرنگار و با قلم مانوی بیرنگ، صورت بی جان را جان میداد و با کلک خویش تمثال گلهای گلستان میگشاد.

اسکندر بیک ترکمان در عالم آرای عباسی از شاه طهما سب اول صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴) نام برده و چنین نوشته است :

"آن حضرت شاگرد استاد سلطان محمد مصور بوده و طراحی و نزاکت قلم را به مرتبه کمال رسانیده بود در آغاز جوانی ذوق و شغف بسیار به این کار داشتند و استادان نادره کار این فن مثل استاد بهزا و سلطان محمد که در این فن شریف طاقند و در نزاکت قلم شهره آفاق و در کتابخانه معموره کار میکردند آقا میرک اصفهانی که از اکابر سادات آنجا بود در این فن منفردا نیست خاص و مونس بزم اختصاص آن حضرت با این طبقه الفت تمام داشتند هرگاه از مشاغل جهان داری و ترددات مملکت آرائی فراغی حاصل میشد به مشق نقاشی تربیب دماغ میکردند"

قاضی احمد منشی در گلستان هنر، از هنر تصویر سازی شاه طهما سب مفصل یاد نموده که با ختمار چنین میباشد :

"شاه جنت با رگه در بدو حال بمشق نستعلیق و مشق تصویر رغبت تمام داشتند و اوقات با برکات صرف آن می فرمودند و استاد دبی بیدل گشتند و در طراحی و چهره گشائی بر تمام نقاشان فایق آمدند، تصویر و کار آن والا گهر بی نظیر بسیار است و چند مجلس در ایوان چهل ستون دار السلطنه قزوین است، از آن جمله مجلس یوسف و زلیخا و نارنج بری خواتین مصرو زنان زیبا که در پائین ایوان برجانب غرب چسبانیده اند و این بیت در آن صفحه مسطور است .

مصریان سنگ ملامت بر زلیخا میزدند - حسن یوسف تیغ گشت و دست ایشانرا برید
اما با این همه تعاریف اوراق آمیز که تاریخ نویسان زمان، از هنر تصویر سازی شاه طهما سب کرده اند، اثر ممتازی از این پادشاه دیده نشده و تنها تصویر رقم داری که از وی بجای مانده، مجلس بزمی است که هیبت آغا داروغه در وسط بیابان و دامنه کوه، سبد میوه ای جلو نهاده و تحفه جان ساقی مشغول پذیرائی است. در جلو تصویر، استاد دنعمان نشسته و بی می نواز دو طرفه رقص که مرد تنومند و چاقی میباشد، در وسط مجلس میرقصد و آقا سی قاریوز سلطان که بچوب دستی تکیه داده، پیاله شراب را سرمیکشد. در گوشه راست و دورتر تصویر، مولانا احمدفش که مرد پیر بوده و قیافه نحیفی دارد با بین مجلس بزمی نگاه میکند. در مستطیل بالای کوه و در داخل مستطیل، رقم دارد .

(صوره طهما سب الحسینی)

حاشیه اثر، حل کاری جانوران مختلف و برگ و گل و درختان است که در کمال شیوائی طلاکاری شده و حتما کار استادان حل کار معروف آن دوره میباشد که جهت آرایشی کناره های تصویر شاه صفوی، پرداخت گشته است. در زیر تصویر و بیرون جدول، شاه طهما سب بخط خود چنین نوشته .

(جهت برادر عزیز بهرام میرزا ساخته شد. تم)

این اثر تاریخی که بدست پادشاه صفوی انجام یافته حالیه در موزه توپ قاپوسرای ترکیه بوده و بشماره H 2154 زینت بخش مرقع بهرام میرزا میباشد .

این اثر بعکس سیاه و سفید در صفحه ۶۱ کتاب A KING'S BOOK OF KINGS چاپ شده و اساسی نفرا ت که در بالای تصویر درج شده چنین است
۱- هیبت آغا داروغه اخترم ۲- تحفه جان ساقی ۳- قاریوز سلطان ایشیک آقا سی ۴- مولانا احمدفش ۵- طرفه رقص ۶- استاد دنعمان نایی

۵۲۳- طور مش نقاش

نام این نقاش جزو نقاشان دوره سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰) و در سند معروف (سرنام سیز هدیه دفتری) که تفصیل آنرا در احوال شاه قولی آورده ام، ثبت شده و اجرا کننده آثاری میباشد که در روز عید حضور سلطان عثمانی آورده و مبلغ هزار آچه که در آن موقع مبلغ گزافی بشمار میآمد مدعا مدبریا فت داشته است .
(آچه نقدینه ایست که ممکن است طلا و یا نقره و یا غیره باشد)

ظ

۵۲۴- ظفر

نقاش دوره جهانگیر شاه گورکانی هند بود و در شیوه مغولی هند تصویر سازی مینمود. از آثار این هنرمند که مضبوط در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان تهران است، دو قطعه تصویر زیبایی است که یکی از آنها شمایل جهانگیر پادشاه است که در البسه و جلال پادشاهی، سوار بر اسب سفید شده و عازم محلی میباشد. رقم دارد. (عمل ظفر)

ع

۵۲۵- عالم بن محمد طالب

فرزند محمد طالب و از نقاشان معروف دوره جهانگیر (۱۶۲۷ - ۱۶۰۵) است .

از آثار امضاء دار این هنرمند، دو تصویر در موزه ویکتوریا آلبرت لندن قرار گرفته، که یکی از آنها تصویر هما یون پادشاه هندی است که در دربار قصر آگره نشسته و سفرا و وزراء و خدمه های مخصوص در اطراف وی قرار گرفته اند. هما یون ریشه مروارید غلطانی را پشاهزاده جوان که در مقابلش با احترام ایستاده هدیه میکند. در گوشه دیگر، سفرائی که به پادشاه هند خلعت و هدیه آورده اند جلب نظر میکنند.

منظره قصر سلطنتی و تماویرا افراد و البسه حاضرین در کمال قدرت و چشم نوازی نقاشی شده و بخط بسیار ریزی در بالای تصویر نوشته شده: ((در گنبدالوان ستون سنگ دار میان حرم سرای یه هما یون چهار رقب کمر شمشیر و تنجاق با زین طلا))

(گویا همان اسب کوچک است که در پائین اثر دیده میشود)
((حسین حسن تیمور سلطان و مهدی خواجه و محمد سلطان میرزا هم چارقب کمر شمشیر و خنجرانعام داده شد)) رقم دارد. (عمل فدوی عالم)
۲- دیگر از آثار این هنرمند که عالم بن محمد طالب رقم گذاشته، تصویر شاه جهان است که در اندازه $20 \times 27/5$ سانتیمتر انجام یافته است.

در این مینیاتور، شاه جهان با آرایش و البسه رنگین و کلاه سلطنتی، در پشت معجری ایستاده و در مقابل وی یکی از سرداران دلاور که لباس زردی پوشیده و کمان بزرگی بدست گرفته، دیده میشود. حاشیه اثر، گلهای زینتی و دسته ای است و یکی از آثار ارزنده نقاش بشمار میرآید.

۳- اثر دیگر هنرمند، که سالیان ۱۶۲۰ م. انجام یافته و اندازه آن 22×30 سانتیمتر میباشد، تصویر اکبر شاه هندی است که در پاریون سلطنتی بروی متکا نشسته و عزیز خان در مقابل پادشاه ایستاده و گزارش روزانه را به اطلاع میرساند. چند نفر خدمه و نوکر مخصوص، در کنار پاریون دیده میشوند، که در جمع آنها پرنس سلیم نیز قرار گرفته است.

۵۲۶- عالی بیک

از هنرمندان تصویر ساز دوره رستم آق قویونلو (۸۹۷ - ۹۲۰ ه.ق.) است.

عباس در حاجی عباس آمده

۵۲۷- عباس (حکاک)

بلند قد و آبله رو بود و در زمان خود به میرزا عباس شهرت داشت. این هنرمند خط نستعلیق را بشیوه و قدرت قلم میرزا کلهرو میرعما دسیفی قزوینی

بسیار خوش مینوشت و بهمان خلوت در روی مهرها ظاهر میساخت. از آثار کم نظیر این استاد، مهر سلطنتی احمد شاه قاجار بود که اثر آن مهر را در بالای فرامین و سایر احکام دولتی میشو درویت نمود. اغلب مهرهای متفرقه که در این شیوه و خط بسیار استادانه و در این زمانها حکاکی شده، بیقین اثر دست این هنرمند معجزنگار میباشد که در کمال قدرت حکاکی گشته است.

۵۲۸- عباس (سید شاهزاده)

به سید عباس شاهزاده معروف بود و از نقاشان مذهبی قرن ۱۴ ه.ق. بحساب میآمد. این هنرمند که همان سید عباس آقا میری و اهل اصفهان است، تزیینات جدید داخل بقعه هارون ولایت را بخوش قلمی انجام داده و بخوبی از عهده برآمده است. از نقوش و آثار گوناگونی که از این هنرمند بیادگار مانده، اغلب موضوعات و روایات مذهبی است که بشیرینی و گیرائی مخصوصی عمل آمده و در نوع خود پسندیده میباشد.

۵۲۹- عباس (شاه عباس ثانی)

علاقه زیادی به هنر نقاشی مخصوصاً آبرنگ داشت و در فرصت های مناسب که بدست میآورد با این هنر سرگرم میشد. کثرت علاقه وی به هنر نقاشی تا حدی بود که بدستور شاه و معرفی شرکت معروف هلندی که در آن زمانها در ایران فعالیت میکردند، دو نفر نقاش معروف هلندی را بنام های آنژل و لوکارلو با ستخدام دربار در آورده و آنها را بسمت نقاش مخصوص پادشاهی بخدمت گماشته بودند. از طرفی در این زمانها که علیقلی جبار آراوت تازه از اروپا وارد ایران شده و بدین اسلام مشرف گشته و بدربار راه یافته بود، بسمت معلم نقاشی شاه مفتخر شده و گاه و بیگاه وی را تعلیم میداده است.

از آثار باقی مانده وی که در اواسط دوران پادشاهی اش (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷) انجام یافته، تصویر کبوتری به آبرنگ است که حالیه در موزه قصر گلستان تهران مضبوط میباشد. در این اثر نسبتاً "جالب که با طبع بوسيله استادان نیز تا حدی حک و اصلاح گشته، کبوتری بروی درخت است که در کمال شیوائی آبرنگ شده و رقم دارد. (در قلعه گلا مشق شد شاه عباس بتاریخ چهاردهم شهر رجب ۱۰۴۵)

۵۳۰- عباس (شیرازی)

هنرمند شیرین نگار شیراز بود و در تصویر و شبیه سازی و گل و مرغ و منظره پردازی قدرت و آفری داشت.

استاد عباس صنعت تذهیب را خوب میدانست و به آرایش و حل کاری و سایر فنون متنوع آن وارد بود. این هنرمند مرد آزاده و درویش مسلکی بود که فارغ از دنیای مال اندوزی، در معاشرت و مصاحبت یاران یکدل گام مینهاد و تا شور و شوقی در خود نمیدید، دل به هنرنمی بست و دست بقلم نمیزد. بدین ترتیب، حلاوت آثار و چشم‌نوازی پرمایه و هنری وی، در اغلب کارهای استاد بخوبی واضح گشته و مبین عشق و احساس حقیقی نقاش بود که به‌علائیترین وجهی بروی تصویر ظاهر آمده بود. از آثار دلپذیر و پسندیده استاد معلوم میگردد، که این هنرمند، مکتب شیوا و و پرغنائی لطفعلی شیرازی و علی اشرف معروف را درک کرده و حتی ممکن است مفتخر بشاگردی لطفعلی بوده و از سرچشمه متعالی آن استاد نیز بهره‌یاب گشته است. از شاگردان زبردست وی، آقا ابراهیم و مصطفی شیرازی بودند که خود به نفس از استادان قوی دست‌زمان خود بشمار می‌آمد و پیرو شیوه استاد خود بوده‌اند. بر روایتی این هنرمند، فرزند هنرمندی بنام حیدر علی داشته که او نیز نقاش شیرین کاری بوده و در نقش تصویر دست داشته است.

از تاریخ تولد و سال مرگ استاد، هیچگونه اطلاع مستندی بدست نداریم، ولی آنچه از تاریخ ویرجما مانده‌اش بر می‌آید معلوم میدارد که این هنرمند، نقاش با اعتباری بوده و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بخلق تصویر سرگرم بوده است از آثار رقم‌دار وی دیده‌ام:

۱- قلمدان تابوتی بزرگی بود که پنج مدالیون در رویه و چهار مدالیون در کناره‌ها داشت. در مدالیون وسط، تصویر زن طنازی دیده میشد که در کمال دلربایی بود. در مدالیون اطراف نیز تما ویردل انگیز دختر و پسر جوان جلب نظر میکرد که استادانه بودند.

در دو مدالیون انتهائی رویه قلمدان، منظریه بقاع متبرکه و مساجد و سایر ابنیه تاریخی در کمال قدرت تصویر گشته و رنگهای پراآذین داشت. حواشی قلمدان نیز بهمان سیاق رویه قلمدان، تما ویرد دختر و پسر جوان نقش بسته و در زمینه آنها گل و مرغ و منظره پر صفا دیده میشد.

داخل قلمدان که برنگ طلائی مزین شده بود، از کارهای ممتاز محمدجواد قلمدان ساز بود که مهر مخصوص وی را در برداشت و رقم نقاش چنین بود.

(رقم عباس شیرازی ۱۲۷۷) مجموعه مهندس ناصر خلیلی

۲- از قلمدان‌های دیگر هنرمند، قلمدان شیوائی بود که در وسط رویه آن، تما ویر مریم و مسیح بود که صورت آنها در آینه نمودار گشته بود. در طرفین رویه قلمدان، دو تصویر زیبای دختران جوان که یکی با دبن ژاپونی بدست گرفته بود، جلب نظر

میکرد. در کناره‌ها نیز اشکالی از غزالان و حیوانات دیگر داشت و رقم نقاش چنین بود. (عمل عباس شیرازی سنه ۱۲۹۱)

۳- از آثار رقم‌دار دیگر این استاد، قلمدان پر صورتی بود که تما ویر عرفا و شیوخ معروف از قبیل شمس تبریزی و مولوی و سلطان سلیم در نهایت قدرت ترسیم گشته و کناره‌های نقوش نیز به تذهیب استادانه‌ای آرایش یافته بود. زیر قلمدان نیز تذهیب فوق‌العاده داشت و رقم نقاش چنین بود.

(رقم کمترین عباس شیرازی ۱۲۹۲)

۴- دیگر آثار ارزنده این هنرمند، قلمدانی بود که در شیوه فرنگی عمل آمده و تصاویری از حضرت مریم و مسیح را در رویه داشت.

در بالا و پایین رویه و حواشی قلمدان، مناظر زیبا و دسته‌گل‌های رنگین به دلربایی و حسن سلیقه تما م تصویر و تذهیب گشته و رقم داشت. (عباس شیرازی)

۵- از قلمدان‌های دیگر این استاد، قلمدان (الفیه و شلفیه) ای بود که معاشرت زنان و مردان جوان را به دل‌فریبی تما متقاشی کرده و حواشی را به تذهیب آراسته بود. کناره‌های قلمدان، مناظر نخل و ساختمان‌های قدیمی شیراز را داشت و در بین آنها و در چهار مدالیون مختلف حرکات گوناگون خرگوش را به استادی نقش کرده و رقم داشت. (عباس شیرازی) مجموعه شماره ۲

۶- دیگر قلمدان این هنرمند که رقم (عباس شیرازی) داشت، قلمدان شیرین و پیر حالتی بود که تما ویر زن و مرد جوان، بشادابی تصویر شده و زمینه پرا نبوه گل و مرغی داشت. در انتهای بالای قلمدان، تصویر گربه ملوسی جلب نظر میکرد و کناره‌ها نیز بسان زمینه قلمدان، گل و مرغهای افشان داشت.

۷- تنها اثر آبرنگی این هنرمند را که از نزدیک دیده‌ام، تصویر شاهزاده بدچهره‌ای بود که روی صندلی نشسته و کت‌ترمه‌ای بافت‌الوان سرخ‌رنگ بتن داشت و شلوار وی بسبک دوخت فرنگی بود و در زیر پای شاهزاده بخط ریز رقم داشت.

(رقم کمترین عباس شیرازی) مجموعه شماره ۵

۵۳۱- عباس (قلمدان ساز)

قلمدان ساز گمنام وایل قرن ۱۳ ه.ق. بود و در ارائه مجالس رزمی قلم‌شیرین داشت. از این هنرمند قلمدان رقم‌داری دیدم که منظره جنگی بود و دو طرفین متخاصمین با همدیگر بجنگ و گریز پرداخته و نزاع میکردند. حاشیه‌ها و کناره قلمدان، منظره دشت و دمن و گل و مرغ بود و رقم داشت. (عمل کمترین عباس ۱۲۰۹)

عباس گاتوزیان: از نقاشان چهره پرداز و نامی قرن حاضر است که احوال وی در کتاب هنرمندان معاصر بیان خواهد گشت.

۵۳۲- عباس نقاشباشی

نقاش پراستعدادا واسط قرن ۱۳ ه.ق. بوده که به ترغیب و دستور عباس میرزا، جهت یادگیری هنر نقاشی به کشور ایتالیا رفته و در شهر رم ساکن شده است. این هنرمند پس از مدت‌ها که در شهر رم سرگرم کسب هنر گردید، عاقبت در دام عشق زیباروی ایتالیائی گرفتار گشته و تن بازدواج وی در داده است. آقا عباس با همه مشکلاتی که در دنیا رغبت داشته به تحصیلات رشته مورد علاقه خود، ادامه داده و پس از هنراندوزی و درک مهارت تصویرسازی با عیال خود به ایران بازگشته است. زندگی و گذران عمر وی بعد از مراجعت از ایتالیا معلوم نیست، ولی آنچه مسلم است لقب نقاشباشی گری را بعد از مراجعت از آن دیار، گویا از عباس میرزا که حامی و مشوق اولیه وی بوده دریافت کرده و مورد عنایت وی نیز قرار گرفته است.

این هنرمند در طراحی و آبرنگ و رنگ و روغن بشیوه کلاسیک مهارت داشته و در مواردی نیز از روی آثار مشاهیر معروف اروپائی کپی میکرده است. شغل رسمی وی معلمی نقاشخانه دولتی بوده و در موسسه‌ای که بنا منقاشخانه دولتی دایر گشته بود به تربیت شاگردان هنر نقاشی، سرگرم بوده است.

بطوریکه روایت شده، میرزا عباس در اواخر عمر بعلت نا معلومی از میهن خود آزرده خاطر گشته و با عیال خود بدیار هند مهاجرت کرده و در آن دیار بعالم عقبی شتافته است.

تنها اثر رقم داریکه از این هنرمند دیده‌ام، تصویر کپی شده از روی کارهای استاد معروف رافائیل بود که به نیکوترین ترتیبی کپی شده بود.

در این تابلو، حضرت مریم و مسیح روی ابرها قرار گرفته و پشت سرم مریم، درخشندگی پر نور آفتاب جلب نظر مینمود. در بالای تابلو، جماعت حواریون، در اطراف حضرت مسیح ایستاده بودند و فرشته زیبائی که بدون پوشش بوده و لخت و عریان در میان تابلو قرار گرفته بود، دیده میشد. در مرکز تابلو نیز چهار نفر، به لباسهای گوناگون نقاشی شده بودند که یکی از آنها به حضرت مسیح اشاره میکرد. و بخط نستعلیق زیبا، در زیر تابلو رقم داشت.

(رقم میرزا عباس که از روی پرده بزرگ عمل رافائیل نقل نموده است سنه ۱۲۷۸

نقاشخانه دولتی)

دیگر اثر بی رقم میرزا عباس که شیوه تصویرسازی وی را مشخص میساخت، تصویر پیر مرد سراس و ریش بلندی بود که در یکی از موزه‌های ایران قرار داشت. در این تصویر، پیر مرد، به نکته تکیه نا مفهوم، چشمها را بمقابل دوخته و دودست

پرحالت خود را بروی عصا، قرار داده و بآن تکیه نموده بود. سایه‌ها و تکه‌رنگها، در کمال قدرت بود و یکی از آثار ارزنده نقاش بشمار میآمد.

۵۳۳- عباسعلی میناساز

میناساز زبردست و پرمایه‌ای وایل قرن ۱۳ ه.ق. بود و در چهره نگاری و شبیه‌سازی و ارائه گل و مرغ و پرندگان استعداد پرمایه داشت.

از تنها اثر رقم دار این هنرمند که در موزه نگارستان تهران دیده‌ام، سرقلیان خوش منظری بود که در حاشیه و کناره‌های آن، تما ویرد لر بای زنان و دخترانی که به شیوه فرنگی آرایش یافته بودند جلب نظر مینمود.

در بین تما ویری که در مدالیون‌های متعدد انجام یافته بود، مرغ سبک بال و الوانی دیده میشد که در ترنج‌های کوچک نقش بسته بود.

در حواشی و زیر آتش‌دان، تصویر خورشید خانم جلوه‌دل انگیزی داشت که با تابش پرفروغ خود زیبائی و جلالت اثر را مضاعف میساخت. در زیر یکی از مدالیون‌ها رقم داشت. (عباسعلی)

۵۳۴- عباسقلی

شبیه‌ساز گمنام و نقاش شیرین قلم اواخر قرن ۱۳ ه.ق. بود.

از آثار شیوا و رقم دار این هنرمند که در حراج ساتبی ۱۹۷۸ لندن دیدم، تصویر مقرب الخاقان میرزا محمدخان کشیک چی باشی بسال ۱۲۷۲ بود که در حد خود پخته و شیرین بنظر میرسید. در این اثر آبرنگی، صورت میرزا محمدخان پردازا استادانه داشت و کلاه بلندش جلب نظر مینمود. کشیک چی باشی که پوستین کلفت و بلند بتن داشت، رویه‌آن مملو از گل‌های بوته جیقه‌ای بود که به حسن سلیقه تمام نقش گشته بود.

او روی صندلی نشسته بود و ساعت خود را بدست گرفته‌شان میداد.

منظره فرش اطاق و تما ویرتزیینی دیوارها و سایر مناظر بیرون خانه، در کمال استادی بود و رقم نقاش بروی فرش داخل اطاق چنین بود. (بنده درگاه عباسقلی)

۲- دیگر از آثار این هنرمند که آن نیز بآبرنگ بود، تصویر ناصرالدین شاه در شکارگاه بود که بالباسهای سلطنتی سواراسب شده و بشکار سرگرم بود.

در پشت سر شاه، میرزا آقاخان نوری صدراعظم و سایر همراهان شکار، شرکت داشتند و شاه را همراهی میکردند.

منظره شکارگاه و تپه و ماهور و مسیر رودخانه و همچنین تصویر پل قدیمی و درخت

تنومند و جست و خیز توله‌های شکاری خلوت پسندیده‌ای داشت و رقم نقاش بر روی ریشه بزرگ درخت چنین بود. (مشق بنده کمترین عباسقلی ۱۲۷۳)

۵۳۵- عباسقلی حجار

حجار و طراح هنرمند دوره ناصری بود و با اسماعیل جلایرو استاد علی اکبر مصور همکاری میکرد. از آثار حجاری این هنرمند، گل و بوته‌های سنگ قبر مرحوم ناصرالدین شاه قاجار است که صورتها را علی اکبر حجار انجام داده و گل و بوته‌ها را این استاد تراشیده است.

۵۳۶- عبدالائمه

نقاش فلزات و اسطراب بود که در هنر خود شهرت داشته و به رموز و دقایق بی بدل اسطراب، واقف بوده است.

این استاد چیره دست که بظن قوی در هیئت و ستاره‌شناسی نیز صاحب کمال بوده در نقوش دقیق و ارائه محاسبات افلاکی و درج دوایر بروج به روی فلزات سخت، نازک قلم و استوار بوده و دست پر مایه‌ای داشته است.

از شاگردان نامدار این هنرمند، استاد محمد طاهر بن محمد امین بود که آثاری استادانه از خود بیا دگار دارد.

از آثار رقم دار عبدالائمه، اسطراب نفیسی در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که رقم داشت. (صنعه عبدالائمه ۱۱۲۷)

دیگر از آثار اسطرابی این هنرمند، که در موزه گرینویچ انگلستان از نزدیک دیدم. اسطراب پراعتباری بود که رقم داشت.

(المحتاج الی رحمه و به الغنی صنعه عبدالائمه)

دیگر در این موزه، اسطراب نفیسی بود که در مرکز اسطراب رقم داشت.

(صنعه عبدالائمه)

سومین اسطراب رقم داری که در این موزه از استاد دیدم، اسطراب پرمهارتی بود که روی دایره انتهائی صفحه اسطراب رقم داشت. (صنعه عبدالایمه)

۵۳۷- عبداله بن احمد- حجار

حجاری همتا و سنگ تراش زبردست اوایل قرن ۱۶ ه.ق. است. از آثار گرانقدر این هنرمند، سنگ تاریخی مزار امام در آستان قدس رضوی است که در کمال قدرت حجاری شده، بخت کوفی تزیینی آرایش یافته و در وسط آن این کلمات درج گشته است. ((الله اکبر هذا مقام الرضا علیه السلام قبل علی صلواتک ولاتکن من الغافلین

سنة سبعان عشرو خمس مائه و در اطراف آن بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل علی محمد و علی وفاطمة و الحسن و الحسين و علی و محمد و جعفر موسی و علی و محمد و علی و الحسن و القائم الحجة)) و در خط دیگر نوشته:

((بسم الله الرحمن الرحيم انما وليکم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون)) (عمل عبدالله بن احمد) در حاشیه داخلی سنگ نوشته:

((امربع ماره مشهد الرضوی علی بن موسی علیه السلام، العبد المذنب الفقیر الی رحمة ابوالقسم احمد بن علی بن احمد الغلوی الحسینی تقبل اله منه.)) اندازه آن به طول ۴۰ و عرض ۳۰ و قطر ۶ سانتیمتر است.

این سنگ قدیمی از بهترین آثار هنرمند بوده و از نفایس ارزنده موزه آستان قدس رضوی بشمار میرسد.

۵۳۸- عبداله اصفهانی

نقاش و قلمدان ساز گمنام اهل اصفهان بود و در سنوات آخر قرن ۱۳ ه.ق. در آن شهر بکار قلمدان سازی اشتغال داشت.

از قلمدان های رقم دار وی، قلمدانی در مجموعه دارم که در کناره های آن منظره پل الله و روی خان و کلیسای جلفای ارامنه را بطرز زیبایی بر روی قلمدان ظاهر ساخته است. در رویه قلمدان، تصویر زن طنازی را بدون لباس و پوشش ارائه داده که سربالین طلائی نهاده و در بستر آرمیده است.

در رویه و حواشی نیز تصاویری از مردان و زنان فرنگی را در شش مدالیون نقاشی کرده و در زمینه مشکی قلمدان، گل‌های برگ انگوری استادانه علاوه کرده است. در زیر پایه قلیانی که بدست یکی از زنان دیده میشود رقم گذاشته. (رقم عبدالله)

۵۳۹- عبداله بخاری

نقاش مشهور دوره حکمرانی سلطان محمد عثمانی (۵۴ - ۱۷۳۰ م) است که اجداد وی از بخارا به عثمانی آمده و در آن دیار سکنی گزیده اند.

استاد عبداله در آثار و روغنی که در اصطلاح عثمانی‌ها، ادرنه کاری میگویند مهارت داشته و جزو دو استاد معروف این رشته یعنی علی اسکداری و مصطفی ارزنجانی بشمار می‌آمده است.

از آثار معروف این هنرمند، معاشقه عریان زن و مردی را به آبرنگ دیدم که رنگهای جالب داشت و امضای نقاش چنین بود. (عبداله بخاری ۱۱۵۴)

دیگر از آثار این نقاش که بسال ۱۳۴۳ در نمایشگاه آثار عثمانی و در کاخ ابیض

تهران دیدم، دومینیا تور زیبا و استادانه بود که رقم نقاش را داشت و اندازه های آنها ۲۲×۱۶ سانتیمتر بود. از آثار دیگر هنرمند که در کتابها یا موزه توپ قا پوسرای از نزدیک دیدم عبارت است از یک آلبوم کامل با ۲۲ تصویر از زنان و مردان گوناگون که در سنوات (۴۵ - ۱۷۲۶) اجرا گشته و حالیه در کتابخانه دانشگاه اسلامبول مضبوط میباشد. از آثار رقم دار دیگر هنرمند، تصویر زن جوان و چاق شکم برآمده ای است که لباس سبز بلند پوشیده و روی لباسها یش گل های ساده طلائی کار شده است. زن مزبور که کلاه بلند عمامه ای قوت زدا سرخ سر گذاشته، گردن بند بیه سینه آویخته و گلی بدست گرفته است.

رقم دار دخیط قلم موئی (رقم عبداله بخاری)

دیگر از تما ویر این هنرمند که در توپ قا پو مضبوط میباشد، تما ویری است که در دو مدالیون انجام یافته، یکی از آنها منظره قصر سلطنتی است و دیگری قصری است که در مقابل آن رودخانه ای جریان داشته و پل سفید رنگی بر روی آن دیده میشود. رقم دارد.

(رقم عبداله بخاری)

چهار اثر از زنده دیگر این هنرمند، در کتابخانه دانشگاه استانبول قرار گرفته که عبارتند از:

تصویر زنی است که در شیوه لونی نقاش عمل آورده و جبهه پوستی و کمر نقره ای و لباس رنگی پوشیده و گردن بند جواهر نشانی بسینه آویخته و کلاه خردار بر سر نهاده و روی صندلی راحتی نشسته است.

در مقابل این زن، دو دختر جوان تر دیده میشوند که دست روی دست نهاده و منتظر ایستاده اند. کلاه های پیچیده پارچه ای بر سر گذاشته و نیم تنه بدون آستین پوشیده اند. قیافه ها و البسه در کمال زیبایی بوده و رقم دارد.

(رقم عبداله بخاری ۱۱۵۸)

اثر دیگر در این کتابخانه، قیافه همین زن جوان است که کلاه خردار بر سر نهاده و پشت پنجره شیشه ای ایستاده و سیگار بدست گرفته است. رقم دارد.

(رقم عبداله بخاری ۱۱۵۸)

سومین اثر هنرمند در این کتابخانه، تصویر زن چاق یا حمله ایست که کلاه سبک بر سر گذاشته و نیم کت تنگ پوشیده و دامن بلند بتن کرده است.

این زن که گویا از محارم سلطنتی بوده و به ریسیدن نخ مشغول میباشد. رقم دارد.

(رقم عبداله بخاری ۱۱۵۸)

آخرین اثر هنرمند در این کتابخانه، زن جوان دیگری است که در مقابل زن میان سالی نشسته و گوشه آستین را بدست گرفته و بد لبائی مشغول میباشد.

(رقم عبداله بخاری ۱۱۴۷)

۵۴۰- عبداله خان- معمار و نقاش باشی

معمار و نقاش باشی پرا اعتبار قرن ۱۲ ه.ق. بود و در دستگاه فتحعلیشاه و محمدشاه و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه مقام و منزلت والا ئی داشت.

این هنرمند و فنون که در حدود پنجاه سال و خورده ای بسپاه دشا پرجلال قاجاری خدمتها کرده و هنرها آفریده، از فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار لقب پرا متیاز معمار باشی (۱) و نقاش باشی دریافت داشته و تا پایان عمر نیز در این سمت باقی بوده است. از دوران صباوت و ایام هنراندوزی و همچنین نام استادان پرمایه ای که چنین هنرمند و ارسته ای را تربیت کرده و به خدمت آماده ساخته اند، اطلاعی نداریم، ولی از درج نام ساده نقاش که در زیر یکی از آثارش (در رقم بنده شه عبداله فی سنه ۱۲۲۲) دیده میشود، معلوم میگردد، در این سنوات نقاش پرا اعتباری بشمار میآمده و ولی نقاش باشی نبوده است.

از طرفی با مطالعه هنر و قدرت قلم تصویر عباس میرزا که در سنوات ۱۲۲۲ ه.ق. به دست این هنرمند انجام یافته و نگارنده با فرصت و دقت بیشتری، در حراج ساتبی از نزدیک دیده و امتیازات وی را بررسی کرده ام، چنین معلوم میکند که این اثر از زنده، اثر دست هنرمندی میتواند باشد که لااقل در سنین ۲۵ سالگی بوده و تجربه و دقت کافی برای نقش چنین تصویری را دارا بوده است. و اگر بحسب وقیاس سال تولد عبداله خان را بین سالهای ۱۱۹۷ تا ۱۲۰۰ فرض نمائیم، بتقریب در زمان خلق اثر صف سلام فتحعلیشاهی، هنرمندی حدود سی ساله و نقاش باشی دربار بوده است.

در تائید این مطالب، قیافه ظاهری خود نقاش نیز که در انتهای ردیف بالای دست چپ تصویر جلب نظر میکند، او را شخصی در حدود سی ساله نشان میدهد.

از آثار رقم دار عبداله خان به نسبت دوران فعالیت طولانی و موفق وی، آثار چندان زیادی دیده نمیشود. ولی از تعداد اندک آثار انگشت شمارش نیز که بیا دگار مانده، خلوت و قدرت قلم هنرمند روشن گشته و معلوم میدارد، در مواردی شیوه مهر علی نقاش باشی را دنبال کرده و چه بسا که ممکن است شاگرد و رقیب او نیز بوده است.

۱- بنوشته آقای یحیی ذکا: در کتاب تاریخچه ساختمانهای ارک سلطنتی تهران، فتحعلی شاه که سخت مفتون رفتار و معلومات و موقع شناسی طaos خانم شده بود و او را تاج الدوله لقب داده به عبداله خان معمار باشی دستور داد تا عمارت چشمه را برای این بانو تجدید ساختمان نموده و تخت طاوس را نیز در آن عمارت قرار دهد. همومینویسد: در سال ۱۲۶۷ بدستور امیر کبیر قلعه ارک تجدید عمارت شده و کوچه های آن برای حرکت کالسکه شوشه گردید و این امور بمعمار عبداله خان معمار باشی آن زمان انجام گرفت.

عبدالله خان در چهره سازی و شبیه پردازی دقیق و پرمایه بوده و در رنگ و روغن و آبرنگ و نقش تصویر بر روی مینا دست پر خلوتی داشته است.

از تابلوی عظیم و ارزنده صف سلام فتحعلیشاهی که بدست این استاد انجام یافته معلوم می‌دارد این هنرمند، در خلق مجالس بزرگ رزمی و شبیه سازی صاحب قلم بوده و حوصله و وسواس بخصوصی در ارائه زموژ و دقایق ناشناخته موضوع که با نظر باریک بینی و احساس نقاش توانم بوده بخرج داده و جزئیات را چنانکه با ید و شایسته عریان ساخته است.

این هنرمند در طراحی و آرایش داخلی و خارجی قصور سلطنتی و سایر عمارات پر جلال نیز مقامی در خور تحسین و شایستگی رقیب داشته و رئیس و باشی اغلب حرفه ها و صنایع بشمار می‌آمده است. از فرمان ارزنده ای که اخیراً "توسط سازمان اسناد ملی ایران خریداری گشته و رونوشت آنرا عیناً" از جلد هفدهم راهنمای کتاب در این احوال چاپ کرده ایم، استادی وی را در امر نقاشی و طراحی نقشه های بیوتات معروف آن دوره مسجل ساخته که مجدداً "به منصب باشی گری معماران و پیشه وران و سایر ارباب حرف و صنایع، بسان دوره فتحعلیشاهی مفتخر گشته و تاکید شده که افراد و آحاد و اشراف و اعیان نقاشان و معماران و مهندسان و مینا کاران و نجاران و حجاران و فخاران و شیشه بران و حدادان و سراپیداران و باغبانان و مقنیان و شماعان وی را کمافی السابق باشی خود دانسته از سخن و صوابدید و تجاوز ننمایند.

فرمان محمد شاه برای معمار باشی دربار

... آنکه چون عالیجاه مجدت و نجدة پناه فراست و فطانت

دستگاه اخلاص و ارادت آگاه مقرب الحضرة العلیه عبدالله خان معمار

باشی در بدایت امر و اوایل حال در دربار خاقان مرحوم مغفور مطاب ترا

وجعل الجنة مثوا مصدر خدمات بوده و در سلک نقاشان نقاشخانه همایون

سلطانی به اقتضای قابلیت ذاتی و استعداد جبلی نوعی تربیت یافت که در

اندک مدت و حید عصر و سرآمد اقران و امثال آمد، به حکم این لیاقت و

قابلیت و بر حسب امر همایون سلطانی در نقاشخانه اقدس به لقب باشیگری

ملقب و به خطاب خانی مخاطب گردید و چندگاه که در صنایع مزبوره

اهتمامات موفوره و مساعی مشکوره به ظهور رسانیده معاسن کاردانی و

استادی او در نقاشی و طراحی بیوتات معاینه و مشهود شد به منصب

باشیگری معماران و پیشه وران و سایر ارباب حرف و صنایع بیوتات خاصه سرافرازی یافت تا اکنون که بدو طلوع دولت سرکار اقدس همایون ماست در آستان دولت علیه مصدر خدمات کلیه گردید

مانیز نظر به مراتب شایستگی عالیجاه مشارالیه او را مشمول عوارف خسروانه و عنایت بیکرانه شاهنشاهی فرموده در هذمه السنه یوننتیل سعادت دلیل مناصب مزبوره را کمافی السابق بر عالیجاه مشارالیه مخصوص و مفضول فرمودیم که در نهایت اطمینان و دلگرمی به تعمیر عمارات خارج شهر از قصر قاجار و امامزاده قاسم و قلعه ک و ارغوانیه و نگارستان و [دکشا و لاله زار و بهارستان و باغات و عمارات داخل شهر و خانهای ضبطی محلات و از اختلافه مشغول بوده حسن دقت خود را ظاهر سازد.

مقرر آنکه افراد و آحاد و اشراف و اعیان نقاشان و معماران و مهندسان و مینا کاران و تجاران و حجاران و فخاران و شیشه بران و حدادان و سراپیداران و باغبانان و مقنیان و شماعان عالیجاه مشارالیه را کمافی السابق باشی بالاستقلال خود دانسته از سخن و صوابدید او تجاوز ننمایند. عالیجاهان مجدت همراهان مقرب الخاقان مستوفیان عظام و عالیجاهان کتاب دفاتر خلود شرح منشور همایون مبارک را ثبت نمایند و در عهده شناسند، تحریر فی شهر ذی قعدة الحرام [م] ۵ [۱۲۵] (بامهر محمد شاه)

آثار بجا مانده وی عبارت است از:

۱- تابلوی رنگ و روغنی بزرگ و طویل صف سلام فتحعلیشاهی که در سالن مخصوص کاخ نگارستان فتح علی شاه نصب بوده و تفصیل آن چنین می‌باشد.

از قصور و عمارات زیبائی که در زمان فتحعلیشاه و در خارج از تهران ساخته شده بود یکی نیز قصر معروف نگارستان بشمار می‌آید که بطراحی و معماری عبدالله خان نقاش باشی که بنوشته فرها دمیرزا در صفحه ۱۴۱ کتاب زنبیل، بسال ۱۲۲۸ نقاشی شده، پایانی یافته و محل رسمی با رعایا پادشاهی و قصر پذیرائی از مهمانان خارجی و سفرا و سایرین بحساب می‌آمده است.

در جنگ خطی منحصر بفردی که بوسیله محمد قاسم خان فروغ، عموی ملک الشعرا محمود خان نوشته شده و حالیه جزو مجموعه نگارنده است، در مورد ایجاد این قصر چنین مینویسد. ((و از باغات مشتمل بر عمارات عالییه، باغ قصر قاجار و نگارستان است

که الحق در نزهت و صفا و وضع علوبنا، نظیره‌ی یک رادرهیج عهدی از عهد نشان نداده اند و تا کس را ملاحظه نیفتد، وصف آنها بتقریر راست نیاید.))

این قصر زیبا و با عظمت که محمد شاه نیز در آن تاج گذاری کرده، تا اواخر سلطنت قاجاریه باقی بوده و مدتی در اختیار مدرسه صنایع مستظرفه که تحت نظر مرحوم کمال الملک اداره می‌شده، قرار داشته و آخر الامر در قسمت شمالی آن، ساختمان فعلی دانشسرای عالی احداث گشته و در قسمت جنوبی آن نیز وزارت فرهنگ و هنر فعلی ایجاد گردیده است.

در این قصر بهشت آئین که در تعالی و جلال، با اصطلاح تعاریف آنروز، سربا سمان می‌سود، بدستور فتحعلیشاه، صف سلامی توسط عبداله خان نقاشباشی تصویر گردید که فتحعلیشاه و شاهزادگان و رجال مملکتی و افسران ارشد، سفرا و نمایندگان خارجی و مستخدمین و نمایندگان قبایل گوناگون و نویسندگان و شعرا و غیره به آرایش رسمی و لباسهای گوناگون، در کمال تردستی و در انداز بزرگتر ترسیم گشته و بدیوار وسیع قصر نگارستان آویزان گشته بود. این تابلوی عظیم که بتحقیق در سالهای اتمام قصر نگارستان و در سنه ۱۲۲۸ توسط عبداله خان نقاشباشی نقاشی شده، اصل تابلو از بین رفته و فقط نشانه‌هایی از او بیا دگار مانده که مختصرا " بازگو می‌نمایم.

به زعم نگارنده اولین صف سلام فتحعلیشاهی، تصویری است منحصر بفرد که در آخر کتاب و شماره ۶۰ ارائه شده است.

این عکس که در بین عکسهای قدیمی نگارنده دیده می‌شود، اختلافاتی با سایر عکسها دارد که در عکسهای دیگر مشاهده نمی‌گردد و چون اصل اثر را از نزدیک ندیده و بررسی دقیق نکرده‌ام، در صحت مدد در صد آن نمیتوانم اظهار عقیده نمایم.

در این عکس که تصویر ۹ نفر از آن تابلوی عظیم بیا دگار مانده، هیچ یک از آنها، با تصاویر دیگری که تاکنون مشاهده شده و وفق نمیدهد. و همچنین خطوطی که نام افراد را نوشته، از لحاظ کتابت خطوط و محل جملات یکسان نمیباشد. در این عکس اسامی را چنین نوشته.

۱- (حاجی محمد حسین) در زیر آن (خان امین السلطان) که میشود.

(حاجی محمد حسین خان امین السلطان)

۲- معتمد الدوله السلطانیه میرزا عبد (در زیر آن (الوهاب) که میشود.

(معتمد الدوله السلطانیه میرزا عبدالوهاب)

۳- (جنرال غاردان ایلچی دولت) (پادشاه فرانسه) که میشود.

(جنرال غاردان ایلچی دولت پادشاه فرانسه)

۴- (موسی ژونه سفیر دولت فرانسه) که در یک ردیف نوشته شده است.

در این نوشته جلالت خط تا حدی استادانه بوده و بعضی نقطه‌های حروف را نیز درج نکرده است. در روی کاغذی که معتمد الدوله نشاط بدست گرفته، جملاتی بخط نستعلیق زیبا دیده میشود که باختصار چنین است.

((.... پادشاه جم جاهانجم سپاه فلک دستگاه و پادشاه ملایک

سپاه سلطان الاعظم والخاقان معظم))

و اما در تابلوی دومی که بشماره ۲ در این مقال یاد شده.

تصاویری است که از روی تابلوی اصل گرفته شده و آن هفت قطعه عکس بسال ۱۳۴۰ در انتهای کتاب فروغی بسطامی و همچنین بسال ۱۳۵۳ شمسی در شماره ۱۴۴ مجله هنر و مردم چاپ گشته و اسامی نفرات تابلو نیز درج شده است.

در این تصویر فتحعلیشاه در وسط قرار گرفته و فرزندان به ترتیب در کناره‌ها قرار گرفته اند که عبارتند از:

در طرف راست وردیف بالا: ۱- نایب السلطنه عباس میرزا ۲- محمدقلی میرزا ملک آراء ۳- حسینعلی میرزا فرمانفرما.

در طرف راست وردیف پائین: ۱- علیشاه ظل السلطان ۲- شیخعلی میرزا ۳- عبداله میرزا دارا.

در طرف چپ وردیف بالا: ۱- محمدعلی میرزا دولت‌شاه ۲- محمدولی میرزا ۳- محمدتقی میرزا حسام السلطنه.

در طرف چپ وردیف پائین: ۱- حسنعلی میرزا شجاع السلطنه ۲- علینقی میرزا ۳- امام وردی میرزا.

زیر تصویر : ۱- عیسی خان غلام پیشخدمت ۲- محمدحسن خان کماندار (حامل تیل و کمان) ۳- اسما عیل خان (حامل گرز جواهر نشان) ۴- یوسف خان سپهدار (حامل سپر جواهر نشان) ۵- آقا اسما عیل جواهر خان (حامل ظرف مرصع) ۶- آقا محمد حسن پیشخدمت (حامل تنگ یا قلیان مرصع و جواهر نشان)

دیده میشوند که طرز قرار گرفتن مستخدمین حامل اسلحه و جواهرات در بعضی تصاویر اختلافاتی دارد که در صفحات بعدی تشریح خواهد شد. تصویر شماره ۵۷

اسامی افراد کناره‌های تصویر چنین است:

دست راست ردیف بالای تصویر . (یعنی طرف دست چپ فتحعلیشاه)

میرعلینقی خان فندرسکی - نصراله خان امیرآخوونوری - بابا علیخان شاطر
باشی - محمدولی خان افشار - بخشی محمدخان اوزبک - محمدخان کرمانشاهی
زنگنه - مصطفی خان کرمانشاهی زنگنه - عبدالله پاشای بابان والی قلعه
چوالان و شهرزور - عبدالحسین خان ناظر - میرزارحیم حکیمباشی شیرازی -
حاجی رضاخان قاجاردولو - محمدحسین خان قاجارقوانلوکشیک چی باشی -
حاجی محمدحسین خان مروزی - امام قلیخان قاجارقوانلو - محمدابراهیمخان
قاجار دولو - محمدخان قاجارنایب خراسان - مهدی قلی خان قاجاردولو -
محمدقلیخان قاجارقوانلو - شاهزاده اوپس - شاهزاده قیصر - شاهزاده فیروز -
شاهزاده داراب - امیرزاده ناصرالدین توره - شاه محمود افغان .

دست راست تصویر ردیف پائین :

محمدخان زنبورک چی باشی - قلیچ خان فراشباهی - جعفرقلیخان سرکرده
لارجانی - عبداللهخان سرکرده فیروزکوهی - مطلبخان سرکرده دامغانی - محمد
صالح خان سرکرده عرب - ذوالفقارخان سرکرده سمنانی و جندقی - فاضل خان
جارچی باشی - محمودخان نایب ایشیک آقاسی باشی دنبلی - یحیی خان نایب
نسقچی باشی افشار - جعفرقلیخان قوریساول باشی نوائی - فرج الهخان
نسقچی باشی افشار - نوروزخان ایشیک آقاسی باشی قاجار - شیخ محمد رسول
عبدالله بن السعود و هابی - عوف بن اسدحضر می فرستاده والی یمن - سیدثابت
علی ایلچی سند - شاکرافندی سفیر عثمانی - حیرت افندی سفیر عثمانی -
موسی ژوبرسفیر فرانسه (M. JAUBERT) - موسی ژونه سفیر فرانسه (موسیو
ژوآنن M. JOUANNIN) - جنرال غاردن ایلچی دولت پادشاه فرانسه
(GENERAL GARDANNE) - میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط - حاجی
محمدحسین خان امین الدوله .

طبقه بالای ردیف راست . (یعنی طرف دست راست فتحعلیشاه)

ابراهیمخان سردارکرمان - محمدقاسمخان قاجارسردار - محمدعلیخان قاجار
قوانلو - میرزا محمدخان بیگلربیگی دولو - جان محمدخان ایلخانی دولو -
میرزا رضاقلی منشی الممالک - عبدالله افندی ایلچی عثمانی - ملاعلی اصغر
ملاباشی - میرزا موسی منجمباشی - میرزا احمد حکیمباشی - میرزا محمدخان بیگلر
بیگی کیلان - میرزا موسی نایب - حسینقلیخان بیگلربیگی ارومی - عبدالله
خان بیگلربیگی کاشان و اصفهان - عبدالرحیم خان بیگلربیگی یزد - میرزا
یوسف اشرفی وزیرفارس - میرزا محمدرضی صدرتبریزی - فتحعلی خان صبا ملک
الشعراء - آقا مهدی ملک الکتاب - میرزا محمدکتاب خوان - میرزا هادی

کلانتر فارس - دوستعلی خان معیرباشی - میرزاتقی خان جواهری - آقا جانی
معمارباشی - عبداللهخان نقاشباشی .

طرف راست پائین تصویر :

میرزا محمدشفیع صدراعظم - میرزا بزرگ قائم مقام - سرگوراوزلی ایلچی
انگلیس - مسترجیمس ایلچی دوم - ملکصاحب ایلچی سوم - تیپوسلطان فرستاده
رای اعظم - حسینخان سردارآذربایجان و بیگلربیگی ایروان - محمدصادقخان
پسر حسین خان دنبلی - الکسندرمیرزا والی گرجستان - اسحق خان قرائی سردار
خراسان - ابوالفتحخان جوانشیر - امان اللهخان والی کردستان - احمد
خان بیگلربیگی مراغه - محمدخان ایروانی - امیرگونهخان ایلخانی ایل
چمشکرک - اللهیارخان قلیچی - محمدحسنخان والی لرستان - محمدحسینخان
عاشق لوقراگوزلو - نصراللهخان سردسته حاجی لوقراگوزلو - نجف علیخان
بجنوردی - محمدنبی خان ملکالتجار - محمدخان بیگلربیگی هرزهره -
علیخان سرکرده - املانخان توپچی باشی .

دومین تابلوی صف سلام که بتحقیق از روی نقاشی اصل عبداللهخان نقاشی شده و
بیا اینکه بدست خودنقاش با زسازی شده و بخارج راه یافته . تابلوی زیبایی است
که در اداره INDIA OFFICE LIBRARY محفوظ میباشد .

در این اثر از زنده که بسال ۱۲۳۲ انجام یافته ، حالات قیافه ها و رنگ آمیزی تابلو
پرمهارت و استادانه بوده و بسیار پرخلوت میباشد .

عکس رنگی این اثر که حدود ۲۳ نفر از رجال و سفرا را نشان داده ، در روی جلد
کتابی که بسال ۱۹۷۷ و وسیله DENIS WRIGHT منتشر گشته ، ارائه داده و چون
متضمن امتیازاتی از قبیل روشنی تما و بیرو رنگها بود ، در اینجا باختصار معرفی
میگردد .

تصویر شماره ۵۸

قسمت بالا در سمت راست شاه :

۱- ابراهیم خان سردارکرمان - کلاه قرمزوریش و سبیل بلند و کت و نیمچه کت ،
زمینه سفید و زرد

۲- محمدقاسمخان قاجار - کلاه بلند قرمز، ریش و سبیل بلند لباس قرمز بلند، در زیر،
روی آن، پوستین بدون آستین، زمینه زرد، خز بلند، روی گردن انداخته .

۳- محمدعلی خان قاجار قوانلو - کلاه بلند زرد - لباس زیر، بنفش رنگ - ریش
و سبیل بلند و خز بلند، بدوش انداخته است .

۴- میرزا محمدخان بیگلربیگی دولو - ریش و سبیل بلند سفید، کلاه بلند تیره ای،
لباس زمینه سبز، در زیر و پالتو، آستین بلند قهوه ای روشن، با گل های کوچک .

۵- جان محمد ایلخانی دولو - ریش و سبیل سفید - کلاه بلند مشکی - لباس زیر

قرمز - پالتو بلند تیره ای؛ گل و برگ ریز.

۶- میرزا رضا قلی منشی الممالک - کلاه بلند نارنجی - ریش و سبیل بلند - لباس قرمز رنگ، درزیر - پوستین بدون آستین، زمینه زرد و گل‌های منقش - خز بلند، بگردن انداخته.

۷- عبداله افندی ایلچی عثمانی - شبیه خواجه‌ها ریش و سبیل خیلی کم، کلاه سبز رنگ مثل عمامه بزرگ، پیراهن سفید - لباس بلند سبز، آرایش اضافی ندارد. قسمت پائین در سمت راست شاه:

۱- میرزا محمد شفیع صدراعظم - لباس بلند زمینه زرد با نقش و نگار سرخ رنگ - روی آن پوستین بلند زمینه قرمز و گل و بوته سبز و گلگون - ریش و سبیل بلند - حنائی - کلاه بلند زمینه سیر - پوست خز، بلند بگردن آویخته - جوراب قرمز. ۲- میرزا بزرگ قائم مقام - کلاه سفید و بلند - ریش و سبیل توپی سیر - لباس زیر، قرمز گلدار - رویه پوستین، بدون آستین، زمینه سفید گلدار - کمر آبی - پوست خز بلند، از گردن آویخته - کاغذی بدست گرفته - جوراب قرمز. ۳- سرگور و زلی ایلچی انگلیس و مستر جیمس ایلچی دوم و ملکم صاحب ایلچی سوم. همه این سه نفر، جوراب قرمز رنگ بلند، تازی زانو - شلوارها زرد رنگ - کت رسمی، بلند تیره جلو باز و با رنگ‌های روشن تزیین شده - پاگونها و گگردن بندها، قرمز - صورت‌ها، بدون ریش و سبیل، فقط ملکم سبیل بلند دارد. کلاه‌ها همه برنگ تیره و شکل ناپلئونی.

۴- تیپو سلطان فرستاده رای اعظم - کلاه سفید پهن - ریش و سبیل توپی - جوراب سفید - لباس بلند قرمز گلدار - چند ریشه مروارید در کنار گردن و بازوها دارد - شال آبی رنگ بلند، کمر بسته. تصویر شماره

سومین تصویر صف‌سلام فتح‌علی‌شاهی که با این پوزیسیون و در اندازه بزرگ‌تر تصویر شده، در مجموعه (THOMAS ALCOCK, Esq. OF KINGSWOOD) قرار گرفته و عکس این اثر بوسیله ROBERT HAVELL در سال ۱۸۳۴ چاپ و منتشر گشته است. عکس چاپی این نقاشی در سال ۱۹۷۷ حراجی ساتبی لندن بفروش رسید که مشخصات آن عبارت است از:

تا بلوی وسطی بالائی که اندازه آن ۳۴×۵۲ سانتیمتر می‌باشد، تصویر شاه و دوازده فرزندش را در اعتماد وی، بطرز استادانه‌ای نقاشی شده که قیافه و حالات آنها در همه تا بلوهای مشابه یکسان می‌باشند.

تا بلوی دومی که زیر پای فتح‌علی شاه قرار گرفته و اندازه ۲۵×۵۲ سانتیمتر دارد، مخصوص مستخدمین درباری است که قیافه و حالات آنها در تا بلوهای دیگر فرقه‌ای دارد. در این عکس مستخدمین مخصوص، چنین ایستاده‌اند.

۱- غلام دست بکمر زده ۲- غلام دست بکمر زده ۳- غلام سپر بدست گرفته ۴- غلام گرز بدست گرفته ۵- غلام ظرف مرصع جواهر نشان بدست گرفته ۶- غلام صراحی مرصع بدست گرفته.

در طرفین تا بلوی فتح‌علی‌شاه و دوازده فرزندش، دو تا بلوی عظیم و طولی است که اندازه آنها در این عکس ۳۳×۱۳۵ سانتیمتر می‌باشد.

در این تا بلوها رویه هم‌رفته ۹۸ تصویر ارائه شده که اساسی آنها قبلاً ذکر شده و عکس خود نقاش نیز در انتهای ردیف چپ قسمت بالائی تصویر بخوبی دیده می‌شود. این اثر عکسی، تاریخ و امضای نقاش را نداشته و اساسی نفرات نیز قید نشده است.

چهارمین تصویر صف‌سلام که در شیوه همان آرایش و قدرت قلم تصویر شده، تا بلوئی بود که در صفحه ۱۲۶ کتاب روسی طبع لنین گرا د جلب نظر می‌کرد.

این اثر دل‌انگیز که رقم نقاش را داشت، با دیگر تا بلوها قرین بود و در کنار تخته فتح‌علی‌شاه در ستون و نقوش مارپیچی داشت.

منظره درختان و برگ‌های آنها، از پشت سر شاهزادگان دیده می‌شد و بخط شکسته رقم داشت. (عمل کمترین محمد علی فی سنه ۱۲۵۰)

ولی محل و آرایش مستخدمین مخصوص که هر کدام حامل اشیائی بودند، در این تصویر، طور دیگر بنظر می‌رسید و از تا بلوهای دیگر مغایر بود.

در زیر پای‌های تخته فتح‌علی‌شاه، مستخدمین چنین قرار داشتند. از طرف راست تصویر: ۱- (حامل تیرو کمان) ۲- (حامل شمشیر) ۳- (حامل سپر مرصع و مزین) ۴- (حامل گرز جواهر نشان) ۵- (حامل ظرف مرصع و جواهر نشان)

نفر ششم در تصویر دیده نمی‌شد.

پنجمین تصویر صف‌سلام فتح‌علی‌شاهی، بنوشته کاتالوگ ساتبی در کلکسیون شخصی، بنام LORD STRATHCONA AND MOUNT ROYAL بوده که بتاريخ ۹ دسامبر سال

۱۹۷۵ بشماره ۲۹۱ بفروش رسیده است.

از طرفی در زمان ناصرالدین شاه نیز، صف‌سلام فوق‌العاده زیبایی، بسیاق دوره فتح‌علی‌شاه از رجال و مشاهیر آن دوره، توسط صنایع الملک بفرجام رسیده که تفصیل آنرا در ابوالحسن خان صنایع الملک آورده‌ام.

در زمان مظفرالدین شاه و با مر وی نیز، صف‌سلامی بعبارت و اندازه آن، توسط مهدی مصور الملک تصویر گردید که حالیه در موزه ایران باستان مضبوط می‌باشد. ۳-

زیبای‌ترین و نفیس‌ترین اثر رقم دار این استاد که در حراج ساتبی ۱۹۷۸ نصیب موزه‌های ایران گردید، تصویر تمام قد عباس میرزا بود که لباس سرخ رنگی بتن کرده و دست بکمر زده و با دست دیگر کمر بند خود را گرفته بود.

تاج مرصع و کنگره داری که در وسط پیشانی آن، جیقه جواهر نشان پره دار جلـب توجه میکرد، بسرداشت و یک ریسـه مروارید غلطان، بحمال، روی سینه نصب کرده بود. کمر بندش جواهر نشان منگوله ای بود. که خنجر مرصع خود را در آن جا داده و شمشیری که قبضه آن جواهرات گوناگون و تزئین زرفشان داشت بکمر درآویخته بود. در زمینه نقاشی، معجزه های چوبی زیبایی نقش بسته و در هوای خارج قصر و در داخل ترنجی محدود، بخط نستعلیق زیبا رقم داشت.

(شاهزاده عباس میرزا)

و در گوشه پائین تا بلوا مضاء گذاشته بود. (زدرقم بنده شه عبداله فی سنه ۱۲۲۲) ۳- از آثار آبرنگی عبداله خان، تصویر شاهزاده خانم طنا زود لر بانی بود که در داخل دایره ای نقش بسته بود. در مقابل وی، ندیمه زیبایش به حلاوت تمام تصویر گشته بود که جام شراب را بشاهزاده خانم تعارف میکرد.

پردا ز صورتها و رنگ البسه و مهارت طراحی کم نظیر بود و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت. (رقم عبداله نقاشی)

۴- از آثار منسوب به عبداله خان که شیوه تصویر سازی و مهارت نقاش را بر ملا میساخت. تصویر خیالی آقا محمد خان قاجار و فتحعلیشاه و جمع شاهزادگان در قصر سلیمانیه کرج بود که در انتهای بارعام کاخ سلیمانیه (۲) قرار داشت.

۲- در یک جنگ خطی مجموعه نگارنده که در همین سالها کتابت شده در مورد این قصر چنین مینویسد. ((دیگراز بناهای بدیع و عمارات رفیع شهر سلیمانیه است واقع در شرفرخی دار الخلافه تهران که در مجرای رود کرج طرح بنا ریخته اند و تاکنون قلعه ارکانجا مشتمل بر سراهای فلک رفعت و خانهای بهشت نزهت و قصور و بروج آسمان دستور در کمال رزانت و غایت متانت سمت اتمام پذیرفته معماران ساعی با تمام شهر مزبور با نهایت وسعت و کمال وضع شهریت ما مورند.))

۳- دیگراز تا بلوهای صف سلام نگارستان که بآبرنگ کار شده و اندازه

ساعتی متر داشت، تصویر جالبی بود که بیشک از روی تابلوی اصلی عبداله خان کپی گشته بود. صورتها و البسه افراد و همچنین رنگ آمیزی آن شیرین بود و بخط زیبای نقاش، در زیر تصویر چنین درج گشته بود.

*By their obedient Humble
servant Robt. Havell. London pub. as the directs April 4-1834
by Robt. Havell, 77, Oxford Street*

عبدالله خان مذهب - اهل تبریز و مذهب و مجلد قرآنی است که بخط اسداله شیرازی بسال ۱۲۷۰ ه. ق. کتابت شده و از نفایس کتابخانه گلستان تهران بشمار میآید.

این اثر رنگ و روغنی بعدها به دانشکده کشاورزی کرج انتقال پیدا کرده و حالیه نیز در آن محل مضبوط میباشد.

۵- از آثار ارزنده دیگر نقاش که نام خود را در بین ابیات مدرجه بروی شمشیر قید کرده، شمشیر جهان گشای نادری در موزه جواهرات ایران است که بدست عبداله خان طراحی و مینا کاری شده است.

در قبضه شمشیر، تصویر فتحعلیشاه باریش بلند مشکی ترسیم شده و در رویه های غلاف آن، رویه همرفته ۱۸۶۹ دانه الماس فلامکی، نشانده شده است. در روی دسته شمشیر این ابیات دیده میشود.

این تیغ جهانگشا که کان گهر است گردون قتال راهلال ظفر است متن این شمشیر، در سهام برگ مانند و گل و بوته الوان، تصویر شده و بعنوان زمینه، تمام رویه را در بر گرفته است. در مدالیون دیگر، تصویر نیم تنه عضدالدوله و در دیگری کامران میرزا پسر فتحعلیشاه، بزیبائی نقش بسته و در کنار هر دو تصویر، چهار خورشید تابان دیده میشود.

در آخر شمشیر، تصویر عبداله خان نقاش است که لباس قرمز پوشیده و کلاه بوقی بسر گذاشته و ریش او تویی سیاه میباشد. در کتیبه بالای سر خود چنین نوشته است.

این چهره که در طراز شاهنشاه است تمثال یکی چاکر کارگاه است تا آب بقا بنوشد از کام ملک افتاده بپای شاه عبداله است

۵۴۱- عبداله سید، سید عبداله

صاحب کارخانه هنری بود و در آن کارگاه با همکاری شاگردان و نقاشان دیگر، به تصویر و تذهیب و آرایش نقوش متنوع اشتغال داشت.

از آثار رقم دار وی که در کارخانه هنری وی ساخته شده بود، رویه جلد زیبائی بود که به تردستی تصویر شده و حواشی آن با شعار مناسبت آذین گشته بود.

در وسط جلد، صحنه پرا بهت شکار فتحعلی شاه قاجار بود که در لباس سلطنتی سوار اسب گشته و شیری را از پا درآورده بود.

در کنار پادشاه، قوش با سلطنتی ایستاده و منتظر فرمان بود. در طرف دیگر، سگهای شکاری گرازی را مستاصل کرده و آماده حمله آخری بودند.

در میان اشعار کنار و در میان دوا بر زرد رنگ، رقم داشت.

(در کارخانه سید عبداله نقاش تمام شد بتاریخ یوم جمعه سنه ۱۲۷۲)

۵۴۲- عبداله طباطبائی هروی

خطاط نامدار و شاکرد میرزا جعفر بایسنقری است که بر وایت صاحب گلستان هنر

در زرافشانی و وصالی نیز مهارت تامی داشته و تا ۸۶۷ ه.ق. در قید حیات بوده است.

۵۴۳- عبداله قاطع

قاطع قوی دست و نازک قلم و اوایل قرن ۱۰ ه.ق. بود و از یاران هنرمند سلطان علی مشهدی بشمار می‌آمد. مصطفی عالی افندی در صفحه ۶۳ مناقب هنروران، از این استاد یاد کرده و چنین نوشته است: ((از قاطعان مکمل است که در هنر خود استاد می‌باشد. در هر راه تولد و در آن شهر نشو و نمایا فته و شهرت خاص و عام دارد. فرزندوی شیخ محمد دوست قاطعی است که از پدر خود هنر قاطی را یاد گرفته و در هنر خود متمایز و قابل تحسین است))

از ظرفی در شماره ۱۱ سال سوم مجله موسیقی رقعهای بخط و انشاء سلطان علی مشهدی چاپ شده بود که متضمن عده‌ای از هنرمندان قدیمی بود و چون نام این قاطع هنرمند نیز جزو استادان بنام زمان ثبت شده بود. عیناً "در این مقال ارائه گردید. ((خداوند پوشیده نما ندکه بندگان سید نجم الدین عودی و شاه درویش نائی و شهاب دمکش و حافظ صابرق با خدام مخدوم زادگی استاد مولانا حاج مصنف و خواجه عبداله قاطع ماه پاره مجلد و سید با افشا نگر و شکری چارتای و از مقبولان ایثار بیک یینی و از وزیران خواجه ایفور و امیر زادگی قاسم بیک برلاس و طوفان بیک بها در خان و سلطان خان جلایر و از محبوبان حورنژاد شاه خانم مهر طلعت و شاه نواز خاتون نغمه سرای و قوامی صاحب صورت و دیگر خوانندگان دربار غچه نورا طبخی در میان دارند و انتظار شریف میکشند لطف فرموده توجه فرمایند.))

((بعد از رقم بندگان سیادت پناه امیر شیخ مسهل و جناب امیر ملک جوینی و خورشید خانم بزم آرا تشریف آوردند که ملک برفلک رشک دارد. عبدکم سلطان علی)) از آثار رقم دار این هنرمند قطعه نستعلیق استادانه‌ای دیدم که بمهارت و استادی تمام بریده و رویه آنرا برنگهای گوناگون آرایش داده و رقم زده بود. (قاطعها شیخ عبداله)

۵۴۴- عبداله بن محمد بن محمود الهمدانی

فرزند محمد بن محمود از اهالی همدان بود و در تذهیب و طلاکاری و کتابت خطوط متنوعه از قبیل محقق و ریحان و ثلث و نسخ دست پرمهارت و قلم شیوا داشت. از آثار ارزنده و پیرایه این هنرمند، کتابت و تذهیب شش جزو از قرآن مجید است که جهت دارالخیرات رشیدیه همدان کتابت شده و حالیه در یکی از موزه‌های مصر بیادگار می‌باشد.

این کلام اله که در نوع خود و اجد مزایائی می‌باشد، رقم دارد.

(کتابه و ذهبه ممتثلاً" الامر المطاع الداعی عبداله بن محمد بن محمود الهمدانی فی شهر سنه ۷۱۳ بدارالخیرات الرشیدیه بهمدان)

۵۴۵- عبداله بن محمود

فرزند محمود بود و از نقاشان و طراحان و کاشی‌تراشان پرابتکار اوایل قرن ۷ ه.ق. بشمار می‌آمد. از آثار رقم دار این هنرمند که بسالیان ۶۱۲ انجام یافته، کاشی‌های استادانه و پیرارزش حرم آستانه مبارک قدس رضوی در مشهد است که بدست این استاد طراحی شده و پایان پذیرفته است.

۵۴۶- عبداله مذهب شیرازی

شیرازی و نقاش و مذهب نازک قلم و کم نظیر اوایل قرن ۱۰ ه.ق. است. قاضی منشی در گلستان هنر تذهیب این استاد را ستوده و چنین نوشته است: ((در تذهیب و ترتیب سرلوحها و شمشه‌ها ید بیضا داشت، رنگ روغن را کسی بهتر از او کار نمی‌کرد. وی مدت بیست سال تمام در کتابخانه شاهزاده بهرام مقام سلطان ابراهیم میرزا خدمت نموده و از مخصوصان و معتمدان آن شاهزاده عالمیان گردید. بعد از رحلت آن اعلیحضرت ترک ملازمت کرد و به مشهد مقدس رفته ساکن گردید و آخر فراش حرم محترم آن امام عالم و هادی تمامی امور و کافه بنی آدم شد و خدمت سرقبر شاهزاده مشارالیه مینمود.))

در عالم آرای عباسی نیز، یادی از این هنرمند کرده و چنین وصف کرده است: ((مولانا عبداله شیرازی او نیز مذهب بود و در خدمت سلطان ابراهیم میرزا می‌بود. در قرب و منزلت از دیگران در پیش و از اقربان پیش بود. بعد از واقعه میرزا از جمله اصحاب کتابخانه اسماعیل میرزا گردید.))

۱- از آثار پرمایه این استاد، نسخه دیوان سلطان ابراهیم میرزا متخلص بجاهی است که جمال مشهدی خط آنرا نوشته و استاد عبداله تذهیب آنرا بعهده داشته و چنین رقم نهاده. (در مشهد مقدس انور بسعی و ملازم قدیمی نواب مغفرت پناه

سلطان ابراهیم میرزا مولانا عبداله المذهب الشیرازی

صورت اتمام یافت فی شهر سنه ۹۸۹ کتبه کمال المشهدی

غفر ذنوبه)

دیگر از آثار رقم دار این هنرمند، دو اثر شیوا و پرمایه‌ای در گالری کل ناقلی لندن دیدم که هر دو تصویر در کمال نازک قلمی تصویر گشته و در نوع خود دلربا بود. یکی از آثار، تصویر شاهزاده با اعتباری بود که در آلاچیق مزین و الوانی که پوشش پا رجه‌ای آن با انواع نقوش طلاکاری، آراسته گشته بود، نشسته و به پذیرائی از

مهمانان اشتغال داشت.

خدمتکاران و نوازندگان بخدمت سرگرم بودند و سایل عیش و نوش مهمانان را تهیه میدیدند. تصویر دیگری از این هنرمند که در صفحه مقابل آن جلب نظر میکرد. جمع مهمانان همان شاهزاده بودند که در محل مصفائی گردهم آمده به گشت و گذار و عیش و شادی اشتغال داشتند. در قسمت بالای تصویر، مردی بروی کوه سه تار میزد و اسب وی در گوشه ای بچرا اشتغال داشت. ورقم نقاش بروی یکی از سنگ ریزه ها چنین بود.

(عمل عبداله مذهب)

هر دو تصویر در کمال شکوفائی و پراعتباری تذهیب و ترصیع گشته بودند و از بهترین نمونه شیوه خراسانی بشمار میآمدند.

۲- دیگر اثر رقم دار این هنرمند که بشماره ۷۸ و در کتاب اسلامیک پینتینگ چاپ شده بود. تصویر مرد رهگذری بود که کلاه ساده نمدی بسر داشت و لباس و کفشهای بسان شیوه دوران صفوی بتن کرده و عازم مقصدی بود و بخط ریز رقم داشت.

(عمل عبداله مذهب)

۵۴۷- عبداله مذهب عثمانی

سید عبداله مذهب چابک قلم قرن ۱۲ ه.ق. عثمانی بود و در هنر خود قلم بسیار شیرین داشت. از آثار ارزنده این هنرمند، جلد مذهب قرآنی است که بسال ۱۱۴۲ ه.ق. تذهیب شده و رقم نقاش را دارا میباش.

۵۴۸- عبداله بن مصطفی

فرزند مصطفی و از مذهبان نازک قلم اوایل سده ۱۲ ه.ق. عثمانی است. از این هنرمند تذهیب قرآنی دیدم که در کمال قدرت و خلوت، آرایش و تذهیب شده و رقم داشت (عبداله بن مصطفی ۱۱۱۹)

۵۴۹- عبداله مصور

بنوشته مناقب هنروران:

((اهل خراسان و از شاگردان شیخزاده مصور خراسانی شاگرد استاد بهزاد بوده است.))

۵۵۰- عبداله مصور اصفهانی

زاده شهر اصفهان بود و در قلمدان سازی و آبرنگ دست داشت. این هنرمند در آبرنگ و رنگ و روغن و تذهیب کاری نیز شیرین دست بوده و بروایتی در حدود سال ۱۳۵۰ ه.ق. در اصفهان بدرود حیات گفته است.

از آثار وی دیده ام.

۱- تصویر مبارک حضرت علی علیه السلام را ب رنگ روغن و در اندازه ۵۰×۳۵ سانتی متر دیدم که تا حدی خوب تصویر کرده و رقم داشت.

(عبدالله مصور ۱۳۳۰)

۲- دومین اثر روغنی وی قلمدان جعبه ایست که در مجموعه نگارنده قرار دارد. در رویه قلمدان و در داخل مدالیونهای متعدد، تماویری از عرفا و درویش، از قبیل نورعلی شاه و میر معصوم علی شاه و ملای رومی را بشیرین قلمی تصویر کرده و کنارها را با مناظر دریا و کوه و دشت و صحرا آرایش داده و رقم گذاشته است.

(رقم عبدالله مصور)

۳- دیگر از آثار رنگ و روغنی این نقاش که در اندازه بزرگتر بود، منظره غدیر خم بود که پیغمبر (ص) روی چند جماعه شتر رفته و حضرت علی (ع) را به جماعت مومنین معرفی مینمود. رقم داشت. (کمترین عبدالله مصور اصفهانی)

۵۵۱- عبداله نقاش

طراح نازک قلم نقوش پارچه در قرن ۱۱ ه.ق. بود.

از آثار رقم دار این هنرمند که در کتاب شاه عباس و هنر اصفهان ارائه شده، دو تصویر امضاء دار عبداله است که یکی از آنها، منسوجی با طرح زیبایی است که در شیوه اصفهان بافته شده و ورودیک مرد فرنگی را نشان میدهد.

در این اثر، نوازندگان ایرانی، ورود مرد خا رجی را بشادی و هلهله پذیرا شده و استقبال گرمی از وی نموده اند.

تصویر دیگری که بتقارن اشرفی چاپ شده، نقش سوارکاری است که دشمن اسیر شده را بطناب کشیده و با خود میبرد. در زمینه پارچه، نقش حیواناتی از قبیل سگ و آهو و قوچ و مرغابی و روباه دیده میشود که بمهارت و نازک قلمی بافته شده و بخط کوفی و بروی قاب کمان سوارکار، رقم گذاشته. (عبدالله)

۵۵۲- عبداله نقاش سلطانی

نقاش والامقام و هنرمند پراعتبار و اواخر قرن ۱۰ ه.ق. و بغیر از عبداله مذهب بود. این هنرمند گویا در دربار پادشاهی قرب و منزلتی داشته که خود را سلطانی خوانده و در ذیل یکی از آثار بجای مانده اش بصراحت از این افتخار یاد کرده است. بیشترین آثار هنرمند، در سبک بخارائی و شیوه خراسانی انجام یافته و در بعضی موارد با خط شاه محمود نیشابوری نیز همراه بوده است. و این امر بحسب ضعیف مبین این نکته ممکن است باشد که استاد اهل خراسان یا بخارا بوده و در مشهد

مقدس نیز با شاه محمود نیشابوری خطاط معروف انیس و جلیس بوده است. آثار رقم دار هنرمند عبارت است از:

۱- تصویر دختر جوان و دلربائی بود که لباس آبی گلداری بتن کرده و دوزانودر محلی ایستاده بود. از روی کلاه مشکی اش که سبک خاصی داشت، شاخه های بلند و افشان گل های متنوع، جوانه زده و تمام تصویر را در میان گرفته بود. حواشی اثر خط شاه محمود نیشابوری بود و در گوشه چپ رقم داشت. (صوره عبدالله سلطانی)

۲- دیگر اثر ارزنده هنرمند که در توپ قا پوسرای قرار گرفته، تصویر شاهزاده جوانی است که در باغی نشسته و با دو همراه مصاحبش مشغول با ده نوشی است. منظره پر طراوت صحرا و درختان سرسبز و گلدان روجوی روان و دلربائی کوه ها و مناظر ابرها در زمینه لاجوردی تصویر، جلوه دل انگیزی دارد. شاهزاده جوان که دوزانوشسته، لباس تیره ای پوشیده و عمامه سفیدی با کلاهک سرخ، پردار بر سر گذاشته و مشغول با ده نوشی است.

دو نفر از خدمه مخصوص، مشغول تهیه غذا و کباب کردن گوشتها میباشند. در چهار پایه ای که روی آن شیشه شراب دیده میشود، مراحل اصولی پرسپکتیور رعایت شده و تا حدودی صحیح نقاشی شده است. روی ظرف بزرگتر شراب رقم دارد. (صوره عبدالله) در انتهای بالائی تصویر حاشیه طلائی، این بیت شعر دیده میشود.

ساقیامی ده که ابری خاست از خاور سفید

سرورا سرسبز شد صد برگ را چادر سفید

نقاش هنرمند، مناظر ابرها را بسان متن شعر، سفید رنگ ساخته است.

۳- دیگر آثار این نقاش که در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته، تصویر معاشرت دو جوان خوش گذران است که روی دوشکی نشسته، به راز و نیاز مشغول میباشند. حواشی این قطعه نیز با خط شاه محمود نیشابوری همراه بوده و رقم داشت. (مشقه عبدالله)

۴- از آثار دیگر هنرمند که بسال ۹۸۳ ه. ق. و در شیوه بخارائی عمل آمده، تصویر پیرمردی است که با زن زیبای چادر ببری، مشغول صحبت است. در قسمت بالای تصویر، منظره چشم نواز درختان و استواری کوهها جلب نظر میکند و این بیت شعر دیده میشود.

خواهر من میرسد اینک ز پی به ز جو من صد سربیک موی وی

در کناره بیت شعر، بخط ریز رقم زده. (عبدالله)

۵- دیگر آثار رقم دار این هنرمند که در مکتب خراسان انجام یافته، تصویر مرد و دل داده عاشق پیشه ای است که در کنار هم ایستاده و بمعاشقه مشغول میباشند.

زن جوان لباسهای بلندی که رویه آن با اسلیمی های طلائی انباشته شده بتن کرده و نیم تاج جواهرنشانی بسر نهاده و سببی بدست گرفته است.

مرد جوان لباس ولباده نیمه بلندی پوشیده و کلاه عمامه ای پره دار طوسی بسر نهاده و شادان ایستاده است. در یک مستطیل مذهب، بخط نستعلیق زیبا رقم دارد. (صوره عبدالله)

در بالای تصویر اشعاری قید شده که چنین است:

ای قدتوسرو ناز پرور دل داده قامت منسوب

گیرم که بسدره سرکشد سرو باقد تو کی شود برابر

نگرفته ببر نهال قدت از نخل امید کی خورم بر

از اشعار مدرجه ذیل تصاویر که بمناسبتی یاد شده، معلوم میشود این هنرمند در شعر نیز دست داشته و در بعضی موارد، در ذیل تصاویر قید میکرده است.

۵۵۳- عبدالله نقاش و فلز کار

طراح و رسام بروی فلزات و اهل قفقاز بود.

از آثار ارزنده و رقم دار این هنرمند، سینی گران قیمتی دیدم که از طلا و نقره و عاج ساخته شده بود. از امضاها ئیکه در رویه و پشت سینی حک شده بود، معلوم میداشت طراح و رسام آن عبدالله و سازنده آن استادی بنام محمد بوده است.

رویه بیرونی این سینی از نقوش هندسی و طرحهای اسلیمی و خطائی بهره گرفته و بطرز فریبنده ای عمل آمده بود. در دایره وسطی رویه سینی، دو حرف H و M که رویهم نوشته شده و در بالای آن تاج سلطنتی انگلستان جلب نظر مینمود، دیده میشد.

بطوریکه معلوم میگردید، این سینی از طرف اهالی قرا باغ قفقاز، جهت ملکه ویکتوریا ساخته شده، ولی بعدها بنحوی وارد بازار گشته و بفروش رسیده است.

در جنب بالای دایره وسطی، بخط شکسته زیبا رقم داشت (عمل عبدالله) و در پشت سینی و در داخل کنده کاری استادانه، بخط نسخ درج شده بود. (صانعها محمد)

۵۵۴- عبدالله نقاش هندی

از هنرمندان زمان اکبر شاه هندی (۹۶۳-۱۰۱۴) بود و در جانا نوری و چهره پردازی و منظره آرائی دستی بکمال داشت.

از آثار این هنرمند که در کتاب با برنام معروف بریتیش میوزیوم بیا دگار است، تصویر پر مهرت حیوانات شکاری گوناگونی است که در محیطی محصور گرد آورده و برای شکار با بر شاه آماده کرده اند.

در حواشی و کناره های دیوار چوبی اردوگاه، ما مورین مخصوص و خدمه شکارچی،

مشغول کوچانیدن حیوانات بداخل حصار میباشند که برای شکار پادشاه مناسب باشد. رقم دارد. (عمل عبدالله)

۵۵۵- عبدالباقی الباکوئی

نقاش اواخر قرن ۱۵ میلادی آذربایجان و اهل بادکوبه بوده که به عثمانی رفته و در آن دیار سکنی گزیده و بتصویرسازی پرداخته است. از آثار افاضه دار این هنرمند که در آلبوم شماره H. 2160 موزه توپ قاپوسرای قرار گرفته تصویر مهمتری است که اسب خورا تیمار میکند. حالت و شمایل اسب و همچنین صورت و قیافه مهتر، در کمال استادی عمل آمده و رقم دارد. (عبدالباقی الباکوئی)

دیگر از آثار این هنرمند، تصویر پادشاهی است که روی میزش گوی در روی متکا نشسته و ریش و سبیل معمولی دارد. صاحب دیگرش که قیافه مغولی داشته و سبیل کمپشتی دارد، کلاه مخصوصی بسر گذاشته و روی چهارپایه ای نشسته و پیاله شراب را به شاه تعارف میکند. رقم دارد. (عبدالباقی الباکوئی)

عبدالباقی منجم باشی در زیر نویس آمده.

۵۵۶- عبدالجبار بن حاجی علی منشی استرآبادی

در عالم آرای عباسی راجع به عبدالجبار چنین مینویسد: ((مولانا عبدالجبار استرآبادی - تعلیق نویس است در اوایل حال کسب فنون نقاشی نموده در آن فن رتبه عالی داشت مشق خط نیز کرده کتابت نویس خوب بود بسیار مرد رنگین و خوش صحبت بذله گوی شیرین زبان بود از اکابر و اعیان بصحبتش رغبت نموده فرصت کارش نمیدادند. مدتی بگیلان رفته در سلک ملازمان وندمای مجلس خان احمد و الی گیلان منسلک بود. بعد از شورش آن ملک و گرفتاری خان احمد بدار السلطنه قزوین آمده رحل اقامت انداخت. اگرچه کارخانه نقاشی

عبدالباقی منجم باشی - بعلمت مهارت در علم اسطرلاب و علوم غریبه منجم باشی دوره محمد شاه قاجار بوده که در سال ۱۲۵۳ بلقب منجم باشی منصوب و تا آخر عمر در این سمت باقی مانده است. فرمان مذکور که در مجموعه نگارنده است در متن آن چنین نوشته: ((..... درباره مشارالیه منظور انظار مهراقتباس آمده در هذه السنه بیچی ثیل خجسته دلیل و ما بعدها و اراکماکان منجم باشی دیوان قدر نشان فرمودیم لوازم و توقیر و اعزاز لازم دارند و در عهده شناسند ۱۲۵۳.

دایر ساخته بود اما اکثر اوقات خود را صرف مجلس امرا و اعیان نمود و خود بآن کار کمتر پرداختی خواهه نصیر پسرش که مانند پدر بلکه از پدر خلف یافته، نسبت استعداد نموده بود با شاگردان کار می نمودند و زیاده از دیگران با حسینی بیک یوز باشی که سرکرده سلطان حیدریان بود مربوط و مختلط بود. بنا بر آن در زمان اسمعیل میرزا از خدمت کتابخانه مهجور گشته پسرش در سلک اصحاب کتابخانه منسلک گردید. در زمان نواب سکندرشان که خان احمد بحکومت گیلان نصب شد، مجدداً ملازمت او اختیار کرده بگیلان رفت و در آن ولایت بعالم آخرت پیوست.))

۵۵۷- عبدالجبار بن علی

فرزند علی و نقاش کتابی بنام (کتاب الحشایش) است که در صفر سال ۶۲۶ کتابت شده و تصویر گشته است. این کتاب که سه نقاشی و ۵۶۳ طراحی دارد، برای ملک ابوالفضل محمد که حکمران ایالات اناتولی - دمشق - دیاربکر - ارمان بوده، تصویر و کتابت شده است. نام نقاش با رقم (عمل عبدالجبار بن علی) و تاریخ ۶۲۶ در آخر کتاب دیده میشود. این کتاب بشماره (A. 2127 (KARATARY, AY. 111, NO. 719) در یکی از موزه های ترکیه مضبوط میباشد.

۵۵۸- عبدالحسین

نقاش گمنام و قلمدان ساز شیرین رقم و اواخر قرن ۱۳ ه. ق. است. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدانی دیدم که در چهار رمدا لیون رویه آن، تصاویر زن و مرد و طفل خرد سالی بزیبائی عمل آمده و در زمینه و حواشی نیز، گل و مرغهای استادانه و شکوفائی در شیوه عهد صفوی داشت. این اثر پسنیدیده که گویا از طرحهای محمد زمان مایه گرفته بود، در کمندهای اطراف و کناره های آن تذهیب مختصر داشت و رقم نقاش چنین بود. (رقم کمترین عبدالحسین ۱۲۷۱)

۵۵۹- عبدالحسین ثابت. میرزا

فرصت در کتاب خود در مورد این نقاش چنین مینویسد: ((میرزا عبدالحسین از مردان هنری است و پیشه اش صورتگری این شعرا و اوست چون شیر خدا تور است فریاد رسی خوش باش و مکن ز حشر اندیشه بسی البته بورطه هلاکش نه نهند آنکس که بود با عث ایجاد کسی))

۵۶۰- عبدالحسین صنیع همایون

میرزا عبدالحسین که بلقب صنیع همایون معروف و مشهور گردیده، از جمله نقاشان اواسط قرن ۱۴ ه.ق. است که در صورت سازی و چهره پردازی نازک قلم و در گل و مرغ و منظره پردازی، پراعتبار و در تذهیب و آبرنگ دست پر حلاوتی داشته است. پدرش مرحوم آقا محمد کاظم، فرزند نقاش نامدار نجفعلی نقاشباشی بوده که اجداد وی سالیان متتمادی در عرصه هنری ایران خوش درخشیده و از شهرت و مقام والائتری برخوردار بوده اند. عبدالحسین جوان نیز، با ذوق خانوادگی و خدادادی در این کانون هنری مشغول هنر اندوزی و کسب تجربه گشته، بمرور زمان، در زمره نقاشان صاحب اعتبار و شیرین قلم جا گرفته است.

در ابتدای کار، از پدر هنرمندش فیض ها برده و بمرور که در بین مردم موقعیتی بدست می آورده در خدمت هنرمندان نامی، از قبیل میرزا آقا امامی و محمد باقر سمیرمی و سایر استادان که اغلب از خویشان و یاران نزدیک خانواده او بوده و شیوه و مکاتیب گوناگونی داشتند، مشغول فیض اندوزی گشته و بمرور و دقایق هنر تصویر سازی آشنا میگردد.

صنیع همایون نقاش پرکار بود و اغلب قلمدان و قاب آینه و جلد کتاب میساخت. از آثار تقریباً "زیادی که از این هنرمند دیده ام، عمده آثار پر حلاوت وی، تصاویر زیبا رویان فرنگی است که در کمال قدرت و حلاوت بروی قلمدان ظاهراً خسته و ممیّن استادی و مهارت نقاشی در امتصویر سازی میباید.

استاد عبدالحسین، بغیر از چهره سازی در پرنده سازی و منظره پردازی و تذهیب پر پیرایه نیز صاحب مکتب بود و آنرا بسیار شیوا و شاداب میکشید.

سال دریا فت لقب صنیع همایونی، نقاش نامعلوم بوده ولی آنچه از قرآئن و تاریخ آثار بجا مانده اش آشکار میگردد، موبداین نکته است که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار بدریافت این لقب مفتخر گشته و بعد از آن خود را عبدالحسین صنیع همایون نامیده است.

از زندگی و احوال بیشتر این هنرمند، اطلاع دقیقی بدست نداریم و فقط این نکته را میدانیم که این هنرمند در سال ۱۲۷۶ ه.ق. در اصفهان پا به عرصه وجود نهاده و پس از مدت ها فعالیت هنری بسال ۱۳۴۰ ه.ق. و در شصت و چهار سالگی دعوت حق را لبیک گفته و بعالم بقا شافته است.

از آثار فراوان وی چند نمونه از زنده را به داده و از ذکر جمله آثار هنرمند که در موزه ها و مجموعه های خصوصی قرار گرفته اند خود داری مینمائیم.

۱- قلمدان تابوتی بزرگی بود که در داخل مدالیون رویه اش، زن طنابز و دل انگیزی

در از کشیده و بمتکائی تکیه داده بود. خدمه جوان دیگری، در مقابل زن نشست و اما ده خدمتگزار ی بود، در دو مدالیون کنار ه وسط نیز دو دختر جذاب و دلکش به طنابی تمام نقش شده و رویه قلمدان را زیب افزا کرده بود.

در دو دماغه قلمدان تما ویری از شیرشزه را به شده بود که در حالت گرفت و گیر دیده میشدند. در کنار ه قلمدان و در داخل هشت مدالیون بزرگ و کوچک نیز تما ویری از زنان زیبا و مناظر دریا و کوه و ساختمان و تصویر چند غزال به شیرین قلمی استادانه نقش بسته بود و بخط طلائی زیبا رقم داشت.

(عبدالحسین صنیع همایون ۱۳۳۸)

۲- دیگر از آثار ارزنده صنیع همایون که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ بفروش رسید و عکس آن بشماره ۶۵ در آخر کتاب چاپ شده، تما ویر دختران دلربائی بود که نیمه عریان و در آرایش زنان فرنگی بروی قلمدان تصویر شده و در کمال چشم نوازی و استادی بود.

در زمینه اثر، منظره سرسبز درختان پر طراوت و کوهسارهای فرح افزا و از جمله تصویر چند مرغابی در پائین قلمدان دیده میشدند که بشنا و جست و خیز اشتغال داشتند و رقم نقاش در رویه قلمدان چنین بود.

(عبدالحسین صنیع همایون ۱۳۲۴)

۳- دیگر اثر پر حلاوت این هنرمند قلمدان استادانه ای بود که در مدالیون های مختلف رویه قلمدان، تما ویر دلربای زنان و دختران مه پیکر، جلب نظر مینمود.

در حواشی قلمدان و در داخل مدالیون های گوناگون نیز گل و مرغ های شیوا و نقش چند طوطی رنگا رنگ و چهار رد و شیزه زیبا نقش گشته بود که مهارت نقاش را برملا میساخت و رقم داشت. (عبدالحسین صنیع همایون ۱۳۲۹)

دیگر از آثار ارزنده و پر حلاوت این هنرمند، تما ویر پر مهارتی بود که در روی قلمدانها و جعبه های کوچک و جلد کتاب و او را ق آس با ارقام (عبدالحسین - صنیع همایون و عبدالحسین صنیع همایون) و در سنوات بین ۱۳۲۳ الی ۱۳۳۹ ه.ق. تصویر شده و در موزه ها و مجموعه های خصوصی جلوه گر بودند که بعلت کثرت و یکنواختی آثار از درج آنها خود داری میکنیم. ولی تنها اثر رنگ و روغنی رقم دار نقاش که شاید کپی خوبی ز تا بلوهای چهل ستون باشد، مجلس پذیرائی شاه طهما سب از همایون، پادشاه هند است که باندازه بزرگتر عمل آمده و رقم داشت.

(عمل کمترین صنیع همایون)

۵۶۱- عبدالحمید مذهب شیرازی

اهل شیراز و از مذهبان نادره کارا و اوا خرفوی بود که در تشعیر و تذهیب سرسوره های

قرآن و حل کاری جلدهای سوخته دست پر قدرت داشته است.

۵۶۲- عبدالحمید ملک الکلامی

خطاط با ابتکار و شیرین دست عصر حاضر و فرزند میرزا مجدالدین ملک الکلام کردستانی است که بسال ۱۳۰۲ ه.ق. در سنج چشم بجهان گشوده است. این هنرمند علاوه بر هنر خط، آب رنگ را خوب میساخت و از نقاری و حکاکی بهره وافر داشت و بعضی سرسکه‌های ضرابخانه دولتی زمان خود را اوتیه می نمود. استاد عبدالحمید، خطوط طغرائی را بسیار زیبا مینوشت و در ساختن مرکب و آهار و مهره کردن کاغذ دست استادانده داشت. این هنرمند بسال مهرماه ۱۳۲۸ شمسی وفات یافته و در تهران مدفون گشته است.

۵۶۳- عبدالحمید نقاش عثمانی

نقاش روغنی (ادرنه کاری) عثمانی، دوران سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) بود و نامش جزو هنرمندان درباری و در سنده معروف (سرنام سیزده دیه دفتری) که تفصیل آنرا در احوال شاه قولی آورده ام، ثبت شده و سازنده یک طبق کوچک و یک طبق بزرگ منقش، برای دربار سلطنتی بوده است.

۵۶۴- عبدالحی استرآبادی

نقاش پیرا اعتبارا و آخر قرن ۸ و اوایل قرن ۹ ه.ق. اهل استرآباد بود که در بغداد نشو و نما کرده و با میر تیمور گورکانی (۸۰۷ - ۷۷۱) و حدود سنوات ۷۹۵ ه.ق. بعد از فتح بغداد دبسمرقندآ آمده و به خواجه عبدالحی هروی معروف و شهره گشته است. این هنرمند در فن خود کم قرینه و صاحب کمال بود و بعلت اقامت طولانی خود در شهر بغداد به عبدالحی بغدادی شهرت یافته است. از استادان اولیه وی، خواجه تاج الدین سلیمانی و استاد شمس الدین از همه معروفتر هستند که خود از شاگردان مبرز استاد احمد موسی بشمار می آمدند. صاحب مناقب هنروران، عبدالحی را در خط و نقاشی یگانه عالم دانسته و شاگرد محمد سیمی نیشابوری یا ذکر کرده است.

در تاریخ رشیدی احوال هنرمند را چنین نگاشته:

((در قدیم الایام در سلسله خواقین هلاکوی که پادشاهان عراق اند خواجیه عبدالحی بوده است. اعتقاد اهل این صناعه آنست که وی ولی بوده است، در آخر توبه کرده هر جا که از کار خود می یافته است میشته و میسوخته، از آن جهت کارهای وی بغایت کمیاب است و در صفای قلم و نازکی و محکمی کلک در همه اوصاف تصویر مثل وی پیدا نشده است.))

دوست محمد هروی احوال هنرمند را که ملترا ز همه بیان کرده و ما آن مطالب را از روی صفحه ۱۳ دیباچه دوست محمد هروی (۱) که اول سنبله سال ۱۳۴۹ در کابل چاپ شده عیناً نقل مینمائیم.

((..... چون سلطان اویس بجوار رحمت ایزدی پیوست، استاد شمس الدین، طریق ملازمت کسی دیگر از پیش نگرفت و شاگردا و که خواجه عبدالحی بود، بضروریات معیشت او تردد مینمود و استاد مشا را لیه در منزل خود بسر میبرد و علی الدوام به لوازم عشرت و فراغت مشغولی مینمود و همت به تربیت خواجه عبدالحی میگماشت. چنانچه خواجه مشا را لیه در زمان پادشاه جمشاه فضیلت پناه سلطان احمد بغدادی دکی چهره جمالش به تربیت ارباب فضل و کمال آراسته بود، قلم تفرد و یگانگی برداشته سلطان احمد را تعلیم تصویر کرد. (سلطان احمد بغدادی ۸۱۳ - ۸۷۴))

چنانچه سلطان مشا را لیه در ابوسعیدنا مهیک موضع به قلم سیاهی ساخته، چون رایات ملک ستانی امیر تیمور گورکان پرتو خلافت به تسخیر ممالک بغداد انداخت و آن دارالسلام را روزی چند به قدوم سعی و اهتما مستقر سریر خلافت ساخت. خواجه عبدالحی را همراه عساکر گردون مآثر بردار السلطنه سمرقندآ وارد و در آنجا استاد مشا را لیه وفات نمود. بعد از فوت خواجه همه استادان تتبع کارهای ایشان کردند.

..... دیگر از شاگردان سرآمد خواجه عبدالحی پیر احمد باغ شمالی است که در زمان خودنا در بود و کس دیگر در این شیوه بروی تفوقی نمیتوانست نمود.)) بعد از فتح بغداد، امیر تیمور گورکانی، بعضی از هنرمندان طراز اول شهر را که در کار خود تبحر داشتند از جمله نقاشان و مذهبیان و خطاطان را در معیت عبدالحی بسمرقندآ آورده و در کتاخانه سلطنتی بکارگماشت.

بدین ترتیب آشکارا است که خواجه عبدالحی استرآبادی پایه گذار سبک تیموری در سمرقند است، که به همراه استادان تصویر ساز نامی دیگر، مکتب ثانی بغداد را به سمرقندآ آورده و سپس بهرات برده و بوسیله سلطان ابراهیم میرزا شاهرخی بشیراز برگشته و در آن دیار توسعه یافته است.

از استادان بعدی وی که شاگردان او نیز محسوب میگشته اند، محمد بن

۱- این کتاب که بنام (ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان) و تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هروی نام دارد. نشر کرده انجمن تاریخ و ادب افغانستان است که بتاریخ اول سنبله ۱۳۴۹ در مطبعه دولتی کابل از روی نسخه چاپی دیگری که بسال ۱۹۳۶ بوسیله آقای محمد عبداله چغتائی قیلا "در لاهور طبع شده بود تجدید چاپ شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

محمود خیا می است که در ذیل یکی از آثار بجا مانده اش چنین نوشته است .

(نقل از قلم استاد عبدالحی نقاش)

از آثار رقم دار این استاد تا کنون معرفی نشده ولی از آثار منسوب وی که بشیوه مکتب ثانی بغدادی یا هراتی کشیده شده، بتعداد خیلی کمی در دست است که قدرت قلم و مکتب هنری استاد را ظاهراً میسازد .

در بین این آثار منسوبه میشود از نسخه دیوان مصور خواجهی کرمانی که بسال ۷۹۹ ه. ق. انجام یافته و یا از تصاویر دیوان سلطان احمد که در سنوات ۸۰۸ ه. ق. اتمام پذیرفته، نام برد که بهترین نمونه شیوه هنری استاد محسوب میگردند .

دیگر از آثار منسوب وی که بحسب ضعیف از کارهای استاد عبدالحی بشمار میآیند، چند تصویر از زنده است، که یکی از آنها را با ستند نوشته ای که بخط زیبای نستعلیق در بالای تصویر دارد (از جمله کارهای خواجه عبدالحی است) از کارهای عبدالحی دانسته و در شیوه ثانی بغدادی استاد، بحساب آورده ایم .

در این تصویر جوانی در اطاق خوابیده و فرشته زیبائی از در وارد شده است . در زمینه صفحه، منظره باغ و معجز چوبی جلب نظر میکند، هشت ملائکه زیبا بسان پرندگان تیز پرواز در هوا پرواز میکنند، زمینه آبی نقاشی فوق العاده بوده و این ابیات در متن تصویر دیده میشود .

در صغر سن و زمان صبا بود در آینه و قتم صفا

دیدم از این پنجره تابناک کرده فلک روی بایوان خاک

آمده چون بدر منیر مبیام سوی من آورد ز حضرت پیام

منظره داخل خانه و فضای بیرون استادانه است . و در بالای نقاشی به خط

نستعلیق زیبا نوشته شده : (از جمله کارهای خواجه عبدالحی است)

دیگر از آثاری که تا اندازه ای شیوه و سلیقه نقاش را بیان میسازد، آثاری است که توسط محمد بن محمود الخیام که شاید از شاگردان استاد نیز بوده باشد ترسیم شده و درخور دقت میباشد . یکی از آنها، تصویر مرغابی در حال شناست که در کمال زیبایی بوده و رقم دارد .

(نقل از قلم استاد عبدالحی نقاش محمد بن محمود الخیام)

دومین اثر نقاشی که از روی آثار استاد عبدالحی نقاشی کرده، منازعه دو سوارکار رزمی است که خود و اسبان تنومندش زره پوشیده و جنگ و گریز مشغول میباشد .

قیافه سوارکاران و آرایش و تزئین اسبها، بسان تصاویر چینی است که استاد محمد سیاه قلم نیز بتحقیق از این شیوه ها اقتباس کرده و مکتب مخصوص خود را ارائه کرده است . این اثر پرمایه و تقلیدی که بی شک قدرت قلم استاد عبدالحی را نیز نمایان میسازد رقم دارد . (نقل از قلم استاد عبدالحی نقاش محمد بن محمود الخیام)

۵۶۵- عبدالحق نقاش

نگارگر خوش قلم دربار سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) عثمانی بود که در سند معروف (سرنام سیزده دفتری) که تفصیل آن را در احوال شاه قولی نقاش ارائه داده ام، نامی از این نقاش یا دشته و اجرا کننده یک دوات منقش و یک یلپاز (بادبزن) خوش نقش و نگار، برای دربار سلطنتی بوده است .

۵۶۶- عبدالرحمن مجدول

جدول کش نازک قلم و نقاش زیبا نگار دربار سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) عثمانی بود که نامش در سند معروف (سرنام سیزده دفتری) که تفصیل آن سندر را در احوال شاه قولی آورده ام، قید گشته و سازنده آثار هنری پر حلاوتی بوده که در روز عید بحضور شاه عثمانی هدیه شده و مبلغ دوهزار آچه انعام دریافت داشته است .

۵۶۷- عبدالرحمن مجلد

مجلد پراعتبار و تصویرگر نامی دوره ایلخانی (۷۵۰ - ۶۵۴ ه. ق.) است . از آثار امضا دار این هنرمند که نشانه هنر متعالی این مجلد بود، جلدی با ترنجهای زیبا و ستاره چهارپر بود که در میان گوشه های آن، نیم هلالی های زیبا دیده میشود . در بالا و پایین جلد، نیم ترنجهای بصورت آویز نقش بسته و رقم عبدالرحمن را داشت .

۵۶۸- عبدالرحمن بن محمود دامغانی

اهل دامغان و فرزند محمد نامی بوده و از تذهیب کاران و مذهبان بی قرینه قرن ۵ ه. ق. بشمار میآمده است .

۵۶۹- عبدالرحمن مذهب

بنوشته مستقیم زاده در تذهیب و آرایش تصویر و صنعت جلد سازی دست داشته و از شاگردان صالح چلبی بشمار میرفته و بسال ۱۰۹۸ ه. ق. وفات یافته است .

۵۷۰- عبدالرحمن مذهب شیرازی

اهل شیراز بود و از مذهبان نادره کارونا زک قلم و اواخر قرن ۸ ه. ق. بشمار میآمد این هنرمند بغیر از تذهیب، در صنعت خط نیز دست داشت و در ثلث و نسخ شیرین قلم بود .

۵۷۱- عبدالرزاق اصفهانی

اصفهان و از نقاشان اواسط قرن ۱۳ ه. ق. است .

این هنرمند آبرنگ را شیوا میساخت و در آن را نه چهره و شبیه پردازی شیرین قلم بود. بغیر از آبرنگ، در کارهای روغنی و فن تذهیب نیز دست داشت و خط نستعلیق را نیکو مینوشت. در اثر نسبتاً "زیبائی که از این هنرمند دیده ام، خود را مخترع نوظهور خوانده ولی اختراع خود را نشان نداده و چیزی درباره اش ننوشته است.

این اثر که انداختن ابراهیم در آتش بود، از طرز کهنگی رنگها چنین بر میآید که در زمان محمد شاه قاجار ترتیب یافته و رقم گذاشته است.

(حاجی عبدالرزاق مخترع نوظهور)

دومین اثر دلربای این نقاش را که از نزدیک دیدم و تصویر آن نیز در کاتالوگ گالری کل ناکی لندن دیده میشود، تصویر حمام زنانه ای است که حدود سی نفر زن و بچه و خدمه گرما به در حمام بشت و شو سرگرم هستند.

جماعتی از این عده داخل خزینه و گروهی داخل حوض و افرادی مشغول کیسه کشی هستند. در این اثر دلفریب که ابتکار تازه ای، در آن نقوش بکار رفته، وضع داخلی حمامهای قدیم و شیوه استحمام و وسایل تنظیف و لوازم را در نهایت دقت و وضوح ظاهر ساخته است. ستونها و طاقهای مقوس جناقی که در بالای شاه نشین حمام تصویر شده، بسیار استادانه است. نقوش تزیینی دیوارها و طاق نماها بسیار موزون دیده میشود. حواشی تصویر که بدست نقاش تذهیب شده و همچنین خطوطی که نقاش نوشته، در کمال مهارت است. رقم نقاش بین تما و ویر دیوارها و داخل ترنجهای چنین است.

(فی سنه ۱۲۶۶ فی یوم چهارشنبه دهم شهر صفر المظفر عبدالرزاق)

اشعاری که در کنار تصویر دیده میشود عبارت است از:

حناست بزل فدل بند هشته ای	یا خون عاشقیست که در بند کشته ای
حناست بر کف پای مبارکت	یا خون عاشقیست که پا مال کرده ای
اگر سر وی ببالای تو باشد	نه چون قد دلارای تو باشد
اگر خورشید در مجلس نشیند	نه پندارم که همتای تو باشد
دو عالم را یک بار از دل تنگ	برون کردیم تا جای تو باشد
بصورة آفرین اینم گمان است	که پنهان در تماشای تو باشد
سر و قدی میان انجمنی	به که هفتاد سرو در چمنی
ایکه هرگز ندیده ای به کمال	جز در آئینه مثل خویش تنی

دیگر اثر هنرمند جلدروغنی ارزنده ای است که در اندازه ۳۴×۲۳ سانتیمتر میباشد. در رویه دو طرف این جلد، مناظر رقص و شادمانی، در حضور شاه عباس و خلیفه سلطان سفیر هند و دیگری بهمان عیار، بزم شاهانه شاه عباس با عبدالمحمد خان از یک است که از روی پرده های بزمی بزرگ کاخ چهل ستون اصفهان، آرایش کرده و به تردستی از عهده برآمده است.

در این تابلو، شاه با عظمت صفوی، با مهمان عالیقدرش، نشسته و جماعت سرداران و وزراء و شاهزادگان و مهمانان در مقابل نشسته و را مشگران مشغول طرب بوده و رقاصان در وسط مجلس به پایکوبی اشتغال دارند. وضع وقیافه حاضران و البسه رنگین آنها، چشم نواز و استادانه است.

داخل جلد که در زمینه تیره و تذهیب تشعیری و ترنجهای ونیم ترنجهای گل سرخ، آرایش یافته شیرین است، و در بین کتیبه های کوچک رقم دارد.

(عمل حاجی عبدالرزاق اصفهانی ۱۲۷۶)

این اثر زیبا را به همراه جلد های گوناگونی که در ژانویه سال ۱۹۸۴ و در موزه ویکتوریا آلبرت لندن بنمایش بود، دیدار کرده که عکسهای آن نیز بشماره های ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ بعکس رنگی در کاتالوگ موزه چاپ شده است.

۵۲۲- عبدالرزاق - خواجه

سید احمد آهو چشم در دیباچه مرقع امیر غیب بیک که در زمان شاه طهماسب اول ترتیب یافته و حالیه در کتابخانه خزینه اوقاف اسلامبول مضبوط است، اثر زیبایی از نقاشی بنام خواجه عبدالرزاق دیده و در دیباچه مزبور نام این هنرمند را جزو نقاشان زیبانگار قرن ۱۰هـ.ق. یاد کرده است.

۵۲۳- عبدالرزاق نیشابوری

اهل نیشابور بود و در طلا و نقره کوبی، بروی فلزات سخت، از هنرمندان معروف قرن ۸هـ.ق. بشمار میآید.

۵۲۴- عبدالرحیم کشمیری

کشمیری و مذهب و نقاش او اواسط قرن ۱۳هـ.ق. بود و در تذهیب و ترصیع کتابها و تزیین سرلوحها دست پر قدرت داشت.

از آثار ارزنده و رقم دار این هنرمند، تذهیب و آرایش کتاب خمسه نظامی مضبوط در کتابخانه گلستان ایران است که در وسط شمشه آخر رقم دارد.

هو الفتاح (کتاب خمسه تصنیف نظامی مذهب شدی فضل حق تعالی)

(زدست آنکه نام عبدالرحیم است بود کشمیری و آنجا مقیم است)

در سنه ۱۲۵۵ با تمام رسید.

۵۲۵- عبدالرحیم طراح

طراح معروف کتابخانه دربار بایسنقر میرزا (۸۰۲ - ۸۳۷ هـ.ق.) بود و در طرح تصویر و آرایش کتابها دست پر قدرت داشت.

در عرضه داشت معروف جعفر بن یسنقری که تفصیل آن، در صفحه ۱۸۹ این کتاب یاد شده، نام این هنرمند نیز جزو طراحان عالی مقام یاد شده و چنین نوشته است: ((خواجه عبدالرحیم بطروح مجلدیان و مذهبان و خیمه دوزان و کاشی تراشان مشغول است))

۵۷۶- عبدالرحیم نقاشباشی اصفهانی

اهل اصفهان و نقاش خوش ابتکار و چابک قلم قلمدان بشمار میرفت و در مینا سازی و پخت آن نیز صاحب ذوق بود.

متاسفانه از احوال این هنرمند نیز بسان هنرمندان دیگر، در اسناد و نوشته های قدیمی چیزی نیافتیم، فقط در یک جنگ خطی قاجاری که در مجموعه دارم، در یکی از صفحات آن باختصار از این نقاش یاد کرده و چنین نوشته است.

(میرزا عبدالرحیم نقاشباشی قورخانه است)

چون تاریخ کتابت جنگ مزبور سال ۱۳۰۷ ه.ق. بود، معلوم میداشت این هنرمند در بدایت حال معلم نقاشی قورخانه بوده و لقب نقاشباشی داشته و در همین سنوات در قید حیات بوده است از آثار دلربا و ارزنده این هنرمند که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ لندن بفروش رسید، قلمدان تابوتی شیرین و خوش ابتکاری بود که ستودن داشت.

در این اثر پر پیرایه که مجلس عقد و بله بران عروسی بود، عروس خانم نیم تاج مرصعی بسر گذاشته و خود را در شیوه قاجاری آرایش داده و چهار زانو به روی دوشک نشسته بود. در کنار عروس، خویشاوندان و ندیمه ها و دوستان واقربا و مطربهای زنانه قرار گرفته و همه با انتظار خطبه عقد در تک و پوبودند. در طرف راست اطاق عروس که با پرده سرخ رنگی از هم جدا گشته بود، مجلس مردان دیده میشد که عاقد پیر مشغول خواندن خطبه عقد بود و حضار وفامیل در انتظار بله گفتن عروس لحظه شماری میکردند، رویهمرفته صحنه عروسی با ابتکار و رنگ آمیزی استادان نقاشی شده بود و رقم داشت.

(عبدالرحیم اصفهانی ۱۳۳۲) تصویر شماره ۶۳

از آثار مینائی این استاد که در مجموعه آقای کرمل القانیان قرار دارد، سرقلیان مینائی طلائی است که در زمینه گل و مرغ استادانهای عمل آمده و تصاویر زن و مرد جوانی را بشیوایی تمام، در داخل مدالیون ها نقش کرده و رقم نهاده.

(رقم عبدالرحیم)

۵۷۷- عبدالسلیم

نقاش قرن ۱۷ مغولی بود و جزو نقاشان صاحب اعتبار کتاب معروف انوار سهیلی که شرح آنرا در احوال (آننت) یاد کرده ام، بشمار میآمد.

تصویر شماره ۳۲ کتاب که رقم عبدالسلیم را در برداشت، به چابکدستی تمام تصویر شده و معرف مهارت استاد، در شیوه مغولی بود. در این اثر زیبا، سوارکار جوانی که پوست پلنگی را ربوده و به همراه می آورد، اسبش زمین خورده و گردن وی آسیب دیده بود. مناظر کوه سنگی و دودرخت کوچک سرسبز که در بالای کوه دیده میشدند، استادانه بود. سنگ ریزه های درشت و ریز، در منظره پیشا پیش نقاشی جلب نظر میکردند و بخیط سرخ رقم داشت. (عبدالسلیم)

۲- دومین اثر رقم داری که از این هنرمند دیده ام، تصویر دو جوان برار زنده و شادابی بود که کنار هم ایستاده و به هم دیگر گل تعارف میکردند. در پشت دیوار، منظره درختان سرسبز و پرطراوتی جلب توجه میکرد که در رسائی هر چه تمامتر را از گذشته ورقم داشت. (صوره عبدالسلیم)

۵۷۸- عبدالشکور

نقاش گل و بوته ساز و اخمص فوی است.

از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر گل و بوته زیبا و پرحالتی در کتابخانه گلستان ایران مضبوط میباش که رقم دارد. (عمل عبدالشکور)

۵۷۹- عبدالشکور هندی

همزمان منوهر بود و در نگارگری و طراحی و رنگ آمیزی، از تصویرگران با ذوق مغولی هند بشمار میآمد و در قرن ۱۰ ه.ق. در آن دیار به خلق آثار زیبا اشتغال داشت.

۵۸۰- عبدالصمد مشهدی

اهل مشهد و از هنرمندان اوایل قرن ۱۰ ه.ق. و معاصر سلطانعلی خطاط بود.

بنوشته مجالس النفایس:

((ملاعبدالصمد از مشهد مقدسه رضویه است. افشا نگر بخوبی او تا بنای این کار است، پیداننده اول کتابت میکرد و بعد ترک کرده و روی به افشا نگری و سیاهی سازی و رنگ کاری آورد و در آن باب اشتهار تمام یافت و اختراعات کرد.))

۵۸۱- عبدالصمد مصور شیرازی - شیرین قلم

مصورگرانقدر و نقاش شیرازی الاصل مقیم تبریز بود که در رشته های گوناگون هنر تصویر سازی، دستی پر مایه و قدرتی چشم نواز داشت.

استاد در ابتدای جوانی مکتب هنر اندوزی را، زیر نظر استادان شیرازی فرا گرفت و رفته رفته بمدارج عالی هنری نزدیک تر گردید.

بهراندازه که در کارهای هنری جلوتر میرفت، شوق باطنی و عطش نوجوانی در وی نزج میگرفت و هنرمند جوان را به تلاش بیشتری تحریص مینمود. سرانجام تلاشها، ترک دنیا را جدای بود که بدنبال این اندیشه شیراز را ترک کرده به مجمع هنرمندان تبریزی پیوست.

بطوریکه میدانیم در آن زمانها شهر تبریز مکتب پرآوازه ای بود که به سرپرستی استاد بهزاد و جمع هنرمندان دیگر، کانون طراز اولی بشمار میرفت که استادان نامدار رشته های گوناگون را در اختیار داشت. در تبریز عبدالصمد، مقام منزلت خود را با زیافت و بین هنرمندان آن دستگاه مقامی در خود تمجید پیدا نمود. تا جائیکه با میرسید علی از جنبه دوستی و همکاری تجا و زکرده به مرحله اخوت و برادری رسید و این مریدی و مرادی تا مراحل آخر عمر تداوم داشت و روز بروز شدت و قوام بیشتری نیز بدست می آورد. در این موقع همایون پادشاه هندی (۹۶۳ - ۹۴۷) یعنی در سال ۹۵۱ ه.ق. جهت سیاحت و دیدار شاه طهماسب وارد ایران شده و مشغول گردش بود. او علاقه داشت دربار خود را بسان دربار با عظمت صفوی رونق بخشیده و محفل هنرمندان سازد. و روی این اصل از میان به تبریز آمده و در جمع هنرمندان با آنها دیدار کرد و از جمله افرادی که مورد علاقه و محبت وی واقع گردید، بنوشته اکبرنامه: ((نقاش نادره کار سحر آفرین خواجه عبدالصمد شیرین قلم نیز در این مدینه فاضله به ملازمت استسعا ریافت.))

عبدالصمد بود که پادشاه هندی او را رسماً به هند دعوت کرده و مزده ترقی و تعالی را به این هنرمند نوید داد. پس از پایان سفر همایون و دیدار خدا حافظی که در شهر میانه انجام یافت. از شاه طهماسب تقاضا نمود که عده ای از مشاهیر هنرنقاشی را جهت اشاعه هنر و تعلیم هنرمندان هندی، بآن دیار رخصت سفر بدهد و اگر ممکن است این امر را جنبه فوری داده و در معیت خود همایون پادشاه انجام یابد. شاه صفوی در عین حالیکه ما خود بحیا گشته و قول انجام این سفر را داده ولی به میرسید علی و عبد الصمد اجازه این سفر را صراحتاً "مادر ننمود". بدین ترتیب صفر هنرمندان تا سال ۹۵۵ ه.ق. نافرجام مانده و به مرحله عمل نرسید. از طرفی چون استادان مزبور علاقه و محبت زاید الوصف همایون پادشاه هندی را میدانسته و حتم داشتند در دربار سلاطین مغول هندی بمقامات عالیله نایل شده و از احترام شایسته ای نیز برخوردار خواهند بود. روی این تصمیم زاهی افغانستان شدند تا خود را بدر بار همایون پادشاه نزدیک تر سازند.

بدنبال این آرزو، در تابستان سال ۹۵۵ ه.ق. استاد عبدالصمد و استاد میرسید

علی و جمعی از هنرمندان مکتب تبریزی، بدون اجازه و رخصت شاهانه انواع مرارتهای خود را بقندها رساندند. متأسفانه گرفتاری همایون پادشاه و جنگی که با دشمنان خود داشت، شرفیابی هنرمندان ایرانی میسر نگشته و بلا تکلیف در قندهار باقی ماندند. تا عاقبت بسال ۹۵۶ که همایون پادشاه فراغتی حاصل نمود، آنها را به کابل دعوت کرده و بحضور پذیرفت.

در این شرفیابی همایون شاه، مقدم آنرا گرامی داشته و دستور داد، کارگاههای مجهز و کا ملی در اختیار آنان قرار داده و در سمت ریاست و سرپرستی بر نقاشان هندی، بخدمت مشغول باشند. بدین ترتیب مکتب معروف هندو ایرانی پایه گذاری گردید و بعد از ۵ سال بداخل هندوستان راه یافت. در هندوستان همایون پادشاه، کتابخانه ای در محوطه قلعه کهنه دهلی دایر نمود که جمع سحر آفرینان ایرانی و زبده نگاران هندی، در معیت یکدیگر بخلق آثار بی همتا، مشغول گشتند.

همایون اغلب از این کتابخانه بازدید مینمود و وسایل تشویق هنرمندان را فراهم میساخت. او عبدالصمد را بسان فرزند خود می پنداشت و وسایل راحتی و تجلی مقام وی را همیشه در مد نظر داشت. لقب شیرین قلمی را در کابل با او عطا کرده بود، کما اینکه جها نگیر این امر را در توزک خود یاد کرده و در احوال شریف خان پسر استاد عبدالصمد چنین نوشته است:

((..... پدر او خواجه عبدالصمد که در فن تصویر بی بدل زمان خود بود و از حضرت جنت آشیانی خطاب شیرین قلمی یافته در مجلس همایون ایشان رتبه مجالست و مصاحبت داشت.))

بدین ترتیب معلوم میگردد، این هنرمند، بسان وزراء و شاهزادگان درباری در مجلس پادشاهی نیز صاحب اعتبار بوده و حق مجالست و مصاحبت نیز با همایون پادشاه داشته است. پس از مرگ اتفاقی همایون که نقاش هنرمند را نیز آزرده خاطر ساخت، جلال الدین اکبر بسالیان (۱۰۴ - ۹۶۳) جانشین همایون گردید و چون مثل پدر، به هنر علاقمند بود، دنباله روی کارهای وی گشته و در تعالی هنر کوشا گردید. این پادشاه که اصولاً "به هنر نقاشی متمایل بود، در زمان ولیعهدی، شاگرد عبدالصمد بوده، کما اینکه در ذیل یکی از کتابهای کتابخانه درباری بخط خود چنین نوشته: (در کابل من و پدرم هر دو تحت تعلیم عبدالصمد بودیم)

و در نسخه آئین اکبری خطی نگارنده که بسالیان ۱۱۰۰ ه.ق. نگارش یافته، علاقه اکبر شاه را به هنر تصویر سازی یاد کرده و چنین نوشته است:

((خدیو عالم (اکبر شاه) از آغاز آگاهی بدین کار دل نهاد و رواج آنرا طلبکار شد و از آن رو این جادو نگاری شگرف آرایشی گرفت هر هفته دارو غهگان کار هر کس

بنظر در آوردند با نذاز و خوبی بخشش شود از جمله خواجه عبدالصمد شیرین قلم از شیراز است اگرچه این برگرفته و درپیشه فن را بیشتر از زمان میدانست اما با کسیر منش شاهنشاهی رتبه و الیافت و صورت او روی بمعنی آورد و شاگردان او استادان آموزش او پدید آمدند ((۱))

و همچنین در این کتاب، مقام او را در سید و پنجاهی ارائه داده و از کتاب حمزه نامه تصویری که به هم کاری عبدالصمد و یاران هنرمندش مصور گشته، چنین ضبط کرده است: ((..... این حرفه (نقاشی) پایه والا گرفت و کارهای شگرف آماده گشت و فارسی نامه های نظم و نثر را پیرایه بستند و مجلس های دلگشا تصویر شد و قصه حضرت حمزه را دوازده دفتر ساختند رنگ آمیز کردند و استادان سحرپرداز، یک هزار و چهارصد مجلس را حیرت افزای دیده و روان گردانیدند، با شارت و الایکرها همگی ملازمان دولت جاوید را تصویر نمودند.

عبدالصمد فرزند و الامقامی نیز داشته که احوال وی را عینا "از توزک جهانگیری در اینجا نقل مینمائیم.

و شریف خان که از خورد سالگی

بامن گران شده و در آهام شاهزادگی او را خطاب خانی داده بودم و در وقتیکه از آله آباد متوجه خدمت والد بزرگوار خود شدم نقاره و تومار و توغ بدو مرحمت نموده بمنصب دوهزار و پانصدی او را سرفراز نموده و حکومت و ادارائی صوبه بهار و حل و عقد آن ولایت بقبضه اختیار او گذاشته بدانصوب مرخص گردانیده بودم پانزده روز از جلوس گذشته در چهارم رجب سعادت ملازمت دریافت از آمدن او خاطر بغایت فرحناک گشت چرا که نسبت بذهنگی او بمن جائیست که او را بمنزله برادر و فرزند و یار و صاحب میدانم چون اعتماد کلی بر اخلاص و عقل و دانائی و کاردانی او داشتم او را وکیل و وزیر اعظم ساخته خطاب والی امیرالامرائی که در نوکرها خطای مافوق این نباشد و بمنصب پنجهازیندات و سوار سپاه گردانیدم هر چند منصب او گنجایش داشت که زیاده برین مقرر گردد

۱- سپس در این نوشته از دست نوشته یا می کند که شرح آنرا در دست نوشته آورده ام و بعد راجع به بسا و کارهای او نوشته و او را ستوده است و بعد از آنها، اسامی نقاشان گروه هندی دوره عبدالصمد و میر سید علی را یاد کرده و چنین نوشته، گیسو - لعل - مکند - مسکین - فرخ - قلماق - مادهو - جگن - مهیش - کهمی - گرن - تارا - سالونه - هر نیش و رام سر آمدنا مورانند و اگر یکا ریک پردازد سخن دراز گردد. در انتهای این نوشته راجع به کتاب حمزه نامه نیز مختصری توضیح داده که در جای خود خواهد آمد.

و عیناً خود بعضی رسانید که تا از من خدمت نمایان بوقوع نیاید از منصب مذکور زیاده نخواهم گرفت چون حقیقت اخلاص بندهای بدو هموز بواقعی ظاهر نگشته و از بعضی تقصیرات و غلط بینی ها و اراده ناشایسته که موفقی درگاه خالق و یمنند خاطر خلاق نبود سر زده خود بخود شرمند و شرمسار بودند و با آنکه در روز جلوس تقصیرات همه را عفو نموده باخود قرار داده بودم که باز خواست امور گذشته نشود بفاصله توهمی که در خاطر از ایشان قرار گرفته بود امیرالامرا را حافظ و نگهبان خود میدانستم اگر چه نگاهبان

جميع بندها الله تعالى است خصوصاً بادشاهانرا که وجود ایشان باعث رفاه است است پدر او خواجه عبدالصمد که در فن تصویر به بدل زمان خود بود و از حضرت جنت اشیدانی خطاب شیرین قلمی یافته در مجلس همایون ایشان رتبه مجالست و مصاحبت داشت و از مردم اعیان شیراز است والد بزرگوارم بذات سید خدمت عزت و حرمت او را بسیار میداشتند *

از شاگردان معروف عبدالصمد، دست نوشته است که احوال وی را در جای خود آورده ام. دیگر از شاگردان وی، دارونت و بازوان هستند که هر دو نفر نقاش شیرین کاری بوده اند. خود همایون و اکبر و جها نگیر شاه نیز، بنوشته اکبر شاه، شاگرد عبدالصمد بوده، کما اینکه جها نگیر در تزوک بشاگردی خود معترف بوده و در صفحه ۱۸ توزک جهانگیری نوشته است:

((در کابل روزی پیش خواجه عبدالصمد شیرین قلم مشق تصویر میکردم. صورتی در قلم من آمد که جزای او از یکدیگر جدا و متفرق بود.))

عبدالصمد در رشته های گوناگون تصویر سازی، از قبیل شبیه سازی و چهره پردازی و مجالس بزمی و رزمی و جانور سازی و گرفت و گیر و ارائه کوه و دشت و دمن قوی دست بود و خط نستعلیق را نیکو مینوشت. این هنرمند در سنین آخر عمر نیز از هنر فارغ نبود و در سنین هفتاد سالگی نیز نقش تصویر مینمود. از آثار ممتاز عبدالصمد و میر سید علی و سایر یاران هنرمند هندی و ایرانی وی، کتاب معروف حمزه نامه است که بمدت پانزده سال تصویر و اما می افته است. بطوریکه در اضافات بعد از تالیف نفائس الاثار می آورد:

((در این و لامیر مذکور رخصت حج گرفته و سرکاری کتاب مذکور به استاد عدیم المثل خواجه عبدالصمد مصور شیرازی مرجوع شد و در خرج آن کفایت نمایان کرد.)) از این نوشته چنین بوی آید که پس از حج رفتن میر سید علی، مسئولیت تمام حمزه نامه بعهده عبدالصمد گذاشته شده و او در کمال قدرت و مهارت و با معیت هنرمندان دیگر بفرجام رسانده است. این کتاب در دوازده جلد با تمام رسیده و حاوی ۱۴۰۰ تصویر

بروی پارچه است که اندازه هریک ۷۶×۷۰ سانتیمتر بوده و از بهترین آثار اوایل مکتب ایران و هند بشمار می آید. باقی مانده این آثار که تا کنون ۱۵۲ مجلس آن شناخته شده، در موزه های مختلف جهان ویا کلکسیون های خصوصی پراکنده گشته است. سالهای آخر عمر عبدالصمد، در کمال راحتی و آسایش خاطر فراوان سپری شده و توام با عزت بوده است. این هنرمند بسال ۹۸۵ ه.ق. ۱۰ مین دارا لضرب فتح پور شده و بسال ۹۹۴ ه.ق. و در سنین کهن سالی، صاحب دیوان ولایت سولتان گشته است. از سالهای دقیق تولد و مرگ این هنرمند، بمثال سایر مشاهیر دیگر آن زمان، اطلاع دقیقی نداریم ولی اگر در سال ورود به هندوستان که سنه ۹۵۵ ه.ق. انجام یافته مردی ۳۵ یا ۴۰ ساله بوده باشد، در زمان صاحب دیوانی، باید فردی ۷۵ یا ۸۰ ساله باید باشد که سنین آخر عمر خود را سپری میکرده است. و اگر پنجاه سال دیگر هم زنده مانده باشد، مرگ وی بتقریب در حدود ۸۵ یا ۹۰ سالگی اتفاق افتاده و در همان سنوات نیز بجای دیگر شتافته است.

آثار رقم دار و بجا مانده وی عبات است از:

بیشترین آثار رقم دار این هنرمند در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته که عبارتند از:

۱- الف. تصویر مرد عمامه بپوشی است که به همراه اسب خود در صحرای پیش می رود. حالت و خوش تراشی هیکل اسب ستودنی است. در زمینه دور دست تصویر، منظره کوه و تک درخت تنومند جلب نظر میکند و در پشت کوهها خانه های دیده میشود که مردی داخل آن نشسته است.

در فضای زرد گونه زمینه رقم دارد. (عبدالصمد شیرین قلم) صفحه ۱۵۱ مرقع گلشن
۲- ب. تصویر درویشی است که در کمال بیداری و هشیاری نقش کرده و گویا الهام پرمعنی نقاش از اشعار سعدی است که با ستادی ظاهرا سخته ورقم گذاشته.

(بنده شکسته رقم عبدالصمد شیرین قلم)

۳- پ. مینیا تور شیرین و زیبای دویا ر جلیس و همدم است که در کنار درخت سرو بلندبالائی نشسته، یکی نقاشی میکند و دیگری ساز میزند.

منظره باغ و کوه و درختان فوق العاده است و در مقابل منظره قیافه نحیف مجنون را رسم کرده که روی تکه سنگی نشسته و حیوانات گوناگون بدور وی جمع آمده اند.

رقم دارد. (عمل نوروزی که در نیمروز ساخته شد ۹۵۸ مولانا عبدالصمد)

۴- ت. تصویر مجنون با حیوانات وحشی است که بصحرا جمع گشته و در گوشه دیگر، تصویر جوانی است که دهنه اسب را گرفته و از حیوان محافظت میکند. رقم دارد.

(عمل نوروزی مولانا عبدالصمد که در نیمروز از صبح تا وقت استوا ساخته ۹۶۵)

۵- ث. دیگر از آثار هنرمند در این کتابخانه، تصویر رجال معروف هند از قبیل مظفرخان و نظرکوالیالی و قبا حاش است که در کمال شباهت تصویر شده و رقم دارد. (عمل بنده درگاه عبدالصمد)

۶- از آثار رقم دار این هنرمند که در آلبوم جهانگیر واقع شده تصویر زیبایی است که کناره آن بحل کاری زیبایی آرایش یافته و در بالا و پایین آن، دو سطر شعر بخط نستعلیق زیبا درج گشته است. در سطر بالا نوشته شده:

بمیدان دانش بر اسب هنر نشین و به بند از ستایش کمر
و در پائین صفحه قید شده:

و فاتر کن در عرادی بیوش کمان از خرد ساز و خنجر ز هوش
در میان حل کاری کناره ها تصویر بسیار کوچک پرندگان زیبا ارائه گشته که خود مهارت نقاش را بخوبی آشکار میسازد.

در متن تصویر اشعار معروف جلب نظر میکند که نوشته:

شنیدم که جمشید فرخ سرشت بسرچشمه بربستگی نوشت
نقاش از این شعرا لها م گرفته و شاهزاده جمشید را در میان صخره کوه نشان داده که روی سنگی مینویسد:

در این چشمه چون مابسی دم زدند برفتند و چون چشم برهم زدند

درینا که بی مابسی روزگار بروید گل و بشکفتد نوبهار

و جماعت همراهان در مقابل ایستاده، به جمشید نظاره مینمایند. قیافه و حالت متفکرناظرین و البسه پرزیب و زینت حاضرین و عظمت صخره های کوه و جلالت و شادابی درخت تنومند که در انتهای تصویر ارائه گشته، مبین استادی و مهارت نقاش در امر تصویر سازی میباشد. در زیر ابیات مدرجه بالای تصویر، بخط زیبای نستعلیق رقم دارد. (صوره عبدالصمد شیرین قلم فی کبر سن) موافق ۹۹۶

۷- دیگر اثر عبدالصمد در آلبوم جهانگیر که حالا در لوس آنجلس و در کانتی میوزیوم قرار دارد، صفحه دیگر و مقابل همان تصویر سابق است که کناره ها بهمان طرز و همان مهارت حل کاری گشته و در بالا و پایین تصویر، این ابیات بخط نستعلیق زیبا درج شده است.

چون روان شد شاه شیر افکن بهنگام شکار

از برای شیر گشتن گشت بر آهو سوار

کیقباد مملکت کز بندگان نش هر یکی

رستمی آمد ز بهر کوری اسفندیار

و در داخل متن تصویر، این ابیات دیده میشود.

من کیستم عنان دل از دست داده / از دست دل براه غم از پا افتاده
 دیوانه وار در کمر و کوه گشته / بی اختیار سر به بیا بیا نهاده
 پیرم ز فکر اندک و بسیار فارغیم / هرگز نگفته ایم کمی یا زیاده
 این مینیا تور زیبا که صحنه شکار شیر را مجسم میکند، شاهزاده و همراهان، سوار بر اسبها شده و در وسط شکارگاه با انتظار دیده میشوند. یکی از شکارچیان تور مخصوصی، جهت بدام انداختن شکار، کا رگذاشته و منتظر فرصت است.
 عظمت صخره های کوه و محیط سرسبز شکارگاه و قیافه و تزئین البسه شاهزاده و شکارچیان در خور تمجید بوده و موید هنرمندی نقاش است.
 در جلوتصویر، یکی از شکارچیان بحالت بزائون نشسته و تفنگ بلند و حایل داری را تنظیم کرده و آماده تیراندازی است.
 رقم نقاش و همچنین تاریخ ۹۹۹ ه.ق. در کنار ابیات شعر بخط ریز دیده میشود.
 دیگر آثار ارزشمند هنرمند، تصویر اکبر شاه و همایون است که همایون در طبقه بالا قرار گرفته و نوازندگان و خدمتکاران در کنار وی دیده میشوند.
 از پله های باغ، بطبقه دوم غذا میبرند و درخت بزرگی که به استادی نقش شده، منظره دلپذیری دارد. درپائین نیز، اکبر شاه با دوستان و رفقای خود نشسته و به عیش پرداخته است.
 در بیرون قصر، اسبان خوش تراش و خدمه های نگهبان و یک تازی زیبا دیده میشود. تذهیب و آرایش تصویر، در کمال نفاست است و بخط نستعلیق زیبا، در میان ابیاتی که نام پادشاهان قید شده رقم دارد.
 شبیه شاه همایون و شاه اکبر را نگاشت خامه عبدالصمد ز روی هنر نمود تصویر آنکه تمام این مجلس بصحفه که نماید بشاه شاه اکبر تصویر خود نقاش نیز که گویا در حیات خانه نشسته و با یکی از افراد پادشاهی صحبت میکند، دیده میشود که قلمدان و دفتری بدست داشته و روی زمینه زرد رنگ دفتر نوشته :
 (الله اکبر عبدالصمد شیرین قلم)
 ۹- مینیا تور ارزشمند دیگر این استاد، تصویر جوان مهتری بود که از اسب نگهداری مینمود. پوشش و گرمکن اسب مزبور، بسان پتوی کلفتی بود که راه راه سیاه و سفید داشت. استواری و تناسب هیکل اسب و همچنین تصویر مهتر جوان استادانه بود و بخط تحریر رقم داشت. (عمل عبدالصمد)
 ۱۰- دیگر از مینیا تورهای ارزشمند هنرمند، تصویر درخت پنهانوری بود که به عظمت تمام در کنار کوههای عظیم و سربلک کشیده بیا بیا، جلب نظر مینمود.
 در افق دور فضای آسمان، مرغان سبکیالی در گروه دسته جمعی پرواز مینمودند.

درپائین تصویر، چادری بود که عده ای در داخل آن استراحت میکردند. دوشتر و چند راس اسب در کنار ره دیده میشد.
 مرد درویشی که گویا حالت جذبه و خلسه با و دست داده بود بمصداق این بیت شعر که در بطن تصویر درج شده :
 (گفتم این شرط آدمیت نیست - مرغ تسبیخ خوان و من خاموش)
 در حال راه رفتن بود و تنها پیراهن خود را در سینه چاک میداد.
 و در گوشه پائین سمت چپ رقم داشت. (بنده شکسته رقم عبدالصمد شیرین قلم)
 ۱۱- اثر دیگر هنرمند، تصویر دستگیری شاه ابوالمعالی بود که توسط تولک خان قوچی یا قوچی انجام یافته و بیلا دچا رگشته بود و رقم داشت.
 (عمل خواجه عبدالصمد شیرین قلم)
 ۱۲- دیگر آثار زرین قلم تصویر دختر جوانی بود که لباس خوش رنگ و خوش حالتی بسان هندیان داشت و خلوت چهره و زیبای افزائی لباسها در خور تحسین بود و ورقم داشت. (کمترین عبدالصمد زرین قلم)
 ۱۳- تصویر ارزشمند دیگر هنرمند که در نمايشگاه سال ۱۳۴۵ ش. از مجموعه آقای غلامعلی سیف ناصری در سالن شرکت نفت دیدم.
 ترسیم دسته جمعی عده ای از شعرا و دانشمندان و در اویش بود که در نور کم رنگ شبانه دور هم به گرد آتش جمع شده و مشغول بحث و مذاکره بودند.
 این اثر نیز، بعبارت سائر آثار هنرمند، بقوی دستی و در کمال نازک قلمی ارائه شده و رقم داشت. (عبدالصمد زرین قلم)

۵۸۲- عبدالعزیز بن استاد شرف الدین تبریزی

از نگارگران و حکاکان خوش قلم روی فلزات حدود قرن هشتم هجری است.
 از آثار رقم دار و نفیس وی که جام فلزی پایه دار برنزی است، در اسلیمی های گوناگون، تصویر و حکاکی شده و با خطوط زیبای ثلث و کوفی تزئینی، آرایش شده است. عکس سیاه و سفید این اثر که اصل آن در موزه ارمیتاژ لنین گراد است، در کتاب ART OF ISLAM چاپ شده و رقم استاد که خوشبختانه در عکس نیز نمودار مییابد، چنین است :
 (عمل عبدالفقیر الی الله الغنی استاد عبدالعزیز بن استاد شرف الدین تبریزی)

۵۸۳- عبدالعزیز کاشانی

کاشانی الاصل و فرزند عبدالوهاب کاشانی است که در هنر خود شهره بوده و در چهره پردازی و منظره سازی قلم پر قدرت داشته و از نقاشان کتابخانه شاه طهماسب اول

صفوی (۹۸۴-۹۹۳ ه. ق.) بشمار میآمده است.

قاضی احمد در کتاب خود با اختصار از این نقاش یا دگر کرده و نوشته است:

((خواجه عبدالوهاب و پسرش خواجه عبدالعزیز از کاشانند، در امتصویر بیقربینه بودند، شاه جنت مکان رضوان آشیان عبدالعزیز را شاگرد میخواندند و تعلیم تصویری از آن پادشاهی شبه و نظیر داشت، خواجه عبدالعزیز در خدمت اشرف قرب تمام داشت، در آخر با جمعی از ناقصان و جاهلان همزمان شده مهر شاه با رگها را تقلید نموده بدان سبب گوش و بینی بر باد داد.))

صادقی بیک در مجمع الخواص احوال وی را بیشتر نوشته و چنین آورده است:

((از کارمندان کتابخانه شاه مرحوم بود، در فن تصویری و نقاشی شاگرد استاد بهزاد است. میگفت، از کارهای استاد بهزاد آنها را که خوب است یا دگر گرفته ام یعنی بد هایش را تتبع نکرده ام. بدون مبالغه شخصی ذوقن بود و نقش بندی نیز میدانست موقعی که میرزا محمد فرزند خواجه قباح جراح در عنفوان حسن و جمال بود، با یک دوتن از نقاشان خاصه شریفه او را بر میدارند و عازم هندوستان میشوند، در اثنای راه مهر شاه مرحوم را تقلید کرده یک برات صد تومان با اسم ارباب خود میسازند.

وقتی که این وجه چهار دانگ و دودانگ وصول میشود، قورچی و میعاد میدوند و خواجه مذکور را با مولانا علی اصغر گرفته بدرگاه شاه میآورند. در آن اثنای که شاه مرحوم میخواست از کشتنشان بگذرد و گنا هشان را ببخشد، خواجه قباح سر اسیمه از اندرون بیرون میآید و میگوید دستور ما در شد که بینی و گوشهای خواجه عبدالعزیز و مولانا علی اصغر را ببرند و این حرف بیدرنگ بموقع اجرا گذاشته میشود، سپس در سایه نقاشی برای خود یک بینی ساخته بود که از بینی حقیقی خیلی بهتر بود.

موزون هم بود و گویا این بیت را مناسب حال خود گفته است.

نه میکشند و نه زد دست میگذازندم - دماغ کار ندارم چه کار دارم

در مرقع امیرغیب بیک که در زمان شاه طهما سب اول ساخته و پرداخته و حالیته در خزینه اوقاف اسلامبول نگهداری میشود. چنداثر زیبا از این پدر و پسر دیده شده است.

بنوشتی که در زیر آثاری خود قید کرده. (صوره کمینه شاگرد استاد بهزاد عبدالعزیز) معلوم میدارد از شاگردان آن استاد دعا لیک قدر بوده و بروایت صادقی بیک، خوبهای استاد بهزاد را یا دگر گرفته و بد هایش را تتبع نکرده است.

از شاگردان و همکاران معروف وی، استاد کمال مصورکاشی و میرزا محمد اصفهانی بودند، که خود استادانی صاحب مقام بشمار میرفتند. این هنرمند علاوه بر چهره پردازی و منظره سازی، در تصویر گل و گیاهها و منظره دشت و دمن و حتی در تذهیب و تشعیر نیز قوی دست بود و در خط و تقلید آن، قلم پر قدرت داشت.

از آثاری دیده ام:

۱- از آثاری از زنده این هنرمند که در نمایشگاه بریتیش میوزیوم از نزدیک دیدم و اندازه آن ۱۲/۵ x ۲۰/۲ سانتیمتر بود، تصویری پسر میرزا محمد قباح بود که چهره پردازی استادانه داشت.

این مرد، که گویا پسر همان خواجه قباح جراح باشد که بینی استاد را بریده بود، قدی بلند داشت و حدود چهل ساله بنظر میرسید. او بسیار هندوان عمامه بپوشید و لباس بلندی پوشیده و قمه کوچکی بر زینش کمر داشت. و کاهذی که بدست گرفته بود، این جملات بخط نسخ زیبا بروی آن دیده میشد.

(یا مالک الملک عمل استادی نادر العصری خواجه

عبدالعزیز شبیه پسر میرزا محمد قباح)

در بالای اثر، بخط زیبای نستعلیق درج شده بود:

(عمل استادی نادر العصری خواجه عبدالعزیز شبیه پسر میرزا محمد قباح)

۲- دیگر اثر منسوب با این هنرمند که در نمایشگاه مذکور دیدم و عکس سیاه و سفید آن در صفحه ۱۰۲ کاتالوگ موزه مزبور چاپ شده بود. تصویری از شاه طهما سبی بود که در کمال خلوت جلب نظر مینمود. در این اثر زیبا، اردشیر بروی تخت نشسته بود و رجال و ندیمان و شاهزادگان در اطراف وی قرار گرفته بودند.

دو نوازنده چنگ و دف، در مقابل تخت دیده میشدند و چند خدمه مخصوص مشغول خدمت بودند. حالات حاضرین و چشم نوازی البسه و تذهیب و تشعیر تخت پادشاهی، جالب بود و در کنار و حواشی تخت، این ابیات بخط ریز جلب نظر میکرد.

ای صاحب بزم و حشمت و جاه و جلال - وی جای تو بر تخت و جوانی و کمال

یار بر نرسد به تن و ذات تو زول - بر آنکه شد صورت حال

۳- از آثاری منسوب دیگر استاد عبدالعزیز که تصویر رنگی آنها در صفحات ۱۶ و ۴۸ کتاب ROYAL PERSIAN MANUSCRIPTS بنظر میرسد.

یکی از تصاویر، نقش پر خلوت زال فرزند سام است که عریان و با موهای سفید سر، در بالای کوه نشسته و به سیمرغ عظیم الجثه ای که پلنگ و آهورا بچنگ و دندان گرفته نظاره میکند. زیبایی و چشم نوازی و عظمت کوهها و خلوت و الوانی بالهای سیمرغ و قیافه و حالات نظار که زال را به هم دیگر نشان میدهند، قوه تخیل و قدرت دست نقاش را به نیکوترین ترتیبی برملا میسازد.

دیگر اثر منسوب با این هنرمند که در صفحه ۱۱۶ این کتاب ارائه شده و برگری از کتاب هفت اورنگ جامی است. تصویر شاهزاده ای با یاران است که در آلاچیق زیبایی وسط باغ نشسته و مشغول عیش و طرب میباشند. تذهیب سایه بان و صحن باغ و نقش درختان و گل و گیاه بسیار استادانه است.

۴- از آثار ارزنده دیگر این هنرمند که در موزه توپ قاپوسرای ترکیه از نزدیک دیدم، اثری در مربع شاه طهمااسب بود که اندازه $۸/۵ \times ۱۸/۵$ سانتیمتر داشت. در این اثر پرملاحت، شاهزاده جوانی که لباس سرمه‌ای خوشرنگی بتن داشت، لباده قرمز پوشیده بود و در دستها، دستمال آبی و گل رنگین داشت.

کلاه وی بشیوه قزلباشها پره‌دار با لوله قرمز بود و صورت وی حالت شاداب و زنده داشت. زمینه نقاشی صورتی بود و تذهیب‌های اسلیمی و گل اناری در شاخه‌های بلند جلب نظر مینمود. در گوشه چپ زیر، بخط نستعلیق رقم داشت.

(صوره کمینه شاگردا ستا دبها دخوا جه عبدالعزیز)

حواشی اثر، زمینه لاجوردی بود و منظره درختان پر شکوه و تصویر چند دیو که هر کدام بکاری مشغول بودند و همچنین تصویر حیوانات مختلف، دیده میشدند.

دیگر اثر عبدالعزیز که رقم نداشت و در قرینه اثر رقم دار مذکور دیده میشد، تصویر زیباروی جوانی بود که اندازه $۸ \times ۱۷/۵$ سانتیمتر داشت.

زن مزبور، چادر نازک آبی رنگ بسر کرده و زیر آن لباس بلند سرخ رنگ بتن کرده بود که رویه آن گل‌های اسلیمی و اناری داشت.

حواشی اثر، ابیاتی بخط نستعلیق و تذهیب شیوا داشت که یکی از آنها چنین بود: روای صبا و بگویار دبستان مرا - که وعده‌های دروغ تو سوخت جان مرا

۵۸۴- عبدالعزیز - مذهب

مذهب زبردست و نازک قلم او اواخر قرن ۶ ه.ق. بود.

از آثار این هنرمند، تذهیب قرآنی دیدم که در کمال قدرت و چابک قلمی انجام یافته و رقم داشت. (کتابه و ذهبه صغر عباد اله تعالی عبدالعزیز بن ابی الغنائم بن ابی الفضائل الکاشی ختم الله به بالحسینی حامدا "للعالی و مصلیا علی محمد و آله فی شهور سنه ۷۰۳)

تذهیب صفحات اولیه قرآن، مذهب و مرصع هشت ضلعی و زمینه نقره‌ای ها شوردار داشت و بطرز نامهارتی انجام یافته بود.

۵۸۵- عبدالعزیز مراد

مصور و مذهب خوش قلم دوره ازبکان شیبانی بوده و در هنر خود دست با حلاوت داشته است.

۵۸۶- عبدالعلی - مجلد

نقاش و جلد ساز پرمهارت دربار سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶-۱۵۲۰م) عثمانی بود که نام وی در سند معروف (سرنامه سیزده دفتری) که تفصیل آنرا در احوال شاه

قولی یا دهنموده ام، ضبط شده و اجرا کننده جلد منقش و مصوری بوده که بحضور شاه عثمانی، بروز عید هدیه گشته است.

۵۸۷- عبدالعلی بن محمد الجزائی - اسطرلاب ساز

از طراحان و رسامان نقوش هندسی و تزیینی روی فلزات بود و در ترسیم و گرده سازی و کنده کاری بروی اسطرلاب‌ها دست پرتوان و دقیق داشت. از یگانه آثار ارزشمند این طراح فلزکار، اسطرلابی است که با همکاری برادر خود بنام محمد باقر، جهت شاه سلطان حسینی صفوی تهیه و تقدیم شده است. این اسطرلاب که در نهاییت دقت و مهارت صور نجومی، ساخته شده و حالیه در بریتیش میوزیوم قرار گرفته رقم دارد. (صنع اقل الطلبه عبدالعلی بن محمد الجزائی نمقه اقل الطلبه اخ المانع محمد باقر ۱۱۲۴) در رویه اسطرلاب چنین نوشته:

(بموجب فرمان قضا جریان سلطان سلاطین زمان سید خواقین دوران پشت و پناه اهل ایمان ولی نعمت عالم و عالمیان مدار سپهر دولت و عدالت قطب ملک اعظم عظمت و جلالت اختر درخشان اوج گیتی ستانی قهرمانان اوسط السماء جهان بینی شاه سلطان حسین صفوی موسوی حسینی مد الله تعالی ظل معدله علی رؤس الانام مدی اللیالی والایام این اسطرلاب تا صورت انجام یافت فی شهر شعبان ۱۱۲۴) دیگر از آثار این هنرمند که با همکاری برادرش محمد باقر انجام یافته و حالیه در موزه شهروین قرار دارد اسطرلاب پرمهارتی است که در آخرین دوا بر رویه اسطرلاب رقم گذاشته.

(صنع اقل الطلبه عبدالعلی)

و در محل دیگر قید شده (نمقه اقل الطلبه محمد باقر)

۵۸۸- عبدالعلی مذهب

میرزا عبدالعلی خلف مرحوم میرزا رضا مذهب اصفهانی است.

عبدالعلی در فن تذهیب قادر و در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار مذهب باشی اصفهان بوده است.

سنگلاخ خراسانی در کتاب قطور خود چنین مینویسد:

((بغیر از فن تذهیب در رنگ آمیزی و شبیه سازی کارش از حد گذشته و به معجزه پردازی رسیده است)) از آثار شناخته شده این هنرمند، تذهیب و تشعیر حواشی کتاب عظیم سنگلاخ که در احوال خط و خطاطان است، و حتی تصویر سیاه قلمی خود مرحوم میرزا سنگلاخ را که در اول کتاب چاپ شده، اثر دست این هنرمند بوده و تاریخ ۱۲۹۱ را دارا می باشد.

۵۸۹- عبدالغفار

نقاش گمنام اوایل قرن ۱۳ ه.ق. بود و در رشته مینا سازی نیز دست پرآرایش داشت. از آثار رقم دار و زیبای وی، تصویر گل و مرغی مینائی دیدم که رقم داشت. (عبدالغفار ۱۲۱۴)

۵۹۰- عبدالغفار- استاد کمال الدین

بنوشته دوست محمد هروی در دیباچه بهرام میرزا، نقاش پرکا ر و صورت پرداز ماهر بوده و بنا ما استاد کمال الدین عبدالغفار در حد خودیگا نه و فرزا نه بوده است.

۵۹۱- عبدالغفار- اسطراب ساز

طراح و اسطراب ساز شهرارومیه بود و در هنر خود دست زیبا نگار داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، اسطرابی پریزب و زینت دیدم که در رویه آن نوشته شده بود. (هو الله تعالی - حسب الامر بندگان عظیم الشان مرکز دایره نصرت و اقبال و قطب منطقه فتوت و اجلال عطا ده آفتاب شوکت و منظره ارتفاع حشمت نواب علامت مدار اما مقلی خان قاسملوی افشار بیگلربیگی ارومی در بلده مذکوره به تاریخ شهر رجب المرجب من شهر سنه خمس و تسعین و ما ته بعدا لالف اتمایافت.)

۵۹۲- عبدالغفار طباطبائی نوری

سید طباطبائی و اهل نائین است که در رشته آبرنگ و رنگ و روغن و تصاویر پر پشت شیشه‌ای مهارت داشته است.

از آثار بجا مانده این هنرمند که بسال ۱۹۷۶ و در حراج کریستی لندن بفروش رسید، تصویر دختران رقاصه‌ای بود که دست در دست هم دیگر نهاده و برقص و پایکوبی سرگرم بودند. رقاصه‌ها البسه پریزینی بتن داشتند و با نواع جواهرات خود را آرایش داده بودند.

یکی از آنها کلاه مروارید دوزی بسرداشت که در وسط آن تاج پرداری نیز علاوه گشته بود، در گوشه تالار، دسته گل پرطراوتی در گلدان جا گرفته و در انتها پرده ایوان و ستونهای سفیدخانه جلب نظر مینمود. در بالا بخط نستعلیق رقم داشت.

(رقم کمترین قاضی نائینی عبدالغفار طباطبائی نوری ۱۲۰۰)

دومین تصویر رقم دار این هنرمند، تصویر رقاصه‌ای فتان در رنگ و روغن بود که با البسه دوره زندیه ملبس بوده و خود را به زر و زیور و جواهرات گوناگون آراسته بود. این اثر در خشنده که یکی از بهترین کارهای هنرمند بود، بخط نستعلیق رقم داشت. (رقم کمترین عاصی نائینی عبدالغفار طباطبائی نوری ۱۲۰۱)

۵۹۳- عبدالفتاح- طغراکش

طغراکش زبردست و حکاک و سرسکه کن او اواسط قرن ۱۳ ه.ق. بود که در هنر خود دستی پرظرافت داشت و خط نستعلیق و طغرائی را خوب مینوشت. طغرای پر قدرتی از این هنرمند دیدم که اسامی اصحاب کهف را به طلای ناب و شیوه طغرائی ترسیم کرده بود و رقم داشت. (کتابه عبدالفتاح ۱۲۶۲) از آثار خطاطی دیگر این هنرمند، لوحه‌ای درجامع عالی شهر بوسا قرار گرفته که امضاء دارد. (کتابه عبدالفتاح سرسکه کنان ۱۲۷۷) از رقمی که در ذیل این خط گذاشته، معلوم میگردد این هنرمند سرسکه و همچنین طغرای غروش‌های عثمانی را که در کمال قدرت ترسیم میشده، بدست پر قدرت این هنرمندانجا مینوخته است.

۵۹۴- عبدالفتاح مذهب شیرازی

اهل شیراز و از مذهبیان نازک قلم قرن ۱۰ ه.ق. آن سامان بشمار میآمد.

۵۹۵- عبدالکریم- مجلد

مذهب و مجلد گمنام او اواخر قرن ۱۳ ه.ق. عثمانی است. از آثار رقم دار این هنرمند، جلد مزین و زیبائی در موزه توپ قاپو قرار گرفته که رقم دارد. (مجلد عبدالکریم ۱۲۷۰)

۵۹۶- عبداللطیف ضنیع همایون

قلمدان ساز شیرین کار او اواسط قرن ۱۴ ه.ق. است که در گل و مرغ و جانور سازی دستی خوش پرداخته داشته است.

قلمدان گل و مرغی خوش طرحی از این نقاش دیدم که بشیوه آقا ابراهیم ترسیم گشته و رقم داشت. (عمل کمترین عبداللطیف ضنیع همایون ۱۳۴۱)

۵۹۷- عبدالمحمد میرزا جانی

نقاش آبرنگ ساز و سیاه قلم دوره زندیه و اوایل قاجاری بود و در هنر خود سلیقه نیکو داشت. از این هنرمند دو اثر زیبا دیدم که پسندیده بود. یکی از آنها، تصویر گل و مرغی شیوا با آبرنگ بود که رقم داشت: (کمترین عبدالمحمد) و دیگری که بهمان سیاق اولیه ترسیم شده و رنگهای خوش داشت، دسته گل پرآرایی بود و رقم نقاش چنین بود: (کمترین عبدالمحمد میرزا جانی ۱۲۰۵)

۵۹۸ - عبدالحمود

نقاش دوره ناصری و مظفرالدین شاهی بود و در نقش تصویرها دست داشت. فرزندوی شکراله صنایع زاده است که از هنرمندان معاصر بشمار می آید.

۵۹۹ - عبدالمطلب - مطلب

فرزند میرزا حسین اصفهانی است که بنا به میهای مطلب خان و میرزا عبدالمطلب خان مستشار پستخانه معروف بوده است. تصویر شماره ۶۴ در دوران صباوت از اصفهان به تهران آمده و زیر نظر استادان فن به تکمیل هنر پرداخت. در ابتدا قلمدان سازی میگرد و گاهی آب رنگ نیز میساخت. چون علاقه خود را بر رنگ و روغن زیا دتردید، با بین شیوه رو آورد و مورد توجه واقع شد. در سال ۱۲۷۵ ه. ق. به همراهی میرزا حسین خان مشیرالدوله و میرزا علی اکبر خان مزین الدوله جزو ۴۲ نفر شاگردان انتخابی، بفراتسه رفت و در آنجا به علاقه تمام به نقاشی پرداخته و در سبک کلاسیک صاحب کمال گردید. بنوشته مرحوم با مداد:

پس از با زگشت بایران که نقاش قابلی شده بود استفا ده ای بعمل نیامد، تا اینکه در پستخانه مشغول کار شد و بنا به میهای مطلب خان مستشار پستخانه بود. در سال ۱۳۰۱ ه. ق. بنا به میهای مطلب خان مستشار پستخانه بود. در سال ۱۳۰۸ ه. ق. میرزا مطلب خان شد و در سال ۱۳۰۹ ه. ق. هم منصب سرتیپی علاوه گشت و از این تاریخ میرزا مطلب خان سرتیپ نامیده شد. در سال ۱۳۱۲ ملقب به مستشار الوزاره شد و در سمت های خود باقی بود، لیکن همیشه در میان مردم معروف بود به مستشار پستخانه و بعد هم سفری به ایتالیا کرد. نامبرده مردی روشن فکر و هنرمند، با کمالی بوده و از سال ۱۲۹۵ تا سال ۱۳۱۷ ه. ق. در اداره پست در سمت های مختلف مشغول بکار بود. در سال ۱۳۲۱ ه. ق. با میرزا محمود خان حکیم الملک برشت رفت و پس از دوماه و اندی در رشت درگذشت.

مسئله مرگ میرزا مطلب گویا به اتفاق، از اختلاف حکیم الملک و امین السلطان تا یک سرچشمه گرفته و بنوشته مرحوم با مداد، حکیم الملک هنگام رفتن رشت، میرزا مطلب خان را هم به همراه خویش برد و ضمن "بیوی گفت مستشار را اگر مرگ میخواهی بیا با هم برویم گیلان، دوماه و اندی که از حکومتش گذشت ناگهان در ۲۱ جمادی الاول - ۱۳۲۱ ه. ق. درگذشت و دو روز پس از درگذشت او یعنی در ۱۹ جمادی الاول میرزا مطلب خان درگذشته بود. بدین معنی که بفاصله دو روز هر دو نفر درگذشتند، و معروف شد که تا یک شخصی را برشت فرستاده و آن شخص بتوسط آشپز حکیم الملک بوسیله غذا او را مسموم کرده و میرزا مطلب خان هم از همان غذا خورده بوده است.

از آثار او دیده ام:

۱- تصویر رنگ و روغنی باغی مشجر بود که دیوار کشی شده و منظره کوه و فضای زمینی وسیع در روبروی باغ دیده میشود. منظره حوض و فواره زیبای آن با ستادی ترسیم شده و قیافه خسته دربان باغ، در انتها جلوه گر بود. از وضع منظره تا بلوچنین معلوم بود که نقاش در ایوان قصر باغ نشسته و منظره روبرو را بطریق کلاسیک ترسیم نموده است. این اثر رنگ و روغنی که در موزه رضا عباسی تهران قرار گرفته رقم دارد. (بنده در گاه میرزا مطلب)

از آثار دیگر هنرمند، گویا تا بلوئی در مجموعه آقای جعفر سلطان القرائی است که چون عین تا بلو را از نزدیک ندیده ام از موضوع و اندازه آن اطلاع صحیحی ندارم. دیگر از آثار هنرمند، به نوشته های مرحوم معیر الممالک در مجله یغما چنین است که عینا "نقل میگردد. میرزا عبدالمطلب مستشار:

از شاگرد هائی بود که ناصرالدین شاه برای گرفتن فنون نقاشی بفرنگ فرستاد. دخترش خجسته خانم آخرین زنی بود که شاه اختیار کرد. میرزا علی خان امین الدوله در زمان صدارت خود او را بسمت مستشار پستخانه برگزید و بدین نام معروف شد. مستشار در شبیه سازی با آب و رنگ استاد بود. در سال جلوس مظفرالدین شاه تصویریری با آب و رنگ از او ساخت که سخت نیکو از آتش بیرون آورد و سالها زیب تالار آئینه قصر صاحبقرانیه بود.

یکی از آثار روغنی او که از لحاظ ترکیب، رنگ و حال بسیار عالی بود و با اصطلاح بانماشا کننده حرف میزد گدائی را مجسم میساخت که در حال تضرع سر بر آسمان و سر کودک خویش را بردامان داشت. این پرده نفیس سالها در تالار بزرگ پارک امین الدوله آویخته بود. در آن زمان اروپائیان مقیم تهران بایکی از خانواده هائی که حشر داشتند خانواده امینی بود. بارها آنان را مقابل این نقش زنده حیران و آفرین گویان دیدم. آقای رایشو اولین رئیس بانک انگلیس در تهران دختری داشت نقاش یکی از روزها که بدیدن معین الممت بصر امین الدوله رفته بودم دیدم دوشیزه را بنویس بالوازم کار برار پرده مزبور نشسته و مشغول کپی برداشتن از آنست.

یکی دیگر از کارهای قابل ملاحظه مستشار منظره آب و رنگی بود از استخر پارک امین الدوله و آلاچیق میان آن در موسم گل و گیاه. دو قوه هم در استخر دیده میشد. این اثر تا روزهای آخر زندگی خانم مظفر الدوله در یکی از اصطافای منزلشان باقی بود.

۶۰۰ - عبدالملک نقاش

نقاش و طراح زیبا نگار دربار سلطان مسعود غزنوی بود.

۶۰۱- عبدالمومن بن محمد النقاش

هنرمند قرن ۷۷۰ ق. اهل خوی بود و در طرح و ترسیم نقوش اسلامی، بروی فلزات سخت استادی تام العیار بشمار میرفت.
اثر زیبایی وی، درب نقره کوبی استادانه‌ای است که در نقوش زیبای اسلیمی و طرح هندسی بعمل آمده و رقم دارد.

(عمل عبدالمومن بن محمد النقاش خوئی)

۶۰۲- عبدالمومن بن شرفشاه نقاش تبریزی

نگارگر معجزنگار او آخر قرن ۷۷۰ ق. بود و در کج‌بری و طراحی نقوش هندسی و شیوه‌های اسلیمی مهارت فوق العاده داشت.

از آثار برجای مانده این استاد، طراحی و کج‌بری محراب مسجد جامع رضائیه است که در زمان ایلخانی آقاخان مغول ساخته شده و بخطوط و ادعیه کوفی آرایش یافته است این محراب که با ارتفاع ۷/۸۲ و عرض ۵/۴۸ متر ساخته شده، قدیمیترین محراب دوره مغولی است که تا این زمانها از گزند ایام در امان مانده است.

رقم نقاش بخط ثلث رقاعی، در بالای محراب به گچ بری استادانه چنین است.
(عمل عبدالمومن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربیع الآخر سنه ست و سبعین ستما مه)

زمینه خطوط را مثل تذهیب‌های این دوره که زمینه را سوزن کاری کرده و نقاط ریزی احداث می‌کردند، بهمان ترتیب نقطه‌دار کرده و زمینه را پر کرده است.
در طرفین محراب، دو ستون تراشیده گچی دیده می‌شود که گوئی از چوب ساخته اند تا سنگینی بنا را تحمل نماید.

تزیینات بالای محراب و در وسط یک‌گوی مشبک فوق العاده استادانه که شمردم، در حدود چهل و پنج سوراخ نامنظم داشت و به نسبت اسلیمی‌های زوجی که در سه اندازه مختلف بود و در کنار گوی بزرگ تعداد ۱۲ گوی بزرگ و کوچک، در حوالی داشت که بمهارت و استادی عمل آمده بود که بسط و تشریح آن در این مختصر نمی‌گنجد.

۶۰۳- عبدالواحد

طراح و نقاش روی کاسه و بشقاب و ظروف سفالین او آخر قرن ۱۰ ه. ق. است.
از این هنرمند، بشقابی در موزه دولتی برلین بیادگار مانده که بگل‌های آبی و سیاه تزیین یافته و در حواشی آن، دوازده صورت فلکی را به اشکال مخصوص خود نقاش کرده است. در منطقه البروج و در تصویر برج اسد، خورشید را در پشت شیر تصویر کرده و بسان علائم امروزی در آورده است.

در وسط دایره‌ای که بخطوط اسلیمی نقش بسته رقم دارد.
(عمل عبدالواحد فی سنه ۹۷۱)

۶۰۴- عبدالوهاب

میرزا عبدالوهاب ولد میرزا حسین رئیس‌الکتاب بود و در نقاشی دست پر حلاوت داشت. از احوال این هنرمند اطلاع زیادی نداشته و فقط در سند معتبری که از این هنرمند و پدرش اسم برده‌شماره نهم روزنامه ملت می‌مورخ ۱۲ محرم سال ۱۲۸۴ ه. ق. است که عبدالوهاب را به همراه اسماعیل جلایر جزو شاگردان مرتبه اول نقاشی مدرسه دارالفنون قید کرده است. از طرفی بعید نیست این هنرمند، همان میرزا عبد الوهاب باشد که اعماد السلطنه در روزنامه ایران ۱۲۹۹ ه. ق. یاد کرده و جزو هنرمندان مجمع الصنائع بحساب آورده که به همراه میرزا علی محمد نقاش و در معیت میرزا علی صحاف با چهار شاگردش مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیله بوده است. آقای یحیی ذکاء در کتاب (تاریخچه ساختمانهای ارک سلطنتی تهران) با ستناد مناسبتی که ذکر کرده در مورد مجمع الصنائع و نفرات هنرمندان اطلاعاتی داده که ما نیز در اینجا بعینه ارائه می‌دهیم.

اعتماد السلطنه در ذکر وقایع و احداثات سال ۱۲۶۹ ه. ق. در المآثر و الآثار می‌نویسد:

«مجمع الصنائع مشتمل است بر صنایع دستی از قبیل آپولیت‌سازی و زر دوزی برای مابوس نظام و بریدن و دوختن البسه قشون و ملیله‌سازی عمل چین که زرکشی و زر دوزی مخصوص ممتازی است و نقاشیهای بسیار اعلی و تفنگ‌سازی و قداره‌گری و غیر ذلک از اعمال و صناعات و پیشه‌های متعلقه بترتیب لشکر و سوق عسکر در بازار صندوقدار واقع در دار الخلافه طهران...»^۱

در منتظم ناصری در ذکر وقایع سال ۱۲۶۹ ه. ق. نوشته شده: ^۲

«این اوقات يك روز جناب صدر اعظم (میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری) و جناب نظام‌الملک (میرزا کاظم‌خان پسر میرزا آقاخان) و آجودان‌باشی (عزیزخان سردار) و جمعی از امرا و صاحب‌منصبان بزرگ نظام بمجمع الصنائع که حسب الامر، حسینعلی‌خان معیرالملک دایر نموده و انواع اصناف صنعتگران قابل ملاحظه را در آنجا فراهم آورده بود رفته ارباب حرف را تشویق زیاد کردند و خواجه احمد ساعت‌ساز یزدی را که از مشاهیر صاحب‌صنعتان ایران است یکصد تومان اضافه مواجب دادند».

در يك مجموعه خطی که گویا در اختیار مرحوم عباس اقبال بود، گزارشی از هنرمندان و صنعتگرانی که در همین سالها در مجمع الصنائع حجره

داشته‌اند ، تنظیم گردیده که چون متضمن املاءات جالبی از هنرمندان و صنعتکاران آن زمان می‌باشد عیناً نقل می‌کنیم^۲.

بسم الله تعالى شأنه العزيز

بتاریخ پنجشنبه چهاردهم شهر محرم الحرام ۱۲۶۹ ، کارکنان مدرسه مجمع الصنایع باین قرار می‌باشند : استاد ۴۵ ، شاگرد ۱۴۴ .

۱ - کارکنان مدرسه مجمع الصنایع : استاد ۳۴ ، شاگرد ۹۵ .
حجره استادعلی ، هفت استاد و ۲۲ شاگرد مشغول تعمیر طباچه‌های زین‌خانه مبارکه و قفله پیشخدمتان و قداره و تفنگ کالسکه‌چیان و دلق شاطران حضرت اقدس همایون شهریاری روح‌نفاذ و آتش‌کاری و آبیگری و چخاق و فنداق‌سازی می‌باشند . استاد ۷ ، شاگرد ۲۲ .

حجره خواجه‌احمد ، خود خواجه احمد تعمیر ساعت‌های مجلس سرکار صدراعظم دام اقباله را می‌نمایند و آقامحمد مهدی با دوشاگرد مشغول تعمیر ساعت طاوس می‌باشد ، استاد ۲ ، شاگرد ۲ .

حجره استاد محمدقاسم و استاد محمد دواتگر : با دوشاگرد مشغول کاری نمیشدند و بیکارند و از دیوان اعلی هنوز کار بایشان رجوع نشده است . استاد ۲ ، شاگرد ۲ .

حجره استاد حسینعلی و استاد عباسعلی و استادحسن : این استاد میناساز با سه شاگرد مشغول کار متفرقه می‌باشند ، استاد ۳ ، شاگرد ۳ .

حجره استاد آقاچان و استاد محمدباقر زرکش : با چهار شاگرد مشغول مفتون‌سازی قبا‌های نظام پیشخدمتان قبله عالم روح‌نفاذ می‌باشند . استاد ۲ و شاگرد ۲ .

حجره استاد ابوالقاسم دواتگر : با دو شاگرد مشغول کار متفرقه می‌باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

حجره مرادحاصل مسیحی نقاش زرگر : با دو شاگرد مشغول ساختن جای نگین مهر وزیرمختار دولت بهیه روس می‌باشد ، استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

حجره آقاسیدجواد نقاش زرگر : با استاد مهدی و استاد محمد دواتگر مشغول ساختن قلاب کمر بند کالسکه‌چیان قبله عالم و عالمیان روح‌العالمین فدا می‌باشند . استاد ۳ ، شاگرد ۳ .

حجره نقاشان : نقاش‌باشی (ابوالحسن خان منیع‌الملك غفاری) و ۳۴

نقاش مشغول مجلس‌سازی کتاب الف لیله می‌باشند و ذوالفقاریك مشغول بروغن‌کاری کالسکه‌ایست که تازه از مسکو آورده‌اند. نقاش‌باشی ۱ - سایر ۳۵ .
حجره میرزا عبدالوهاب و میرزا علی محمد : این دو استاد و میرزا علی صحاف با چهار شاگرد مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیله می‌باشند . استاد ۳ - شاگرد ۴ .

حجره میرزا خدا رحم : مشغول ساختن ساعت بزرگ آوین بجهت آلات دارالخلافه می‌باشد . استاد ۱ ، شاگرد ۳ .

حجره حاجی میرزا احمد : با شیخ محمدکاظم مشغول ساختن ساعت بزرگ آوین بجهت محلات دارالخلافه می‌باشند . استاد ۲ - شاگرد ۲ .

حجره استاد محمدباقر ، با چهار شاگرد مشغول دوختن قبا و شلوار پیشخدمتان قبله عالم و عالمیان روحی و روح‌العالمین فدا می‌باشند . رخوت تمام شده پیشخدمتان قبا ۵۳۴ ، شلوار ۵۳۴ . استاد ۱ - شاگرد ۴

حجره اسدالله : مشغول ساختن پل جهت کالسکه مرصع اقدس همایون شهریاری روح‌العالمین فدا می‌باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

استاد جعفر آهنگر : با ۳ شاگرد و استاد محمد آهنگر با دوشاگرد و استاد جعفر نجار با دوشاگرد . این سه استاد با هفت شاگرد مشغول ساختن

کالسکه عالیجاه آقامیرزا فتح‌الله لشکر نویس‌باشی می‌باشند . استاد ۳ شاگرد ۷ .
۲ - کارکنان خارج از مجمع الصنایع : استاد ۲۱ ، شاگرد ۴۹ .

آقامحمد قاسم زیندارباشی : با دوشاگرد مشغول ساختن زین مرصع می‌باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

مشهدی جبار و مشهدی رضا : در بازار با چهار شاگرد مشغول ساختن تکتو و زین‌پوش می‌باشند . استاد ۱ - شاگرد ۲ .

ملا علی اکبر و کربلانی عباس : با چهار شاگرد مشغول ساختن داباغی و بند یدک‌کش و ریشه و غیره می‌باشند . استاد ۲ ، شاگرد ۴ .

کربلانی‌های ترکش دوز : با دوشاگرد مشغول ساختن قفل پایانه‌های زین‌خانه مبارکه می‌باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۲ .

آقا محمد اسمعیل زردوز : با شش شاگرد مشغول دوختن زین‌پوش مروارید بجهت حضرت اقدس همایون شهریاری روحی و روح‌العالمین فدا می‌باشند . استاد ۱ ، شاگرد ۶ .

زر دوزان قبا و شلوار نظام و پیشخدمتان قبله عالم و عالمیان روحی و روح العالمین فداه يك استاد و ۲۵۰ گرد مشغول دوختن می باشند استاد ۱، شاگرد ۲۵.

مشهدی علی اکبر: با دو شاگرد مشغول مقواسازی قباهای نظام پیشخدمتان حضرت اقدس همایون شهریاری روحی و روح العالمین فداه می باشند استاد ۱، شاگرد ۲.

آقامحمدعلی نقاش زرگر: مشغول منبت کاری سنگ قبر شاهزاده مبرور مغفور جنت مکان رضوان استان می باشد. استاد ۱ - شاگرد ۲.

حاج محمدعلیخان هندی: با سه شاگرد مشغول بافتن زنجیره شلوار نظام بنیچه قبله عالم و عالمیان روحافداه میباشند و کمر بجهت بند قمه حضرت اقدس همایون شهریاری روحی و روح العالمین فداه می باشند که الی الیوم تمام شده. استاد ۱، شاگرد ۳.

کارکنان مدرسه مجمع الصنایع و خارج از مجمع جملگی مشغول کارند و آنی غافل نمی باشند و همگی بدعای دوام دولت ابد مدت جاوید عزت حضرت اقدس همایون شهریاری اشتغال دارند.

بر نقاشان کتاب الفلیله بسیار جا تنگ می باشد بواسطه آنکه نقاش زیاد شده و علاوه يك حجره هم بجهت مذهب و صحاف گرفته شده.

۶۰۵ - عبدالوهاب حمزوی شیرازی

از سادات جلیل القدر حمزاوی شیراز بود و در چهره سازی و گل مرغ دست با حلاوت داشت. از آثار این هنرمند، قلمدان زیبائی دیدم که در وسط رویه آن، تصویر دختر دلربا و طنازی را با البسه رنگین ترسیم کرده و در بالا و پائین آن، گل و مرغی در شیوه مصطفی شیرازی ارائه داده بود. حواشی قلمدان نیز منظره و گل و مرغ ساده بود و رقم داشت. (عبدالوهاب حمزوی شیرازی ۱۳۳۶)

۶۰۶ - عبدالوهاب - خواجه کاکا

مولانا کمال الدین عبدالوهاب اهل شیراز بود و بخواجه کاکا شهرت داشت. دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بگرام نیز از او در ذکر مذهبان کتابخانه علی، باختصار یاد از این هنرمند کرده و چنین آورده است:

((دیگر، پسندیده اولی الالباب، استاد کمال الدین عبدالوهاب، هنرور قابل با صفا مشهور به خواجه کاکا که کارش از شیرازیان بصفا ممتاز و درندیمی بی همباز

است ۱۰)) از آثار رقم دار و منسوب وی ندیده ام.

۶۰۷ - عبدالوهاب کاشانی

از نقاشان قرن ۱۰ه.ق. و پدر هنرمند صاحب استعداد، عبدالعزیز بود که احوالش در جای خود یاد گردیده است.

صاحب گلستان هنرا ز این هنرمند، در احوال پسرش عبدالعزیز، مختصری یاد کرده و چنین نوشته است:

((خواجه عبدالوهاب و پسرش خواجه عبدالعزیز از کاشانند. در امر تصویر بیقرینه بودند)) سید احمد آهو چشم در مرقع امیرغیب بیک که در زمان شاه طهماسب اول ترتیب یافته است، از آثار استادانه ای که از این پدر و پسر هنرمند دیده یاد کرده و هنر آنها را ستوده است.

۶۰۸ - عبدالوهاب مذهب باشی شیرازی

مذهب باشی چابک قلم و نادره کار شیرازی است که از طرف ناصرالدین شاه قاجار به لقب مذهب باشی مفتخر بوده است.

این هنرمند امضای خود را با سجع (یا وها ب) ذیل آثار خود ارائه می داد و در مواردی به درج (عبدالوهاب) تنها اکتفا مینمود.

آقا وهاب در تمام شیوه های طلاکاری و تذهیب، از قبیل تشعیر و افشان و حلکری و ترصیع الوان سرلوحه ها، استادی تمام العیار بود و در موزون و دقیق دشوار آنرا به تمام معنی استادانه عمل می آورد. بغیر از صنعت تذهیب که رشته مورد علاقه نقاش بحساب می آمد، در آبرنگ و قلمدان و جلدسازی استاد بود و در گل و مرغ و تصویر و شبیه پردازی نیز دست موزون و نازک قلم داشت.

متأسفانه سال تولد و مرگ نقاش معلوم نبوده ولی از سنواتی که در زیر آثار بجای مانده خود قید کرده، معلوم می دارد، این هنرمند در سی سال آخر قرن ۱۳ه.ق. و دوران سلطنت ناصری، نقاشی موفق و کارآمد بوده و بخلق آثار گرانبهادر سرگرم بوده است. از آثار رقم دار او دیده ام.

۱- تذهیب و آرایش بی نظیر قرآنی که بخط میرعلی کاتب شیرازی کتابت شده و حالی در کتابخانه گلستان ایران مضبوط میباشد. این کلام الهی را در کمال مهارت و تابناکی ترصیع کرده و رقم گذاشته.

(قد فرغ من تذهیب القرآن فی شهر رمضان انا العبد المذنب عبدالوهاب ۱۲۷۷)
۲- از آثار دیگر این هنرمند، قلمدان چشم نوازی دیدم که با نواع نقوش سلیمی و خطائی ترصیع و تذهیب گشته و در وسط رویه آن، دسته گل الوانی بنازک قلمی

تصویر گشته بود. و در کمندکناره قلمدان، رقم بسیار ریز داشت که نوشته بود.

(یا وهاب ۱۲۸۹)

۳- دیگر از قلمدانهای شیوای این هنرمند که در موزه هنرهای تزئینی تهران به یادگار است. قلمدان تحسین انگیزی است که در انواع شیوه‌های طلاکاری، تصویر شده و در وسط رویه آن گل و مرغ پر حالتی جلب نظر میکند و در کناره‌ها رقم دارد.

(یا وهاب ۱۲۷۱)

۴- از آثار ارزنده دیگر هنرمند، جلد قرآنی دیدم که تذهیب‌های انبوه و افشان گل گشنیزی داشت. حواشی کناره‌ها و بین کمندهای جلد، نقوش مارپیچی و اسلیمی‌های گرد زین جلوه‌گر بود. و در ترنج وسطی جلد که در زمینه طلای آتشی نقش شده بود، دسته گل زیبایی دیده میشد که آیتی از زیبایی بشمار می‌آمد.

این جلد که بزعم نگارنده از شاهکارهای نقاش محسوب میگشت، رقم داشت.

(ذهبه العبد المذنب عبدالوهاب ۱۲۸۲)

۶۰۹- عبدالوهاب یزدانی

کوچکترین فرزند خطاط نامی شیرازی، محمد شفیع، ملقب به میرزا کوچک و تخلص وصال بود. که برادران وی عبارت بودند. ۱- احمد و قار ۲- محمود حکیم ۳- محمد داوری ۴- ابوالقاسم فرهنگ ۵- اسمعیل توحید ۶- عبدالوهاب یزدانی. در کتاب گلشن وصال، در مورد عبدالوهاب یزدانی چنین نوشته است:

((یزدانی ششمین فرزند وصال بوده و نامش عبدالوهاب میباشد و در سال ۱۲۵۲ زاده شد، خط‌نسخ و نستعلیق و شکسته را خوب مینوشت و در کهنه کردن کاغذ و مرکب دست داشت، علم نقاشی را خوب آموخت و بحد کمال رسانید.

یزدانی در نقش و نگار با رنگهای روغنی برداوری برتر بود.

پرده‌های نفیس تمثال بزرگان و عارفان، از او بیا دگار ماند که خداوندان فن

را از دیدار آن شگفتی دست میداد))

بروایات دیگر، هنر فلزکاری نیز میدانست و چند کره افلاکی و چند اسطرلاب زیبا نگار از خود بیا دگار نهاده است. یزدانی سه پسر و سه دختر داشت که از آن میان، علی روحانی، خود از خوشنویسان ماهر بشمار می‌آمد. این هنرمند سال ۱۳۲۸ ه. ق. و در هفتاد و شش سالگی بمرض استسقاء درگذشته و نزد برادرش فرهنگ و در بقعه حضرت میرسید محمد مدفون گشته است.

متأسفانه از آن همه آثاری که در کتاب گلشن وصال یاد شده، حتی یک اثر رقم دار از این هنرمند ندیده‌ام. تنها اثر بجای مانده این هنرمند، تصویر و تحریر نسخه خسرو و شیرین نظامی است که با مرنا صرا الدین شاه و نقش و نگار شگفت‌آور، تصویر کرده و

بشاه قاجار هدیه نموده است.

از آثار استادانه خطاطی وی، کتیبه‌های قسمتی از رواق مطهر حضرت امام رضا علیه السلام است که در کمال استادی کتابت شده و رقم هنرمند را دارا می‌باشد.

۶۱۰- عبدی مصور

نقاش گمنام اواسط قرن ۱۱ ه. ق. هرات است.

از آثار رقم دار این هنرمند که گویا توسط پادشاه وقت سفارش شده، تصویر شخص فرمانروائی بود که ریش و سبیل بزی داشت و کلاه سفید عمامه‌ای بسر گذاشته بود. این شخص، بتمام ادوات و سلاحهای جنگی آن دوره از قبیل زره و شمشیر و خنجر و غیره مجهز بود و چکمه تیره رنگ بپا داشت.

در بالای تصویر بخط نستعلیق نوشته شده بود.

(حسب الحکم حضرت نواب جهان‌بانی صورت تحریر یافت. بنده دولتخواه عبیدی مصور بدار السلطنه هرات حرست عن الاوقات والبلیات فی شهر محرم الحرام سنه ۱۰۰۰) تاریخ نقاشی بوضوح دیده نمیشد، ولی حدود ۱۰۵۸ بنظر میرسید.

۶۱۱- عبید - محمد عبید

پسر آقا رضا و برادر ابوالحسن نا درالزمان، نقاش نامی ایرانی است که بسان پدر و برادر هنرمندش، نقاش صاحب قلم دوره شاه جهان هندی (۱۰۳۷ - ۱۰۶۹) بشمار آمده است. این هنرمند که بی شک مکتب پرغنا و با آوازه پدر هنرمند و برادر بیهمتایش را درک کرده، خود تصویرگری شیرین قلم بوده و در شبیه‌سازی و چهره - پردازی و ارائه مجالس رزمی و بزمی قلم پر قدرتی داشته است.

از آثار رقم دار این استاد که در کتاب پادشاهان مه‌جلب نظر میکند، تصویر پیر جلال شاه جهان است که بروی تخت سلطنتی نشسته و رجال و اعیان در مقابل او ایستاده و قطعه جواهری را بآنها نشان میدهد.

در قسمت پائین و سمت راست تصویر، چند مطرب نواز زنده و وعده‌ای از افسران و رجال درباری دیده میشوند. رقم دارد. (رقم ولد آقا رضا عبید)

دیگر از آثار هنرمند، تصویر شاه جهان در دربار سلطنتی است که در کمال قدرت عمل آمده و رقم دارد. (رقم عبید برادر نا درالزمان مشهدی. در سنه ۶۰ با تمام رسید) از آثار رقم دار این هنرمند که در کتابهای هنری درج شده، یکی تصویر (مرگ خان جهان لودی) در کتابخانه قصر سلطنتی. ویند سورا انگلستان و دیگری در موزه ویکتوریا آلبرت لندن است که در آلبوم معروف وانتاگ قرا گرفته و رقم (محمد عبید) را دارا می‌باشد.

۶۱۲- عبید اله خان

از مصوران و مذهبان دستگاه ازبکان شیانی بوده و در هنر خودنازک قلم بوده است.

۶۱۳- عثمان بن ابوبکر زنجانی

زنجانی و از استادان فلزکار و قلمدان ساز قرن ۷هـ.ق. است. از آثار ارزنده این هنرمند، قلمدان برنجی با مهارتی است که بخطوط و نقوش متنوع اسلیمی آرایش یافته و بخط کوفی تزیینی، رقم دارد. (العزوالاقبال والسعاده والسلامه لی صا حی... مقرب عثمان بن ابوبکر زنجانی)

۶۱۴- عثمان بن سلمان نخجوانی

فرزند سلمان و هنرمند طراح و نقاش بروی فلزات سخت و اهل نخجوان است. از تنها اثر رقم دار این استاد که بسال ۵۸۶هـ.ق. انجام یافته، آفتابه فلزی خوش منظری است که در رویه آن، نقوش و طراحی های شیوه شمال شرقی ایران، با ستادی حکاکی کرده و رقم گذاشته. (عثمان بن سلمان نخجوانی) مضبوط در موزه لوور پاریس.

۶۱۵- عثمان - نقاش عثمانی

نقاش بیقیرینه و مصور خاصه و آخر قرن ۱۰هـ.ق. عثمانی بود و در تصویر سازی و شبیه پردازی دست پر مایه داشت. این هنرمند از شاگردان حسن کفهگی بوده و در تصویر و آرایش کتابهایی که بسفارش سلاطین عثمانی ترتیب می یافته، استادی پراعتبار بشمار می آید. احوال دقیق و مستند این هنرمند را حتی در مدارک و اسناد عثمانی نیز بدست نیاوردم، ولی در اوایل نسخه نفیسی که بنام (قیافه الانسانیه فی شمایل عثمانیه) نامیده میشد و از زده تصویر از نقاش را داشت و تاریخش سال ۹۸۷ بود، در بیـــــن مطالب (سبب تالیف رساله) اشاره مختصری به نقاش کرده و چنین نوشته بود. (اتفاقا "بوخاندان عالی شان متعلق اولان سیر سلاطین جهان دآئینیک شمایل لری بولونمغندن کلی اضطراب چکلوب و اول آثارنا مداردخی بولونوب یرلویرنده مندرج اوالماسی اقصابی مآرب ایکن ناگاه بخصوصه مصوران خاصه دن بیقیرینه زمان اولان استاد عثمان ایله مطارحه قلوب و بعضیلری الهگتوریلوب وبالجمله فرنگی استادلره بولندوغی تحقیق اولیجق صدرا عظم و مشیر معظم حضرتلرینه معروض قلوب اهتما مشریف لرله صور مآب که احسن مطالب ایدی میسرا ولوب.) ترجمه مختصر اینک، شمایل حقیقی سلاطین عثمانی که در این کتاب ارائه شده، از

طراحی های نقاش بیقیرینه و مصور خاصه استاد عثمان و بالجمله استادان فرنگی بدست آمده و با هتما م صدرا عظم وقت، در این نسخه تصویر شده است. از آثار شناخته شده این نقاش، تما ویری در کتاب نزهت الاسرار و الاخبار، بسال ۹۷۶هـ.ق. است که در نوع خود ستودن دارد.

دیگر از آثار استاد عثمان و همکار هنرمندش استاد علی، مینیاتورهای در نسخه شاهنامه سلطان سلیم خان عثمانی است که بخط الیاس خطیب و سنه ۹۸۸ بوده و حالیه در موزه (فاین آرت بوستون) مضبوط میباشد. دیگر از تما ویرزیبای این هنرمند، آثاری است که در کتاب هنرنامه و بخط محمد بوسنائی و تاریخ ۹۹۲هـ.ق. جلوه گر بوده و به همکاری استادان نامی دیگر از قبیل علی - محمد بیک - ولی جان - ملا تفلیسی - محمد برساوی انجام یافته و حالیه در موزه WORCHESTER ART MUSEUM قرار گرفته است.

۶۱۶- عثمان بن وراق

مذهب نادره کار و بدایع نگار قرن پنجم هـ.ق. است که در خط و کتابت نیز بدست پر قدرت و استواری داشته است. تنها اثر رقم دار این هنرمند، تذهیب و کتابت سی جزو قرآن مجید مضبوط در کتابخانه آستان قدس رضوی است که در کمال شیوایی و تابناکی تذهیب شده و در نوع خود کم نظیر میباشد. (۱) در آغاز هر جزء و سرسوره ها، صفحات تمام تذهیب و ترصیع در مقابل هم قرار گرفته که طرح و آرایش هریک از آنها، با نقوش و طرح دیگر جزوها تفاوت دارد. اسامی سور و بسمله، بخطوط و شیوه معروف زمان، بخط کوفی و ثلث و رقاع کتابت شده که بیننده را وادار به تحسین مینماید. رقم عثمان مذهب و خطاط کلام اله در دو صفحه آخر جزو سی ام و جزو پنجم دیده میشود که چنین است. رقم هنرمند در صفحه آخر جزو سی ام (کتبه ابو عمرو عثمان بن الحسین الوراق الغزنوی غفر الله له ولوالدیه ولجميع امة محمد علیه السلام) و رقم عثمان در صفحه آخر جزو پنجم. (کتبه و ذهبه عثمان بن الحسین بن ابی سهل الوراق الغزنوی غفر الله له ولوالدیه ولجميع المومنین والمومنات والفراغ منه فی سنه اربع و ستین و اربعمائه) و در صفحه پشت آن (حامدا لله تعالی علی نعمه و مصلیا علی نبیه محمد المصطفی و علی آله وسلم کثیرا) العرفانی والخط باقی) ۱- مجله هنر و مردم شماره ۱۵۷

استاد عثمان فرزند پرهیزی بنام محمد داشت که در فن تذهیب و خطاطی شایسته بود. از تنها اثر ممتاز استاد محمد که بسیاق و شیوه پدر تذهیب و کتابت کرده، جزوهای از کلام الله مجید است که رقم دارد.

(وذهبه محمد بن عثمان بن الحسین الوراق الغزنوی)

بنظر نگارنده کلمه (کتبه) از اول رقم استاد از بین رفته و پاک شده است.

۶۱۷- عزیز

مینا ساز شیرین قلم و اخرنزندیه بود و در اثر انگل و بوته دست شیوائی داشت جلد قلمه مینائی و پرحلاوتی از این هنرمند دیدم که در زمینه سفید و آرایش گل‌های مختصر و لوزی شکل، که در بین آنها گل‌های خوش ترکیب و ریزی جا داده بود، به پاکیزگی تمام نقاشی کرده و بخط طغرائی قرمز رقم نهاده بود. (با عزیز ۱۲۰۷)

۶۱۸- عزیز بن محمد

فرزند محمد و از مذهبان نادره کار و استاد قرن ۹ هـ. ق. بود و در تذهیب و آرایش قرآن‌ها و کتابها دست پرتوان و درخشنده داشت. آثار رقم دار روی را ندیده‌ام.

۶۱۹- عزیز مغل

از قلمدان سازان گمنام اوایل قرن ۱۳ هـ. ق. کشمیر بود و در تصویر گل و مرغ و ترسیم نقوش ابری و تشعیر طلائی دست داشت. شیواترین اثری که از این هنرمند دیدم، قلمدان بزرگ و درشتی بود که گل و مرغ‌های زیبا و تشعیر طلائی و اسلیمی‌های درهم داشت و رقم نقاش چنین بود. (عزیز مغل) دیگر اثر زیبا و خوش قلمی که از این هنرمند دیدم، جلد منقش و پرکار گل و مرغی بود و رقم داشت. (احقر الناس عزیز مغل ۱۲۲۵)

عضدی بخاری در میر عضدی بخاری آمده.

۶۲۰- عطاء نقاش

نقاش شیرین قلم و پرکار کتابخانه دربار بایسنقر میرزا (۸۰۲ - ۸۳۷ هـ) بود و در نقش تما ویرنسخه‌های خطی، دست کم قرینه داشت.

در عرضه داشت معروف جعفر بایسنقری که تفصیل آن در صفحه ۸۹ این کتاب قید شده، نام این نقاش نیز جزو تصویرگران نامی آن دوره ثبت شده و چنین درج گشته است. ((خواجه عطا، اجزای گلستان تمام کرده و سه لوح تاریخی که مولانا سعد الدین کتابت کرده، دولوح را ببوم رسانیده به تتمه مشغول است.))

۶۲۱- عطاء جدول کش

جدول کش نامی و استاد هنرمند کتابخانه دربار بایسنقر میرزا (۸۰۲ - ۸۳۷ هـ) بود و در آرایش کتابها دست داشت.

در عرضه داشت معروف جعفر بایسنقری که تفصیل آن در صفحه ۸۹ این کتاب یاد شده نام این هنرمند جزو جدول کشان ثبت شده و چنین قید شده است: ((خواجه عطاء جدول کش، تاریخ مولانا سعد الدین و دیوان خواجه را تمام کرده به شاهنا مه مشغول است.))

۶۲۲- عطاء اله صنیع السلطان

از شرح حال این نقاش رنگ و روغن ساز، در منابع تاریخی زمان و حیات وی اطلاعاتی بدست نیامد، ولی با مشاهده آثار بجا مانده رقم دار روی معلوم می‌دارد، فعالیت هنری این نقاش در زمان مظفر الدین شاه بوده و چه بسا ممکن است از طرف این پادشاه نیز به لقب صنیع السلطان ملقب شده باشد. عطاء اله در شبیه سازی دست داشت و صورت رجال و مشاهیر معاصر خود را بر رنگ و روغن، مصور میساخت.

از ارقام لاتینی که در ذیل آثار خود علاوه مینمود، بعید نبود که یکی از زبانهای خا رجه آشنا بوده و یا اینکه جنبه خود ستائی داشته است. از آثار او دیده‌ام:

۱- تصویر رنگ و روغنی جوانی کمال الملک بود که شباهت زیادی به استاد داشت و رقمش بفارسی و لاتین چنین بود.

(عطاء اله صنیع السلطان ع - ۱ - ۱۳۲۶) (*Sani es Sultan*)
۲- دیگر دو تصویر رنگ و روغنی از صورت حکیم تولوزان فرانسوی بود که رقم یکی بسان امضای تصویر شماره ۱ بود و دیگری رقم ساده داشت و نوشته بود.

(صنیع محرم ۱۳۲۶) دو تصویر طولوزان، در یکی از حراج‌های شهر تهران بفروش رسید و تصویر کمال الملک حالیه در موزه هنرهای تزئینی پایتخت مضبوط می‌باشد.

۶۲۳- علاء الدین بن شمس محمد بیرجندی

فرزند شمس و اهل بیرجند بود و در فلزکاری و طلا و نقره کوبی دست پرمهاریت داشت اصل ترین اثر رقم دار این هنرمند، مصنوع فلزی پرمهارتی بود که رقم داشت. (عمل اقل العباد علاء الدین بن شمس محمد البیرجندی فی غره شهر رمضان المبارک سنه ثمان و تسعمائه)

عطا: مذهب شیرین قلم عثمانی است که در اوایل قرن ۱۳ هـ. ق. بتذهیب کتابها اشتغال داشته است.

۶۲۴ - علاء الدین نقاش

نقاش والامقام دوران سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) بود و در معیت پدر و برادرش کمال نقاش، در دربار عثمانی فعالیت هنری مینمود.

۶۲۵ - علی اصفهانی

قلمدان ساز گمنام و شیرین قلم اصفهانی بود. از آثار این هنرمند قلمدان گل و مرغی خوش نقشی دیدم که در شیوه لطفعلی انجام یافته و رقم داشت.

(رقم بنده علی اصفهانی ۱۲۹۶)

علی - در درویش علی آمده.

علی اصفهانی - در میرزا علی آمده.

۶۲۶ - علی بن سلطان الکتاب

فرزند محمد رضا سلطان الکتاب، خطاط دوره ناصری بود و در شعر صفا تخلص مینمود. این هنرمند برادر نقاشی بنام میرزا تقی داشت که آبرنگ و قلمندان میساخت و تقی بن سلطان الکتاب امضا میکرد.

حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام - بدو روایت کوناگون که در اسناد قدیمی بجا مانده، حضرت علی علیه السلام را نیز در امر تذهیب و نقش شمشه قرآنها، صاحب قلم یاد نموده و مخترع اولیه نقوش اسلامی دانسته اند. گویانکه این مشغله پرکار بعثت خدمت بخلق اله و طاعت و عبادت الهی برای آن حضرت ممکن نبوده، ولی جهت اطلاع علاقمندان، عین آن روایات را نقل نموده و از شرح بیشتر خودداری مینمائیم:

۱- در دیباچه مرقع بهرام میرزا و در مقدمه نقاشان و مذهبان ماضی چنین نوشته: ((در اخبار چنین آمده است که اول کسی که بنقش و تذهیب زینت افزای کتاب کلام لازم الترهیب شدند، حضرت با نصرت امیر المومنین و امام المتقین امداله الغالب و غالب کل غالب و مطلوب کل طالب علی بن ابی طالب کرم الله وجهه بودند و ابواب این بفاعت را آن حضرت به مفتاح قلم بروی این طایفه گشودند و چند برگ که در عرف نقاشان با سلامی معروف است آن حضرت اختراع فرموده اند.))

۲- سید احمد متهدی نیز در مقدمه مرقع امیر غیب بیک چنین آورده است: ((چون چهره گشایان بیکر این فن بدایع اثر نسبت این هنر ب قلم معجز رقم شمشه آل عباس علی المجتبی درست مینمایند و متمسک بدین اندک در نقوش اقلام کرامت نظام آن حضرت که بتذهیب ایشان مزین است برای العین مشاهده نموده اند که قلمی فرموده. (کتبه و ذهبه علی بن ابیطالب)))

استاد علی تذهیب را پرمهارت میساخت و در آبرنگ و چهره پردازی نازک قلم و صاحب کمال بود. از آثار او دیده ام:

۱- تصویر نشستۀ مظفرالدین شاه به آبرنگ بود که در محدوده بیضی شکلی قرار داشت. در این آبرنگ، شاه قاجار شمشیر بکمرداشت و جواهرات درشت و گران قیمتی بسینه خود نصب کرده بود. در پشت سر مظفرالدین شاه، پرده قرمز رنگی جلب نظر مینمود و مناظر دوردست و درختان سرسبز باغ، از کناره آن دیده میشدند. حواشی تصویر، تذهیب و جداول زرین داشت و رقم نقاش چنین بود.

(رقم جان نثار علی بن سلطان الکتاب)

۲- دیگر اثر خوش پرداز این هنرمند که در قطع بزرگ بود و تذهیب و تشعیر آراسته داشت، تصویری از رجال قاجاری بود که البسه و آذین دوره قاجاری داشت و پرداز صورتش فوق العاده بود و رقم داشت.

(علی بن سلطان الکتاب)

۳- سومین اثر آبرنگی این نقاش، تصویری از رجال شیرازی بود که بنا زک قلمی عمل آمده و تذهیب خوش نقش داشت.

شخص مزبور که گویا یکی از خاندان معروف نمازی ها بود، لباس بلندی بتن کرده و روی صندلی نشسته بود، رنگ آمیزی صورت و البسه و سایر تزیینات شیوا بود و در داخل ترنجی رقم داشت: (کمترین علی بن سلطان الکتاب)

تذهیب کناره های تصویر، خوش قلم و پر قدرت بود و در قسمت بالای آن این اشعار جلب نظر مینمود.

آفرین بر کلک سحر انگیز این صورت نگار

کز مهارت برده معنی ها در این صورت بکار

بی عبارت راز گوی و بی اشارت رازجوی

بی تکلم دلفریب و بی تبسم جان شکار

علی بن سلطان محمد هراتی در میرزا علی آمده.

علی - سید علی در میرسید علی آمده.

۶۲۷ - علی بن محمد ابراهیم اصفهانی

اصفهانی و فرزند آقا ابراهیم نقاش شیرین کار اوایل قرن ۱۴ ه. ق. است که زیر نظر پدر تعلیم یافته و در آبرنگ مهارت پیدا کرده است.

از آثار آبرنگی و امضا دار این هنرمند که حدود ۲۰ x ۳۰ سانتیمتر اندازه داشت، تصویر منجمان و ستاره شناسان بود که به رمدا فلاک نشست و ستاره شناسی میکردند. سایه های اثر، هاشوری بود و رنگ آن خلوت خاصی داشت و رقم نقاش چنین بود.

(علی بن محمد ابراهیم اصفهانی)

۶۲۸- علی بن محمد بن ابوالقاسم

نگارگر و طراح فلزات سخت در اوایل قرن ۵۷۰ ق. بود و در نقش و نقرتصا و یسر، بشیوه نقره و طلاکوبی دست داشت و در قالب ریزی و مجسمه سازی نیز، از استادان بیقرینه زمان بشمار میآمد. از آثارش و استادانهای هنرمند، مجسمه فولادی سه حیوان بود که در حالت استثنائی عمل آورده و به تردستی انجام داده بود.

در این اثر جالب، گاو و گوساله خود شیر میداد، مورد حمله شیری واقع شده بود که روی پشت گاو نشسته و گاو و گوردن وی را بدهن گرفته و حیوان را مستاصل کرده بود. این مجسمه استادان که بنوشته خود هنرمند، یک جا قالب گیری شده و اتمام یافته بود، مبین قدرت قلم و ابتکار و اگر نقدر هنرمند بود که با نداشتن آلات و ادوات مخصوص در آن دوره ها به خلق چنین اثری دست یافته بود.

مجسمه این حیوانات که باستانی از فولاد ساخته شده و نقره کوب گشته بود، در کمال چشم نوازی و قدرت قلم جلوه مینمود، که نقوش زیبائی نیز از زگل های گوناگون و خطوط تحریری بروی آن علاوه گشته بود و در قلمش که بروی گردن گاو جلب نظر میکرد، چنین بود. (عمل علی ابن محمد ابن ابوالقاسم نقاش بتاریخ محرم سنه ثلاث و ستمائه) و در کناره درج شده بود.

(این گاو و گوساله و شیر هر سه یک باره ریخته شده است)

بعد نام مالک و سفارش دهنده را که شاهید پادشاه یا شاهزاده ای بوده ارائه داده و ثبت کرده بود. (بتوفیق یزدان دادگر پروردگار مقبل روز به بن فریدون بزرین. برکته لصاحبه شاه فرزندان ابریدون ابن)

۶۲۹- علی بن محمد ابوشجاع قمی

کج برو طراح نقوش مساجد و بقاء متبرکه و از اهل قم بود که در خدمت امراء خاندان علی صفی (امراء مستقل قم در قرن ۸۰۰ ق.) بکار احداث و تزیین بناها اشتغال داشت. از آثار ارزنده این استاد، تزیینات بقعه احمد بن قاسم است که در سنه ۷۸۰ ق. انجام یافته و معرف زبردستی استاد بشمار میآید.

۶۳۰- علی بن محمد - کاشی ساز

نامش علی و فرزند محمد بن ابی طاهر بن ابی حسن بود که در تصویر بر روی کاشیها و پخت و لعاب کاری آنان و همچنین در خط نسخ و ثلث و رقاع دست پرما یلهای داشته است. پدر و جد بزرگ و فرزندان وی نیز در این هنر موروثی پراستعداد بودند و از هنرمندان کاشی ساز و صاحب نام زمان خود بشمار میآمدند.

استاد علی فرزندی نیز بنام یوسف داشت که در کاشی کاری و آرایش آن، استادی تام العیار محسوب میگشته و در زمره کاشی سازان متبحر بوده است. آثار رقم دار و منسوب وی عبارت است از:

۱- کاشیهای زیبا و پرمهارت محراب مسجد و را مین در موزه فیلا دلفیا، که از نفایس هنری کاشی سازی بوده و رقم دارد. (کاتبه علی بن محمد بن ابی طاهر)

۲- دیگر، محراب باشکوه و پیرایش مسجدی از شهر قم است که حالیه در موزه دولتی برلین قرار گرفته و رقم دارد.

(کاتبه علی بن محمد بن ابی طاهر. عاشر من مفر ثلاث و ستمائه)

۳- دیگر، محرابی در یکی از مساجد شهر مشهد مقدس است که از کارهای علی بن محمد بوده و در نوع خود بسیا زیبا و افزا میباش.

۴- دیگر از آثار پرارزش این هنرمند که تاریخ ۶۸۸ را دارا میباش. محراب اما مزاده حبیب بن موسی در کاشان است که حالیه در موزه ایران باستان مضبوط بوده و از نفایس هنر کاشی سازی بشمار میآید.

شجره نسب این خانواده را که در اعتلای هنر کاشی سازی میهن ماسهم با اعتباری داشتند از روی کتاب (عرایس الجواهر و نفایس الاطایب) که بکوشش آقای ایرج افشار منتشر گشته جهت علاقمندان ارائه میگردد.

۱- هبته الله الحسینی حدود ۳۶۳ ه.ق. اثری از وی شناخته نشد.

۲- یحیی بن هبته الله الحسینی حدود ۴۱۳ ه.ق. اثری از وی شناخته نشد.

۳- محمد بن یحیی بن هبته الله الحسینی حدود ۴۶۲ ه.ق. اثری از وی شناخته نشد.

۴- ابوالحسن بن محمد بن یحیی بن هبته الله الحسینی حدود ۵۱۲ ه.ق.

کاشی ساخت این استاد در مرقد امام رضا (ع) در مشهد موجود است.

۵- ابوطاهر بن ابی حسن حدود ۵۶۱ ه.ق. اثری از وی شناخته نشد.

۶- محمد بن ابی طاهر بن ابی حسن حدود ۶۱۲ ه.ق. (چهار اثر شناخته شده دارد)

۷- علی بن محمد بن ابی طاهر بن ابی حسن حدود ۶۶۵ ه.ق. (چهار اثر شناخته شده دارد)

۸- عبدالله بن علی - نویسنده کتاب عرائس الجواهر

۹- یوسف بن علی حدود ۷۱۰ ه.ق. (پنج اثر شناخته شده دارد)

۶۳۱- علی بایسنقری

مولانا علی، نقاش دوره بایسنقر میرزا (۸۰۲ - ۸۳۷ ه.ق.) بود و در نقاشخانه آن

علی بن عیسی اسطرابی - اسطراب ساز پرمهارت اوایل قرن سوم هجری بوده و در سنوات ۲۱۷ ه.ق. بخلق آثار مورد علاقه خود اشتغال داشته است.

پادشاه نقش و تصویری آفرید. در عرضه داشت معروف جعفر با یسنقری که جهت گزارش فعالیت هنری، بعرض با یسنقر میرزا رسیده و تفصیل آن سند، در صفحه ۱۸۹ این کتاب ارائه شده، نام مولانا علی نیز که مسئول طرح نقوش اولیه شاهنامه بایسنقری بوده، جزو استادان تصویر ساز زقیدگشته و چنین یاد شده است.

((مولانا علی روز تحریر عرضه داشت بطرح دیباچه شهنامه (۱) مشغول شد و چند روز چشم او درد میکرد.))

۶۳۲- علی (حسینعلی) نقاش مینا ساز

مینا ساز زهرمه هرات و نقاش چهره پردا زوشبیه ساز دوره فتحعلیشاه قاجار بود و در گل و مرغ و ترمیم جواهرات، نازک قلم و دست پرابتکار داشت.

نفیس ترین و زیبا ترین اثر مینائی این نقاش که در موزه جواهرات بانگ ملی مضبوط است، آینه پر آذین مینائی بیضی شکلی است که حواشی و کناره های آن، مرصع بجواهرات قیمتی بوده و دسته یشم سفید دارد.

در بیضی کوچک تروسط آینه، تصویر پر زیب وزینت فتحعلیشاه نقش شده که با لبسه سلطنتی و جواهر نشان ملبس شده و روی دوشک مروارید دوزی قرار گرفته است.

شاه قاجار به متکای جواهر نشان تکیه داده و گرز معروف خود را روی زانوان نهاده است. در زمینه بالای تصویر بخت نستعلیق زیبا نوشته شده.

۱- این شاهنامه همان شاهنامه معروف بایسنقری است که چند سال پیش در چاپخانه ۲۵ شهریور تهران در کمال نفاست و زیبایی طبع و توزیع گردید و چون هیچ یک از مینیاتورهای کتاب، رقم صریح نقاش را نداشت، هنرشناسان داخلی و خارجی ترسیم آنرا به هنرمندان مختلف زمان بایسنقری منسوب دانستند و خوشبختانه با پیداشدن این سند ذی قیمت، نام بعضی از هنرمندان که در نقاشخانه سلطنتی کار میکردند و بالطبع در نقش تصویر و تذهیب و تجلید و تصحیف آن نیز شرکت داشتند، درج شده بود که اسامی آنها با اختصار نقل میگردد.

۱- (امیرخلیل هراتی نقاش) ۲- (مولانا علی طراح شهنامه) ۳- (خواجه غیاث الدین نقاش) ۴- (مولانا شهاب) ۵- (مولانا قوام الدین مجلد) ۶- (محمود نقاش) ۷- (حاجی محمود نقاش) ۸- (خواجه محمود نقاش) ۹- (خواجه عطا نقاش) ۱۰- (خواجه عبدالرحیم طراح) ۱۱- (حاجی حل کار) ۱۲- (خطای حلکار) ۱۳- (استاد سیف الدین نقاش) ۱۴- (امیر دولت یا رطراح و نقاش)

در این سند، تعداد هنرمندان را اعم از نقاش و سایر حرفه ها، رو بهم ۷۵ نوشته که خود جعفر بایسنقری نیز کتابت شاهنامه را بعهده داشته است.

(السلطان فتحعلی شاه قاجار)

و در حواشی و داخل بیضی بزرگتر، گل و بوته الوان و دلربائی مینائی شده و بروی یکی از گل سرخها رقم دارد. (غلامخانه زادعلی) و در کناره های گل های الوان، این اشعار بچشم میخورد.

- (۱) تا ماه بود آینه طلعت خورشید - از گردش این آینه گون چرخ معمر
(۲) پیوسته بود زیور آینه دولت - عکس رخ زیبای شهنشاه مظفر
(۳) هم سایه او ما شطه پرتو خورشید - هم خنجر او عاقله گردش اختر
(۴) هم خرم گران لنگر او دایه خارا - هم غم سبک پویه او قاید صرصر
(۵) هر جا که برآ مشر همه آرامش فردوس - هر جا که بکوش همه هنگامه محشر
(۶) از خون عدو غا زگر چهره گردون - از گرد سپه سرمه کش دیده اختر
(۷) جود و دل بخشنده شه موجه دریا - مجد و کهر پاک ملک نفحه و عنبر
(۸) امن و سخطش غایله خسته جلاب - آزر و کرمش واقعه مسته و ژا غر

تصویر رنگی این آینه مینا، در صفحه ۷۱ کتاب جواهرات ایران، تالیف:

V.B.MEEN AND A.D.TUSHINGHAIN که بسال ۱۹۶۸ چاپ شده دیده میشود.

۲- سومین اثر مینائی این هنرمند، تصویر ایستاده فتحعلی شاه است که روی سنگ یشم ارائه شده و جوانب آن مرصع بجواهرات قیمتی میباشد. در حوالی تصویر، گل و بوته های الوان مینائی به استادی ترسیم شده که واقعا "درخور تحسین است. در این تصویر، فتحعلیشاه عصای بلندی بدست گرفته و لباسهای سلطنتی او مزین به سنگهای قیمتی و مروارید میباشد. در روی معرجوبی اطاق دو گلدان پر گل دیده میشوند و در زیر معجر رقم دارد. (غلامخانه زادعلی)

۳- سومین اثر مینائی نقاش، مدالیون گلابی شکلی بابعاد ۵ x ۶ سانتیمتر بود که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۸ لندن بفروش رسید. در این اثر ارزنده، تصویر محمد علی میرزا دولت شاه، یکی از پسران فتحعلیشاه که بسا ن پدر تا جدا رش ریش بلندی داشته و کلاه جواهر نشان بسر گذاشته، به استادی نقش بسته بود و رقم داشت.

(غلامخانه زاد علی)

۶۳۳- علی صحاف

بنوشته اعتماد السلطنه در روزنامه ایران، سال ۱۲۹۹ ه.ق. دو استاد بنامهای میرزا عبدالوهاب و میرزا علی محمد مذهب با معیت میرزا علی صحاف و چهار شاگرد دیگر مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیله بوده اند. از این گفته چنین برمی آید که این استاد، صحاف زبردستی بوده و در کتابخانه سلطنتی بکار صحافی اشتغال داشته است.

۶۳۴ - علی - فلزکار عثمانی

طراح و نقاش بروی فلزات سخت بود و اغلب قلمدانهای نقره‌ای میساخت. از این استاد، قلمدان کم‌نظیر نقره‌ای دیدم که به نقوش و آرایش عثمانی، عمل آمده و در رویه آن یک یا قوت دلربا نصب گشته بود. در داخل قلمدان طغرای (یا بدوح) جلب نظر میکرد و رقم داشت. (قد عمل علی سنه ۱۱۳۹)

۶۳۵ - علی قلمدان ساز

قلمدان ساز و مجلد دوره فتحعلیشاه قاجار بود و در ترسیم گل و مرغ و تذهیب و ترصیع آن، استادی خوش قلم بشمار می‌آمد. از جلدهای رقم‌دار روی که بگل و مرغ، آرایش و تذهیب شده و به نستعلیق زیبا، اشعاری در وصف فتحعلیشاه ثبت کرده، در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته که رقم‌دارد. (رقم کلک علی بنده خاقان آمد ۱۲۴۱)

علی کاشانی - در میرزا علی کاشانی آمده.

۶۳۶ - علی کله گوش

هنرمند صورت‌نگار و نقاش خوش قلم و واسط قرن ۱۰ ه. ق. است. قاضی احمد در گلستان هنر از این استاد یاد کرده و چنین نوشته است. ((مولانا علی مشهور به کله‌گوش و نیز گوش در معامله تقلید مهر شاه عالم پناه (شاه طهماسب اول ۹۸۴ - ۹۳۰) همراه یاران (از قبیل عبدالعزیز و علی اصغر کاشانی) بباد داده بود، کاشانی است، در مشهد مقدس در کتابخانه نواب میرزائی بود، کار میکرد و مواجب و انعام داشت.))

۶۳۷ - علی - نقاش رنگ و روغنی

از نقاشان اواسط قرن ۱۳ ه. ق. بود و در رنگ و روغن دست داشت. از آثار رنگ و روغنی وی، تصویری از رجال قاجاری را دیدم که در حد متوسط نقاشی شده و رقم داشت. (خانه زاد علی سنه ۱۲۶۷)

۶۳۸ - علی - نقاش روغنی

نقاش گمنام و زبردست اوایل قرن ۱۳ ه. ق. بود و با سجع (یا علی بن ابوطالب) رقم مینهاد. از این هنرمند، تک جلد روغنی و پرمایه‌ای دارم که بشیوه آقامیرکی انجام یافته و در نوع خود زیبا و افزا می‌باشد.

این اثر پرپیرایه که در زمینه خودی انجام یافته، خرمن رنگینی از گلهای گوناگونی است که برنگهای سیر و تاریک، نقش گشته و با تشعیر و حل کاری استادانه حاشیه‌گیری شده است. در کنارها نیز بسان گل‌های اندرونی، بنفشه‌های تزیینی رسم شده و حاشیه آنها، حل کاری گشته است. این تک جلد دلربا و پیرآذین که در شیوه خاصی انجام یافته، معرف حسن سلیقه و قدرت قلم‌نقاش بشمار می‌آید که بخط شکسته تحریری رقم‌دارد. (یا علی بن ابوطالب ۱۲۰۲) تصویر شماره ۶۶

۶۳۹ - علی - نقاش دوره صفوی

از نقاشان اواخر قرن ۱۰ ه. ق. بود و در شیوه محمدزمان تصویر میساخت. از آثار رقم‌دار این هنرمند که در بریتیش میوزیوم دیدم، تصویر شاهزاده جوانی بود که لباسهای راه‌راه دوره صفوی بتن کرده و تاج بلندی که چندین پیرهای مختلف بروی آن دیده میشد، بسر نهاده بود. در مقابل شاهزاده، دختر طنا زویرحالتی که لباس سینه‌با زپوشیده و چندریسه مروارید بگردن آویخته بود، با شاهزاده صحبت میکرد و گلی با و تعارف مینمود. کلاه و لباس و حالت چهره و نوع آرایش در سبک صفوی بود و تپه‌های انتهای تصویر، زیبا جلوه میکرد و رقم داشت. (رقم غلامزاده قدیمی علی)

۶۴۰ - علی - نقاش ناخنی

تما ویر حیوانات و گل و مرغ و سایر اشکال مختلفه را در کمال زبردستی و شیوه ناخنی، بمهارت انجام میداد و در نستعلیق و نسخ ناخنی هم، قلم خوش داشت. از آثار پاکیزه و پخته این هنرمند که بروی کاغذهای آহারی و شیوه ناخنی انجام یافته، دسته‌گل متنوعی، در مجموعه دارم که در نوع خود از بهترینها بوده و رقم‌دارد. (عبده علی)، دیگر از آثار شیوای این استاد، که از نزدیک دیدم، تصویر گرفت و گیرگاو وحشی با خرس قوی هیكلی بود که بهم درآویخته و خرس را از میدان بدر کرده بود و رقم داشت. (رقمه علی ۱۳۱۰)

قطعه دیگر هنرمند که مبین استادی و مهارت نقاش در امر ناخنی بود، تصویر کودک لخت و عوری بود که با چوبدستی، بالک‌لک بلندقدی بازی میکرد و او را پرواز میداد. حالت کودک و ارائه استادانه پیرهای لک‌لک، ستودنی بود و رقم داشت. (نقشه علی)

۶۴۱ - علی - نقاش هراتی

نقاش گمنام قرن ۹ ه. ق. دوره امیرعلیشیرنوائی (۸۴۴ - ۹۰۶) است. از این هنرمند، اثری در موزه خزینه اوقاف ترکیه بیا دگار است که تصویر علیشیرنوائی را

بالباده قهوه‌ای بلندی که بتن کرده نشان داده است.

در این اثر شبیه پردازی، علیشیر بعضا تکیه داده و کلاه عما‌های سفید رنگ انتهای سبز، بسرگذاشته و ریش و سبیل سبک دارد. امیر با تدبیر که گویا دل بجمال جوان زیباروئی، بنا می‌رود چو چوک بسته، واله و حیران در مقابل جوان ایستاده و شاخه گلی را از دست وی می‌پذیرد.

جوانک شاد و خندان که بکلاه و البسه طلائی و شیوه‌های ملبس شده، کلاه پر طاوسی و تاج دار بسرگذاشته و لباده مزین و گل داری بروی لباسهای زیرین بتن کرده است. در بالای تصویر بخط ریز نوشته:

(صورت دلپذیر میرزا چو چوک و امیر بی شبهه و نظیرا میرنظام الدین علیشیر) در گوشه راست پائین تصویر، رقم گذاشته. (صوره الفقیر علی)

۶۴۲ - علی نگارگر عثمانی

از هنرمندان برجسته و مصور شیرین قلم، تما ویر نسخه معروف هنرنامه مضبوط، درموزه توپ‌قا پوسرای ترکیه است. این کتاب که بخط سنان بن محمد بوسنائی و در سنه ۹۹۲ ه.ق. کتابت شده، چند تصویر از این هنرمندان رد که شایسته دقت می‌باشد. دیگر آثار این هنرمند که بهم کاری استاد عثمان انجام یافته، تماویری در شاهنامه سلطان سلیم خان عثمانی است که بسال ۹۸۸ و توسط الیاس خطیب، کتابت شده و حالیه درموزه (فاین آرت بوستون) بیادگار می‌باشد.

۶۴۳ - علی آقا - قاطع و نقاش

کاغذ برچا بک دست قرن ۱۴ ه.ق. بود که نقوش مورد دلخواه را بروی کاغذهای مخصوص، طرح کرده و با قیچی و ادوات مخصوص، آنرا بریده و حالت میداد. از آثار پر وسواس و دقیق کار این استاد، تزیین و کتابت اسماء مبارکه الهی و اما مان ذوی الاحترام بود که بخط استادانه‌ای طراحی شده و حواشی آنرا بگل‌های تزیینی بسیار خوش منظرونازک قطعی ارائه داده و در داخل ترنجی رقم نهاده بود. (علی آقا -)

۶۴۴ - علی آقای خوانساری

اهل خوانسار و مذهب چابک قلم و خطاط خوش رقم و ایل قرن ۱۴ ه.ق. بود. از تنها اثر رقم دار این استاد که درموزه هنرهای تزیینی تهران دیدم، جلد و غنی اندازة رحلی بود که به انواع نقوش تذهیبی و طلاکاری آرایش یافته و در نوع خود ارزنده بشمار می‌آمد.

رقم نقاش در داخل هشت ترنج گوناگون و بخط رقاع استادانه و رنگ طلائی

جلب نظر می‌کرد که چنین بود:

(۱) حسب فرمایش سرکار ۲ - مقرب الخاقان جلالتمدار ۳ - آقا میرزا زکی خان ۴ - نوری من طایفه ۵ - ویلک ساکن اصفهان ۶ - عمل خادم آستان ۷ - ارباب صنعت ۸ - علی آقای خوانساری (۱۳۰۴)

۶۴۵ - علی احمد دهلوی - نشانی

فرزند حسین نقشی دهلوی است که در علوم هیئت و طبیعی دست داشته و در هنر حکاک و نگین تراشی از پرهیزان دوره جهانگیری (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ه.ق.) هند بوده است. این استاد زبردست، علاوه بر عقیق تراشی، همه اقسام خط را استادانه مینوشت و در شعر (نشانی) تخلص میکرد.

در صفحه ۸۱ تزوک جهانگیری از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته:

((من حقیقت شعری را تفحص می‌کردم که ملا علی احمد مهرکن که در فن خود از بی نظیران عصر و عهد بود و نسبت خلیفه و خدمتگزاری قدیم داشت و در ایام خورد سالیه که سبق پیش پدر را می‌خواندم، پیش آمده و چنین نقل کرد که من از پدر خود شنیده‌ام. ملا مشا را لیه چون سخن را بدین جا رسانید و کلمه آخر مصرع ثانی که بر سمت کنج کلاهی بر زبان جاری شد، حال برو متغیر گشته و بی خودانه افتاد))
و در آئین اکبری خطی مجموعه نگارنده نیز یاد از این هنرمند کرده و چنین آورده است: ((فولاد را کسی براونیا رست و خط شناسان او را در این صفت بی‌همتای روزگار دانند و از نگارشان اوستادی برسانند. غیر از تعلیق، خطوط به و الاپایگی رسانی، لیکن نستعلیق را در روی عقیق و نگارگری او بس دلفریب آراید و این پیشه را از پدر خود شیخ حسین برگرفت.))

از ابیات شیرین نشانی که راجع بحرفه و مهارت خود نظم کرده این شعر جلب نظر مینماید.

زیرنگین من شده روی زمین تمام - من چون نگین، بدور گریبان سراندرم

۶۴۶ - علی اسکداری

اهل اسکدار عثمانی و مذهب و نقاش نازک قلم ادرنه کاری قرن ۱۲ ه.ق. آن دیار است. مرحوم مستقیم زاده در تحفه خطاطین، از این هنرمندان نام برده و وی را نقاشی بی نظیر دانسته و از شاگردان یوسف مصری معرفی نموده است. این هنرمند در آرایش جلدها، شیرین عیار بود و در تلفیق رنگها و صنعت تذهیب و تشعیر دست پر قدرت داشت. ادرنه کاری و یا ادرنه ایشی، همان تصاویر و غنی لاک است که از تاریخ ۱۲۷۸ میلادی، در کشور عثمانی شروع شده و قدیمیترین اثر بجا

مانده از آن دوره، رحل چوبی روغنی است که بشیوائی تمام ترسیم و روغن کاری شده و حالا در موزه مولوی قونیه قرار گرفته است.

این هنرمند زیبا نگار، دوران سلطنت چهار سلطان عثمانی، از قبیل سلطان احمد سوم و محمود اول و سلطان عثمان و مصطفی سوم عثمانی را درک کرده و در زمان آنها فعالیت هنری داشته است. صنعت ادرنه کاری، در زمان این هنرمند اعتبار و الائی داشته و پادشاه و مزدخوبی نیز نصیب هنرمند صاحب قلم میکرده است.

در آرشو قدیمی موزه توپ قا پوسرای ترکیه، سندی دیده میشود که مزد هنرهای روغنی آن دوره را آشکار میسازد. در این سند که بسال ۱۱۴۳ ه.ق. تنظیم شده و توسط فرد مسئولی، بنام سلیمان آقا داده شده، برای روغن کاری یک جعبه، پنج غروش پرداخت شده و برای استاد دیگری بنام علی چلبی که کارش تا حدی بهتر بوده، جمعا شصت و سه غروش و چهل پارا تحویل گشته است.

از آثار رقم دار این هنرمند که بسال ۱۷۲۷ میلادی عمل آمده، دوشا خه گل سرخ و حنائی است که به دلفریبی تمام نقش بسته و حالیه در کتا بخانه دانشگاه استانبول مضبوط میباشد. دیگر اثر دلربای هنرمند که بروی میز مستطیل شکلی نقش شده و در موزه توپ قا پوسرای قرار دارد، تصویر گلهای رنگارنگ و تذهیب زرنشان استادانه ای است که حواشی آنرا، خطوط نستعلیق زیبا احاطه کرده و رقم دارد.

(عمل علی اسکداری)

سومین یادگار روغنی هنرمند، جلد گل و مرغی شیوائی است که بسال ۱۱۳۹ و در زمان سلطان احمد سوم انجام یافته و بهترین نمونه آرایش گلها، در این سنوات بشمار میآید. دیگر از این هنرمند، سه اثر کم نظیر و رقم دار موجود است که بین سالهای ۱۱۵۹ تا ۱۱۷۱ ه.ق. اجرا شده، یکی از اینها، جلد نفیس و مزینیی است که برنگهای قرمز و سیاه و آبی نقاشی شده و با طلای خالص حل کاری گشته است. در وسط خوشه های گلها رقم دارد. (علی اسکداری ۱۱۵۵)

۶۴۷ - علی اشرف - عندلیب شیرازی

فرزند آقا جان وبه عندلیب شیرازی معروف بوده است.

علی اشرف در قلمدان سازی و تذهیب، دست پر قدرت داشته و بسالیان ۱۳۳۸ ه.ق. در شیراز وفات یافته و در آن دیار بخاک رفته است.

۶۴۸ - علی اشرف نقاش افشار

از ایل معروف افشار ارومی بود و از نقاشان پرمایه و ذوقنون قرن ۱۲ ه.ق. بشمار میآید. اعتماد السلطنه در کتاب المآثر و الآثار، از این هنرمند، مختصر

یادی کرده و ضمن احوال ابوالحسن افشار ارومی چنین آورده است:

((ابوالحسن افشار خلف الله وردی نقاش بوده و در صنعت نقاشی و گل و بوتیه سازی و رنگ آمیزی ما بین کارهای او و عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور تمیزی ممکن نبود.)) از این نوشته چنین برمیآید که این هنرمند، برادر بزرگ الله وردی نقاش بوده و از طوایف ایل معروف افشار ارومیه محسوب میشده است.

این هنرمند فرزند نقاشی نیز بنا مرضا داشت که بزیور فضل و کمال و هنر آراسته بود و در مکتب و شیوه پدر نقش میآفرید. تنها اثر منحصر بفرد و رقم دار فرزندش استاد رضا که در مجموعه نگارنده قرار دارد، قلمدان گل و مرغی استادانه ایست که بخط زیبای طلائی حاشیه گیری شده و رقم گذاشته.

(رضا بن علی اشرف مرحوم ۱۲۰۲)

دیگر از منابع مستدل و با اطمینان مدارک قدیمی، که مختصر کورسویی باحوال این هنرمند بازمینماید، ارقام گوناگون شاگردان و خود نقاش است که در ذیل آثا رو در بطن سجع ها اشاره ای کرده و نام پرافتخار استاد خویش را بیان کرده است.

یکی از این موارد، سجع انحصاری خود نقاش است که اغلب بروی آثار ممتازش رقم زده و نوشته است. (زبید محمد علی اشرف است)

و معمولاً این رقم با یاد معرف این نکته باشد که استاد از شاگردان نقاش معروف اوایل قرن ۱۲ ه.ق.، محمد زمان اول بوده که در محضرش زانورده و بافتخار شاگردیش این سجع را مرقوم داشته که بعد از محمد (استاد محمد زمان اول) علی اشرف از همه اشرف تر و والاتر میباشد. و یا اینکه بشاگردی استاد محمد علی پسر محمد زمان اول که بین سالهای ۱۱۲۰ تا ۱۱۴۰ فعالیت داشته، مفتخر بوده و بجهت اعتلای نام استادش رقم زده. (زبید محمد علی اشرف است) و معلوم داشته که بعد از استاد محمد علی، علی اشرف بجای وی قرار گرفته و در نقش تصویر بی رقیب گشته است. ولی چون نحوه کار و شیوه آرایش و سایر نکات هنری و چه بسا تقلید صد در صد استادانه ای از کارهای محمد زمان اول، معلوم میدارد، از سرچشمه هنر متعالی آن پدر و پسر بهره ها برده و با صلاح قلا ده شاگردی آنها را بگردن نهاده و به مستدوالی استادی عروج کرده است.

از شاگردان نامدار وی که نام استاد را در سجع خود جای داده و بشاگردی اش افتخار کرده اند، سه استاد تصویر ساز هستند که یکی از آنها استاد محمد نقاش است که با درج نام خود به سجع علی اشرف، (صنع محمد علی اشرف است) مقام صنعتی خود را از تعلیمات علی اشرف دانسته و زحمات وی را ارج نهاده است.

دیگر از شاگردان وی، آقا باقراول، نقاش نامی است که او نیز بسیق دوستان هنرمندش، سجعی بشیوه استاد برای خود انتخاب کرده و با درج:

(با قرا ز لطف علی اشرف شد) از لطاف استاد قدردانی کرده و یادش را گرامی داشته است.

سومین شاگرد پیر آوازه استاد علی اشرفه آقا صادق اول، نقاش است که از محبت و هنرآموزی استاد بهره‌یاب گشته و سجعی هم وزن رقم استاد انتخاب کرده و نوشته است. (صادق از لطف علی اشرف شد)

این هنرمند با میرزا احمد نیریزی، خطاط معجزه‌گرونا می‌اواسط قرن ۱۲ ه.ق. نیز جلیس و مونس بود و در بعضی موارد همکاری میکرد، میرزا احمد که علاوه بر صنعت خط، نقش‌تعییر و تذهیب را خوب میدانست، در بعضی از قلمدان‌ها و جلدهای بجا مانده، تماویر گل و مرغ و صورتها را علی اشرف میکشید و جداول و ترنج‌سازی و کتابت خطوط شش‌گانه زیبا و رنگین را احمد نیریزی عمل می‌آورد.

علی اشرف عاشق گل و مرغ و زیباییهای طبیعت بود و آرزو داشت، حلاوت و طراوت گلها را از باغات و بساتین و چمنزارها بخانه آورده و در روی کاغذی بی‌ارزش، پربها کرده و از نو خلق نماید. این استاد در ارائه گل و مرغ و حالت پرندگان و حشرات مهارت داشت و رنگ‌آمیزی و سایه‌پردازی آنها را بپایه طبیعت، پیرو سواست میساخت و حالت طبیعی میداد. سایه‌پردازیهای غباری علی اشرف که اغلب با افشانی از طلائیز هم‌خواه بوده با حالتی سحرآمیز و بروی گلها می‌نشانید و حلاوت و طراوت آنها را مضاعف میساخت. بغیر از گل و مرغ و پروانه و زنبور، در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی و ارائه مناظر مفرح و دل‌انگیز، نقاشی چابک قلم و مصوری بی‌بدل بشمار می‌آمد.

علی اشرف بغیر از هنر تصویرسازی، در رشته‌های زیبانگاری و تنوع‌فن‌نقاشی، از قبیل تذهیب و ترصیع و تشعیرو حل‌کاری و مرغش‌سازی و روغن‌آرایی و حتی کتابت خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته صاحب قلم بود و شعر را نیکو میسرود. در رویه جلد، مرقع کم‌نظیر موزه ارمیتاژ لنین‌گرا ده که جهت میرزا مهدی‌خان منشی‌نا در شاه افشار ترتیب داده، اشعاری در خور تحسین سروده و درج نموده که معرف طبع روان هنرمند می‌باشد.

از آثار متنوع استاد علی اشرف که بعضی از آنها در اینجا ارائه شده، بین سالهای ۱۱۴۰ ه.ق تا سال ۱۱۷۰ ه.ق فرجام پذیرفته و مدت سی سال لو اندی، در عرصه هنری ایران و الا مقام بوده و از شهرت زایدالوصفی برخوردار بوده است، و اگر آخرین سنوات عمر نقاش را در حدود ده سال بعد از اجرای آخرین اثر رقم‌دارش که بسال ۱۱۷۰ اتمام یافته در نظر بگیریم، میتوانیم این حدس را یقین بدانیم که این

هنرمند بسال ۱۱۱۰ تولد یافته و در حدود سالیان ۱۱۸۰ وفات یافته و روی درنقاب خاک کشیده است.

از آثار او دیده‌ام:

۱- جلد گل و مرغی قرآنی دیدم که در کمال لطافت و ملاحظت بود و بخط شکسته طلائی رقم داشت. (زبید محمد علی اشرفست ۱۱۳۵)

۲- دیگر از این هنرمند، قلمدان گل و مرغ دلربائی دیدم که گل‌های فشرده و استادانه داشت و زیر قلمدان که برنگ سرخ طلائی نقش شده بود، گل و برگ‌های متنوع و شکوفه‌های طلائی بروی آن جلب نظر میکرد و رقم داشت.

(زبید محمد علی اشرف است ۱۱۶۸)

۳- قلمدان دیگر استاد، قلمدان مرغی قرمز رنگ بود که بروی آن گل و مرغ فریبنده نقش شده و رقم داشت. (زبید محمد علی اشرف است ۱۱۵۹)

۴- دیگر اثر متعالی استاد علی اشرف که با همکاری استاد احمد نیریزی فرجام یافته بود، قلمدان تابوتی مخطوط بود که به مرغش قهوه‌ای و تریاک‌کی رنگ تصویر شده و ریشه گل‌های تزئینی منظم، در محدوده جداول درشت و ضخیم طلائی داشت. در داخل ترنج‌های متنوع و مذهب آن، خطوطی بشیوه رقاعی و در وصف هنر خط که از فرمایشات حضرت علی علیه السلام نقل شده بود، به شیوائی و قدرت تمام و رنگهای گوناگون نقش بسته بود که شایسته تحسین بود و رقم داشت.

(العبد احمد لنیریزی فی ۱۱۲۴) مجموعه شماره ۲

از طرز کار و شیوه گل‌آرایی چنین معلوم میگردد که نقش گلها و رسم جداول طلائی و پرداخت و تسطیح مرغش قلمدان، بعهده استاد علی اشرف بوده و کتابت خطوط و ادعیه مبارکه، اثر قلم معجزنگار میرزا احمد نیریزی بوده است.

۵- یادگار دیگر این استاد که در موزه رضا عباسی تهران قرار دارد، قلمدان تابوتی بزرگ و بی‌نظیر گل و مرغی است که در حد خود یک شاهکار بشمار آمده و با اصطلاح سنگ تمام گذاشته و رقم نهاده. (زبید محمد علی اشرف است سنه ۱۱۶۴)

۶- از آثار چهره‌سازی و صورت‌پردازی علی اشرف، قلمدان شیوائی دیدم که قصه معروف شیخ‌صنان و دختر ترسا بود. در این اثر با ملاحظت، صورتها و آرایش البسه در شیوه صفوی بوده و فریبندگی خاصی داشت، دختر ترسا که در بین یاران خود جلب نظر میکرد، بشیوه دلکشی فرنگ‌سازی شده و نقش همراهان و تنوع آرایش و انتخاب رنگها در خور تحسین بود و رقم داشت.

(زبید محمد علی اشرف است سنه ۱۱۶۱)

۷- قلمدان نفیس دیگر هنرمند که در رویه آن، شاخه‌های گسترده و پرطراوت

گل فندقی و برگهای سرسبز آن جلوه گر بود، اثر بی همتائی بود که در زمینه سرخ آتشی انجام گشته بود.

در رویه ها و کناره های قلمدان، انواع گلها از قبیل گل سرخ و گل سیب و شفتالو بطراوت و استادی تمام جنب یکدیگر تصویر گشته و آیتی از خرمن گلها، هوش ربا بود و رقم داشت.

(زبعمحمد علی اشرف است ۱۱۶۲) مجموعه شماره ۲

۸- از قاب آینه های هشت گوش و زیبای این هنرمند که در مجموعه نگارنده است، اثری ممتاز از تصاویر گلها و متنوع و زیبائی است که در زمینه مرغش سرخ رنگ اناری و روشن عمل آمده و آیتی از کمال بشمار می آید. در سه رویه داخل و خارج قاب آینه، گل و مرغهای زیبا و افسانه ای، با پردا ز بسیار ریز و غباری نقاشی شده و موید قدرت قلم و حسن انتخاب رنگها و عظمت زیبا سازی هنرمند میباشد، رقم نقاش بخت زیبا و درشت نستعلیق، چنین است.

(هو- زبعمحمد علی اشرف است ۱۱۵۲)

۹- دیگر از آثار ارزنده نقاش که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ بفروش رسید، قاب آینه گل و مرغی دلنوازی بود که به تردستی و مهارت انجام یافته و رقم داشت. (زبعمحمد علی اشرف است ۱۱۶۹)

۱۰- دیگر از جلدهای علی اشرف، جلد گل و مرغی بزرگ مرقع معروف ارمیتاژ لنین گراد است که تصویر رنگی آن بروی جلد آلوم مزبور جلب نظر مینماید. در رویه جلد و در سه ترنج بزرگ و کوچک آن گل و مرغ دل پسندی تصویر کرده که مختصر ریختگی و کوفتگی دارد، کناره ها و سطح وسیع آن، با گلها و متنوع پر آذینی تصویر گشته و سطح جلد را پوشانده است.

در حواشی و اطراف جلد که گویا برای میرزا مهدی خان منشی نادر شاه ترتیب یافته، اشعار تنظیمی نقاش است که نوشته (کلک خادم بعزم سحر آمد) واقعاً سحر کرده و ابیات را طوری ترتیب داده که هربیت آن، مبین سنه ۱۱۴۷ ه ق است که تاریخ پایان جلد مرقع را بحروف ابجدی آشکار می سازد. آن اشعار چنین است:

ای نکو طلعت مرقع نام ۱۱۴۷	که شد از جلوه شهره در ایام ۱۱۴۷
نیست نازش ز دلبری بی جا ۱۱۴۷	نازنینی است چون نشاط افزا ۱۱۴۷
گاه از حسن خط جلاده چشم ۱۱۴۷	که بحر فیه عیان مشابیه چشم ۱۱۴۷
که قرین چارسطری زهرسو ۱۱۴۷	طورا و چون بتان چارابرو ۱۱۴۷
که نماید بچشم تجربه بین ۱۱۴۷	پس هم قطع ها چو خلد برین ۱۱۴۷

قلم از وصف خط کند زنبان ۱۱۴۷	صفحه را از بنفشه گل ریزان ۱۱۴۷
بسته از جان و دل بهر سویش ۱۱۴۷	برقعی با ز جلد بر رویش ۱۱۴۷
برقش نیز آنکه بگشاده ۱۱۴۷	جان بتصویر ساده اش داده ۱۱۴۷
مالکش وقع دولت و اقبال ۱۱۴۷	در شهوار عین بحر کمال ۱۱۴۷
فلک عز و منزلت را بـدر ۱۱۴۷	مدره ا ما فزون ز آتش قدر ۱۱۴۷
زینت افزای مجلس زد دولت ۱۱۴۷	میرزا مهدی آن ملک فطرت ۱۱۴۷
آن گرامی که از کمالاتش ۱۱۴۷	عالم پیرمحو حالاتش ۱۱۴۷
وصف کلکش چون نیست حد زبان ۱۱۴۷	کلک افسرده شد بکسرلسان ۱۱۴۷
یافت اتما چون به یمن حد ۱۱۴۷	کلک خادم بعزم سحر آمد ۱۱۴۷
از پی ضبط واصل زمان ۱۱۴۷	دان زهر مصرع از حساب نشان ۱۱۴۷
با چون خط بماه چهره یار ۱۱۴۷	صاحبش راه کا مرانی کار ۱۱۴۷

قسمت داخلی جلد مزبور که زمینه ساده دارد، در سه ترنج مختلف وسط و حواشی بین دو کمند زین اطراف، گل و مرغ استادانه و بسیار فرح انگیزی تصویر شده و از بهترین آثار سنوات ۱۱۴۵ ه ق نقاش بشمار می آید.

از آثار متنوع و ارزنده این هنرمند، بتعداد بسیاری در موزه ها و مجموعه های شخصی داخل و خارج ایران دیده میشود که مابعلت یکسانی و هم طرازی آنها از ذکر تک تک آنها خودداری کرده و بهمین نمونه های یاد شده، اکتفا مینمائیم.

۶۴۹- علی اصغر اصفهانی

نگارگر و طراح فلزات سخت بود و در هنر خود مهارت فوق العاده داشت.

از آثار اضا دار این هنرمند، شمشیر کریم خان زند است که بسال ۱۱۸۹ طراح و عمل آمده و در نوع خود یکی از بهترین ها است.

در رویه شمشیر این ابیات بچشم میخورد.

این تیغ که شیر فلکش شمشیر است شمشیر وکیل آن شه کشور گیر است
پیوسته کلید فتح دارد در دست آن دست که بر قبضه این شمشیر است

۶۵۰- علی اصغر جواهر رقم

اهل کاشان و پدر رضا کاشانی بود که احوال آن در (رضا) کاشانی به تفصیل یاد شده است. این هنرمند که به جواهر رقم نیز شهرت داشته، استادی کم نظیر و مصوری چابک دست بود و از هنرمندان قرن ۱۰ ه ق بشمار می آید. در بدایت حال خدمت ابراهیم میرزا نقش تصویر میساخت و سپس به کتابخانه شاه

اسماعیل ثانی رو آورده و در کتابخانه‌های به خدمت مشغول گردید.
علی اصغر در قضیه تقلید مهر سلطنتی شاه طهماسب بسان یاران نزدیکش (عبدالعزیز و علی کله‌گوش) متهم گشته و مورد تنبیه و تادیب قرار گرفت، تا جائیکه گوش و بینی او فی الفور، توسط خواه‌قباحت جراح قطع گشته و عیسرت ناظرین و حاضرین گردید.

ما وقع این جریان خون‌آلود، در احوال عبدالعزیز بتفصیل یاد شده که از تکرار مجدد آن خودداری میشود.

در عالم آرای عباسی مختصری از این نقاش یاد کرده و چنین نوشته است:
(مولانا علی اصغر کا شی استاد باقرینه و مصور پاکیزه ساخت، در پرداخت و رنگ آمیزی منفرد و در کوه‌پردازی و درخت‌سازی از اقران در پیش بود، او نیز خدمت سلطان ابراهیم می‌بود و در زمان اسماعیل میرزا از صاحب کتابخانه شد.)
آثار رقم‌دار این هنرمند بسیار کم بوده و بندرت دیده میشود. یکی از این تصاویر که رقم نقاش را دارا می‌باشد، تنها اثر شیوائی است که در پالاه گالری پاریس جلب نظر میکند.

آثار دیگر این نقاش که رقم‌دار و منسوب با وی می‌باشد، چهار تصویر از زنده است که عکس آنها در صفحات ۱۱۰ الی ۱۱۳ کتاب (پرسیان اند مغول آرت) گالری کل ناقل لندن جلب نظر مینماید.

در این آثار که در مکتب قزوین تصویر گشته است، اسبها به تردستی و مهارت ارائه شده و منظره کوه و درختان جلوه دلپذیری دارد. صورت‌ها و همچنین لباس‌های سیاه و ورستم و کیخسرو و همراهان دیگرش پرمایه بوده و منظره دشت و دمن باستادی ترتیب یافته و مهارت نقاش را در امر تصویر بر ملا می‌سازد.

۶۵۱ - علی اصغر - مذهب و نقاش

شرح حال این استاد قوی دست و مذهب شیرین قلم را در هیچ تذکره و کتابی نیا فتم. تنها یادگاری که از این تصویر ساز باقی مانده، دواثر شیوائی است که بقوی دستی انجام داده و مهارت وی را در شبیه‌پردازی و قلمدان‌سازی و ارائه طلاکاریهای متنوع و دلپذیر نمایان ساخته است.

در این نقاشی، اتابک روی صندلی قرار گرفته و لباس بلندی پوشیده و در قصر خود در حال استراحت است. در زیر پای اتابک، این ابیات بخط رقاع زیبا درج گشته است.

این روح مجرد که مجسم آید
در رتبه فزون‌زاهل عالم آید
زینبند سجده گشت چو کعبه زانک
تمثال جناب صدر اعظم آمد

(خانه زاد احقر علی اصغر ۱۳۱۲) مجموعه شماره ۲
حاشیه این تصویر، بعد از هلالی‌های زیبا و یک دست طلائی که در اسلیمی‌های گوناگون و متنوع رنگی ترصیع یافته، درشش ردیف کمندی طلائی، انواع واقسام شیوه هنر تذهیب کاری ارائه گشته و در نوع خود ستودنی است.

۲- دیگر آثار رقم‌دار این هنرمند، قلمدان مذهب و عالی است که در زمین‌ه زرد نخودی و در اندازه کوچکتر، به تذهیب و تشعیر آرایش شده و استادانه می‌باشد.
در رویه قلمدان، انواع شیوه‌های تذهیب کاری، از قبیل خرطوم‌فیلی و چین دومان‌ی در بین دوایر گوناگون ارائه گشته و در لابلای جوار آنها، تصویر پرندگان و جانوران به نازک قلمی نقش بسته است. در زیر دیواره‌های داخلی قلمدان نیز که بهمان رنگ زیبای نخودی عمل آمده، گل و برگ‌های خوشه‌انگوری در کمال قدرت نقاشی شده و رقم‌دارد. (بجهت تقدیم حضور مبارک حضرت مبارک اتابک اعظم.

رقم خانه زاد علی اصغر ۱۳۱۸) مجموعه شماره ۵

۶۵۲ - علی اصغر - میر

به میر علی اصغر میناسا زم معروف بود و در نقش تصویر، بروی بشقاب‌ها و ظروف چینی دست پر هنر داشت. از تنها اثر بجای مانده این استاد، تزیین و آرایش بشقاب زیبائی در موزه گلستان تهران است که تصویر ناصرالدین شاه قاجار را به تابلوکی در روی بشقاب نقش کرده و رقم گذاشته است.

(هوالله میر علی اصغر ۱۲۶۹)

۶۵۳ - علی اکبر اصفهانی

اصفهان‌ی و از استادان معمار و طراح نقوش بنای مسجد شاه اصفهان است.
این هنرمند که در اوایل سده قرن ۱۱ ه.ق. و در شهر اصفهان فعالیت داشت، طراحی و نقشه‌های درونی و بیرونی بناها و مساجد را بشخصه انجام میداد و در ساخت آنها نیز شرکت مینمود. یکی از آثار مشهور و بجای مانده این هنرمند که بیننده را بتحسین و امیدارد، مسجد با عظمت و پر جلال شاه اصفهان است که نام معمار هنرمند آن نیز در کتیبه سردر مسجد و بخط محمد رضا امامی کتابت شده که چنین می‌باشد.

(قد تمت بعون الله و حسن توفیقه عمارة المسجد الذی)

(وبه معماریه من فی العمل کالمهندسین و هوالنا درالوانی استاد علی اکبر الاصفهانی)

۶۵۴ - علی اکبر اصفهانی - درویش

درویش اهل اصفهان بود و در تصویر و کتابت خطوط، بشیوه ناختی، کمال مهارت را

داشت. از آثار زیبا و استادانه این هنرمند، تصویر ناخنی ناصرالدین شاه، در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان است که در کمال چیره دستی انجام داده و سجع مهر ناصرالدین شاه را بخط زیبای نستعلیق و در شیوه ناخنی، در گوشه تصویر چنین نقش کرده است.

(تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از ماه تاماهی گرفت) و در زیر پای اسب ناصرالدین شاه رقم گذاشته: (علی اکبر) دومین اثر ناخنی این هنرمند، تصویر فرشته (۱) براق است که صورت انسانی داشته و بدنش بسان اسب ها می باشد.

در این معراج آسمانی، حضرت محمد (ص ع) سوار بر براق شده و بطرف فضا عروج مینماید. تاج مخصوص و بالهای براق، وزین و باشکوه است و در پائین تابلو، تصویر شیری غران دیده میشود که در آرزوی پرواز ببالا پریده ولی بمقصود نایل نگشته است، بخط نستعلیق ناخنی رقم دارد.

(رقم کمترین علی اکبر) مضبوط در مجموعه شماره ۲

۶۵۵ - علی اکبر چهره ساز

تصویر گروه شبیه پرداز پر مهارت اوایل قرن ۱۱ ه.ق. بود.

این هنرمند، در شیوه محمد زمان و مهارت علیقلی جبار دار، شبیه پردازی و چهره سازی میکرد و کناره ها و زمینه را بگل و بوتها استادانه، آرایش میداد.

از آثار رقم دار و پر حلاوت این هنرمند، قلمدان پر مایه ای دیدم که صورت یکی از شاهزادگان صفوی را در کمال قدرت و نازک قلمی تصویر کرده و رقم گذاشته بود.

(علی اکبر ۱۰۳۵)

۶۵۶ - علی اکبر قلمدان ساز

قلمدان ساز گمنام و قوی دست دوره ناصری بود.

از آثار روغنی این هنرمند، قلمدان پر مهارتی دیدم که در زمینه مرغشی تیره انجام یافته و بهایر و بادیه و تذهیب بسیار شیوا، آراسته گشته و رقم داشته (علی اکبر)

۱- جهت مزید اطلاع علاقمندان، شمایل فرشته براق را از تفسیر شیخ ابوالفتح رازی که از سوره بنی اسرائیل روایت شده ارائه میدهم.

براق - اسبی بود از شر که ترو دنبالش چون دنبال شتر بود و برش چون بر اسب بود، رویش چون روی آدمیان. دست و پایش چون دست و پای شتر و سم او چون یاقوت سرخ بود و پشتش چون در سفید بود، زینتی از زین های بهشت بر او نهاده و او را دوپیر بود چون پرتاوس، رفتنش چون برق بود، یک گام او یک چشم بهم زدن بود.

۶۵۷ - علی اکبر مزین الدوله

مرحوم مزین الدوله نطنزی کاشانی، جزو اولین دانش آموزانی بود که در دوره ناصرالدین شاه و بسال ۱۲۷۵ ه.ق. برای فرا گرفتن فن نقاشی بپاریس اعزام گشته بود. پس از مراجعت از اروپا، بیش از پنجاه سال تمام، معلم فرانسوی دارالفنون و مدرسه علمیه و معلم موسیقی بانوت و نقاشی از روی اصول علمی آن، در مدارس بوده و چندین کتابی نیز در مورد نقاشی و بچاپ سنگی انتشار داده است. او معلم بزرگترین نقاش نامی ایران کمال الملک بود و اولین کسی است که تحت اثر را در ایران دایر نموده و بسال ۱۲۸۸ ه.ق. از ناصرالدین شاه لقب نقاشی شاهی گرفته است. تصویر شماره ۵۹

این هنرمند تا اواخر سلطنت احمد شاه، استاد نقاشی سلاطین قاجار و شاهزاده ها بود و در سال ۱۹۱۴ میلادی از طرف امپراطوری روس، نشان استانیسلاس که از مدالهای پرا اعتبار آن دیا ربشما رمیرفته بوی اعطا گردیده که تصویر آن بشماره در آخر کتاب عرضه شده است. ترجمه و متن فارسی فرمان که بخط زیبای عمادالکتاب محمد حسین سیفی قزوینی کتابت شده چنین است.

((بخواست خداوند - ما نیکلای دویم امپراطور مقتدر کل روسیه و پادشاه لهستان و شاهزاده کبیر فنلاند غیره و غیره و غیره.

آقای ناظم کلاس اعلی حضرت پادشاه ایران مزین الدوله محض بروز مرحمت مخصوص خودمان نسبت بشما بموجب حکم ۲۴ ژوئن ۱۹۱۴ یک قطعه نشان مقدس استانیسلاس به انضمام حمایل مخصوص آن از درجه اول موافق این فرمان، حکم کردیم که از اداره نشان نزد شما فرستاده زیب پیکر خود نمائید. در سن پترزبورگ مرحمت شد ۱۶ ژوئن ۱۹۱۴ رئیس کل نشانهای امپراطوری کل ممالک روسیه (قراف فردریک) مدیر فرامین نشانها و رئیس خلوت دربار اعظم)) مجموعه شماره ۲ تصویر شماره ۶۱

مرحوم معیر الممالک که از دوستان و یاران جلیس هنرمند بود در مورد مزین الدوله چنین مینویسد:

در دوران ناپلئون سوم مدرسه هنرهای زیبای پاریس را دیده بود. برایم حکایت میکرد که در یکی از تالارهای بزرگ قصر "ورسای" در ضیافتی باشکوه شرکت داشتم که خبر جنگ پروس و فرانسه شایع شد و در میان غوغای جشن غوغائی دیگر برخاسته بساط سرور و شادی را دیگرگون ساخت. مزین الدوله علاوه بر نقاشی موسیقی نیز آموخته بود و در مدرسه دارالفنون موزیک نظامی درس میداد. با آنکه شبیه سازی را خوب از عهده برمیآمد، چندان توجهی بآن نداشت و دورنما و گل سازی را ترجیح میداد. چند پرده نخبه از او در عمارت پارک اتابک بود که

اغلب بتماشای آنها ایستاده لذت میبرد.

یکی از روزها که مظفرالدین شاه زنهارها را بباغ صدارت عظمی آورده بود بعد از زنهارها که هرکس بکاری نشست مزین الدوله را دیدم که در گوشه ای جا گرفته مداد و کاغذ در دست دارد و چون نزدیک رفتم مشاهده کردم که از مهمانها در حالات مختلفه طرح بر میدارد. بسیار تند و با سلیقه کار میکرد و قلمهای محکم و استوار بکار میبرد. بمن گفت که میخواهد از طرحهای مزبور بیا دگار آن روز پرده ای ترکیب کند. پرده را پس از چندی بطور ناگهانی نزد پدر او دیدم ولی از تمام شده اش هرگز نشان نیافتم.

از آثار استادان این هنرمند، تصویر نیم تنه شعاع السلطنه را دیدم که اندازه ای در حدود شصت سانتی متر داشت و به سیاه قلم و نقطه پردا زیرمایه ای شبیه سازی گشته بود. شعاع السلطنه لباس رسمی پوشیده بود و مدالها و نشانهای گوناگون بپسینه آویخته بود. پردا از صورت، نقطه پردا زغباری بود و بخط فارسی ولاتین رقم داشت. (خانه زاد علی اکبر) مجموعه آقای دکتر گلزاری

۶۵۸ - علی اکبر مصور - حجار و نقاش

فرزند حاجی محمد علی حجار بود و به علی اکبر حجار شهرت داشت.

در شماره نهم روزنامه ملت مورخ ۱۲ محرم سال ۱۲۸۴ ه.ق.، نام این هنرمند نیز جزو شاگردان مرتبه اول رشته نقاشی به همراه اسماعیل جلایر قید شده و بنام میرزا علی اکبر حجار و فرزند حاجی محمد علی معرفی گشته است.

این هنرمند که بعدها همکار اسماعیل جلایر گردید، در ابتدا از شاگردان وی محسوب میشده و طراحی و نقاشی را از جلایر یا دیگر گفته و او را استاد المصورین خوانده و بشاگردی اش مفتخر بوده است. گویا این نقاش، با کمال الملك با اروپا رفته و صنعت تصویر و مجسمه سازی را در فرانسه تکمیل کرده و با دست پربایران بازگشته است. استاد علی اکبر در طراحی و شیوه کلاسیک، نقاشی تیزبین و دقیق بود و رنگ و روغن را بسیار خوش میساخت. از آثار رنگ و روغنی این استاد، تصویر تمام قد ناصرالدین شاه قاجار را دیدم که بحالت تبختر و غرور شاهان ایستاده و دست بکمر زده به مبل استیلی تکیه داده بود.

در این تابلوی رنگ و روغنی، شاه قاجار، پوستین کلفت و گلدار را روی لباسها پوشیده بود و کلاه بوقی بلندی که جیقه های پردار جوارش را جلجلب نظر میکرد، بر سر نهاده بود. درست راست تصویر، نقاشی کوچکی بروی دیوار دیده میشد که یکی از شمایل های اسماعیل جلایر بود. این اثر زیبا که در نوع خود بسیار پرمهارت بود رقم داشت. (عمل بنده درگاه علی اکبر مصور مشهور به حجار شاگرد استاد المصورین میرزا اسماعیل جلایر سنه ۱۲۶۳)

از آثار مجسمه سازی این هنرمند، مجسمه برنزی ناصرالدین شاه سوار بر اسب بود که در وسط استخر باغ شاه جلب نظر میکرد و از کارهای عمده این حجار بشمار میرسد. از آثار دیگر این استاد، صورتهای دورسنگ قبر ناصرالدین شاه قاجار است که بدست وی ساخته شده و گل و بته های بدست استاد عباسقلی حجار فرجا پذیرفته است.

۶۵۹ - علی اکبر - نقاش و فلزکار

نقاش و طراح فلزات سخت و فولادی اوایل قرن ۱۲ ه.ق. است.

۱- از آثار رقم دار این هنرمند که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم، تیغی است که بدانه قلمه فولادی بوده که به نقوش و ترسیم موزون اسلیمی آرایش یافته و بخط طلائی رقم داشت. (عمل علی اکبر)

۲- دیگر از آثار فولادی این هنرمند، رحل فولادی و مشبک دقیق و ممتازی بود که در گالری بشیر از نزدیک رویت کردم.

این رحل فلزی که در نوع خود همتا نداشت، در کنارها ادعیه و خطوط زیبا جلب نظر میکرد و رقمش چنین بود.

در زمان شهنشه دوران - شاه سلطان دین حسین پرور

ساخت این رحل و گفت تاریخش - بنده کمترین علی اکبر

متن رقم نقاش را که بحساب ابجدی محاسبه نمودم، تاریخ ۱۱۱۴ ه.ق. و زمان شاه سلطان حسین صفوی را تعیین مینمود.

۳- دیگر از آثار این هنرمند، قلمه فوق العاده و ارزنده ای دیدم که کناره قبضه آن به اشکال پر قدرت و شیوای اسلیمی، طلاکوب گشته و بخط نسخ طلائی رقم داشت.

(عمل کمترین علی اکبر ۱۱۲۰)

۶۶۰ - علی الحسینی - حاج

چهره ساز و تصویر پردا زخوش نگار بود و در گل و مرغ و ارائه مجالس با شکوه قلم پخته و نمکین داشت. قلمدان کیانی پرکاری از این هنرمند دیدم، که تمام جوانبش، تصاویر با شکوه و الوان پادشاهان قدیمی و اساطیری ایرانی بود که از قصه های رزمی و بزمی شاهان و فردوسی اقتباس و تصویر گشته بود و رقم داشت.

(حاجی علی الحسینی) مجموعه شماره ۱

دیگر اثر با جلالت این هنرمند، قلمدان زیبائی بود که زمینه زرد نخودی داشت و رویه و اطراف آن زگل و بوته های رنگین و متنوع آرایش گشته و در شیوه فتحعلی شیرازی عمل آمده بود و رقم داشت. (کمترین علی الحسینی)

سومین یا دگوار رقم دار این استاد، قلمدان شیوای گل و مرغی بود که در بیین

مدالیون ها، تما ویرا ستادانه و پر پرداز زنا زینا جلب نظر مینمود و رقم داشت.

(علی الحسینی ۱۳۰۵)

۶۶۱- علی بقاء

حکاک و نگین تراش خوش پرداز و خطاط شیرین نگار شیرازی بود که در شعر بقاء تخلص مینمود. فرصت الدوله شیرازی، در صفحه ۵۵۱ آثار عجم خود، در مورد میرزا علی چنین مینویسد:

((ملا علی ملقب به بقاء در حکاکی مهر و اسم و انگشتی و نشان کمال قدرت و تسلط را دارد. هم بروی عقیق و امثالہ نقش میکند، هم بروی فلزات و مهرهای منگنه رنگین و بیرنگ را که خطش برجسته باشد نیز در کمال استادی عمل میآورد، از شیوه ها شیوه میرعما در پذیرفته، از جناب قدسی تعلیم گرفته است.))

۶۶۲- علی بیک بن مولانا مانی نقاش

نقاش خوش نگار او آخر قرن ۱۰ ه.ق. و فرزند مانی نقاش بود که پدرش بعلت بیحرمتی و بوسیدن ساق پای شاه اسماعیل اول، جان خود را از دست داده و محکوم بمرگ گشته است. این هنرمند که با لطف تصویر سازی را از پدر خود سیرا ستادان زمان فرا گرفته است، در چهره سازی و منظره پردازی و تصویر مجالس گوناگون صاحب ابتکار بشمار میرفت و در هنر خود سرآمد بود.

از آثار ارزشمند این نقاش، دو تصویر پر حاشیه و زنده، در کتاب یوسف و زلیخای جامی جلب نظر مینمود که عکس آن در کاتالوگ گالری کل ناکی لندن شماره ۲۰ ارائه شده و معروف هنرمندی نقاش بحساب میآید.

در این اثر چشم نواز که حواشی آن بتذهیب و ترصیع پیراسته گشته بود، مهمانی وضیافت سلطنتی، در باغ صفائی بود که جماعتی از آشپزان و خدمه های مخصوص، ببار کردن دیگ های بزرگ غذا اشتغال داشتند.

در طرف دیگر عده ای به ذبح گوسفندان و درست کردن خمیر رشته و کباب کردن گوشتها تلاش میکردند و افرادی برای پذیرائی از مهمانان در آمد و شد بودند. ناظر مخصوص که در گوشه ای دیده میشود، عملیات افراد را تحت نظر داشت و آنها را با زدید مینمود. تصویر دومی که در صفحات روبرو و زوجی جلوه گر بود، نقش درخت تنومند و بزرگی بود که در روی تنه پنهان و رش آلاچوب (آلاچیق) صفائی احداث گشته بود که پله های چوبی آن بسطح زمین اتصال داشت.

شاهزاده و دلدار زیبایش روی آلاچوب بالای درخت نشسته بودند و خدمتکاران مخصوص به پذیرائی اشتغال داشتند. منظره خوش قواره و شاداب درخت سرو و حالات

شادی آور جوانان بی قید و سربوها که در حوض بزرگ قصر شاهی، آب تنی میکردند و همچنین البسه زیبا و الوان مهمانان و سائینکات پر آرایش تصویر، زیبافزا و استادانه بود و در انتهای پله چوبی رقم داشت.

(عمل فقیر علی بیک ابن مولانا مانی نقاش)

۶۶۳- علی بیک نقاش

نقاش زیبانگار دربار سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰ م) عثمانی بود که نامش جزو هنرمندان درباری و در سند معروف (سرنام سیزده دفتری) که تفصیل آن سند را در احوال شاه قلی نقاش یا دکرده ام، قید شده و سازنده (یک طبق و یک آقاچدان منقش و یک موم سفرا سی) جهت دربار سلطنتی بوده است.

۶۶۴- علی تقی - آبرنگ ساز

آبرنگ ساز زیبا نگار و پرندۀ سازنا زک قلم اوایل قرن ۱۲ ه.ق. بود. از یادگارهای ارزشمند این هنرمند، پرندۀ ای زیبا دیدم که بسیار هنرمندانه بود و رقم داشت. (علی تقی سنه ۱۱۱۲)

۶۶۵- علی تهرانی حکاک

بنوشتۀ سپهر، سید علی تهرانی حکاک و خطاط او آخر قرن ۱۳ ه.ق. بود و در حکاکی و نگین تراشی دست پر قدرت داشت. وفات وی بسال ۱۲۷۵ ه.ق. اتفاق افتاده و در تهران بخاک سپرده شده است.

۶۶۶- علی جان تبریزی - مذهب

اهل تبریز و برادر استاد قدرت حل کاراست. صاحب مناقب هنروران در مورد این استاد چنین مینویسد. ((از شاگردان شاه قلی معروف و مذهب باریک نشان است. در فن خود ما هر و در صنایع و بدایع استاد قادر است و حالیه (در زمان مصطفی عالی و سنه ۹۹۵ ه.ق.) در شهر حلب متمکن و برتبه عند المذهبین مشغول کار است.))

۶۶۷- علی جعفر دکنی

نقاش دکنی و هند مرکزی است که در تصویر حیوانات و صورت سازی متبحر بوده و در سالهای ۱۶۳۰ میلادی در آن ولایت میزیسته است. از آثار رقم دار این هنرمند که بشماره ۶۱ و در حراج ساتبی ۲۴ آپریل سال ۱۹۷۹ بفروش رسید، تصویر زن جوانی بود که لباسهای زیبا بتن داشت و غزال شاخ داری را نوازش مینمود.

زن جوان، چادر سرخ رنگی بسر داشت و برآمدگی پستانها نمودار بود.
در زمینه اثر، تما ویر عمارات و ابنیه قدیمی دیده میشود و روی تکه سنگی در کنار
گلها، رقم داشت. (کار علی جعفر)

۶۶۸ - علی چلبی نقاش ادرنه کاری

نقاش روغنی و ادرنه کاری عثمانی بود و در اواسط قرن ۱۲ ه.ق. در آن دیار
فعالیت مینمود. در آرشیه قدیمی موزه توپ قاپوسرای ترکیه، سندی دیده میشود
که از این هنرمند یاد کرده و مزدوی را که در آن زمانها مبلغ قابل توجهی بوده
درج نموده است.

در این سند که بسال ۱۱۴۳ ه.ق. تنظیم شده و توسط فرد مسئولی بنام سلیمان
آقا داده شده، برای روغن کاری یک جعبه پنج غروش و کارهای دیگر استاد علی چلبی
جمعا " شصت و سه غروش و چهل پارا پرداخت شده است.

۶۶۹ - علی حسینی کاتبی

طراح و نقاش شیرین قلم کاشی بود و کاتبی تخلص مینمود.
از آثار ارزشمند این هنرمند که در سنوات قرن ۸ ه.ق. انجام یافته، محراب
مسجدی است که با کاشی های پرزیب و زینتی آرایش شده و حالیه در موزه ارمیتاژ
لنین گراد مضبوط میباشد.

۶۷۰ - علی خان ولد محمود ملک الشعرا

فرزند هنردوست و خوش قلم استاد محمود خان ملک الشعرا ی کاشانی بود و از
نقاشان اوایل قرن ۱۴ ه.ق. بشمار میآمد.
رضاقلی خان هدایت از استادان ولیه و پدر صاحب مقام هنرمند، ملک الشعرا ی صبا،
غلو ی بی اساس کرده و با درج مطالبی از قبیل (نقوش محمود از تما ویر صادق و
بهزاد کمتر نیرزد) او را با بهزاد سلطانی هم طراز دانسته و فوق العاده بی انصافی
نموده است. ولی از اینکه میرزا محمود خان نقاشی با استعداد و با ابتکار بوده و از
مشاهیر زمان خود بشمار میآمده، بحثی بر آن متصور نمیشد.

بدین ترتیب نقاش جوان در کنار پدر و تحت تعلیم مداوم وی، با کتساب علوم و فنون
تصویر سازی پرداخته و در صنعت نقاشی صاحب نظر گردید. این هنرمند در آبرنگ و
رنگ و روغن شیرین کار و خوش دست بود و با درج نام پدر پرآوازه اش، در جنب ارقام
خود، کسب افتخار میکرد.

علی خان در دوره ناصرالدین شاه قاجار، برقراری و مواجبی کافی داشت و جزو
حقوق بگیران رسمی دولتی بشمار میآمد.

بنوشته روزنامه دولت علیه ایران و در سطر ۱۵ شماره ۵۰۲ بدریافت نشان مسی
نایل گردیده و مورد محبت و امتیاز نیز واقع گشته است.
از آثار رقم دار وی دیده ام.

۱- تصویر آبرنگی اما مزاده قاسم بود که در دامن کوهی نقاشی شده و خانه های دهقانی
و درختان کوچک و بزرگ را بزیبائی آراسته و درپائین آن، قیافه یکمرد دهاتی را که
دهنه اسب را بدست گرفته و منتظر ایستاده است نشان میدهد. عکس این آبرنگ که
در هنر و مردم شماره ۵ و ۶ چاپ شده واصل آن در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار
گرفته رقم دارد. (خانه زاد علی ولد محمود خان ملک الشعراء)

۲- دیگر از آبرنگهای این نقاش، تصویر سارده و شیرینی دیدم که ملائی با فرزند خود
نشسته و با بچه ای که در مقابل آنها دیده میشود بخوردن چائی مشغول هستند.
منظره قوری چائی و منقل پر آتش در خور توجه بود و رقم داشت.
(العبد علی ملک الشعراء ۱۳۲۶)

۳- سومین اثر رقم دار این هنرمند که در مجموعه آقای دکتر پرویز فر قرار دارد، تصویر
رنگ و روغنی کبک شکار شده ای است که بوسیله نخ از دیوار آویزان گشته و رقم
دارد. (رقم بنده فقیر علی ۱۳۲۴)
دیگر از آثار رقم دار این نقاش، تما ویری از میرزا آقا خان کرمانی و روحی دیده ام
که ارقام (علی محمود) را داشته که از ذکر جزئیات آن خودداری میشود.

۶۷۱ - علی درودی

مذهب شیرین قلم و نقاش خوش پرداز عصر حاضر بشمار میآید. این هنرمند
صنعت تذهیب را از عموی خود صنیع همایون یاد گرفته و در کار خود رونق یافته
بود. از شاگردان مبرز وی که هر کدام بنفسه تصویرگر ماهری میباشند، آقایان
نصرت الله یوسفی و محمد علی زاویه و استاد علی کریمی از همه مشهور ترند.
احوال بیشتر این استاد، در کتاب جداگانه ای که مخصوص هنرمندان معاصر خواهد
بود بیان خواهد گشت.

۶۷۲ - علیرضا - آبرنگ ساز

نقاش اوایل قرن ۱۴ ه.ق بود و در گل و مرغ و آبرنگ، قلم خوش پرداخته داشت.
از تنها اثر رقم دار این نقاش، آبرنگ خوش نقشی دیدم که رنگ آمیزی آن، حلاوت
چشم گیر داشت و رقمش چنین بود.

(حسب الفرموده سرکار مهربان... میرزا علیرضا)

۶۷۳ - علیرضا - مجلد

نقاش و مذهب اوایل قرن ۱۱ هـ ق بود و در حل کاری، هنرها میآفرید. از آثار رقم دار این استاد، جلد خط دار و مزین قرآنی در موزه فاین آرت بوستون است که در کمال هنرمندی آرایش شده و ستودنی میباشد.

کناره‌های هر دو طرف جلد، با خطوط بسیار پخته و نسخی، کتابت شده و در صحنه داخلی آن، برگهای طلائی و خوشه‌انگوری که در شیوه حل کاری فرجام یافته، جلب نظر مینمود.

از خطوط پرت ترکیب و شیوای هنرمند که در جوانب جلد دیده میشد، مهارت وی را در ارائه خطوط نسخ آشکار میساخت و در گوشه انتهائی جلد رقم داشت.

(کتابخانه علی رضا ۱۱۲۵)

۶۷۴ - علیرضا - حسینی قاینی

فرزند محمد اسماعیل و از سادات حسینی شهر قاین و هنرمند اوایل قرن ۱۳ هـ ق بود که در شیوه‌های ایرانی و فرنگی نقش میآفرید و جلد و قلمدان میساخت. این هنرمند برادری نیز بنام میرزا محمد علی داشت که از خطاطان نامی زمان ناصری بشمار میآمد. مثنوی زیبائی از این دو برادر، در کتابخانه گلستان تهران موجود است که خط آنرا محمد علی قاینی کتابت کرده و جلد روغنی آنرا علیرضا قائنی با تمام رسانده است.

در طرفین رویه‌های جلد، تما ویرد لفریب فرار عیسی و استحمام حضرت مریم و نقش فرشته پر ملاحظتی که در آسمان پرواز میکند، بقدرت تمام نقش بسته و رقم دارد. (رقم کمترین اقل السادات علیرضا بن محمد اسماعیل الحسینی القاینی) دیگر از آثار این استاد، قلمدان دلربائی دیدم که در رویه آن، تصویر کالسکه‌ای بود که مسافری داخل آن نشسته و سوارچی جوانی، دهنه اسب را بدست گرفته و هدایت مینمود. در مدالیون وسط، نقش پر حلاوت دختر فرنگی بود که نیم تنه حاشیه طلائی و گلدان ربتن داشت و بسان پری رویان دوره زندیه جلب نظر میکرد.

در پائین تصویر، کالسکه‌ای از روی پل عبور میکرد و یک نفر شکارچی نیز در آن حوالی دیده میشد. مناظر اطراف و همچنین نقش ساختمان قدیمی، استادانه بود و بخط طلائی رقم داشت.

(کمترین علیرضا الحسینی القاینی سنه ۱۲۰۵) مجموعه مهندس ناصر خلیلی

۶۷۵ - علیرضا دکنی

نقاش دکنی و بیجا پور قرن ۱۱ هـ ق هند بود و در تصویر سازی، بشیوه محمد زمان

صفوی، دست پر هنر داشت. از تنها اثر رقم دار این هنرمند که در نمایشگاه هندی (۲۴ آوریل ۱۹۸۲ موزه ویکتوریا آلبرت لندن) از نزدیک دیدم، تصویر مرد شروتمندی بود که عمامه سفیدی بسر گذاشته در کاخ پرتجمل خود نشسته بود. قیافه حضار و آذین درونی و بیرونی ساختمان و تجمل اثاث البیت، عاری از توصیف بود و رقم داشت. (مشقه خانه زاده علی رضا)

۶۷۶ - علیرضا صفا

نقاش و قلمدان ساز دوره ناصرالدین شاه قاجار بود و در شعر صفا تخلص مینمود. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان گلومرغی دیدم که رنگ آمیزی زیبا داشت و رقمش چنین بود. (علیرضا صفا ۱۲۹۱)

۶۷۷ - علیرضا عباسی - مذهب و نقاش

هر علاقمند هنرشناسی که نام علیرضای عباسی را میشنود، بی اختیار بیاد علیرضا عباسی، رقیب سرسخت و پیر آوازه میر عماد افتاده و خطوط معجز نگارش را به یاد میآورد که به تردستی و استادی تمام، بروی کاغذها درج گشته است. ولی فارغ از این اندیشه‌ها، علیرضای دیگری نیز در آسمان هنری آن دوره فعالیت میکرده که به عباسی شهرت یافته و همزمان علیرضا خطاط به نگارگری پرداخته و در شیوه معروف هندو پرسیان نقش میآفریده است.

از آثار رقم داری که از این هنرمند بیادگار مانده معلوم میدارد، این نقاش در تذهیب و تشعیر استادانه کاری بوده و در تصویر و چهره پردازی بشیوه ایرانی و هندی دست توانائی داشته است.

از آثار رقم دار وی دیده‌ام.

۱- قلمدان تابوتی و فوق العاده بود که تذهیب پر مایه و چهره‌های طلائی داشت. در ارائه تذهیب گوناگون، شیوه‌های متنوع صنعت تذهیب و آرایش گل‌های اسلیمی و ختائی را که در مکتب صفویه عمل آمده و حل کاری گشته بود، بروی قلمدان جلوه دلکشی داشت.

در رویه قلمدان و در داخل پنج مدالیون مجزا که زمینه سیاه رنگی داشت، تما ویری، بسک چهره پردازی رضا عباسی ارائه شده بود که استادانه بنظر میرسید. در مدالیون وسط، مرد جوانی نشسته بود و جام شراب را بدست داشت و در مدالیون‌های دیگر نیز، تما ویری بهمین نحو بود که بشیوائی تمام انجام یافته و رقم نقاش چنین بود. (علیرضای عباسی) مجموعه شماره ۸

۲- اثر دیگر نقاش، قلمدان پرمهارتی، در شیوه هندی بود که در موزه هنرهای تزئینی تهران قرار داشت. در رویه قلمدان، تصویر زیباروی هندی، با آرایش و لباس

مخصوص آن دیار را ارائه شده بود که رنگهای بسیار موزون داشت. شاهزاده هندی بادبزن مخصوص بدست گرفته بود و در زیر پای وی، مرغابی خوش حالتی در آب شنا میکرد. در افق منظره، درخت بزرگ و پهنای دیدی میشد و ورقم داشت. (حقیر علی رضای عباسی)

۳- دیگر اثر رقم دار این هنرمند که در مجله هنر و مردم شماره ۱۴۸ و توسط آقای دکتر مهدی غروی معرفی شده، تصویر مردی بود که به متکا تکیه داده و کتاب و قلمدان در مقابل نهاده بود. کلاهش گرد عمامه‌ای و لباسهای بلند بود و طومار لوله‌ای بدست داشت. در مقابل وی، مردی در قیافه زردشتی‌ها که کلاه مخصوص بسرداشته و ریشش بلند بود، ظرف شربت بلوری، بدست گرفته و آماده خدمت بود. وضع خانه و ترتیب آرایش داخلی آن و نقش استادانه ندیمه مخصوص که در پشت سر تصویر دیده میشد، با مهارت بود و در بیرون جدول رقم داشت. (رقم خانه زاد علی رضا)

۴- دیگر از آثار ارزنده نقاش که زیارت دیدارش بمن دست داد، کتاب سبزه - الابرار جامی بود که در حراج ساتبی روز ۲۱ آپریل ۱۹۸۰ بفروش رسید. در این اثر پر حلاوت، کتابت خطوط و قدرت تشعیر و استادی نقاش بطرز چشمگیری جلوه گر گشته و ثابت مینمود که علیرضای عباسی هنرمندی ذوقنور بوده و در خط و تصویر و تذهیب دست پر قدرتی داشته است. این نسخه ارزنده که پنج قطعه مینیاتور زیبا داشت، از بهترین آثار نقاش بشمار میرد و ورقمش چنین بود.

(کاتبه و مصوره و مذهبه علیرضا عباسی فی بیلده ساری ۱۰۲۲)

۵- دیگر از آثار این هنرمند که اسلاید رنگی آن در نمایشگاه آثار روغنی مدرسه شرقی لندن، ارائه شد، دوسینی روغنی پر ملاحظاتی بود که به تشعیر و حل کاری انسان و گل و مرغ دلنواز، آراسته شده و رقم علیرضای عباسی را دارا بود.

۶- از نقوش دیگر استاد، تصویر نیمه لخت دختر هندی بود که ظروف غذا را بقیرینه مساوی به انتهای چوبی بسته و بدوش میکشید. در کنار تصویر، دو گوزن خوش نقش، سیاه و سفید جلوه گر بود و بظن نستعلیق زیبا رقم داشت.

(رقم علی رضای عباسی)

در متن کتاب نوشته بود. Sa KOUNTALA

۶۷۸ - علیرضا قمصری

فرزند حاج سید باقر قمصری بود و در کاشان اقامت داشت. این هنرمند، نقاش آبرنگ کار و قلمدان ساز دوره ناصری بود و اغلب بشیوه پدر نقش میآفرید.

حکیم قاتانی شاه معروف، اشعاری در وصف پدر هنرمند ذکر کرده که تفصیل آنرا در احوال باقر قمصری نقل کرده‌ام. متأسفانه سال تولد و وفات هنرمند معلوم نگردید و یگانه آثار رقم داری که از این هنرمند دیده‌ام، قلمدان مرغش ساده‌ای بود که به طلای ناب، تما ویرگل و مرغی داشت و رقمش چنین بود.

(علیرضا ۱۳۱۲)

۶۷۹ - علیرضا گرکانی

اهل گرکان و فرزند خطاط خوش رقم. محمود ابن میرزا نصر الله ابن میرزا اسمعیل مستوفی گرکانی است.

سپهر در تاریخ خود با ختم را از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است: "اخط شکسته و نستعلیق را خوب مینوشت و از نقاشی بهره داشت و تا سال ۱۳۲۰ هـ ق در قید حیات بود."

۶۸۰ - علی روحانی - وصال

بنوشته کتاب گلشن وصال که خود نقاش تالیف کرده، فرزند دزدان - ششمین و کوچکترین فرزند وصال شیرازی است که بسال ۱۲۵۷ خورشیدی تولد یافته و بغیر از خوشنویسی، در خطوط شکسته و نستعلیق، در نقاشی نیز دست داشته است.

علی فلزکار - در حاجی علی فلزکار آمده

علیشیرنوائی - فرزند امیر کیچکنه بود که بسال ۸۴۴ هـ ق تولد یافته و از او آن کودکی با سلطان حسین بایقرا همدرس و هم مکتب بوده و بعدها بوزارت رسیده و بسال ۹۰۶ هـ ق وفات یافته است. این وزیر داندشمنده که در اشعار ترکی و فارسی، نوائی و فانی تخلص مینمود، بعزت ترغیب و تشویق جماعت نقاشان و هنرمندان، گاهی برسم تفنن دست بقلم میبرد و قش میساخت.

از آثار این وزیر صاحب مقام که در آبرنگ ساخته شده و تا حدی شیرین قلم نیز میباشد، تصویر شیر درنده و با هیبتی است که گرفتار دام زنجیر گشته و بدست انسان اسیر شده است. این اثر خوش قلم که حالیه در موزه بوستن آمریکا قرار گرفته، رقم دارد. (عمل میرعلیشیر)

۶۸۱- علیقلی بحری

تصویرگر عثمانی قرن ۱۲ هـ ق بود و در شیوه رضا و معین مصور نقش میساخت. بروایتی این هنرمند، شاگرد ولیجان بن قاسم بود و از آن هنرمند صنعت تصویر میآموخت. از این استاد، تصویر زیبایی در کتاب (تورکیش مینیا تور) دیدم که در شیوه رضا عباسی کار کرده بود که استادانه بنظر میرسد. این آبرنگ، نقش مرد اسیری بود که پالهنک (۱) سنگینی بگردن داشت رقم آن چنین بود.

۶۸۲- علیقلی جبادار- آرنات

بنام های علیقلی بیک فرنگی و علیقلی جبهدار عباسی و علیقلی آرنات و علیقلی، در صحنه تصویرسازی ایران شهره بوده و آثار فراوان و گرانقدری نیز از خود بیادگار نهاده است.

قدیمترین سند معتبری که از این نقاش نام برده، کتاب آتشکده آذر، تالیف لطفعلی آذربیکدلی است که در احوال خلف هنرمندش محمد علی بیک یاد کرده و چنین نوشته است:

"علی - اسمش محمد علی بیک خلف ابدال بیک نقاشی و جدایشان علیقلی بیک فرنگی است و در فن نقاشی ثانی مانی است. در دولت سلاطین صفویه بشرف اسلام مشرف و مشغول خدمات سلاطینی بوده و....."

بدین ترتیب معلوم میگردد، این هنرمند در سنین جوانی از دیار اجدادی خود دل بریده و بایران آمده و در دستگاهاهی دولتی صاحب شغلی گشته است. از طرفی در اغلب امضاهای بجای مانده نقاش، به ارقام علیقلی آرنات (۲) و علیقلی جبهدار عباسی میخوریم که خود متضمن حدسیاتی میشود که ممکن است صحیح هم باشد.

۱- پالهنک از آلات شکنجه قدیمی است که بشکل مثلث بوده و گردن محکوم در داخل آن قرار میگرفته و دستهای اسیر نیز به آن قفل میشده است. این آلات شکنجه، در امپراطوری عثمانی سابق متداول بوده و سالیان متمادی اسباب آزار بوده است.

۲- در مورد کلمه آرنات، در کتابی بنام MILITARY COSTUME OF TURKEY که بسال ۱۸۱۸ توسط سفیر ترکیه در لندن بنام (آرتوناکی رمضانی) چاپ شده بود، در یکی از صفحات آن، تصویر یک سرباز آرناتوتی را چاپ کرده و نوشته بود. در زمان قدیم و جزو ممالک آلبانیان نزدیک یوگوسلاوی که آخرین پادشاه



نگارنده عقیده دارد، عقیلای بیک جوان حادثه جوی آرناتوتی و اهل آلبانی بوده که در زمان شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ هـ.ق) بدنبال سرنوشت پرا میدخود، به ایران آمده و در بدایت حال به جبهخانه (۳) دولتی راه یافته و مشغول کار گشته است. و یا اینکه قبل از آمدن بایران، خودش در جبهخانه آلبانی کار میکرده و چه بسا ممکن است این لقب جباداری، نام فامیلی و حرفه اجدادی وی بوده و به توارث به او رسیده و هنگامیکه بایران آمده، بنام جبادار معروف و موصوف گشته است. بهر حال آنچه مسلم است، این جوان، هنرمندی قابل بوده و موقعی که بایران آمده، بمرور هنر تصویرسازی وی بین مردم هواخواهانی پیدا کرده و چون جوان صاحب نام و دنبال شهرت بوده، بمرور آشنایانی در دستگاها دولتی پیدا کرده و حتی بدربار شاهي نیز راه یافته است.

کثرت محبت ها و موفقیت در کارهای هنری و تشویق رجال و شاهزادگان درباری، چه بسا خود شاه عباس دوم که در صنعت تصویر دست داشته و صاحب علاقه نیز بوده، نقاش جوان را بترک دین اجدادی و قبول دین اسلام تشویق و تحریص نموده و در نتیجه به بافتن از مسلمانانی نایل آمده است.

در اغلب ارقام بجای مانده آثار نقاش که خود را کمترین غلامان و غلامزاده قدیمی ذکر نموده مبین سنوات دوران جوانی علیقلی است که غلام وار، در حلقه ارادت و حمایت شاه عباس دوم قرار گرفته و بعضاً "خود را جبهدار عباسی نیز معرفی نموده است. بحسب نزدیک به یقین و پس از تشرف بدین اسلام، نام علی قلی را که شاید خود شاه عباس برای وی انتخاب نموده، مسمی به علی قلی شده و در رده غلامان مولای متقیان علی علیه السلام قرار گرفته است.

آن (لینک لگا) بوده، ناحیه ای بنام آرناتوت بوده که اهالی و مخصوصاً سربازان آن محل، فوق العاده قوی و جسور بودند.

نژاد این افراد، از نسل اسپارت ها بودند که افتخار قهرمانی داشته و در راه پیمائیهای طولانی خیلی صبور و پراستقامت بودند، ولی نظم و دیسیپلینی نداشتند و اغلب بحرفه قمار اشتغال داشتند و درجات اینها تا، مین باشی ترقی میکرد. هر سرباز آرناتوتی، دو عدد پیاپی در کمرویک قمه در طرف دیگر و یک تفنگ در دوش داشت.

۳- جبهخانه انبار آلات و ادوات جنگی از قبیل سرب و باروت و گلوله و سایر لوازم جنگی بوده و عمه و کارگران جبهخانه را جبادار میگفتند که در ساخت و حفاظت آلات رزمی نیز دارای تخصص بودند.

واما در مورد ایا گذشته و ارائه نامیهن اصلی نقاش که از تیره آرنائوتی بوده، سعی داشته در بعضی از آثار هنری خود، علیقلی آرنائوت امضا کرده و بنحوی خود را از آن ناحیه دانسته و معلوم کرده که ابتدا مسیحی اهل آرنائوت آلبانی بوده و بعدا از تغییر مذهب نام اصلی او به علیقلی آرنائوت تبدیل گشته است.

متاسفانه از آثار تاریخی دار علیقلی، در زمان شاه عباس ثانی، تا کنون اثری دیده نشده و معلوم نگشته که این هنرمند در چه تاریخ و سنی بدر باراه یافته و تغییر مذهب داده و به علیقلی شهرت یافته است، ولی دوا اثر ارزنده و زیبا از آن سنوات بدست هست که معلوم میگردد، تما ویرا در زمان شاه عباس دوم انجام داده و بدرج رقم ساده نام خود، اکتفا کرده است.

یکی از این تما ویر که اصل آن در موزه معروف ارمیتاژ لنین گرامضبوط بوده و به شماره ۷۷ در آل بوم نفیس و رنگی آن موزه جلب نظر مینماید. مجلس بزم شبانه ای است که عده ای از شاهزادگان و تفنگچیان مخصوص و صاحب منصبان قشون و شیوخ عالیرتبه و رجال درباری، در مقابل پیر مرد سفیدموی اهل طریقت، با احترام نشسته و بفرما بشات و وعظ وی گوش میدهند. منظره درختان و سایر آرایش زمینه، در کمال قدرت عمل آمده و رقم دارد.

(غلامزاده شاه عباس ثانی کمینه علی قلی)

دیگر اثر استاد از این زمانها، تصویر سه کودک خردسال چارلز اول انگلیس است که از روی اثر نقاشان اروپائی کپی کرده و بخوبی از عهده برآمده است. شبا هست شاهزاده های انگلیسی و رنگ آمیزی البسه آنها استادانه بوده و به خط فوق العاده ریز رقم دارد. (هو. غلامزاده شاه عباس ثانی کمینه علیقلی)

تصویر رنگی این اثر، در صفحه ۳۵ کا تالوگ حراج فرانسوی روز ۲۳ جون ۱۹۸۲ در (آرت اسلامیک) دیده میشود.

با ارائه این دوا اثر و اثر رسمی که جزو کارهای نقاش در آخرین مقال ارائه شده ورقم انحصاری (علیقلی جبه دار عباسی) دارد، معلوم مینماید، این نقاش در زمان شاه عباس دوم بایران آمده و ملقب به علیقلی جبه دار عباسی گشته است. ولی از جمع آثار رقم داری که از این هنرمند بجا مانده، مبین این نکته است که نقاش، بیشترین آثار خود را در دوره شاه سلیمان صفوی انجام داده و در بعضی موارد، بعنوان تدا علی خدمات گذشته اش، خود را غلامزاده قدیمی خوانده و عاقبت پس از مدت ها تلاش هنری و رسیدن بسنین کهولت، پس از حمله فافا غنه و درهم پیچیدن حکومت پر قدرت صفوی از بین رفته و با فسانه ها پیوسته است. بطور کلی از تاریخ تولد و سال مرگ و همچنین تاریخ صحیح ورود وی بایران، هیچگونه مدرک مستند و قابل اعتمادی را سراغ

نداریم، مگر اینکه حدس بزنیم این هنرمند بسالیان حدود ۱۰۴۵ ه.ق. در آلبانی و ناحیه آرنائوت تولد یافته و در حدود ۲۰ سالگی یا بیشتر، ترک یار و دیار کرده و بایران آمده و در حدود سنوات ۱۰۶۵ ه.ق. تغییر مذهب داده و بدر باراه یافته و در زمان سلطنت سه پادشاه صفوی یعنی شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷) و شاه سلیمان اول (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) و شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵) مشغول انجام وظیفه بوده و در سنین کهن سالی نیز بین ۸۵ تا ۹۰ سالگی وفات یافته و بعالم بقاء شتافته است. از فامیل و اقربای نزدیک نقاش و حتی استادان و شاگردان معروف وی نیز هیچگونه اطلاع صحیحی بدست نداریم. تنها دلیل مستند و قابل قبولی که در اول این گفتار نیز، مختصرا شایان ذکر شده، نوشته کتاب آتشکده آذربیکدلی است که از فرزند و نوه هنرمند و حتی خود نقاش یاد نموده و چنین نوشته است:

((علی - اسمش محمد علی بیک خلف ابدال بیک نقاش باشی وجد ایشان علیقلی بیک فرنگی است و در فن نقاشی ثانی مانای است. در دولت سلاطین صفویه بشرف اسلام مشرف و مشغول خدمات سلاطینی بوده و خود نیز در اصفهان نشو و نما یافته و در عهد شاه طهماسب ثانی صفوی و زمان سلطنت نادر شاه نقاش باشی بوده و آخر الامر ضعف با صره بهم رسا نیده و در زمان در سنه ۱۱۷۲ بدرود عالم فانی کرده با کثر کمالات صوری و معنوی آراسته. خصوص در فن تصویر یگانها آفاق بود و در میان فقیر (آذربیکدلی) و ایشان کمال رفاقت و خصوصیت بود.))

بدین ترتیب معلوم گردید، فرزند هنرمند جبار دار، ابدال بیک نقاش باشی بوده و نوه هنرمندش محمد علی بیک نیز، مقام نقاش باشی گری داشته و در زمان خود از مشاهیر نقاشان بشمار میرفته است.

در مورد شیوه هنری و سبک نقاشی وی، نگارنده را این عقیدت است که این هنرمند، شیوه کلاسیک اروپائی را با مکتب پرغنائی هنرمینیا تور سازی ایرانی درهم آمیخته و از زیبا ئیها و خلوت هنرمغولی نیز استمداد جسته، مکتب پرظرافت و دل فریب خود را که در لفافه احساس و تخیلات فوق العاده قوی نقش میبسته بجهان هنر عرضه کرده است. گوا اینکه این شیوه ها، به همراه فعالیت جبار دار، بوسیله رقیب صاحب ذوق و قریحه اش محمد زمان نیز نرج میگردفته و تولد میافته، ولی ناگفته نماند، هر دو هنرمند، در اشاعه این مکتب نوظهور، ملازم و هم رکاب بوده و در اعتلاء و پیشبرد آن نغرات اولیه بوده اند. بطوریکه میدان نیم هر دو هنرمند، میدان پرغنائی هنری خارج از ایران را که در آن زمانها مبداء اصلی و منبع الهام تشنگان هنر بوده، درک کرده و در ایران زمین با خبرت و بصیرت کامل، با هنر شرقی درآمیخته و شیوه نو یافته ای را ارائه داده اند که در اندک زمانی طرفدارانی پیدا کرده و تا سالیان

متمادی و حدودا وایل سلسله قاجاریه، مبداء تقلید و علاقه هنرمندان بوده است. در عمق بعضی از آثار بجا مانده و آرایش پررنگ و با ابتکار بجا دار، گوشه‌ای از هنر مغولی و با اصطلاح شیوه هندوپرسا جلوه گر بوده و رنگ آن دیا را بخود گرفته است. پرواضح است این اخذ و تقلید که در بعضی موارد زیباییهای پرمایه‌ای نیز به اثر بخشیده، همانا حسن روابط همجواری و تشویق پادشاهان هردو کشور و مخصوصا "اکبر وجها نگیر پادشاه است که بحق در حق شناسی و بزرگداشت هنرمندان شهرت بسزائی داشته و شاید تنها و یا بیشترین عامل و محرک هنرمندان، در امر تصویرسازی بوده‌اند. علیقلی پس از مرگ شاه عباس ثانی، بدر بارشاه سلیمان راه یافته و عمده آثارش را در آنجا به تصویر کشید. بهترین آثار در زمان وی و تحت حمایت و تشویق این پادشاه انجام داده است.

عمده‌ترین آثار بجا مانده علیقلی، در آبرنگ بوده که در کمال زبردستی و وسواس تمام انجام یافته و تحسین ناظران را برانگیخته است، ولی با مشاهده تعداد کمی که از آثار ووغنی (لاکی) این استاد دیده‌ام، معلوم میدارم که در این شیوه نیز صاحب کمال بوده و در ارائه بعضی قلمدانها نازک قلم و قوی دست بوده است.

علی قلی در چهره‌سازی و شبیه‌پردازی و ارائه مجالس بزمی و رزمی، استادی دقیق کا رو کم‌قرینه بوده و در نقش حیوانات و پرندگان شیرین قلم و پر مایه و در منظره‌سازی و گسترش دشت و دمن مخصوصا "در تصویر پر و سواس اجزاء درختان و گلها، نقاشی شایان تمجید بشمار میرفته است. این هنرمند قوا عد پر سپکتیو و مناظر و مرایا را نیکو میداند و در تذهیب و حل کاری نیز مکتبی پسندیده داشت. از آثار ارزنده و متنوع بجا دار آنچه از نزدیک دیده‌ویا از نشریات گوناگون یادداشت کرده‌ام، از همه مهمتر، تصاویری است که در آلبوم بزرگ موزه ارمنستان لنین‌گرا قرار گرفته که به ترتیب عبارتند از:

۱- شماره ۷۶ آلبوم مزبور شامل دو تصویر است. یکی اجتماع در ایش و نوازندگان در مهتاب شبانه است که عرفا و در ایش در صحن باغی جمع شده و با هم صحبت میکنند. در گوشه دیگر، دو نفر تا روکما چه میزنند و پیرمردی در مقابل آنها نشسته به نغمه آنها گوش میدهد. منظره زیبایی با غ و بزم شبانه، در خور تحسین است و رقم دارد.

(عمل علی قلی بیک جبا دار)

۲- اثر دیگر نقاشی در این صفحه، مجلس شیوخ و عرفای صاحب مقامی است که شبانگاه در باغی نشسته و نوازندگان در حضور می‌نوازند. در گوشه دیگر باغ، درویش پیر و سر برهنه‌ای در کنار کلبه‌ای نشسته و شیری در کمال آرامی، در مقابل او نشسته است. منظره درختان و کوهها، در شب تاریک منظره دل انگیزی داشته و رقم دارد.

(عمل علی قلی بیک جبا دار)

۳- دیگر اثر موجود در این موزه که کتیبه تذهیبی استادانهای نیز در بالای صفحه دارد. مجلس و اجتماع شیوخ و شعرا و دانشمندان است که هریک کتابی در مقابل قرار داده به بحث و فحص سرگرمند. مرد نوازنده و خوشحالی، در مقابل عرفا سازی بدست گرفته و مشغول نوازندگی است. قیافه افراد در شیوه مغولی بوده و منظره عمارات و درختان و فضای ابری و تیره تصویر، ستودنی است و رقم دارد.

(رقم کمینه علیقلی ارناوت) شماره ۷۸

۴- شماره ۹۵ آلبوم مذکور، یکی از آثار دل انگیز و پرمهاریت علیقلی در شیوه فرنگی سازی است که در نوع خود کم نظیر است. این اثر، تصویر زن جوانی است که با زیبایی پرشکوهی تصویر شده و سینه‌های برجسته و دلربای وی عریان گشته است. زن جوان که شاید یکی از شاهزادگان درباری است. نیم تاج جواهرنشانی بسر گذاشته و در روی چهره‌های نشسته و گیلان شرابی بدست گرفته است. دو خدمه جوان و خوش لباس که در آرایش چشم‌گیری نقاشی شده‌اند، در خدمت حاضر میباشند. یکی از آنها شاه‌گلی را بملکه هدیه مینماید. تصویر درختان و ابرهای آسمان بدیع و موج است و به تخیل پررنگی نقاش، زن زیبای دیگری روی ابرهای فضا لمیده و کتابی بدست گرفته است. در روی ابرها رقم دارد. (رقم علیقلی جبا دار)

و در زیر تصویر بخط نستعلیق زیبا نوشته شده. (بتاریخ شهر صفر ختم با لخیروالظفر در دار السلطنه قزوین مرقوم شد. رقم کمترین غلامان علیقلی جبا دار سنه ۱۰۸۵)

۵- شماره ۹۶ مرقع مذکور، اثر برجسته علیقلی در پرندسازی است. در این آبرنگ پرمهاریت، بازشکاری پر قدرتی را ارائه داده که گردن بند مخصوص بگردن دارد و رقم نقاش چنین است. (هو. غلامزاده قدیم علی قلی جبا دار)

۶- تصویر شماره ۹۸ آلبوم یاد شده که بزعم نگارنده تصویر شبیه‌سازی از شاه سلیمان است. در کمال قدرت نقاشی شده و با لباس و آرایش سلطنتی، روی قالیچه پر نقش و نگاری نشسته و کلاه ترک دار عمامه‌ای و پردار قزلباشی، بسر گذاشته است. در حضور وی خدمه جوانی زانورده و پیاله شراب را بدست شاه میدهد. در گوشه راست تصویر، جوانی با صلابت و وقار مخصوص دست بکمر زده و جبهه زیبایی خود را بسردوش انداخته و بخدمت ایستاده است. نقش و نگار رنگین فرشها ستودنی بوده و شاه‌های انتهائی درختان از زیر معجزهای چوبی ایوان جلوه‌بی قرینه دارد و رقم نقاش در زیر تصویر چنین است. (هو. غلامزاده قدیم علیقلی جبا دار)

۷- اثر شماره ۹۹ آلبوم یاد شده مجلس جلوس شاهانهایست که در کمال چابکدستی ترسیم شده و یکی از شاهکارهای جبا دار بشمار میآید. در این مجلس پر جلال، تمام قیافه و افراد ایرانی بوده و بسان مکتب محمد زمان ترسیم گشته است. شاه سلیمان با لباس و کلاه مخصوص سلطنتی که در کمال فخامت و بی عدیلی تصویر شده، بخوشی

وشادابی در روی قالیچه‌ای نشسته و قلیان دود میکند. در کنارها و طرفین پادشاه، وزرا و شاهزادگان و رجال و درباریان و فرماندهان قشونی و خدمتکاران مخصوص با احترام در جای خود قرار گرفته و چند خدمه و نگهبان مخصوص که تفنگ و کمان بدست گرفته‌اند، بخدمت ایستاده‌اند. چند درباری محترم و یاسفرای ممالک خارجی که اسامی آنها به لاتین و در بالای سرشان نوشته شده، در آرایش و لباس مخصوص دیده میشوند. زیبایی ساختمان و نقش چشم‌نواز فرش قصر و منظره دشت و دمن و ستونهای مارپیچی عمارت ستودنی بوده و رقم دارد.

(هو. غلامزاده قدیم علیقلی جباردار)

در دنباله آثار رقم دار علیقلی که در این آلبوم ارائه شده، چندین آثار منسوب بوی نیز در شماره‌های ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ چاپ شده که باختصار چنین است:

۸- یکی از آنها تصویر را نمودن و شکار کردن اسب‌های وحشی است. در این اثر بسیار دلچسب، پادشاه در وسط بیابان و روی صندلی نشسته و وزراء و شاهزادگان و رجال و مستخدمین در اطراف وی قرار گرفته‌اند. در گوشه دیگر، افسران و فرماندهان نظامی تفنگ بدست گرفته و آماده خدمت هستند. تصویر اسبها و همچنین قیافه و حالات حضار در کمال استادی عمل آمده و دقت قلم علیقلی را محرز میسازد.

۹- دیگر در این آلبوم، تصویر پادشاهی است که سوار بر اسب شده و در شکارگاه پر درخت و سبزه‌زار، شکار سربازان خود را تماشا میکند. در کنار پادشاه، سربازان مخصوص و خدمه درباری تفنگ و سرنیزه بدست گرفته و آماده فرمانبرداری هستند.

مستخدم مخصوص چتر بزرگی بر سر پادشاه گرفته است. در افق دور، تصویر فیل بانان و شکارچیان که بشکار رگراز مشغولند دیده میشود، چند شیر اهلی که زنجیریکی از آنها را شیربان بدست گرفته، گرازی را شکار کرده و بزمین کوفته است.

۱۰- دیگر تصویر بی‌رقم جباردار در این آلبوم، تصویریکی از پادشاهان سالخورده ایرانی است که کلاه پردار عمامه‌ای بسر گذاشته و قبای بلند و زیبای گلدار پوشیده و سوار بر اسب گشته است. ارائه حالت سوارکار و همچنین خوش تراشی و استواری اسب در کمال قدرت بوده و یکی از بهترین آثار علیقلی بشمار می‌آید. از آثار دیگر علیقلی، دو تصویر زیبا بود که در یک کتاب روسی دیده میشد. این کتاب که بسال ۱۹۶۸ در مسکو مطبع رسیده بود، دو اثر رقم دار و اصل از جباردار داشت.

۱۱- یکی از این تصاویر که بشماره ۷۵ در آن کتاب ارائه شده بود، تصویر پادشاه سلطنتی بود که کلاه عمامه‌ای بسر داشت و ریش و سبیلش کم پشت بود. مرد پادشاه، پوستین پشمی بدون آستین بتن کرده و باز شکاری زیبایی بدست داشت و رقم نقاش چنین بود. (هو. صورت میرزا جلال رقم غلامزاده قدیم علیقلی)

۱۲- دیگر اثر رقم دار هنرمند در این کتاب که بشماره ۷۶ معرفی شده بود، تصویر مهتر کوتاه قد و بد هیبتی بود که اسب زیبا و تنومندی را سوار شده و در صحرا پیش میتاخت. این اثر استادانه‌کیکی از بهترین کارهای جباردار بود. رقم داشت.

(عمل علیقلی بیک جباردار)

در کاتالوگ حراج فرانسوی (آرت اسلامیک) که در روز ۲۳ جون ۱۹۸۲ انجام شد آثار زیبایی از این نقاش چاپ شده بود که مختصراً "چنین است."

۱۳- اثر نفیس جباردار که در صفحه ۱۵ این کاتالوگ بعکس رنگی جلب نظر میکرد، دست بوسی شاهزاده خردسالی بود که بحضور شاه اسماعیل اول رسیده و دست وی را بوسه میزد. این اثر پرمایه و کم نظیر که با اندازه (۲۷/۲ x ۱۷/۵ سانتیمتر) در آلبوم مذکور جا گرفته بود، شاه اسماعیل و چند همراه سوارکار وی که محارم سلطنتی و خدمتکاران پادشاه بودند در سمت چپ تصویر با ستادی نقش بسته بود. در طرف راست تصویر، جماعت همراهی با بر شاهزاده هندی ایستاده و ماجرانظر را میگردند. منظره زمینه تصویر و قدرت قلم نقاش و همچنین رنگ آمیزی پرزبیب و زینت البسه در کمال فریبندگی بود و بخط شکسته زیبا رقم داشت.

(حسب الامر ارفع الاقدس الاعلی، تصویر شاهزاده‌ها مجدداً لیمقدار و آلاتبار با بر شاهزاده هندی سرافراز و بشرف دستبوس آسمان جلال و عظمت اقتدار و حشمت الخاقان صاحب قرآن سکندرشان شاه اسماعیل اناراله برهانه، بعمل کمترین بنندگان علیقلی جباردار..... بمدت یکسال با تمام رسید) متأسفانه بعلاوت ریزی و کوچکی و از طرفی در هم بودن خطوط شکسته قرائت مطالب با شکل صورت گرفت و چند جمله و همچنین تاریخ اثر ناخوانا ماند. تصویر شماره

۱۴- دیگر اثر پر حلاوت و پرمایه جباردار در این آلبوم، تصویر عربان سوزان و مژدر پیری بود که بعد از استحمام چشمه بیرون آمده و دو مرد پیر در پوشش حوله‌ها و کمر میگردند. در این تصویر، ارائه حالات گوناگون افراد، در کمال تابناکی ارائه شده و منظره تک درخت پر برگ و صخره‌های پراستحکام کوهپایه‌ها و شادابی و دلفریبی البسه آنها در کمال قدرت عمل آمده و بخط سفید آبی و نستعلیق، رقم داشت.

(هو. رقم غلامزاده حقیقی علیقلی جباردار)

۱۵- دیگر اثر این هنرمند که بسال ۱۹۷۶ در گالری کل ناکی لندن بفروشد رفت، تصویر زنی زیبا، در آرایش فرنگی بود که میوه‌های مختلفی بدامن داشت. بیرون قصر منظره پرسبزد درختان و در انتهای عظمت کوهها و رودخانه جلب نظر میگرد که عده‌ای بشکار حیوانات سرگرم بودند. و رقم داشت. (رقم کمینه علیقلی جباردار)

۱۶- از آثار اولیه نقاش که خود را عباسی نیز خوانده، تصویر پرورنده زیبایی بود که روی ساقه درخت بلوط نشسته و از هنر نظر استادانه بنظر میرسد. این اثر ارزنده که

درموزه رضا عباسی تهران قرار گرفته رقم داشت. (علیقلی جبه دار عباسی)

۱۷- دیگر از آثار کپی نقاش، تصویر (ماگدالنا) بود که در داخل محدوده دایره شکلی جلب نظر میکرد. صورت زیبایی زن، بسان کارهای رافائیل بود که بآسمان نگاه میکرد. زلفهای طلائی وی بروی شانه ریخته و در بستر دراز کشیده بود. پوشش لباسش آبی کم رنگ بود که بروی آن پارچه قرمز رنگی علاوه گشته بود. منظره بیرون و درختان فضا از روبرو دیده میشد ورقم داشت. (رقم علیقلی)

۱۸- تصویر استادان و پرمهارت شاهزاده فرانسوی بود که از روی اثر نقاش معروف فرانسوی (فیلیپ دوشامپانی) کپی کرده و به تردستی از عهد بهرآمده بود. در این آبرنگ، شاهزاده از پشت پرده ها، به جمع سربازان که در میدان نظامی مشغول تعلیمات رزمی بودند نظاره میکرد. شاهزاده نیز لباسهای رزمی و زره دار بتن کرده و موهای بلندش از اطراف سرآویزان بود و در کناره رقم داشت.

(رقم کمترین علیقلی جبه دار)

۱۹- دیگر اثر این هنرمند که معلوم میکرد در زمان شاه عباس ثانی نقش بسته، تصویر پرورنده سبک بالی بود که روی درخت بلوط نشسته و بسیار استادانه بنظر میرسید ورقم داشت. (علیقلی جبه دار عباسی)

این اثر گراند قدر که درموزه هنرهای تزئینی تهران قرار دارد، از آثار علیقلی، در زمان شاه عباس ثانی است که عباسی امضا کرده و در نوع خود منحصر میباشد.

۲۰- از آثار دیگر این هنرمند که در کتاب شاه عباس و هنر ایران چاپ شده، یکی، تصویر دو مرد جوان است که در صحرا، بچرای گوسفندان خود سرگرمند و یکی از آنها نیزنی مینوازد. منظره عمارات و گنبد مساجد داخل شهر و همچنین شادابی و استواری درختان تنومند و مصفا که در کناره اثر، نقاشی شده بسیار جالب است ورقم دارد.

(علیقلی جبه دار)

۲۱- اثر دیگری در این کتاب که با اندازه ۱۲x۸ اینچ بوده و در کلکسیون آقای صدرالدین آقاخان مضبوط است، تصویر سفیر روسی، بنام آرتمی پتروویچ ولنسکی است که از طرف پتر کبیر و بسال ۱۷۱۵ میلادی ب سفارت ایران تعیین و اعزام گشته است. سفیر لباسهای مخصوص روسی بتن کرده و کلاه پوست سموری بسر گذاشته و ریش و سبیلش پر پشت است. جبه پوستین مانندی که بروی لباسها پوشیده، ب صلابت تمام تصویر گشته ورقم دارد. (رقم علیقلی سنه ۱۱۲۹)

۲۲- یادگار دیگر هنرمند، قلمدان نفیس و زیبایی در مجموعه مهندس خلیلی است که در زمینه زرد آن تصویر پر حلاوت و آراسته دختر شاهزادهای جلب نظر میکند. زن جوان کلاه مخصوص بسر گذاشته و لباس تن نمای بلندی پوشیده و با دبزن چرخي بدست گرفته است. پشت سروی، درخت تنومند و پراستواری که برگهای پائیزی دارد

دیده میشود. دو مرغابی در چشمه روبرو بشنا مشغولند و رقم دارد.

(بر حسب امر اشرف اعلی علیقلی سنه ۱۱۱۷) تصویر شماره ۶۲

۲۳- دیگر از آثار روغنی جبه دار، قلمدان زیبا و پرمایه ای در مجموعه نگارنده است که بسان قلمدان بالالا، شاهزاده جوان و فریبنده ای که به آرایش موهای بلند خود سرگرم است در رویه قلمدان نقش بسته است. درختان تنومند و پربارک باغ، بسیار دلکش و مصفا است. در زیر پای دختر جوان، انواع گلهای ریز به تردستی آراشته گشته است. لباس طلائی شاهزاده در کمال چشم نوازی بوده و ب خط ریز رقم دارد. (علیقلی)

۲۴- دیگر اثر آرنات، قلمدان استادانهای بود که تصویر شاهزاده سوارکاری را که نیزه بدست گرفته و بشکار مشغول بود، در رویه قلمدان به چابک دستی نقش کرده و در چهارمدالیون گوناگون اطراف نیز، تصاویر زنان فریبنده و ملیح را در شیوه فرنگی سازی آراشته داده بود. مناظر زیبای اطراف و همچنین زیباییهای شکارگاه و حرکت سوارکاران بشکوه تمام نقاشی شده و در روی قلمدان رقم داشت.

(علیقلی آرنات سنه ۱۱۱۲۰)

۲۵- دیگر از آثار این هنرمند که بسیار قلم نقش بسته و مختصر رنگی بروی آن ظاهر ساخته، تصویر مجنون بود که بشکل مرتاضی لاغر اندام دیده میشود. یکی از چشمهایش نیم بسته بود و حالت خستگی را ظاهراً میساخت. یکی از دستها با لای بود و گنجشکی بروی دست چپ وی نشسته بود. مجنون که در حالت افسردگی، بروی زمین قرار داشت، کاسه غذایش را بین دوپاها گرفته بود و سگ همراهش که در شیوه اروپائی نقش بسته بود دیده میشود. ورقم داشت. (رقم کمترین آرنات ۱۰۹۹) مجموعه شماره ۸

۶۸۳ - علیقلی خوئی

اهل خوی بود و از نقاشان ساده کار و خوش دست دوره ناصری بشمار میرسد. آثار این هنرمند، در اغلب کتابهای چاپی آن دوره عرضه شده و معرف علاقمندی وی به صنعت تصویر بوده است. اثر چاپی ورقم دار این هنرمند، تصاویر چاپی شاهنامه - ایست که در دوره ناصری چاپ شده و در یکی از آن تصاویر که سیر شدن خاقان چین را بدست رستم نشان میدهد، رقم دارد. (رقم میرزا علی خوئی)

۶۸۴ - علیقلی - قلمدان ساز

قلمدان ساز گمنام دوره ناصری بود و در گل و مرغ و صورت سازی استعداد داشت. از این نقاش قلمدان حاشیه گل و مرغی دیدم که شیرین بود و در وسط رویه قلمدان، تصویر دختر زیبایی دیده میشد که سگ خود را ببغل داشت و رقم نقاش چنین بود.

(رقم کمترین علیقلی ۱۲۹۷)

۶۸۵ - علیقلی ماهر دامغانی

نقاش و حکاک اهل دامغان بود و در انواع صنایع و فنون مختلفه منزلتی والا داشت. نصرآبادی در مورد علیقلی چنین مینویسد:
 ((از اهل دامغان بوده و با ردبیل آمده به شغل عطاری مشغول شد و دست انا بابت به حاجی ابراهیم که مرید استاد محمد حسین حکاک بود داده مدتی در خدمت او بود. بعد از آن به تبریز آمده و در این مدت انواع صنایع را به مرتبه اعلی رسانید. مثل قطاعی و نقاشی و خطاطی، چنانچه از قلم مونس تعلیق مینویسد که بنیاد خوشنویسان را کنده و در فن مذکور تصرفات نمکین نموده است. و آلاچوبی که مرحوم علیقلی خان سپهسالار ساخته بود و تصرف نموده با وجود عدم سواد شعر میگوید و ما هر تخلص میکند. این شعر از اوست.

شکسته رنگی ماهر ز شعر او پیدا است

مگر بسیلی تحسین کنند یاران سرخ

علی قلی خان سواد بسیار نداشت و قبل از سال ۱۱۷۰ ه.ق. فوت کرده است.))

۶۸۶ - علیقلی بن محمد

تصویرگر شیرین نگار و اواسط قرن ۱۱ ه.ق. و بغیر از علیقلی جبار داراست. از این هنرمند تصویری موجود است که از روی یک اثر فرنگی نقاشی کرده و آن تصویر، منظره یک خانه و پل قدیمی است که با دقت ترسیم شده و مردی که بسته و بارهای خود را با یا بویش حمل میکند دیده میشود. در مقابل درب خانه مردی ایستاده و با مرد دیگری که سوار بر اسب است به صحبت سرگرم است. در آن طرف تپه و کنایه عمارت مسکونی چوپانی دیده میشود که به همراه سگ گله، از گوسفندان حراست مینماید. در داخل رودخانه چند مرغابی بشنا مشغولند و آن طرف تر چند سگ درشت هیکل و وحشی و یک گراز جلب نظر میکند، در روی قطعه سنگ داخل رودخانه، رقم دارد.

(رقم کمینه علیقلی بن محمد ۱۰۵۹)

دیگر اثر ارزنده این هنرمند که تاریخا و حدود سنوات آن با تصویر گذشته تطبیق مینماید، تصویر مجنون بصر است که از روی اثر نقاش نامی هند، گوردهن کپی شده و بخوبی از عهده برآمده است. در این اثر دلپذیر، مجنون بحالت عریان، ظرف آبی را که با برگ درختان مستور گشته، بسر گذاشته و در حال راه رفتن است. منظره قافله لیلی که چادرهای گوناگون و خیل حیوانات اهلی از قبیل شتر و گاو و اسب در کنار آنها دیده میشود، بزبانی تصویر شده و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد.

(رقم کمینه علیقلی سنه ۱۰۶۸)

تصویر رنگی این اثر، در صفحه ۱۲ کا تالوگ (آرت اسلامیک) که در ۲۳ جون ۱۹۸۲ در پاریس

بحراج گذاشته شده بود، دیده میشود.

۶۸۷ - علیقلی مصور

بنوشته مرحوم رضا قلی هدایت:

((نامش حاجی علیقلی و در سال ۱۲۲۷ ه.ق. در تهران تولد یافته و در مشهد متوطن گردید. تحصیل علم نقاشی کرده و در مصوری دستی قوی داشت. مردم عقول و مهربان بود و در شعر مصور تخلص مینماید.))
 از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر پیر مرد چوپانی دیدم که بعما تکیه داده و چند گوسفند را حراست مینمود. آبرنگ مزبور شیرین قلم بود و رقم داشت.
 (عمل علی مصور تخلص)

۶۸۸ - علیقلی نقاش قاجاری

نقاش شبیه ساز دوره محمد شاه قاجار بود و در خط نسخ نیز قلم شیوا داشت. شمایل زیبایی از این نقاش دیدم. که انداز ۱۴×۱۷ سانتیمتر داشت و در بالا و پائین آن بخط زیبای نسخ این جملات درج شده بود.

بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله
 حسنت جمیع خصاله صلوا علیه وآله

در این تصویر مذهبی، حضرت علی علیه السلام با وقار و صلابت خاص خود نشسته بود و شمشیر ذوالفقار را بروی زانوان نهاده بود. در طرفین وی، حضرت امام حسن و امام حسین علیه السلام با البسه سبز و قیافه آرام بدو زانو نشسته بودند و فرشته پر متانتی، هاله نورانی و چشم نوازی را در بالای سر حضرات افکنده بود و در کنار پائین آن به خط ریز رقم داشت. (رقم ذره بیمقدار علی قلی ۱۲۵۳)

۶۸۹ - علیقلی همدانی

اهل همدان و نقاش گل و مرغ دوره ناصری بود.

این هنرمند در تصویر و شبیه سازی نیز دست داشت و در جانور سازی و نقش ساختمانها شیرین کار به شمار میآمد. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبایی دیدم که در رویه آن، تصویر یکی از رجال قاجاری که گویا سفارش دهنده قلمدان بوده به استادی نقش بسته و رقم داشت. (علیقلی همدانی)

۶۹۰ - علیقلی هندی

نقاش مغولی کتاب جامع التواریخ رشیدالدین (۱۶۰۰ - ۱۵۹۶ م) بود که با همکاری نقاشان نامدار این دوره همکاری مینمود. یک صفحه مینیاتور زیبا و

استادانه‌ای از این هنرمند، دیدم که در حراج ساتبی لندن ۱۴ اکتبر ۱۹۸۰ بفروش رسید. در این اثر ارزنده که موضوع آن (صورت تختگاه آبا قاخان بن هولاکو خان بن تولوی خان بن چنگیز خان) بود، آبا قاآن روی تخت زرین نشسته و جماعت ملازمین و سرداران جنگی و سایر افراد درباری در کناره‌ها ایستاده و یا نشسته بودند و خدمتکاران و ساقی‌گران مخصوص به پذیرائی مهمانان اشتغال داشتند. تمام حصار، کلاه‌های برگ‌دار مخصوص مغولی بسرداشتند و لباس‌های متنوع و رنگین پوشیده بودند. نقاشی در کمال حلاوت و قدرت بود و در زیر جدول رقم داشت.

(طرح و چهره‌نمایی فرخ عمل علیقلی) تصویر شماره ۵۶

تصاویر این کتاب که بدست نقاشان نامی آن دوره تصویرگشته، اغلب در موزه‌های مختلف دنیا پخش شده و عمده‌ترین تصاویر آن، در کتابخانه گلستان تهران مضبوط می‌باشد. دیگر آثار این هنرمند که در صفحات ۸۷ و ۸۸ جلد سوم کا تالوگ کتابخانه چترپیتی که بسال ۱۹۳۶ م و در سه جلد چاپ شده دیده می‌شود، تصویر با عظمت و پر جلال، مجلس بزمی عالی است که شاه و شاهزاده مشغول باده‌گساری هستند و جماعتی از ندما و دوستان در این بزم شاهانه شرکت داشته و را مشگران و عمله‌آشپزخانه به پذیرائی و خدمت سرگرم می‌باشند. در گوشه دیگر، دو شخصیت فرنگی با هم صحبت می‌کنند و را مشگر جوانی مشغول ساقی‌گری است. نقاشی در کمال مهارت بوده و در زیر یکی از پرده‌های سایه‌بان، بخط نستعلیق زیبا رقم دارد. (علیقلی ۱۰۲۵)

علی مجد منشی - در میرزا علی منشی آمده

۶۹۱ - علی محمد ایرانی

نقاش شیرین قلم و نازک کار ایرانی بود و در دیار هند بخلق آثار روغنی همت می‌گماشت. این هنرمند که اصلش از شیراز بوده، شیوه دلربا و پر حلاوت ایرانی را با سبک خاص هندی درآمیخته و سبک پر شکوفا و چشم‌نوازی را به عالم هنر هدیه کرده است. علی محمد فرزند هنرمندی نیز بنام محمد حسین ایرانی داشت که دنباله‌رو مکتب پدر بوده و آثار وی را نیز در شیوه و مکتب پدر عرضه نموده است. از آثار رقم‌دار این هنرمند جعبه مدور و بیضی شکلی در مجموعه دارم که بسال ۱۹۷۶ از حراجی ساتبی لندن خریداری کرده‌ام. این جعبه پر آذین که عکس آن در صفحه ۱۴۷۶ کتابهای معروف آلکساندر پوپ چاپ شده و عکس کارت پستالی آن نیز بشماره ۶۸ در آخر کتاب ارائه می‌گردد، بگل و مرغ پر آذین تصویرگشته و در کمال هنرمندی نقاشی گشته است. در کناره‌ها و حاشیه‌های روشن بالو پائین درب جعبه، اشعاری در مورد وصف گلها و رابطه آن با زیباییهای طبیعت و بوی محمدی درج شده که کلاً ارائه می‌گردد.

گل گفت که من مذهب و دینی دارم - باروی رسول هم‌نشینی دارم
رنگم چو محمد است و بویم چو علی - خلق حسن و خوی حسینی دارم
گل را دیدم نشسته بر تخت شاهی - گفتا بشنوراستی از مرد رهی
من طفلم و بی‌گناه می‌سوزند - ای وای بتو که پیری و پرگنهی
گل گفت اگر دستگهی داشتمی - بگریختی اگر رهی داشتمی
بابی گنهی مرا چنین می‌سوزند - ای وای بمن گر گنهی داشتمی
(عاقبت خیر باد) (عمل میرزا علی محمد ایرانی در سنه ۱۲۱۷)
در لبه پائینی این اشعار دیده می‌شود.

آلهی بخت تو بیدار بادا - ترا دولت همیشه یار بادا
گل اقبال تو دایم شکفته - بچشم دشمنانت خار بادا
الهی در جهان باشی باقبال - جوان بخت و جوان دولت جوان سال
الهی بخت و طالع یار بادت - بدنی دولت بسیار بادت
که تا گیتی است گیتی بنده بادت - همیشه سال و مه فرخنده بادت
غمین بادا که او شادت نخواهد - خراب آن کس که آبادت نخواند
تا بود زندگی خضر بگیتی جاوید - سبز بادا چمن عمر تو از آب حیات

از اشعار مدرجه بالای جعبه چنین بر می‌آید که این جعبه بسفارش مردما حب مقامی تهیه شده و خود اشعار نیز از طریق نقاش می‌باشد که در بطن اشعار، بخت و اقبال و عمر جاویدانی را برای صاحب اصلی آن آرزو کرده است.

۲- دیگر آثار رقم‌دار این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبائی در شیوه همان جعبه دیدم که رقم داشت. (علی محمد ایرانی)

۳- از یادگارهای دیگر استاد علی محمد، صراحی مقوائی شیرین کاری، درزمینه تیره‌ای دیدم که در حراج ساتبی ۱۹۸۳ لندن بفروش رسید. در رویه صراحی، مجالس پرازدها مضیافت اعیان و سرشناسان هندی، نقش بسته و در زمینه آن، گل و مرغهای ریز و پر نقشی علاوه گشته بود و رقم داشت. (علی محمد شیرازی ۱۸۲۰ م)

۶۹۲ - علی محمد حاک

برادر میرزا محمود مذهب‌بازی بود و در حاککی و مهرکشی دست پر قدرت داشت. فرصت شیرازی در صفحه ۵۵۱ کتاب آثار عجم خود، مختصری از این هنرمند یاد کرده و چنین نوشته است:

((جناب میرزا علی محمد در حاککی هنرمند است و در این فن بی نظیر و مانند
مشا را لیه میرزا محمود مذهب‌بازی را برادر است و بصنعت خویش مشتهر.))

۶۹۳ - علی محمد قانع

فرزند علی محمد بود و در شعر قانع تخلص مینمود.

این هنرمند از نقاشان و شعرای دوره ناصری بشمار میرد و در آبرنگ و قلمدان سازی دست با حلاوت داشت. از آثار رقم داروی، تصویر درویش پاهای برهنه ای به آبرنگ دیدم که نسبتاً خوب بود و رقم داشت. (علی محمد ۱۳۱۳)

۶۹۴ - علی محمد کاشی پز

نقاش کاشی کا و هنرمند اهل اصفهان بود و نزدیک دروازه شاه عبدالعظیم تهران کارخانه کاشی پزی داشت. از آثار رقم دار این هنرمند که به تزیینات زیبا آراسته گشته بود، کاشی بزرگی بود که نقوش متنوع داشت و در وسط آن، تصویر کلنل را برت مورد اکاسمیت جناب صاحب بشباهت تمام جلب نظر مینمود.

حواشی کاشیها به نقش و نگار ساده آذین شده بود و رقم داشت. (علی محمد کاشی پز اصفهانی در دارالخلافه ناصریه تهران ۱۳۰۴ کارخانه کاشی در دروازه شاهزاده عبدالعظیم)

این سری کاشیهای تزیینی که چهار عدد از آنها را دیده ام، همگی بسفارش کلنل مورد اکاسمیت شده و همه آنها امضاء علی محمد اصفهانی را داشت.

۶۹۵ - علی محمد مذهب

مذهب و نقاش شیرین قلم دوره فتحعلیشاهی بود.

از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان تابوتی بزرگی دیدم که تذهیب استادانه داشت. رویه قلمدان به گل و مرغ رنگین آذین شده و در بین آنها گرفت و گیر شیر و پلنگ به طرز استادانه ای تصور گشته بود. از حل کاری و طلا اندازی و همچنین شیوه گل و مرغها و تاریخ ۱۱۵۰ ه.ق. معلوم بود، این قلمدان از آثار مشاهیر هنرمندان صفوی بوده و استاد علی محمد حواشی و کناره آنرا تعمیر کرده و رقم گذاشته (علی محمد ۱۲۲۵)

۶۹۶ - علی محمد مذهب

بغیر از علی محمد تذهیب کار دوره فتحعلیشاهی است.

بطوریکه اعتماد السلطنه در روزنامه ایران و سال ۱۲۹۹ ه.ق. یاد کرده. میرزا عبدالوهاب و میرزا علی محمد و میرزا علی صحاف با چهار شاگرد، مشغول تذهیب و تصحیف کتاب الف لیله میباشند.

علی محمد حیدریان: شاگرد کمال الملک و از نقاشان بنام قرن حاضر بود که احوال وی در کتاب جداگانه ای بیان خواهد شد.

۶۹۷ - علی مختاری

فرزند اسداله و اهل گلپایگان است.

این استاد از شاگردان مدرسه کمال الملک بود و شبیه سازی روی چوب را بسیار مهارت انجام میداد. احوال بیشتر این هنرمند، در کتابی که مخصوص هنرمندان معاصر خواهد بود، بیان خواهد گشت.

علی مصور - در میرسید علی مصور آمده.

۶۹۸ - علینقی

آبرنگ ساز استاد بود و در قلمدان سازی و نقاشیهای روغنی (لاکی) دست پرمایه داشت. از آثار بجا مانده ورقم داروی، تصویر حضرت علی علیه السلام به آبرنگ است که جیقه و تاج سلطنتی را بدست مبارک به محمد شاه قاجار عطا مینماید. در این تصویر، شاه قاجار با کمال فروتنی، در مقابل حضرت ایستاده و تاج مرحمتی را در پادریافت مینماید. صورت حضرت و همچنین قیافه محمد شاه، در کمال استادی نقاشی شده و قابل تحسین میباشد. محمد شاه لباس زرد رنگ و نفیسی به تن کرده و شمشیر مرصع بکمر آویخته و در کمال خضوع در مقابل حضرت قرا گرفته است. این آبرنگ زیبا که در کمال سلیقه انجام یافته بود. رقم داشت.

(رقم کمترین غلام علی نقی سنه ۱۲۵۳)

۶۹۹ - علینقی زرگرباشی

طراح و نگارگر استاد به روی فلزات گرانبها بود و به میرزا علی نقی زرگرباشی شهرت داشت. از آثار گراند قدر زرگرباشی، شمشیر جواهرنشانی بود که بسفارش امین السلطان اتابک و جهت تقدیم بنادرالدین شاه قاجار، تهیه و ترصیع شده بود. نقاب زرین شمشیر، مرصع به زمر و الماس و جواهرات گوناگون بود و آرایش و قلمزنی آن در حد خود عالی و عاری از توصیف بشمار میرآید.

این شمشیر پربها که حالیه جزو جواهرات موزه های ایران قرار دارد، در مدالیون روی شمشیر قید شده. (السلطان صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار)

و در محل دیگر رقم زده. (بمبارک و میمنت جهت وجود مسعودا علی حضرت قدر قدرت ظل اله فی الارضین شاهنشاه عالم پناه در زرگرخانه مبارکه تمام شد. میرزا علینقی زرگرباشی ۱۳۰۶) (۱)

۱- در مورد مقام زرگرباشی، جملی کاری که در سال ۱۶۹۴ م بایران سفر کرده، در سفر

۷۰۰ - علینقی بن شیخ عباسی

فرزند شیخ عباسی و برادر محمد تقی نقاش است که احوال آن در جای خود خواهد آمد. از شیوه کار وحدت قلم نقاش چنین بر می آید که این هنرمند، مکتب نوپسره از محمد زمان و علیقلی جبهه دار را درک کرده و در سبک آن استادان نقش می ساخته است. متأسفانه احوال این هنرمند نیز بسان صورتگران قدیمی دیگر، ناشناخته مانده، ولی در اغلب آثار ارزنده اش که خود را فرزند شیخ عباسی و یا غلام خاصه خوانده نام پدر و مقام درباری خود را با شارتی مختصر آشکار ساخته است.

علی نقی در چهره سازی و ارائه مجالس بزمی، خوش ابتکار و قوی دست بود و در پرند سازی و تذهیب و نقوش هندسی نقاشی شیرین قلم و چابک دست بشمار می آید.

سال تولد و مرگ این هنرمند دقیقاً "معلوم نگردید، ولی از تاریخ آخرین اثر نقاش که بسال ۱۱۱۲ اجرا شده چنین بر می آید که در این سنوات حیات داشته و چند سالی نیز بعد از این تاریخ بخلق آثار زیبا مشغول بوده است.

آثار ممتاز و ورقم دار وی عبارت است:

۱- تصویر استادان مردپیری بود که بآبرنگ و شیوه اصفهانی و تاحدی شبیه کارهای رضا عباسی عمل آمده و حواشی آن به طلا کاری و تذهیب استادانهای تزیین گشته بود. کناره های تصویر اشعاری دیده میشود و رقم نقاش بروی کاغذی که بدست پیر مرد قرار داشت، چنین بود. (علی نقی ابن شیخ عباسی)

۲- دیگر اثر رقم دار هنرمند، تصویر پرشیا هت سلطان با یزید بود که روی زمینی جلوس کرده و شیراهلی و باوقاری، در مقابل وی آرام گرفته بود. آرایش تزیینی و همچنین تذهیب پرما یه اثر، فوق العاده بوده و در داخل مستطیل کوچکی رقم داشت (علی النقی غلام خاصه ۱۰۹۶)

۳- دیگر اثر هنرمند که رقم اصیل و تاریخ ۱۱۱۲ ه. ق. را دارا بود، تصویر پرند ای بود که با ستادی عمل آمده و در کمال مهارت تصویر گشته بود.

۴- از آثار دیگر هنرمند که در یک نسخه شاهنا مه جلب نظر مینمود، تصاویر زیبائی بود که بعد از اتمام شاهنا مه و حدود سی سال بعد از آن اجرا گشته بود. این شاهنا مه که حالیه در موزه متروپولیتن آمریکا قرار دارد، بخط ابن شمس الدین شیخ محمود

نامه خود اطلاعاتی داده که ارائه آن خالی از فایده نیست.

زرگر باشی، رئیس بافندگان فرشهای است که در بافت آنها سیم و زربکار می رود و محل کار آنها را کارگاه گویند. در کارگاه علاوه بر تهیه پارچه های زربفت مورد نیاز خانه شاه، شمشیر - تیر - کمان و انگشتریهای نقره ای نیز ساخته میشود.

در سال ۱۰۷۹ ه. ق. کتابت شده و چند تصویر دلربا از علی نقی دیده میشود که عبارت است از:

الف - عروسی سیاوش با فرنگیس دختر افراسیاب - در این مینیاتور چشم نواز، عروس و داماد روی تخت چوبی زیبایی نشسته اند که پوشش سقف آن در کمال زیبای فزائی تصویر گشته است. در صحنه وسط تالار، که بفرش رنگا رنگی آراسته شده، جماعت نوازندگان و مدعوین دختر و پسر به احترام نشسته و بیاد کساری و طرب مشغول میباشند. پیرزن عجوزه ای که در گوشه تخت نشسته، صحنه عروسی را زیر نظر گرفته و مشغول چشم چرانی است. نقش چهره ها و ترسیمات پرزیز و زینت البسه حاضرین و سایر آرایش تصویر، در کمال دلفریبی بوده و زیر پایه گلدار رقم دارد.

(علی نقی شیخ عباسی ۱۱۰۴)

ب - تصویر دیگری در این کتاب، جلوس افراسیاب روی تخت سلطنتی شش گوشه است که در کمال قدرت ارائه شده و رجال و اعیان در حضور وی نشسته اند. شاهزاده سیاوش که سوار بر اسب شده و مشغول هنر نمائی است، سپری را بکمان نشان گرفته و بوسط هدف میخکوب نموده است. حالت چهره ها و آرایش البسه و نقش و نگار زمینه فرش و استواری اسب، در کمال زیبائی است و در وسط آجرهای جلو قصر، رقم دارد.

(علی نقی شیخ عباسی ۱۱۰۴)

پ - دیگر اثر رقم دار هنرمند در این کتاب، تصویر فریدون نامدار است که در مقابل جسد فرزندش بیتابی مینماید. در این اثر حزن انگیز، فریدون کلاه زر گرفته و در مقابل سرفرزند، جامه های خود را پاره میکند. همراهان دیگر وی که بنحوی در این ماجرا سهیم میباشند، شیون وزاری کرده و عزاداری مینمایند. نقاشی در کمال قدرت تصویر شده و در وسط ابیات پائین رقم دارد.

(علی نقی ابن شیخ ۱۱۰۸)

دیگر از آثار علی نقی، چند تصویر ارزنده، در موزه توپ قاپوسرای ترکیه است که از بحث مفصل آنها خودداری مینمائیم.

۷۰۱ - علینقی مذهب

مذهب نازک قلم و چیره دست دوره افشاری و زندیه بود و در هنر خود مهارت بخصوصی داشت. از آثار رقم دار علی نقی، تذهیب برای زنده و پیرما یه قرآنی دیدم که به حسن سلیقه تمام آرایش و تذهیب گشته و رقم داشت.

(تم التذهیب علی نقی المذهب سنه ۱۱۵۷)

۷۰۲ - علی هجرانی

نقاش و تصویر ساز گمنام قرن ۱۰ ه. ق. است که به احوال و آثار وی آگاهی نداریم.

۷۰۳ - عماد نقاش

میرزا عماد نقاش و تصویر ساز دوره شاه سلیمان صفوی بود و مدتی ریاست و کلانتری نقاشان کتابخانه سلطنتی را بعهده داشت. از احوال بیشتر این هنرمند و همچنین مدت عمر و سال مرگش اطلاع بیشتری نداریم و آثاری نیز از این نقاش مشاهده نکرده ایم.

۷۰۴ - عنایت - نقاش جهانگیر شاهی

تصویرگر چابک قلم و جانور ساز پر مهارت دوره جهانگیری (۲۷ - ۱۶۰۵ م) است که آثار زیبایی وی زینت بخش موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی گشته است. از آثار پسندیده وی که در یکی از مرقعات موزه ویکتوریا آلبرت لندن بیادگار مانده، تصویر یک بز وحشی است که بزبان افغانی آنرا مار خوار میگویند. حیوان با شاخهای بلند و قیافه جسور و نا آرام، در کمال نازک قلمی تصویر شده و رقم داشت. (کار عنایت)

دیگر آثار این هنرمند، تصاویر خوش منظری در موزه چستربیتی بود که مبین استادی و قدرت قلم نقاش بشمار میآید. این آثار از زنده که بشماره ۳۷ و در کاتالوگ موزه چستربیتی سال ۱۹۳۶ معرفی شده، بارگاه سلطنتی اکبر شاه است که مظفر خان بحالت خمیده، تعظیم کرده و دیگران نیز با احترام، در کنارها ایستاده اند. منظره ساختمان و انبوه جمعیت و قیافه‌های حیران اطرافیان به زبردستی ارائه شده و رقم دارد. (عنایت)

۷۰۵ - عنایت الدین مذهب سبزواری

سبزواری و مقیم مشهد بود و از سید احمد مشهدی و ماننی نقاش کسب هنر می‌کرد و نقش تصویر می‌آموخت. این هنرمند در صنعت تذهیب و نقش تشعیر و سائیر فنون طلا و حل کاری، دست پر قدرت داشت و از هنرمندان صاحب نام و آخر قرن ۱۰ ه. ق. بشمار می‌آمد.

۷۰۶ - عنایت اله اصفهانی

اهل اصفهان و به آقا عنایت معروف بوده و از مینیا تور سازان قرن ۱۱ ه. ق. به شمار می‌آمده است. شیوه کار عنایت اله در مکتب اصفهان بوده و در آرایش و پرداخت تصاویر دست پر حلاوت داشته است. از آثار رقم دار عنایت اله، تصاویر اژدهای قوی هیکلی بیادگار مانده که از درخت خشک و تکیده‌ای بالامیرود. زمینه مینیا تور، نقش کوهها و بیابان است که بشیوه خاصی انجام یافته و بخط بدرقم دارد. (رقم آقا عنایت اله اصفهانی)

۷۰۷ - عنایت اله نقاش هندی

از مصوران شیرین قلم و زیبا نگار هندی است که احوال وی در کتابی بنام (صفات کائنات) که بسال ۱۲۹۵ ه. ق. در شهر لکنه‌وی هند چاپ شده، یادگشته است: ((عنایت اله مصوری سحر کار جادو قلم، صورت ربع مسکون و اشکال کوه و هامون بر برگ سمن چنان نقش بستی که بیک نظرا از معاینه اش بی رنج تردد سیر هفت اقلیم رونمودی..... و در پوست پسته، مجلس پیکا و وهیکل پیلان کوه تمثال و لشگری گران و انبوه ظاهر ساختی..... چون او اوستا دچابک دست معجز نگار بدیده تصور و چشم خیال ندیده و نشنیده..... اگر مانی ارژنگ نگار بر صفحه هستی نقش وجود داشتی، برگرد هر نقطه آن جادو آفرین گفستی.))

۷۰۸ - عیسی شیرازی

طراح و رسام نقشه تاج محل معروف و از اهل شیراز بود. طبق مدارک مستندی که بدست هست، او نقشه کش بوده و امانت خان شیرازی کتیبه‌ها را مینوشت و محمد حنیف قندهاری میرعمار ت، یعنی ناظر خرج ساختمان بوده است و هریک از ایشان استادکاران هزار روپیه در ماه مقرری داشتند. به روایت پدرمان نریک از کشیشان پرتقالی، معمار تاج محل را پرتقالی دانسته و بنام جرونی مور و ونویا دنموده است در منابع ترکی، معمار و مهندس تاج محل را یوسف و عیسی نوشته که با بر شاه، این هنرمندان را از اسلامبول به هند دعوت کرده و بساختن تاج محل مامور نموده است. و ضمناً "یادآور شده که معماران مذکور از شاگردان معمار نامی و مشهور ترک، سنان پاشا بوده اند. بنوشته دکتر محمد عبداله جغتائی، سازنده و طراح تاج محل، لطف اله و پدرش احمد هستند که از معماران سرشناس هند بشمار می‌آید و در روایت دیگری، استاد احمد و استاد حمید که از معاصرین شاه جهان بودند، سازنده اصلی این بنای معروف قلمداد گشته اند. ولی آنچه مسلم است استاد عیسی شیرازی، طراح و مهندس نامی ایرانی، سازنده اصلی بناء مشهور تاج محل است که بسال ۱۰۶۳ ه. ق. بفرجام رسانده است.

۷۰۹ - عیسی

از مجلدان نادره کار دوره سلطان یعقوب و او آخر قرن ۹ ه. ق. بود و تزیین و آرایش طلائی و طرح نقوش اسلمی را به استادی ارائه میداد.

غ

۷۱۰ - غضنفر علی تبریزی

اهل تبریز بودند و از تفنگ سازان و فلزکاران معروف قرن ۱۱ ه.ق. آن دیار محسوب میگردید. این هنرمند فرزندان صاحب ذوقی بنام محمد صالح بیک داشت که دنبالهرو صنعت پدر بوده و در تفنگ سازی از مشاهیر ایران و هند بشمار میرسد. در کتاب مآثر رحیمی مختصر شرح حال این استاد را در احوال فرزندش محمد صالح بیک یاد کرده که چنین است:

((محمد صالح بیک فرزند خلف نامدار نادره دوران و خلاصه هنرمندان استاد غضنفر علی تبریزی است که در فن تفنگ سازی از مشاهیر عصر و زمان خود بود چنانکه تفنگ جوهر دار که بغیر از اهل فرنگ که در این قسم هنرها از جمیع مردم عالم در پیش اند میسازند در ایران تتبع نمود و بغایت بهتراز فرنگیان تمام کرد. و در خدمت سلاطین دیشان صفویه معزز و مکرم بود و اکثر اوقات ملازمان ایشان میبود. تا آنکه در ایام استیلای رومی بر آذربایجان و تسخیر نمودن تبریز فتنه خیز بگیلان نزد خان احمد والی آنجا که قدر دان هنرمندان و مستعدان بود رفت. و در دربار او را بجهت تربیت و رعایت مردم اهل در ایران مقدم او را گرامی داشته در سلک تربیت یافتگان آن عالیجاه در آمدور عایت تمام یافت.

۷۱۱ - غفار - میرزا غفار قزلباش

به میرزا غفار قزلباش شهرت داشت و در چهره گشائی و کتابت خطوط گوناگون از تصویرگران قرن ۱۱ ه.ق. بشمار میرسد. در گلستان هنرازان استاد باختاریاد کرده و چنین نوشته است: ((میرزا غفار قزلباش، در تصویرکاری را بجائی رسانید که همه کس او را قبول داشتند و بی قرینه بود.))

۷۱۲ - غفار اصفهانی

لایه چین استاد و اهل اصفهان بود که در هنر خود مهارت تامی داشت.

از این هنرمند چند اثر از زنده ورقم دار لایه چینی (۱) دیدم که معرف زبردستی نقاش بشمار میرسد. یکی از آنها تصویر بزرگی بود که چند مجلس گوناگون داشت. در مجلس اول نجات دادن یوسف از قعر چاه بود و در دومی یوسف را بحضور پادشاه میبردند و سومی منظره مکتب خانه بود و چهارمی مجلس بزمی بود که حواشی آن از تصاویر حیوانات و انسان مستور شده ورقم داشت.

(عمل غفار اصفهانی ۱۲۰۶)

۷۱۳ - غفور - حکاک باشی تبریزی

حکاک و سنگ تراش نامی اواسط قرن ۱۴ ه.ق. تبریز بود و به سید غفور نظام الدینی حکاک باشی شهرت داشت.

از آثار رقم دار و حکاکانی این استاد اثری ندیدم، تنها یادگار امضاء داری که از این هنرمند در موزه شهر تبریز دیدم، سنگ نبشته یکی از خیابانهای تبریز بود که بخط زیبا نوشته شده و رقم داشت. (خیابان پهلوی. سید غفور حکاک ۱۳۰۶ ش) مرحوم حاج حسین آقا نخجوانی در مواد التواریخ او را حکاک با اعتبار و خطاط استاد یاد کرده و در تاریخ مرگ وی از رضائی شاعر آذری اشعاری درج کرده که چنین است:

آن میرا جل غفور حکاک - کوبود ز نسل شاه سلولاک
در راه خدا و خط و ارشاد - بودی همدم دلیر و بی باک
اندر خط نغز بود استاد - و اندر حک مهر بود چالاک
پوشید رخ از جهان فانی - رو کرد بسوی عالم پاک
یاران عزیز را به فوتش - گردید ز غصه پیرهن چاک
مرسال وفات را رضائی - خود جست هم از (غفور حکاک) ۱۳۵۵

۱- هنر لایه چینی که در ایران و هند معمول بوده، تصویرهای برجسته ای است که با بتونه مخصوص، روی تصویر را بمرور لایه گذاشته و برجسته مینمایند تا در حدود نیم سانتی متر ضخامت پیدا کند، البته بتونه ای که برای این کار مصرف میگردد باید رقیق و آبکی بوده و بوسیله قلم موی بر روی تصویر، لایه چینی گردد. بعد از اتمام کار و خشک شدن بتونه با سمباده ریزکناره های تصویر را سائیده و حالت میدهند. بعد بر روی نقاط برجسته، مطابق طرح تصویری که نقاش قبلاً انجام داده رنگ آمیزی مینمایند، بعد از اتمام نقاشی مطابق روغنکاری قلمدان و جلد کتاب روغن کمان زده و کار را با پایان میرسانند. هنر لایه چینی در آرای مشکلاتی که در اجرای آن پیش میآید، هنر دلخواه هنرمندان نبوده روی این اصل بمرور از بین رفته و از خاطرها فراموش گشته است.

۷۱۴- غلامحسین مینا کار باشی

از مینا سا زان و نقاشان معروف دوره مظفرالدین شاه قاجار بود و از این پادشاه لقب مینا کار باشی داشت.

از آثار رقم دار و نفیس این هنرمند که در موزه نگارستان تهران دیدم، سرقلیان طلائی و مینائی استادانهای بود که در وسط مدالیون بزرگ آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین شاه و پشت سرش فرما نفرا نقاشی شده و شایسته تحسین بود. از طرفین و کناره ها نیز تما ویرگوناگون و مناظر گل و مرغ بطرز شیوا و نفیسی ترسیم شده و در داخل چهار ترنج کوچک رقم داشت.

(عمل کمترین - غلامحسین - مینا کار باشی - سنه ۱۳۱۹)

۷۱۵- غلامرضا

نقاش آبرنگ کار و قلمدان ساز دیگری بغیر از غلامرضا اصفهانی است. این هنرمند در آبرنگ دست شیرین داشته و در گل و مرغ و مرغش سازی و حل کبیری پراستعدادا بوده است. از آثار وی دیده ام:

۱- اثر گل و مرغی شیوائی در سبک سیاه قلم دیدم که پردا ز سایه ها خوش بود و رقم داشت. (مشق غلامرضا ۱۳۱۵)

۲- دیگر اثر حل کاری و گل و مرغی دلربای این هنرمند را که در مجموعه دارم، قلمدان مرغش عنابی است که در رویه آن ساقه بلند و افشان خوشه انگوری به حل - کاری استادانهای انجام یافته و کناره ها نیز با زنجیره طلائی محدود گشته و رقم گذاشته. (غلامرضا ۱۳۱۱)

۷۱۶- غلامرضا امامی

سید جلیل القدر اصفهانی بود که اقوام و خویشان هنرمندش سالیان متمادی بارائه هنر و خلق آثار بی همتا همت گماشته و شهره خاص و عام بوده اند. این استاد نیز در زمان خود نقاش صاحب امتیاز بوده و در مرغش و تذهیب و حل کاری و ارائه گل و مرغ و پرند ساز و دست کم قرینه داشته است. از آثار رقم دار وی دیده ام:

۱- قاب آینه ممتاز این هنرمند را در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدم که رویه آن را بسیاق و شیوه علی اشرف از گل و مرغ آراسته بود. در این اثر دلپذیر - انتخاب رنگها و پردا ز سایه ها استادانه بود و حواشی و اطراف آن به تردستی تذهیب شده و بخط رقاع رقم داشت. (عمل الحقیر غلامرضا الامامی ۱۲۸۳)

۲- دیگر اثر فریبنده این هنرمند قلمدان درشتی بود که در رویه آن تصویر دلربای گل و بوته فندقی به تردستی ترسیم شده و مرغان الوان و زندهای بروی گلها -

(غلامرضا امامی ۱۲۹۰)

نشسته و رقم داشت. ۳- قلمدان دیگر استاد، اثر زر افشان و گل مرغی بود که در زمینه سیر ترسیم شده و رقم داشت. (فرمایش جناب آقای ضیاء الملک رقم کمترین غلامرضا امامی ۱۳۰۳)

۷۱۷- غلامرضا خان ندیم باشی

کارمند تلگراف خانه و فرزند میرزا محمد خان ندیم باشی و نواده فتحعلی خان ملک الشعراء کاشانی است این هنرمند را قسام هنرها پراستعدادا بوده و در تصویر سازی و منبت کاری و گل دوزی و آبرنگ دست داشته است. غلامرضا خطوط را خوش مینوشته و فرا نسه میدا نسته و گاهی نیز شعری سروده است. سال دقیق مرگ وی معلوم نیست ولی آنچه مسلم است تا حدود سالیان ۱۳۲۰ ه.ق. در قید حیات بوده است.

۷۱۸- غلام شیرزاد

طراح و نقاش و با فنده پارچه های حریری در اواخر سنه قرن ۱۰ ه.ق. بود. از تنها یادگار ارزنده و استادانهای این هنرمند که در دست است، تصویر جوانان در بـاغ مصفائی است که بروی پارچه اطلسی انجام یافته است.

در این اثر پررنگها که در زمینه خوشرنگ و سبز چمنی بافته شده، دو جوان بقرینه رو بروی هم قرار گرفته، و کناره ها و اطراف را درختان و گل های رنگارنگ احاطه کرده است، لباس ها برنگ قرمز و زرد دلربا آرایش شده و در قسمت بالا و در داخل یک مستطیل بخط رقاع قرمز رنگ درج گشته.

(تقدیم آستانه مقدسه نمود غلام شیرزاد سنه ۹۷۹)

۷۱۹- غلامعلی

مجلد و قلمدان ساز معروف دوره ناصری بود و با همکاری استادان نقاش دیگر در ساختن جلد های روغنی برای کتاب معروف الف لیل مضبوط در کتابخانه گلستان تهران شرکت داشته است. از آثار رقم دار این نقاش، جلد روغنی کتاب چهارم الف لیل است که در وسط آن مجلس بزم گسترده ای نقاشی کرده و حواشی و رویه آنرا غلامرضا تبریزی - از معماران پراعتبار دوره زندیه بود و در کار خود شهرت داشت. از یادگارهای ارزنده وی حصار و خندق معروف ارک تهران بود که با مرکب مخمخا زرد حفر شده و پایان یافته بود. فرزند وی میرزا جعفر خان معمار دوره فتحعلی شاه و ناصر الدین شاه قاجار است که از معماران معروف دوره خود بشمار میرا مده است.

مناظر و دورنماهای گوناگون و تما ویرشیر و خورشید و تاج کیانی را رسم نموده و رقم گذاشته. (بدستکاری استاد کل فی الكل جان پناه استاد آقا سمت اتمام پذیرفت العبد غلامعلی ۱۲۷۵)

۷۲۰- غلامعلی خان

آبرنگ ساز پرمهارت و شبیه پرداز کمقرینه هندی و اهل دهلی بود که بسالین اواسط قرن ۱۹ میلادی در آن ولایت فعالیت داشته و در خدمت مجموعه داران انگلیسی از قبیل ویلیام فاسترو کلنل اسکینروسایر علاقمندان بخلق آثار زیبا مشغول بوده است. اغلب آثار این نقاش در آلبوم مخصوص اسکینر جا گرفت و معدودی که در مالکیت دیگران بوده روز ۷ جولای سال ۱۹۸۰ در حراج ساتبی لندن بفروش رسید. چندین اثر از زنده این هنرمند را که در حراج مذکور از نزدیک دیدم، مبین دیده تیزبین و دقت و وسواس زیاده از حد نقاش در امر شبیه سازی بود که نکات نا دیدنی و جزئیات پنهان شده را بوضوح روی کاغذ آورده و به استادی به سان صفحه عکاسی عربیان ساخته است، آثار شناخته شده وی عبارت است از:

- ۱- تصویر منشی دیوان است که عده ای روی زمین نشسته و منشیان دولتی که قلم و دفتر بدست دارند مشغول انجام وظیفه هستند، افراد دیگر که جمعی نشسته و عده ای سرپا قرار دارند در کمال قدرت نقاشی شده و سزاوارت تحسین میباشد.
- ۲- دیگر در این حراج که بشماره پنج ارائه شده، تصویرش نفراست که بزبانی شبیه سازی شده و یک سرباز انگلیسی که لباس زرد پوشیده جلب نظر مینماید.
- ۳- دیگر اثر از زنده هنرمند که در این حراج بفروش رسید تصویر سراج الدین محمد بها در شاه هندی بود که در وسط و بروی تخت مزین نشسته و یک مستخدم با دیزن بدست مشغول خدمت است. دوشا هزاره جوان و کم سال هر دو در حضور ایستاده و لباسهای زربفت درباری بتن کرده اند. منظره فرش قصر سلطنتی و قلیان مخصوص و زیبائی تخت سلطنتی در خور تحسین بوده و ستودنی میباشد. اسامی و القاب زیادی در کناره ها قید شده که چنین است

در قسمت بالا و در گردونه طاق بالای سر شاه نوشته (در ماه ربیع الاول سنه ۱۲۵۴

هجری مطابق سنه ۱۸۴۱ جلوس معلی) و نام پادشاه را بعد از عناوین و القاب چنین نوشته: (ابوالظفر سراج الدین محمد بها در شاه پادشاه غازی خلداله ملکه و سلطانه) بعد اسامی نفرا را چنین قید کرده:

- ۱- نفرا اول ایستاده و با دیزن بدست گرفته (میرزا مغل بیگ خان بها در نصرت جنگ)
- ۲- فرزند کوچک شاه ایستاده (شبیه مرشدزاده آفاق میرزا فرخنده بهار)
- ۳- دست چپ جوانی ایستاده و دستمال بدست گرفته (شبیه صاحب عالم و عالمیان

مرشدزاده جهان و جهانیا ن میرزا محمد سلطان شاه دهم حشمته)

رقم نقاش در روی حاشیه سمت چپ تخت پادشاه و در زمینه سبز چنین است.

(مصور غلام علی)

با حوال و آثار بیشتر این هنرمند و همچنین شناسائی شیوه این نقاش که چند عکس رنگی نیز علاوه گشته است، میتوان دید که کاتالوگ حراج ساتبی لندن و شماره دوشنبه ۷ ماه جولای سال ۱۹۸۰ مراجعه فرمائید.

۷۲۱- غلامعلی - میناکار

میناکار شیرین قلم دوره ناصری بود و در مجمع الصنایع ناصری که مجمع هنرمندان آن دوره بوده حجره کوچکی داشته و به مینا سازی اشتغال داشته است. این هنرمند در کارگاه خود سرقلیان های طلائی و مسی و انگشتری و گوشواره مینائی تهیه کرده و در اختیار علاقمندان میگذاشت. از آثار امضاء دار این مینا ساز، کوزه قلیان مینائی زیبائی دیدم که بگل و مرغ شیوا و صورتهای خوش حالت تصویر شده و ورقم داشت. (کمترین غلامعلی)

دیگر از آثار مینائی هنرمند کوزه قلیان مینائی دیگری دیدم که تصویر بهرام گور و نقوش دیگر را به استادی مینا کرده و رقم نهاده بود. (کمترین غلامعلی)

۷۲۲- غیاث الدین جامی

طراح نقوش و با احتمالی با فنده فرش نفیسی است که در وسط آن شمس فوق العاده بافته شده و در متن آبی آن منظره شکارگاه جلب نظر مینماید. در این اثر کم نظیر که تعدادشکارچی ها و حیوانات بقیرینه در آن بافته شده در وسط شمس رقم دارد. (شدا ز سعی غیاث الدین جامی - بدین خوبی تمام این کارنامی)

سنه ۹۲۹

این اثر از زنده بچاپ رنگی زیبا و در صفحه ۱۱۱۸ و در شماره ۱۲ کتابهای پرفسور پوپ نیز چاپ شده است.

۷۲۳- غیاث الدین خلیلی

اهل اصفهان و مذهب خوش قلم و آخر قرن ۱۰ ه.ق. بود. بنوشتاروایات قدیمی: چون شاه طهما سب مراتب کمالات او را یافت بنوازشات شاهانه اش بنواخت و در کتابخانه همایونی جای داد و قرآنیکه از جانب شاه طهما سب جهت سلطان مراد سوم عثمانی هدیه گردیده و تاریخ ۹۸۳ ه.ق. را دارا بوده است، اثر استاد خلیلی بوده و در تذهیب و آرایش طلائی، کم نظیر بوده است. این قرآن حالیه بر سر قبر ابویوب انصاری وقف شده و در استانبول قرار دارد.

۷۲۴- غیاث الدین علی - نقشبند یزدی

خواجه غیاث الدین علی نقش بند یزدی از نقاشان و نقش بندان دوره شاه عباس کبیر و ازاها لی یزد بود و در مخمل وزری و پارچه بافی از مشاهیر زمان خود بشمار میآمد. مولف جامع مفیدی خواجه غیاث را به استاد یی یاد کرده و درباره اش چنین نوشته است:

((خواجه غیاث الدین علی در فن نقش بندی عدیل و نظیر نداشت و پیوسته به قلم اندیشه ا مور غریبه و صور عجیبه بر صافی روزگار مینگاشت و اقمشه نفیسه با تمام میرسانید و در آن کار بمرتبه ای بلند آوازه گشت که پادشاهان عالیشان نافذند و ترک و روم تحف و هدایا بجهت او ارسال فرموده اقمشه ای که در کارخانه طبیعت او با تمام رسیده بود طلب مینمودند.))

صادقی بیک در مجمع الخواص او را شیرازی دانسته و در مورد وی چنین نوشته است: ((از اهل شیراز و از اولاد شیخ سعدی قدس سره است. هنرهای زیادی دارد و لا در فن نقشبندی و شعر بافی میتوان نادر دوران و فرید زمانش خواند، شاهان و شاهزادگان ایران و توران کالای اختراعش را طالب بند، در چابکی و نیرومندی و کمانگیری نظیر ندارد، با اینحال بسیار کم آزار و مهربان است، حقیر (صادقی بیک) بعد از شکست استرآباد در یزد بد خدمتشان رسیدم و علاوه بر همدمی بشرف همخانگی شان همانایل شدم)) دیگر از شعرو بدیهه گوئی وی تعریف کرده و هشت بیت از اشعار او را یاد کرده است که بیت اول آن اینست:

من که در یزد رشک اقرانم - از هنر برگزیده یزدانم
هنری نیست چون سخن دانی - هم هنرمند و هم سخن دانم
خواجه غیاث الدین بمجالست و قرب دربار پادشاهی مفتخر بود و در حضور شاه پر قدرت صفوی منزلت فراوان داشت. او شاعر بود و خود را در فن نکته پردازی بی قرینه میدانست. چنانچه گوید:

گرچه در فن نکته پردازی - زیبای ایران و رشک تورانم
هیچ از آن دم نمیزنم که از آن - خار در دیده حریفانم
نزدیکان و منسوبان او از جمله فرزندان پرمهارتش معزالدین به نقشبندی و بافت پارچه های قیمتی مشغول و شهره بوده و آثاری را نیز بیا دگار نهاده اند. آثا ر رقم داروی عبارت است از:

۱- زری اطلسی گلبتون که تما ویری از شتر و کجاوه دارد که ساربان مشغول هدایت میباشد، در زمینه های اطراف تما ویری از غزالان و آهوان و مجنون عاشق پیشه است که بین حیواناتی از قبیل شیروآ و هور و بابه قرار گرفته است. در زمینه پارچه

گل و برگهای ختائی جلب نظر میکند که در طول پارچه ادامه یافته و رقم نقاش در زیر کجاوه چنین است. (عمل غیاث) (۱) موجود در موزه هنر و تاریخ بروکسل بافت یزد ۲- دیگر اثر رقم دار هنرمند که در موزه ایران باستان قرار گرفته، روپوش زری صندوقی است که در حواشی آن ادعیه ای بخط ثلث زیبا درج شده و در وسط آن گل های ختائی استادانه ای جلوه گر میباشد. در قسمت بالای پارچه آویزه قندیل مانندی دیده میشود و رقم دارد. (غیاث) بافت یزد

۳- دیگر اثر ارمادا را استاد غیاث، زری ابریشمی قرینه چهار تائی و دوتا ئی الوان سبز و سفید و گلی است که در متن آن، نقوش ترنج مانندی بافت شده و در یکی از آنها منظره گرفت و گیر و بابه و مرغابی به زیبایی جلب نظر میکند، در طرح دیگر تصویر جوانک خوابیده ای است که البسه دوران صفوی بتن کرده و در قرینه چهار تائی با ستادی ارائه گشته است. رقم دارد. (عمل غیاث) بافت یزد
۴- دیگر اثر این هنرمند که مبین قدرت و هنرمندی استاد میباشد. پارچه ملون و استادانه ای است که عکس رنگی آن روی جلد مجله هنر و مردم شماره ۹۹ دیده میشود.

۷۲۵- غیاث الدین محمد - مذهب مشهدی

مذهب نادره که روا فشانگر استاد اهل مشهد است.
امیرعلیشیرنوائی وزیر دانشمند سلطان حسین با یقرا با این استاد ارادت داشته و او را مورد توجه و عنایت خود قرار میداده است.
قاضی احمد باختصار از این استاد یاد کرده و چنین نوشته است:

((واضع افشان اوست و در تذهیب بیقرینه بوده و معاصر مرحومی مولانا سلطان علی است. در تاریخ سلخ جمادی الاول ۹۴۲ در مشهد مقدس معلی مزکی فوت شده در جنب مولانا سلطان علی مشهدی مدفون گشت.))
مستقیم زاده در تحفه خطاطین او را شاگرد سلطان علی مشهدی دانسته و خط و تذهیب وی را ستوده است. از آثار طلاکاری و تصویر سازی وی چیزی ندیده ام و تنها اثری که از خطوط نامبرده در خزینه اوقاف اسلامبول از نزدیک دیدم یک قطعه در مرقع سید احمد مشهدی بود که رقم داشت.

(مشقه العبد الفقیر الحقیر المذنب غیاث الدین مشهدی المذهب غفر ذنوبه)

۷۲۶- غیاث الدین نقاش - پیر احمد زرکوب

نقاش هنرمندی است که از طرف دربار بایسنقر میرزا بجانب ختای رفته تا طرح

۱- با استفاده از مقاله آقای یحیی ذکاء در مجله هنر و مردم شماره ۱

با غهای چینی را با خود با رمغان آورده و بشیوه و هنر چینی آشنا گردد. از احوال این هنرمندانها دوست محمد هروی که او را پیرا حمد زرکوب معرفی نموده یا ذکرده و چنین نوشته است :

((همین اوان از عقب خواجه غیاث الدین پیرا حمد زرکوب کسی به مملکت تبریز فرستاد و چون خواجه حسب الحکم کتابخانه را بمن قدم و اوراق نقاشی را در هرات بلطف قلم معزز و مکرم گردانیدند و موضع چند از مواضع جنگ قلمگیری کرد و بالوان فتنه انگیز رنگ آمیز نمود و بخون جگر و آب دیده پاکیزه ابرشستمان فرموده با تمام رسانید، امیر خلیل بدیده انصاف بر اطراف آن بساطین جنت اتصاف بگذشت منصف و بصفت اتصاف متمصف گشت و همت به ترک تصویر گماشت و خود را از اندیشه آن معاف داشت .

از پیر خرد همیشه انصاف خوش است - عاقل نبرد گما نکز و لاف خوش است تا جلوه کند صورت مطلوب ز غیب - آیین صفت صفحه دل صاف خوش است دیگر سندانزنده ای که از این استاد یاد کرده، عرضه داشت جعفر با یسنقری به حضور با یسنقر میرزا است که تفصیل آن در صفحه ۸۹ این کتاب درج شده و از کارهای نقاش چنین گزارش شده است :

((خواجه غیاث الدین از رسایل دو موضوع بچهره رسانیده و یک موضع دیگر نزدیک است و حالی بیک موضع عمارت که از گلستان باطل کرده اند مشغول است .)) اما با همه هنرمندی و شهرتی که داشته، تما ویرا مضادارویا منسوب وی را ندیده و از جایی نشنیده ام و بعید نیست بعضی و یا جمله آثار استاد سیاه قلم را که بنام وی در عرصه هنری آن دوره شهره یافته به همکاری استاد غیاث الدین انجام یافته باشد، زیرا در آن سفر سه ساله علاوه بر اینکه سفیر مخصوص با یسنقر میرزا بوده کسی بوده که مشاهدات روزانه خود را یا دداشت کرده و چه بسا در حینی که یا دداشت ها را تنظیم مینموده تما ویری نیز بمناسبت ترسیم کرده و در جمع یکدیگر حضور با یسنقر میرزا تقدیم داشته است . چون تما ویر منسوب به استاد محمد سیاه قلم تما ما "در شیوه مخلوط هرات و چینی بوده و ما وقع آن دیار را بخوبی عرضه کرده است و قطعا استاد سیاه قلم نیز زیر نظر و سرپرستی استاد غیاث الدین و در جمع هنرمندان هراتی به دیار چین رفته و در ارائه عجایب و نشان دادن اوضاع و احوال و قیافه ها الی آن دیار با همکاری روزمره استاد غیاث الدین بخلق آثاری کم نظیری موفق گشته است . از آثار ارزنده استاد غیاث الدین سفرنامه مختصری است که در ماه ذی قعدة سال ۸۲۲ ه.ق. و در معیت سفرای منتخب فرمانروایان و شاهزادگان مختلف از قبیل (میرزا با یسنقر والی هرات) و (میرزا الخ بیگ والی سمرقند) و (میرزا سیور غتمش والی غزنه و هند) و (میرزا ابراهیم شاه هرخ والی اصفهان) و (شاه ملک والی

خوارزم) و ملوک بدخشان محمود شاه و ملوک مغولستان او بیس خان و جمع همراهان آنها انجا می افتد و پس از دو سال و ده ماه پایان یافته است .

این نقاش مشاهدات خود را از هنگام عزیمت تا پایان سفر یا دداشت کرده و ما وقع را بیان داشته است، از این سفرنامه اولین دفعه فاضل و محقق معروف شیخ کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی در مطلع السعدین که حوادث چهار ساله از ۷۰۰ تا ۸۷۵ ه.ق. بیان داشته بحث نموده و بعد از آن نیز خواندمیر بر وایت از این کتاب در حبیب السیر مختصرا اشارتی بآن سفر کرده است .

نگارنده نیز جهت دستیابی به مدارک و اسنادی که توسط یک نقاش معروف و در حدود شصت سال پیش درج گشته داثما "در تک و پو بودم و جمله سعی و کوشش من در بدست آوردن این نسخه نایاب، دستیابی به احوال استاد محمد سیاه قلم بود که حدس میزدم در بین همراهان غیاث الدین بآن دیار رفته و آثار خود را با برداشت از روش چینی ها خلق کرده است . تا اینکه اتفاقا در بین کتابهایی که حدود ۱۲ سال پیش از یک کتابفروشی خریداری کردم جنگ خطی زیبائی بود که بسال ۱۲۶۰ ه.ق. و توسط فردگمنامی نوشته شده و کناره های صفحات آن آرایش و تذهیب گشته بود . این جنگ که مجموعه ای از آثار شعرای ایرانی و کشمیری وارد و را در برداشت در انتها نیز چندین صفحه نوشته های بخط ترکی عثمانی دیده میشد که با تیترا درشت عجائب اللطائف جلب نظر میکرد .

در ابتدا فکر میکردم که این نوشته ها هزلیات و لطایف گوناگونی است که بنام عجایب اللطائف در آخر جنگ علاوه گشته و بعیا را غلب جنگهای معمولی ختم مقال را با شوخی درآمیخته است. ولی بعد از مختصر بررسی که بعجله و شتاب انجام گرفت معلوم شد که این همان نسخه نایاب سفرنامه غیاث الدین نقاش است که سالیان متمادی در انتظارش بودم که حالیه بتوفیق یزدان نصیب حقیر گشته است . منتها این نسخه رونویس نسخه اصلی نبوده بلکه نسخه ترجمه شده ای بزبان ترکی عثمانی است که توسط چلبی زاده و در زمان سلطان احمد خان ثالث (۱۱۱۵ - ۱۱۴۳) از فارسی به ترکی ترجمه شده و ما حب جنگ در حدود سالهای ۱۲۶۰ ه.ق. آن ترجمه را بدست آورده و در آخر جنگ علاوه نموده است . بدین جهت نگارنده نیز بعلت اهمیت و نایابی اصل سفرنامه و با در نظر داشتن جمله نقائصی که در مراحل ترجمه باصل مطلب وارد میشود از ترکی عثمانی بفارسی ترجمه کرده و در ذیل آثار نقاش منتشر نمودم تا مورد توجه خوانندگان گرامی قرار بگیرد .

بدین ترتیب با حفظ اصالت سند مزبور، ابتدا مقدمه نسخه عجایب اللطائف را که در زمان سلطان احمد خان ثالث علاوه گشته درج نموده و سپس باصل سفرنامه پرداختم که چنین است :

بعد حمد خدا و نعت نبی اکرم سبب کتابت و ارائه این مقاله جهت ارباب انتباه بدین ترتیب است که خاقان جهان‌نیا و صاحبقران گیتی شان فاتح ایران زمین، شاهنشاه اسکندآیین، شهریار امجد، تا جدار جدی برسد.

آسمان مرتبه جم کوکبه سلطان احمد - یدی اقلیمیک او خاقان عظیم الشانی موید به تائید ربانی، جناب خلافت مآب صدرا عظم و دما قدم و اکرم و وزیر ارسطو فطرت و مشیر علی شیر صولت، نظام الملک زمان و آصف عهد و اوان، مایه آرایش عالم و باعث آسایش امم، مربی اهالی - دستور صائب تدبیر و صاحب معالی، صدر مقدم و منعم کریم. ابوالمکارم ابراهیم پاشا، همواره مرا مومقصدش مطلع بودن از احوال و آثار ملوک پر قدرت و مکنّت و بسط مملکت اجدادی بوده، از جهت درج اخبار نادره و نسخه‌های نادیده همیشه علاقمند به جمع‌آوری آنها بوده است.

روی این اصل، رساله‌ای قیمت سفرخواجه غیاث الدین نقاش بدیا رختای راکه در زمان میرزا شاه رخ سلطان انجام یافته و توسط ربیب خوان نعمت و غریق دریای احسان، چلبی زاده ترجمه گشته در اختیار علاقمندان قرار میدهد.

عجایب اللطایف

تالیف خواجه غیاث الدین نقاش

در ششم ذی قعدة سال ۸۲۲ زدا را السلطنه هرات خارج شده و روز نهم ذی الحجه وارد شهر بلخ گردیده، از شدت سرما و بوران حرکت میسر نگشته و تا غره محرم سال ۸۲۳ در شهر بلخ اقامت نموده بعد از تخفیف سرما و آمدگی بطرف سمرقند حرکت کرده و در ۲۲ محرم سال مزبور به سمرقند وارد گشتیم. دوماه قبل از رسیدن ما، میرزا الخ بیگ سفرای خود را بنامهای سلطان شاه و محمد بدخشی بدیا رختای روانه کرده و در آن مملکت با انتظار رسیدن دیگران توقف کرده بودند.

در این شهر میبایستی تمام سفرای نواحی مختلف جمع شده و باتفاق همدیگر بطرف چین حرکت میگردیدیم. بدین ترتیب ارغداق سفیر میرزا سیور غتمش وارد و ان سفیر شاه ملک (وفات ۸۲۹ ه. ق.) و خواجه تاج الدین سفیر شاه بدخشان - بیکدیگر ملحق شده و در دهم ماه صفر سال مزبور از طریق سمرقند عازم کشور ختای گردیده و در چهارم شهر ربیع الاول به شهر تاشکند و روز سیزدهم بشهر سیرام و در غره شهر ربیع الاخر به شهره و روز ۲۱ به مملکت مغول وارد گشتیم. در این زمانها فصل بهار شروع شده و مناظر راهها و کوهسارها و چمنزارها لطیف و عاری از توصیف بود. ناگهان خبر رسید که به هوای قتل شیر محمد و غلان توسط او یس خان، قل محمد بیک و بعضی از امرای مغول به او یس خان عصیان کرده و مملکت را مختل و ناآرام کرده‌اند. و بعد از مدتی خبر رسید که توسط میر خدا داد از امرای معتبر آن دیار وساطت شده و این درگیری بصلح

وصفا انجا میده است. بدین ترتیب در هیجدهم شهر جمادی الاول در محل بیلغوتو از ممالک محمد بیک وارد شده و منتظر خدمه شاه بدخشان و سایر افرادی که تا خیرداشتند با انتظار توقف کردیم. و در ۲۱ ماه مزبور به کنکرسوی و وارد شده و با حاکم آن قبیله بنام محمد بیک ملاقات کردیم. فرزند محمد بیک دما دسلطان شادی کورکان شمع جهان بود که زن وی خواهر زن امیرزاده جوکی بهادر بود. در هشتم جمادی الاخر خبر غارت راچی و ایلچی و یس خان توسط فرزند محمد بیک بما رسید که از این خبر راچی‌ها و سفرا متوهم گشته که بعد از این سفر کوhestانی است و اغلب اوقات باران و شب‌نیم میبارد باید خیلی محتاط بود، بهر طریقی شده در اوایل شهر جمادی الاخر به شهر طرقان وارد شدیم. آحاد و اهالی این شهر بت پرست بودند و به اصنام جدید و قدیمه اطاعت و عبادت میکردند. در دوم ماه رجب و شدت گرما از شهر مذکور حرکت کرده و روز پنجم به محله قراخواجه وارد شدیم. در دهم ماه مزبور ما مورینی از طرف چینی‌ها برای ثبت و تحریر اسامی سفرا و همراهان بدفتر مخصوص حضور یافتند. در نوزدهم ماه مزبور به محله صوفی آقا وارد شدیم که در این محله شخصی بنام خان زاده تاج الدین که از سادات ترمذی بوده و در آن محل خانقاهی بنا کرده و مقام و مآوی اختیار کرده و داماد این شخص بنام میر فخر الدین حاکم مسلمانان شهر قامل بود.

از ۲۱ ماه مزبور به شهر قامل وارد شدیم که در این شهر در مقابل مسجدی که امیر فخر الدین مذکور بنا کرده یک بتخانه بزرگ قرار گرفته بود. در این بتخانه سه بت‌های متنوعی ساخته شده و از جمله بت طلائی بزرگی با اندازه قدیک پسرده ساله جلب نظر میگرد که در کمال صنعت و استادی ساخته شده و عقل حیران میگردید و در دیواره‌های این بتخانه نقش‌های بدیعه جلب نظر میگرد و در روی درب ورودی آن تصویر دود یوقوی هیکلی بود که در حالت حمله بیکدیگر دیده میشدند که از هر نظر حیرت نظر را بر میانگیخت. در این شهر شخصی بنام منکلی تیمور که جوان خوب روی و سیمین اندام بود حاکم بود. در ۲۵ ماه رجب از آن شهر کوچ کرده و بعد از آن راهها اغلب صحرا و ریگزار بود که در روزیاد و روزا غلب آبی در راهها مشاهده نمیشد.

در ۱۲ شعبان شهری وارد شدیم که شهرهای کوهاندار و گاهای بزرگ دیده میشد. از صحبت‌ها ئیکه در این مورد میگردند یکی از اهالی این شهر سوار یکی از این گاهها شده بود که گاه و خمگین شده و حریف را با کله خور کرده و مدتی جسد حریف در روی شاخه‌های وی آویزان گشته بود. در ۱۴ شعبان بر موضعی وارد شدیم که از آنجا شروع شهرهای چین آغاز میشد و اولین شهر این دیار که قراول مخصوص داشت شهر سکو بود که بعد از آن راهها همه صحرا بود.

در آن محله بدستور پادشاه چین یک گروه از اعظم شهری به استقبال ما آمده و ما را در چمنزار مصفا ئی جا دادند که صندلیهای زیبا گذاشته و روی طبق‌های چینی گوشت

غاز و مرغهای سرخ کرده و سایر گوشتهای لذیذ و اغذیه و میوه‌های گوناگون خشک و تر در سینی‌های گوناگون قرار داشتند. و الحاصل در آن بیابان بهترین ضیافت‌های شهری را برای ما انجام داده و بهترین پذیرائی‌ها را از ما کردند. بعد از طعام هر کسی بقدر ذوق و سلیقه خود از عرقها و شرابهای مخصوص سرمست شده و بعد از آن نیز در موقع خروج به نفرات باندازه کافی غذا و میوه و عرق و شراب و سایر لوازم سفر تحویل دادند. تمام این اشیاء را از شهر سگجو آورده بودند و در آن شهر قاقان اقلیم ختابه بهترین نحو اجرا گشته و وقت تمام میکردند که عمل دروغ بین کسی واقع نشود و برای اینکه درج نامسفران و همراهان بدفتر مخصوص انجام میابد، جماعت با زرگان همپایه نوکرو خدمتکار با احترام تمام خدمت میکردند. از جمله افراد مشخصی که در این دفتر ثبت گردید، شادی خواجها یلچی میرزا شاهرخ و جمع همراهان وی دویست و بیست نفر و ایلچی میرزا بایسنقر سلطان احمد و رازی حکایت خواجها غیاث الدین جمعا "صد و پنجاه نفر و ایلچی میرزا سیور غتمش ارغداق نام و همراهان شصت نفر و ایلچی شاه بدخشان بنام خواجها تاج الدین بهمهرا پنجاه نفر و از این دفتر ثبت گشتند. و سلطان شاه و محمد بدخشی قبل از ما باین شهر وارد شده و خارج گشته بودند و ایلچی میرزا ابراهیم سلطان در این اوقات هنوز وارد نگشته بود.

در ۱۸ ماه شعبان در سرحد ناحیه مزبور که تا شهر سگجو نه منزل راه بود از طرف پادشاه ختای مقدار پنج و شش هزار سوار با استقبال ما آمده و ما را بضیافت دانک راجی دعوت کرده و تمام مسافران سوار شده و بدیاردانک راجی عازم گشتیم. خانه‌های چینی‌ها چهار گوش بود و گویا توسط پرگار خطوطی کشیده شده و هموار شده بود و در جوانب اربعه آن یک راهی ایجاد کرده و طنابهای چادرها را بهم بسته و بند زده بودند که آدم نمیتوانست از وسط آنها گذر کند و در میان آنها یک میدان بزرگ ترتیب داده و در وسط آن ایوانی درست کرده و در مقابل آن یک چادر بزرگ ختائی بسته بودند و کناره‌های آن را بالابرده و یک سر بر آن نهاده و سایه بان درست کرده بودند. در حوالی صندلی را چین و طرف چپ و راست آن صندلی‌های متنوع قرار داده بودند. و در بین عادات ختائی‌ها طرف چپ اعتبار زیاد داشت. روی این اصل ما را در طرف چپ بروی صندلی‌ها نشاند و امرای ذوی الاحترام چینی‌ها را در طرف راست قرار دادند و بعد در مقابل سفرا و امراء دوسفره و خوان قرار دادند که در توی یکی از آنها غاز و مرغ بریان کرده و سایر اغذیه و میوه‌های گوناگون و در دیگری نانهای لطیف و تازه و درخت نخل‌های مصنوعی از کاغذ و آب بریشم درست کرده بودند که طبیعی بنظر میرسید ظروف بزرگ و کوچک زیبای چینی که در آنها غذا و ماکولات دیگر گذاشته بودند با صراحی‌های سیمین توازن زیبایی داشت و از هر نظر با جلال و تزیین شده بودند. در جانب دیگر کمانچه‌ونی مینوختند و مطربهای مخصوص میرقصیدند. در کنار آنها

رقاصان زیبای پسران ایستاده بودند و در ایوان‌های کناره چادر بزرگ و در چهار درب مخصوص آن سربازان و مستحفظین مخصوص بودند که نیزه‌های بلند داشتند و جیب‌های مخصوص پوشیده و ساکت و آرام در جای خود ایستاده بودند.

آداب و احترام قومی ختائی‌ها مخصوص دیگر است، هر کس محترمی که به مجلس وارد میشود، بعد از ریختن پیاله‌ای شراب، شاخه‌ای از نخل‌های مصنوعی که در طبق گذاشته شده با احترام برداشته و بگوشه دستار مهمان نصب میکنند که این آرایش نخلها، بعد از ساعتی مجلس را بسان گلستان جلوه گر میسازد. در میان مجلس پسرهای پریوش و سیمین اندام پیا له و صراحی بدست گرفته و در طبق دیگر، تنقلات گوناگون از قبیل فندق و عناب و جوز و لیمو و ترشی‌های سیروپیا و زوخریزه و هندوانه در خدمت حاضر بوده و پس از نوشیدن شراب بمیل و اختیار خود هر تنقلاتی که مهمان دوست داشت از طبق برداشته و نوش جان میکرد.

بعد از آن‌ها لعبت‌ان بازیگر شروع برقص و پایکوبی کرده و هنرهای خود را عرضه نمودند. از جمله از روپوشهای صورت (ماسک) که از کاغذ ساخته شده و بسان قیافه دیوها، بدشکل و دماغ سرخ داشت بتن پوشیده و رقص مخصوص خود را ارائه نمودند. الحاصل آن روز با شادی تمام سرآمد و در روز چهاردهم شعبان بعد از گذشتن صحراهای سخت به قلعه قراول نام رسیدیم. قلعه مزبور در غایت استواری بود و در کناره‌ها خندق‌های عمیق داشت و راه ورود از یک طرف و راه خروج از طرف دیگر داشت، و در آن قلعه نیز مجدداً "شمارش سفرا و همراهان انجام گرفت و بعد از آن بشهر سگجو وارد شده و در منزل خانه بزرگ شهر مسکن گزیدیم.

در شهر مزبور تمام لوازم را حتی و خورد و خوراک و سایر اشیاء ضروری و برای هر کسی وسایل خواب و جامه خواب مخصوص و حتی خدمتکار مخصوص تحویل داده و مایه استراحت ما را بطرق احسن تامین نمودند. شهر مزبور مربع الشكل ساخته شده و قلعه‌های آن متین و استوار بود. در وسط آن بازارگاه وسیع بود که پنجاه ذرع عرض داشت و آب و جاروشده و تمیز و مصفا بود و چند چاه رسو داشت که با چارطاق مخصوص زیبا جلوه میکرد. در خانه‌ها خوک فراوان دیده میشد و در دکانهای قصابی گوشت خوک و گوسفند در کناره‌ها دیده میشدند. این شهر چهار باره روی معظم و در بزده داشت که مثل اهالی ما زندان آنها را با سفال رنگی آرایش داده بودند و منتهی اهالی ما زندان با سفال غیر رنگی میساختند ولی چینی‌ها با کاشی‌های مخصوص خود و رنگ زیبا انجام داده بودند. و چندین بتخانه نیز جلب نظر میکرد که اندازها بیهر یک از آنها باندازه گردش عادی بود (یعنی ده مرتبه بسان دور خودش بچرخد) و مجموع زمین آن با سنگهای سخت فرش شده و طوقهای جوهر دار تراشیده بآن نصب گشته بود. و بتخانه‌ها عموماً "پاک و تمیز بود و در کناره در ورودی آنها جوانان خوش سیم

با زدیدکنندگان را را هنمائی مینمودند، شهر مزبور با سراپرده و قصر مخصوص پادشاهی در خان بالغ نودونه منزل فاصله داشت که در این منازل نیز قصبه و شهرهایی دیده میشدند، در شهرها اغلب منازل مرتفع بود که بآنها قرغومیگفتند و این قرغوها محلی بود که سربازان مخصوص داشت و تاپای تخت نیز این عماراتها دیده میشدند که اگر احیاناً دشمنی وارد مملکت شود، سربازان هر قرغو آتش کرده و به دیگران علامت میدهند و این علامتها سرعت زیاد توسط دیگران ادا میافته و تا در نتیجه به خان بالغ پای تخت چین میرسد، فاصله این محلها از همدیگر، هیچده (مره) است که اندازه یک فرسخ شرعی است و افرادی که در این منازل ادای وظیفه مینمایند (کیدى قو) نامیده میشوند که دائماً یکی از آنها حاضر و آماده در جای خود پاسداری میکنند. از شهر سکجوتا شهر قمجونه منزل راه بود و این شهر از سکجو بزرگتر و معمورتر بود، حاکم این شهر که آنک را چى نام داشت برای ایلچیها چهار صد اسب و قاطر و پنجاه و شصت ارا به تحویل داده بود، ما مورین آنها را (باقو) و مهتران قاطرها را (لوقو) و به عرابه چىها (جینفو) میگفتند. و بهر عرابه طنابهایی مخصوصی بسته و دوازده نفر آنها را حرکت میدادند، هر قدر هوا بارانی و زحمت افزا بود ببار این نفرات به زور و قوت با زوی خود این عرابهها را میکشیدند و بمقصد میرساندند، این افراد جوانان خوش لقا بودند که بگوشهای خود گوشواره داشته و زلفهای بلند خود را گره گره بسان دکمه بسته بودند.

باقوهای مزبور با شلاق مخصوص اسبهای تیزپای خود را بسان پیکهای سریع السیر خراسان منزل بمنزل هدایت میکردند و در هر منزل گوسفند و غا ز و مرغ و برنج و آرد و عسل و ترشیهای سیروپیا ز برای مهمانان آماده میساختند. در هر شهر ضیافت خانه مخصوص سفر اقرار داشت که بآن (روسون) میگفتند، در هر یک از شهرها نماینده مخصوص پادشاه بود که سفر را اول بحضور او میآوردند و باقی همراهان در صاف مخصوص قرار داشتند، در کنارتخت وی شخصی قرار داشت که سه دفعه مخاطب را صدا میزد و بعد از آن امراء و ایلچیها سه مرتبه تعظیم کرده و سرشان را بزمین مینهادند و بعد از آن هر کسی در محل سفره و غذای خود قرار میگرفت، در روز ضیافت که مصاف با دوازدهم ماه مبارک رمضان بود، از خوردن عذر خواسته و ماوقع روزه را با ایشان بازگو نمودیم و ایشان عذر ما را پذیرفته و در کمال احترام از ما جانب داری نمودند.

در شهر مزبور بطول و عرض صد ذرع بتخانه زیبایی وجود داشت که در وسط آن بت اعظم قرار گرفته بود. اندازه قد بت مزبور پنجاه پا و اندازه کف پایش نه پا و دور سرش بیست و یک ذرع و در حوالی آن نیز بت های گوناگون و در اندازه های کوچکتر دیده میشدند، بعضیها که با اندازه قد آدمی بود حرکت میکردند و اعجاب بینندگان را فراهم میساختند و در دیوارهای اطراف اشکال و صنایع گوناگون بود که بیننده را

با عجاب و حیرت و امیداشت.

صنم مذکور یک دست زیر سر گذاشته و دیگری بروی صورت قرار داده و روی آن کلاه مطلا گشته بود به این بت لباسهای رنگارنگ پوشانده و ناموی را (شامکونی) گذاشته بودند و کافرها فوج فوج در مقابل وی سجده میکردند و در کنار این معبد، خانههایی قرار داشت که با پردههای زربفت و کرسیها و صندلیها و شمعدانها و صراحیهای چینی آرایش گشته بود. دیگر در این شهر قصر زیبایی پانزده طبقه دیده میشد که با مقرنسها و تزیینات عالی جلوه گر بود که در رویه آن تصویر نفیس پادشاه و قصر وی بود که به صورت های گوناگون تصویر گشته بود. در طبقه پائین، تما ویردیوها بود که قصر را در روی دستها نگه داشته بودند، این قصر جملگی از چوب بود و ارتفاع آن دوازده زراع و اندازه دورهاش بیست زراع و یک مرتبه آن کلاه مطلا گشته بود که بیننده خیال میکرد که از زرنا ب ساخته شده است. در زیر کوشک، سردابه ای قرار داشت که میلی در زیر آن قرار گرفته و طوری وضع شده که با جزئی حرکت آن، کوشک تکان میخورده است. نجار و آهنگران و نقاشان عالم جهت تماشا و خدمت مستحق دیدار آن قصر پر مهارت میباشند و مسلمانان چین با این قصر چرخ فلک میگویند، در این شهر، سفر ابحال آزاد نوکرها را مرخصی داده و هدایای لازم را که لایق شاهان بوده خریداری کرده و بعد از این هر روز بیک منزل و هر هفته بیک شهر و تا قریب شهر خانبالینغ تکلفات مهمانی زیاد تر شده و پرا عتبار میگردید.

در چهارم شهر شوال برود (فرا موران) رسیدیم که نهر مزبور بسان رود جیحون رود خانه بزرگی بود و در اطراف این رودخانه چوبهایی به قدیک انسان محکم کمرده و بندهای بیست و سه گشتی را بآن محکم کرده بودند و روی آن قایقها، تختههای بزرگ کوبیده و بسان پل محکمی ایجاد کرده بودند که چهارپایان بدون زحمت از روی پل عبور کرده و وارد شهر بزرگی شدیم که برای ضیافت، آماده گشته بود.

در این شهر بت خانه عظیمی بود که از موقع ورود به چین بت خانه ای باین عظمت ندیده بودیم. در این شهر سه خرابات بزرگ بود که در داخل آن دختران زیبا و نازک بدن قرار داشت که همه آنها دوشیزه بودند. در این شهر ارباب صنعت فراوان بود و اهالی آنجا بحسن جمیل و غایت جمال شهرت داشتند.

بعد از حرکت از این دیار و گذشتن چند شهر کوچک دیگر در دوازدهم شهر ذوالقعدة از رودخانه ای که با اندازه عظمت دوجیحون بود گذر کردیم و تا اینکه در ۲۷ شهر ذوالقعدة به شهر عظیم (صدین فو) وارد شدیم. شهر مزبور در غایت معظم بود و عمارات عالی و اهالی زیاد داشت. در این شهر و در وسط یک بتخانه، بت عظیمی که از برنج ساخته شده و حدود پنجاه زراع قامت داشت جلب نظر مینمود. که در کنار هر عضو یک دست و در کف دستش یک کوزه دیده میشد، در چین نام این بت به (بت هزار دست) شهرت داشت، در

کنار این بت، ساختمان مرمرین وجود داشت که عاری از تحسین بود و بیش از هزار خروار برنج در ساختن مجسمه بت بکار رفته بود. و در مقابل آن رهبانان به پرستش اشتغال داشتند و تصاویر ببر و پلنگ و اژدها و سایر صورتها در کمال استادی نقش شده بودند که استادان ماهرنیز از تماشای آن حیران میماندند. و در آن بت خانه نیز بعبارتخانه شهر قمجویک چرخ فلک ساخته شده بود که از اولی بزرگتر بود. بعد از دیدار این شهریوطی بیست و پنج فرسخ راه و در شب هشتم شهر ذی الحجه نزدیک سحر به دروازه شهر خانبالغ وارد شدیم. هنوز صبح شروع نشده ایلچیها از برج مخصوص شهر وارد شدند و بمیدان سرای پادشاهی وارد شدیم تا در بزرگسرای پادشاهی باندازه هفتصد قدم سنگهای خوش تراش فرش شده که بهنگام ورود سفرا از اسبها پیاده شده و به حال پیاده بدر بزرگسرا داخل گردیدیم. در اطراف درگاه پادشاهی از بین دو خرطوم بزرگ فیل رده شده و بداخل سرای رفتیم و هنوز جهان روشن نشده بتعداد صد هزار آدم جهت دیدار شاه جمع گشته بودند.

داخل در بزرگ میدان پهناوری بود و در انتهای آن بقدرسی زراع کرسی و در حدود پنجاه زراع یک بنای عظیم دیده میشد که طولش شصت زراع و عرض چهل زراع بود و در روی آن یک محل تعیین شده بود که تخت پادشاهی در آن قرار داشت و دو نفر ما مورعاً لیرتبه منتظر قدم پادشاه ایستاده و در چپ و راست در بزرگسرای مخصوص کوس و ناقوس قرار داده بودند. در آن محل سه در بزرگ و یک در بزرگتر و در وسطی که از دو در دیگر بزرگتر بود، محل ورود شاه بود و کسی را از راه ورود بدان داده نمیشد، در میدان مزبور سیصد هزار رجال و نسوان جمع شده و بمقدار دوهزار نفر مغنیان به ساز و ترنما اشتغال داشته و بر سم و زبان چینی آواز خوانده و برای پادشاه دعا میخواندند. و بمقدار دوهزار نفر چماق و گرز و حربه و خشت فولاد و نیزه و شمشیر و با دینهای چینی بدست گرفته ایستاده بودند.

در اطراف میدان مزبور، خانههای زیبائی دیده میشد که هر کدام ایوانهایی به بیرون داشت که بوسیله ستونهای بزرگ نگهداری میشدند، دیوارهای خانهها چوبهای مشبک بود و زمینهای مجاور بوسیله سنگهای خوش تراش فرش گشته بود. القصه صبح روز دیگر افرادیکه منتظر به تخت نشستن پادشاه در کوشک مخصوص بودند با صدای ناگهانی کوس و طبل و بوری و نی و ناقوس دریا فتند که وقت موعود رسیده و بمحض باز شدن درهای مخصوص به داخل سرازیر شدند.

در کوشک مزبور تصاویری از قبیل اژدها و سیمرغا و سایر نقوش دیگر دیده میشد که با ختائیهای زر نشان آرایش گشته بودند و در کنار آنها یک تخت قرار داده بودند که از طلا و نقره ساخته شده بود. در طرف چپ و راست تخت دوازده نفر از امرای تومان و یک (هزار) و بیوز بیکلری ایستاده و در مقابل خود تختههای گرفته و حق نداشتند به

غیر از آن تخته به چیز دیگری نگاه نکنند و در کنار آنها حدود دویست هزار نفر که در صفهای منظم ایستاده و شمشیر و نیزه بدست گرفته و ساکت ایستاده بودند دیده میشدند. سکوت جمعیت به اندازه ای بود که انسان فکر میکرد هیچ ذیرواحی در اینجا وجود ندارد. روی تخت یک صندلی طلائی و پنج قدم مانده با ونیزیک نزدیک نردبان نقره ای قرار دادند، پادشاه از حرم درآمده روی صندلی نشست. محارم و امراء سلطنتی که در حدود دویست و سیصد نفر بودند بسان حلقه ای دور شاه قرار گرفته و روی صندلیها نشستند. در کنار پادشاه دودختر پیری پیکر که آرایش مخصوصی داشتند و آلات و قلم بدست گرفته و هر سخنی از پادشاه میشنیدند بلافاصله یادداشت میکردند و بعد در داخل حرم مجدداً "بعرض شاه رسیده و بعد از حک و اصلاح جهت اجرا به کارمندان دیوان اعلام مینمودند. در این موقع سفرا و حدود هفتصد نفر مجرمین را بحضور پادشاه آوردند، به نسبت جرمی که مجرمین انجام داده بودند به زنجیر گرفتار آمده و چوب سنگینی بگردن داشتند و بعضیها یک دست و گردن به چوب قفل شده بود و بعضیها دسته جمعی حدود پنج و شش نفر گردنشان در چوب بسته شده و ما مورین از موی سرشان گرفته بودند، پادشاه بعضی از آنها را زندان و بعضیها را به اعدام فرمان داد. در تمام مملکت ختائی کسی را یارای قتل نیست، هر کس بهر عنوانی جرم کرده باشد او را زنجیر کرده و گناه وی را روی تختههای نوشته بگردنش میآویزند و بخان بالغ ارسال میدارند. بعد از آنکه تمام مجرمین، سفرا را به پادشاه زراعی تخت پادشاه آوردند، امرا و نیکو تخته بدست داشته و پهلوی تخت شاه ایستاده بودند نزدیک آمده و دوزان و نشسته و احوال هر یک از ایلچیها را روی تخته نوشته و برای پادشاه خواندند. مضمونش این بود که سفرائی از جانب خلافت پناه و فرزندان وی هدیههایی آورده و جهت پابوسی سریر پادشاهی بدیار چین آمده اند، از امرای تومان، مولانا قاضی یوسف که زبانهای عربی و فارسی و ترکی و مغولی و ختائی و کلمجن میدانست نزدیک رفته و با یکی از دوازده نفر ملازم پادشاه که قدری عربی و فارسی میدانست گفتگو کرده و معلوم نمود که برای زیارت پادشاه، باید قد و دوتا تعظیم کرده و سه مرتبه سرتا را بزمین بچسبانید. سفرا مراحل مزبور را انجام داده و سه مرتبه سرشان را بزمین نهادند و لی دستها را به زمین نگذاشتند. بعداً "مکتوب سلطنتی را که از جانب شاه هر خ سلطان و شاهزاده بایسنقر میرزا در بسته زردا طلسم قرار داشت، شاه چین از دست قاضی گفته و بدست یکی از خدا داد، بعداً "پادشاه از تخت پائین آمده روی صندلی نشست. بعداً "بمقدار سه هزار جامه زیبا آورده و تحویل امراء و اقربا و اولاد خود داد، سپس هفت نفر از سفرا از قبیل شادی و خواجه و کوجه و سلطان احمد و خواجه غیاث الدین و ارغداق و اردوان و تاج الدین بدخشی نزدیک شاه جلوس کرده و دوزان و در مقابل وی قرار گرفتند. پادشاه چین احوال شاه هر خ سلطان را پرسیده و بعد قریه یوسف به ما موریت سفارت خود

وتحويل هديه‌ها اشاره کرده که جوابهاى لازم داده شد. سپس پادشاه از ارزانى وگرانى غلات پرسيد و ضمناً "از اسبهاى که در ديار قرايوسف شهرت دارند خواستار خريستد و اعزام سفير نمود و از امنيت راهها سؤال کرد و پرسيد که آيا از چه طريقى اعزام سفير بهتر است، قرايوسف جواب داد اگر از راه شاه هرخ سلطان باشد از طريق راه ايراق بهتر ميشود مسافرت نمود، بعد سفر را به محل قبلى برده و براى هريك صندلى مخصوص و سفره غذا و اطعمه و شربه گوناگون که قبلاً گفته شده به پذيرائى مشغول گشتند، بعد از اتمام طعام سفر را براى آوردن به منزل خانه آمدند و نمودند که سلطان شاه و بخشى ملکى سفر را ميرزا الغ بیک نيز در آن منزل خانه و ماوى داشتند. در هراطاق که براى عدهاى تعيين شده بود جمله رخت خواب اطلس و حرير و جمع احتياجات انسان از هر نوع و وسايل غذا از قبيل ديگ و کاسه و چمچه و خوان و غيره آمده شده بود و براى غذای روزانه يک گوسفند و يک غاز و دو عدد مرغ و يک کاسه بزرگ برنج و يک بشقاب حلوا و مقدار زيادى کليچه و يک ظرف عسل و سيروپيا و زوسرکسه و نمک و سبزیجات معمول کشور ختای و دو کوزه آب و يک طبق نقل و نفراى از مستخدمين صاحب حسن و جمال که هميشه سرپا ايستاده و آمده فرمان بودند تهييه شده بود.

روز بعد که نهم روز ذى الحجه بود ما مورينى آمده و ما را براى ضيافت پادشاه خبردار نمودند، اين افراد که ما را براى ديدار جاهاى ديدنى و حتى ضيافت شاه ميبردند (سحنين) نام داشتند که در ولايت خراسان بنام (سقاوول) تعبير مينمايند و ما بوسيله اين افراد را هنماى شده و بسر اى پادشاهى وارد گشتيم. در ميدان پادشاهى حدود سيصد هزار جمع آمده بودند و بطور يک ذکر شده ما ن سه در ب مخصوص باز شد و سفر ابعنوان تعظيم پنج مرتبه سرها را بزمين گذاشته ولى شاه حرمت کرده از تخت پائين آمده و بطرف بالاهاى ايت نمود. و آن روز در صرف غذا وساير ما کولات زياده روى نکرديم، زيرا بيرون شدن از آن ضيافت ممکن نميشد و در اين حال سفر امتنا و با بيرون آمده و در محل ديگر جمع شدند و بعد بميدان ديگر و از آن ميدان بميدان سومى وارد گشتيم. در اين ميدان نيز سنگهاى خوش تراش فرش شده و ساختمان زيبائى که با اندازه شصت زراع بزرگى داشت ديده ميشد، و در داخل آن عمارت، يک تخت به اندازه قد آدمى وجود داشت و در طرف چپ و راست تخت، يک نردبان نقره اى قرار داشت و در مقابل آن تخت ديگرى ديده ميشد که پايه هاى عجيب داشت و در طرف چپ و راست آن مجمرهاى قبه دار جلب نظر ميکرد. تخت و مجمرهاى مذکور جملگى از چوب ساخته شده و مطلا گشته بودند و ستونها و نردبانهاى مخصوص اين عمارت بگونه اى رنگين شده و روغن کارى گشته بود که استادان خراسان و عراق از اجراى آن عاجز ميشدند. در نزديکى تخت مزبور دو خادم مخصوص قرار گرفته بود که روى گوشها و روى صورت خود روپوشى از مقواى نقاشى شده (ماسک) قرار داده و بخدمت ايستاده بودند.

در نزديک پادشاه، خوانهاى طعام و نقل و نخلهاى مخصوص قرار گرفته و در طرف راست تخت پادشاهى امر اى مخصوص با ترکش و شمشير و سپر ايستاده و در جنب آنها سربازان زير فرماندهى آنان با آلات جنگى تمام قرار گرفته و در وسط آنان گروه ديگرى که شمشيرهاى عريان بدست داشتند جلب توجه مينمود، در بين ختائىها طرف چپ معتبر تر از طرف راست بحساب ميآمد و روى اين اصل ايلچىها در طرف چپ جلوس نمودند و ما وسايرين بر ما تعظيمى کرده و غذا و تنقلات را نزديک ما قرار دادند. نزديک تخت شاهى يک کوس بزرگ قرار گرفته و در کنار آن مردى روى صندلى ايستاده و در کنار آن سا زنده ها قرار گرفته بودند و در طرف ديگر قريب بدويست هزار نفر با جبهه هاى مخصوص ايستاده بودند و در محل ديگر که با اطلس زرد پوشيده شده بود طعام و شراب مخصوص در ظرفهاى مزين و کاسه هاى بزرگ به نزديک تخت پادشاهى آوردند، بعد از اتمام اين مراسم سفر ا جهت بزرگداشت شاه همه سرپا ايستاده و پرده ا يک طرف راست تخت قرار داشت پرده ها را خادمين کشيده و پرده حصيرى بقديک آدم کنار رفته و در اين موقع موزيک مخصوص نواخته شده پادشاه وارد شده و روى تخت قرار گرفت. در روى سرپا شاه سا يه بان مخصوص قرار داشت و در روى سا يه بان که بمقدار چهار ده ذرع بود و در روى اطلس زرد روپوش آن تصوير چهار اژدر زيبا نقش گشته بود که در حالت گرفت و گير ديده ميشدند. بعد از قرار گرفتن شاه در محل خود ايلچىها را بکنار تخت خود دعوت نمود، سفر ا بعد از پنج مرتبه زمين بوسى با شاه پادشاه در محل تعيين شده اجلاس نمودند. و طعامها ئيکه در خوانها و شرابها ئى که در سفره بودند نزديک آورده و نوازندگان و رقاصان به طرب مشغول گشتند. رقاصه هاى پسر و دختر که لباسهاى زربفت پوشيده و با کاسه ها و ابريشمهاى رنگين و گلهاى مصنوعى خود را آراسته بودند در کمال هنرمندى با جراى برنامهم خود مشغول گشتند و بعد و پسر ده ساله روى دو چوب برق ص پردا ختند. بعد رقاصان ديگر که يکى بر زمين خوابيده و نىهاى مخصوصى داشتند برق ص مخصوص مشغول گشتند. و معلق زنان و حرکات عجيبه اجرا نمودند که ناگهان يکى از بازيگران تعادل خود را از دست داده و يکى از ياران وى در کمال سرعت او را از افتادن بازداشت و در بغل گرفت.

نوازندگان اغلب به تنهاى مينواختند و در مواردى با همدىگر همکاري مينمودند، فرضاً "يکى از آنها با يک دست وسايل موسيقي خود را ميزد و با دست ديگر به سوراخهاى ساز نزديک فشار ميآورد. بدين منوال تا عصر آن روز مجلس ادا مداشت و هنگام عصر پادشاه خلعت و انعام به نوازندگان و بازيگران داده و بعد بلند شده بطرف حرم رهسپار گرديد و با ايلچىها نيز از جازه رخصت ما در نمود. از ريزه طعامها ئيکه در ميدان مانده بود زاغ و زغن و قمرى و کبوتر که در اشجار ميدان لانه کرده بودند خورده و از انسان نيز و حشت نميکردند. روز بعد از ضيافت شاهانه عيد اضحى

اتفاق افتاد که در مسجد مخصوص مسلمانان که شاه برای آنها ساخت بود عبادت و مراسم رسمی بعمل آمده و نماز عید نیز برگزار گردید. دو روز بعد نیز ضیافت دیگر انجام یافت و در هر مهمانی اظهار عظمت و مراجل احترام به مهمانان از هر نظر گسترده تر بنظر میرسید و در هفدهم ذی الحجه مجرمین را به سیاستگاه آورده و

در قانن ختای هر جرمی سزاوار عقوبت مخصوصی است بعضیها را سربسز و دیگری را دار میزنند و بعضی را پاره پاره میکنند، هر جلاد موظف به کشتن یک نفر است و اگر صد نفر محکوم باشد باید صد نفر جلاد این کار را انجام دهند. و اما در مورد قتل، جانب احتیاط را مراعات میکنند یعنی باید جرم گناهکار در دوازده دیوان مخصوص محرز شده باشد و اگر یا زده دیوان رای بدهد و دوازدهمی رای ندهد اما میدخلای مجرم بیشتر میگردد و در موارد انتهائی باید آلت جرم و شاهد عادل مبین نظر نهائی است و بدون دلیل و براهین حکم قتل صادر نمیشود و اگر مجرمی در داخل زندان بمیرد بدون اجازت شاه مدفون ساختن وی امکان پذیر نمیشود.

دریست و سوم محرم هوا بغایت سرد شده تا جائیکه چند تن از مجرمین در کنار سرای پادشاهی تلف گشتند، شخصی روایت میکرد که در گذشته و روزهای سرما و برودت بیش از ده هزار نفر افتاده و هلاک گشتند. در بیست و هفتم ماه محرم از طرف مولانا قاضی یوسف اعلام گردید که بعزلت روز اول سال نو و نقل مکان کردن پادشاه به بنای جدید، از پوشیدن دستار و جامه و طاقه سفید خودداری شود. زیرا در ملک ختای برخلاف دیگر ممالک، فقط در مواقع عزاداری لباس سفید بتن میکنند و در مواقع شادی سیاه پوش میگردند. در بیست و هشتم ماه مزبور و در نصفه های شب، مهماندار آمده و سفر را برای جشن نوزدهمین سال بنای جدید حرکت داد و آن شب تمام شهر و اهالی و دکانها بغایتی از شمع و چراغ نورانی گشته بودند که اگر سوزن کم شده بود بوضوح دیده میشد.

در این ضیافت شاهان که از اهالی چین و ماچین و تلماق و تبت و قامل و قرا خواجه و جوجه و دریا با روسای اهالی ولایات دیگر که در حدود دوازده نفر بودند جمع شده بودند پذیرائی گشتند. از در ورودی سراتا دروازه محل اقامت شاه یک هزار و نهصد و بیست و پنج قدم فاصله بود و طرفین جاده از باغها و سرایهای زیبا احاطه شده و تمام میدان از خاک معروف چینی تسطیح گشته بود. روز اول، امرا و ایلچیها در کنار تخت پادشاه قرار گرفتند و با دیگران پرمهارت، بازیهای نادیده و غیر مکرر خود را انجام دادند و بعد از پایان مجلس هر کس برای رفتن مأمور گشتند و حقا که استادی و نفاست سنگ تراشی و کاشی تراشی و نجاری و نقاشیهای آن ولایت را استادان خراسان نیز از عهده انجامش برنمیآمدند.

در هر سال پادشاه برای روزه گرفتن و عبادت مخصوص خلوت میکرد و از خوردن گوشت و سایر اغذیه حتی دخول بحر مقدس و استنکاف میکرد و احدی را برای دیدار

نمیپذیرفت و به عبادت بت مخصوص خود مشغول میشد. کما اینکه در اول ماه صفر بمحل مخصوص عبادت رفته و روز نهم ماه مزبور برای تماشای ورود شاه، سفرای بوسیله اسب منتظر ایستادند. ورود و دیدن پادشاهی جلوه بخصوصی داشت و فیلهای مزیّن و سینیهای مظلّوبیرقهای گوناگون که برنگهای سیاه و قرمز و کبود و زرد و زنگاری جلوه گر بوده و روی آن تصاویری از خورشید و ماه و کوه و دریا و نوشتههای چینی نقاشی شده و در طرف دیگر سربازان زیادی با آلات و ادوات حربی دیده میشدند و در پیس و پیش پادشاه در حدود پنجاه هزار انسان دیده میشد و اکثر انضباط و دقت کنترل کسی را یارای صحبت نبود و گمان میکردی ذی نفوسی در آنجا وجود ندارد، فقط صدای سازها بود که جهت سلامتی شاه به ترنم و آواز درآوده بودند.

در این مراسم، چراغهای نورانی را از درختها آویزان کرده که بوسیله ریسمان محکم شده و فشنکهای نفتی طوری میسوختند که چراغهای پرنور بی حد و پاییان جلوه گر میشد و بآنها شب چراغ میگفتند. این مناظر که بیک کوه نورانی شباهت داشت علی التوالی در تمام شب روشن بوده و در جمع شهر و خانهها و دکانها نیز این مراسم ادامه داشت. در این هفت روز مواخذ جرم و قیاحتها ممنوع بود و پادشاه به مردم احسان میکرد و بعضی از محبوسین را آزاد میساخت. افرادی که برای این شب چراغ آمده بودند شاه به امرا و سرکردگان آنها انعام و خلعت میداد. در سیزدهم ماه صفر، مهماندار سفر را به سرای پادشاهی آورده و در محل سابق نشاند و در این موقع پادشاه روی تخت مرصعی که در کوشک مزبور قرار داشت نشسته و بیش از یکصد هزار نفر از خلائق گوناگون که در آن جشن شرکت داشتند در پیش پای شاهان نوزده و سرها را به زمین گذاشتند. در این موقع سه مامور روی چهار پایه ای قرار گرفته و فرمان صادر شده شاه را دونفر بدست گرفته و یکی به آواز بلند برای حاضرین خواند، البته ما که زبان چینی نمیدانستیم نفهمیدیم منظور چیست، بعد از اینکه از راهنما سؤال کردیم او گفت دهم ماه صفر که به اعتبار اهالی ختای، اول سال جدید و عید مخصوص و ماه شب چراغ (آتش بازی) است که پادشاه عده ای از مجرمین را بخشیده و تا سه سال دیگر سفری بدینا دیگر اعزام نشده، بلکه بوسیله نقل احکام اخبار آنجا انتقال داده خواهد شد. بعد از خواندن حکم پادشاهی، یک چوب بلندی که روکش طلائی داشته و در انتهای آن پارچه آبریشمی بسته بودند (پرچم دولتی) بطرف بالا بلند کرده و روی آن چتری گرفتند، سپس دو عدد ظرف مظلّا آورده و فرمان پادشاهی را توی یکی از آنها قرار داده و مشغول حرکت گشتند. مجموع نوازندگان و خلائق تماشاچی با همان محفظه فرمان، از سرای شاهی خارج شده و جهت ارسال و تحریر حکم بنواحی مربوطه به منزل خانههای سفر اعزام گشتند.

بعد از این مراسم پادشاه از تخت بزیارت آمده و سفر را برای ضیافت ظهر دعوت

نمود. در غره شهر ربیع الاول پادشاه سفرا را بحضور طلبیده و ده عدد سنقور (۱) واسب
اغلادر مجلس حاضر کرده و بعد از صحبت های صریح و کنایه ها، سه عدد سنقور را برای سلطان
شاه ایلچی میرزا الخبیک و سه تائی دیگر را به سلطان احمد ایلچی بایسنقر میرزا و
سه تائی دیگر را به شادی خواجها ایلچی میرزا شاه رخ سلطان بخشیده و بعداً "برای
حفاظت، مجدداً" گرفته و تحویل قوش بانان دربار داد. روز بعد سفرا را مجدداً
احضار کرده و عساکر سرحد را معرفی نموده و اجازه رخصت صادر نمود. سفرا در مقابل
احترام نموده و با تکرار (فرمان پادشاه را است) ادای تکریم نمودند.

بعد پادشاه رو به ایلچی شهزاده سیورغتمش کرده و گفت متأسفانه سنقر دیگر تمام
شده و اگر بر فرض برای شما نیز سنقور میدادیم، مثل اردشیر نوکر شهزاده ابراهیم
سلطان که سنقور را از او گرفتیم از شما نیز می گرفتیم، از غدا قیمنتظر نشده جواب داد،
اگر پادشاه عنایت کرده بمن سنقور میداد هیچ کس قادر نبود از دست من پس بگیرد.
سپس پادشاه گفت اگر اینجا میماندید سنقورها ئیکه در این اوقات بمن خواهد رسید
بشما میدادیم.

در هشتم ماه ربیع الاول سلطان شاه ویخشی ملکی را دعوت کرده یک اسب و سی
قواره اقمشه شاهانه و بعضی تحف و اشیاء زرین و برای خاتونها و عیالهای آنان،
ده قواره قماش تحویل گردید و در همان روز نیز دو بیست و پنجاه نفر از خدمه و همراهان
اویس خان و ایلچی تیمور به تمام اتباع آنها خلعت های شاهانه پوشانده تعیین
گردیدند. در سیزدهم ماه مزبور پادشاه سفرا را دعوت کرده و آنها گفت امروز من
شکار خواهم رفت و اگر من دیر آمدم شما معطل من نشده از راه خود بازماند، بعد
دستور داد سنقورها را بسفرا تحویل دادند و بطعن گفت، اسبهای کوتاه قد برای من
هدیه آورده اید ولی سنقورهای گزیده دریافت داشته اید. در این موقع چون فرزند
شاه بمحل کاخ سلطنتی که آئین و رسم مخصوصی داشت وارد گردیدند. در غره ماه ربیع
الآخر مهماندار آمده بما خبر داد که فردا پادشاه بشهر خواهد آمد و روزی این برنامها
را برای دیدار بشهر بردند، تا نزدیکی ظهر از آمدن پادشاه خبری نشده و عودت دادند
در شب بعد مهماندار مجدداً "آمده گفت که فردا صبح میتوانید پادشاه را زیارت
کنید. در جنب در منزلخانه، مولانا قاضی را در غایت حزن و ملال دیده و سبب راجو یا
گشتم بیان داشت اسب سوقاتی میرزا شاه رخ سلطان را که برای پادشاه ختای فرستاده
بود، پادشاه در روز شکار سوار آن اسب گشته متأسفانه از اسب افتاده و پایش صدمه
دیده است، روی این اصل گناه بگردن ما وعده ای از سفرا افتاده و در حالت غضب
دستور داده ما را قید و بند کرده و بشهرهای شرقی چین تبعید و زندانی نمایند.

۱- در برهان قاطع راجع به سنقر یا سنقور نوشته، بمعنی شنقا را است و آن مرغی
است شکاری (شبه باز) از جنس چرخ گویند و بسیار زنده میباشد، پیوسته پادشاهان بدان
شکار کنند.

روی این اتفاق تمام همراهان مغموم شده و با حزن و ملال زاید الوصفی وارد محله
سلطنتی گردیدیم. دیواری بود در حدود پانصد پا و ارتفاع ده زرا و عرض چهار قدم که
دو تا در داشت و از خاکهای که برای ایجاد دیوارها بکار برده بودند خندقی ایجاد
شده بود و گویا این دیوار و آن خندق برای آمدن شاه در آن مواقع ساخته شده بود و
در کناره های خندق و درهای ورودی آن سربازان مسلح ایستاده و حفاظت میکردند.
برای پادشاه چترهای چهار گوش ستون داری باندا زه بیست و پنج زراع بلندی از
اطلس زرد تهیه شده و در اطراف نیز خیمه ها و سایه بانهای زرد اطلسی قرار گرفته بود.
در حدود پانصد زراع بمحل مزبور مانده، مولانا قاضی ایلچی ها را پیاده کرده و تا آمدن
پادشاه در آن محل توقف داد و سفارش داد که بحضور پادشاه برای شفاعت خواهد رفت.
موقعیکه پادشاه بالیداجی و جان داجی در حضور محبوس ساختن سفرا صحبت
مینمود، قاضی زمین بوس شده و بعد از تعارفات لازم سبب محبوس ساختن آنها و گناه
سفرا را استفسار گردید و گفت هر چه افندی ها برای ما هدیه داده اند ما نیز هماهنگی را
تحویل داده ایم و اگر فکر میکنید این هدیه ها برای شما کسر شایسته میشود، آنها قادر
بارسال بهتر از اینها نمیباشند و اگر همه سفرا را پاره پاره نیز بکنید برای پادشاه
آنان تنزلی نخواهد آمد، منتها تا آخر زمان عمل برخلاف عادت پادشاه چین، در مورد
اذیت و حبس سفرا در اطراف و اکناف جهان پخش شده و بدنامی ببار خواهد آورد.

پادشاه در مقابل را مگردیده و سفرا را عفو نموده و با حسان خود میدوار ساخت،
روی این اتفاق مولانا قاضی مسرور گشته و این مژده را بسفرا نویسد داد. بعد از آن
پادشاه دستور داد خانهای طعم آوردند، منتها چون آن روز گوشت های غذاهای
گوشت های خوک مخلوط گشته بود از خوردن غذا عذر خواستیم، بعد از این، پادشاه سوار
اسب شده از درب مخصوص خارج گردید. همان روز اسب ارسالی میرزا الخبیک را با
عبای زرد مخصوص پوشیده بود و لباس قرمز زربفت بتن کرده بود در کناره های هفت عدد
محفظه سر پوشیده که بوسیله دختران حمل میکردید دیده میشد و در حوالی آنها و در گوشه
دیگر کناره پادشاه، محفه مربع الشكل مخصوص و سنگینی بوسیله افراد حمل میکردید.
در طرفین چپ و راست پادشاه، سواران صف کشیده و کوچکترین قدمی از همدیگر جلو تر
نبودند. در کناره رکاب پادشاه دو خدمتکار با جامه های زربفت جلب نظر مینمود،
در وسط سپاه، مولانا قاضی و لیداجی و جان داجی با پادشاه همراه بودند و مولانا
قاضی سفارشات مربوطه را راجع به اسب پیاده شدن و زمین بوس گشتن در مقابل
پادشاه را قبلاً به ایلچی ها سفارش کرده بود.

پادشاه مجدداً "سوار شدن ایلچی ها را فرمان داد و در حین راه رفتن به شادی خواجه
گفت، در شکارگاه اسبی که تو آورده بودی سوار شده بودم که از غایت پیروی مرا
زمین انداخته و پایم را الم زده نمود و حالا مختصری به پیودیافته است، اشیاء ئیکه به

عنوان هدیه به کسی ارسال میشود یا بیدر نهایت غایت و پاکیزگی باشد تا باعث ازدیاد محبت گردد. شادی خواجه در کمال ادب عرض کرد، آن اسب مرحمتی یا دگار تیمور خان صاحب قرآن بوده که از غایت محبت و جلالی که بشما داشتند برای شما ارسال نمودند. پادشاه از جوابهای شادی خواجه شادان گشته و سنقر مخصوص خود را بطرف شکار در نارها نمود و بعد از اینکه در نارها جنگ سنقر افتاد، سنقر مربوطه را به سلطان شاه و سنقر دیگر را به سلطان احمد هدیه نمود. و الحال بدین اسلوب وارد شهر گردید. در چهارم ربیع الاول مهماندار آمله عطا یی بخشیده شده از طرف سلطان شاه و یخشی ملک و جمع سفر را به سرای پادشاهی آورد. پادشاه روی تخت خود نشسته و هدایای مرحمتی شاه چین از نقد و اقمشه را برای سفرادر نظر گرفته شده بود به مروی روی خوانهای مخصوص قرار گرفت و ایلچیها بعد از دریافت هدایا به منزلهای خود مراجعت نمودند. برای شادی خواجه ده عدد نقره و سی تا طلسم و هفتاد عدد انواع اقمشه و پنج هزار چا و (شاید پول رایج چین) و سی طاقه قماش مخصوص زن وی هدیه شده بود. و برای سلطان احمد و کوجها و ارغداق و بهر یک از آنها هشت عدد نقره و با جمله برای خود و زنا نشان شانزده طاقه طلسم و هفتاد و هشت اقمشه متنوع و دوهزار چا و و برای غیاث الدین و اردوان و تاج الدین بدخشی و بهر یک از آنها هفت عدد نقره و شانزده عدد طلسم و شصت طاقه قماش و دوهزار چا و مرحمت نمود.

در این اثنا بواسطه مرگ زن پادشاه که علاقه زیادی بوی داشته، تمام مراسم را لغو کرده و پادشاه به عزان نشست و برای تهیه لوازم مخصوص دفن، مرگ خاتون از اهالی کتمان شده، تا بیستم شهر جمادی الاول این امریه اهالی خیر داده شد که فردا مراسم مخصوص دفن انجام خواهد گرفت. اما از قضای آلهی در همان شب ما عقه شدیدی به قصر پادشاهی برخورد و آن ساختمان معظم را که هشتاد و شش طول و سی زراع عرض داشته و انداز هضامت ستونهایش بیش از انداز ده دستهای سه آدم بود که سه نفر نمیتوانستند آنرا در بغل بگیرند و همه آنها با طلا و لاجورد تهیه شده و روغن کاری گشته بود طعمه حریق گشته و خانه دیگری که بیست زراع از این قصر فاصله داشته و جمله دیگری از کوشکها و حرمخانهها و چند خانه و کوشک همجوار آنها همان شب تا عصر روز فردا تماماً سوخته و هر قدر در اطفا و نشان دادن حریق سعی کردند سودی نبخشیده و جملگی از بین رفت.

پادشاه به همراه امرای خود از سرای خارج شده و بعلت اهمیت و اعتبار آن روز مخصوص در اطفا حریق تقید ننمود و بعد به بتخانه رفته و اظهار داشت که حتی "پدر و مادر مرا از خود آزرده خاطر کرده و یا به کسی ظلم نموده و یا کارنا معقول کرده بودم که خدای آسمان بمن غضب کرده و تختگاهم را بیا دحریق داد، بدین جهت در بتخانه تضرع و زاری کرده و از شدت اندوه بیمار گردید و بدین ترتیب وضع دفن و مراسم

مربوطه معلوم نگردید که چه سان انجام یافته است، فقط در دهمه ای که او را بخاک سپرده بودند، چند جاریه و خادم مقرب و انواع ماکولات و مشروبات قرار داده و حتی اسبهای مخصوص آن نیز به آزادی در کنار دهمه راه میرفته و کسی آنها را سوار نمیشد. شدت بیماری پادشاه بمرور بیشتر گشته تا جائیکه پسرش آمده و جای وی نشست و هنوز لوازم مخصوص ایلچیها با تمام نرسیده، دستور داد تا متعینات قطع گردد. روی این اتفاق سفرادر او اسط شهر جمادی الاول از خان بالغ بیرون آمده و در غره شهر رجب به شهر (سکان) وارد شدند و در آن شهر جمع اکابر و حکام شهر با استقبال ایلچیها آمدند. در این شهر رسم بود که بعضی از اشیاء مخصوص ختای را نمیگذاشتند کسی بیرون ببرد، لکن این امر در مورد ایلچیها اجرا نشده و تعرضی ننمودند، روز بعد مهمانی مفصلی در کمال غایت به ایلچیها داده شد که از هر نظر حائز اهمیت بود. بعد از آن در پنجم ماه شعبان به (قزاقان) و بعد از آن هر روز بیک منزل و هر هفته بیک شهر سفر کرده و ضیافت میشدیم تا اینکه در روز بیست و سوم ماه شعبان به شهر تنجو وارد شدیم. در شهر مزبور تمام چارپایان و نوکرها را که بما داده بودند گرفته و قبض دادند مدت دو ماه و نیم بعلت ناامنی جماعت اشقیاء در مغولستان در آن شهر توقف کرده و در هفتم شهر ذوالقعدة به شهر سکجور رسیدیم، چند روزی بود که در آن توقف داشتیم پهلوان جمال الدین ایلچی میرزا رستم از اصفهان و امیر حسن ایلچی میرزا ابراهیم سلطان از شیراز به شهر مزبور وارد شدند و صحبتهای زیادی از مخوف و ناامن بودن راهها کرده که بعلت خوف زیاد از حذب هزار حمت از کوهسارها آمده و خود را به آنجا رسانده اند. روی این اصل ما نیز سفر را جایز ندانسته و تا واسط ماه محرم سال ۸۲۵ در شهر سکجواقامت نمودیم، بعد به قراول خانه رفته و مطابق رسم مملکت ختای که در حین آمدن مسافر، نام و رسم و تمام واقعیات در حین ورود نوشته میشد، بهمان ترتیب در حین خروج نیز دقت کافی گشته و مدارک ما را تطبیق و تحریر نمودند. که سفرادر تاریخ روز جمعه نوزدهم شهر شعبان سال ۸۲۳ وارد ختای شده و در روز جمعه پانزدهم ماه محرم سال ۸۲۵ ه. ق. از مملکت ختای خارج گشته اند.

بدین ترتیب قطاع طریق کرده و از شدت وهم، راه صحرائی انتخاب کرده در هشتم ماه ربیع الاول از صحرا خارج شده و بعد از مدتی توقف، در نهم جمادی الاخر به شهر ختن و روز ششم رجب به شهر کاشغر وارد گشتیم و پس از آن عده ای از سفرای راه سمرقند را انتخاب کرده و ناقل حکایات و جمع رفیقان از راه بدخشان در بیست و یکم ماه شعبان به حصار شادمان و در غره رمضان بشهر بلخ و روز دهم بهرات واصل و تمام ما وقع روایت و ختم طوما رحکایت گردید.

۷۲۷- غیاث مجلد اصفهانی

اهل اصفهان و مقیم عثمانی و از هنرمندان اواخر قرن ۹۰ ه. ق. بحساب می‌آید. بنوشته مرحوم دکتر بیانی، در خط نستعلیق نیز مهارت داشته و آثاری از خود به یادگار نهاده است از آثار خطی این هنرمند که صراحتاً "خود را مجلد اصفهانی خوانده، یکی نسخه لمعات عراقی است که رقم دارد. (غیاث المجلد اصفهانی ۸۸۱)

و دیگری دیوان قبولی با رقم:

(غیاث المجلد اصفهانی بدار السلطنه قسطنطنیه ۸۸۰ ه. ق.)

است که هر دوی آنها در کتابخانه‌های عثمانی مضبوط میباشند.

۷۲۸- غیائی

مذهب زبردست قرن ۱۰ ه. ق. بود و در تذهیب و آرایش قرآن‌ها استادی متبحر بشمار می‌آمد.

پایان جلد اول

فهرست مأخذ و منابع

- ۱- آشکده - لطفعلی بیک آذر - نسخه خطی نگارنده
- ۲- آثار عجم - فرصت شیرازی چاپ بمبئی ۱۳۱۳ ه. ق.
- ۳- احوال و آثار خوش نویسان - تالیف شادروان دکتر مهدی بیانی (سه جلد)
- ۴- اکبر نامه - تالیف شیخ ابوالفضل علامی پسر شیخ مبارک تاگوری
- ۵- الفنون الایرانیه - دکتر ذکی محمد حسن چاپ قاهره ۱۹۴۰ میلادی.
- ۶- بدایع الوقایع (جلد ۱ و ۲) - زین الدین بن عبدالجلیل الوافی قرن ۱۰ ه. ق.
- تصحیح الکساندر بلدرف مسکو ۱۹۶۱ م - انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۷- پیدایش خط و خطاطان - عبدالمحمد خان ایرانی - چاپ قاهره ۱۳۴۵ ه. ق.
- مجموعه نگارنده.
- ۸- تاریخ اصفهان - حاج میرزا حسن جابری انصاری اصفهانی - سال ۱۳۲۵ ه. ق.
- ۹- تاریخ اکبری (طبقات اکبری) ۱۲۰۱ ه. ق. نسخه خطی نگارنده - تالیف خواجه نظام الدین احمد - پایان ۱۰۰۲ ه. ق.
- ۱۰- تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب - تالیف امیر مسعود سپهرم.
- ۱۱- تاریخ رجال ایران - تالیف شادروان مهدی بامداد - ۶ جلد.
- ۱۲- تاریخ رشیدی - میرزا حیدر دو غلات
- ۱۳- تاریخ رطب اللسان - میرزا صادق وقایع نگار (نسخه خطی کتابخانه ملی)
- ۱۴- تاریخچه ساختمان‌های ارک سلطنتی - تهران - نوشته آقای یحیی ذکا
- ۱۵- تاریخ و جغرافیای تبریز - نادر میرزا - تهران ۱۳۲۳ ه. ق.
- ۱۶- تحفه خطاطین - مستقیم زاده سلیمان سعد الدین افندی - استانبول ۱۹۲۸ میلادی
- مجموعه نگارنده
- ۱۷- تحفه سامی - سام میرزا صفوی - باهتنام وحید دستگردی تهران ۱۳۱۴
- ۱۸- تذکره الشعرا - تالیف محمد عبدالغنی خان صاحب / غنی - چاپ / ۱۹۱۶ میلادی.
- ۱۹- تذکره حزین - محمد علی حزین لاهیجی - نولکشور، لکنه ۱۳۱۱ ه. ق.
- ۲۰- تذکره خوشنویسان محمد هفت قلمی - ۱۲۳۹ ه. ق.
- ۲۱- تذکره روز روشن - بهوپال ۱۲۹۷ ه. ق.
- ۲۲- تذکره شاه طهماسب - چاپ برلین - مجموعه نگارنده.
- ۲۳- تذکره نصر آبادی - میرزا طاهر نصر آبادی - تهران ۱۳۱۷.
- ۲۴- تمدن الاسلامی - جرجی زیدان
- ۲۵- توزک جهانگیری - نوشته جهانگیر - باتمام میرزا هادی و معتمد خان که تا سال ۱۰۲۷ نوشته شده و بسال ۱۲۸۱ ه. ق. در هند منتشر گشته است.

- ۲۶- حالات هنروران - دوست محمد کتابدار بهرام میرزای صفوی باهتمام محمد عبدالله جغتائی - لاهور ۱۹۳۶ میلادی چاپ اول سنبله ۱۳۴۹ ه.ق. مجموعه نگارنده.
- ۲۷- حبیب السیر ۱۰۲۲ ه.ق. - تالیف غیاث الدین بن همام الدین مشهور به خواند میر مستوفی ۹۴۱ ه.ق. - نسخه خطی مجموعه نگارنده.
- ۲۸- دانشمندان آذربایجان - میرزا محمد علی خان تربیت تهران ۱۳۱۴.
- ۲۹- ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان - تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هروی چاپ افغانستان ۱۳۴۹ سنبله.
- ۳۰- راهنمای گنجینه قرآن - تالیف احمد گلچین معانی - از انتشارات اداره کتابخانه آستان قدس ۱۳۴۷.
- ۳۱- رجال عصر ناصری - تالیف دوستعلی خان معیر الممالک.
- ۳۲- رجال اصفهان (تذکره القبور) - آخوند ملاعبدالکریم.
- ۳۳- روزنامه ایران - اعتماد السلطنه - تهران.
- ۳۴- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه - تهران ۱۳۴۵ خورشیدی.
- ۳۵- روزنامه دولت علیه ایران - صنیع الملک تهران.
- ۳۶- روزنامه شرافت - اداره انطباعات دولتی ۲۰ - ۱۳۱۴ ه.ق.
- ۳۷- روزنامه شرف - اداره انطباعات دولتی ۱۳۰۹ - ۱۳۰۰ ه.ق.
- ۳۸- روزنامه وقایع اتفاقیه - تهران.
- ۳۹- زندگی خصوصی ناصرالدین شاه - نوشته دوستعلی خان معیر الممالک.
- ۴۰- صفات کائنات - چاپ لکنهو - هند - سال ۱۲۹۵ ه.ق.
- ۴۱- صنعت گران و خوشنویسان هرات - علی احمد نعیمی - کابل.
- ۴۲- عالم آرای عباسی تالیف اسکندر بیگ ترکمان بسال ۱۰۱۰ ه.ق. نسخه خطی نگارنده بتاریخ ۱۰۶۰ ه.ق.
- ۴۳- عجائب اللطایف - تالیف خواجه غیاث الدین نقاش بسال ۸۲۵ و ترجمه آن بزبان ترکی سال ۱۱۴۰ ه.ق. بوسیله کاتب چلبی - نسخه خطی نگارنده بتاریخ ۱۲۶۰ ه.ق.
- ۴۴- فارسنامه ناصری - حاج میرزا حسن فسائی - تهران ۱۳۱۳ ه.ق. مجموعه نگارنده.
- ۴۵- فروغستان - ۱۲۴۵ ه.ق. نسخه خطی نگارنده.
- ۴۶- قانون الصور - چاپ روسی - عادل قاضی اوف - تصحیح عبدالکریم علی زاده - باکو ۱۹۶۳ میلادی.
- ۴۷- قدیم نقش ایران مصور کاوسجی دشنانجی کیاس.
- ۴۸- کاتالوگهای منتشر شده ساتبی.
- ۴۹- کاتالوگهای منتشر شده کریستی.
- ۵۰- کارنامه بزرگان - تالیف شادروان دکتر مهدی بیانی.
- ۵۱- کتابشناسی کتابهای خطی - تالیف دکتر مهدی بیانی.
- ۵۲- گلستان ارم - تالیف عباسقلی آقا باکیخانوف ۱۲۵۹ ه.ق. نسخه خطی نگارنده.
- ۵۳- گلستان هنر تالیف قاضی میر احمد منشی قمی - به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری ۱۳۵۲ شمسی.

- ۵۴- گنج شایگان - میرزا طاهر دیباچه نگار اصفهانی.
- ۵۵- گنجینه آثار تاریخی اصفهان - تالیف دکتر لطف الله هنرفر.
- ۵۶- لوحه‌های نگارین تحقیق و تدوین خانم م. م. اشرفی - چاپ شوروی مجموعه نگارنده.
- ۵۷- مآثر رحیمی (جلد ۱ - ۲ - ۳) تالیف ملاعبداله نهاوندی بسال ۱۰۵۲ ه.ق. - چاپ کلکته ۱۹۳۱ میلادی.
- ۵۸- مآثر و الآثار - اعتماد السلطنه - تهران ۱۳۰۶ ه.ق.
- ۵۹- مجالس المومنین - قاضی نوراله شوشتری - نسخه خطی نگارنده.
- ۶۰- مجالس النفایس - امیر علیشیر نوائی ترجمه از ترکی - توسط فخری هروی و حکیم شاه قزوینی - باهتمام علی اصغر حکمت تهران ۱۳۲۳.
- ۶۱- مجله ارمغان.
- ۶۲- مجله اطلاعات ماهانه.
- ۶۳- مجله ایران آباد.
- ۶۴- مجله راهنمای کتاب.
- ۶۵- مجله روزگار نو.
- ۶۶- مجله سخن.
- ۶۷- مجله شیپور.
- ۶۸- مجله معارف اسلامی.
- ۶۹- مجله مهر.
- ۷۰- مجله نقش و نگار.
- ۷۱- مجله نگیں.
- ۷۲- مجله وحید.
- ۷۳- مجله هنر و مردم.
- ۷۴- مجله یادگار - عباس اقبال تهران.
- ۷۵- مجله یغما - حبیب یغمائی.
- ۷۶- مجمع الخواص - صادقی کتابدار، ترجمه دکتر عبدالرسول خیام‌پور - تبریز، ۱۳۲۷.
- ۷۷- مجموعه خط (موزه رضا عباسی).
- ۷۸- محمد زمان - نخستین نگارگر ایرانی که به اروپا فرستاده شد - نوشته یحیی ذکاء.
- ۷۹- مختار خالد کلیاتی (صنایع نفیس حقنده) نویسنده احمد راسم چاپ ۱۳۲۹ اسلامبول مجموعه نگارنده.
- ۸۰- مطلع الشمس - محمد حسن خان صنیع الدوله - تهران - ۱۳۰۲ ه.ق.
- ۸۱- مقدمه مرقع بهرام میرزا صفوی - دوست محمد کاتب.
- ۸۲- منتظم ناصری - محمد حسن خان اعتماد السلطنه در ۲ جلد - تهران ۱۳۰۰ ه.ق.

فهرست مأخذ خارجی:

1. A History of Fine Art in India and Ceylon by Vincent A. Smith Oxford 1911.
2. A. Ivanov: Persisky Kalamdan 1092 (1681) Leningrad 1970.
3. A King's Book of Kings by Stuart Cary Welch.
4. Album de L'Exposition D'Art Persan 1935
5. Arts Asiatica
Les Miniatures Orientales de la Collection Goloubew au Museum of Fine Arts de Boston Paris 1929.
6. Arts of the Islamic Book
The Collection of Prince Sadruddin Aga Khan Anthony Welch and Stuart Cary Welch.
7. A Survey of Persian Art Arthur Upham Pope 1936.
8. ATHARE-E IRAN Paris 1936-1949
9. Behzad and his Painting in the Zafar Namah MS Sir Thomas W. Arnold 1930.
10. Buchkunst des Morgenlandes 1949 Leipzig.
11. Delhi Museum
Archaeology Delhi 1911.
12. Die Persisch Islamische Meniaturmaleri von PH Walter Schulz Leipsig 1914.

- ۸۳- مناقب هنروران - مصطفی عالی - استانبول مطبعه عامره ۱۹۲۶ مجموعه نگارنده.
- ۸۴- منشآت فروغ - نسخه خطی - مجموعه نگارنده.
- ۸۵- نسخ التواریخ (چاپ قدیم) - مجموعه نگارنده.
- ۸۶- نامه آستان قدس مشهد - مجموعه نگارنده.
- ۸۷- نقاوه الاثار.
- ۸۸- نگارهای داستان علیشیر نوائی - چاپ سمرقند ۱۹۶۹ - مجموعه نگارنده.
- ۸۹- هنرعهد تیموریان و متفرعات آن - تالیف عبدالحی حبیبی.
- ۹۰- یادداشت‌های پراکنده - خطی و چاپی - مجموعه نگارنده.
- ۹۱- یادداشت‌های معیر الممالک.

26. La Minature Perssane
Armenag Bey Sakisian
Paris 1929.
27. La Peinture Indienne
A L'Epoque des Grands Moghols
Par. Ivan Stchovkine
Paris 1929.
28. Les Enluminures des Manuscrits Orientaux
Par Ed. Blochet
Paris 1926.
29. Les Miniatures de Behzad dans un
manuscrit Perssan
Date 1485 par F.R. Martin 1912.
30. Levni Dr. Suhey1 Unver
Istanbul 1951.
31. Miniatures Illustrations of Alisher Navois
Works of the XV-XIXth Centuries
Tashkent 1982.
32. Miniaturmalerel
Im Islamischen Orient von
Ernst Kuhncl
Berlin 1922.
33. Miniatures Pessanes Exposees
au Musee des Arts Decoratifs
Juin - Octobre 1912.
34. Miniatures Persanes
et Exposees au Musee des Arts
Decoratifs 1912
Par. M. M. Georges Martean
Paris 1913.
35. Musulman Painting by E. Blochet
First published in 1929.
36. Persian and Mughal Art
P & D. Colnaghi & Co. Ltd.

13. E. Blochet
Les Peintures des Manuscrits de la
Bibliotheque Nationale
Paris 1914-1920.
14. Ecriture de L'Union
Reflets du Temps des Troubles
Paris 1980 by CH. ADL.
15. Gulzari Savab
Istanbul 1939.
16. Imperial Mughal Painting
Stuart Cary Welch.
17. Indische Buchmalereien
Von Ernest Kuhncl
Berlin 1924.
18. Iran Journal of the British Institute
of Persian Studies.
19. Isfahan Pearl of Persia
Text by Wilfrid Blunt.
20. Islamic Art
1400 Years of Islamic Art.
21. Islamic Book Bindings
Duncan Haldan 1983.
22. Islamic Masterpieces of The Chester
Beatty Library.
23. Islamic Miniature Painting
Filiz Cagman-Zeren Tanindi.
24. Ivan Stchoukine
Les Peintures des Manuscrits de
Shah Abbas 1.er Paris 1964.
25. Ivan Stchoukine
Les Peintures des Manuscrits
Safavis 1502 a 1587
Paris 1959.

51. The Library of A. Chester Beatty
A Catalogue of the Indian Miniatures 1929
and the Library of A. Chester Beatty 1936.
52. The Life of Muhammed Zaman: A Reconsideration
by A. A. Ivanov 1979.
53. The Miniature Painting and Painters of
Persia, India and Turkey
by F. R. Martin 1912.
54. The Miniature Painting
By F. R. Martin London 1912.
55. The Poems of Nizami
Described by Laurence Binyon.
56. The Quranic Art of Calligraphy and Illumination
Martin Lings.
57. The World of Ottoman Art.
58. Victoria and Albert Museum
Portfolios Indian Drawings
London 1921.
59. Wonders of the Age
Stuart Cary Welch.
60. Zeichnungen Von Riza Abbasi
Beasheitet von Friedrich Sarre und
Eugen Mittuioch
Munchen 1914.
61. Zur Orientalischen Altertumskunde
Won Yosef Von Karabacek
V.111 Wien 1911.

37. Persian Art
by S. Maslennitsyna
Leningrad 1975.
38. Persian Drawings
Text by B. W. Robinson.
39. Persian Miniatures of Behzad and
His School in Cairo Collections
London 1960.
40. Persian Miniature Painting by
Laurence Binyon
London 1933.
41. Persian on Mughul Art
P & D. Colnaghi & Co. Ltd.
42. Persian Painting
Albert Skira.
43. Persian Painting by
Basil Gray 1961.
44. Persian Painting in the India
Office Library
B. W. Robinson.
45. Persian Painting
Text by Basil Gray 1977.
46. Qajar Paintings
by S. J. Falk.
47. Royal Persian Manuscripts
Stuart Cary Welch.
48. Sanat Tarihi.
49. Siah Qalem
Mazhar S. Ipsiroglu 1976.
50. The Imperial Image - Freer Gallery of Art.

لیست تاریخ هجری که به میلادی تبدیل شده است :

اسامی ماهها به ترتیب ذیل است .

- ۱- محرم
- ۲- صفر
- ۳- ربیع الاول
- ۴- ربیع الثاني
- ۵- جمادی الاول
- ۶- جمادی الاخر
- ۷- رجب
- ۸- شعبان
- ۹- رمضان
- ۱۰- شوال
- ۱۱- ذوالقعدة
- ۱۲- ذوالحجه

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۱	۷	۶۲۲	۱	۷	۶۲۳	۱	۷	۶۲۴	۱	۷	۶۲۵	۱	۷	۶۲۶
۲	۷	۶۲۳	۲	۷	۶۲۴	۲	۷	۶۲۵	۲	۷	۶۲۶	۲	۷	۶۲۷
۳	۶	۶۲۴	۳	۶	۶۲۵	۳	۶	۶۲۶	۳	۶	۶۲۷	۳	۶	۶۲۸
۴	۶	۶۲۵	۴	۶	۶۲۶	۴	۶	۶۲۷	۴	۶	۶۲۸	۴	۶	۶۲۹
۵	۵	۶۲۶	۵	۵	۶۲۷	۵	۵	۶۲۸	۵	۵	۶۲۹	۵	۵	۶۳۰
۶	۵	۶۲۷	۶	۵	۶۲۸	۶	۵	۶۲۹	۶	۵	۶۳۰	۶	۵	۶۳۱
۷	۵	۶۲۸	۷	۵	۶۲۹	۷	۵	۶۳۰	۷	۵	۶۳۱	۷	۵	۶۳۲
۸	۵	۶۲۹	۸	۵	۶۳۰	۸	۵	۶۳۱	۸	۵	۶۳۲	۸	۵	۶۳۳
۹	۴	۶۳۰	۹	۴	۶۳۱	۹	۴	۶۳۲	۹	۴	۶۳۳	۹	۴	۶۳۴
۱۰	۴	۶۳۱	۱۰	۴	۶۳۲	۱۰	۴	۶۳۳	۱۰	۴	۶۳۴	۱۰	۴	۶۳۵
۱۱	۳	۶۳۲	۱۱	۳	۶۳۳	۱۱	۳	۶۳۴	۱۱	۳	۶۳۵	۱۱	۳	۶۳۶
۱۲	۳	۶۳۳	۱۲	۳	۶۳۴	۱۲	۳	۶۳۵	۱۲	۳	۶۳۶	۱۲	۳	۶۳۷
۱۳	۳	۶۳۴	۱۳	۳	۶۳۵	۱۳	۳	۶۳۶	۱۳	۳	۶۳۷	۱۳	۳	۶۳۸
۱۴	۳	۶۳۵	۱۴	۳	۶۳۶	۱۴	۳	۶۳۷	۱۴	۳	۶۳۸	۱۴	۳	۶۳۹
۱۵	۲	۶۳۶	۱۵	۲	۶۳۷	۱۵	۲	۶۳۸	۱۵	۲	۶۳۹	۱۵	۲	۶۴۰
۱۶	۲	۶۳۷	۱۶	۲	۶۳۸	۱۶	۲	۶۳۹	۱۶	۲	۶۴۰	۱۶	۲	۶۴۱
۱۷	۲	۶۳۸	۱۷	۲	۶۳۹	۱۷	۲	۶۴۰	۱۷	۲	۶۴۱	۱۷	۲	۶۴۲
۱۸	۲	۶۳۹	۱۸	۲	۶۴۰	۱۸	۲	۶۴۱	۱۸	۲	۶۴۲	۱۸	۲	۶۴۳
۱۹	۱	۶۴۰	۱۹	۱	۶۴۱	۱۹	۱	۶۴۲	۱۹	۱	۶۴۳	۱۹	۱	۶۴۴
۲۰	۱	۶۴۱	۲۰	۱	۶۴۲	۲۰	۱	۶۴۳	۲۰	۱	۶۴۴	۲۰	۱	۶۴۵
۲۱	۱	۶۴۲	۲۱	۱	۶۴۳	۲۱	۱	۶۴۴	۲۱	۱	۶۴۵	۲۱	۱	۶۴۶
۲۲	۱	۶۴۳	۲۲	۱	۶۴۴	۲۲	۱	۶۴۵	۲۲	۱	۶۴۶	۲۲	۱	۶۴۷
۲۳	۱	۶۴۴	۲۳	۱	۶۴۵	۲۳	۱	۶۴۶	۲۳	۱	۶۴۷	۲۳	۱	۶۴۸
۲۴	۱	۶۴۵	۲۴	۱	۶۴۶	۲۴	۱	۶۴۷	۲۴	۱	۶۴۸	۲۴	۱	۶۴۹
۲۵	۱	۶۴۶	۲۵	۱	۶۴۷	۲۵	۱	۶۴۸	۲۵	۱	۶۴۹	۲۵	۱	۶۵۰
۲۶	۱	۶۴۷	۲۶	۱	۶۴۸	۲۶	۱	۶۴۹	۲۶	۱	۶۵۰	۲۶	۱	۶۵۱
۲۷	۱	۶۴۸	۲۷	۱	۶۴۹	۲۷	۱	۶۵۰	۲۷	۱	۶۵۱	۲۷	۱	۶۵۲
۲۸	۱	۶۴۹	۲۸	۱	۶۵۰	۲۸	۱	۶۵۱	۲۸	۱	۶۵۲	۲۸	۱	۶۵۳
۲۹	۱	۶۵۰	۲۹	۱	۶۵۱	۲۹	۱	۶۵۲	۲۹	۱	۶۵۳	۲۹	۱	۶۵۴
۳۰	۱	۶۵۱	۳۰	۱	۶۵۲	۳۰	۱	۶۵۳	۳۰	۱	۶۵۴	۳۰	۱	۶۵۵
۳۱	۱	۶۵۲	۳۱	۱	۶۵۳	۳۱	۱	۶۵۴	۳۱	۱	۶۵۵	۳۱	۱	۶۵۶
۳۲	۱	۶۵۳	۳۲	۱	۶۵۴	۳۲	۱	۶۵۵	۳۲	۱	۶۵۶	۳۲	۱	۶۵۷
۳۳	۱	۶۵۴	۳۳	۱	۶۵۵	۳۳	۱	۶۵۶	۳۳	۱	۶۵۷	۳۳	۱	۶۵۸
۳۴	۱	۶۵۵	۳۴	۱	۶۵۶	۳۴	۱	۶۵۷	۳۴	۱	۶۵۸	۳۴	۱	۶۵۹
۳۵	۱	۶۵۶	۳۵	۱	۶۵۷	۳۵	۱	۶۵۸	۳۵	۱	۶۵۹	۳۵	۱	۶۶۰
۳۶	۱	۶۵۷	۳۶	۱	۶۵۸	۳۶	۱	۶۵۹	۳۶	۱	۶۶۰	۳۶	۱	۶۶۱
۳۷	۱	۶۵۸	۳۷	۱	۶۵۹	۳۷	۱	۶۶۰	۳۷	۱	۶۶۱	۳۷	۱	۶۶۲
۳۸	۱	۶۵۹	۳۸	۱	۶۶۰	۳۸	۱	۶۶۱	۳۸	۱	۶۶۲	۳۸	۱	۶۶۳
۳۹	۱	۶۶۰	۳۹	۱	۶۶۱	۳۹	۱	۶۶۲	۳۹	۱	۶۶۳	۳۹	۱	۶۶۴
۴۰	۱	۶۶۱	۴۰	۱	۶۶۲	۴۰	۱	۶۶۳	۴۰	۱	۶۶۴	۴۰	۱	۶۶۵
۴۱	۱	۶۶۲	۴۱	۱	۶۶۳	۴۱	۱	۶۶۴	۴۱	۱	۶۶۵	۴۱	۱	۶۶۶
۴۲	۱	۶۶۳	۴۲	۱	۶۶۴	۴۲	۱	۶۶۵	۴۲	۱	۶۶۶	۴۲	۱	۶۶۷
۴۳	۱	۶۶۴	۴۳	۱	۶۶۵	۴۳	۱	۶۶۶	۴۳	۱	۶۶۷	۴۳	۱	۶۶۸
۴۴	۱	۶۶۵	۴۴	۱	۶۶۶	۴۴	۱	۶۶۷	۴۴	۱	۶۶۸	۴۴	۱	۶۶۹
۴۵	۱	۶۶۶	۴۵	۱	۶۶۷	۴۵	۱	۶۶۸	۴۵	۱	۶۶۹	۴۵	۱	۶۷۰
۴۶	۱	۶۶۷	۴۶	۱	۶۶۸	۴۶	۱	۶۶۹	۴۶	۱	۶۷۰	۴۶	۱	۶۷۱
۴۷	۱	۶۶۸	۴۷	۱	۶۶۹	۴۷	۱	۶۷۰	۴۷	۱	۶۷۱	۴۷	۱	۶۷۲
۴۸	۱	۶۶۹	۴۸	۱	۶۷۰	۴۸	۱	۶۷۱	۴۸	۱	۶۷۲	۴۸	۱	۶۷۳
۴۹	۱	۶۷۰	۴۹	۱	۶۷۱	۴۹	۱	۶۷۲	۴۹	۱	۶۷۳	۴۹	۱	۶۷۴
۵۰	۱	۶۷۱	۵۰	۱	۶۷۲	۵۰	۱	۶۷۳	۵۰	۱	۶۷۴	۵۰	۱	۶۷۵

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۳۷۷	۵	۹۸۷	۴۲۱	۱	۱۰۳۰	۴۶۸	۸	۱۰۷۵	۵۱۴	۴	۱۱۲۰	۳۷۸	۴	۱۱۲۱
۳۷۸	۴	۹۸۸	۴۲۲	۱۲	۱۰۳۰	۴۶۹	۸	۱۰۷۶	۵۱۵	۳	۱۱۲۱	۳۷۹	۳	۱۱۲۲
۳۷۹	۴	۹۸۹	۴۲۳	۱۲	۱۰۳۱	۴۷۰	۷	۱۰۷۷	۵۱۶	۳	۱۱۲۲	۳۸۰	۳	۱۱۲۳
۳۸۰	۳	۹۹۰	۴۲۴	۱۲	۱۰۳۲	۴۷۱	۷	۱۰۷۸	۵۱۷	۳	۱۱۲۳	۳۸۱	۳	۱۱۲۴
۳۸۱	۳	۹۹۱	۴۲۵	۱۱	۱۰۳۳	۴۷۲	۷	۱۰۷۹	۵۱۸	۲	۱۱۲۴	۳۸۲	۲	۱۱۲۵
۳۸۲	۳	۹۹۲	۴۲۶	۱۱	۱۰۳۴	۴۷۳	۷	۱۰۸۰	۵۱۹	۲	۱۱۲۵	۳۸۳	۲	۱۱۲۶
۳۸۳	۲	۹۹۳	۴۲۷	۱۱	۱۰۳۵	۴۷۴	۶	۱۰۸۱	۵۲۰	۱	۱۱۲۶	۳۸۴	۱	۱۱۲۷
۳۸۴	۲	۹۹۴	۴۲۸	۱۰	۱۰۳۶	۴۷۵	۶	۱۰۸۲	۵۲۱	۱	۱۱۲۷	۳۸۵	۱	۱۱۲۸
۳۸۵	۲	۹۹۵	۴۲۹	۱۰	۱۰۳۷	۴۷۶	۶	۱۰۸۳	۵۲۲	۱	۱۱۲۸	۳۸۶	۱	۱۱۲۹
۳۸۶	۱	۹۹۶	۴۳۰	۱۰	۱۰۳۸	۴۷۷	۵	۱۰۸۴	۵۲۳	۱۲	۱۱۲۹	۳۸۷	۱۲	۱۱۳۰
۳۸۷	۱	۹۹۷	۴۳۱	۹	۱۰۳۹	۴۷۸	۵	۱۰۸۵	۵۲۴	۱۲	۱۱۳۰	۳۸۸	۱۲	۱۱۳۱
۳۸۸	۱	۹۹۸	۴۳۲	۹	۱۰۴۰	۴۷۹	۴	۱۰۸۶	۵۲۵	۱۱	۱۱۳۱	۳۸۹	۱۱	۱۱۳۲
۳۸۹	۱۲	۹۹۹	۴۳۳	۸	۱۰۴۱	۴۸۰	۴	۱۰۸۷	۵۲۶	۱۱	۱۱۳۲	۳۹۰	۱۱	۱۱۳۳
۳۹۰	۱۲	۱۰۰۰	۴۳۴	۸	۱۰۴۲	۴۸۱	۴	۱۰۸۸	۵۲۷	۱۱	۱۱۳۳	۳۹۱	۱۱	۱۱۳۴
۳۹۱	۱۲	۱۰۰۱	۴۳۵	۷	۱۰۴۳	۴۸۲	۳	۱۰۸۹	۵۲۸	۱۰	۱۱۳۴	۳۹۲	۱۰	۱۱۳۵
۳۹۲	۱۱	۱۰۰۲	۴۳۶	۷	۱۰۴۴	۴۸۳	۳	۱۰۹۰	۵۲۹	۱۰	۱۱۳۵	۳۹۳	۱۰	۱۱۳۶
۳۹۳	۱۱	۱۰۰۳	۴۳۷	۶	۱۰۴۵	۴۸۴	۳	۱۰۹۱	۵۳۰	۹	۱۱۳۶	۳۹۴	۹	۱۱۳۷
۳۹۴	۱۰	۱۰۰۴	۴۳۸	۶	۱۰۴۶	۴۸۵	۲	۱۰۹۲	۵۳۱	۹	۱۱۳۷	۳۹۵	۹	۱۱۳۸
۳۹۵	۱۰	۱۰۰۵	۴۳۹	۶	۱۰۴۷	۴۸۶	۲	۱۰۹۳	۵۳۲	۸	۱۱۳۸	۳۹۶	۸	۱۱۳۹
۳۹۶	۱۰	۱۰۰۶	۴۴۰	۵	۱۰۴۸	۴۸۷	۲	۱۰۹۴	۵۳۳	۸	۱۱۳۹	۳۹۷	۸	۱۱۴۰
۳۹۷	۹	۱۰۰۷	۴۴۱	۵	۱۰۴۹	۴۸۸	۱	۱۰۹۵	۵۳۴	۸	۱۱۴۰	۳۹۸	۸	۱۱۴۱
۳۹۸	۹	۱۰۰۸	۴۴۲	۵	۱۰۵۰	۴۸۹	۱	۱۰۹۶	۵۳۵	۷	۱۱۴۱	۳۹۹	۷	۱۱۴۲
۳۹۹	۸	۱۰۰۹	۴۴۳	۴	۱۰۵۱	۴۹۰	۱۲	۱۰۹۷	۵۳۶	۷	۱۱۴۲	۴۰۰	۷	۱۱۴۳
۴۰۰	۸	۱۰۱۰	۴۴۴	۴	۱۰۵۲	۴۹۱	۱۲	۱۰۹۸	۵۳۷	۷	۱۱۴۳	۴۰۱	۷	۱۱۴۴
۴۰۱	۸	۱۰۱۱	۴۴۵	۳	۱۰۵۳	۴۹۲	۱۱	۱۰۹۹	۵۳۸	۷	۱۱۴۴	۴۰۲	۷	۱۱۴۵
۴۰۲	۸	۱۰۱۲	۴۴۶	۳	۱۰۵۴	۴۹۳	۱۱	۱۱۰۰	۵۳۹	۷	۱۱۴۵	۴۰۳	۷	۱۱۴۶
۴۰۳	۷	۱۰۱۳	۴۴۷	۲	۱۰۵۵	۴۹۴	۱۱	۱۱۰۱	۵۴۰	۶	۱۱۴۶	۴۰۴	۶	۱۱۴۷
۴۰۴	۷	۱۰۱۴	۴۴۸	۲	۱۰۵۶	۴۹۵	۱۰	۱۱۰۲	۵۴۱	۶	۱۱۴۷	۴۰۵	۶	۱۱۴۸
۴۰۵	۷	۱۰۱۵	۴۴۹	۲	۱۰۵۷	۴۹۶	۱۰	۱۱۰۳	۵۴۲	۵	۱۱۴۸	۴۰۶	۵	۱۱۴۹
۴۰۶	۷	۱۰۱۶	۴۵۰	۱	۱۰۵۸	۴۹۷	۱۰	۱۱۰۴	۵۴۳	۵	۱۱۴۹	۴۰۷	۵	۱۱۵۰
۴۰۷	۶	۱۰۱۷	۴۵۱	۱	۱۰۵۹	۴۹۸	۹	۱۱۰۵	۵۴۴	۵	۱۱۵۰	۴۰۸	۵	۱۱۵۱
۴۰۸	۵	۱۰۱۸	۴۵۲	۱	۱۰۶۰	۴۹۹	۹	۱۱۰۶	۵۴۵	۴	۱۱۵۱	۴۰۹	۴	۱۱۵۲
۴۰۹	۵	۱۰۱۹	۴۵۳	۱۲	۱۰۶۱	۵۰۰	۸	۱۱۰۷	۵۴۶	۴	۱۱۵۲	۴۱۰	۴	۱۱۵۳
۴۱۰	۵	۱۰۲۰	۴۵۴	۱۲	۱۰۶۲	۵۰۱	۸	۱۱۰۸	۵۴۷	۴	۱۱۵۳	۴۱۱	۴	۱۱۵۴
۴۱۱	۴	۱۰۲۱	۴۵۵	۱۲	۱۰۶۳	۵۰۲	۷	۱۱۰۹	۵۴۸	۳	۱۱۵۴	۴۱۲	۳	۱۱۵۵
۴۱۲	۴	۱۰۲۲	۴۵۶	۱۱	۱۰۶۴	۵۰۳	۷	۱۱۱۰	۵۴۹	۳	۱۱۵۵	۴۱۳	۳	۱۱۵۶
۴۱۳	۴	۱۰۲۳	۴۵۷	۱۱	۱۰۶۵	۵۰۴	۷	۱۱۱۱	۵۵۰	۳	۱۱۵۶	۴۱۴	۳	۱۱۵۷
۴۱۴	۳	۱۰۲۴	۴۵۸	۱۱	۱۰۶۶	۵۰۵	۷	۱۱۱۲	۵۵۱	۲	۱۱۵۷	۴۱۵	۲	۱۱۵۸
۴۱۵	۳	۱۰۲۵	۴۵۹	۱۰	۱۰۶۷	۵۰۶	۷	۱۱۱۳	۵۵۲	۲	۱۱۵۸	۴۱۶	۲	۱۱۵۹
۴۱۶	۳	۱۰۲۶	۴۶۰	۱۰	۱۰۶۸	۵۰۷	۶	۱۱۱۴	۵۵۳	۲	۱۱۵۹	۴۱۷	۲	۱۱۶۰
۴۱۷	۲	۱۰۲۷	۴۶۱	۹	۱۰۶۹	۵۰۸	۶	۱۱۱۵	۵۵۴	۱	۱۱۶۰	۴۱۸	۱	۱۱۶۱
۴۱۸	۲	۱۰۲۸	۴۶۲	۹	۱۰۷۰	۵۰۹	۵	۱۱۱۶	۵۵۵	۱	۱۱۶۱	۴۱۹	۱	۱۱۶۲
۴۱۹	۱	۱۰۲۹	۴۶۳	۹	۱۰۷۱	۵۱۰	۵	۱۱۱۷	۵۵۶	۱۲	۱۱۶۲	۴۲۰	۱۲	۱۱۶۳
۴۲۰	۱	۱۰۳۰	۴۶۴	۸	۱۰۷۲	۵۱۱	۴	۱۱۱۸	۵۵۷	۱۲	۱۱۶۳	۴۲۱	۱۲	۱۱۶۴
۴۲۱	۱	۱۰۳۱	۴۶۵	۴	۱۰۷۳	۵۱۲	۴	۱۱۱۹	۵۵۸	۱۲	۱۱۶۴	۴۲۲	۱۲	۱۱۶۵

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۱۹۱	۱۱	۸۰۶	۲۳۸	۶	۸۵۲	۲۸۳	۲	۸۹۶	۳۳۰	۹	۹۴۱	۱۹۲	۱۱	۸۰۷
۱۹۲	۱۱	۸۰۷	۲۳۹	۶	۸۵۳	۲۸۴	۲	۸۹۷	۳۳۱	۹	۹۴۲	۱۹۳	۱۰	۸۰۸
۱۹۳	۱۰	۸۰۸	۲۴۰	۶	۸۵۴	۲۸۵	۱	۸۹۸	۳۳۲	۹	۹۴۳	۱۹۴	۱۰	۸۰۹
۱۹۴	۱۰	۸۰۹	۲۴۱	۵	۸۵۵	۲۸۶	۱	۸۹۹	۳۳۳	۸	۹۴۴	۱۹۵	۱۰	۸۱۰
۱۹۵	۱۰	۸۱۰	۲۴۲	۵	۸۵۶	۲۸۷	۱	۹۰۰	۳۳۴	۸	۹۴۵	۱۹۶	۹	۸۱۱
۱۹۶	۹	۸۱۱	۲۴۳	۴	۸۵۷	۲۸۸	۱۲	۹۰۱	۳۳۵	۸	۹۴۶	۱۹۷	۹	۸۱۲
۱۹۷	۹	۸۱۲	۲۴۴	۴	۸۵۸	۲۸۹	۱۲	۹۰۲	۳۳۶	۷	۹۴۷	۱۹۸	۹	۸۱۳
۱۹۸	۹	۸۱۳	۲۴۵	۳	۸۵۹	۲۹۰	۱۱	۹۰۳	۳۳۷	۷	۹۴۸	۱۹۹	۸	۸۱۴
۱۹۹	۸	۸۱۴	۲۴۶	۳	۸۶۰	۲۹۱	۱۱	۹۰۴	۳۳۸	۷	۹۴۹	۲۰۰	۸	۸۱۵
۲۰۰	۸	۸۱۵	۲۴۷	۳	۸۶۱	۲۹۲	۱۱	۹۰۵	۳۳۹	۶	۹۵۰	۲۰۱	۷	۸۱۶
۲۰۱	۷	۸۱۶	۲۴۸	۲	۸۶۲	۲۹۳	۱۰	۹۰۶	۳۴۰	۶	۹۵۱	۲۰۲	۷	۸۱۷
۲۰۲	۷	۸۱۷	۲۴۹	۲	۸۶۳	۲۹۴	۹	۹۰۷	۳۴۱	۵	۹۵۲	۲۰۳	۷	۸۱۸
۲۰۳	۷	۸۱۸	۲۵۰	۲	۸۶۴	۲۹۵	۹	۹۰۸	۳۴۲	۵	۹۵۳	۲۰۴	۶	۸۱۹
۲۰۴	۶	۸۱۹	۲۵۱	۱	۸۶۵	۲۹۶	۹	۹۰۹	۳۴۳	۵	۹۵۴	۲۰۵	۶	۸۲۰
۲۰۵	۶	۸۲۰	۲۵۲	۱	۸۶۶	۲۹۷	۸	۹۱۰	۳۴۴	۴	۹۵۵	۲۰۶	۵	۸۲۱
۲۰۶	۵	۸۲۱	۲۵۳	۱	۸۶۷	۲۹۸	۸	۹۱۱	۳۴۵	۴	۹۵۶	۲۰۷	۵	۸۲۲
۲۰۷	۵	۸۲۲	۲۵۴	۱	۸۶۸	۲۹۹	۸	۹۱۲	۳۴۶	۴	۹۵۷	۲۰۸	۵	۸۲۳
۲۰۸	۵	۸۲۳	۲۵۵	۱۲	۸۶۹	۳۰۰	۱۲	۹۱۳	۳۴۷	۳	۹۵۸	۲۰۹	۵	۸۲۴
۲۰۹	۴	۸۲۴	۲۵۶	۱۲	۸۷۰	۳۰۱	۱۲	۹۱۴	۳۴۸	۳	۹۵۹	۲۱۰	۴	۸۲۵
۲۱۰	۴	۸۲۵	۲۵۷	۱۱	۸۷۱	۳۰۲	۱۲	۹۱۵	۳۴۹	۳	۹۶۰	۲۱۱	۴	۸۲۶
۲۱۱	۴	۸۲۶	۲۵۸	۱۱	۸۷۲	۳۰۳	۱۲	۹۱۶	۳۵۰	۲	۹۶۱	۲۱۲	۴	۸۲۷
۲۱۲	۳	۸۲۷	۲۵۹	۱۱	۸۷۳	۳۰۴	۱۲	۹۱۷	۳۵۱	۲	۹۶۲	۲۱۳	۳	۸۲۸
۲۱۳	۳	۸۲۸	۲۶۰	۱۰	۸۷۴	۳۰۵	۱۲	۹۱۸	۳۵۲	۱	۹۶۳	۲۱۴	۳	۸۲۹
۲۱۴	۳	۸۲۹	۲۶۱	۱۰	۸۷۵	۳۰۶	۱۲	۹۱۹	۳۵۳	۱	۹۶۴	۲۱۵	۲	۸۳۰
۲۱۵	۲	۸۳۰	۲۶۲	۱۰	۸۷۶	۳۰۷	۱۲	۹۲۰	۳۵۴	۱	۹۶۵	۲۱۶	۲	۸۳۱
۲۱۶	۲	۸۳۱	۲۶۳	۱۰	۸۷۷	۳۰۸	۱۲	۹۲۱	۳۵۵	۱۲	۹۶۶	۲۱۷	۲	۸۳۲
۲۱۷	۲	۸۳۲	۲۶۴	۹	۸۷۸	۳۰۹	۱۲	۹۲۲	۳۵۶	۱۲	۹۶۷	۲۱۸	۱	۸۳۳
۲۱۸	۱	۸۳۳	۲۶۵	۹	۸۷۹	۳۱۰	۱۲	۹۲۳	۳۵۷	۱۲	۹۶۸	۲۱۹	۱	۸۳۴
۲۱۹	۱	۸۳۴	۲۶۶	۹	۸۸۰	۳۱۱	۱۲	۹۲۴	۳۵۸	۱۱	۹۶۹	۲۲۰	۱	۸۳۵
۲۲۰	۱۲	۸۳۵	۲۶۷	۹	۸۸۱	۳۱۲	۱۲	۹۲۵	۳۵۹	۱۱	۹۷۰	۲۲۱	۱۲	۸۳۶
۲۲۱	۱۲	۸۳۶	۲۶۸	۸	۸۸۲	۳۱۳	۱۲	۹۲۶	۳۶۰	۱۱	۹۷۱	۲۲۲	۱۲	۸۳۷

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۷۴۸	۴	۱۳۴۷	۸	۸	۱۴۳۴	۱۲	۱۲	۷۹۳	۱۳۴۷	۴	۷۴۸	۱۳۴۷	۴	۷۴۸
۷۴۹	۴	۱۳۴۸	۷	۷	۱۴۳۵	۱۱	۱۱	۷۹۴	۱۳۴۸	۴	۷۴۹	۱۳۴۸	۴	۷۴۹
۷۵۰	۳	۱۳۴۹	۷	۷	۱۴۳۶	۱۱	۱۱	۷۹۵	۱۳۴۹	۳	۷۵۰	۱۳۴۹	۳	۷۵۰
۷۵۱	۳	۱۳۵۰	۷	۷	۱۴۳۷	۱۱	۱۱	۷۹۶	۱۳۵۰	۳	۷۵۱	۱۳۵۰	۳	۷۵۱
۷۵۲	۲	۱۳۵۱	۶	۶	۱۴۳۸	۱۰	۱۰	۷۹۷	۱۳۵۱	۲	۷۵۲	۱۳۵۱	۲	۷۵۲
۷۵۳	۲	۱۳۵۲	۶	۶	۱۴۳۹	۱۰	۱۰	۷۹۸	۱۳۵۲	۲	۷۵۳	۱۳۵۲	۲	۷۵۳
۷۵۴	۲	۱۳۵۳	۵	۵	۱۴۴۰	۹	۹	۸۰۰	۱۳۵۳	۲	۷۵۴	۱۳۵۳	۲	۷۵۴
۷۵۵	۱	۱۳۵۴	۵	۵	۱۴۴۱	۹	۹	۸۰۱	۱۳۵۴	۱	۷۵۵	۱۳۵۴	۱	۷۵۵
۷۵۶	۱	۱۳۵۵	۴	۴	۱۴۴۲	۸	۸	۸۰۲	۱۳۵۵	۱	۷۵۶	۱۳۵۵	۱	۷۵۶
۷۵۷	۱	۱۳۵۶	۴	۴	۱۴۴۳	۸	۸	۸۰۳	۱۳۵۶	۱	۷۵۷	۱۳۵۶	۱	۷۵۷
۷۵۸	۱۲	۱۳۵۷	۴	۴	۱۴۴۴	۸	۸	۸۰۴	۱۳۵۷	۱۲	۷۵۸	۱۳۵۷	۱۲	۷۵۸
۷۵۹	۱۲	۱۳۵۸	۳	۳	۱۴۴۵	۷	۷	۸۰۵	۱۳۵۸	۱۲	۷۵۹	۱۳۵۸	۱۲	۷۵۹
۷۶۰	۱۲	۱۳۵۹	۳	۳	۱۴۴۶	۷	۷	۸۰۶	۱۳۵۹	۱۲	۷۶۰	۱۳۵۹	۱۲	۷۶۰
۷۶۱	۱۱	۱۳۶۰	۲	۲	۱۴۴۷	۶	۶	۸۰۷	۱۳۶۰	۱۱	۷۶۱	۱۳۶۰	۱۱	۷۶۱
۷۶۲	۱۱	۱۳۶۱	۲	۲	۱۴۴۸	۶	۶	۸۰۸	۱۳۶۱	۱۱	۷۶۲	۱۳۶۱	۱۱	۷۶۲
۷۶۳	۱۰	۱۳۶۲	۱	۱	۱۴۴۹	۵	۵	۸۰۹	۱۳۶۲	۱۰	۷۶۳	۱۳۶۲	۱۰	۷۶۳
۷۶۴	۱۰	۱۳۶۳	۱	۱	۱۴۵۰	۵	۵	۸۱۰	۱۳۶۳	۱۰	۷۶۴	۱۳۶۳	۱۰	۷۶۴
۷۶۵	۹	۱۳۶۴	۱	۱	۱۴۵۱	۵	۵	۸۱۱	۱۳۶۴	۹	۷۶۵	۱۳۶۴	۹	۷۶۵
۷۶۶	۹	۱۳۶۵	۱۲	۱۲	۱۴۵۲	۴	۴	۸۱۲	۱۳۶۵	۹	۷۶۶	۱۳۶۵	۹	۷۶۶
۷۶۷	۹	۱۳۶۶	۱۲	۱۲	۱۴۵۳	۴	۴	۸۱۳	۱۳۶۶	۹	۷۶۷	۱۳۶۶	۹	۷۶۷
۷۶۸	۸	۱۳۶۷	۱۱	۱۱	۱۴۵۴	۳	۳	۸۱۴	۱۳۶۷	۸	۷۶۸	۱۳۶۷	۸	۷۶۸
۷۶۹	۸	۱۳۶۸	۱۱	۱۱	۱۴۵۵	۳	۳	۸۱۵	۱۳۶۸	۸	۷۶۹	۱۳۶۸	۸	۷۶۹
۷۷۰	۸	۱۳۶۹	۱۰	۱۰	۱۴۵۶	۳	۳	۸۱۶	۱۳۶۹	۸	۷۷۰	۱۳۶۹	۸	۷۷۰
۷۷۱	۷	۱۳۷۰	۱۰	۱۰	۱۴۵۷	۲	۲	۸۱۷	۱۳۷۰	۷	۷۷۱	۱۳۷۰	۷	۷۷۱
۷۷۲	۷	۱۳۷۱	۱۰	۱۰	۱۴۵۸	۲	۲	۸۱۸	۱۳۷۱	۷	۷۷۲	۱۳۷۱	۷	۷۷۲
۷۷۳	۷	۱۳۷۲	۹	۹	۱۴۵۹	۱	۱	۸۱۹	۱۳۷۲	۷	۷۷۳	۱۳۷۲	۷	۷۷۳
۷۷۴	۶	۱۳۷۳	۹	۹	۱۴۶۰	۱	۱	۸۲۰	۱۳۷۳	۶	۷۷۴	۱۳۷۳	۶	۷۷۴
۷۷۵	۶	۱۳۷۴	۹	۹	۱۴۶۱	۱	۱	۸۲۱	۱۳۷۴	۶	۷۷۵	۱۳۷۴	۶	۷۷۵
۷۷۶	۶	۱۳۷۵	۸	۸	۱۴۶۲	۱۲	۱۲	۸۲۲	۱۳۷۵	۶	۷۷۶	۱۳۷۵	۶	۷۷۶
۷۷۷	۵	۱۳۷۶	۸	۸	۱۴۶۳	۱۲	۱۲	۸۲۳	۱۳۷۶	۵	۷۷۷	۱۳۷۶	۵	۷۷۷
۷۷۸	۵	۱۳۷۷	۸	۸	۱۴۶۴	۱۲	۱۲	۸۲۴	۱۳۷۷	۵	۷۷۸	۱۳۷۷	۵	۷۷۸
۷۷۹	۴	۱۳۷۸	۷	۷	۱۴۶۵	۱۱	۱۱	۸۲۵	۱۳۷۸	۴	۷۷۹	۱۳۷۸	۴	۷۷۹
۷۸۰	۴	۱۳۷۹	۷	۷	۱۴۶۶	۱۱	۱۱	۸۲۶	۱۳۷۹	۴	۷۸۰	۱۳۷۹	۴	۷۸۰
۷۸۱	۳	۱۳۸۰	۶	۶	۱۴۶۷	۱۱	۱۱	۸۲۷	۱۳۸۰	۳	۷۸۱	۱۳۸۰	۳	۷۸۱
۷۸۲	۳	۱۳۸۱	۶	۶	۱۴۶۸	۱۱	۱۱	۸۲۸	۱۳۸۱	۳	۷۸۲	۱۳۸۱	۳	۷۸۲
۷۸۳	۲	۱۳۸۲	۵	۵	۱۴۶۹	۱۰	۱۰	۸۲۹	۱۳۸۲	۲	۷۸۳	۱۳۸۲	۲	۷۸۳
۷۸۴	۲	۱۳۸۳	۵	۵	۱۴۷۰	۱۰	۱۰	۸۳۰	۱۳۸۳	۲	۷۸۴	۱۳۸۳	۲	۷۸۴
۷۸۵	۲	۱۳۸۴	۵	۵	۱۴۷۱	۱۰	۱۰	۸۳۱	۱۳۸۴	۲	۷۸۵	۱۳۸۴	۲	۷۸۵
۷۸۶	۲	۱۳۸۵	۴	۴	۱۴۷۲	۹	۹	۸۳۲	۱۳۸۵	۲	۷۸۶	۱۳۸۵	۲	۷۸۶
۷۸۷	۲	۱۳۸۶	۴	۴	۱۴۷۳	۹	۹	۸۳۳	۱۳۸۶	۲	۷۸۷	۱۳۸۶	۲	۷۸۷
۷۸۸	۱	۱۳۸۷	۴	۴	۱۴۷۴	۹	۹	۸۳۴	۱۳۸۷	۱	۷۸۸	۱۳۸۷	۱	۷۸۸
۷۸۹	۱	۱۳۸۸	۴	۴	۱۴۷۵	۹	۹	۸۳۵	۱۳۸۸	۱	۷۸۹	۱۳۸۸	۱	۷۸۹
۷۹۰	۱۲	۱۳۸۹	۳	۳	۱۴۷۶	۸	۸	۸۳۶	۱۳۸۹	۱۲	۷۹۰	۱۳۸۹	۱۲	۷۹۰
۷۹۱	۱۲	۱۳۹۰	۳	۳	۱۴۷۷	۸	۸	۸۳۷	۱۳۹۰	۱۲	۷۹۱	۱۳۹۰	۱۲	۷۹۱
۷۹۲	۱۱	۱۳۹۱	۳	۳	۱۴۷۸	۸	۸	۸۳۸	۱۳۹۱	۱۱	۷۹۲	۱۳۹۱	۱۱	۷۹۲
۷۹۳	۱۱	۱۳۹۲	۳	۳	۱۴۷۹	۸	۸	۸۳۹	۱۳۹۲	۱۱	۷۹۳	۱۳۹۲	۱۱	۷۹۳
۷۹۴	۱۱	۱۳۹۳	۳	۳	۱۴۸۰	۸	۸	۸۴۰	۱۳۹۳	۱۱	۷۹۴	۱۳۹۳	۱۱	۷۹۴
۷۹۵	۱۱	۱۳۹۴	۳	۳	۱۴۸۱	۸	۸	۸۴۱	۱۳۹۴	۱۱	۷۹۵	۱۳۹۴	۱۱	۷۹۵
۷۹۶	۱۰	۱۳۹۵	۲	۲	۱۴۸۲	۷	۷	۸۴۲	۱۳۹۵	۱۰	۷۹۶	۱۳۹۵	۱۰	۷۹۶
۷۹۷	۱۰	۱۳۹۶	۲	۲	۱۴۸۳	۷	۷	۸۴۳	۱۳۹۶	۱۰	۷۹۷	۱۳۹۶	۱۰	۷۹۷
۷۹۸	۹	۱۳۹۷	۲	۲	۱۴۸۴	۷	۷	۸۴۴	۱۳۹۷	۹	۷۹۸	۱۳۹۷	۹	۷۹۸
۷۹۹	۹	۱۳۹۸	۲	۲	۱۴۸۵	۷	۷	۸۴۵	۱۳۹۸	۹	۷۹۹	۱۳۹۸	۹	۷۹۹
۸۰۰	۸	۱۳۹۹	۱	۱	۱۴۸۶	۶	۶	۸۴۶	۱۳۹۹	۸	۸۰۰	۱۳۹۹	۸	۸۰۰
۸۰۱	۸	۱۴۰۰	۱	۱	۱۴۸۷	۶	۶	۸۴۷	۱۴۰۰	۸	۸۰۱	۱۴۰۰	۸	۸۰۱
۸۰۲	۷	۱۴۰۱	۱	۱	۱۴۸۸	۶	۶	۸۴۸	۱۴۰۱	۷	۸۰۲	۱۴۰۱	۷	۸۰۲
۸۰۳	۷	۱۴۰۲	۱	۱	۱۴۸۹	۶	۶	۸۴۹	۱۴۰۲	۷	۸۰۳	۱۴۰۲	۷	۸۰۳
۸۰۴	۷	۱۴۰۳	۱	۱	۱۴۹۰	۶	۶	۸۵۰	۱۴۰۳	۷	۸۰۴	۱۴۰۳	۷	۸۰۴
۸۰۵	۷	۱۴۰۴	۱	۱	۱۴۹۱	۶	۶	۸۵۱	۱۴۰۴	۷	۸۰۵	۱۴۰۴	۷	۸۰۵
۸۰۶	۶	۱۴۰۵	۱	۱	۱۴۹۲	۶	۶	۸۵۲	۱۴۰۵	۶	۸۰۶	۱۴۰۵	۶	۸۰۶
۸۰۷	۶	۱۴۰۶	۱	۱	۱۴۹۳	۶	۶	۸۵۳	۱۴۰۶	۶	۸۰۷	۱۴۰۶	۶	۸۰۷
۸۰۸	۶	۱۴۰۷	۱	۱	۱۴۹۴	۶	۶	۸۵۴	۱۴۰۷	۶	۸۰۸	۱۴۰۷	۶	۸۰۸
۸۰۹	۵	۱۴۰۸	۱	۱	۱۴۹۵	۶	۶	۸۵۵	۱۴۰۸	۵	۸۰۹	۱۴۰۸	۵	۸۰۹
۸۱۰	۵	۱۴۰۹	۱	۱	۱۴۹۶	۶	۶	۸۵۶	۱۴۰۹	۵	۸۱۰	۱۴۰۹	۵	۸۱۰
۸۱۱	۵	۱۴۱۰	۱	۱	۱۴۹۷	۶	۶	۸۵۷	۱۴۱۰	۵	۸۱۱	۱۴۱۰	۵	۸۱۱
۸۱۲	۴	۱۴۱۱	۱	۱	۱۴۹۸	۶	۶	۸۵۸	۱۴۱۱	۴	۸۱۲	۱۴۱۱	۴	۸۱۲
۸۱۳	۴	۱۴۱۲	۱	۱	۱۴۹۹	۶	۶	۸۵۹	۱۴۱۲	۴	۸۱۳	۱۴۱۲	۴	۸۱۳
۸۱۴	۴	۱۴۱۳	۱	۱	۱۵۰۰	۶	۶	۸۶۰	۱۴۱۳	۴	۸۱۴	۱۴۱۳	۴	۸۱۴
۸۱۵	۴	۱۴۱۴	۱	۱	۱۵۰۱	۶	۶	۸۶۱	۱۴۱۴	۴	۸۱۵	۱۴۱۴	۴	۸۱۵
۸۱۶	۳	۱۴۱۵	۱	۱	۱۵۰۲	۶	۶	۸۶۲	۱۴۱۵	۳	۸۱۶	۱۴۱۵	۳	۸۱۶
۸۱۷	۳	۱۴۱۶	۱	۱	۱۵۰۳	۶	۶	۸۶۳	۱۴۱۶	۳	۸۱۷	۱۴۱۶	۳	۸۱۷
۸۱۸	۳	۱۴۱۷	۱	۱	۱۵۰۴	۶	۶	۸۶۴	۱۴۱۷	۳	۸۱۸	۱۴۱۷	۳	۸۱۸
۸۱۹	۳	۱۴۱۸	۱	۱	۱۵۰۵	۶	۶	۸۶۵	۱۴۱۸	۳	۸۱۹	۱۴۱۸	۳	۸۱۹
۸۲۰	۲	۱۴۱۹	۱	۱	۱۵۰۶	۶	۶	۸۶۶	۱۴۱۹	۲	۸۲۰	۱۴۱۹	۲	۸۲۰
۸۲۱	۲	۱۴۲۰	۱	۱	۱۵۰۷	۶	۶	۸۶۷	۱۴۲۰	۲	۸۲۱	۱۴۲۰	۲	۸۲۱
۸۲۲	۲	۱۴۲۱	۱	۱	۱۵۰۸	۶	۶	۸۶۸	۱۴۲۱	۲	۸۲۲	۱۴۲۱	۲	۸۲۲
۸۲۳	۲	۱۴۲۲	۱	۱	۱۵۰۹	۶	۶	۸۶۹	۱۴۲۲	۲	۸۲۳	۱۴۲۲	۲	۸۲۳
۸۲۴	۲	۱۴۲۳	۱	۱	۱۵۱۰	۶	۶	۸۷۰	۱۴۲۳	۲	۸۲۴	۱۴۲۳	۲	۸۲۴
۸۲۵	۲	۱۴۲۴	۱	۱	۱۵۱۱	۶	۶	۸۷۱	۱۴۲۴	۲	۸۲۵	۱۴۲۴	۲	۸۲۵
۸۲۶	۲	۱۴۲۵	۱	۱	۱۵۱۲	۶	۶	۸۷۲	۱۴۲۵	۲	۸۲۶	۱۴۲۵	۲	۸۲۶
۸۲۷	۲	۱۴۲۶	۱	۱	۱۵۱۳	۶	۶	۸۷۳	۱۴۲۶	۲	۸۲۷	۱۴۲۶	۲	۸۲۷
۸۲۸	۲	۱۴۲۷	۱	۱	۱۵۱۴	۶	۶	۸۷۴	۱۴۲۷	۲	۸۲۸	۱۴۲۷	۲	۸۲۸
۸۲۹	۲													

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۱۲۹۹	۹	۷۹۹	۱۳۵۶	۱	۷۵۴	۱۳۱۱	۶	۷۰۸	۱۱۶۳	۱۱	۵۵۹			
۱۳۰۰	۹	۷۰۰	۱۳۵۷	۱	۷۵۵	۱۳۱۲	۶	۷۰۹	۱۱۶۴	۱۱	۵۶۰			
۱۳۰۱	۹	۷۰۱	۱۳۵۸	۱	۷۵۶	۱۳۱۳	۵	۷۱۰	۱۱۶۵	۱۱	۵۶۱			
۱۳۰۲	۸	۷۰۲	۱۳۵۸	۱۲	۷۵۷	۱۳۱۴	۵	۷۱۱	۱۱۶۶	۱۰	۵۶۲			
۱۳۰۳	۸	۷۰۳	۱۳۵۹	۱۲	۷۵۸	۱۳۱۵	۵	۷۱۲	۱۱۶۷	۱۰	۵۶۳			
۱۳۰۴	۸	۷۰۴	۱۳۶۰	۱۲	۷۵۹	۱۳۱۵	۵	۷۱۲	۱۱۶۸	۱۰	۵۶۴			
۱۳۰۵	۷	۷۰۵	۱۳۶۱	۱۱	۷۶۰	۱۳۱۶	۴	۷۱۳	۱۱۶۹	۹	۵۶۵			
۱۳۰۶	۷	۷۰۶	۱۳۶۲	۱۱	۷۶۱	۱۳۱۷	۴	۷۱۴	۱۱۷۰	۹	۵۶۶			
۱۳۰۷	۷	۷۰۷	۱۳۶۳	۱۱	۷۶۲	۱۳۱۸	۳	۷۱۵	۱۱۷۱	۹	۵۶۷			
۱۳۰۸	۶	۷۰۸	۱۳۶۴	۱۰	۷۶۳	۱۳۱۹	۳	۷۱۶	۱۱۷۲	۸	۵۶۸			
۱۳۰۹	۶	۷۰۹	۱۳۶۵	۱۰	۷۶۴	۱۳۲۰	۳	۷۱۷	۱۱۷۳	۸	۵۶۹			
۱۳۱۰	۵	۷۱۰	۱۳۶۶	۱۰	۷۶۵	۱۳۲۰	۳	۷۱۷	۱۱۷۴	۸	۵۷۰			
۱۳۱۱	۵	۷۱۱	۱۳۶۷	۹	۷۶۶	۱۳۲۱	۲	۷۱۸	۱۱۷۵	۷	۵۷۱			
۱۳۱۲	۵	۷۱۲	۱۳۶۸	۹	۷۶۷	۱۳۲۲	۲	۷۱۹	۱۱۷۶	۷	۷۵۲			
۱۳۱۳	۴	۷۱۳	۱۳۶۹	۸	۷۶۸	۱۳۲۳	۲	۷۲۰	۱۱۷۷	۶	۵۷۳			
۱۳۱۴	۴	۷۱۴	۱۳۷۰	۸	۷۶۹	۱۳۲۴	۱	۷۲۱	۱۱۷۸	۶	۵۷۴			
۱۳۱۵	۴	۷۱۵	۱۳۷۱	۸	۷۷۰	۱۳۲۵	۱	۷۲۲	۱۱۷۹	۶	۵۷۵			
۱۳۱۶	۳	۷۱۶	۱۳۷۲	۷	۷۷۱	۱۳۲۵	۱	۷۲۲	۱۱۸۰	۵	۵۷۶			
۱۳۱۷	۳	۷۱۷	۱۳۷۳	۷	۷۷۲	۱۳۲۶	۱	۷۲۳	۱۱۸۱	۵	۵۷۷			
۱۳۱۸	۳	۷۱۸	۱۳۷۴	۷	۷۷۳	۱۳۲۶	۱۲	۷۲۴	۱۱۸۲	۵	۵۷۸			
۱۳۱۹	۲	۷۱۹	۱۳۷۵	۶	۷۷۴	۱۳۲۷	۱۲	۷۲۵	۱۱۸۳	۴	۵۷۹			
۱۳۲۰	۲	۷۲۰	۱۳۷۶	۶	۷۷۵	۱۳۲۸	۱۱	۷۲۶	۱۱۸۴	۴	۵۸۰			
۱۳۲۱	۱	۷۲۱	۱۳۷۷	۶	۷۷۶	۱۳۲۹	۱۱	۷۲۷	۱۱۸۵	۴	۵۸۱			
۱۳۲۲	۱	۷۲۲	۱۳۷۸	۵	۷۷۷	۱۳۳۰	۱۱	۷۲۸	۱۱۸۶	۳	۵۸۲			
۱۳۲۳	۱	۷۲۳	۱۳۷۸	۵	۷۷۷	۱۳۳۱	۱۰	۷۲۹	۱۱۸۷	۳	۵۸۳			
۱۳۲۳	۱۲	۷۲۴	۱۳۷۹	۵	۷۷۸	۱۳۳۲	۱۰	۷۳۰	۱۱۸۸	۳	۵۸۴			
۱۳۲۴	۱۲	۷۲۵	۱۳۸۰	۵	۷۷۹	۱۳۳۳	۱۰	۷۳۱	۱۱۸۹	۲	۵۸۵			
۱۳۲۵	۱۲	۷۲۶	۱۳۸۱	۴	۷۸۰	۱۳۳۴	۹	۷۳۲	۱۱۹۰	۲	۵۸۶			
۱۳۲۶	۱۱	۷۲۷	۱۳۸۲	۴	۷۸۱	۱۳۳۵	۹	۷۳۳	۱۱۹۱	۱	۵۸۷			
۱۳۲۷	۱۱	۷۲۸	۱۳۸۳	۴	۷۸۲	۱۳۳۶	۹	۷۳۴	۱۱۹۲	۱	۵۸۸			
۱۳۲۸	۱۱	۷۲۹	۱۳۸۴	۳	۷۸۳	۱۳۳۷	۸	۷۳۵	۱۱۹۳	۱	۵۸۹			
۱۳۲۹	۱۰	۷۳۰	۱۳۸۵	۳	۷۸۴	۱۳۳۸	۸	۷۳۶	۱۱۹۴	۱۲	۵۹۰			
۱۳۳۰	۱۰	۷۳۱	۱۳۸۵	۳	۷۸۴	۱۳۳۹	۸	۷۳۷	۱۱۹۵	۱۲	۵۹۱			
۱۳۳۱	۱۰	۷۳۲	۱۳۸۶	۲	۷۸۵	۱۳۴۰	۷	۷۳۸	۱۱۹۵	۱۲	۵۹۲			
۱۳۳۲	۹	۷۳۳	۱۳۸۷	۲	۷۸۶	۱۳۴۱	۷	۷۳۹	۱۱۹۶	۱۱	۵۹۳			
۱۳۳۳	۹	۷۳۴	۱۳۸۸	۲	۷۸۷	۱۳۴۲	۷	۷۴۰	۱۱۹۷	۱۱	۵۹۴			
۱۳۳۴	۹	۷۳۵	۱۳۸۹	۱	۷۸۸	۱۳۴۳	۶	۷۴۱	۱۱۹۸	۱۱	۵۹۵			
۱۳۳۵	۸	۷۳۶	۱۳۸۹	۱	۷۸۸	۱۳۴۴	۶	۷۴۲	۱۱۹۹	۱۰	۵۹۶			
۱۳۳۶	۸	۷۳۷	۱۳۹۰	۱	۷۸۹	۱۳۴۵	۵	۷۴۳	۱۲۰۰	۱۰	۵۹۷			
۱۳۳۷	۷	۷۳۸	۱۳۹۱	۱	۷۹۰	۱۳۴۶	۵	۷۴۴	۱۲۰۱	۱۰	۵۹۸			
۱۳۳۸	۷	۷۳۹	۱۳۹۱	۱۲	۷۹۱	۱۳۴۷	۵	۷۴۵	۱۲۰۲	۹	۵۹۹			
۱۳۳۹	۷	۷۴۰	۱۳۹۲	۱۲	۷۹۲	۱۳۴۸	۴	۷۴۶	۱۲۰۳	۹	۶۰۰			
۱۳۴۰	۶	۷۴۱	۱۳۹۲	۱۲	۷۹۳	۱۳۴۹	۴	۷۴۷	۱۲۰۴	۸	۶۰۱			
۱۳۴۱	۶	۷۴۲	۱۳۹۳	۱۱	۷۹۴	۱۳۵۰	۴	۷۴۸	۱۲۰۵	۸	۶۰۲			
۱۳۴۲	۶	۷۴۳	۱۳۹۴	۱۱	۷۹۵	۱۳۵۱	۳	۷۴۹	۱۲۰۶	۸	۶۰۳			
۱۳۴۳	۵	۷۴۴	۱۳۹۵	۱۱	۷۹۵	۱۳۵۲	۳	۷۵۰	۱۲۰۷	۷	۶۰۴			
۱۳۴۴	۵	۷۴۵	۱۳۹۶	۱۰	۷۹۶	۱۳۵۳	۳	۷۵۱	۱۲۰۸	۷	۶۰۵			
۱۳۴۵	۵	۷۴۶	۱۳۹۷	۱۰	۷۹۷	۱۳۵۴	۲	۷۵۲	۱۲۰۹	۷	۶۰۶			
۱۳۴۶	۴	۷۴۷	۱۳۹۸	۱۰	۷۹۸	۱۳۵۵	۲	۷۵۳	۱۲۱۰	۶	۶۰۷			

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۱۸۳۶	۴	۱۲۵۲	۱۷۸۹	۹	۱۲۰۴	۱۷۴۷	۱	۱۱۶۰	۱۷۰۲	۵	۱۱۱۴
۱۸۳۷	۴	۱۲۵۳	۱۷۹۰	۹	۱۲۰۵	۱۷۴۸	۱	۱۱۶۱	۱۷۰۳	۵	۱۱۱۵
۱۸۳۸	۳	۱۲۵۴	۱۷۹۱	۸	۱۲۰۶	۱۷۴۸	۱۲	۱۱۶۲	۱۷۰۴	۵	۱۱۱۶
۱۸۳۹	۳	۱۲۵۵	۱۷۹۲	۸	۱۲۰۷	۱۷۴۹	۱۲	۱۱۶۳	۱۷۰۵	۴	۱۱۱۷
۱۸۴۰	۳	۱۲۵۶	۱۷۹۳	۸	۱۲۰۸	۱۷۵۰	۱۱	۱۱۶۴	۱۷۰۶	۴	۱۱۱۸
۱۸۴۱	۲	۱۲۵۷	۱۷۹۴	۷	۱۲۰۹	۱۷۵۱	۱۱	۱۱۶۵	۱۷۰۷	۴	۱۱۱۹
۱۸۴۲	۲	۱۲۵۸	۱۷۹۵	۸	۱۲۱۰	۱۷۵۲	۱۱	۱۱۶۶	۱۷۰۸	۳	۱۱۲۰
۱۸۴۳	۲	۱۲۵۹	۱۷۹۶	۷	۱۲۱۱	۱۷۵۳	۱۰	۱۱۶۷	۱۷۰۹	۳	۱۱۲۱
۱۸۴۴	۱	۱۲۶۰	۱۷۹۷	۶	۱۲۱۲	۱۷۵۴	۱۰	۱۱۶۸	۱۷۰۹	۳	۱۱۲۱
۱۸۴۵	۱	۱۲۶۱	۱۷۹۸	۶	۱۲۱۳	۱۷۵۵	۱۰	۱۱۶۹	۱۷۱۰	۳	۱۱۲۲
۱۸۴۶	۱	۱۲۶۲	۱۷۹۹	۶	۱۲۱۴	۱۷۵۶	۹	۱۱۷۰	۱۷۱۱	۳	۱۱۲۳
۱۸۴۷	۱۲	۱۲۶۳	۱۸۰۰	۵	۱۲۱۵	۱۷۵۷	۹	۱۱۷۱	۱۷۱۲	۳	۱۱۲۴
۱۸۴۸	۱۲	۱۲۶۴	۱۸۰۱	۵	۱۲۱۶	۱۷۵۸	۹	۱۱۷۲	۱۷۱۳	۱	۱۱۲۵
۱۸۴۹	۱۲	۱۲۶۵	۱۸۰۲	۵	۱۲۱۷	۱۷۵۹	۸	۱۱۷۳	۱۷۱۴	۱	۱۱۲۶
۱۸۵۰	۱۱	۱۲۶۶	۱۸۰۳	۴	۱۲۱۸	۱۷۶۰	۸	۱۱۷۴	۱۷۱۴	۱	۱۱۲۶
۱۸۵۱	۱۱	۱۲۶۷	۱۸۰۴	۴	۱۲۱۹	۱۷۶۱	۸	۱۱۷۵	۱۷۱۵	۱	۱۱۲۷
۱۸۵۲	۱۰	۱۲۶۸	۱۸۰۵	۴	۱۲۲۰	۱۷۶۲	۷	۱۱۷۶	۱۷۱۵	۱۲	۱۱۲۸
۱۸۵۳	۱۰	۱۲۶۹	۱۸۰۶	۳	۱۲۲۱	۱۷۶۳	۷	۱۱۷۷	۱۷۱۶	۱۲	۱۱۲۹
۱۸۵۴	۹	۱۲۷۰	۱۸۰۷	۳	۱۲۲۲	۱۷۶۴	۷	۱۱۷۸	۱۷۱۷	۱۲	۱۱۳۰
۱۸۵۵	۹	۱۲۷۱	۱۸۰۸	۲	۱۲۲۳	۱۷۶۵	۶	۱۱۷۹	۱۷۱۸	۱۱	۱۱۳۱
۱۸۵۶	۸	۱۲۷۲	۱۸۰۹	۲	۱۲۲۴	۱۷۶۶	۶	۱۱۸۰	۱۷۱۹	۱۱	۱۱۳۲
۱۸۵۷	۸	۱۲۷۳	۱۸۱۰	۲	۱۲۲۵	۱۷۶۷	۵	۱۱۸۱	۱۷۲۰	۱۱	۱۱۳۳
۱۸۵۸	۷	۱۲۷۴	۱۸۱۱	۱	۱۲۲۶	۱۷۶۸	۵	۱۱۸۲	۱۷۲۱	۱۰	۱۱۳۴
۱۸۵۹	۷	۱۲۷۵	۱۸۱۲	۱	۱۲۲۷	۱۷۶۹	۵	۱۱۸۳	۱۷۲۲	۱۰	۱۱۳۵
۱۸۶۰	۷	۱۲۷۶	۱۸۱۳	۱	۱۲۲۸	۱۷۷۰	۴	۱۱۸۴	۱۷۲۳	۱۰	۱۱۳۶
۱۸۶۱	۷	۱۲۷۷	۱۸۱۴	۱۲	۱۲۲۹	۱۷۷۱	۴	۱۱۸۵	۱۷۲۴	۹	۱۱۳۷
۱۸۶۲	۶	۱۲۷۸	۱۸۱۵	۱۲	۱۲۳۰	۱۷۷۲	۴	۱۱۸۶	۱۷۲۵	۹	۱۱۳۸
۱۸۶۳	۶	۱۲۷۹	۱۸۱۶	۱۱	۱۲۳۱	۱۷۷۳	۴	۱۱۸۷	۱۷۲۶	۸	۱۱۳۹
۱۸۶۴	۶	۱۲۸۰	۱۸۱۷	۱۱	۱۲۳۲	۱۷۷۴	۳	۱۱۸۸	۱۷۲۷	۸	۱۱۴۰
۱۸۶۵	۵	۱۲۸۱	۱۸۱۸	۱۰	۱۲۳۳	۱۷۷۵	۳	۱۱۸۹	۱۷۲۸	۸	۱۱۴۱
۱۸۶۶	۵	۱۲۸۲	۱۸۱۹	۱۰	۱۲۳۴	۱۷۷۶	۳	۱۱۹۰	۱۷۲۹	۷	۱۱۴۲
۱۸۶۷	۵	۱۲۸۳	۱۸۲۰	۱۰	۱۲۳۵	۱۷۷۷	۲	۱۱۹۱	۱۷۳۰	۷	۱۱۴۳
۱۸۶۸	۴	۱۲۸۴	۱۸۲۱	۹	۱۲۳۶	۱۷۷۸	۲	۱۱۹۲	۱۷۳۱	۷	۱۱۴۴
۱۸۶۹	۴	۱۲۸۵	۱۸۲۲	۹	۱۲۳۷	۱۷۷۹	۱	۱۱۹۳	۱۷۳۲	۶	۱۱۴۵
۱۸۷۰	۴	۱۲۸۶	۱۸۲۳	۹	۱۲۳۸	۱۷۸۰	۱	۱۱۹۴	۱۷۳۳	۶	۱۱۴۶
۱۸۷۱	۳	۱۲۸۷	۱۸۲۴	۸	۱۲۳۹	۱۷۸۱	۱۲	۱۱۹۵	۱۷۳۴	۵	۱۱۴۷
۱۸۷۲	۳	۱۲۸۸	۱۸۲۵	۸	۱۲۴۰	۱۷۸۲	۱۲	۱۱۹۶	۱۷۳۵	۵	۱۱۴۸
۱۸۷۳	۳	۱۲۸۹	۱۸۲۶	۷	۱۲۴۱	۱۷۸۳	۱۲	۱۱۹۷	۱۷۳۶	۵	۱۱۴۹
۱۸۷۴	۳	۱۲۹۰	۱۸۲۷	۷	۱۲۴۲	۱۷۸۴	۱۱	۱۱۹۸	۱۷۳۷	۵	۱۱۵۰
۱۸۷۵	۲	۱۲۹۱	۱۸۲۸	۷	۱۲۴۳	۱۷۸۵	۱۱	۱۱۹۹	۱۷۳۸	۴	۱۱۵۱
۱۸۷۶	۲	۱۲۹۲	۱۸۲۹	۶	۱۲۴۴	۱۷۸۶	۱۱	۱۲۰۰	۱۷۳۹	۴	۱۱۵۲
۱۸۷۷	۱	۱۲۹۳	۱۸۳۰	۶	۱۲۴۵	۱۷۸۷	۱۱	۱۲۰۱	۱۷۴۰	۳	۱۱۵۳
۱۸۷۸	۱	۱۲۹۴	۱۸۳۱	۶	۱۲۴۶	۱۷۸۸	۱۱	۱۲۰۲	۱۷۴۱	۳	۱۱۵۴
۱۸۷۹	۱	۱۲۹۵	۱۸۳۲	۵	۱۲۴۷	۱۷۸۹	۱۱	۱۲۰۳	۱۷۴۲	۳	۱۱۵۵
۱۸۸۰	۱	۱۲۹۶	۱۸۳۳	۵	۱۲۴۸	۱۷۹۰	۱۱	۱۲۰۴	۱۷۴۳	۲	۱۱۵۶
۱۸۸۱	۱	۱۲۹۷	۱۸۳۴	۵	۱۲۴۹	۱۷۹۱	۱۰	۱۲۰۵	۱۷۴۴	۲	۱۱۵۷
۱۸۸۲	۱	۱۲۹۸	۱۸۳۵	۵	۱۲۵۰	۱۷۹۲	۱۰	۱۲۰۶	۱۷۴۵	۲	۱۱۵۸
۱۸۸۳	۱	۱۲۹۹	۱۸۳۶	۴	۱۲۵۱	۱۷۹۳	۱۰	۱۲۰۷	۱۷۴۶	۱	۱۱۵۹

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۹۳۰	۱۱	۱۵۲۳	۹۷۶	۶	۱۵۶۸	۱۰۲۳	۲	۱۶۱۴	۱۰۶۷	۱۰	۱۶۵۶
۹۳۱	۱۰	۱۵۲۴	۹۷۷	۶	۱۵۶۹	۱۰۲۴	۱	۱۶۱۵	۱۰۶۸	۱۰	۱۶۵۷
۹۳۲	۱۰	۱۵۲۵	۹۷۸	۶	۱۵۷۰	۱۰۲۵	۱	۱۶۱۶	۱۰۶۹	۹	۱۶۵۸
۹۳۳	۱۰	۱۵۲۶	۹۷۹	۵	۱۵۷۱	۱۰۲۶	۱	۱۶۱۷	۱۰۷۰	۹	۱۶۵۹
۹۳۴	۹	۱۵۲۷	۹۸۰	۵	۱۵۷۲	۱۰۲۷	۱۲	۱۶۱۸	۱۰۷۱	۹	۱۶۶۰
۹۳۵	۹	۱۵۲۸	۹۸۱	۵	۱۵۷۳	۱۰۲۸	۱۲	۱۶۱۹	۱۰۷۲	۸	۱۶۶۱
۹۳۶	۹	۱۵۲۹	۹۸۲	۵	۱۵۷۴	۱۰۲۹	۱۲	۱۶۲۰	۱۰۷۳	۸	۱۶۶۲
۹۳۷	۸	۱۵۳۰	۹۸۳	۴	۱۵۷۵	۱۰۳۰	۱۱	۱۶۲۱	۱۰۷۴	۸	۱۶۶۳
۹۳۸	۸	۱۵۳۱	۹۸۴	۴	۱۵۷۶	۱۰۳۱	۱۱	۱۶۲۲	۱۰۷۵	۷	۱۶۶۴
۹۳۹	۸	۱۵۳۲	۹۸۵	۳	۱۵۷۷	۱۰۳۲	۱۱	۱۶۲۳	۱۰۷۶	۷	۱۶۶۵
۹۴۰	۷	۱۵۳۳	۹۸۵	۳	۱۵۷۷	۱۰۳۳	۱۰	۱۶۲۳	۱۰۷۷	۷	۱۶۶۶
۹۴۱	۷	۱۵۳۴	۹۸۶	۳	۱۵۷۸	۱۰۳۴	۱۰	۱۶۲۴	۱۰۷۸	۶	۱۶۶۷
۹۴۲	۷	۱۵۳۵	۹۸۷	۲	۱۵۷۹	۱۰۳۵	۱۰	۱۶۲۵	۱۰۷۹	۶	۱۶۶۸
۹۴۳	۶	۱۵۳۶	۹۸۸	۲	۱۵۸۰	۱۰۳۶	۹	۱۶۲۶	۱۰۸۰	۶	۱۶۶۹
۹۴۴	۶	۱۵۳۷	۹۸۹	۲	۱۵۸۱	۱۰۳۷	۹	۱۶۲۷	۱۰۸۱	۵	۱۶۷۰
۹۴۵	۵	۱۵۳۸	۹۹۰	۱	۱۵۸۲	۱۰۳۸	۸	۱۶۲۸	۱۰۸۲	۵	۱۶۷۱
۹۴۶	۵	۱۵۳۹	۹۹۱	۱	۱۵۸۳	۱۰۳۹	۸	۱۶۲۹	۱۰۸۳	۴	۱۶۷۲
۹۴۷	۵	۱۵۴۰	۹۹۲	۱	۱۵۸۴	۱۰۴۰	۸	۱۶۳۰	۱۰۸۴	۴	۱۶۷۳
۹۴۸	۴	۱۵۴۱	۹۹۳	۱	۱۵۸۵	۱۰۴۱	۸	۱۶۳۱	۱۰۸۵	۴	۱۶۷۴
۹۴۹	۴	۱۵۴۲	۹۹۳	۱۲	۱۵۸۵	۱۰۴۱	۷	۱۶۳۱	۱۰۸۶	۳	۱۶۷۵
۹۵۰	۴	۱۵۴۳	۹۹۵	۱۲	۱۵۸۶	۱۰۴۲	۷	۱۶۳۲	۱۰۸۷	۳	۱۶۷۶
۹۵۱	۳	۱۵۴۴	۹۹۶	۱۲	۱۵۸۷	۱۰۴۳	۷	۱۶۳۳	۱۰۸۸	۳	۱۶۷۷
۹۵۲	۳	۱۵۴۵	۹۹۷	۱۱	۱۵۸۸	۱۰۴۴	۷	۱۶۳۴	۱۰۸۹	۲	۱۶۷۸
۹۵۳	۳	۱۵۴۶	۹۹۸	۱۱	۱۵۸۹	۱۰۴۴	۷	۱۶۳۴	۱۰۹۰	۲	۱۶۷۹
۹۵۴	۲	۱۵۴۷	۹۹۹	۱۰	۱۵۹۰	۱۰۴۵	۶	۱۶۳۵	۱۰۹۱	۲	۱۶۸۰
۹۵۵	۲	۱۵۴۸	۱۰۰۰	۱۰	۱۵۹۱	۱۰۴۶	۶	۱۶۳۶	۱۰۹۲	۱	۱۶۸۱
۹۵۶	۱	۱۵۴۹	۱۰۰۱	۱۰	۱۵۹۲	۱۰۴۷	۵	۱۶۳۷	۱۰۹۳	۱	۱۶۸۲
۹۵۷	۱	۱۵۵۰	۱۰۰۲	۹	۱۵۹۳	۱۰۴۸	۵	۱۶۳۸	۱۰۹۴	۱۲	۱۶۸۳
۹۵۸	۱	۱۵۵۱	۱۰۰۳	۹	۱۵۹۴	۱۰۴۹	۵	۱۶۳۹	۱۰۹۵	۱۲	۱۶۸۴
۹۵۹	۱۲	۱۵۵۲	۱۰۰۴	۹	۱۵۹۵	۱۰۵۰	۴	۱۶۴۰	۱۰۹۶	۱۱	۱۶۸۵
۹۶۰	۱۲	۱۵۵۳	۱۰۰۵	۸	۱۵۹۶	۱۰۵۱	۴	۱۶۴۱	۱۰۹۸	۱۱	۱۶۸۶
۹۶۱	۱۱	۱۵۵۴	۱۰۰۷	۸	۱۵۹۸	۱۰۵۲	۴	۱۶۴۲	۱۰۹۹	۱۱	۱۶۸۷
۹۶۲	۱۱	۱۵۵۵	۱۰۰۸	۷	۱۵۹۹	۱۰۵۳	۳	۱۶۴۳	۱۱۰۰	۱۰	۱۶۸۸
۹۶۳	۱۱	۱۵۵۶	۱۰۰۹	۷	۱۶۰۰	۱۰۵۴	۳	۱۶۴۴	۱۱۰۱	۱۰	۱۶۸۹
۹۶۴	۱۰	۱۵۵۷	۱۰۱۰	۷	۱۶۰۱	۱۰۵۴	۳	۱۶۴۴	۱۱۰۲	۱۰	۱۶۹۰
۹۶۵	۱۰	۱۵۵۸	۱۰۱۱	۶	۱۶۰۲	۱۰۵۵	۲	۱۶۴۵	۱۱۰۳	۹	۱۶۹۱
۹۶۶	۱۰	۱۵۵۹	۱۰۱۲	۶	۱۶۰۳	۱۰۵۶	۲	۱۶۴۶	۱۱۰۴	۹	۱۶۹۲
۹۶۷	۹	۱۵۶۰	۱۰۱۳	۵	۱۶۰۴	۱۰۵۷	۲	۱۶۴۷	۱۱۰۵	۹	۱۶۹۳
۹۶۸	۹	۱۵۶۱	۱۰۱۴	۵	۱۶۰۵	۱۰۵۸	۱	۱۶۴۸	۱۱۰۶	۸	۱۶۹۴
۹۶۹	۹	۱۵۶۲	۱۰۱۵	۵	۱۶۰۶	۱۰۵۹	۱	۱۶۴۹	۱۱۰۷	۸	۱۶۹۵
۹۷۰	۸	۱۵۶۳	۱۰۱۶	۴	۱۶۰۷	۱۰۶۰	۱	۱۶۵۰	۱۱۰۸	۷	۱۶۹۶
۹۷۱	۸	۱۵۶۴	۱۰۱۷	۴	۱۶۰۸	۱۰۶۱	۱۲	۱۶۵۰	۱۱۰۹	۷	۱۶۹۷
۹۷۲	۸	۱۵۶۵	۱۰۱۸	۴	۱۶۰۹	۱۰۶۲	۱۲	۱۶۵۱	۱۱۱۰	۷	۱۶۹۸
۹۷۳	۷	۱۵۶۶	۱۰۱۹	۳	۱۶۱۰	۱۰۶۳	۱۲	۱۶۵۲	۱۱۱۱	۶	۱۶۹۹
۹۷۴	۷	۱۵۶۷	۱۰۲۱	۳	۱۶۱۱	۱۰۶۴	۱۱	۱۶۵۳	۱۱۱۲	۶	۱۷۰۰
۹۷۵	۷	۱۵۶۸	۱۰۲۲	۲	۱۶۱۲	۱۰۶۵	۱۱	۱۶۵۴	۱۱۱۳	۶	۱۷۰۱

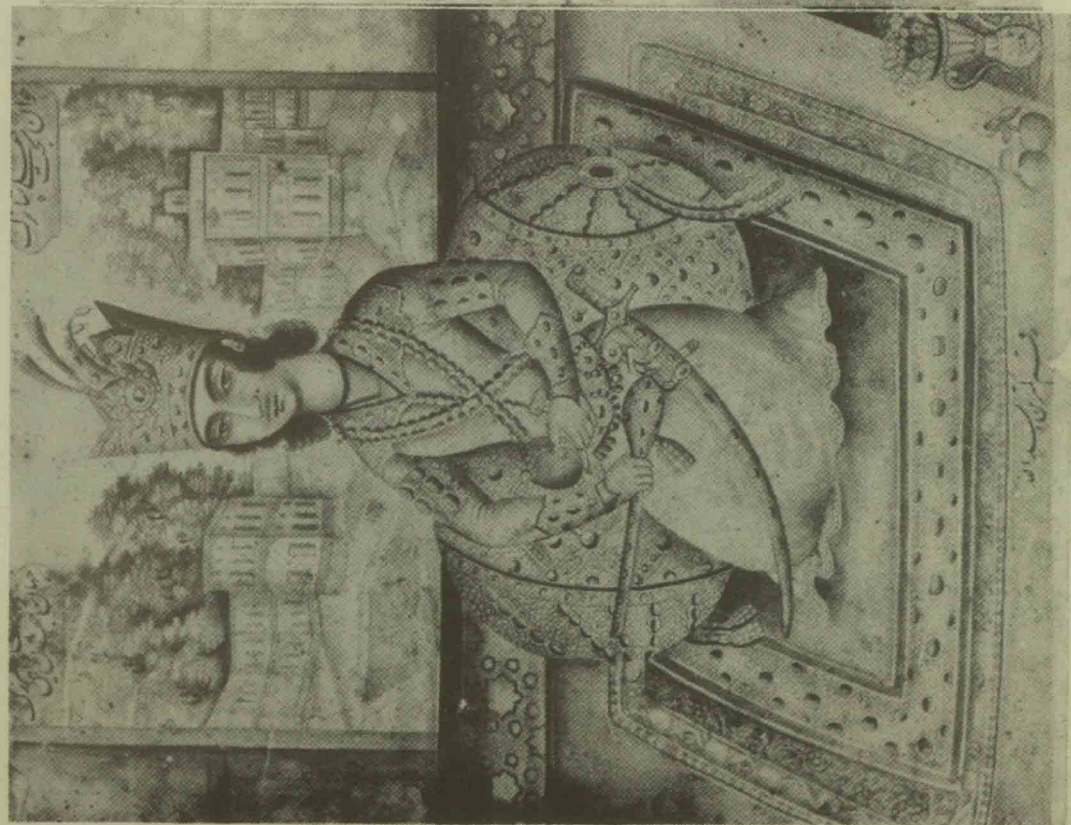
تصاویر

هجری	ماه	میلادی	هجری	ماه	میلادی
۱۲۹۶	۱۲	۱۸۷۸	۱۳۴۳	۸	۱۹۲۴
۱۲۹۷	۱۲	۱۸۷۹	۱۳۴۴	۷	۱۹۲۵
۱۲۹۸	۱۲	۱۸۸۰	۱۳۴۵	۷	۱۹۲۶
۱۲۹۹	۱۱	۱۸۸۱	۱۳۴۶	۷	۱۹۲۷
۱۳۰۰	۱۱	۱۸۸۲	۱۳۴۷	۶	۱۹۲۸
۱۳۰۱	۱۱	۱۸۸۳	۱۳۴۸	۶	۱۹۲۹
۱۳۰۲	۱۰	۱۸۸۴	۱۳۴۹	۵	۱۹۳۰
۱۳۰۳	۱۰	۱۸۸۵	۱۳۵۰	۵	۱۹۳۱
۱۳۰۴	۹	۱۸۸۶	۱۳۵۱	۵	۱۹۳۲
۱۳۰۵	۹	۱۸۸۷	۱۳۵۲	۴	۱۹۳۳
۱۳۰۶	۹	۱۸۸۸	۱۳۵۳	۴	۱۹۳۴
۱۳۰۷	۸	۱۸۸۹	۱۳۵۴	۴	۱۹۳۵
۱۳۰۸	۸	۱۸۹۰	۱۳۵۵	۳	۱۹۳۶
۱۳۰۹	۸	۱۸۹۱	۱۳۵۶	۳	۱۹۳۷
۱۳۱۰	۷	۱۸۹۲	۱۳۵۷	۳	۱۹۳۸
۱۳۱۱	۷	۱۸۹۳	۱۳۵۸	۲	۱۹۳۹
۱۳۱۲	۷	۱۸۹۴	۱۳۵۹	۲	۱۹۴۰
۱۳۱۳	۶	۱۸۹۵	۱۳۶۰	۱	۱۹۴۱
۱۳۱۴	۶	۱۸۹۶	۱۳۶۱	۱	۱۹۴۲
۱۳۱۵	۶	۱۸۹۷	۱۳۶۲	۱	۱۹۴۳
۱۳۱۶	۵	۱۸۹۸	۱۳۶۳	۱۲	۱۹۴۳
۱۳۱۷	۵	۱۸۹۹	۱۳۶۴	۱۲	۱۹۴۴
۱۳۱۸	۵	۱۹۰۰	۱۳۶۵	۱۲	۱۹۴۵
۱۳۱۹	۴	۱۹۰۱	۱۳۶۶	۱۱	۱۹۴۶
۱۳۲۰	۴	۱۹۰۲	۱۳۶۷	۱۱	۱۹۴۷
۱۳۲۱	۳	۱۹۰۳	۱۳۶۸	۱۱	۱۹۴۸
۱۳۲۲	۳	۱۹۰۴	۱۳۶۹	۱۰	۱۹۴۹
۱۳۲۳	۳	۱۹۰۵	۱۳۷۰	۱۰	۱۹۵۰
۱۳۲۴	۲	۱۹۰۶	۱۳۷۱	۱۰	۱۹۵۱
۱۳۲۵	۲	۱۹۰۷	۱۳۷۲	۹	۱۹۵۲
۱۳۲۶	۲	۱۹۰۸	۱۳۷۳	۹	۱۹۵۳
۱۳۲۷	۱	۱۹۰۹	۱۳۷۴	۸	۱۹۵۴
۱۳۲۸	۱	۱۹۱۰	۱۳۷۵	۸	۱۹۵۵
۱۳۲۹	۱	۱۹۱۱	۱۳۷۶	۸	۱۹۵۶
۱۳۳۰	۱۲	۱۹۱۱	۱۳۷۷	۷	۱۹۵۷
۱۳۳۱	۱۲	۱۹۱۲	۱۳۷۸	۷	۱۹۵۸
۱۳۳۲	۱۱	۱۹۱۳	۱۳۷۹	۷	۱۹۵۹
۱۳۳۳	۱۱	۱۹۱۴	۱۳۸۰	۶	۱۹۶۰
۱۳۳۴	۱۱	۱۹۱۵	۱۳۸۱	۶	۱۹۶۱
۱۳۳۵	۱۰	۱۹۱۶	۱۳۸۲	۶	۱۹۶۲
۱۳۳۶	۱۰	۱۹۱۷	۱۳۸۳	۵	۱۹۶۳
۱۳۳۷	۱۰	۱۹۱۸	۱۳۸۴	۵	۱۹۶۴
۱۳۳۸	۹	۱۹۱۹	۱۳۸۵	۵	۱۹۶۵
۱۳۳۹	۹	۱۹۲۰	۱۳۸۶	۴	۱۹۶۶
۱۳۴۰	۹	۱۹۲۱	۱۳۸۷	۴	۱۹۶۷
۱۳۴۱	۸	۱۹۲۲	۱۳۸۸	۳	۱۹۶۸
۱۳۴۲	۸	۱۹۲۳	۱۳۸۹	۳	۱۹۶۹

تصویر شما ره (۳)



تصویر شما ره (۴)



تصویر شما ره (۵)



تصویر میرزا آقاخان انصاری
نوری رهم ایوا الحسن شفقاری نقاشی در
رجب ۱۲۷۰ قمری

تصویر شما ره (۷)



تصویر شما ره (۶)

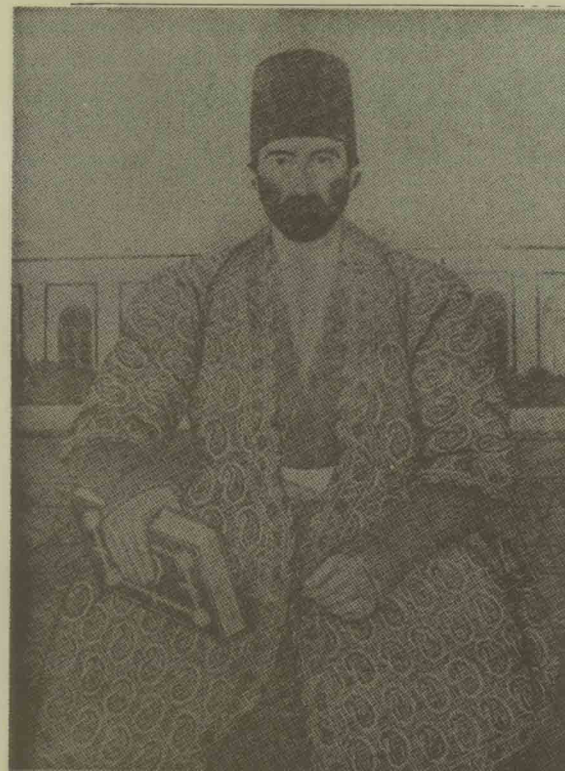


تصویر شما ره (۸)





تصویر شماره (۹)

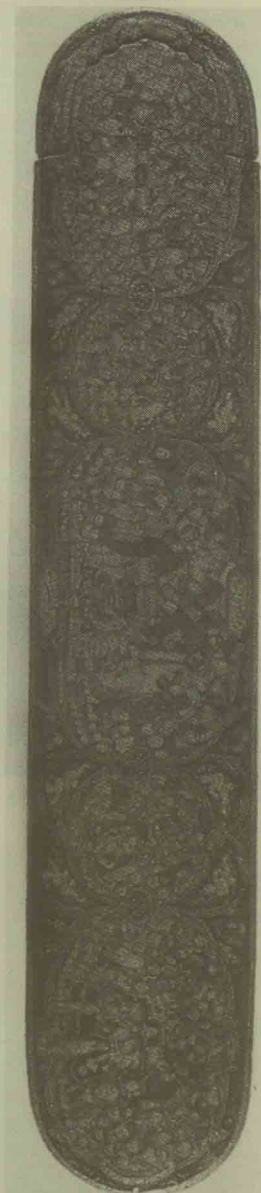


● تصویر یکی از رجال دوره قاجار اثر میرزا بزرگ نقشباشی اواخر قرن سیزدهم.

تصویر شماره (۱۰)



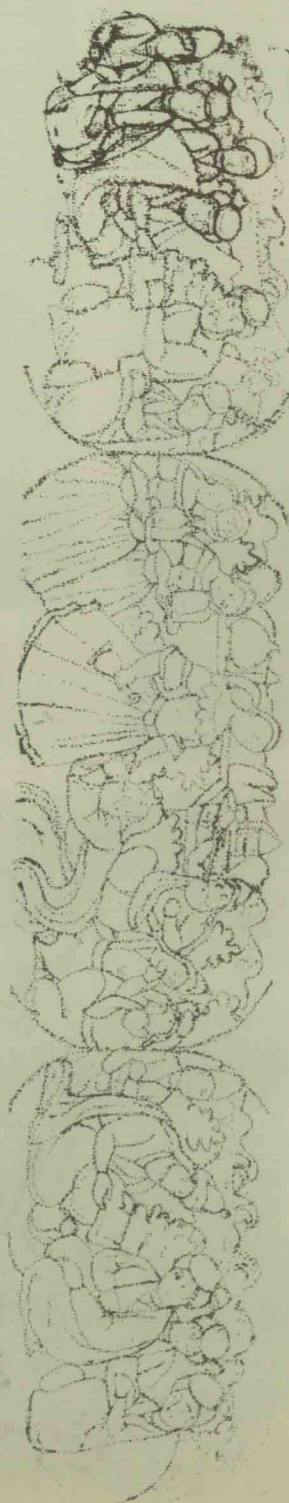
تصویر شماره (۱۱)



تصویر شماره (۱۲)



تصویر شماره (۱۳)



تصویر شماره (۱۴)



تصویر شماره (۱۵)



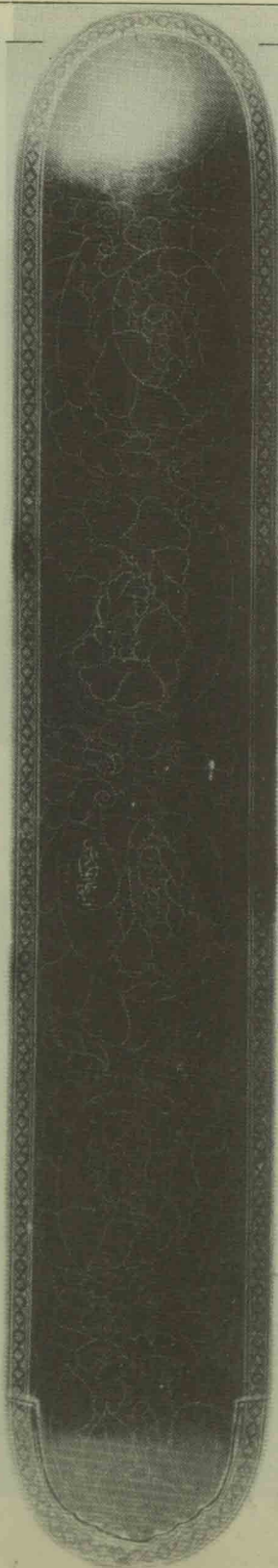
تصویر شماره (۱۶)



تصویر شماره (۱۷)



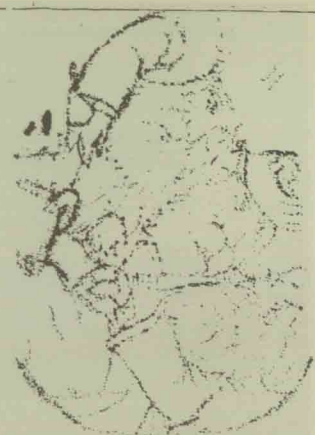
تصویر شماره (۱۸)



تصویر شماره (۲۱)

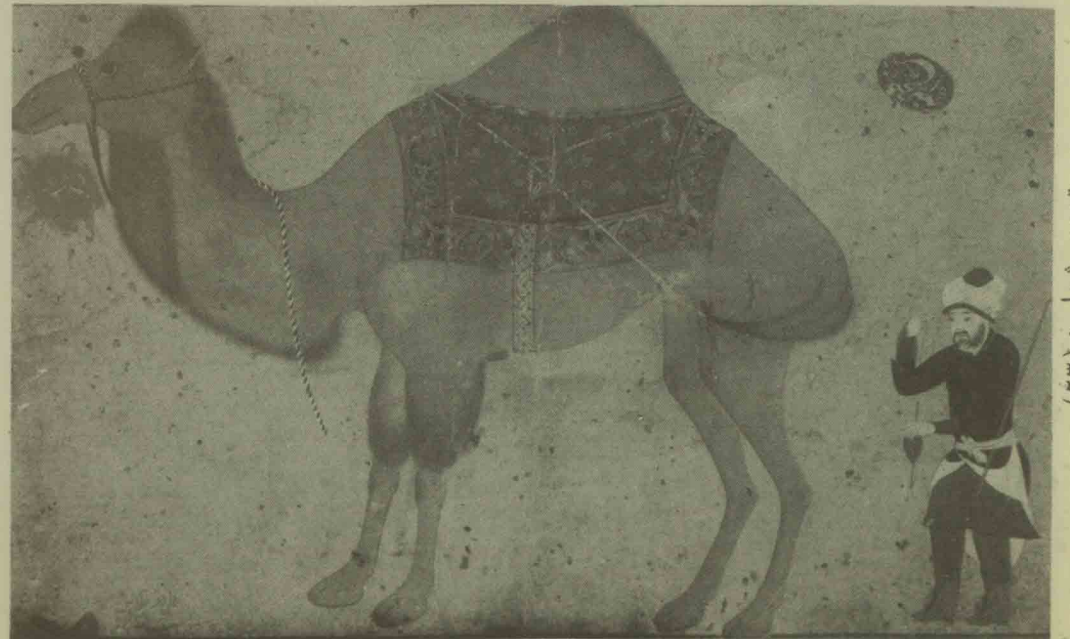


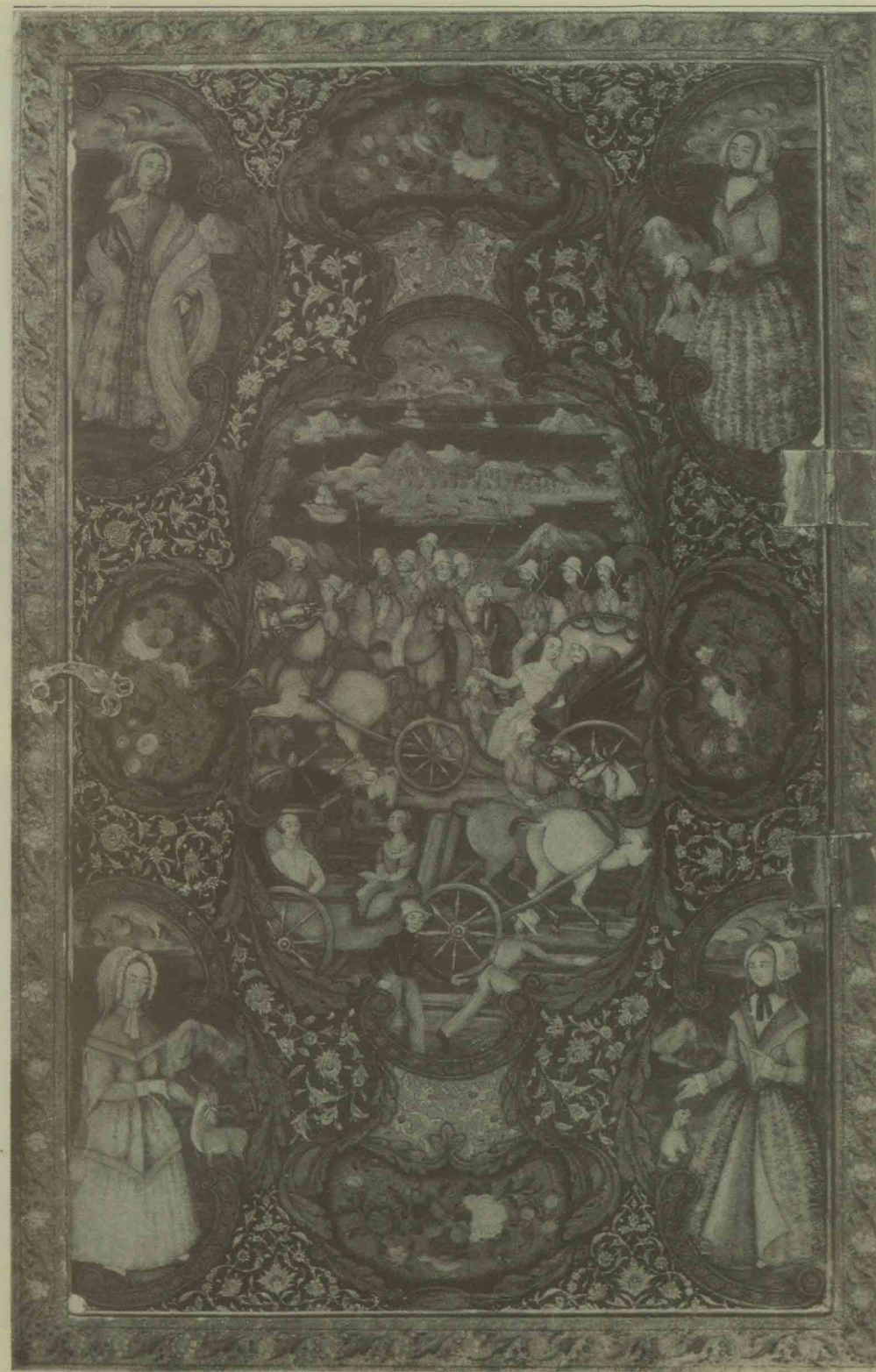
تصویر شماره (۲۰)



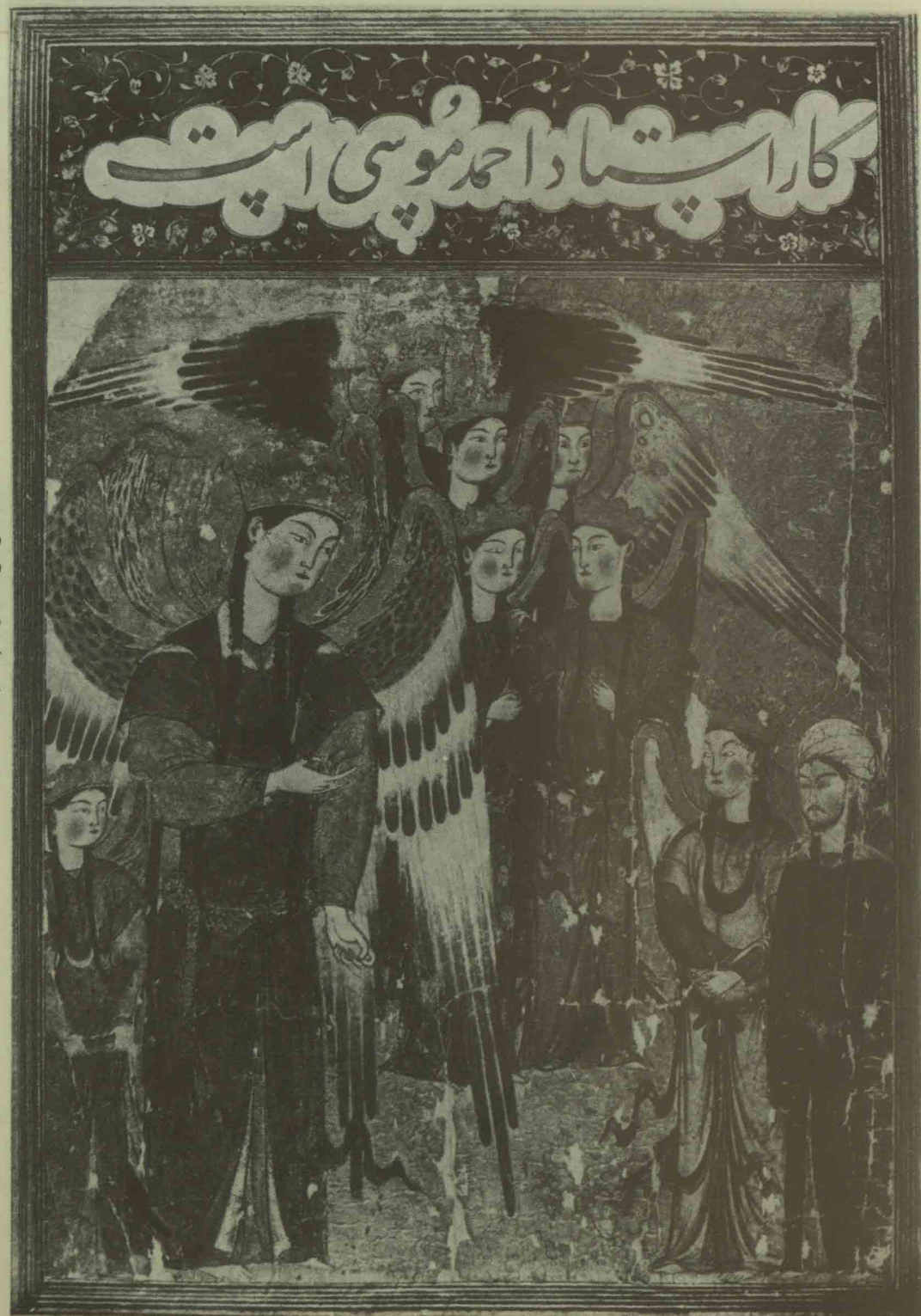
تصویر شماره (۱۹)







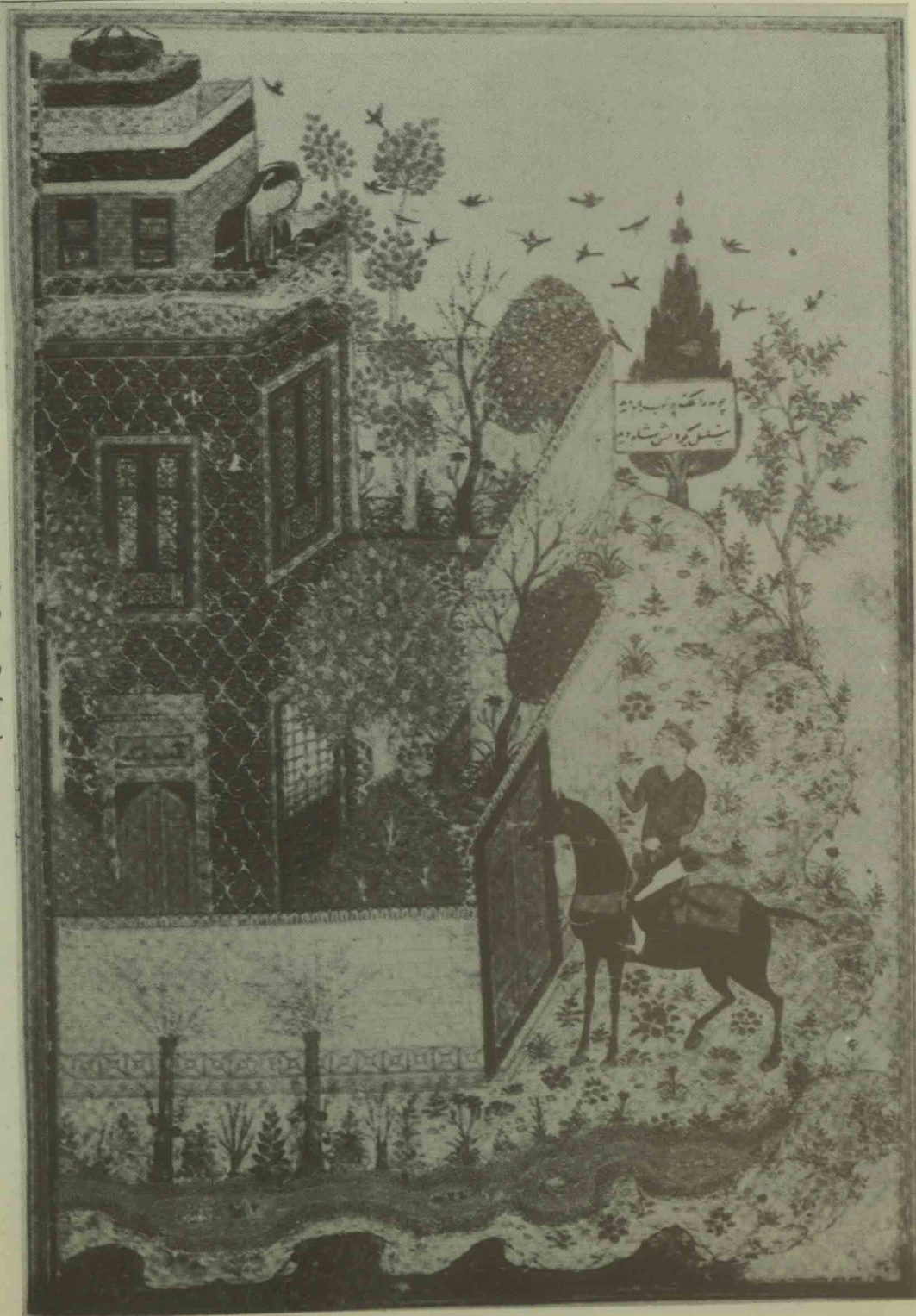
تصویر شماره (۲۵)



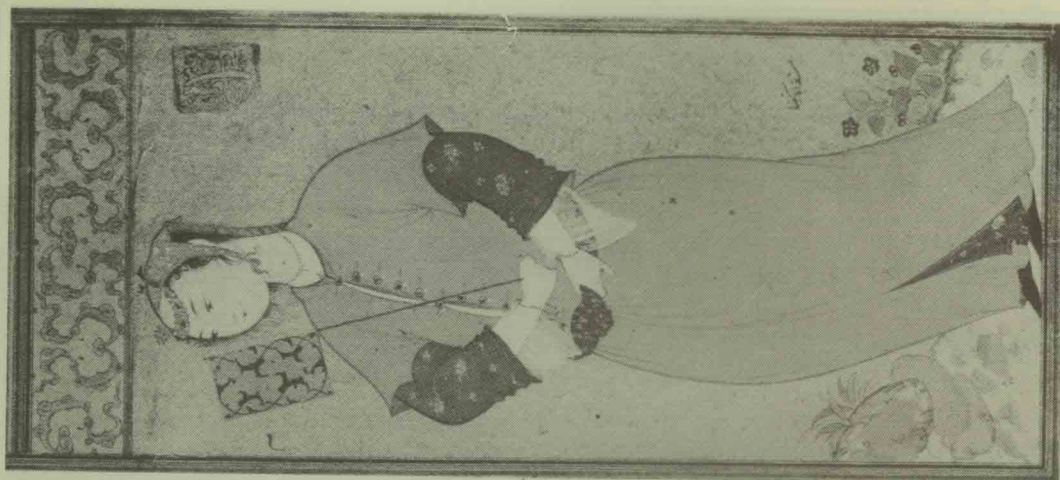
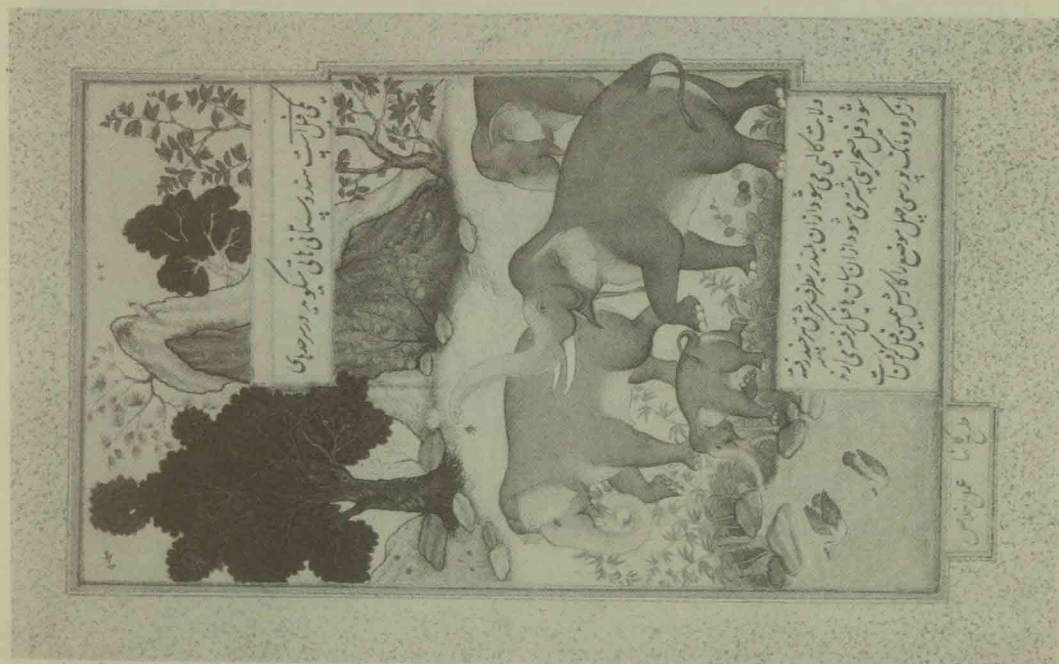
تصویر شماره (۲۶)



تصویر شما ره (۲۷)



تصویر شما ره (۲۸)

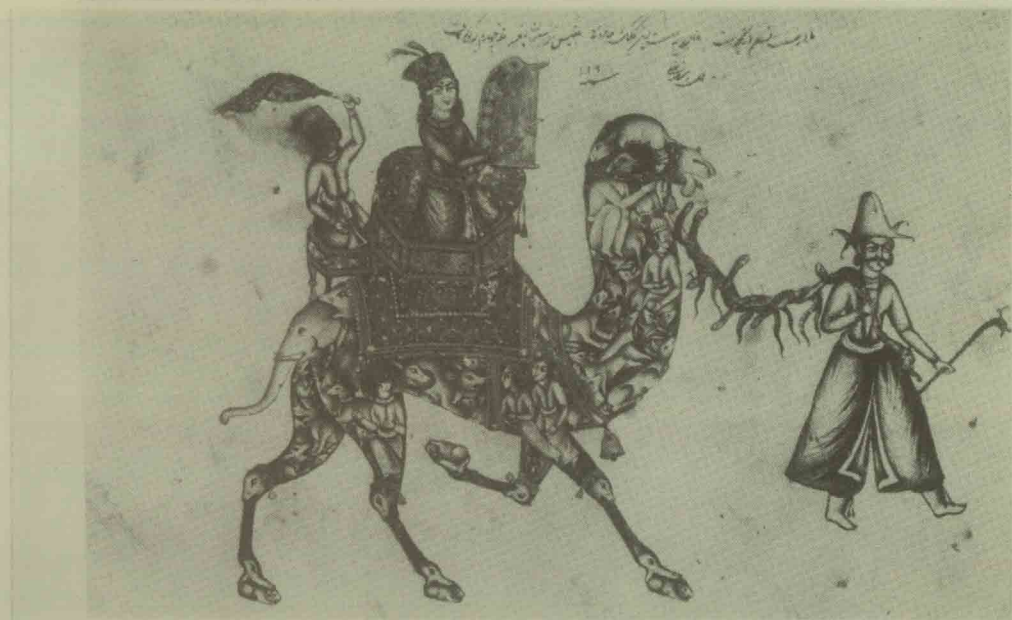


تصویر شما ره (۳۲)

تصویر شما ره (۳۱)







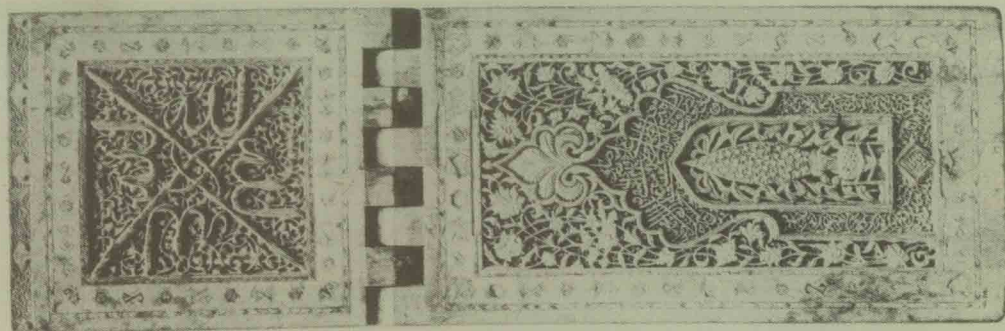
تصویر شماره (۴۰)



تصویر شماره (۴۱)



تصویر شماره (۴۲)

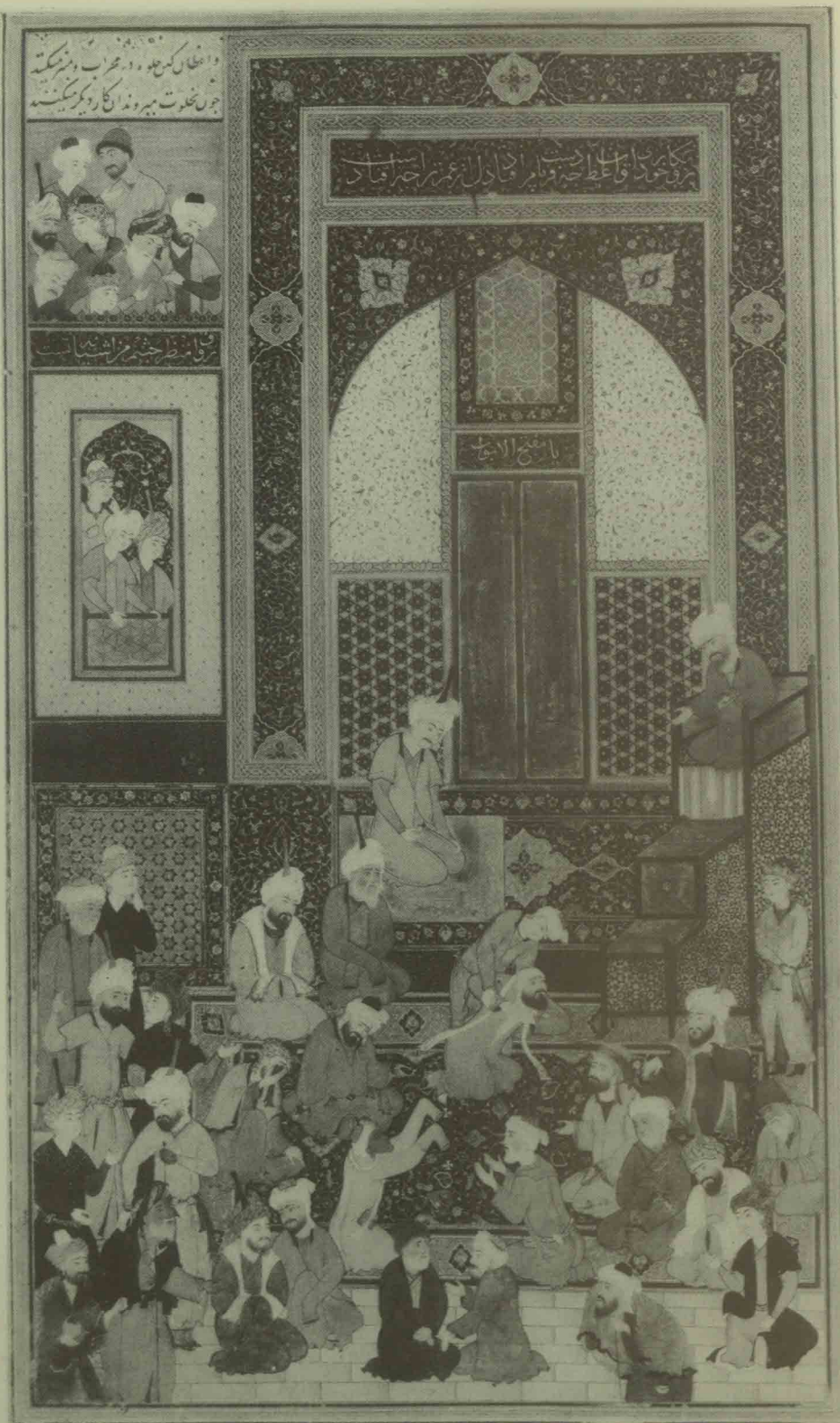


چون بلبل مست راه درستان فیت
روی گل و جام مایه را خندان فیت
آمد بزبان حال در گوشم گفت
دریاب! که عمر رفته را نتوان فیت
نقاشی از: استاد رسام اثری



فایز الله خیر میرزا

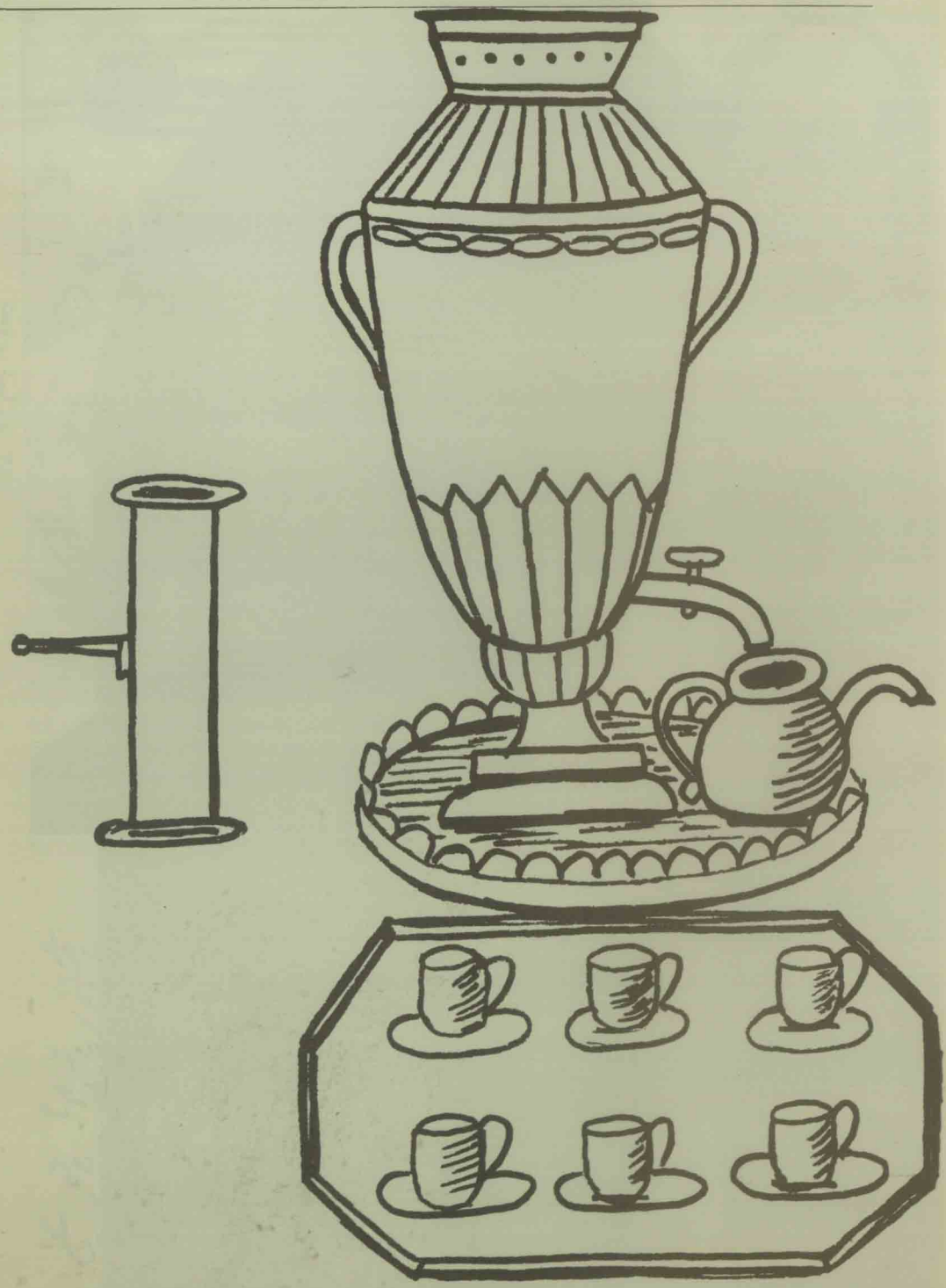
تصویر شماره (۴۸)



تصویر شماره (۴۹)



تصویر شماره (۵۰)





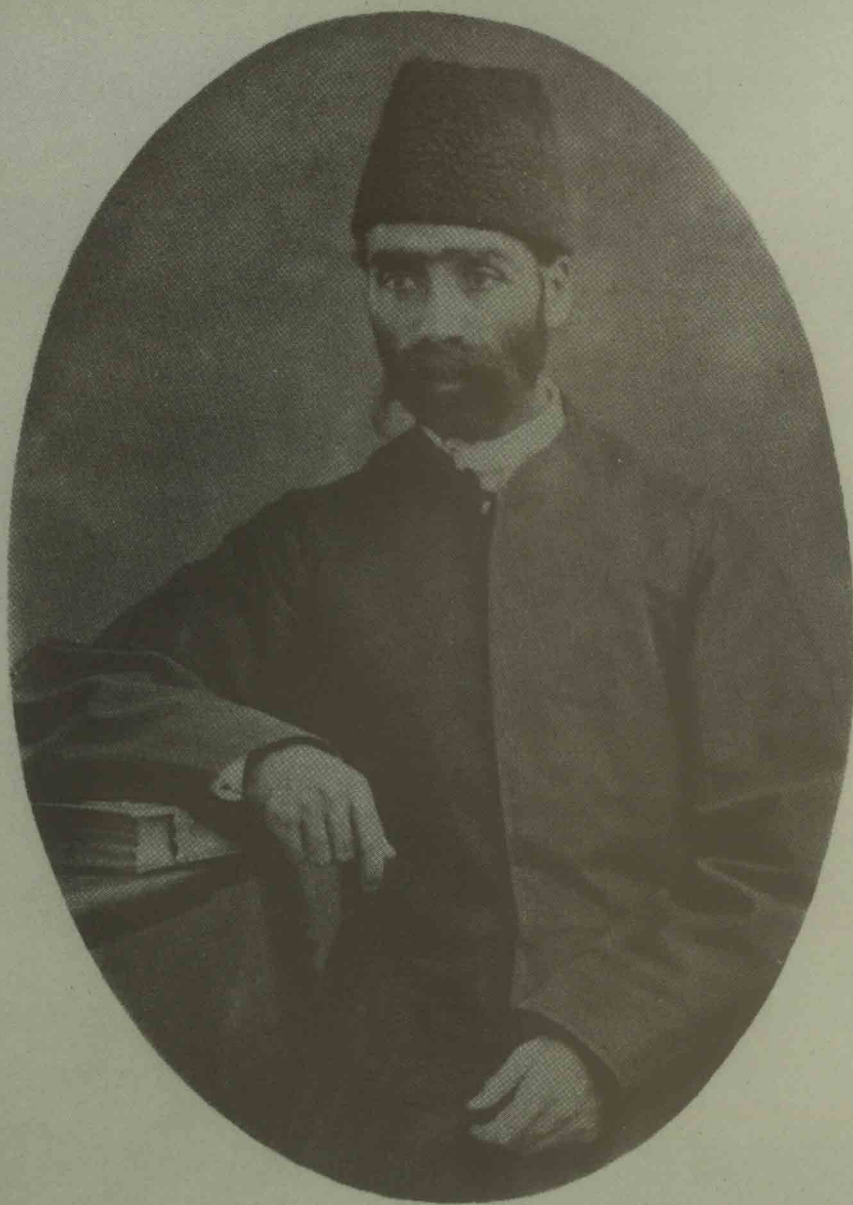
طاهره بانی نریغ علی علیش



تصویر شماره ۵۸



تصویر شماره ۵۹



یزدانی که در میان
تصویر شماره ۵۹



تصویر شماره ۶۰

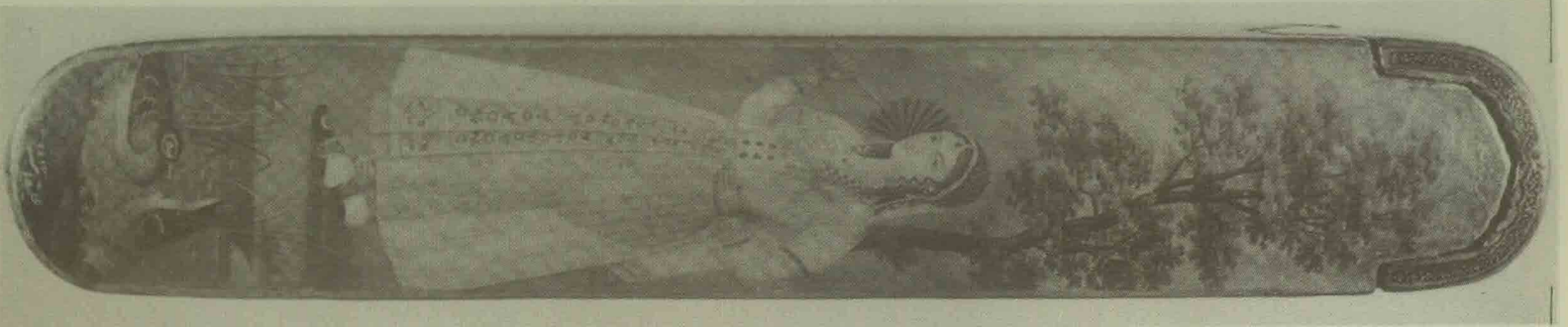


تصویر شماره ۶۱

تصویر شماره ۶۳



تصویر شماره ۶۲



БОЖЕЮ МОЛОСТЬЮ

ИМП. НИКОЛАЙ ВТОРЫЙ.

ИМПЕРАТОРЪ И САМОДЕРЖЕЦЪ ВСЕРОССИЙСКІЙ.

ЦАРЬ ПОЛЬСКІЙ. ВЕЛИКІЙ КНЯЗЬ ФИНЛЯДСКІЙ.

И ПРОЧІЙ И ПРОЧІЙ И ПРОЧІЙ.

Всё, что угодно, можно сделать, если только
имеется желание и сила. Всё, что угодно, можно
сделать, если только имеется желание и сила.
Всё, что угодно, можно сделать, если только
имеется желание и сила. Всё, что угодно, можно
сделать, если только имеется желание и сила.



Всё, что угодно, можно сделать, если только
имеется желание и сила. Всё, что угодно, можно
сделать, если только имеется желание и сила.
Всё, что угодно, можно сделать, если только
имеется желание и сила. Всё, что угодно, можно
сделать, если только имеется желание и сила.

Всё, что угодно, можно сделать, если только
имеется желание и сила. Всё, что угодно, можно
сделать, если только имеется желание и сила.
Всё, что угодно, можно сделать, если только
имеется желание и сила. Всё, что угодно, можно
сделать, если только имеется желание и сила.

Всё, что угодно, можно сделать, если только
имеется желание и сила. Всё, что угодно, можно
сделать, если только имеется желание и сила.
Всё, что угодно, можно сделать, если только
имеется желание и сила. Всё, что угодно, можно
сделать, если только имеется желание и сила.

میرزا عبدالمطلب مستشار



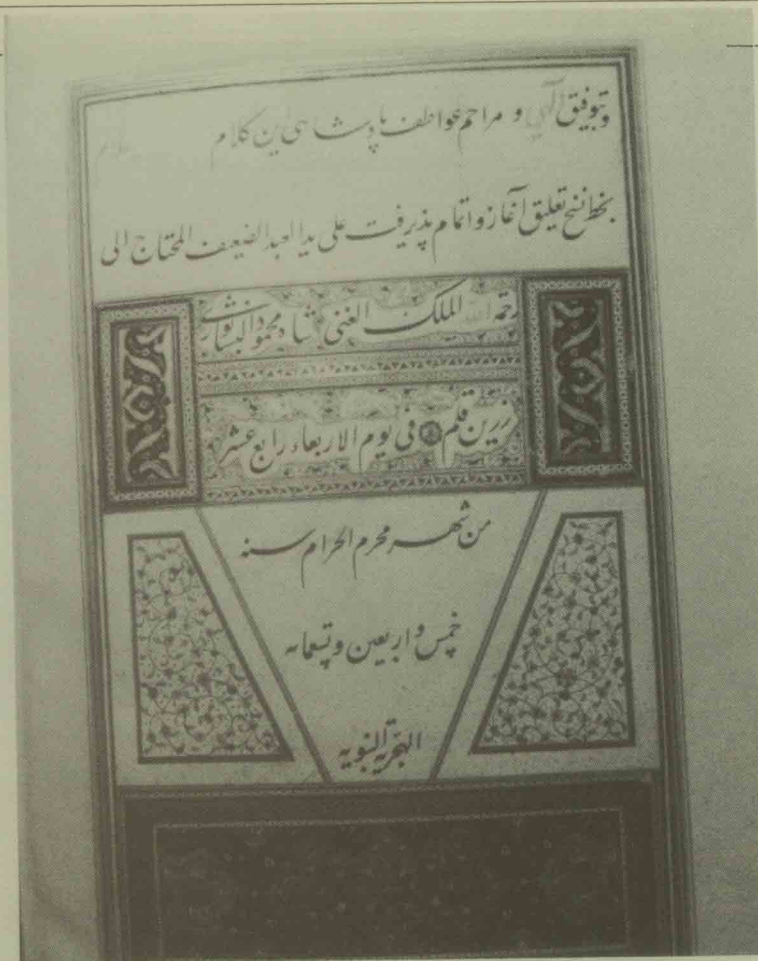
تصویر شماره ۶۴

تصویر شماره ۶۵



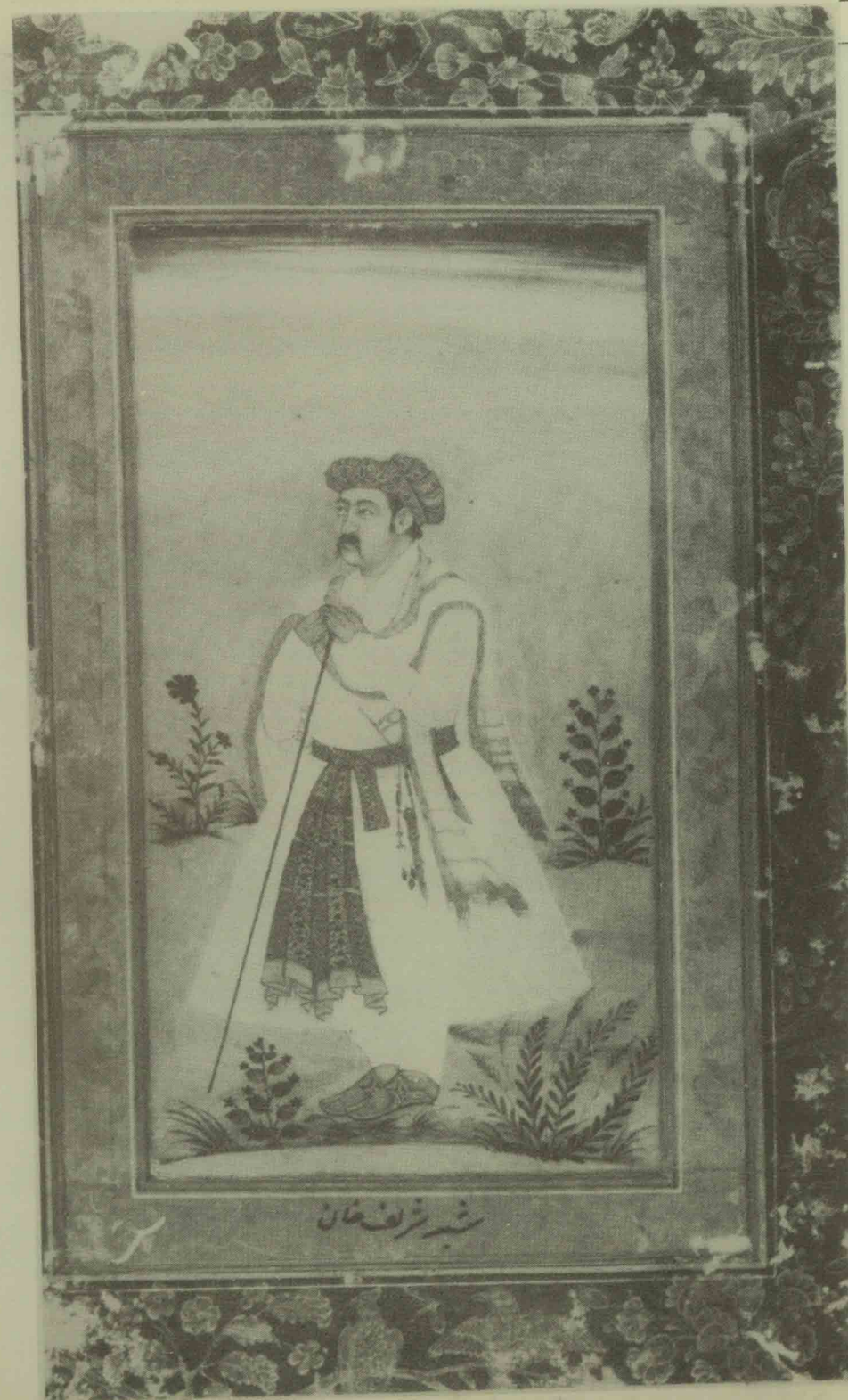
تصویر شماره ۶۶





Persian
Lacquer Box,
dated 1792.
(Mr. H. Field's
Collection.)





**THE LIVES & ART OF
OLD PAINTERS
OF IRAN**

AND

**A SELECTION OF MASTERS
FROM THE OTTOMAN
& INDIAN REGIONS**

**MOHAMMAD ALI
KARIMZADEH TABRIZI**

LONDON 1985

VOL 1